پانچ شد

باسمه تعالی

فهرستبرگه منابع چاپ سنگی - اداره مخطوطات

شماره ثبت: ۱۲۴۹۳

رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۷۷۳ م ۲۸۱ ز ۱۲۸۲ مرجع ☐

سرشناسه: مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، ۱۰۳۷-۱۱۱۱ق.

عنوان قراردادی:

عنوان: زاد المعاد

شرح پدیدآور:

کاتب: تاریخ کتابت:

محل نشر: [بی جا] ناشر: [بی نا] تاریخ نشر: ۱۲۸۲ق

صفحه شمار: ۱ج (بدون) مصور☐ درسی☐ گراور یا افست☐

زبان: فارسی ابعاد: ۱۷ × ۲۶ نوع خط: نسخ و نستعلیق

روش تهیه: وقفی☑ اهدایی☐ خریداری☐ ارسالی☐

واقف: محمدالباقر آیت اللهی شیرازی تاریخ ثبت: اسفند ۱۳۷۴

یادداشتها:

موضوع(ها): ۱. دعاها ۲. زیارتنامه‌ها.

شناسه(های) افزوده: الف. آیت اللهی شیرازی، محمدالباقر، واقف. ب. عنوان

فهرستگار: شیبانی تاریخ فهرستگاری: تیر ۷۸

١٠٤٧٢

آستان قدس
کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی
اسم کتاب زاد المعاد
مصنف
مؤلف علامه مجلسی (ره)
خطی
چاپی
سال چاپ یا تحریر سنگی ۱۲۸۲ عدد اوراق
جزء کتب ادعیه شماره خصوصی
شماره عمومی ۱۲۴۹۲ شماره قبض
واقف عبدالله ... تاریخ وقف اسفند ۷۴
طول ۲۶ عرض ۱۷ شماره صفحات

علی بن موسی الرضا علیهما السلام

... شیرازی

۱۰۴۷۶

محل تعیین عامه میرزا حسین خان بهجت صدارت نشد از دو صفحه مرحوم حسن ...

۲۲۴۴۸

از جناب شریعتمدار آقا میرزا سید محمد ناصر الملقب بعلم الهدی حفظه الله بهجت صدارت نیز ...

۱۲۰۳ ... ۱۲۰۴

موازی ... جناب ... تعبیه علی الاصح ... در تحت ... دیگر در تحت ... و ...

و شش دانگ ... متصرفی ... معظم و از حدی جنوب ... بالجمیع متعلقات ...

از قرار تحریر ... قمری ماه الاجاره معین مرضی الطرفین قدر ... اقرار ...

... معظم ... و ... العقد ... شد ...

... فسخ ... بعد ... معظم ... و از ...

و ایام ... و ... تعمیرات لازمه ملکی و متعلقات ... معظم ...

از ... جناب ... معظم ... داد ... الاجاره ... زمان ...

معین ... معظم ... قبل ... بینهما جاری ... و ...

[illegible]

بتاریخ یوم جمعه سیم شهر رمضان المبارک در دار العلم شیراز

در عمارت حاجی بابا [illegible] با جناب مستطاب سلالة السادات

آقا سید احمد [illegible] [illegible] که خدمت جناب معظم الیه

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۱ ۳ ۲ ۵

علی بن موسی الرضا علیهما السلام

[illegible] شیرازی

ماه رجب ۱۲ [illegible]

کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی

۲۹۷/۷۷۲
ز ۲۸۱ م
۱۲۲۹
۸۴۹۲۳

هو العزیز
نصر من الله وفتح قریب
وبشر المؤمنین هذا
الکتاب المسمی بزاد
المعاد

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی جعل العبادة وسیلة لنیل السعادة فی الآخرة والاولی والصلوة
ستایش مر خدای راست که گردانید عبادت را سبب برای رسیدن بنیکبختی در آنجهان و اینجهان و درود
علی سید الوری محمد وعترته ائمة الهدی اما بعد بنده خاطی محمد باقر بن محمد تقی عفی الله
بر آقای همه آفریده شده محمد و عترت او که پیشوایان هدایت‌اند
عن جرائمهما بر الواح ارواح صافیه برادران ایمانی
واخلاء روحانی مینگارد که چون جناب مقدس ایزدی تعالی شانه برای هدایت گم گشتگان
بوادی جهالت وضلالت طریق صوم وصلوة ودعا وعبادات که اشرف طاعات واقرب طرق نیل
سعادات‌اند مقرر گردانیده واز حضرت رسول خدا وائمه هدی صلوات الله علیه وعلیهم اجمعین
ادعیه واعمال بسیار منقول گردیده که کتب علما مشحون است از آنها واینجانب در اخبار ائمه اطهار علیهم
صلوات الله الملک الغفار اکثر آنها را در کتاب بحار الانوار ایراد نموده‌ام واکثر خلق را باعتبار اشتغال بانواع
اشتغالات دنیویه وغیرها تحصیل آنها وعمل بجمیع آنها میسر نیست خواستم منتخبی از اعمال سال وفضائل ایام
ولیالی شریفه واعمال آنها که باسانید صحیحه ومعتبره وارد شده است در این رساله ایراد نمایم که عامه خلق از
برکات آنها محروم نباشند وشاید این بنده عاصی را بدعای مغفرت یاد نمایند ومسمی گردانیدم آنرا
بزاد المعاد عسی الله ان یهدینا وایاهم الی سبیل الرشاد وچون اتمام این رساله وآغاز وانجام
اینمجاله در زمان دولت عدالت نشان سلطنت سعادت آثار اعلی حضرت سلاطین زمان و
سرور خواقین دوران شاهزاده اورنگ ملت ودین نقاوه احفاد سید المرسلین آب ورنگ گلستان

شماره ثبت ۱۳۲۹۱
تاریخ خرداد ۲۵

مصطفوی

وقف ... حضرت ثامن الحجج علی بن موسی الرضا علیهما السلام

مصطفوی چشم و چراغ دودمان مرتضوی سلطان جم خدم و خاقان فرشته حشم شجاعت دستی
که تیغ آبدارش سر از سرهای کفار برهنه بسوی دار البوار و حسام آتشبارش برای خرمن حیات مخالفان
و معاندان مصدوقه یرسل علیکما شواظ من نار دستهای داعیان مزید رفعتشان در آستان
رفیع البنیانش با کف الخضیب همدستان و خروش صوفیان صفوت نشان بزمزمه دعاء خلود دولت
ابد توامانش با عندلیبان اغصان سدرة المنتهی همداستان هرکه تیغ خلاف از نیام کین برکشید چون
بید بر خود بلرزید و هر که چهار آینه نفاق در بر کشید صورت مرگ خود را در آن دید گره جبین قهرش عقده
کشای گرههای کار بستگان کشادگی کف دریا نوالش سحاب مزارع املهای پژمردگان مؤسس قواعد ملت
و دین مروج شریعت با طاهرین حیاض ساحت درگاه خلایق پناهش از تقبیل شفاه سلاطین زمان پر بود
خواقین دودمان در صبح و مساء در عزت و جلالش تر زبان بنکته قد مسنا الضر ایها العزیز اعنی السلطان الاعظم
والخاقان الاعدل الاکرم ملجا الاکاسرة و ملاذ القیاصرة محیی مراسم الشریعة الغراء و مشید قواعد الملة
البیضاء السلطان بن السلطان والخاقان بن الخاقان الشاه سلطان حسین الموسوی الحسینی الصفوی بهادر
خان لا زالت رایات دولته مرفوعة و هامات اعدائه مقموعة میسر گردید تحفه آن بارگاه خلایق امیدگاه
گردانیده امید که مقبول طبع اشرف گردد و آن اعلیحضرت از فوائد آن منتفع گردند بمحمد و آله الطاهرین و
الله الموفق و المعین و آن مشتملست بر چهار باب و خاتمه **باب اول** در فضایل و اعمال ماه رجب است و آن مشتمل بر
پنج فصل است **فصل اول** در بیان فضایل این ماه و عبادات است بدانکه این ماه و ماه شعبان و ماه رمضان بهترین
ماههای سالند و از حضرت رسالت پناه صلعم منقولست که هر که ماه رجب و شعبان را بیابد و وصل نماید روزه این دو ماه
را بروزه ماه مبارک رمضان این ماههای مبارک در روز قیامت گواهان او باشند نزد خدا و در آن روز منادی
از افق اعلا ندا کند که ای رجب و شعبان و ماه رمضان چگونه بوده است عمل این بنده در شما و طاعت او از
برای خدا همه این ماهها گویند که این بنده توشه گرفت در ماها برای طاعت تو و استمداد فضل و رحمت
تو نمود و سعی بسیار در طلب خوشنودی تو نمود و تا توانست اهتمام در تحصیل محبت تو نمود پس گواهی دهند ملائکه
که موکلند بر این ماهها که ما نیز یافتیم این بنده را مکرر طلب کننده طاعت و خوشنودی تو و امیدوار رحمت و آمرزش
تو بود و آنچه را نهی کرده بودی ترک کرد و از آنچه طلبیده بودی بسوی آنها مسارعت نمود و روزه کامل از برای تو
داشت و شکم و فرج و چشم و گوش و سایر جوارح او از آنچه بر او حرام کرده بودی اجتناب کرد و روزها را بتشنگی
بشب رسانید و در شبها خود را بتعب افکند برای بندگی تو و تصدق بفقرا و مساکین بسیار کرد و احسان
نسبت بایشان بسیار نمود و با این ماهها مصاحبت نیکو کرد و چون از اینها جدا شد وداع نیکو کرد و بعد از
رفتن اینها پیرامون محرمات تو نگردید و نیکو بنده بود پس خدا فرماید ببرید این بنده را بسوی بهشت و استقبال
کنند او را ملائکه خدا بتحفه‌ها و کرامتها و او را بر شتران و اسبان نور سوار کنند و ببرند بسوی نعمتی که هرگز زوال ندارد
و خانه که فانی نمیشود و سرائی که جوانانش پیر نمیشوند و شادی و خوشحالی آن زوال ندارد و هرگز ایشان را
تعب نمیباشد و از عذاب ایمن میگردند و مشقت حساب از برای ایشان نیست و ایضا از آنحضرت منقولست که ماه رجب
ماه بزرگ خداست و ماهی در حرمت و فضیلت بآن نمیرسد و قتال با کافران در اینماه حرامست و رجب ماه خداست و شعبان

باب اول

ماه من است و رمضان ماه امت من است کسی که یک روز از ماه رجب را روزه بدارد مستوجب خوشنودی بزرگ
خدا گردد و غضب الهی از او دور گردد و دری از درهای جهنم بر روی او بسته گردد و بسند معتبر از حضرت
موسی بن جعفر علیهما السلام منقولست که هر که یک روز از ماه رجب را روزه دارد آتش جهنم یکساله راه از او دور گردد
و هر که سه روز از آن روزه دارد بهشت از برای او واجب گردد و ایضاً فرمود که رجب نام نهریست در بهشت
از شیر سفیدتر و از عسل شیرین‌تر هر که یک روز از ماه رجب را روزه دارد البته از آن نهر بیاشامد و بسند معتبر از
حضرت صادق ع منقولست که حضرت رسول ص فرمود که ماه رجب ماه استغفار امت منست پس بسیار در این ماه طلب آمرزش
کنید که خدا آمرزنده و مهربانست و رجب را اصب میگویند زیرا که رحمت خدا در این ماه بر امت من بسیار ریخته میشود پس
بسیار بگوئید اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ وَ اَسْئَلُهُ التَّوْبَةَ و بسند معتبر از حضرت صادق ع منقولست که هر که سه روز از ماه رجب را
روزه بدارد بهر روز ثواب روزه یکسال برای او بنویسند و هر که هفت روز از آن روزه بدارد هفت در جهنم بر روی
او بسته گردد و هر که هشت روز از آن روزه بدارد هشت در بهشت بر روی او گشاده گردد و هر که پانزده روز
از آن روزه بدارد خدا حسابش را آسان کند و هر که جمیع ماه رجب را روزه بدارد خدا خوشنودی خود را برای او بنویسد
و هر که خدا خوشنودی خود را برای او بنویسد هرگز او را عذاب نکند ابن بابویه بسند معتبر از سالم روایت کرده
است که گفت رفتم بخدمت حضرت صادق ع در آخر ماه رجب که چند روز از آن مانده بود چون نظر مبارک آنحضرت
بر من افتاد پرسید که آیا روزه گرفته در این ماه گفتم نه والله یا ابن رسول الله فرمود که آنقدر ثواب از تو فوت
شده است که قدر آنرا بغیر از خدا کسی نمیداند بدرستیکه این ماهیست که خدا آنرا بر ماههای دیگر فضیلت داده
است و حرمت آنرا عظیم گردانیده است و برای روزه داشتن آن گرامی داشتن را بر خود واجب گردانیده است پس گفتم
یا ابن رسول الله اگر در باقی مانده این ماه روزه بدارم آیا ببعضی از ثواب روزه داران آن فایز میگردم فرمود که ای سالم
هر که یک روز از آخر این ماه روزه بدارد خدا او را ایمن گرداند از شدت سکرات مرگ و از عذاب قبر و هر که دو روز از
آخر این ماه روزه بدارد بر صراط بآسانی بگذرد و هر که سه روز از آخر این ماه را روزه بدارد ایمن گردد از ترس بزرگ روز قیامت
و از شدتها و هولهای آن روز و برات بیزاری از آتش جهنم باو عطا فرماید و ایضاً از حضرت امیر المؤمنین ع روایت کرده
است که هر که یک روز از اول ماه رجب یا از وسط آن یا از آخر آن روزه بدارد گناهان گذشته اش آمرزیده شود و هر که
سه روز از اول یا وسط یا آخر ماه رجب را روزه بدارد گناهان گذشته و آینده اش آمرزیده شود و هر که یک شب از این ماه را
احیا کند خدا او را از آتش جهنم آزاد گرداند و قبول کند شفاعت او را در حق هفتاد هزار مرد گناهکار و هر که در این ماه تصدقی از برای
خدا بکند خداوند غفار در بهشت نعمتی چند باو عطا فرماید که چشمی ندیده و گوشی نشنیده باشد و بر خاطر کسی
خطور نکرده باشد و ایضاً بسند معتبر از حضرت صادق ع روایت کرده است که چون روز قیامت شود منادی از میان
عرش ندا کند که کجایند رجبیون پس گروهی برخیزند که نور رویهای ایشان جمیع محشر را روشن گرداند و تاج پادشاهی بر
سر ایشان باشد که مکلل باشد بمروارید و یاقوت و با هر یک از ایشان هزار ملک بوده باشد از جانب راست و هزار
ملک از جانب چپ و همه او را ندا کنند که گوارا باد ترا کرامتهای خدا ای بنده خدا پس خداوند رحمن ندا کند ایشان را که ای
بندگان و کنیزان من بعزت و جلال خود سوگند یاد میکنم که شما را در مأوای نیکو ساکن گردانم و عطاهای شما را
بزرگ گردانم و عطا کنم بشما از بهشت غرفها که نهرها در زیر آنها جاری باشد و همیشه در آن غرفها باشید نیکو مزد است

رد

مرد کارکنان از برای من بی آنکه بر شما واجب کردانم روزه داشتید از برای من در ماهی که حرمت آن را عظیم کردانیده
بودم و حق او را واجب ساخته بودم ابدا آنکه من بندگان و کنیزان مرا داخل بهشت کردانید پس حضرت فرمود که این
ثوابها همه برای کسیست که چیزی از ماه مبارک رجب را روزه دارد اگر چه یک روز باشد از اولش یا میانش یا آخرش و بسند
معتبر از حضرت امام رضا روایت کرده است که هر که روز اول ماه رجب را روزه دارد خدا در روز قیامت از او خوشنود
باشد و هر که دو روز از رجب روزه دارد بخدا بغایت خوشنود و راضی کردد و هر که سه روز از رجب روزه دارد خداوند
کریم از او راضی کردد و خصمان او را از او راضی کرداند در قیامت و هر که هفت روز از رجب روزه بدارد
چون بمیرد درهای هفت آسمان برای روح او کشوده شود تا بملکوت اعلی برسد و هر که هشت روز
از رجب روزه بدارد هشت در بهشت بر روی او کشوده شود و هر که پانزده روزه بدارد هر حاجت که از خدا
بطلبد برآورده مکر آنکه سؤال او برای کناهی باشد یا متضمن قطع رحم باشد و هر که تمام ماه را روزه بدارد
از کناهان بیرون آید مانند روزی که از مادر متولد شده باشد و از آتش جهنم آزاد کردد و داخل بهشت شود
با برکزیدکان و نیکوکاران و احادیث در این باب بسیار است و این رساله کنجایش ذکر آنها ندارد فصل دویم
در بیان اعمالیست که کسیکه از روزه عاجز باشد یا بر او دشوار باشد بعوض آن بعمل آورد و در بعضی
از روایات معتبره وارد شده است که بدل از روزه مستحب یکدرهم تصدق کند که موافق زرهای این زمان
تقریبا هفت دینار بوده باشد و بروایت دیکر عوض روزه یک مد کندم یا جو وارد شده است و احوط در مد صد درم
شاه است و ظاهرا صد درم کهنه کافی باشد و در روایتی در خصوص روزه ماه مبارک رجب یک کرده نان نیز
وارد شده است که اکر قادر بر روزه نباشد حمل کرده اند بر کسیکه پریشان باشد و قادر بر درهم و مد نباشد
و ایضا در خصوص روزه این ماه از حضرت رسول وارد شده است که بعوض روزه اکر قادر بر آن نباشد هر روز
صد مرتبه این تسبیح را سُبْحَانَ الْإِلٰهِ الْجَلِيلِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ إِلَّا لَهُ سُبْحَانَ الْأَعَزِّ
پاکست خدای بزرکوار پاکست آنکه سزاوار نیست پاکی را مکر برای او پاکا آنکه غالب ترو
بخواند تا ثواب روزه را بیابد
الْأَكْرَمِ سُبْحَانَ مَنْ لَبِسَ الْعِزَّ وَهُوَ لَهُ أَهْلٌ و در روایات معتبره وارد شده است که هر که بمنزل برادر
کرامی تراست پاکا آنکه پوشیده لباس عزت ترا و او مر او را سزاوار است
مؤمن خود وارد شود و قصد روزه سنت کرده باشد
و او طعامی حاضر سازد و او را تکلیف کند ثواب افطار کردن زیاده از ثواب روزه داشتن است بهفتاد برابر
و اکر اظهار نکند که روزه ام ثوابش بیشتر است و برابر یکساله روزه است و نیز روزه سنت داشتن بی رخصت
شوهر و غلام و کنیز را بی رخصت پدر و مادر و مهمان را بی رخصت میزبان و مهماندار را بی رخصت مهمان را آنچه پیش
ظاهر میشود که خوب نیست و مشهور میان علما آنست که روزه سنت مملوک بدون اذن مالک باطلست
و همچنین روزه سنت زن بی رخصت شوهر صحیح نیست و در پدر و مادر مشهور آنست که روزه سنت فرزند
بدون اذن ایشان مکروهست و باطل نیست و بعضی کفته اند بی رخصت پدر باطلست و احوط آنست که بدون
اذن پدر و مادر روزه سنت ندارد و در روزه سنت مهمان بی رخصت مهماندار نیز خلافست و احوط
آنست که مهمان و مهماندار هیچیک بی رخصت دیکری روزه مستحب ندارند اکر چه ظاهر آنست که مکروهست فصل سیم
در بیان اعمال هر شب و هر روز است بسند معتبر منقولست که حضرت امام زین العابدین در روز اول ماه رجب این دعا را

میخوانند و علما ذکر کرده اند که در هر شب و روز سنت است یا من یملک حوائج السائلین و یعلم ضمیر الصامتین لکل مسئلة

ای کسی که مالک است حاجتهای خواهشمندان را و میداند نهانی خاموشان را برای هر سوالی

منک سمع حاضر و جواب عتید اللهم و مواعیدک الصادقة و ایادیک الفاضلة و رحمتک

از تو شنوائی حاضر است و جوابی آماده خداوندا وعدهای تو راست است و نعمتهای تو زیاد و رحمت تو

الواسعة فاسئلک ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تقضی حوائجی للدنیا و الآخرة

فراخ است پس درخواهم ترا که رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه برآوری حاجتهای مرا در دنیا و آخرت

انک علی کل شیء قدیر و بسند معتبر منقولست که حضرت صادق ع خاب الوافدون علی غیرک و خسر

بدرستیکه تو بر همه چیز توانائی در هر روز از ماه رجب این دعا را میخواندند ناامید شدند واردون بر غیر تو و زیان کردند

المتعرضون الا لک و ضاع الملمون الا بک و اجدب المنتجعون الا من انتجع فضلک بابک

متوجه شدگان مگر بر تو و ضایع شدند بندگان مگر بتو و قحطی رسیدند طالبان مگر آنکه طلب کرد بخشش ترا درگاه تو

مفتوح للراغبین و خیرک مبذول للطالبین و فضلک مباح للسائلین و نیلک

گشاده است برای خواهشمندان و خیر تو بخشیده شده برای طلبکاران و بخشش تو حلال است برای خواهندگان و رسیدن تو

متاح للآملین و رزقک مبسوط لمن عصاک و حلمک معترض لمن ناواک عادتک الاحسان

مقدر شده برای آرزومندان و روزی تو پهن شده برای آنکه نافرمانی کند و بردباری تو فراپیش است برای آنکه قصد کرد ترا و شیوه تو نیکی است

الی المسیئین و سبیلک الابقاء علی المعتدین اللهم فاهدنی هدی المهتدین و ارزقنی اجتهاد

بسوی بدکاران و طریقه تو مدارا و رحم است بر سرکشان خداوندا هدایت کن مرا بهدایت راه یافتگان و روزی کن مرا سعی کردن

المجتهدین و لا تجعلنی من الغافلین المبعدین و اغفر لی یوم الدین و ایضا بسند معتبر منقولست که

سعی کنندگان و مگردان مرا از بیخبران دور شدگان و بیامرز مرا در روز جزا محمد بن ذکوان بخدمت حضرت

صادق ع عرض کرد که فدای تو شوم این ماه رجبست مرا دعائی تعلیم نما که خدا مرا بآن نفع بخشد حضرت

فرمود که در هر روز از ماه رجب در صبح و پیشین و بعد از همه نمازها در شب و روز این دعا را بخوان اینست

یا من ارجوه لکل خیر و آمن سخطه عند کل شر یا من یعطی الکثیر بالقلیل یا من یعطی من

ای آنکه امید دارم او را برای هر نیکی و ایمنم از خشم او نزد هر بدی ای آنکه عطا کند بسیار را بکم ای آنکه عطا کند هر که

سئله یا من یعطی من لم یسئله و من لم یعرفه تحننا منه و رحمة اعطنی بمسئلتی ایاک

سوال کند او را و هر که نشناسد او را مهربانی از او و رحمتی عطا کن مرا بسوال من ترا

جمیع خیر الدنیا و جمیع خیر الآخرة و اصرف عنی بمسئلتی ایاک جمیع شر الدنیا و شر الآخرة

همه خیر دنیا و همه خیر آخرت و بگردان از من بسوال من ترا همه بدی دنیا و بدی آخرت

فانه غیر منقوص ما اعطیت و زدنی من فضلک یا کریم پس حضرت ریش مبارک خود را بدست چپ

پس بدرستیکه او کم نکند آنچه تو عطا کنی و بیفزا مرا از فضل خود ای بزرگوار گرفتند و انگشت سبابه دست راست خود را

بجانب راست و چپ حرکت میدادند و این دعا را میخواندند یا ذا الجلال و الاکرام یا ذا النعماء و الجود یا ذا المن و الطول حرم

ای خداوند بزرگوار و کرم ای صاحب عطا و جود ای صاحب عطا و احسان حرام کن

شیبتی علی النار و دست برنداشتند تا آب دیده اش ترشد شیخ طوسی بسند معتبر روایت کرده است

پیری مرا از آتش که حضرت صادق ع بمعلی بن خنیس گفت که در ماه رجب این دعا را بخوان اللهم خداوندا

اِنّی اَسْئَلُكَ صَبْرَ الشّاكِرینَ لَكَ وَعَمَلَ الْخائِفینَ مِنْكَ وَیَقینَ الْعابِدینَ لَكَ اَللّهُمَّ اَنْتَ الْعَلِیُّ
بدرستیکه سؤال میکنم تورا صبر شکرگذاران مر ترا و عمل ترسناکان از تو و یقین پرستندگان مر تورا خدایا توئی بلند مرتبه
الْعَظیمُ وَاَنَا عَبْدُكَ الْبائِسُ الْفَقیرُ وَاَنْتَ الْغَنِیُّ الْحَمیدُ وَاَنَا الْعَبْدُ الذَّلیلُ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَامْنُنْ بِغِناكَ عَلی فَقْری وَبِحِلْمِكَ عَلی جَهْلی وَبِقُوَّتِكَ عَلی ضَعْفی یا قَوِیُّ یا عَزیزُ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْاَوْصِیاءِ الْمَرْضِیّینَ وَاكْفِنی ما اَهَمَّنی مِنْ اَمْرِ الدُّنْیا وَالْآخِرَةِ یا اَرْحَمَ
و آل او وصیهای پسندیدگان و دفع کن از من آنچه غمگین کند از امر دنیا و آخرت ای بخشنده تر
الرّاحِمینَ واز روایت سید بن طاوس ظاهر میشود که این دعا جامع ترین دعاها است و در هر وقت میتوان
بخشندگان
خواند و شیخ طوسی و سید و دیگران بسندهای معتبر از حضرت صاحب الامر روایت کرده اند که سنت است
در هر روز ماه مبارک اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِالْمَوْلُودَیْنِ فی رَجَبٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ الثّانی وَابْنِهِ عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدٍ
رجب این دعا بخوانند خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بحق فرزندان در ماه رجب محمد پسر علی دویم و پسر او علی پسر محمد
الْمُنْتَجَبِ وَاَتَقَرَّبُ بِهِما اِلَیْكَ خَیْرَ الْقُرَبِ یا مَنْ اِلَیْهِ الْمَعْرُوفُ طُلِبَ وَفیما لَدَیْهِ رُغِبَ اَسْئَلُكَ
برگزیده و نزدیکی میجویم بآن دو بسوی تو بهتر نزدیکیها ای آنکه بسوی او نیکی طلب کرده شده و در آنچه نزد او رغبت شده میخواهم از تو
سُؤالَ مُقْتَرِفٍ مُذْنِبٍ قَدْ اَوْبَقَتْهُ ذُنُوبُهُ وَاَوْثَقَتْهُ عُیُوبُهُ فَطالَ عَلَی الْخَطایا دُؤُوبُهُ وَمِنَ الرَّزایا
خواستن عاجز گنهکار و بتحقیق که هلاک کرده باشد اورا گناهان او و بسته باشد اورا عیبهای او پس بطول انجامیده بر گناهان کوشش او و از مصیبتها
خُطُوبُهُ یَسْئَلُكَ التَّوْبَةَ وَحُسْنَ الْاَوْبَةِ وَالنُّزُوعَ عَنِ الْحَوْبَةِ وَمِنَ النّارِ فَكاكَ رَقَبَتِهِ وَالْعَفْوَ عَمّا فی
امور عظیمه میخواهد از تو توبه و نیکی رجوع و ایستادن از گناهان و از آتش آزاد کردن او و درگذشتن از آنچه در
رِبْقَتِهِ فَاَنْتَ یا مَوْلایَ اَعْظَمُ اَمَلِهِ وَثِقَتِهِ اَللّهُمَّ وَاَسْئَلُكَ بِمَسائِلِكَ الشَّریفَةِ وَوَسائِلِكَ
گردن او پس تو ای آقای من بزرگترین آرزوی او و اعتماد او خداوندا سؤال میکنم ترا بسؤالهای تو بلند و وسیلهای تو
الْمُنیفَةِ اَنْ تَتَغَمَّدَنی فی هذَا الشَّهْرِ بِرَحْمَةٍ مِنْكَ واسِعَةٍ وَنِعْمَةٍ وازِعَةٍ وَنَفْسٍ بِما رَزَقْتَها قانِعَةٍ
بارفعت اینکه بپوشانی مرا در این ماه برحمت از تو فراخ و نعمتی که بازدارنده باشد و نفسی بآنچه روزی داده ای قانع
اِلی نُزُولِ الْحافِرَةِ وَمَحَلِّ الْآخِرَةِ وَما هِیَ اِلَیْهِ صائِرَةٌ واز حضرت رسول منقولست که در جمیع اَسْتَغْفِرُ
بسوی فرود آمدن در قبر و محل آخرت و آنچه نفس بسوی او برمیگردد ماه رجب بامداد و پسین هفتاد مرتبه بگوید بازگشت میجویم
اللّهَ رَبّی وَاَتُوبُ اِلَیْهِ پس دستها را بسوی آسمان بردارد و بگوید اَللّهُمَّ اغْفِرْ لی وَتُبْ عَلَیَّ و این استغفار در جمیع ایام سال
از خدا و بازگشت میکنم بسوی او خداوندا بیامرز مرا و بپذیر از من سنت است و هزار مرتبه سوره قل هو الله
احد خواندن در جمیع ماه سنت است و ثواب بسیار وارد شده است اگر خواهد در یک روز بخواند و اگر خواهد هر
روز قدری بخواند که در تمام ماه هزار مرتبه خوانده باشد و ایضا منقولست که هر که هزار مرتبه
لا اله الا الله در جمیع ماه بگوید صد هزار حسنه برای او نوشته شود و خدا در بهشت شهری
از برای او بنا کند و در هر شب از شبهای این ماه هزار مرتبه لا اله الا الله وارد شده است و صد
مرتبه این استغفار نیز منقولست و در جمیع ماه اگر چهارصد مرتبه بخواند فضیلت بسیار دارد
اَسْتَغْفِرُ اللّهَ الَّذی لا اِلهَ اِلّا هُوَ وَحْدَهُ لا شَریكَ لَهُ وَاَتُوبُ اِلَیْهِ واز حضرت امیر المؤمنین
طلب آمرزش میجویم از خدا که نیست خدائی مگر او یگانه که نیست شریکی مر او را و بازگشت بسوی او منقولست که حضرت

حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر که در هر شب و هر روز ماه رجب و شعبان و رمضان سه مرتبه سوره
حمد و آیة الکرسی و قل یا ایها الکافرون و قل هو الله احد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس به
خواند و سه مرتبه سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَاللهُ اَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ
(پاک است خدا و حمد مر خدا را و نیست خدائی مگر خدا و خدا بزرگتر است و نیست حول و قوه مگر بخدای بلند مرتبه)
بار بگوید
الْعَظِيمِ و سه مرتبه اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ و سه مرتبه اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ و چهار
(بزرگ) بگوید (خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد) بگوید (خداوندا بیامرز مر مردان گرونده و زنان گرونده) صد
مرتبه اَسْتَغْفِرُ اللهَ وَاَتُوبُ اِلَيْهِ گناهانش را خدا بیامرزد اگر چه بعدد قطرهای باران و برگ درختان
بگوید (آمرزش میخواهم از خدا و بازگشت بسوی او) و کف دریاها باشد و در روز عید خدا او را ندا کند که تو راستی
دوست منی و بهر حرفی ترا شفاعتی میدهم در حق برادران و خواهران مؤمن تو و حضرت فرمود که اگر در عمر یکبار
این عمل را بکند خدا بهر حرفی هفتاد هزار حسنه باو عطا کند که هر حسنه از جمیع کوههای دنیا سنگین تر باشد
و هفتصد حاجت او را در وقت مردن و هفتصد حاجت او را در قبر و هفتصد حاجت او را در وقت بیرون آمدن از قبر
و مثل آن را در وقت پرواز کردن نامهای اعمال و همچنین نزد سنجیدن اعمال در میزان و نزد صراط بر آورد و او را
در سایه عرش خود جا دهد و حساب کند او را حساب آسان و هفتاد هزار ملک او را مشایعت کنند تا داخل بهشت
شود و باو عطا کند آنچه هیچ چشمی ندیده باشد و هیچ گوشی نشنیده باشد فصل چهارم در بیان فضایل و اعمال شب و روز
اوّل است تا روز پانزدهم در شب اول ماه غسل سنّت است و منقولست که هر که در شب اول ماه رجب و شب پانزدهم و شب آخر
آن غسل کند از گناهان بیرون آید مانند روزی که از مادر متولّد شده است و در وقت دیدن ماه دعای صحیفه
کامله را بخواند که بهترین دعاها است و هفت مرتبه سوره حمد را بخواند تا از درد چشم ایمن گردد و در هر ماهی
این سنّت است و منقولست که چون ماه رجب را ببیند این دعا را بخواند اَللّٰهُمَّ اَهِلَّهُ عَلَيْنَا بِالْاَمْنِ وَالْاِيمَانِ وَالسَّلَامَةِ وَالْاِسْلَامِ
(خداوندا طالع گردان بر ما با سود که با بایمان و سلامتی و اسلام)
رَبِّي وَرَبُّكَ اللهُ عَزَّ وَجَلَّ و در شب اول و روز اول زیارت حضرت امام حسین علیه السلام فضیلت بسیار دارد و در
(پروردگار من و پروردگار تو خدای عزوجل) حدیث معتبر وارد شده است که هر که در اول رجب آنحضرت را زیارت کند بهشت او را واجب
شود البتّه و احیای شب اول سنّت است و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که تا توانی محافظت نما بر احیای شب عید ماه
رمضان و شب عید قربان و شب اول محرم و شب عاشورا و شب اول رجب و شب نیمه شعبان و در این شبها دعا و نماز و تلاوت
قرآن بسیار بکن و بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که در شب اول رجب بعد از نماز عشا این دعا را بخوان
اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِاَنَّكَ مَلِيكٌ وَاَنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ مُقْتَدِرٌ وَاَنَّكَ مَا تَشَاءُ مِنْ اَمْرٍ يَكُونُ اَللّٰهُمَّ
(خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا که تو پادشاهی و بدرستیکه تو بر هر چیز توانائی و بدرستیکه تو آنچه میخواهی از هر امری میشود خداوندا)
اِنِّي اَتَوَجَّهُ اِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَا مُحَمَّدُ يَا رَسُولَ اللهِ اِنِّي
(بدرستیکه من رو می آورم بسوی تو به پیغمبر تو محمد پیغمبر رحمت رحمتهای تو بر او و آل او ای محمد ای فرستاده خدا بدرستیکه)
اَتَوَجَّهُ اِلَى اللهِ رَبِّي وَرَبِّكَ لِيُنْجِحَ بِكَ طَلِبَتِي اَللّٰهُمَّ بِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَبِالْاَئِمَّةِ
(رو میآورم بسوی خدا پروردگار من و پروردگار تو [illegible] آورد حاجت مرا خداوندا به پیغمبر تو محمد درود خدا بر او و آل او و بر پیشوایان)

باب اول فصل چهارم در فضایل و اعمال ماه رجب

مِنْ اَهْلِ بَيْتِهِ انچه طلبیدی پس حاجات خود را طلب نماید و بیست رکعت نماز نیز وارد شده است هر دو رکعت
از خانوادهٔ او برآور حاجت مرا بیکسلام و در هر رکعت حمد و یکمرتبه سورهٔ قل هو الله احد بخواند تا از بلاهای
دنیا و عذاب آخرت ایمن گردد و شیخ و دیگران بسند معتبر روایت کرده اند که حضرت اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ اِنْ
امام موسی ع در شب اول ماه رجب بعد از آنکه از نماز شب فارغ میشدند در سجده میخواندند خداوندا مراست حمد اگر
اَطَعْتُكَ وَلَكَ الْحُجَّةُ اِنْ عَصَيْتُكَ لَا صُنْعَ لِي وَلَا لِغَيْرِي فِي اِحْسَانٍ اِلَّا بِكَ يَا كَائِناً قَبْلَ كُلِّ
فرمان برداری و مر تراست حجت اگر نافرمانی کنم ترا نیست کرداری مرا و نه غیر مرا در نیکی مگر بتو ای موجود پیش از هر
شَيْءٍ وَيَا مُكَوِّنَ كُلِّ شَيْءٍ اِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَدِيلَةِ عِنْدَ الْمَوْتِ
چیزی وای پدید آرندهٔ هر چیزی بدرستیکه تو بر هر چیز توانائی خداوندا بدرستیکه من پناه میبرم بتو از عدل نزد موت
وَمِنْ شَرِّ الْمَرْجِعِ فِي الْقُبُورِ وَمِنَ النَّدَامَةِ يَوْمَ الْاَزِفَةِ فَاَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
واز شر بازگشت در قبرها واز پشیمانی درروز رستخیز پس میخواهم اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد
وَاَنْ تَجْعَلَ عِيشَتِي عِيشَةً نَقِيَّةً وَمِيتَتِي مِيتَةً سَوِيَّةً وَمُنْقَلَبِي مُنْقَلَباً كَرِيماً غَيْرَ مُخْزٍ وَلَا
واینکه بگردانی زندگی مرا زندگی پاکیزه و مردن مرا مردن درست و بازگشت مرا بازگشت گرامی که نباشد خوار کننده و
فَاضِحٍ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْاَئِمَّةِ يَنَابِيعِ الْحِكْمَةِ وَاُولِي النِّعْمَةِ وَمَعَادِنِ الْعِصْمَةِ وَ
رسوا کننده خدایا رحمت فرست بر محمد وآل او که پیشوایان چشمهای حکمت و صاحبان نعمت و معدنهای عصمتند و
اعْصِمْنِي بِهِمْ مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَلَا تَاْخُذْنِي عَلَى غِرَّةٍ وَلَا عَلَى غَفْلَةٍ وَلَا تَجْعَلْ عَوَاقِبَ اَعْمَالِي حَسْرَةً
نگاهدار مرا بحق ایشان از هر بدی و مگیر مرا بر ناگهانی و نه بر بیخبری و مگردان آخر کردار مرا افسوس
وَارْضَ عَنِّي فَاِنَّ مَغْفِرَتَكَ لِلظَّالِمِينَ وَاَنَا مِنَ الظَّالِمِينَ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا لَا يَضُرُّكَ وَاَعْطِنِي
و خوشنود شو از من پس بدرستیکه آمرزش تو مر ستمکاران راست و منم از ستمکاران خداوندا بیامرز مرا آنچه ضرر نمیرساند ترا و عطا کن مرا
مَا لَا يَنْقُصُكَ فَاِنَّكَ الْوَاسِعُ رَحْمَتُهُ الْبَدِيعُ حِكْمَتُهُ وَاَعْطِنِي السَّعَةَ وَالدَّعَةَ وَالْاَمْنَ
آنچه کم نکند ترا پس بدرستیکه توئی فراگیرنده رحمت او بی نظیر درست کردار و بده مرا فراخی و رفاهیت و ایمنی
وَالصِّحَّةَ وَالنُّجُوعَ وَالْقُنُوعَ وَالشُّكْرَ وَالْمُعَافَاةَ وَالتَّقْوَى وَالصَّبْرَ وَالصِّدْقَ عَلَيْكَ
و صحت و فروتنی و قناعت و سپاسگذاری و عافیت و پرهیزکاری و شکیبائی و راستی بر تو
وَعَلَى اَوْلِيَائِكَ وَالْيُسْرَ وَالشُّكْرَ وَاعْمُمْ بِذَلِكَ يَا رَبِّ اَهْلِي وَوَلَدِي وَاِخْوَانِي فِيكَ وَمَنْ
و بر دوستان تو و آسانی و شکرگذاری و فرو گیر باین ای پروردگار اهل مرا و فرزندان مرا و برادران مرا درراه تو و آنکه
اَحْبَبْتُ وَاَحَبَّنِي وَوَلَدْتُ وَوَلَدَنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ
دوست دارم و دوست دارد مرا و آنکه زائیدم و زائید مرا از مردان مسلم و زنان مسلمه و مردان گرونده و زنان گرونده ای پروردگار
وایضا بسند معتبر منقولست که مستحبست که بعد از سلام اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَا تَنْفَدُ خَزَائِنُهُ وَلَا يَخَافُ
گفتن از نماز وتر چنانکه نشسته است این دعا را بخوانند ستایش مر خدا را که بپایان نمیرسد خزینه‌های او و نمیترسد
آمِنُهُ رَبِّ اِنِ ارْتَكَبْتُ الْمَعَاصِيَ فَذَلِكَ ثِقَةٌ بِكَرَمِكَ اِنَّكَ تَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِكَ وَ
امان یافته او پروردگارا اگر بجا آوردم معاصی را پس این اعتمادیست بکرم تو بدرستیکه تو قبول میکنی توبه را از بندگان تو و
تَعْفُو عَنْ سَيِّئَاتِهِمْ وَتَغْفِرُ الزَّلَلَ فَاِنَّكَ مُجِيبٌ لِدَاعِيكَ وَمِنْهُ قَرِيبٌ فَاَنَا تَائِبٌ اِلَيْكَ مِنْ
میگذری از بدیهای ایشان و بیامرزی لغزشها را پس بدرستیکه تو اجابت کننده خواهنده را و با او نزدیکی پس من بازگشت کننده‌ام بسوی تو از

الخطایا و راغب الیک فی توفیر حظی من العطایا یا خالق البرایا یا منقذی من کل شدیدة یا
از خطاها و رغبت کننده‌ام بسوی تو در وافر کردن حظ از بهره ای پدید آورنده خلایق برهاننده از هر سختی ای پناه من از هر مخوف

مجیری من کل محذور وفر علیّ السرور و اکفنی شر عواقب الامور فانک الله علی نعمائک و
زیاد کن بر من شادی را و دفع کن از من بدی کارها را عاقبت پس بدرستیکه خدا توئی بر نعمتهای خود

جزیل عطائک مشکور و لکل خیر مذخور و ایضاً از حضرت امام علی النقی ع منقولست که یا نور النور
و عطای وافر خود شکر کرده شده و بر هر نیکی ذخیره شده بعد از نماز وتر این دعا را بخوانند ای نور همه نورها

یا مدبر الامور یا مجری البحور یا باعث من فی القبور یا کهفی حین تعیینی المذاهب و کنزی حین
ای تدبیر کننده همه کارها ای جاری سازنده دریاها ای برانگیزاننده آنانکه در قبرهایند ای پناه من هنگام ماندن من از راهها و گنج من هنگامیکه

تعجزنی المکاسب و مونسی حین یجفونی الاباعد و تملنی الاقارب و منزهی بمجالسة اولیائه و
عاجز کند مرا کسبها و انیس من هنگامیکه ستم کنند مرا دوران و غمگین سازند مرا نزدیکان و پاک کننده بر همنشینی دوستان خود و

مرافقة احبائه فی ریاضه و ساقی بمؤانسته من تمیز حیاضه و رافعی بمجاورته من ورطة
رفاقت احبای خود در بوستانها و ای دهنده من با انس خود از آبهای گوارای خود و بلند کن مرا به همسایگی خود از نشیب گودالهای

الذنوب الی ربوة التقریب و مبدلی بولایته عز العطایا من ذلة الخطایا اسئلک یا مولای
گناهان بسوی پشته نزدیک و بدل کننده من بدوستی او ارجمندی عطاها از خواری خطاها سؤال میکنم تو را ای مولای من

بالفجر و اللیالی العشر و الشفع و الوتر و اللیل اذا یسر و بما جری به قلم الاقلام بغیر کف و لا
بحق صبح و شبهای ده گانه و بحرمت جفت و طاق و شب چون درگذرد و بحق آنچه روان شده بآن قلم قلمها بی اعانت کف و بی

ابهام و باسمائک العظام و بحججک علی جمیع الانام علیهم منک افضل السلام و بما استحفظتهم
انگشتی و بحق نامهای تو که بزرگوارست و بحجتهای تو بر همه نامهای برایشان از تو بهتر درود و بآنچه امر بحفظ فرمودی ایشان

من اسمائک الکرام ان تصلی علیهم و ترحمنا فی شهرنا هذا و ما بعده من الشهور و الایام
از نامهای تو بزرگوار اینکه رحمت فرستی برایشان و رحم کن ما را در شهرها اینماه و آنچه بعد از آنست از ماهها و روزها

و ان تبلغنا شهر الصیام فی عامنا هذا و فی کل عام یا ذا الجلال و الاکرام و المنن الجسام
و اینکه برسانی ما را روزه در این سال و در هر سال ای خداوند بزرگوار گرامی و منتهای بزرگ

و علی محمد و آله منا افضل السلام و اعمال و ادعیه این شب بسیار است و روزه روز اول فضیلت بسیار
و بر محمد و آل او از ما بهترین درود

دارد و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که در روز اول ماه رجب حضرت نوح ع بکشتی سوار شد و امر کرد جمیع جن و انس را که با او در کشتی بودند روزه بدارند و هر که ان روز را روزه بدارد آتش جهنم یکساله راه از او دور گردد از حضرت امام رضا ع منقولست که هر که روزه بدارد روز اول ماه رجب را برای رغبت در ثواب خدا بهشت از برای او واجب شود و هر که یکروز از وسط اینماه را روزه بدارد خدا شفاعت او را قبول نماید در مانند ربیعه و مضر که دو قبیله عظیمند از قبایل عرب و هر که یکروز از آخر اینماه روزه بدارد خدا او را از پادشاهان بهشت گرداند و قبول کند شفاعت او را در پدر و مادر و دختر و پسر و برادر و خواهر و عمو و عمه و خالو و خاله او و جمیع همسایگان و آشنایان او هرچند همه مستوجب جهنم شده باشند و شیخ طوسی و دیگران از سلمان فارسی ره روایت کرده اند که گفت در روز آخر جمادی الثانیه رفتم بخدمت حضرت رسالت پناه حضرت فرمود که ای سلمان فارسی تو از ما اهل بیتی پس شنو که هر مرد مؤمن یا زن مؤمنه که در ماه رجب سی رکعت نماز بگذارد

و در هر رکعت یکمرتبه سورهٔ حمد و سه مرتبه قل هو الله احد و سه مرتبه سورهٔ قل یا ایها الکافرون بخواند
البته خدا محو کند از نامهٔ عمل او هر گناهی که در کودکی و بزرگی کرده باشد و خدا عطا کند باو ثواب کسیرا که تمام
این ماه را روزه گرفته باشد و تا سال آینده خدا او را از نمازگذارندگان بنویسد و در هر روز این ماه ثواب
شهیدی از شهیدان جنگ بدر برای او بآسمان ببرند و بهر روزی که در این ماه روزه بدارد عبادت یکساله در نامهٔ
عمل او بنویسند و هزار درجه در بهشت از برای او بلند کنند و اگر تمام ماه را روزه بدارد خدا او را از آتش
جهنم نجات دهد و بهشت را از برای او واجب گرداند ای سلمان جبرئیل این نماز را برای من آورد و گفت یا محمد
این علامتیست میان شما و منافقان زیرا که این نماز را منافقان نمیکنند گفتم یا رسول الله چگونه این نماز را بکنم
در چه وقت بجا آورم فرمود که در روز اول ماه ده رکعت بجا می آوری یعنی هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت
یکمرتبه سورهٔ حمد و سه مرتبه سورهٔ قل هو الله احد و سه مرتبه قل یا ایها الکافرون میخوانی و بعد از هر سلام
دست بسوی آسمان
لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیکَ لَهُ لَهُ الْمُلْکُ وَلَهُ الْحَمْدُ یُحْیِی وَیُمِیتُ
بلند کن و بگو نیست خدائی مگر خدای یگانه نیست شریکی مراورا مراوراست پادشاهی و مراوراست ستایش زنده میکند و میمیراند
وَهُوَ حَیٌّ لَا یَمُوتُ بِیَدِهِ الْخَیْرُ وَهُوَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ اَللّٰهُمَّ لَا مَانِعَ لِمَا اَعْطَیْتَ وَلَا مُعْطِیَ
و او زنده است که نمیمیرد بدست اوست نیکی و او بر هر چیزی تواناست خداوندا نیست بازدارنده مر آنچه بخشی و بخشش کننده
لِمَا مَنَعْتَ وَلَا یَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْکَ الْجَدُّ پس دستها را بروی خود میکشی و در روز وسط ماه یعنی پانزدهم ده
مر آنچه بازداری و سود نمیرساند خداوند کوشش را از تو کوشش رکعت بهمان نحو بجا میآوری و بعد از هر سلام دستها را بسوی آسمان
برمیداری
لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیکَ لَهُ لَهُ الْمُلْکُ وَلَهُ الْحَمْدُ یُحْیِی وَیُمِیتُ وَهُوَ حَیٌّ لَا یَمُوتُ بِیَدِهِ
و میگوئی نیست معبودی مگر خدای یگانه نیست شریکی مراورا مراوراست پادشاهی و مراوراست ستایش زنده میکند و میمیراند و او زنده است که نمیمیرد بدست او
الْخَیْرُ وَهُوَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ اِلٰهاً وَاحِداً اَحَداً فَرْداً صَمَداً لَمْ یَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَداً پس دستها را
نیکی و او بر همه چیز تواناست خدای یگانه یکتای تنها بی‌نیاز است فرانگرفته زنی و نه فرزندی بروی خود
میکشی و در روز آخر ماه باز ده رکعت بهمان نحو میکنی
لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیکَ لَهُ لَهُ الْمُلْکُ وَلَهُ
و بعد از هر سلام دست برمیداری و میگوئی نیست خدائی مگر خدای یگانه که شریک ندارد مراوراست پادشاهی و مراوراست
الْحَمْدُ یُحْیِی وَیُمِیتُ وَهُوَ حَیٌّ لَا یَمُوتُ بِیَدِهِ الْخَیْرُ وَهُوَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ وَصَلَّی اللّٰهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ
ستایش و میمیراند و او زنده است که نمیمیرد بدست اوست نیکی و او بر همه چیز تواناست و رحمت خدا بر محمد
وَآلِهِ الطَّاهِرِینَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ پس دستها را بروی خود بمال و حاجت خود را
و آل او پاکیزه‌اند و نیست حولی و نه توانائی مگر بخدای بلند مرتبه بزرگ
بطلب که البته بر آورده است و خدا میان تو
و جهنم هفت خندق قرار میدهد که عرض هر خندقی مقدار ما بین آسمان و زمین بوده باشد و بعدد هر رکعتی ثواب هزار
هزار رکعت در نامهٔ عمل تو مینویسند و برات بیزاری از آتش جهنم و گذشتن بر صراط برای تو مینویسند منقولست
که هر که در روز جمعهٔ ماه رجب صد مرتبه سورهٔ قل هو الله احد بخواند خدا در قیامت با و نوری عطا کند که با آن نور
داخل بهشت گردد و در حدیث معتبر وارد شده است که حضرت امام محمد باقر ع در روز جمعهٔ اول ماه رجب متولد
شده است و موجب زیادتی شرف این روز گردیده و در روایتی وارد شده است که ولادت حضرت امام علی النقی علیه السلام

در روز دوم ماه رجب واقع شده و بروایتی یکروز در روز سیم ماه رجب واقع شده و بروایت ابرهیم بن هاشم وفات آنحضرت در روز سیم واقع شده است و ابن عباس گفته است که ولادت آنحضرت در پنجم اینماه واقع شده است و ولادت امام محمد تقی ع در دهم اینماه شده است و بعضی از روایات در فضیلت خصوص دهم واقع شده است و در فضیلت ایام البیض ماه رجب احادیث معتبره وارد شده است یعنی سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم و بسند معتبر از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که خدا فضیلت سه ماه را باین امت داده است که باحدی از امتهای گذشته نداده است ماه رجب و ماه شعبان و ماه رمضان و سه شب باین امت داده است که بامتهای دیگر نداده است شب سیزدهم و شب چهاردهم و شب پانزدهم و سه سوره باین امت داده است که مثل آنها بامتهای پیش نداده است سوره یس و سوره تبارک الذی بیده الملک و سوره قل هو الله احد پس هر که جمع کند میان این سه فضیلت جمیع فضایل این امت را جمع کرده خواهد بود پرسیدند چگونه جمع کند فرمود که در شب سیزدهم هر یک از این سه ماه دو رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت بعد از حمد این سه سوره را بخواند و در شب چهاردهم چهار رکعت نماز بگذارد بدو سلام و در هر رکعت بعد از حمد این سه سوره بخواند و در شب پانزدهم شش رکعت بجا آورد بسه سلام و در هر رکعت بعد از حمد این سه سوره بخواند تا جمیع فضیلت این سه ماه را بیابد و جمیع گناهان او آمرزیده شود بغیر از شرک بخدا و از حضرت صادق ع منقولست که هر که ایام البیض ماه رجب را روزه دارد خدا بهر روزی عبادت یکسال از برای او بنویسد در قیامت و او را در محل ایمان باز دارد که هیچ بیم و خوف نداشته باشد و مشهور آنست که ولادت با سعادت حضرت امیر المؤمنین ع در میان کعبه معظمه در روز سیزدهم ماه رجب بود و دوازده سال قبل از مبعوث شدن حضرت رسول ص و علی بن ابرهیم گفته است که ولادت حضرت امام علی النقی ع نیز در روز سیزدهم ماه رجب بود در سال دویست و چهارده از هجرت و شب پانزدهم از لیالی متبرکه است و غسل در آن سنتست و احیای آن بعبادت فضیلت بسیار دارد و از حضرت رسول ص منقولست که در شب نیمه رجب خدا امر میکند ملائکه را که هر گناهی که در دیوان اعمال مؤمنان باشد محو کنند و ایضاً از آنحضرت منقولست که هر که در روز سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم رجب را روزه بدارد و در شبهای آنها مشغول عبادت باشد از دنیا نرود مگر با توبه نصوح و هر روزیکه روزه داشته هفتاد گناه کبیره او آمرزیده شود و هفتاد حاجت او بر آورده شود در وقتیکه از قبر بیرون آید و نزد میزان و نزد صراط و چنان باشد که هفتاد بنده از فرزندان اسمعیل آزاد کرده باشد و شفاعت او را قبول کنند در هفتاد نفر از اهل بیت و خویشان او که مستحق جهنم شده باشند و خدا بنا کند از برای او در جنات فردوس هفتاد هزار شهر بوده باشد و در هر شهری هفتاد هزار قصر بوده باشد و در هر قصری هفتاد هزار حور باشد و هر حوریه هفتاد هزار خادم داشته باشد و شیخ طوسی ره بسند صحیح از حضرت صادق ع روایت کرده است که در شب نصف رجب دوازده رکعت نماز بجا میاوری یعنی بشش سلام با حمد و هر سوره که خواهی و چون فارغ شوی هر یک از سوره حمد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ و قل هو الله احد و آیة الکرسی را چهار مرتبه میخوانی پس چهار مرتبه میگوئی

پاکیست خدا — بستایش مر خدا را — و نیست خدائی مگر او و خدا

اَکْبَرُ پس اَللّٰهُ اَللّٰهُ رَبِّی لَا اُشْرِکُ بِهِ شَیْئاً وَمَا شَاءَ اللّٰهُ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ و در شب و روز

بزرگتر است میگوئی خدا خدا — پروردگار منست نیست شریک با و چیزیرا — و آنچه خواهد خدا نیست توانائی مگر بخدا

زیارت حضرت امام حسین ع

حسین

سنت مؤکد است و بسند صحیح از ابن ابی نصر منقول است که از حضرت امام رضا ع سؤال کرد که زیارت حضرت
امام حسین ع را در کدام وقت بهتر است فرمود که در نیمهٔ رجب و نیمهٔ شعبان و در روز پانزدهم نماز سلمان را باید کرد
بکیفیتی که گذشت و بسند معتبر از حضرت صادق ع منقول است که حضرت امیر المؤمنین ع در این روز چهار
رکعت نماز کرد و دستهای خود را گشود و این دعا را خواند پس فرمود که هر که بشدتی و غمی مبتلا گردد این دعا را بخواند
البته که حق تعالی شدتش را زایل گرداند و این چهار رکعت را بدو سلام میکند و هر سوره که خواهد بعد از حمد بخواند

اللّهمّ یا مُذلّ کلّ جبّارٍ و یا مُعزّ المؤمنین انت کهفی حین تُعیینی المذاهب و انت باری خلقی
خداوندا ای خوار کننده هر متکبر و ای عزیز دارنده گروندگان تو پناه منی هنگامیکه عاجز کند مرا راهها و تو پدید آرنده خلقت مرا
رحمةً بی و قد کنت عن خلقی غنیّاً و لولا رحمتک لکنت من الهالکین و انت مؤیّدی بالنّصر
بمهربانی بمن و بتحقیق بودی از آفرینش من بی نیاز و اگر نبود رحمت تو هر آینه می بودم من از هالکان و تو قوت دهنده مرا بیاری
علی اعدائی و لولا نصرک ایّای لکنت من المفضوحین یا مرسل الرّحمة من معادنها و منشئ
بر دشمنانم و اگر نبود یاری تو مرا هر آینه می بودم از رسوا شدگان ای فرستنده رحمت از معدنهای آن و فرستنده
البرکة من مواضعها یا من خصّ بالشّموخ و الرّفعة فاولیاؤه بعزّه یتعزّزون و یا من وضعت
برکت از جاهای آن ای آنکه مخصوص است ببزرگی و رفعت پس دوستان او بعزت او عزیزند ای آنکه گذاشته اند
له الملوک نیر المذلّة علی اعناقهم فهم من سطواته خائفون اسألک بکینونیّتک الّتی اشتققتها
برای او پادشاهان توخواری بر گردنهای ایشان از غضبهای او ترسانند سؤال میکنم ترا بوجود تو که بیرون آوردی آنرا
من کبریائک و اسألک بکبریائک الّتی اشتققتها من عزّتک و اسألک بعزّتک الّتی استوت
از بزرگواری خود و سؤال میکنم ترا به بزرگواری تو که بیرون آوردی آنرا از عزت خود و سؤال میکنم ترا بعزت تو که استیلا داد و بآن
بها علی عرشک فخلقت بها جمیع خلقک فهم لک مذعنون ان تصلّی علی محمّدٍ و اهل بیته
بر عرش تو پس آفریدی بآن همه خلق خود را پس ایشان مر ترا خاضع اند اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل بیت او

پس حاجات خود را از خدا طلب نماید و بدانکه عمدهٔ اعمال نصف رجب دعای ام داود است که ابن بابویه و شیخ طوسی و سید بن
طاوس بسندهای معتبر روایت کرده اند و برای اکثر حاجات و کشف کربات و دفع ظلم ظالمان مجرب است و مجمل
روایاتش اینست که فاطمه مادر داود بن الحسن پسر زادهٔ امام حسن مجتبی ع دایهٔ حضرت امام جعفر صادق ع بود و بشیر
داود آنحضرت را شیر داده بود و چون محمد بن عبد الله الحسن در مدینه خروج کرده بود و منصور دوانیقی لشکر
فرستاد و او را کشتند و ابراهیم برادر محمد را نیز شهید کردند و عبد الله الحسن و جمعی از سادات حسینی را با غل و
زنجیر از مدینه بعراق بردند و او نیز در میان آنها بوده ام داود گفت چون مدتی از حبس فرزندم گذشت و از
او خبری بمن نرسید پیوسته دعا و تضرع میکردم و از صلحا و نیکان و بزرگان مؤمنان التماس دعا مینمودم
و ایشان تقصیر میکردند و مطلقا اثر استجابت نمی یافتم و گاهی خبر بمن میرسید که داود را کشتند و گاهی بمن میگفتند
که او را با پسران عم او در زیر عمارت زنده گذاشتند و روز بروز مصیبت من عظیم تر و اندوه من بیشتر میشد
تا آنکه از غم گداختم و پیر شدم و از ملاقات او نا امید گردیدم تا آنکه روزی شنیدم که حضرت صادق ع را علتی عارض
شد بعیادت آنحضرت رفتم چون احوال پرسیدم و دعا کردم خواستم برگردم حضرت فرمود که از داود چه خبر داری و من شیر داود را باو داده

حضرت نذار بودم چون نام داود را شنید گریست و گفت فدای تو شوم داود در کجا است او در عراق محبوس است
و من از ملاقات او قطع امید کرده ام و از شما التماس میکنم که او را دعا کنید که او برادر رضاعی شما است حضرت
فرمود چرا غافلی از دعای استفتاح و دعای اجابت و نجاح و آن دعائیست که درهای آسمان برای او گشوده میشود
و ملائکه استقبال میکنند خواننده از او و بشارت میدهند او را باجابت و آن دعائیست که از حجب الله تعالی محجوب
نمیگردد و خواننده او را ثوابی نیست بغیر از بهشت ام داود گفت ای فرزند طاهرین و راستگویان چگونه است این دعا حضرت
فرمود ای مادر داود ماه محرم یعنی ماه رجب نزدیک شده است و این ماهیست مبارک و حرمت آن عظیم است و دعاها
در آن مستجاب است چون این ماه درآید سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم آن را که ایام البیض اند روزه بدار پس حضرت کیفیت
آن عمل را بتعلیم او نمود و فرمود که این دعا را حفظ کن و بهر کس تعلیم مکن که میترسم بدست کسی افتد که برای امر باطلی
و نامشروعی این دعا بخواند بدرستیکه این دعا بسیار شریفست و مشتملست بر اسم اعظم خدا که هر که بخواند البته
حاجت او بر آورده میشود و اگر درهای آسمان و زمین بسته شود و دریاها حایل باشند میان تو و حاجت تو
چون این دعا را بخوانی البته خدا آسان میگرداند رسیدن ترا بمطلب تو و حاجت ترا بر میآورد و هر که این دعا را بخواند خدا
دعای او را مستجاب میگرداند خواه مرد و خواه زن و اگر جن و انس همه دشمن فرزند تو باشند خداوند قادر کفایت شر ایشان
منع از فرزند تو میگرداند ام داود گفت که حضرت این دعا را برای من نوشت و بخانه برگشتم چون ماه رجب داخل شد آنچه حضرت
فرموده بود بعمل آوردم و در شب شانزدهم نماز شام و خفتن را ادا کردم و از روزه افطار نمودم و قدری عبادت کردم و
بخواب رفتم در خواب دیدم جمیع ملائکه و پیغمبران و شهدا و عباد را که من بر ایشان صلوات فرستاده بودم و حضرت رسول صلعم مرا خطاب
فرمود که ای مادر داود بشارت باد ترا که این جماعت که می بینی همه برادران و یاوران و شفیعان تو اند و از برای تو طلب آمرزش
میکنند و بشارت میدهند ترا بآنکه حاجت تو بر آورده است پس بشارت باد ترا بآمرزش خدا و خدا ترا جزای خیر
دهد و شاد باش که خدا فرزند ترا حفظ میکند و بتو بر میگرداند انشاء الله تعالی ام داود گفت که از خواب بیدار شدم
و بعد از آن باندک زمانی که سواری تند رو از عراق بمدینه آید داود بنزد من آمد و گفت ای مادر من در عراق
در زندان بسیار تنگی و سنگینی بند زنجیر بودم و نا امید بودم از خلاص شدن چون شب نصف رجب شد در
خواب دیدم که بلندیهای زمین پست شد ترا دیدم که بر روی حصیر نماز خود نشسته بودی و با تو مردانی چند
بودند که سرهای ایشان در آسمان بود و پاهای ایشان بر زمین و تسبیح و تنزیه خدا میکردند پس یکی از ایشان که
از همه خوشروتر و خوشبوتر و جامهای بسیار پاکیزه در بر داشت و من گمان کردم که حضرت رسالت پناه صلعم جد
منست خطاب کرد بمن که بشارت باد ترا ای فرزند عجوزه صالحه که خدا دعای مادر ترا در حق تو مستجاب کرد چون بیدار شدم
رسولان منصور دوانقی بدر زندان رسیدند بطلب من آمده بودند در همان شب مرا بنزد او بردند پس امر کرد تا زنجیرها از بر
داشتند و ده هزار درهم که زیاده از هزار تومان بود بحساب آن زمان بمن عطا کرد و گفت که مرا بر شتر رهواری
سوار کنند و بسرعت تمام بمدینه بیاورند ام داود گفت که من داود را بخدمت حضرت صادق ع بردم حضرت
فرمود سبب خلاص تو آن بود که منصور حضرت امیر المؤمنین ع را در خواب دید که با او فرمود که اگر فرزند مرا رها
نکنی ترا در این آتش اندازم چون نظر کرد دید دریای آتش در زیر پای خود پس از دهشت بیدار شد و از کرده خود پشیمان
گردید و ترا رها کرد و اما کیفیت این عمل شریف آنستکه ام داود گفت که حضرت صادق ع فرمود که در ماه مبارک رجب

روز سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم را روزه بدارد و در روز پانزدهم در وقت زوال غسل بکن و بروایت دیگر نزدیک بزوال غسل بکن و چون زوال معلوم شود پاکیزه ترین جامهای خود را بپوش و بخانه خلوتی برو و سعی کن که کسی نزد تو نیاید که ترا مشغول گرداند و یا تو سخن بگوید پس هشت رکعت نافله زوال را بعمل آور و رکوع و سجود آنها را خوب بعمل آور پس نماز ظهر را باداب و شرایط بعمل آورد و بعد از نماز فریضه ظهر دو رکعت نماز بکن هر سوره که خواهی و بعد از آن صد مرتبه بگو یا قاضی حوائج الطالبین و هشت رکعت نافله عصر را با اداب بجا میاوری و در بعضی از روایات وارد شده است که در هر رکعت از نافله عصر بعد از حمد سه بار قل هو الله احد و یکمرتبه سوره انا اعطیناک الکوثر بخوان پس نماز عصر را با خشوع و اداب بجا آور و در روایتی وارد شده است که بر روی حصیر پاکیزه بنشین و صد مرتبه سوره حمد و صد مرتبه سوره قل هو الله احد و ده مرتبه آیة الکرسی بخوان پس هر یک از این سورها یکمرتبه بخوان سوره انعام و بنی اسرائیل و کهف و لقمان و یس و والصافات و حم سجده و حم عسق و حم دخان و انا فتحنا و اذا وقعت و تبارک الذی بیده الملک و ن والقلم و اذا السماء انشقت تا آخر قرآن و اگر نتوانی اینسورها را از روی مصحف درست بخوانی بعوض همه هزار مرتبه قل هو الله احد بخوان و شیخ مفید ره گفته است که اگر نتوانی یا نتوانی این سورهای مخصوص را بخوانی صد مرتبه سوره حمد و ده مرتبه آیة الکرسی و هزار مرتبه قل هو الله احد بخوان و این احوط است و در روایت دیگر وارد شده است که پیش از حمد صد مرتبه سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ و بعد از آیة الکرسی اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بگویند

پاکست خدا و ستایش مر خدا را و نیست خدائی مگر او و خدا بزرگتر است صد مرتبه بگویند خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد

و اگر آیة الکرسی را نیز درست نتوانند بخوانند صد مرتبه سوره حمد و هزار مرتبه سوره قل هو الله احد بخوانند پس دعا را بخوانند آیة الکرسی را بهتر است که بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ صَدَقَ اللّٰهُ الْعَظِيمُ الَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا تا هم فیها خالدون بخوانند و دعا اینست

بنام خدای بخشاینده مهربان راست گفت خدای بزرگ آنکه نیست خدائی مگر

هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ذُو الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ

او زنده توانا صاحب بخشش و کرم بخشنده مهربان بردبار بزرگوار آنکه نیست مانند او چیزی و اوست

السَّمِيعُ الْبَصِيرُ الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ شَهِدَ اللّٰهُ اَنَّهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ وَالْمَلٰئِكَةُ وَاُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا اِلٰهَ

شنوای بینا دانای آگاه گواه کبرم خدا را که نیست معبودی مگر او و فرشتگان و صاحبان دانش که ایستاده اند بعدالت نیست خدا

اِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ اِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللّٰهِ الْاِسْلَامُ وَبَلَّغَتْ رُسُلُهُ الْكِرَامُ وَاَنَا عَلٰى ذٰلِكَ مِنَ

مگر او غالب درست کردار و رسانیدند فرستادگان بزرگوار و من بر این از جمله

الشَّاهِدِينَ اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ الْمَجْدُ وَلَكَ الْعِزُّ وَلَكَ الْفَخْرُ وَلَكَ الْقَهْرُ وَلَكَ

گواهانم خداوندا مر تراست سپاس و مر تراست بزرگواری و مر تراست ارجمندی و مر تراست بزرگی و قهر و مر تراست

النِّعْمَةُ وَلَكَ الْعَظَمَةُ وَلَكَ الرَّحْمَةُ وَلَكَ الْمَهَابَةُ وَلَكَ السُّلْطَانُ وَلَكَ الْبَهَاءُ وَلَكَ

نعمت و مر تراست عظمت و مر تراست بخشش و مر تراست ترس و مر تراست پادشاهی و مر تراست روشنائی و مر تراست

الْاِمْتِنَانُ وَلَكَ التَّسْبِيحُ وَلَكَ التَّقْدِيسُ وَلَكَ التَّهْلِيلُ وَلَكَ التَّكْبِيرُ وَلَكَ مَا يُرٰى

انعام و مر تراست تنزیه و مر تراست پاکی و مر تراست تهلیل و مر تراست تکبیر و مر تراست آنچه دیده میشود

وَلَكَ مَا لَا يُرٰى وَلَكَ مَا فَوْقَ السَّمٰوَاتِ الْعُلٰى وَلَكَ مَا تَحْتَ الثَّرٰى وَلَكَ الْاَرَضُونَ

و مر تراست آنچه دیده نمیشود و مر ترا آنچه زبر آسمانهای بلند است و مر ترا آنچه در زیر خاکست و مر تراست زمینهای

السفلى ولك الآخرة والأولى ولك ما ترضى به من الثناء والحمد والشكر والنعماء اللهم صل

پست و مر تراست آنجهان و اینجهان و مر تراست آنچه پسندی باو از ستودن و ستایش و سپاس و نعمتها خداوندا رحمت فرست

على جبرئيل امينك على وحيك والقوي على امرك والمطاع في سمواتك ومحال كراماتك

بر جبرئیل امین تو بر وحی تو و توانا بر امر تو و اطاعت شده در آسمانها و جاهای نوازش تو

المتحمل لكلماتك الناصر لانبيائك المدمر لاعدائك اللهم صل على ميكائيل ملك رحمتك

بردارنده مر کلمات تو یاری کننده پیغمبران تو هلاک کننده دشمنان تو خداوندا رحمت فرست بر میکائیل فرشته رحمت تو

والمخلوق لرأفتك والمستغفر المعين لاهل طاعتك اللهم صل على اسرافيل حامل عرشك

و آفریده شده مر مهربانی تو و طلب آمرزش و طلب کننده مر اهل طاعت تو خداوندا رحمت فرست بر اسرافیل بردارنده عرش تو

وصاحب الصور المنتظر لامرك والوجل المشفق من خيفتك اللهم صل على عزرائيل ملك

و صاحب صور انتظار برنده مر امر تو و ترسناک بیمناک از ترس تو خداوندا رحمت فرست بر عزرائیل فرشته

الموت الموكل على عبيدك وامائك المطيع في ارضك وسمائك قابض ارواح جميع خلقك

مرگ که موکل است بر بندگان تو و کنیزان تو فرمانبردار در زمین تو و آسمان تو گیرنده جانهای همه خلق تو

اللهم صل على حملة العرش الطاهرين وعلى ملئكة الذكر اهل التامين على دعاء المؤمنين

خدایا رحمت فرست بر بردارنده عرش که پاکانند و بر فرشتگان ذکر که اهل آمینند بر دعاء گروندگان

وعلى السفرة الكرام البررة الطيبين وعلى ملئكتك الكاتبين وعلى ملئكة الجنان و

و بر نویسندگان که نیکانند پاکیزه و بر فرشتگان تو نویسنده و بر فرشتگان بهشت و

خزنة النيران وملك الموت والاعوان يا ذا الجلال والاكرام اللهم صل على ابينا آدم

خازنان دوزخ و فرشته مرگ و مددکاران ای خداوند بزرگوار و گرامی داشتن خداوندا رحمت فرست بر پدر ما آدم

بديع فطرتك الذي اكرمته بسجود ملئكتك وابحته جنتك اللهم صل على امنا حواء

بدیع آفرینش تو که گرامی داشته او را بسجده فرشتگان تو و حلال کرده بهشت خود را خدایا رحمت فرست بر مادر ما حواء

المطهرة من الرجس المصفاة من الدنس المفضلة من الانس المترددة بين محال القدس اللهم

پاک کرده شده از پلیدی پاکیزه از غلط و زیاد تی داده شده از آدمیان آمد و شد میان جاهای پاکیزه خداوندا

صل على هابيل وشيث وادريس ونوح وهود وصالح وابرهيم واسمعيل واسحق و

رحمت فرست بر هابیل و شیث و ادریس و نوح و هود و صالح و ابراهیم و اسمعیل و اسحق

يعقوب ويوسف والاسباط ولوط وشعيب وايوب وموسى وهرون ويوشع وميشا والخضر وذي القرنين

یعقوب و یوسف و اسباط و لوط و شعیب و ایوب و موسی و هرون و یوشع و میشا و خضر و ذی القرنین

ويونس والياس واليسع وذي الكفل وطالوت وداود وسليمان وزكريا وشعيا ويحيى وتورخ

و یونس و الیاس و الیسع و ذا الکفل و طالوت و داود و سلیمان و زکریا و شعیا و یحیی و تورخ

ومتى وارميا وحيقوق ودانيال وعزير وعيسى وشمعون وجرجيس والحواريين والاتباع وخالد

و متی و ارمیا و حیقوق و دانیال و عزیر و عیسی و شمعون و جرجیس و حواریین و تابعان و خالد

وحنظلة ولقمان اللهم صل على محمد وآل محمد وارحم محمدا وآل محمد وبارك على محمد وآل محمد

و حنظله و لقمان خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و رحم کن محمد را و آل محمد را و برکت ده بر محمد و آل محمد

كَمَا صَلَّيْتَ وَرَحِمْتَ وَبَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْأَوْصِيَاءِ

چنانکه رحمت فرستادی و برکت دادی بر ابراهیم و آل ابراهیم بدرستیکه تو ستوده بزرگواری خداوندا رحمت فرست بر اوصیا

وَالسُّعَدَاءِ وَالشُّهَدَاءِ وَأَئِمَّةِ الْهُدَى اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْأَبْدَالِ وَالْأَوْتَادِ وَالسُّيَّاحِ وَالْعُبَّادِ

و نیک بختان و گواهان و پیشوایان هدایت خداوندا رحمت فرست بر ابدال و اوتاد و روزه داران و عبادت کنندگان

وَالْمُخْلِصِينَ وَالزُّهَّادِ وَأَهْلِ الْجِدِّ وَالِاجْتِهَادِ وَاخْصُصْ مُحَمَّداً وَأَهْلَ بَيْتِهِ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ

و اخلاص کیشان و زاهدان و اهل سعی و کوشش و مخصوص کن محمد و اهل بیت او را بهترین رحمتهای خود

وَأَجْزَلِ كَرَامَاتِكَ وَبَلِّغْ رُوحَهُ وَجَسَدَهُ مِنِّي تَحِيَّةً وَسَلَاماً وَزِدْهُ فَضْلاً وَشَرَفاً وَكَرَماً حَتَّى تُبَلِّغَهُ

و افضل نوازشهای تو و برسان روح او را و هیکل او را از من درود و سلام و افزون کن او را بخشش و شرف و بزرگواری تا برسانی

أَعْلَى دَرَجَاتِ أَهْلِ الشَّرَفِ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ وَالْأَفَاضِلِ الْمُقَرَّبِينَ اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى مَنْ سَمَّيْتُ

او را بلندتر درجهای اهل شرف از پیغمبران و فرستادگان و فاضلترین مقربان خداوندا و رحمت فرست بر آنکه نام

وَمَنْ لَمْ أُسَمِّ مِنْ مَلَائِكَتِكَ وَأَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَأَهْلِ طَاعَتِكَ وَأَوْصِلْ صَلَوَاتِي إِلَيْهِمْ وَإِلَى

و آنکه نام نبردم از فرشتگان تو و پیغمبران تو و فرستادگان تو و اهل فرمان برداری و برسان درودهای مرا بسوی ایشان و بسوی

أَرْوَاحِهِمْ وَاجْعَلْهُمْ إِخْوَانِي فِيكَ وَأَعْوَانِي عَلَى دُعَائِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَشْفِعُ بِكَ إِلَيْكَ وَبِكَرَمِكَ

ارواح ایشان و بگردان ایشان را برادرم در راه تو و یارانم بر خواندن تو خداوندا بدرستیکه من شفاعت جویم بتو بسوی تو و بکرم تو

إِلَى كَرَمِكَ وَبِجُودِكَ إِلَى جُودِكَ وَبِرَحْمَتِكَ إِلَى رَحْمَتِكَ وَبِأَهْلِ طَاعَتِكَ إِلَيْكَ وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ

بسوی کرم تو و بجود تو بسوی جود تو و برحمت تو و بسوی رحمت تو و باهل فرمان برداری تو بسوی تو و میخواهم از تو خداوندا

بِكُلِّ مَا سَأَلَكَ بِهِ أَحَدٌ مِنْهُمْ مِنْ مَسْأَلَةٍ شَرِيفَةٍ غَيْرِ مَرْدُودَةٍ وَبِمَا دَعَوْكَ بِهِ مِنْ دَعْوَةٍ مُجَابَةٍ غَيْرِ

بهرچه درخواسته تورا آن یکی از ایشان از سؤال بزرگی و بآنچه برنگردد تو را از خواندن قبولشده محروم نشده

مُخَيَّبَةٍ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا حَلِيمُ يَا كَرِيمُ يَا عَظِيمُ يَا جَلِيلُ يَا مُنِيلُ يَا جَمِيلُ يَا كَفِيلُ يَا وَكِيلُ يَا

ای خدای مهربان ای بخشنده ای بردبار ای گرامی ای بزرگ ای باجلال ای رساننده ای نیکو ای ضامن ای وکیل ای

مُقِيلُ يَا مُجِيرُ يَا خَبِيرُ يَا مُنِيرُ يَا مُبِيرُ يَا مَنِيعُ يَا مُدِيلُ يَا مُحِيلُ يَا كَبِيرُ يَا قَدِيرُ يَا بَصِيرُ يَا شَكُورُ يَا بَرُّ يَا طُهْرُ

درگذرنده ای پناه ای آگاه ای روشن ای روشن کننده ای دولت ده ای بزرگوار ای نزدیک ای دوست ای توانا ای بینا ای جزادهنده ای نیکو ای پاک

يَا طَاهِرُ يَا قَاهِرُ يَا ظَاهِرُ يَا بَاطِنُ يَا سَاتِرُ يَا مُحِيطُ يَا مُقْتَدِرُ يَا حَفِيظُ يَا مُتَجَبِّرُ يَا قَرِيبُ يَا وَدُودُ يَا حَمِيدُ

ای پاک کننده ای باقهر ای هویدا ای پنهان ای پوشیده ای فراگیرنده ای مقتدر ای نگاهدارنده ای بزرگوار ای نزدیک ای دوست ای ستوده

يَا مَجِيدُ يَا مُبْدِئُ يَا مُعِيدُ يَا شَهِيدُ يَا مُحْسِنُ يَا مُجْمِلُ يَا مُنْعِمُ يَا مُفْضِلُ يَا قَابِضُ يَا بَاسِطُ يَا هَادِي يَا مُرْسِلُ

ای بزرگوار ای پدیدآرنده ای بازگرداننده ای گواه ای نیکوکار ای نیکوکن ای نعمت ده ای بخشنده ای گیرنده ای گستراننده ای راهنما ای فرستنده

يَا مُرْشِدُ يَا مُسَدِّدُ يَا مُعْطِي يَا مَانِعُ يَا دَافِعُ يَا رَافِعُ يَا بَاقِي يَا وَاقِي يَا خَلَّاقُ يَا وَهَّابُ يَا تَوَّابُ يَا فَتَّاحُ

ای راهنما ای مددکننده ای بخشنده ای بازدارنده ای دورسازنده ای برافرازنده ای بی زوال ای نگاهدارنده ای پدیدآرنده ای بخشنده ای پذیرنده ای گشاینده

يَا نَفَّاحُ يَا مُرْتَاحُ يَا مَنْ بِيَدِهِ كُلُّ مِفْتَاحٍ يَا نَفَّاعُ يَا رَؤُوفُ يَا عَطُوفُ يَا كَافِي يَا شَافِي يَا مُعَافِي يَا مُكَافِي يَا

ای سودمند ای آنکه بدست اوست هر کلیدی ای مهربان ای کارگذار ای شفاده ای عافیت ده ای

وَفِيُّ يَا مُهَيْمِنُ يَا عَزِيزُ يَا جَبَّارُ يَا مُتَكَبِّرُ يَا سَلَامُ يَا مُؤْمِنُ يَا أَحَدُ يَا صَمَدُ يَا نُورُ يَا مُدَبِّرُ يَا فَرْدُ يَا وِتْرُ يَا قُدُّوسُ

وفاکننده ای ارجمند ای کارگذار بقهر ای بزرگ بزرگان ای امان ده ای یگانه ای بی نیاز ای هویدا ای تدبیرکننده ای یکتا ای بیهمتا

یا ماحی

١٤١٢٩١ م

يا ناصِرُ يا مُؤنِسُ يا باعِثُ يا وارِثُ يا عالِمُ يا حاكِمُ يا بادي يا مُتَعالي يا مُصَوِّرُ يا مُسَلِّمُ يا مُتَحَبِّبُ يا قائِمُ

ای یاری دهنده ای انیس ای برانگیزنده ای میراث برنده ای دانا ای حکم کننده ای پدید آرنده ای بلند ای صورت ده ای سلامت ده ای دوست ای پاینده

يا دائِمُ يا عَليمُ يا حَكيمُ يا جَوادُ يا بارِئُ يا بارُّ يا سارُّ يا عَدْلُ يا فاصِلُ يا دَيّانُ يا حَنّانُ يا مَنّانُ

ای همیشه ای دانا ای درست کار ای بخشنده ای آفریده کار ای نیکوکار ای با انصاف ایخداوند فضل ای جزا دهنده ای بسیار مهربان

يا سَميعُ يا بَديعُ يا خَفيرُ يا مُعينُ يا ناشِرُ يا غافِرُ يا قَديمُ يا مُسَهِّلُ يا مُيَسِّرُ يا مُميتُ يا مُحْيي يا نافِعُ يا

ای شنونده ای پدید آرنده ای پناه دهنده ای پهن کننده ای آمرزنده ای دیرینه ای هموار ای آسان کننده ای میراننده ای زنده کننده ای

رازِقُ يا مُقْتَدِرُ يا مُسَبِّبُ يا مُغيثُ يا مُغْني يا مُقْني يا خالِقُ يا راصِدُ يا واحِدُ يا حاضِرُ يا جابِرُ يا حافِظُ

روزی ده ای اندازه کننده ای سبب سازنده ای فریادرس ای بی‌نیاز کننده ای آفریده کار ای نگهبان ای یگانه ای پیدا ای صاحب قهر و غلبه

يا شَديدُ يا غِياثُ يا عائِدُ يا قابِضُ يا مُثيبُ يا مُبينُ يا طاهِرُ يا مُجيبُ يا مُتَفَضِّلُ يا مُسْتَجيبُ يا عادِلُ

ای توانا ای فریادرس ای نفع رساننده ای گیرنده ای پذیرنده ای آشکار ای طاهر ای پذیرنده ای بخشنده ای قبول کننده ای دادخواه

يا بَصيرُ يا مُؤَمَّلُ يا مُسْدي يا أَوّابُ يا وافي يا راشِدُ يا مَليكُ يا رَبُّ يا مُذِلُّ يا مُعِزُّ يا ماجِدُ يا رازِقُ يا

ای بینا ای خواهنده خیرات ای بخشاینده ای با وفا ای صاحب رشد ای پادشاه ای پروردگار ای خوار کننده ای عزیز کننده ای روزی دهنده ای

وَلِيُّ يا فاضِلُ يا سُبْحانُ يا مَنْ عَلا فَاسْتَعْلى فَكانَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلى يا مَنْ قَرُبَ فَدَنى وَبَعُدَ فَنَأى وَ

یاور ای فاضل ای پاک ای آنکه بلند است پس هست در دیده بلند ای آنکه نزدیک است پس نزدیک و دور است پس

عَلِمَ السِّرَّ وَأَخْفى يا مَنْ إِلَيْهِ التَّدْبيرُ وَلَهُ الْمَقاديرُ يا مَنِ الْعَسيرُ عَلَيْهِ سَهْلٌ يَسيرٌ يا مَنْ هُوَ عَلى ما

داند آشکار و پنهان ای آنکه بسوی اوست تدبیر و مر او راست اندازه ای آنکه هر دشواری بر او آسان است وای آنکه او بر آنچه

يَشاءُ قَديرٌ يا مُرْسِلَ الرِّياحِ يا فالِقَ الْإِصْباحِ يا باعِثَ الْأَرْواحِ يا ذَا الْجُودِ وَالسَّماحِ يا رادَّ ما

میخواهد تواناست ای فرستنده بادها ای شکافنده صبحها ای برانگیزاننده روحها ایخداوند جود و نوازش ای برگرداننده

قَدْ فاتَ يا ناشِرَ الْأَمْواتِ يا جامِعَ الشَّتاتِ يا رازِقَ مَنْ يَشاءُ بِغَيْرِ حِسابٍ وَيا فاعِلَ ما يَشاءُ كَيْفَ يَشاءُ

آنچه فوت شد ای زنده سازنده مردها ای فراهم آورنده پراکنده ای روزی دهنده و هر کرا خواهد بیحساب وای کننده آنچه میخواهد بهر روش که خواهد

يا ذَا الْجَلالِ وَالْإِكْرامِ يا حَيُّ يا قَيُّومُ يا حَيُّ حينَ لا حَيَّ يا حَيُّ يا مُحْيِيَ الْمَوْتى يا حَيُّ لا إِلهَ إِلّا أَنْتَ

ای بزرگوار گرامی ای زنده ای توانا ای زنده هنگامیکه نیست زنده ای زنده کننده مردها ای زنده نیست خدائی مگر تو

بَديعَ السَّماواتِ وَالْأَرْضِ يا إِلهي وَسَيِّدي صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ وَبارِكْ

پدید آرنده آسمانها و زمین ایخدای من وآقای من رحمت فرست بر محمد و آل محمد و رحم کن بر محمد و آل محمد و برکت ده

عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَما صَلَّيْتَ وَبارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلى إِبْراهيمَ إِنَّكَ حَميدٌ مَجيدٌ وَارْحَمْ

بر محمد و آل محمد چنانکه رحمت فرستادی و برکت دادی و رحم کردی بر ابراهیم بدرستیکه توئی بزرگوار و ببخش

ذُلّي وَفاقَتي وَفَقْري وَانْفِرادي وَوَحْدَتي وَخُضُوعي بَيْنَ يَدَيْكَ وَاعْتِمادي عَلَيْكَ وَتَضَرُّعي

خواری مرا و تنگدستی مرا بسوی تو میخوانم ترا خواندن و یکسی مرا و فروتنی مرا در پیش تو و اعتماد مرا بر تو و زاری مرا

إِلَيْكَ أَدْعُوكَ دُعاءَ الْخاضِعِ الذَّليلِ الْخاشِعِ الْخائِفِ الْمُشْفِقِ الْبائِسِ الْمَهينِ الْحَقيرِ الْجائِعِ

بسوی تو میخوانم ترا خواندن فروتنی کننده خوار زاری کننده ترسان بیمناک محتاج خفیف حقیر گرسنه

الْفَقيرِ الْعائِذِ الْمُسْتَجيرِ الْمُقِرِّ بِذَنْبِهِ الْمُسْتَغْفِرِ مِنْهُ الْمُسْتَكينِ لِرَبِّهِ دُعاءَ مَنْ أَسْلَمَتْهُ ثِقَتُهُ

محتاج پناه برنده زنهار جوینده اقرار کننده بگناه خود آمرزش خواه از گناه فروتنی کننده مر پروردگار دعائی که خوار گذاشته او را معتمد او

در فضیلت

ورفعته احبّته وعظمت فجيعته دعاء حرق حزين ضعيف مهين بائس مسكين بك

و بزرگ نمود اورا دوستان او و بزرگ شد مصیبت او خواندن سوخته غمگین ناتوان خوار محتاج فقیر که باشد بتو

مستجير اللهمّ واسئلك بانّك مليك وانّك ما تشاء من امر يكون وانّك على ما تشاء قدير و

پناه برنده خداوندا و سؤال میکنم ترا بانکه تو پادشاهی و بدرستیکه تو آنچه خواهی از امری میشود و بدرستیکه تو بر آنچه میخواهی توانائی

اسئلك بحرمة هذا الشهر الحرام والبيت الحرام والبلد الحرام والركن والمقام والمشاعر

و میخواهم از تو بحرمت این ماه حرام و خانه محرم و شهر حرام و رکن و مقام و جای عبادت

العظام وبحقّ نبيّك محمّد عليه وآله السّلام يا من وهب لآدم شيثاً ولابراهيم اسمعيل و

بزرگ و بحق پیغمبر تو محمد بر او و آل او سلام ای آنکه بخشید مر آدم را شیث و مر ابراهیم را اسمعیل و

اسحق ويا من ردّ يوسف على يعقوب ويا من كشف بعد البلاء ضرّ ايّوب يا رادّ موسى على

اسحق و ای آنکه برگردانید یوسف را بر یعقوب و ای آنکه زایل گرد پس از امتحان بدحالی ایوب ای باز گرداننده موسی بر

امّه وزائد الخضر في علمه ويا من وهب لداود سليمان ولزكريّا يحيى ولمريم عيسى يا حافظ بنت

مادرش و ای افزون ده خضر در علم او و ای آنکه بخشید مر داود را سلیمان و مر زکریا را یحیی و مر مریم را عیسی ای نگاهدارنده دختر

شعيب ويا كافل ولد امّ موسى اسئلك ان تصلّي على محمّد وآل محمّد وان تغفر لي ذنوبي كلّها

شعیب و ای کارگذارنده فرزند مادر موسی درمیخواهم ترا آنکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و آنکه بیامرزی گناهان مرا همه را

وتجيرني من عذابك وتوجب لي رضوانك وامانك واحسانك وغفرانك وجنانك واسئلك

و پناه دهی مرا از عذاب خود و لازم کنی برای من خوشنودی خود را و احسان خود را و آمرزش خود را و بهشت خود را و سؤال میکنم

ان تفكّ عنّي كلّ حلقة بيني وبين من يؤذيني وتفتح لي كلّ باب وتليّن لي كلّ صعب

ترا آنکه باز داری از من هر حلقه تنگیرا میان من و میان آنکه ایذا کند مرا و بگشائی برای من هر دری و نرم سازی برای من هر مشکلی

وتسهّل لي كلّ عسير وتخرس عنّي كلّ ناطق بشرّ وتكفّ عنّي كلّ باغ وتكبت لي كلّ عدوّ وحاسد

و آسان کنی برای من هر دشواری را و گنگ سازی برای من هر گوینده به بدی و باز داری از من هر تجاوز کننده و خوار سازی برای من هر دشمن و حاسد را

وتمنع منّي كلّ ظالم وتكفيني كلّ عائق يحول بيني وبين ولدي ويحاول ان يفرّق بيني وبين

و منع کنی از من هر ستمکاری را و کفایت کنی مرا هر مانعی که حایل شود میان من و میان فرزند من و قصد کند آنکه جدائی افکند میان من و میان

طاعتك ويثبّطني عن عبادتك يا من الجم الجنّ المتمرّدين وقهر عتاة الشياطين واذلّ رقاب

طاعت تو و مشغول سازد مرا از بندگی تو ای آنکه لجام کرد همه دیو سرکشان و غلبه کردی تجاوز کننده دیوان را و خوار کردی گردنهای

المتجبّرين وردّ كيد المتسلّطين عن المستضعفين اسئلك بقدرتك على ما تشاء وتسهيلك

متکبران و برگردانید مکر دست یابندگان را از ناتوانان درمیخواهم ترا بتوانائی تو بر آنچه خواهی و آسان گردان

لما تشاء كيف تشاء ان تجعل قضاء حاجتي فيما تشاء پس بسجده برو و پهلوی روی اللهمّ لك سجدت و

بر آنچه خواهی بهر روش که خواهی آنکه بگردانی برآوردن حاجت مرا در آنچه خواهی خود را بر خاک بگذار و بگو خداوندا مر ترا سجده کردم

بك آمنت فارحم ذلّي وفاقتي واجتهادي وتضرّعي ومسكنتي وفقري اليك يا ربّ پس حضرت فرمود که سعی

و بتو گرویدم پس رحم کن خواری مرا و کوشش مرا و زاری مرا و درویشی مرا بسوی تو ای پروردگار

کن که آب از دیده ات بیرون آید اگرچه بقدر سر مگسی بوده باشد که آن علامت اجابت دعا اللهمّ لك سجدت وبك

است و در روایت دیگر وارد شده است که در سجده این دعا را بخواند خداوندا مر ترا سجده کردم و بتو

امنت

أمنت فارحم ذلّي وخضوعي بين يديك وفقري وفاقتي إليك وارحم انفرادي وخشوعي

و بتو گرویده‌ام پس رحم کن خواری مرا و فروتنی مرا پیش از تو و احتیاج مرا بسوی تو و رحم کن تنهائی مرا و زاری مرا

واجتهادي بين يديك وتوكّلي عليك اللّهمّ بابك أستفتح وبك أستنجح وبمحمّد عبدك ورسولك

و کوشش مرا در پیش روی تو و توکل مرا بر تو خداوندا بتو رستگاری میجویم و بتو گشایش طلبم و بمحمد بنده تو و فرستاده تو

وآله أتوجّه إليك اللّهمّ سهّل لي كلّ حزونة وذلّل لي كلّ صعوبة وأعطني من الخير أكثر ممّا

و آل او روی آورم بسوی تو خداوندا آسان کن هر اندوهی را و خوار برای من هر دشواری را و بده مرا از خیر بیشتر از آنچه

أرجو وعافني من الشرّ واصرف عنّي السوء و بروایت دیگر صد یا قاضي حوائج الطالبين اقض

امیدوارم و عافیت ده مرا از بدی و بگردان از من بدی را مرتبه در سجده بگو ای برآورنده حاجتهای حاجتمندان برآور

حاجتي بلطفك يا خفيّ الألطاف و در روایت معتبر دیگر وارد شده است که مادر داود بحضرت عرض کرد

حاجت مرا بلطف خود ای که پنهانست الطاف تو

این دعا آقای من آیا این دعا را در غیر ماه رجب میتوان خواند فرمود بلی در روز عرفه میتوان خواند و اگر موافق افتد که روز جمعه باشد صاحبش فارغ نمیشود مگر آنکه خدا او را میآمرزد و در هر ماه که باشد اگر ایام البیض آنماه را روزه بدارد و در روز پانزدهم این دعا را بخواند بنحوی که ذکر کردم حاجتش برآورده میشود و در روایت دیگر وارد شده است که حضرت فرمود در روز عرفه و هر روز که این دعا را بخواند حاجت او برآورده میشود مؤلف گوید که از این احادیث ظاهر میشود که در هر ماه که ایام البیض را یعنی سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم روزه بدارد و در روز پانزدهم این عمل را بجا آورد بمطلوب فایز میگردد و دور نیست که اگر در روز عرفه و جمعه و سایر ایام متبرکه نیز این عمل را بدون روزه بجا آورد خوب باشد و اگر در غیر اشهر حرم که ذی القعده و ذی الحجه و محرّم و ماه رجب است این دعا را بخواند بجای بحق هذا الشهر الحرام بگوید بحق الشهر الحرام و لهذا این دعا از دعاهاست

فصل پنجم در بیان فضایل و اعمال نصف آخر ماه رجب است

شیخ طوسی و دیگران گفته‌اند که در روز هجدهم اینماه ابراهیم پسر رسول خدا ص از دنیا رفت پس حزن و اندوه و لعن بر آنها که در این مصیبت شماتت کرده‌اند مناسبست خصوصا عایشه و ابن عباس که یکی از محدثان شیعه است گفته است که حضرت فاطمه ع در بیست و یکم ماه رجب بعالم قدس ارتحال نمود اگرچه خلاف مشهور است اما لعن بر قاتلان و ظالمان جگر گوشه حضرت رسالت پناه ص که عمده آنها عمر بن الخطابست ثواب دارد و زیارت آنحضرت احتیاطا مناسبست بنحوی که مذکور خواهد شد انشاء الله تعالی و شیخ مفید گفته است که در بیست و دوم اینماه معویه بجهنم واصل شده است و مستحبست که این روز را روزه دارند بشکر این نعمت و در روز بیست و سیم اینماه خارجیان خنجر زهرآلود بر ران مبارک حضرت امام حسن مجتبی زدند زیارت آنحضرت و لعن بر ظالمان و قاتلان آنحضرت مناسبست و در روز بیست و چهارم اینماه فتح خیبر بدست معجز نمای علی بن ابی طالب ع جاری شد و مرحب یهودی بر دست آنحضرت کشته شد و گفته‌اند روزه این روز بشکر این نعمت و زیارت آنحضرت مناسبست و شیخ ره ذکر کرده است که شهادت حضرت امام موسی کاظم ع در روز بیست و پنجم ماه رجب واقع شده است اما احادیث بسیار در فضیلت این روز و ثواب روزه‌اش وارد شده است و روایتی نقل کرده‌اند از ابن بابویه و غیر او که حضرت رسول ص در روز بیست و پنجم ماه رجب مبعوث برسالت شد و این مخالف مشهور و احادیث بسیار است که بعد از این مذکو

خواهد

خواهد شد لکن در فضیلت روزه اش شکی نیست چنانچه از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که روزه اش
کفاره دویست سال گناهست و بسند بسیار معتبر از حضرت امام رضا ع مرویست که هر که روز بیست و پنجم ماه
رجب را روزه بدارد بخدا روزه او را کفاره هفتاد سال گناه گرداند و ایضا از آنحضرت منقولست که هر که روز بیست
ششم ماه رجب را روزه دارد بخدا روزه او را کفاره هشتاد سال گناه او گرداند و روز بیست و هفتم این ماه از جمله
اعیاد عظیمه است و روزیست که حضرت رسول ص در آن روز برسالت مبعوث گردید و جبرئیل به
پیغمبری بر آنحضرت نازل شد و شبش نیز شب بسیار مبارکیست و بسند قوی معتبر از حضرت امام محمد تقی ع منقولست
که در ماه رجب شبی هست که بهتر است از برای مردم از آنچه آفتاب بر آن میتابد آن شب بیست و هفتم این ماهست و در
صبح آن شب حضرت رسول ص برسالت مبعوث شد و کسیکه عبادت کند این شب را مثل اجر شصت سال عبادت خدا
باو عطا میفرماید پرسیدند که عمل آن شب چیست فرمود که چون نماز خفتن کردی بخواب و هر وقت از شب
بیدار شوی خواه پیش از نصف شب و خواه بعد از آن برخیز و دوازده رکعت نماز بکن هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت
بعد از حمد یکسوره از سورهای کوچک را بعد از حمد بخوان و چون از همه فارغ شوی چنانکه نشسته سوره حمد و
قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله احد و قل یا ایها الکافرون و انا انزلناه و آیة الکرسی
هر یک را هفت مرتبه بخوان و این دعا را بخوان الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا و لم یکن له شریک فی الملک و لم یکن
سپاس مر خدا را که فرا نگرفته فرزندی و نمی باشد مر او را انباز در پادشاهی و نباشد مر او را
ولی من الذل و کبره تکبیرا اللهم انی اسئلک بمعاقد عزک علی ارکان عرشک و منتهی
دوستی از خواری و بعظمت یاد کن او را یاد کردنی خدایا بدرستیکه من سؤال میکنم از جای بستن عزت تو بر ارکان عرش تو و نهایت
الرحمة من کتابک و باسمک الاعظم الاعظم الاعظم و ذکرک الاعلی الاعلی الاعلی و بکلماتک
رحمت از کتاب تو و بنام تو بزرگتر بزرگتر بزرگتر و بحق ذکر تو که بلند است بلند تر است و بکلمات تو
التامات کلها ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تفعل بی ما انت اهله پس هر حاجت که خواهی بطلب
که تمامند همه آن اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بکنی با من آنچه تو سزاوار آنی که هر چه بطلبی
مستجاب میشود مگر آنکه حرامی بطلبی یا قطع رحمی یا هلاک جمعی از مؤمنان را طلب کنی و روز شرا روزه بدار که از برای
تو حساب میشود بروزه یکسال و بسند معتبر دیگر از حضرت موسی بن جعفر ع منقولست که در شب بیست و
هفتم رجب هر وقت شب که باشد دوازده رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت بعد از حمد چهار مرتبه قل اعوذ
برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله احد بخوان و چون از دوازده رکعت نماز فارغ شوی در همان مکان
که نشسته چهار مرتبه بگو لا اله الا الله و الله اکبر و الحمد لله و سبحان الله و لا حول و لا قوة الا
نیست معبودی بحق مگر خدا و خدا بزرگتر است و ستایش مر خدا را و پاکست خدا و نیست حولی و نه توانائی مگر
بالله العلی العظیم پس هر حاجت که خواهی بطلب مؤلف گوید که بهتر آنست که از این دو روایت که عمل کند خوبست
بخدای بلند مرتبه بزرگ
و اگر هر دو را بکند بهتر است و اگر نماز شب نصف رجب که بسند صحیح مذکور شد در این
شب بجا آورد خوبست و در آن روایت وارد شده است که در این شب نیز بجا آورند و شیخ طوسی ره گفته است
که غسل در اینشب مستحبست و زیارت حضرت رسول ص و حضرت امیر المؤمنین ع در اینشب مناسبست و این دعا
نیز وارد شده است که در اینشب بخوانند اللهم انی اسئلک بالتجلی الاعظم فی هذه اللیلة من الشهر المعظم
خداوندا بدرستیکه من میخواهم ترا بحق عطیه بزرگتر در این شب از ماه بزرگوار

وَالْمُرْسَلِ الْمُكَرَّمِ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَغْفِرَ لَنَا مَا اَنْتَ بِهِ مِنَّا اَعْلَمُ يَا مَنْ يَعْلَمُ وَلَا

و فرستاده گرامی اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و انکه بیامرزی ما را آنچه تو بآن از ما داناتری ای آنکه میداند و نمی

يَعْلَمُ اَللّٰهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي لَيْلَتِنَا هٰذِهِ الَّتِي بِشَرَفِ الرِّسَالَةِ فَضَّلْتَهَا وَبِكَرَامَتِكَ اَجْلَلْتَهَا وَبِالْمَحَلِّ

آموخته نشود خداوندا برکت ده برای ما در شب اینکه بشرافت پیغمبر که زیاد نمودادی آنرا و بکرامت خود بزرگ کرده آنرا و بجای

الشَّرِيفِ اَحْلَلْتَهَا اَللّٰهُمَّ فَاِنَّا نَسْئَلُكَ بِالْمَبْعَثِ الشَّرِيفِ وَالسَّيِّدِ اللَّطِيفِ وَالْعُنْصُرِ الْعَفِيفِ اَنْ تُصَلِّيَ

شریف خود که فرود آوردی خداوندا بدرستیکه میخواهم ترا بمبعث بزرگوار و آقای بزرگ مهربان و اصل پرهیزکار اینکه رحمت فرستی

عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاَنْ تَجْعَلَ اَعْمَالَنَا فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ وَفِي سَائِرِ اللَّيَالِي مَقْبُولَةً وَذُنُوبَنَا مَغْفُورَةً

بر محمد و آل او و اینکه بگردانی کردارها را در این شبها و در سایر شبهای پذیرفته و گناهان ما را آمرزیده شده

وَحَسَنَاتِنَا مَشْكُورَةً وَسَيِّئَاتِنَا مَسْتُورَةً وَقُلُوبَنَا بِحُسْنِ الْقَوْلِ مَسْرُورَةً وَاَرْزَاقَنَا مِنْ لَدُنْكَ بِالْيُسْرِ

و نیکیهای ما را جزا داده شده و بدیهای ما را پوشیده و دلهای ما را بخوبی گفت ارشاد شده و روزی ده ما را از نزد خود باسانی

مَدْرُورَةً اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ تَرٰى وَلَا تُرٰى وَاَنْتَ بِالْمَنْظَرِ الْاَعْلٰى وَاِنَّ اِلَيْكَ الرُّجْعٰى وَالْمُنْتَهٰى وَاِنَّ لَكَ الْمَمَاتَ

روان شده خداوندا بدرستیکه تو می بینی و دیده نمیشوی و تو در دیده گاه بلند و بدرستیکه بسوی تست بازگشت و انتها و بدرستیکه مر تراست مردن

وَالْمَحْيَا وَاِنَّ لَكَ الْاٰخِرَةَ وَالْاُولٰى اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَعُوذُ بِكَ اَنْ نَذِلَّ وَنَخْزٰى وَاَنْ نَاْتِيَ مَا عَنْهُ تَنْهٰى

و زنده گردن و بدرستیکه مر تراست آنجهان و اینجهان خداوندا بدرستیکه ما پناه میبریم بتو اینکه ذلیل و خوار گردیم و بجای آوریم آنچه را نهی کردی

اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَسْئَلُكَ الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ وَنَسْتَعِيذُ بِكَ مِنَ النَّارِ فَاَعِذْنَا مِنْهَا بِقُدْرَتِكَ وَنَسْئَلُكَ مِنَ الْحُورِ

خدایا بدرستیکه میخواهیم ترا بهشت برحمت تو و پناه میبریم بتو از آتش پس پناه ده ما را از آن بتوانائی تو و میخواهیم از تو حور

الْعِينِ فَارْزُقْنَا بِعِزَّتِكَ وَاجْعَلْ اَوْسَعَ اَرْزَاقِنَا عِنْدَ كِبَرِ سِنِّنَا وَاَحْسَنَ اَعْمَالِنَا عِنْدَ اقْتِرَابِ آجَالِنَا

العین پس روزی ده ما را بعزت تو و بگردان وسیعتر روزی ما را نزد بزرگی سنین ما و نیکوتر کردار ما را نزد نزدیک شدن اجلهای ما

وَاَطِلْ فِي طَاعَتِكَ وَمَا يُقَرِّبُ اِلَيْكَ وَيُحْظِي عِنْدَكَ وَيُزْلِفُ لَدَيْكَ اَعْمَارَنَا وَاَحْسِنْ فِي جَمِيعِ اَحْوَالِنَا

و طویل کن در طاعت خود و آنچه نزدیک میکند بسوی تو و بهره مند سازد نزد تو و نزدیک گرداند نزد تو عمرهای ما را و نیکو کن در همه احوال

وَاُمُورِنَا مَعْرِفَتَنَا وَلَا تَكِلْنَا اِلٰى اَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ فَيَمُنَّ عَلَيْنَا وَتَفَضَّلْ عَلَيْنَا بِجَمِيعِ حَوَائِجِنَا

و کارهای ما شناختن ما و وامگذار ما را بسوی هیچیک از آفریده خود پس منت نهد بر ما و بخشش بر ما همه حاجتهای ما

لِلدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ وَابْدَاْ بِآبَائِنَا وَاُمَّهَاتِنَا وَاَبْنَائِنَا وَجَمِيعِ اِخْوَانِنَا الْمُؤْمِنِينَ فِي جَمِيعِ مَا سَئَلْنَاكَ

دنیا و آخرت و ابتدا کن بپدران ما و مادران ما و پسران ما و همه برادران ما گروندگان در همه خواستیم ما

لِاَنْفُسِنَا يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ وَمُلْكِكَ الْقَدِيمِ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ

از تو برای خود ای بخشنده ترین بخشندگان خدایا بدرستیکه ما میخواهیم ترا بنام تو که بزرگست و بپادشاهی تو دیرینه اینکه رحمت فرستی بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَغْفِرَ لَنَا الذَّنْبَ الْعَظِيمَ اِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الْعَظِيمَ اِلَّا الْعَظِيمُ اَللّٰهُمَّ وَهٰذَا رَجَبُ الْمُكَرَّمُ الَّذِي

و آل محمد و اینکه بیامرزی برای ما گناهان بزرگ ما اینکه نمی آمرزد گناه بزرگ را مگر بزرگ خداوندا و این رجب است گرامی داشته

اَكْرَمْتَنَا بِهِ اَوَّلُ اَشْهُرِ الْحُرُمِ اَكْرَمْتَنَا بِهِ مِنْ بَيْنِ الْاُمَمِ فَلَكَ الْحَمْدُ يَا ذَا الْجُودِ وَالْكَرَمِ فَاَسْئَلُكَ بِهِ

که گرامی داشته ما را باو اول شهر حرام که گرامی داشته ما را باو از میان امتها پس مر تراست ستایش ای صاحب بخشش و کرم پس در میخواهم ترا باو

وَبِاسْمِكَ الْاَعْظَمِ الْاَعْظَمِ الْاَجَلِّ الْاَكْرَمِ الَّذِي خَلَقْتَهُ فَاسْتَقَرَّ فِي ظِلِّكَ فَلَا يَخْرُجُ

و بنام بزرگ تو بزرگتر بزرگتر بزرگوارتر گرامی تر که آفریدی او را پس قرار گرفت در سایه تو پس بیرون

مِنْكَ اِلى غَيْرِكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ الطّاهِرينَ وَاَنْ تَجْعَلَنا مِنَ الْعامِلينَ فيهِ بِطاعَتِكَ

زود از تو بسوی غیر تو اینکه رحمت فرستی بر محمد و خانواده او که پاکانند و اینکه بگردانی ما را از کارکنندگان در آن بطاعت تو

وَالْآمِلينَ فيهِ لِشَفاعَتِكَ اَللّٰهُمَّ اهْدِنا اِلى سَواءِ السَّبيلِ وَاجْعَلْ مَقيلَنا عِنْدَكَ خَيْرَ مَقيلٍ

و امیدواران در آنماه مر شفاعت خود خداوندا برسان ما را بسوی راه راست و بگردان بازگشت ما را نزد خود بهترین بازگشتی

فى ظِلٍّ ظَليلٍ وَمُلْكٍ جَزيلٍ فَاِنَّكَ حَسْبُنا وَنِعْمَ الْوَكيلُ اَللّٰهُمَّ اقْلِبْنا مُفْلِحينَ مُنْجِحينَ غَيْرَ مَغْضُوبٍ

در سایه دایمی و پادشاهی بسیار پس بدرستی که تو بسی ما را و خوب کارگذار خدایا بگردان ما را رستگار فیروزی یافته نه غضب کرده

عَلَيْنا وَلَا الضّالّينَ بِرَحْمَتِكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ بِعَزائِمِ مَغْفِرَتِكَ وَبِواجِبِ

شده بر ما و نه گمراهان برحمت تو ای بخشندهترین بخشندگان خداوندا بدرستیکه من میخواهم ترا بوسیلهای آمرزش تو و بواجب

رَحْمَتِكَ السَّلامَةَ مِنْ كُلِّ اِثْمٍ وَالْغَنيمَةَ مِنْ كُلِّ بِرٍّ وَالْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ وَالنَّجاةَ مِنَ النّارِ اَللّٰهُمَّ دَعاكَ

رحمت سلامتی از هر گناه و غنیمت از هر نیکی و فیروزی بهشت و رستگاری از آتش خداوندا خواندند ترا

الدّاعُونَ وَدَعَوْتُكَ وَسَئَلَكَ السّائِلُونَ وَسَئَلْتُكَ وَطَلَبَ اِلَيْكَ الطّالِبُونَ وَطَلَبْتُ اِلَيْكَ اَللّٰهُمَّ

خوانندگان و خواندم ترا و سؤال کردند ترا سؤال کنندگان و سؤال کردم ترا و رغبت نمودند بسوی تو راغبان و رغبت نمودم بسوی تو خداوندا

اَنْتَ الثِّقَةُ وَالرَّجاءُ وَاِلَيْكَ مُنْتَهَى الرَّغْبَةِ وَالدُّعاءِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلِ الْيَقينَ

توئی معتمد و امیدگاه و بسوی تست نهایت رغبتها و خواندن خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل او و بگردان یقین

فى قَلْبى وَالنُّورَ فى بَصَرى وَالنَّصيحَةَ فى صَدْرى وَذِكْرَكَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهارِ عَلى لِسانى وَرِزْقاً واسِعاً غَيْرَ

در دل من و روشنی در دیده من و پند را در سینه من و یاد تو در شب و روز بر زبان من و روزی فراخی که نباشد

مَمْنُونٍ وَلا مَحْظُورٍ فَارْزُقْنى وَبارِكْ لى فيما رَزَقْتَنى وَاجْعَلْ غِنائى فى نَفْسى وَرَغْبَتى فيما عِنْدَكَ بِرَحْمَتِكَ

مقطوع و نه حرام پس روزی ده مرا و برکت ده برای من در آنچه روزی دادی مرا و بگردان بی نیازی مرا در نفس من و خواهش من در آنچه نزد تست برحمت

يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ پس بسجده رو و بگو اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذى هَدانا لِمَعْرِفَتِهِ وَخَصَّنا بِوِلايَتِهِ وَوَفَّقَنا لِطاعَتِهِ

بخشندهترین بخشندگان پس برو و بگو سپاس مر خدا را که راه نمود ما را برای شناختن خود و مخصوص کرد ما را بدوستی خود و یاری داد ما را بطاعت خود

شُكْراً شُكْراً پس سجده اَللّٰهُمَّ اِنّى قَصَدْتُكَ بِحاجَتى وَاعْتَمَدْتُ عَلَيْكَ بِمَسْئَلَتى وَتَوَجَّهْتُ اِلَيْكَ

ستایش کنیم ستایش کردنی پس برخیز و بگو خداوندا بدرستیکه من نیت کردم ترا بحاجت خود و تکیه کردم بر تو بخواندنم و رو آوردم بتو

بِاَئِمَّتى وَسادَتى اَللّٰهُمَّ انْفَعْنا بِحُبِّهِمْ وَاَوْرِدْنا مَوْرِدَهُمْ وَارْزُقْنا مُرافَقَتَهُمْ وَاَدْخِلْنَا الْجَنَّةَ فى

به پیشوایان خود و بزرگان خود خدایا سود ده ما را بدوستی ایشان و فرود آر فرود آوردن ایشان و روزی کن ما را رفاقت ایشان و در آور ما را در بهشت در

زُمْرَتِهِمْ بِرَحْمَتِكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ و در روز بیست و هفتم غسل سنتست و روزهاش فضیلت بسیار دارد

زمره ایشان برحمت تو ای بخشندهترین بخشندگان و بسندهای معتبر از حضرت صادق ع منقولست که روزهاش برابر است

با روزه هفتاد سال و بروایت دیگر شصت سال و ایضا منقولست که حسن بن راشد از حضرت صادق ع سؤال

کرد که آیا غیر عیدهای مشهور عیدی هست حضرت فرمود بلی شریفتر و فاضلتر همه روز بیستکه حضرت رسول ص

برسالت مبعوث گردیداست و آن بیست و هفتم ماه رجب است باید که روزه بداری و صلوات بر محمد و آل محمد بسیار

بفرستی و زیارت حضرت رسول ص و حضرت امیر المؤمنین ع در این روز منقولست و نماز این روز بطرق مختلفه وارد

شده است و اکثر گفته اند پیش از زوال باید کرد و از اکثر احادیث ظاهر میشود که در هر وقت روز که بکنند

خوبست و بسند معتبر از ریان بن الصلت منقولست که چون حضرت امام محمد تقی ع ببغداد تشریف آوردند

در روز نصف رجب و روز بیست و هفتم روزه داشتند و جمیع یاران و اصحاب خود را امر فرمودند که این
روز و روزه بدارند و در هر یک دوازده رکعت نماز بگذارند یعنی هر دو رکعت بیک سلام و هر رکعت را
بحمد و هر سوره که خواهند بخوانند و چون از همه فارغ شوند سوره حمد و قل هو الله لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَ
احد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس هر یکرا چهار مرتبه بخوانند پس چهار مرتبه بگویند نیست معبودی مگر خدا و
اللّٰهُ أَكْبَرُ وَ سُبْحَانَ اللّٰهِ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ پس چهار مرتبه اللّٰهُ
خدا بزرگتر است و پاکست خدا و ستایش مر خدا را و نه حولی و نه توانائی مگر بخدای بلند مرتبه بزرگ بگویند خدا
اللّٰهُ رَبِّي لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا پس چهار مرتبه لَا أُشْرِكُ بِرَبِّي أَحَدًا و بسند معتبر دیگر از حضرت صاحب
خدا پروردگار منست نیست شریکی با و چیزی را بگویند شریک نمیکنم بپروردگار خود احدی را الامر منقولست که در این روز دوازده
رکعت نماز بجا میاوری و در هر رکعت بعد از حمد هر سوره که میسر شود الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ
میخوانی و بعد از هر دو رکعت سلام میگوئی و این دعا میخوانی ستایش مر خدا را که فرا نگرفته فرزندی را و نه باشد مر او را
فِي الْمُلْكِ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَ كَبِّرْهُ تَكْبِيرًا يَا عُدَّتِي فِي مُدَّتِي يَا صَاحِبِي فِي شِدَّتِي يَا وَلِيِّي
شریکی در ملک و نیست مر او را دوستی از خواری و یاد کن او را یاد کردنی ای ذخیره من در مدت عمر من ای رفیق من در سختی من ای یاور من
فِي نِعْمَتِي يَا غِيَاثِي فِي رَغْبَتِي يَا نَجَاحِي فِي حَاجَتِي يَا حَافِظِي فِي غَيْبَتِي يَا كَالِئِي فِي وَحْدَتِي يَا أُنْسِي
در نعمت من ای دادرس من در خواهش من ای فیروزی من در حاجت من ای نگاهدار من در نهانی من ای پناه من در تنهائی من ای انس
فِي وَحْشَتِي أَنْتَ السَّاتِرُ عَوْرَتِي فَلَكَ الْحَمْدُ وَ أَنْتَ الْمُقِيلُ عَثْرَتِي فَلَكَ الْحَمْدُ وَ أَنْتَ الْمُنْعِشُ صَرْعَتِي
من در وحشت من تو پوشاننده عورت منی پس مر تراست ستایش و توئی در گذرنده از لغزش من پس مر تراست ستایش و توئی
فَلَكَ الْحَمْدُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اسْتُرْ عَوْرَتِي وَ آمِنْ رَوْعَتِي وَ أَقِلْنِي عَثْرَتِي وَ اصْفَحْ عَنْ
پس مر تراست ستایش درود بر محمد و آل محمد و بپوشان عورت مرا و ایمن دار ترس مرا و درگذر از لغزش من و درگذر از
جُرْمِي وَ تَجَاوَزْ عَنْ سَيِّئَاتِي فِي أَصْحَابِ الْجَنَّةِ وَعْدَ الصِّدْقِ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ و چون از نماز و دعا فارغ
گناه من و درگذر از بدیهای من در حالتی که باشم از یاران بهشت وعده راستی که بودند وعده داده شده شوی سوره حمد و قل هو الله احد
و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل یا ایها الکافرون و انا انزلناه لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَ اللّٰهُ أَكْبَرُ وَ
فی لیلة القدر و آیة الکرسی هر یکرا هفت مرتبه میخوانی پس هفت مرتبه میگوئی نیست معبودی مگر خدا و خدا بزرگتر است و
سُبْحَانَ اللّٰهِ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ پس هفت مرتبه اللّٰهُ اللّٰهُ رَبِّي وَ لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا پس هر چه
پاکست خدا و ستایش مر خدا را و نیست حولی و نه توانائی مگر بخدا میگوئی خدا خدا پروردگار منست و شریک نمیکنم با و چیزی را خواهی
از خدا طلب و بسند معتبر دیگر از حضرت موسی بن جعفر يَا مَنْ أَمَرَ بِالْعَفْوِ وَ التَّجَاوُزِ وَ ضَمَّنَ نَفْسَهُ الْعَفْوَ
منقولست که سنتست در روز مبعث این دعا را بخوانند ای آنکه امر کرده بعفو و درگذشتن و ضامن کرده خود را بعفو
وَ التَّجَاوُزَ يَا مَنْ عَفَا وَ تَجَاوَزَ اعْفُ عَنِّي وَ تَجَاوَزْ يَا كَرِيمُ اللّٰهُمَّ وَ قَدْ أَكْدَى الطَّلَبُ وَ أَعْيَتِ الْحِيلَةُ
و درگذشتن ای آنکه عفو نمود و درگذشت عفو کن از من و درگذر ای بزرگوار خداوندا و بتحقیق که مشکل شده طلب و عاجز گردیده چاره
وَ الْمَذْهَبُ وَ دَرَسَتِ الْآمَالُ وَ انْقَطَعَ الرَّجَاءُ إِلَّا مِنْكَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَجِدُ سُبُلَ
و راه کسب و کهنه شده آرزوها و بریده شده امید مگر از تو و یگانه تو نیست شریکی مر ترا خداوندا بدرستیکه من راهها را
الْمَطَالِبِ إِلَيْكَ مُشْرَعَةً وَ مَنَاهِلَ الرَّجَاءِ لَدَيْكَ مُتْرَعَةً وَ أَبْوَابَ الدُّعَاءِ لِمَنْ دَعَاكَ مُفَتَّحَةً
می یابم طلبها را بسوی تو گشاده و آبخورهای امید نزد تو لبریز و درهای خواندن برای آنکه بخواند ترا گشاده

والامتنان

والاستعانة لمن استعانك مباحة واعلم انك لداعيك بموضع اجابة وللصارخ

و یاری جستن برای آنکه یاری جست بتو مباح و میدانم اینکه تو مر خواندن ترا بجایگاه اجابتی و برای استغاثه

اليك بمرصد اغاثة وان في اللهف الى جودك والضمان بعدتك عوضا من منع الباخلين

بسوی تو در انتظار فریادرسی و بدرستیکه در اشتیاق بسوی بخشش تو و ضامن شدن بوعده تو عوض بزرگ از منع بخیلان

ومندوحة عما في ايدي المستأثرين وانك لا تحتجب عن خلقك الا ان تحجبهم الاعمال دونك

و بی نیازی از آنچه در دستهای توانگرانست و بدرستیکه تو پنهان نمیگردی از خلق خود مگر آنکه حایل شود ایشان را کردار در پیش تو

وقد علمت ان افضل زاد الراحل اليك عزم ارادة وقد ناجاك بعزم الارادة قلبي فاسئلك

و بتحقیق که میدانم اینکه زیادتی توشه برداننده بسوی تو اراده ثابت و بتحقیق که راز گفت ترا باراده ثابت دل من پس سؤال میکنم

بكل دعوة دعاك بها راج بلغته امله او صارخ اليك اغثت صرخته او ملهوف مكروب

بهر دعائیکه خواند ترا بآن امیدواری که رسانیده آنرا باستغاثه کردن بسوی تو که رسیده باشی بفریاد او یا درمانده غمگینی

فرجت عن قلبه او مذنب خاطئ غفرت له او معافا اتممت نعمتك عليه او فقير اهديت غناك

که کشف نموده از دل او یا خطاکار گناهکار که آمرزیده باشی او را یا عافیت بخشیده که تمام کردی نعمت خود را براو یا محتاجی که تحفه فرستادی توانگری

اليه ولتلك الدعوة عليك حق وعندك منزلة الا صليت على محمد وآله وقضيت حوائج

بسوی او و برای آن دعوت بر تست حق و نزد تو منزلتی مگر اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل او و برآوری حاجتهای

حوائج الدنيا والآخرة وهذا رجب المرجب المكرم الذي اكرمتنا به اول اشهر الحرم واكرمتنا

حاجتهای دردنیا و آخرت و این ماه رجب بزرگ داشته گرامیست که گرامی داشتی مارا بآن اول ماههای حرام و گرامی داشتی

به من بين الامم يا ذا الجود والكرم فاسئلك به وباسمك الاعظم الاعظم الاعظم الاجل

مارا بآن از میان امتها ای خداوند بزرگوار و گرامی پس درخواهم ترا بآن و بنام تو بزرگتر است بزرگتر بزرگتر بزرگوارتر

الاكرم الذي خلقته فاستقر في ظلك فلا يخرج منك الى غيرك ان تصلي على محمد واهل

گرامی تر که پدید آوردی اورا پس قرار گرفت در سایه تو پس بیرون نرود از تو بسوی غیر تو آنکه رحمت فرستی بر محمد و اهل

بيته الطاهرين وتجعلنا من العاملين فيه بطاعتك والاملين فيه لشفاعتك اللهم و

بیت او که پاکانند و بگردانی ما را از آنانکه عمل کننده در آن بطاعت تو و امیدواران در آن مر شفاعت تو خداوندا

اهدنا الى سواء السبيل واجعل مقيلنا عندك خير مقيل في ظل ظليل فانك حسبنا ونعم

برسان بسوی راه راست و بگردان بازگشت مارا نزد تو بهتر بازگشتی در سایه دائمی پس بدرستیکه تو بسی مارا و نیکو

الوكيل والسلام على عبادك المصطفين وصلواتك عليهم اجمعين اللهم وبارك لنا في يومنا هذا

کارگذاری و سلام بر بندگان برگزیده و رحمتهای او برایشان همه خداوندا و برکت ده برای ما در روز ما این روز

الذي فضلته وبكرامتك جللته وبالمنزل العظيم منك انزلته وصل على من فيه الى عبادك

که زیاده دادی اورا و بکرامت خود بزرگ گردانیدی اورا و بمرتبه بزرگ از خود که فرود آوردی اورا و رحمت فرست برآنکه در این روز بسوی بندگان

ارسلته وبالمحل الكريم احللته اللهم صل عليه صلوة دائمة تكون لك شكرا ولنا ذخرا

خود فرستادی اورا و بجایگاه گرامی که فرود آوردی اورا خداوندا رحمت فرست براو رحمتی همیشه که بوده باشد مر ترا شکر و برای ما ذخیره

واجعل لنا من امرنا يسرا واختم لنا بالسعادة الى منتهى آجالنا وقد قبلت اليسير من اعمالنا وبلغنا

و بگردان برای ما از کار ما آسانی و ختم کن برای ما به نیک بختی تا باخر اجلهای ما و بتحقیق که پذیرفته اندک ما را از کردار ما و برسان ما

بِرَحْمَتِكَ اَفْضَلَ ما اَمَّلْنا اِنَّكَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ وَصَلَّی اللّهُ عَلی سَیِّدِنا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وبسند معتبر
برحمت خود بهترین آنچه امید داریم بدرستیکه تو بر هر چیز توانائی و رحمت خدا بر آقای ما محمد و آل او و درود و سلام
از حضرت امام رضا منقولست که هر که روز بیست و هشتم ماه رجب را روزه بدارد کفاره نود سال گناه او گردد و هر که روز بیست و نهم را روزه بدارد کفاره صد سال گناه او باشد و هر که روز سی ام اینماه را روزه بدارد خدا گناهان گذشته و آینده او را بیامرزد و در روز آخر اینماه نماز سلمان سنتست بنحوی که در اول مذکور شد و اگر احتمال نقصان ماه باشد در روز بیست و نهم نیز احتیاط بکند و در کتب دعوات از برای هر شب اینماه نماز مخصوصی ذکر کرده اند چون سند معتبری بنظر نرسیده نخواستم ایراد نمایم و چون بسیار مشهور است ایراد مینمایم بر سبیل اجمال و اگر کسی بقصد آنکه مطلق صلوة خوبست بکند بد نیست شب اول سی رکعت و در هر رکعت بعد از حمد سه مرتبه سوره قل یا ایها الکافرون و سه مرتبه سوره قل هو الله احد (یعنی توحید) شب دویم ده رکعت با حمد و جحد شب سیم ده رکعت با حمد و پنج مرتبه سوره اذا جاء نصر الله در هر رکعت چهارم صد رکعت در رکعت اول بعد از حمد قل اعوذ برب الفلق و در دویم بعد از حمد قل اعوذ برب الناس پنجم شش رکعت در هر رکعت بعد از حمد بیست و پنج مرتبه توحید ششم دو رکعت در هر رکعت بعد از حمد هفت مرتبه آیة الکرسی هفتم چهار رکعت در هر رکعت بعد از حمد توحید و معوذتین هر یک سه مرتبه و بعد از نماز ده مرتبه صلوات و ده مرتبه تسبیحات اربع هشتم بیست رکعت در هر رکعت یکمرتبه حمد و هر یک از چهار قل سه مرتبه شب نهم دو رکعت در هر رکعت حمد و پنج مرتبه الهیکم التکاثر دهم دوازده رکعت بعد از نماز مغرب با حمد و سه بار توحید یازدهم دوازده رکعت با حمد و دوازده مرتبه آیة الکرسی دوازدهم دو رکعت با حمد و آیه آمن الرسول ده مرتبه سیزدهم ده رکعت در هر دو رکعت در رکعت اول بعد از حمد سوره والعادیات و در دویم الهیکم التکاثر چهاردهم سی رکعت در هر رکعت بعد از حمد سوره توحید و آیه قل انما انا بشر مثلکم تا آخر سوره پانزدهم و شانزدهم و هفدهم سی رکعت با حمد و ده مرتبه سوره توحید در هر رکعت هیجدهم دو رکعت در هر رکعت بعد از حمد سوره توحید و معوذتین هر یک ده مرتبه نوزدهم چهار رکعت در هر رکعت بعد از حمد پانزده مرتبه توحید و آیة الکرسی بیستم دو رکعت در هر رکعت حمد و پنج مرتبه سوره انا انزلناه بیست و یکم شش رکعت در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه انا اعطیناک الکوثر و ده مرتبه توحید بیست و دویم هشت رکعت در هر رکعت یکمرتبه سوره حمد و هفت مرتبه قل یا ایها الکافرون و بعد از فارغ شدن ده مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد و ده بار استغفار بیست و سیم دو رکعت بعد از حمد پنج مرتبه سوره والضحی بیست و چهارم چهل رکعت در هر رکعت بعد از حمد آیه آمن الرسول و سوره توحید یکمرتبه بیست و پنجم بیست رکعت در میان نماز شام و خفتن در هر رکعت حمد و آیه آمن الرسول و سوره توحید یکمرتبه بیست و ششم دوازده رکعت در هر رکعت بعد از حمد چهل مرتبه سوره توحید بیست و هفتم و بیست و هشتم و بیست و نهم دوازده رکعت در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سوره اعلی و ده مرتبه انا انزلناه و بعد از اتمام رکعات صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد و صد مرتبه استغفار شب سی ام ده رکعت در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سوره توحید و در هر یک از این نمازها ثواب بسیار مذکور است و بنا بر عدم اعتماد بر سند ذکر نکردم و جمیع نوافل که مذکور میشود در هر دو رکعت بیک سلام است و بعضی که طولی دارند در میان نماز شام و خفتن واقع شده است و باید بعد از داخل شدن وقت خفتن واقع شود کردنش خالی از اشکالی نیست لهذا نماز مشهور رغایب را در این رساله ایراد ننمودم با آنکه از طریق

جحد یعنی

در هر رکعت

عامه نقل شده است و معتبر نیست باب دوم در بیان فضایل و اعمال ماه مبارک شعبان و ایام و لیالی آن است و در
آن پنج فصل است فصل اول در بیان فضیلت این ماه است و ثواب روزه اش بدانکه فضل ماه شعبان زیاده از ماه رجب
است و منسوب است بحضرت سید انبیاء ص چنانچه منقول است از حضرت صادق ع که چون حضرت رسول ص ماه شعبان را
مشاهده مینمود امر میفرمودند که منادی ندا کند در میان مردم که ای اهل مدینه من رسولم از جانب رسول خدا بسوی
شما و میفرماید که شعبان ماه منست خدا رحمت کند کسی را که یاری کند مرا بر ماه من پس حضرت امیر المؤمنین ع
فرمود که از روزی که ندای منادی آنحضرت را شنیدم روزه ماه شعبان را ترک نکردم و تا زنده ام ترک نخواهم
کرد و فرمود که روزه ماه شعبان و رمضان توبه ایست از جانب خدا برای جمیع گناهان و ایضاً منقولست از ام سلمه
که حضرت رسول ص هیچ ماه را تمام روزه نداشت مگر ماه شعبان که از وصل میکرد بماه رمضان و ایضاً منقولست که
از آنحضرت سؤال کردند که کدام روزه از روزه‌ها سنتها افضل است فرمود که روزه شعبان برای تعظیم ماه رمضان
و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که حضرت رسول ص ماه شعبان را روزه میداشت و وصل میکرد بماه رمضان
و میفرمود که هر دو ماه خدا است و روزه هر دو کفاره گناهان گذشته و آینده است و ایضاً از حضرت امام محمد
باقر ع منقولست که هر که شعبان را روزه دارد او را پاک کرده‌اند از هر لغزشی از هر قسمها معصیت و قسمهای بد
وقت غضب و از حضرت رسالت پناه ص منقولست که ماه شعبان ماهیست شریف و آن ماه منست و حاملان عرش
الهی آنرا تعظیم مینمایند و حق و حرمت آنرا میشناسند و آن ماهیست که زیاد میشود در آن روزیهای بندگان
از برای ماه رمضان و زینت میکنند در آن بهشتها را و از آن شعبان نام کرده‌اند برای آنکه متشعب و بسیار میگردد
در آن روزیهای مؤمنان و حسنه در این ماه مضاعف میگردد هفتاد برابر و گناه در آن پست میگردد و آمرزیده
میشود و اعمال خیر در آن مقبول میگردد و خداوند جبار نظر میکند بسوی روزه‌داران و عبادت‌کنندگان
این ماه پس مباهات میکند بایشان با حاملان عرش پس در فضیلت روزه هر روز این ماه آنقدر فرمود که
ذکرش موجب تطویل کلام است و بسند معتبر از حضرت صادق ع منقولست که روزه ماه شعبان ذخیره بنده است
از برای روز قیامت و هر بنده که در ماه شعبان روزه بسیار بگیرد البته خدا امر معیشت او را با صلاح آورد و کفایت کند
شر دشمنان او را و کمتر ثوابی که بروزه‌دار روزی از شعبان میدهند آنست که بهشت از برای او واجب میگردد
و بسندهای معتبر از آنحضرت منقولست که حضرت رسول ص فرمود که ماه شعبان ماه منست و رمضان ماه خداست
پس هر که یک روز از ماه من روزه بدارد من شفیع او باشم در قیامت و هر که دو روز از ماه من روزه بدارد گناهان گذشته او
آمرزیده گردد و هر که سه روز از آن روزه بدارد او را گویند که عمل از سر گیر یعنی هیچ گناه نداری و بسند عالی از
حضرت امام رضا ع منقولست که هر که یک روز شعبان را از برای خدا روزه بدارد خدا او را داخل بهشت گرداند
و هر که در یک روز شعبان هفتاد مرتبه استغفار کند در قیامت در زمره حضرت رسول ص محشور شود و گرامی داشتن خدا او را
واجب گردد و هر که در ماه شعبان تصدقی بکند اگر چه بنصف خرما باشد خدا بدن او را بر آتش جهنم حرام گرداند
و هر که سه روز آخر شعبان را روزه بدارد و وصل کند بماه رمضان خدا ثواب روزه دو ماه متصل برای او بنویسد
و ابن بابویه روایت کرده است که از اسامه پرسیدند که کدام ماه حضرت رسول ص زیاده از ماههای دیگر روزه میداشت
گفت ماه شعبان را و میفرمود که مردم از آن غافلند و آن ماهیست که در این ماه عملها بسوی خدا بالا میرود و دوست

میدارم که عمل من بالا رود در وقتیکه روزه باشم و ایضا روایت کرده است که از آنحضرت پرسیدند از روزه رجب فرمود
چرا غافلید از روزه شعبان یعنی افضل است از آن و ایضا روایت کرده است بسند معتبر از حضرت خیر البشر
که فرمود شعبان ماه منست هر که از ماه من یکروز روزه بدارد بهشت او را واجب گردد و هر که دو روز روزه
بدارد در قیامت از رفیقان پیغمبران و صدیقان باشد و هر که تمام ماه را روزه بدارد و پیوند کند بماه رمضان
توبه او باشد از هر گناه کوچک و بزرگی هر چند داخل خون حرام شده باشد که او را نفع میدهد و بسند صحیح از
حضرت صادق ع روایت کرده است که هر که سه روز از ماه شعبان روزه دارد بهشت او را واجب گردد و رسول
خدا شفیع او باشد در قیامت و ایضا بسند معتبر از حضرت صادق ع روایت کرده است که چون ماه شعبان داخل
میشد حضرت امام زین العابدین ع اصحاب خود را جمع مینمود و میفرمود که ای گروه اصحاب من میدانید این چه ماهیست
این ماه شعبان است و حضرت رسول ص میفرمود شعبان ماه منست پس روزه بدارید در اینماه از برای محبت پیغمبر خود و از
برای تقرب بسوی پروردگار خود بحق آن خداوندیکه جان علی بن الحسین در دست اوست سوگند یاد میکنم که شنیدم
از پدرم حسین بن علی که گفت شنیدم از حضرت امیر المؤمنین ع که هر که روزه دارد شعبان را از برای محبت پیغمبر
خدا و از برای تقرب بخدا خدا او را دوست دارد و نزدیک گرداند بکرامت خود در روز قیامت و بهشت را از
برای او واجب گرداند و ایضا از حضرت امیر المؤمنین ع روایت کرده است که حضرت رسول ص فرمود که شعبان ماه
منست و ماه رمضان ماه خدا است پس هر که ماه مرا روزه بدارد من شفاعت کنم او را در روز قیامت و هر که روزه
بدارد ماه خدا را خدا مونس او گردد در وحشت قبر و او را تنها نگذارد و از قبر بیرون آید در قیامت با روی سفید
نورانی و نامه عمل او را بدست راستش دهند و نامه مخلد بودن در بهشت را بدست چپ او دهند تا آنکه او را نزد
عرش الهی حاضر سازند پس خدا او را ندا کند که ای بنده من او بگوید لبیک ای خداوند من پس خدا فرماید که روزه
داشتی از برای من گوید بلی ای آقای من پس خداوند جلیل ندا کند ملئکه را که بگیرید دست بنده مرا و ببرید
نزد پیغمبر من پس بیاورند او را نزد من پس با او بگویم ماه مرا روزه داشتی او بگوید بلی من بگویم با او که من امروز شفاعت
تو میکنم پس خدا فرماید که من حقوق خود را به بنده خود بخشیدم اما حقوق خلق من هر که از او عفو کند من آن
قدر با و بدهم که او راضی شود پس من دستش را بگیرم و بیاورم نزد صراط پس بینم که صراط لغزنده است و میلرزد
و پای گناهکاران بر آن بند نمیشود پس دستش را بگیرم و بیاورم و ملکی که موکلست بر صراط گوید کیست
این مرد من گویم فلان کس است از امت من که در دنیا ماه مرا روزه گرفته است با امید شفاعت من و ماه خدا را
روزه داشته است از برای طلب عفو خدا پس او را از صراط بگذرانم بعفو خدا تا آنکه او را ببهشت برسانم
پس رضوان گوید که امروز روزیست که در را از برای امت تو میگشایم و او را داخل بهشت کنم پس حضرت امیر المؤمنین ع
فرمود که روزه بدارید ماه حضرت رسالت ص را تا او شفیع شما گردد در روز قیامت و روزه بدارید ماه خدا را تا
بیاشامید از شراب سر بمهر بهشت **فصل دویم** در بیان اعمال هر روز ماه شعبانست بسند معتبر از حضرت امام
رضا ع منقولست که هر که در ماه شعبان هفتاد مرتبه استغفار کند گناهانش آمرزیده شود اگر چه بعدد ستارهای آسمان
باشد و در کتاب حسین بن سعید از حضرت صادق ع منقولست که حضرت رسول ص فرمود که شعبان ماه منست پس در اینماه
بسیار صلوات بفرستید بر من و بر آل من و شعبان را ماه شفاعت میگویند زیرا که پیغمبر شما شفاعت میکند کسیرا

کرد در این ماه صلوات بر او و بر آل او بفرستد و از حضرت صادق ع منقولست که بهترین دعاها در ماه شعبان استغفار است
و هر که در هر روز ماه شعبان هفتاد مرتبه استغفار کند چنان باشد که در ماههای دیگر هفتاد هزار مرتبه استغفار
کرده باشد مردی پرسید که چگونه بگویم فرمود بگو أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ وَأَسْأَلُهُ التَّوْبَةَ و بسند معتبر از حضرت
امام رضا ع منقولست که هر که در هر روز ماه شعبان هفتاد مرتبه بگوید أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ وَأَسْأَلُهُ التَّوْبَةَ بنویسد
خدا برای او برات بیزاری از آتش جهنم و بگذراند او را از صراط و داخل بهشت گرداند او را و بسندهای معتبر منقولست که هر که در هر روز این ماه هفتاد مرتبه بگوید أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ الَّذِي

آمرزش طلبم خدا را که نیست معبودی

لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ خدا روح او را در افق مبین جا دهد و آن فضای

مگر او بخشاینده مهربان زنده توانا و بازگشت میکنم بسوی او

وسیعی است در پیش عرش و در آن فضا
نهرها جاریست و قدحها در کنار آن نهرهاست بعدد ستارههای آسمان و در بعضی از روایات الحیّ القیّوم
پیش از الرحمن الرحیم است و هر دو خوبست و بسند معتبر منقولست که حضرت امام زین العابدین ع در هر روز
ماه شعبان در وقت زوال و در شب نیمه این ماه این صلوات را میخواند اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ شَجَرَةِ النُّبُوَّةِ وَمَوْضِعِ الرِّسَالَةِ

خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد درخت پیغمبری و جایگاه رسالت

وَمُخْتَلَفِ الْمَلٰئِكَةِ وَمَعْدِنِ الْعِلْمِ وَأَهْلِ بَيْتِ الْوَحْيِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْفُلْكِ

و محل آمد شد فرشتگان و قرارگاه دانش و خانواده وحی خدایا رحمت فرست بر محمد و آل محمد کشتیهای

الْجَارِيَةِ فِي اللُّجَجِ الْغَامِرَةِ يَأْمَنُ مَنْ رَكِبَهَا وَيَغْرَقُ مَنْ تَرَكَهَا الْمُتَقَدِّمُ لَهُمْ مَارِقٌ وَالْمُتَأَخِّرُ عَنْهُمْ

روان در دریای فروپوشیده ایمن باشد آنکه سوار باشد آنرا و غرق باشد آنکه واگذارد آنرا پیش گیرنده مر ایشان را مرتد است و عقب افتاده از ایشان

زَاهِقٌ وَاللَّازِمُ لَهُمْ لَاحِقٌ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْكَهْفِ الْحَصِينِ وَغِيَاثِ الْمُضْطَرِّ

ناچیز و ملازم مر ایشان را ملحق است خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد پناهگاه محکم و فریادرس درمانده

الْمُسْتَكِينِ وَمَلْجَإِ الْهَارِبِينَ وَمَنْجَا الْخَائِفِينَ وَعِصْمَةِ الْمُعْتَصِمِينَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ

بیچاره و پناه گریختگان و رستنگاه ترسناکان و نگاهدارنده چنگ در زدگان خدایا رحمت فرست بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ صَلَاةً كَثِيرَةً طَيِّبَةً تَكُونُ لَهُمْ رِضًى وَلِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَدَاءً وَقَضَاءً بِحَوْلٍ مِنْكَ وَقُوَّةٍ

محمد رحمتی بسیار پاکیزه که باشد مر ایشان را خوشنودی و مر حق محمد و آل محمد ادا و بجا آوردن بقدرت از تو و توانائی

يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِينَ الْأَبْرَارِ الْأَخْيَارِ الَّذِينَ أَوْجَبْتَ

ای پروردگار جهانیان خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد پاکان نیکان نیکوکار آنانکه واجب کردی بر ایشان

حُقُوقَهُمْ وَفَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ وَوِلَايَتَهُمْ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاعْمُرْ قَلْبِي بِطَاعَتِكَ

حقوق را و لازم کردی فرمانبرداری ایشان را و دوستی ایشان را خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و آباد کن دل مرا بطاعت خود

وَلَا تُخْزِنِي بِمَعْصِيَتِكَ وَارْزُقْنِي مُوَاسَاةَ مَنْ قَتَّرْتَ عَلَيْهِ مِنْ رِزْقِكَ بِمَا وَسَّعْتَ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ

و رسوا مساز بنافرمانی تو و روزی کن مرا همراهی که تنگ گرفته بر او از روزی تو بآنچه گشاده از من از فضل خود

وَنَشَرْتَ عَلَيَّ مِنْ عَدْلِكَ وَأَحْيَيْتَنِي تَحْتَ ظِلِّكَ وَهٰذَا شَهْرُ نَبِيِّكَ سَيِّدِ رُسُلِكَ صَلَوَاتُكَ

و پهن کردی بر من از عدالت خود و زنده داشته مرا در زیر سایه خود و این ماه پیغمبر تست بزرگ فرستادگان تو رحمتهای تو

عَلَيْهِ وَآلِهِ شَعْبَانُ الَّذِي حَفَفْتَهُ مِنْكَ بِالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ الَّذِي كَانَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

بر او و آل او شعبانست که فرو گرفته از تو برحمت و بر خوشنودی که باشد فرستاده خدا رحمت خدا

عَلَيْهِ وَآلِهِ يَدْأَبُ فِي صِيَامِهِ وَقِيَامِهِ فِي لَيَالِيهِ وَأَيَّامِهِ بُخُوعاً لَكَ فِي إِكْرَامِهِ وَإِعْظَامِهِ
براو وآل او که کوشش نمودند در روزه او و ایستادن او در شبهای او و روزهای او فروتنی مر ترا در گرامی داشتن او و بزرگ شمردن
إِلَى مَحَلِّ حِمَامِهِ اللَّهُمَّ فَأَعِنَّا عَلَى الاِسْتِنَانِ بِسُنَّتِهِ فِيهِ وَنَيْلِ الشَّفَاعَةِ لَدَيْهِ اللَّهُمَّ
او تا جایگاه فرود آمدن او خداوندا پس یاری کن ما را بر جاری شدن بطریقه او در این ماه و رسیدن بشفاعت نزد او خداوندا
فَاجْعَلْهُ لِي شَفِيعاً مُشَفَّعاً وَطَرِيقاً إِلَيْكَ مَهْيَعاً وَاجْعَلْنِي لَهُ مُتَّبِعاً حَتَّى أَلْقَاكَ يَوْمَ
پس بگردان او را برای من شفاعت کننده شفاعت پذیرفته و راهی بسوی تو راه وسیع و بگردان مرا برای او پیرو تا ملاقات کنم ترا روز
الْقِيَامَةِ عَنِّي رَاضِياً وَعَنْ ذُنُوبِي غَاضِياً قَدْ أَوْجَبْتَ لِي مِنْكَ الرَّحْمَةَ وَالرِّضْوَانَ وَأَنْزَلْتَنِي دَارَ
قیامت که از من خوشنود باشی و از گناهان من درگذرنده بتحقیق که واجب کرده بر من از خود رحمت و خوشنودی و فرود آوردی مرا خانه
الْقَرَارِ وَمَحَلَّ الْأَخْيَارِ و سید ابن طاوس بسند معتبر از ابن خالویه روایت کرده است که این مناجات اللَّهُمَّ صَلِّ
آرامگاه و جایگاه نیکان حضرت امیرالمؤمنین ع و امامان از فرزندان او است که در ماه شعبان میخواندند خدایا رحمت فرست
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاسْمَعْ دُعَائِي إِذَا دَعَوْتُكَ وَاسْمَعْ نِدَائِي إِذَا نَادَيْتُكَ وَأَقْبِلْ عَلَيَّ إِذَا
بر محمد و آل محمد و بشنو خواندن مرا هرگاه بخوانم ترا و بشنو ندای مرا هرگاه ندا کنم ترا و رو آور بر من چون
نَاجَيْتُكَ فَقَدْ هَرَبْتُ إِلَيْكَ وَوَقَفْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ مُسْتَكِيناً مُتَضَرِّعاً إِلَيْكَ رَاجِياً لِمَا لَدَيْكَ
راز گویم ترا پس بتحقیق که گریخته ام بسوی تو و ایستاده ام پیش روی تو با شکستگی زاری کننده بسوی تو امیددار مر آنچه نزد تست
ثَوَابِي وَتَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِي وَتَخْبُرُ حَاجَتِي وَتَعْرِفُ ضَمِيرِي وَلَا يَخْفَى عَلَيْكَ أَمْرُ مُنْقَلَبِي وَمَثْوَايَ وَمَا أُرِيدُ
از ثواب من و میدانی آنچه در نفس منست و مطلعی حاجت مرا و میدانی نهانی دل مرا و پوشیده نیست بر تو امر بازگشت من و آرامگاه من و آنچه اراده
أَنْ أُبْدِئَ بِهِ مِنْ مَنْطِقِي وَأَتَفَوَّهَ بِهِ مِنْ طَلِبَتِي وَأَرْجُوهُ لِعَاقِبَتِي وَقَدْ جَرَتْ مَقَادِيرُكَ عَلَيَّ يَا
دارم که ابتدا کنم بآن از سخن خود و تلفظ کنم بآن از حاجت خود و امیدوارم آنرا برای عاقبت خود و بتحقیق که روانشده تقدیرات تو بر من ای
سَيِّدِي فِيمَا يَكُونُ مِنِّي إِلَى آخِرِ عُمْرِي مِنْ سَرِيرَتِي وَعَلَانِيَتِي وَبِيَدِكَ لَا بِيَدِ غَيْرِكَ زِيَادَتِي وَنَقْصِي
سید من در آنچه باشد از من تا آخر عمر من از نهان من و آشکار من و بدست تست نه بدست غیر تو زیادتی من و کم کردن
وَنَفْعِي وَضَرِّي إِلَهِي إِنْ حَرَمْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَرْزُقُنِي وَإِنْ خَذَلْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُنِي إِلَهِي
و سود من و زیان من خداوندا اگر محروم کنی مرا پس کیست که روزی دهد مرا و اینکه خوار کنی مرا پس کیست که یاری دهد مرا ای خدای من
أَعُوذُ بِكَ مِنْ غَضَبِكَ وَحُلُولِ سَخَطِكَ إِلَهِي إِنْ كُنْتُ غَيْرَ مُسْتَأْهِلٍ لِرَحْمَتِكَ فَأَنْتَ أَهْلٌ أَنْ تَجُودَ
پناه میبرم بتو از خشم تو و فرود آمدن خشم تو ای خدای من اگر باشم من که لایق نباشم رحمت ترا پس تو سزاواری اینکه بخشش کنی
عَلَيَّ بِفَضْلِ سَعَتِكَ إِلَهِي كَأَنِّي بِنَفْسِي وَاقِفَةٌ بَيْنَ يَدَيْكَ وَقَدْ أَظَلَّهَا حُسْنُ تَوَكُّلِي عَلَيْكَ فَقُلْتَ
بر من بزیادتی وسعت تو ای خدای من گویا می بینم خود را ایستاده در پیش روی تو و بتحقیق که سایه افکنده بر آن نیکی اعتماد من بر تو پس گفته
مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَتَغَمَّدْتَنِي إِنْ عَفَوْتَ فَمَنْ أَوْلَى مِنْكَ بِذَلِكَ وَإِنْ كَانَ قَدْ دَنَا أَجَلِي وَلَمْ
آنچه تو سزاوار آنی و پوشیده باشی مرا بعفو خود اینکه درگذری پس کیست سزاوار از تو باین و اگر باشی که بتحقیق نزدیک من شده رسیده
يُدْنِنِي مِنْكَ عَمَلِي فَقَدْ جَعَلْتُ الْإِقْرَارَ بِالذَّنْبِ إِلَيْكَ وَسِيلَتِي إِلَهِي قَدْ جُرْتُ عَلَى نَفْسِي فِي
نزدیک نکرده مرا از تو کردار من و بتحقیق قرار داده اقرار بگناه بسوی تو وسیله نجات من ای خدای من بتحقیق جرأت کردم بر نفس خود
النَّظَرِ لَهَا فَلَهَا الْوَيْلُ إِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَهَا إِلَهِي لَمْ يَزَلْ بِرُّكَ عَلَيَّ أَيَّامَ حَيَاتِي فَلَا تَقْطَعْ بِرَّكَ عَنِّي فِي مَمَاتِي إِلَهِي كَيْفَ آيَسُ
تامل نمودن در آن پس مراد است جهنم اینکه نیامرزی او را ای خدای من همیشه بود نیکی تو بر من ایام زندگی من پس مبر نیکی خود را از من در مردن من ای خدای من چگونه

مِنْ حُسْنِ نَظَرِكَ لي بَعْدَ مَماتي وَاَنْتَ لَمْ تُوَلِّني اِلَّا الْجَميلَ في حَيوتي اِلهي تَوَلَّ مِنْ اَمْري ما اَنْتَ اَهْلُهُ

از نیکی نگریستن تو مرا بعد از مردن من و تو نکردی بسبب من مگر نیکی در زندگی من ای خدای من دوست دار از کار من سزاوار آنی تو

وَعُدْ بِفَضْلِكَ عَلى مُذْنِبٍ قَدْ غَمَرَهُ جَهْلُهُ اِلهي قَدْ سَتَرْتَ عَلَيَّ ذُنُوباً فِي الدُّنْيا وَاَنَا اَحْوَجُ اِلى

و مهربانی کن بفضل خود بر گناهکار بتحقیق پوشیده او را نادانی او ای خدای من بتحقیق پوشیدی بر من گناهان را در دنیا و من محتاج ترم بسوی

سَتْرِها عَلَيَّ مِنْكَ فِي الْاُخْرى اِلهي قَدْ اَحْسَنْتَ اِلَيَّ اِذْ لَمْ تُظْهِرْها لِاَحَدٍ مِنْ عِبادِكَ الصّالِحينَ فَلا

پوشانیدن بر من از تو در آنجهان خدایا من بتحقیق که نیکی کردی بمن چون نمایان نکردی گناه را برای احدی از بندگان تو شایستگان آنی پس

تَفْضَحْني يَوْمَ الْقِيمَةِ عَلى رُؤُسِ الْاَشْهادِ اِلهي جُودُكَ بَسَطَ اَمَلي وَعَفْوُكَ اَفْضَلُ مِنْ عَمَلي اِلهي فَسُرَّني

رسوا مکن مرا در روز قیامت بر حضور حاضران خدای من بخشش تو پهن کرده آرزوی مرا و عفو تو افزون از کردار من ای خدا پس شاد کن مرا

بِلِقائِكَ يَوْمَ تَقْضي فيهِ بَيْنَ عِبادِكَ اِلهي اعْتِذاري اِلَيْكَ اعْتِذارُ مَنْ لَمْ يَسْتَغْنِ عَنْ قَبُولِ

بملاقات خود روزی که حکم کنی در میان بندگان خود خدایا عذرجوئی من بسوی تو عذرجوئی کسیکه بی نیاز نباشد از پذیرفتن

عُذْرِهِ فَاقْبَلْ عُذْري يا اَكْرَمَ مَنِ اعْتَذَرَ اِلَيْهِ الْمُسيئُونَ اِلهي لا تَرُدَّ حاجَتي وَلا تُخَيِّبْ طَمَعي وَلا تَقْطَعْ

عذر او پس بپذیر عذر مرا ای کریم تر از آنکه عذرجوئی کنند بسوی او بدکاران ای خدای من رد مکن حاجت مرا و محروم مکن طمع مرا و نه بر

مِنْكَ رَجائي وَاَمَلي اِلهي لَوْ اَرَدْتَ هَواني لَمْ تَهْدِني وَلَوْ اَرَدْتَ فَضيحَتي لَمْ تُعافِني اِلهي

از خود امید مرا و آرزوی مرا خدایا من اگر میخواستی خواری مرا هدایت نمیکردی مرا و اگر میخواستی رسوائی مرا عافیت نمی‌بخشیدی مرا خدایا من

ما اَظُنُّكَ تَرُدُّني في حاجَةٍ قَدْ اَفْنَيْتُ عُمْري في طَلَبِها مِنْكَ اِلهي فَلَكَ الْحَمْدُ اَبَداً اَبَداً دائِماً سَرْمَداً

گمان نمیبرم ترا که برگردانی در حاجت من بتحقیق بپایان رساندم عمر خود را در طلب او از تو ای خدای من پس مر تراست ستایش پیوسته همیشه همیشه

يَزيدُ وَلا يَبيدُ كَما تُحِبُّ وَتَرْضى اِلهي اِنْ اَخَذْتَني بِجُرْمي اَخَذْتُكَ بِعَفْوِكَ وَاِنْ اَخَذْتَني بِذُنُوبي

که فزایش کند و کم نگردد چنانچه دوست داری و خوشنودی خداوندا اگر بگیری مرا بگناه من فراگیرم بآمرزش تو و اگر فراگیری مرا بگناهان من

اَخَذْتُكَ بِمَغْفِرَتِكَ وَاِنْ اَدْخَلْتَنِي النّارَ اَعْلَمْتُ اَهْلَها اَنّي اُحِبُّكَ اِلهي اِنْ كانَ صَغُرَ في جَنْبِ

فراگیرم ترا بآمرزش تو و اگر در آوری مرا بآتش آگاه میکنم اهل آنرا بدرستیکه من دوست دارم ترا خدایا اگرچه کوچک است در پهلوی

طاعَتِكَ عَمَلي فَقَدْ كَبُرَ في جَنْبِ رَجائِكَ اَمَلي اِلهي كَيْفَ اَنْقَلِبُ مِنْ عِنْدِكَ بِالْخَيْبَةِ مَحْرُوماً وَقَدْ

طاعت تو کردار من پس بتحقیق بزرگست در پهلوی امیدواری تو آرزوی من خدایا چگونه برگردم از نزد تو بنا امیدی محرومی و بتحقیق

كانَ حُسْنُ ظَنّي بِجُودِكَ اَنْ تَقْلِبَني بِالنَّجاةِ مَرْحُوماً اِلهي وَقَدْ اَفْنَيْتُ عُمْري في شِرَّةِ السَّهْوِ عَنْكَ وَ

که میباشد گمان خوب من بجود تو اینکه برگردانی مرا برستگاری رحم کرده شده خدایا و بتحقیق فانی کردم عمر خود را در حرص بیخبری از تو و

اَبْلَيْتُ شَبابي في سَكْرَةِ التَّباعُدِ مِنْكَ اِلهي فَلَمْ اَسْتَيْقِظْ اَيّامَ اغْتِراري بِكَ وَرُكُوني اِلى سَبيلِ

کهنه کردم جوانی خود را در مستی دوری از تو خدای من پس بیدار نشدم روزگار فریفتگی من بتو و مایل بودم بسوی راه

سَخَطِكَ اِلهي وَاَنَا عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ قائِمٌ بَيْنَ يَدَيْكَ مُتَوَسِّلٌ بِكَرَمِكَ اِلَيْكَ اِلهي اَنَا

خشم تو خدای من و من بنده توام و پسر بنده تو ایستاده در پیش روی تو توسل جوینده بکرم تو بسوی تو خدای من

عَبْدٌ اَتَنَصَّلُ اِلَيْكَ مِمّا كُنْتُ اُواجِهُكَ بِهِ مِنْ قِلَّةِ اسْتِحْيائي مِنْ نَظَرِكَ وَاَطْلُبُ الْعَفْوَ مِنْكَ اِذِ

بنده عذرخواهم بسوی تو از آنچه بودم که مواجه نمودم باو از کم بودن حیای خود از دیدن تو و طلب میکنم گذشت را از تو چون

الْعَفْوُ نَعْتٌ لِكَرَمِكَ اِلهي لَمْ يَكُنْ لي حَوْلٌ فَاَنْتَقِلَ بِهِ عَنْ مَعْصِيَتِكَ اِلّا في وَقْتٍ اَيْقَظْتَني لِمَحَبَّتِكَ

گذشته صفتی است مر کرم ترا خدای من نباشد برای من حولی پس برگردم بآن از نافرمانی تو مگر در هنگامیکه بیدار کنی مرا برای دوستی خود

وكما اردت ان اكون كنت فشكرتك بادخالي في كرمك ولتطهير قلبي من اوساخ الغفلة
وهمچنين ميخواهي تو انكه باشم باشم پس شكر كنم ترا بدر آوردن در كرم تو وپاك كردن دل من از چركهاى بيخبرى

عنك الهي انظر الي نظر من ناديته فاجابك واستعملته بمعونتك فاطاعك يا قريبا لا يبعد
از تو خدايا نظر كن بسوى من نظر كردن آنكه ندا كردى اورا پس اجابت كرد ترا وبكار داشته اورا بيارى خود پس فرمانبردارى كرده ترا اى نزديكى كه دور نميكردد

عن المغتر به ويا جوادا لا يبخل عمن رجا ثوابه الهي هب لي قلبا يدنيه منك شوقه ولسانا
از فريفته بخود اى بخشنده كه بخل نميكنى از آنكه اميد دارد ثواب او را خدايا ببخش مرا دلى كه نزديك كند اورا از تو آرزومندى او وزبان

يرفع اليك صدقه ونظرا يقربه منك حقه الهي ان من تعرف بك غير مجهول ومن لاذ
كه بالا برده شود بسوى تو براستى ونظرى كه اورا نزديك كند از تو اورا حق او خدايا بدرستيكه هركه شناخت ترا نيست مجهول وآنكه پناه برد

بك غير مخذول ومن اقبلت عليه غير مملول الهي ان من انتهج بك لمستنير وان من اعتصم
بتو نيست خوار كرده شده وآنكه رو كرد بتو براو نيست مغلوب خدايا بدرستيكه هركه راه يافت بتو هر آينه زنهار جوينده وبدرستيكه هركه چنگ زند

بك لمستجير وقد لذت بك يا الهي فلا تخيب ظني من رحمتك ولا تحجبني عن رأفتك الهي
بتو هر آينه زنهار جوينده وبتحقيق كه پناه بردم بتو اى خدايا من پس نااميد مكن مرا از رحمت خود ومنع مكن مرا از مهربانى خود خدايا

اقمني في اهل ولايتك مقام من رجا الزيادة في محبتك الهي والهمني ولها بذكرك الى
بپاى دار اورا در اهل دوستان خود جايگاه كسى اميد داشته زيادتى در محبت تو خدايا من بدل انداز مرا ومشتاق باد تو بسوى ياد

ذكرك واجعل همتي الى روح نجاح اسمائك ومحل قدسك الهي بك عليك الا الحقتني
و بركردان آهنگ مرا بسوى راحت فيروزى نامهاى تو وجاهاى قدس تو خدايا بتو برتو برسان مرا

بمحل اهل طاعتك والمثوى الصالح من مرضاتك فاني لا اقدر لنفسي دفعا ولا
بجايگاه اهل فرمانبردارى تو وآرامگاه شايسته از خوشنودى تو پس بدرستيكه من توانائى ندارم براى خود دفع را ومالك

املك لها نفعا الهي انا عبدك الضعيف المذنب ومملوكك المنيب المعيب فلا تجعلني ممن
نيستم مر اورا سودى خدايا منم بنده تو ناتوان گنه كار وبنده تو رجوع نماينده ناپسند پس بر مگردان مرا از آنكه

صرفت عنه وجهك وحجبه سهوه عن عفوك الهي هب لي كمال الانقطاع اليك وانر ابصار
گردانيد از آن روى خود را ومنع نمودى اورا غفلت او از عفو تو خدايا ببخش مرا كمال بريدن بسوى تو روشن كن ديدهاى

قلوبنا بضياء نظرها اليك حتى تخرق ابصار القلوب حجب النور فتصل الى معدن العظمة
دلهاى ما را بروشنى نگريستن آن بسوى تو تا آنكه ديدهاى دلها حجابهاى نور را پس برسد بسوى قرارگاه بزرگى

وتصير ارواحنا معلقة بعز قدسك الهي واجعلني ممن ناديته فاجابك ولاحظته فصعق
وبگردد نفوس ما در آويخته بعزت پاكى تو خدايا وبگردان مرا از آنكه خواندى اورا پس اجابت كرد ترا ونگريستى اورا پس بيهوش شد

لجلالك فناجيته سرا وعمل لك جهرا الهي لم اسلط على حسن ظني قنوط الاياس ولا انقطع
پس راز گفتى پنهان وكردار ترا آشكار خدايا مسلط نگردان بر نيكى گمان من اعتقاد شده نوميدى را وبريده نشود

رجائي من جميل كرمك الهي ان كانت الخطايا قد اسقطتني لديك فاصفح عني بحسن توكلي عليك
اميد من از نيكى تو بكرم تو خدايا اگر باشد خطاها بتحقيق انداخته مرا نزد تو پس در گذر از من بنيكى توكل من بر تو

الهي ان حطتني الذنوب من مكارم لطفك فقد نبهني اليقين الى كرم عطفك الهي ان
خدايا من اگر پست گردد مرا از بزرگى مهربانى تو پس بتحقيق كه آگاه گرد مرا يقين بسوى كرم عطف تو خدايا اگر

أَنَا مِنِّي لِغَفْلَةٍ عَنِ الْإِسْتِعْدَادِ لِلِقَائِكَ فَقَدْ نَبَّهَتْنِي الْمَعْرِفَةُ بِكَرَمِ آلَائِكَ إِلَهِي إِنْ دَعَانِي
خوابانید مرا بیخبری از آماده شدن بر ملاقات تو پس بتحقیق آگاه کرد مرا شناختن بزرگی نعمتهای تو ای خدا اگر بخواند مرا
إِلَى النَّارِ عَظِيمُ عِقَابِكَ فَقَدْ دَعَانِي إِلَى الْجَنَّةِ جَزِيلُ ثَوَابِكَ إِلَهِي فَلَكَ أَسْأَلُ وَإِلَيْكَ
بسوی آتش بزرگی عقاب تو پس بتحقیق که میخواند مرا بسوی بهشت بسیاری ثواب تو خدایا پس ترا سؤال میکنم و بسوی تو
أَبْتَهِلُ وَأَرْغَبُ وَأَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ يُدِيمُ ذِكْرَكَ وَلَا
تضرع میکنم و خود شنیدم و میخواهم نورا آنکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و آنکه بگردانی مرا از آنکه همیشه یاد است و نه
يَنْقُضُ عَهْدَكَ وَلَا يَغْفُلُ عَنْ شُكْرِكَ وَلَا يَسْتَخِفُّ بِأَمْرِكَ إِلَهِي وَأَلْحِقْنِي بِنُورِ عِزِّكَ الْأَبْهَجِ فَأَكُونَ
و نمی شکند عهد ترا و بیخبر نمیسازد از شکر و سبک نمیشمارد فرمان ترا ای خداوند و برسان مرا بروشنی عزت خود که بهترست
لَكَ عَارِفًا وَعَنْ سِوَاكَ مُنْحَرِفًا وَمِنْكَ خَائِفًا مُرَاقِبًا يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَصَلَّى اللَّهُ
پس باشم مرا شناسا ترا و از غیر تو برگشته و از تو ترسان بیمناک ای خداوند بزرگوار و گرامی داشتن و رحمت خدا
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا و این از مناجاتهای جلیل القدرست و بر مضامین
بر محمد فرستاده و آل او که پاکانند و درود فرستد درود بسیار عالیه مشتملست و در همه اوقات که حضور
قلبی باشد خواندن مناسبست و از حضرت رسول ص منقولست که هر که در مجموع ماه شعبان هزار مرتبه بگوید لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَلَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ مُخْلِصِينَ
نیست خدائی مگر خدا و نمی پرستیم مگر او را خالص گننده
لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ حق تعالی عبادت هزار ساله در نامه عمل او بنویسد و گناه هزار ساله
مر او را دین و اگرچه کراهت دارند مشرکان از او محو کند و از قبر بیرون آید با روی نورانی مانند شب چهارده و او را
صدیق بنویسند و بسند معتبر منقولست که از حضرت صادق ع سؤال کردند از فضیلت روزه رجب حضرت
فرمود که چرا غافلید از روزه روز شعبان راوی گفت یا ابن رسول الله چه ثواب دارد کسیکه یکروز شعبان را روزه
دارد گفت والله بهشت ثواب اوست گفت یا ابن رسول الله بهترین عملها در این ماه چیست فرمود تصدق
کردن و طلب آمرزش نمودن هر که در این ماه تصدقی بکند خدا از آن تربیت میکند چنانچه یکی از شما شتر بچه خود را
تربیت میکند تا آنکه در قیامت مانند کوه احد بصاحبش برسد **فصل سیم** در بیان فضایل و اعمال
مخصوصه اول ماهست تا ایام البیض بسند معتبر از حضرت صادق ع منقولست که هر که روز اول ماه
شعبان را روزه دارد بهشت او را واجب گردد البته و از حضرت امام رضا ع منقولست استحباب روزه
سه روز اول تا سه روز میان ماه و سه روز آخر و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که حضرت رسول ص
فرمود که در هر پنجشنبه ماه شعبان زینت میکنند آسمانها را پس ملائکه میگویند خداوندا بیامرز روزه داران
این روز را و دعای ایشان را مستجاب گردان و روز سیم ماه شعبان روز بسیار مبارکیست و موافق مشهور روز
ولادت حضرت امام حسین ع است و از حضرت صاحب الامر ع فرمانی بیرون آمد که روز سیم اَللَّهُمَّ إِنِّي
ماه شعبان روز ولادت حضرت امام حسین ع است پس روز سیم را روزه بدارید و این دعا را بخوانید خداوندا بدرستیکه
أَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْمَوْلُودِ فِي هَذَا الْيَوْمِ الْمَوْعُودِ بِشَهَادَتِهِ قَبْلَ اسْتِهْلَالِهِ وَوِلَادَتِهِ بَكَتْهُ
سؤال میکنم ترا بحرمت آنکه متولد شد در این روز وعده داده شده بشهادت خود پیش از استهلال او و ولادت آن گریه کرد او را
السَّمَاءُ وَمَنْ فِيهَا وَالْأَرْضُ وَمَنْ عَلَيْهَا وَلَمَّا يَطَأْ لَابَتَيْهَا قَتِيلِ الْعَبْرَةِ وَسَيِّدِ الْأُسْرَةِ
آسمان و هر که در او است و زمین و هر که بر او است و حال آنکه حرکت نکرده بود کشته شدن هر سنگ و بزرگ قوم مدد کرده

الْمَمْدُودِ بِالنُّصْرَةِ يَوْمَ الْكَرَّةِ الْمُعَوَّضِ مِنْ قَتْلِهِ اَنَّ الْاَئِمَّةَ مِنْ نَسْلِهِ وَالشِّفَاءَ فِي تُرْبَتِهِ

مدد كرده شده بيارى در روز رجعت عوض داده شده از قتل او كه پيشوايان از نسل او و شفا در تربت او

وَالْفَوْزَ مَعَهُ فِي اَوْبَتِهِ وَالْاَوْصِيَاءَ مِنْ عِتْرَتِهِ بَعْدَ قَائِمِهِمْ وَغَيْبَتِهِ حَتَّى يُدْرِكُوا الْاَوْتَارَ

و رستكارى با او در رجعت او و اوصيا از ذريت او بعد از ظهور قائمشان و غيبت او تا آنكه دريابند تنهائى را

وَيَثْاَرُوا الثَّارَ وَيُرْضُوا الْجَبَّارَ وَيَكُونُوا خَيْرَ اَنْصَارٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِمْ مَعَ اخْتِلَافِ اللَّيْلِ

و مطالبه كنند خونها را و خوشنود سازند خدا را و باشند بهترين ياران رحمت فرستد خدا بر ايشان باد شد شب

وَالنَّهَارِ اَللّٰهُمَّ فَبِحَقِّهِمْ اِلَيْكَ اَتَوَسَّلُ وَاَسْئَلُ سُؤَالَ مُقْتَرِفٍ مُعْتَرِفٍ مُسِيءٍ اِلَى نَفْسِهِ مِمَّا

و روز خداوندا پس بحق ايشان بسوى تو توسل جويم و سؤال ميكنم سؤال كننده كار اعتراف كننده بد كننده بسوى خود از آنچه

فَرَّطَ فِي يَوْمِهِ وَاَمْسِهِ يَسْئَلُكَ الْعِصْمَةَ اِلَى مَحَلِّ رَمْسِهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعِتْرَتِهِ وَاحْشُرْنَا

كرده در اين روز و دينست ميخواهم از تو عصمت را تا بارگاه دفن خود خداوندا رحمت فرست بر محمد و ذريه او و محشور كن

فِي زُمْرَتِهِ وَبَوِّئْنَا مَعَهُ دَارَ الْكَرَامَةِ وَمَحَلَّ الْاِقَامَةِ اَللّٰهُمَّ وَكَمَا اَكْرَمْتَنَا بِمَعْرِفَتِهِ فَاَكْرِمْنَا

ما را در گروه او و در آور ما را با او در خانه كرامت و جايگاه قرار خداوندا چنانچه گرامى داشتى ما را بشناختن او پس گرامى دار ما را

بِزُلْفَتِهِ وَارْزُقْنَا مُرَافَقَتَهُ وَسَابِقَتَهُ وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يُسَلِّمُ لِاَمْرِهِ وَيُكْثِرُ الصَّلٰوةَ عَلَيْهِ

بقرب او و روزى كن ما را رفاقت او و پيشى گرفتن او و بگردان ما را از آنكه گردن نهد بفرمان او و بسيار رحمت بر او

عِنْدَ ذِكْرِهِ وَعَلَى جَمِيعِ اَوْصِيَائِهِ وَاَهْلِ اَصْطِفَائِهِ الْمَمْدُودِينَ مِنْكَ بِالْعَدَدِ الْاِثْنَى عَشَرَ

نزد ياد او و بر همه اوصياء او و اهل برگزيدگان او كه كشيده شدند از جانب تو بعدد دوازده

النُّجُومِ الزُّهَرِ وَالْحُجَجِ عَلَى جَمِيعِ الْبَشَرِ اَللّٰهُمَّ وَهَبْ لَنَا فِي هٰذَا الْيَوْمِ خَيْرَ مَوْهِبَةٍ وَاَنْجِحْ لَنَا

ستاره روشن و حجتها بر همه آدميان خداوندا ببخش ما را در اين روز بهتر بخشيدنى و بر آور براى ما

فِيهِ كُلَّ طَلِبَةٍ كَمَا وَهَبْتَ الْحُسَيْنَ لِمُحَمَّدٍ جَدِّهِ وَعَاذَ فُطْرُسُ بِمَهْدِهِ فَنَحْنُ عَائِذُونَ بِقَبْرِهِ مِنْ

در آن هر حاجتى چنانچه بخشيدى حسين را براى محمد جد او و بدو پناه گرفت فطرس بمهد او پس پناه برنده ايم بقبر او

بَعْدِهِ نَشْهَدُ تُرْبَتَهُ وَنَنْتَظِرُ اَوْبَتَهُ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ و زيارت آنحضرت و غسل زيارت در اين روز

بعد از او مى بينيم مدفن او را و انتظار داريم بازگشت او را بپذير اى پروردگار جهانيان مستحبست و كيفيت زيارتش بعد از اين مذكور

خواهد شد انشاء الله تعالى و شيخ طوسى ره روايتى نقل كرده است كه حضرت امام حسين ع در روز پنجم اين ماه متولد شده

است اگر احتياطا هر دو روز را حرمت بدارند و اعمال را نيز بعمل آورند خصوصا زيارت را بهتر است و ايضا

شيخ بسند معتبر از حضرت صادق ع روايت كرده است كه حضرت امير المؤمنين ع در روز هفتم ماه شعبان

متولد شده است اگر چه خلاف مشهور است چنانچه در ماه رجب مذكور شد اما بر وفق اين روايت اگر روزه

و زيارت آنحضرت و ساير اعمال خير را در اين روز بعمل آورند مناسبست فصل چهارم در اعمال ايام البيض

ماه شعبانست يعنى سيزدهم و چهاردهم و پانزدهم كه در اعمال ماه رجب مذكور شد سنتست كه در شب سيزدهم

دو ركعت و در شب چهاردهم چهار ركعت و در شب پانزدهم شش ركعت نماز بجا آورند و در هر ركعت بعد از حمد

سوره يس و تبارك الذى بيده الملك و قل هو الله احد بخوانند و در نماز شب سورها بسكه از حفظ نتوانند خواند

از روى قرآن بخوانند و روزه هر سه روز سنتست و فضايل و اعمال شب پانزدهم زياده از آنستكه در اين رساله

فصل چهارم در اعمال ايام البيض

احصا توان نمود واکتفا مینمائیم با نچه صحیح تراست از حضرت امیر المؤمنین ع منقولستکه حضرت رسول ص فرمود
که چون شب نصف شعبان شود شب را بعبادت بایستید و روزش را روزه بدارید بدرستیکه از اول تا
اخر این شب از جانب خدا ندا میرسد که ایا استغفار کننده هست که از ما طلب امرزش کند از گناهان خود و ما
گناهان اورا بیامرزیم ایا کسی هست که از ما طلب روزی کند تا روزی اورا فراخ گردانیم و غسل در این شب سنت
است و از حضرت صادق ع منقولستکه روزه بدارید ماه شعبان را و در شب نیمه ان غسل کنید که باعث
تخفیف گناهان شما باشد و رحمت الهی شمارا دریابد و از جمله اعمال این شب زیارت حضرت امام حسین ع است
و از حضرت امام زین العابدین ع منقولستکه هرکه خواهد با او مصافحه کنند روح صد و بیست و چهار
هزار پیغمبر پس زیارت کند حضرت امام حسین ع در شب نیمه شعبان زیرا که ملائکه و پیغمبران در این شب
از خدا رخصت میطلبند که بزیارت انحضرت بیایند و رخصت مییابند پس خوشا حال کسیکه این بزرگواران
با او مصافحه کنند و از جمله ایشانند پنج پیغمبر اولوا العزم نوح و ابرهیم و موسی و عیسی و محمد که مبعوث گردیده
اند بمشرق و مغرب زمین بر جنیان و انسیان و از حضرت صادق ع منقولستکه در شب نیمه شعبان
میامرزند جمیع گناهان کسیرا که انحضرت را زیارت کند در این شب و اقل زیارت انحضرت انستکه بیاید بصحن
گشاده در اید و بجانب راست اسمان و بجانب چپ و بالای سر نظر کند پس بانگشت شهادت اشاره کند
بجانب انحضرت رو بقبله و بگوید اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا اَبا عَبْدِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ
درود بر تو ای ابا عبد الله درود بر تو ای پسر رسول خدا درود بر تو
وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ و اگر بیکی از زیارات مبسوطه زیارت کند بهتر است و از جمله انها این زیارتست اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ آدَمَ
ورحمتهای خدا و برکتهای او درود بر تو ای وارث آدم
صِفْوَةِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ نُوحٍ نَبِيِّ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ اِبْرهيمَ
برگزیده خدا درود بر تو ایمیراث برنده نوح پیغمبر خدا درود بر تو ایمیراث برنده ابراهیم
خَليلِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ مُوسى كَليمِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ عيسى رُوحِ
خلیل خدا درود بر تو ای میراث برنده موسی هم سخن خدا درود بر تو ای میراث برنده عیسی روح
اللهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ مُحَمَّدٍ حَبيبِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ اَميرِ الْمُؤْمِنينَ وَلِيِّ
خدا درود بر تو ای وارث محمد دوست خدا درود بر تو ایمیراث برنده امیر المؤمنین دوست
اللهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفى اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ عَلِيٍّ الْمُرْتَضى اَلسَّلامُ عَلَيْكَ
خدا درود بر تو ای پسر محمد برگزیده درود بر تو ای پسر علی پسندیده درود بر تو
يَا بْنَ فاطِمَةَ الزَّهْراءِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ خَديجَةَ الْكُبْرى اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا ثارَ اللهِ وَابْنَ
ای پسر فاطمه زهرا درود بر تو ای پسر خدیجه کبری درود بر تو ای خون خدا و پسر
ثارِهِ وَالْوِتْرَ الْمَوْتُورَ اَشْهَدُ اَنَّكَ قَدْ اَقَمْتَ الصَّلوةَ وَآتَيْتَ الزَّكوةَ وَاَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ
خون خدا و ای خون ریخته شده گواهی میدهم بدرستیکه تو بتحقیق برپا داشتی نماز را و دادی زکوة را و امر کردی به نیکی
وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاَطَعْتَ اللهَ وَرَسُولَهُ حَتّى اَتيكَ الْيَقينُ فَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً قَتَلَتْكَ وَلَعَنَ اللهُ
و نهی کردی از زشتی و فرمان بردی خدا و فرستاده اورا تا آنکه در رسید ترا موت پس دور سازد خدا گروهی را که کشتند ترا و لعنت کند خدا
اُمَّةً ظَلَمَتْكَ وَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً سَمِعَتْ بِذلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ يا مَوْلايَ يا اَبا عَبْدِ اللهِ اَشْهَدُ اَنَّكَ
گروهیرا که ستم کردند ترا و لعنت کند خدا گروهیرا که شنیدند این واقعه را پس خوشنود شدند بآن ای آقای من ای ابا عبد الله گواهی میدهم که تو

كُنْتَ نُوراً فِى الْأَصْلابِ الشّامِخَةِ وَالْأَرْحامِ الْمُطَهَّرَةِ لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجاهِلِيَّةُ بِأَنْجاسِها

که نور بودی نور در صلبهای بزرگوار در رحمهای پاکیزه نجس نکرد ترا جاهلیت بنجاستهای خود

وَلَمْ تُلْبِسْكَ مِنْ مُدْلَهِمّاتِ ثِيابِها وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مِنْ دَعائِمِ الدِّينِ وَأَرْكانِ الْمُؤْمِنِينَ

و نپوشانید ترا از جامهای تیره خود و گواهی میدهم که تو از ستونهای دینی و رکنهای گروندگان

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمامُ الْبَرُّ التَّقِيُّ الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ الْهادِي الْمَهْدِيُّ وَأَشْهَدُ أَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ

و گواهی میدهم که توئی پیشوای نیکوکار پرهیزکار پسندیده پاک راه نمای راه یافتگان و گواهی میدهم که پیشوایان از

وُلْدِكَ كَلِمَةُ التَّقْوى وَأَعْلامُ الْهُدى وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقى وَالْحُجَّةُ عَلى أَهْلِ الدُّنْيا وَأُشْهِدُ

فرزندان تو هستند کلمه پرهیزکاری و نشانهای هدایت و دست آویز محکم و حجت بر اهل دنیا و گواه میگیرم

اللّٰهَ وَمَلٰئِكَتَهُ وَأَنْبِياءَهُ وَرُسُلَهُ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَبِإِيابِكُمْ مُوقِنٌ بِشَرايِعِ دِينِي وَخَواتِيمِ

خدا و فرشتگان و پیغمبران او و فرستادگان او که من بشما گرونده ام و برجعت شما یقینم بآداب دین خود و آخر

عَمَلِي وَقَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سِلْمٌ وَأَمْرِي لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ صَلَواتُ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ وَعَلى أَرْواحِكُمْ وَعَلى

کردار خود و دل من بر دل شما اسالمت و امر من مر امر شما را پیروی کننده و درودهای خدا بر شما و بر جانهای شما و بر

أَجْسادِكُمْ وَعَلى أَجْسامِكُمْ وَعَلى شاهِدِكُمْ وَعَلى غائِبِكُمْ وَعَلى ظاهِرِكُمْ وَعَلى باطِنِكُمْ

جسدهای شما و بر جسمهای شما و بر حاضر شما و بر غائب شما و بر آشکار شما و بر پنهان شما

پس دو رکعت نماز زیارت میکند و اگر نماز را پیش از زیارت بکند بهتر خواهد بود السَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ

و اگر از دور زیارت کند پس قصد زیارت علی بن الحسین کند و بگوید

درود بر تو ای پسر

رَسُولِ اللّٰهِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ نَبِيِّ اللّٰهِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلامُ

فرستاده خدا درود بر تو ای پسر پیغمبر خدا درود بر تو ای پسر پادشاه گروندگان درود

عَلَيْكَ يَا ابْنَ الْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الشَّهِيدُ السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَظْلُومُ

بر تو ای پسر حسین شهید درود بر تو ای شهید درود بر تو ای ستمدیده

وَابْنُ الْمَظْلُومِ لَعَنَ اللّٰهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ وَلَعَنَ اللّٰهُ أُمَّةً ظَلَمَتْكَ وَلَعَنَ اللّٰهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذٰلِكَ

و پسر ستمدیده لعنت کند خدا گروهی را که کشتند ترا و لعنت کند خدا گروهی را که ستم کردند ترا و لعنت کند خدا گروهی را که شنیدند اینرا

فَرَضِيَتْ بِهِ پس قصد زیارت شهداء السَّلامُ عَلَيْكُمْ يا أَوْلِياءَ اللّٰهِ وَأَحِبّاءَهُ السَّلامُ عَلَيْكُمْ

پس خوشنود شدند شهدا را بکند و بگوید درود بر شما ای یاوران دین خدا درود بر شما

يا أَصْفِياءَ اللّٰهِ وَأَوِدّاءَهُ السَّلامُ عَلَيْكُمْ يا أَنْصارَ دِينِ اللّٰهِ السَّلامُ عَلَيْكُمْ يا أَنْصارَ

ای برگزیدگان خدا و دوستان او درود بر شما ای یاوران دین خدا درود بر شما ای یاوران

رَسُولِ اللّٰهِ السَّلامُ عَلَيْكُمْ يا أَنْصارَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلامُ عَلَيْكُمْ يا أَنْصارَ فاطِمَةَ سَيِّدَةِ

فرستاده خدا درود بر شما ای یاوران پادشاه گروندگان درود بر شما ای یاوران فاطمه بزرگ

نِساءِ الْعالَمِينَ السَّلامُ عَلَيْكُمْ يا أَنْصارَ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الزَّكِيِّ النّاصِحِ السَّلامُ

زنان جهانیان درود بر شما ای یاوران ابی محمد حسن پسر علی پاکیزه نصیحت کننده درود

عَلَيْكُمْ يا أَنْصارَ أَبِي عَبْدِ اللّٰهِ بِأَبِي أَنْتُمْ وَأُمِّي طِبْتُمْ وَطابَتِ الْأَرْضُ الَّتِي فِيها دُفِنْتُمْ وَفُزْتُمْ

بر شما ای یاوران ابی عبدالله پدرم فدای شما باد و مادرم که پاکیزه اند و پاک است زمینی که در آن مدفون شده اید و رستگار شدید

فَوْزاً عَظِيماً فَيا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَكُمْ فَأَفُوزَ مَعَكُمْ و در شب اول و پانزدهم ماه رجب و در سیم و پنجم ما
رستگاری بزرگ پس کاشکی بودم با شما رستگار میشدم با شما اشعبان و شبهای ماه مبارک رمضان و شبهای عید
و سایر ایامیکه زیارت آنحضرت مستحب است بهمین طریق زیارت میتوان کرد و زیارت مبسوطه و مخصوصه
را در کتاب تحفة الزائر ذکر کرده ام هر که خواهد بآن کتاب رجوع نماید و از جمله برکات این شب آنستکه ولادت
با سعادت حضرت صاحب الامر عم در این شب واقع شده و باین سبب اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ لَيْلَتِنا هٰذِهِ وَمَوْلُودِها
سنت است که این دعا را در این شب بخوانند که بمنزله زیارت آنحضرت است خداوندا بحق همین شب ما اینشب و زاییده شده در آن
وَحُجَّتِكَ وَمَوْعُودِهَا الَّتِي قَرَنْتَ إِلىٰ فَضْلِها فَضْلاً فَتَمَّتْ كَلِمَتُكَ صِدْقاً وَعَدْلاً لا مُبَدِّلَ
و حجت تو و وعده شده آن که رساندی بسوی فضل آن زیادتی پس تمام شد کلمه تو براستی و عدالت نیست تبدیل
لِكَلِماتِكَ وَلا مُعَقِّبَ لِآياتِكَ نُورُكَ الْمُتَأَلِّقُ وَضِياؤُكَ الْمُشْرِقُ وَالْعَلَمُ النُّورُ فِي طَخْياءِ
مر کلمات تو و نه باز پس آرنده مر نشانهای تو نور تو که درخشنده است و روشنائی تو که هویداست و نشانه روشن در شب
الدَّيْجُورِ الْغائِبُ الْمَسْتُورُ جَلَّ مَوْلِدُهُ وَكَرُمَ مَحْتِدُهُ وَالْمَلائِكَةُ شُهَّدُهُ وَاللّٰهُ ناصِرُهُ وَمُؤَيِّدُهُ
تیره و تار از خلایق پنهانست بزرگست مولود او و کریمست فرشتگان حاضران اویند و خدا یاور اوست و معین او
إِذا آنَ مِيعادُهُ وَالْمَلائِكَةُ أَمْدادُهُ سَيْفُ اللّٰهِ الَّذِي لا يَنْبُو وَنُورُهُ الَّذِي لا يَخْبُو وَذُو
چون نزدیک شد ظهور آن و فرشتگان مددکنند شمشیر خدائی که کند نشود و نور خدا است که ساکن نگردد و
الْحِلْمِ الَّذِي لا يَصْبُو مَدارُ الدَّهْرِ وَنَوامِيسُ الْعَصْرِ وَوُلاةُ الْأَمْرِ وَالْمُنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الذِّكْرُ وَما
خداوند بردباری که میل نکند بجهل و دور و صاحبان عصر و صاحبان فرمان و فرستاده شده بر ایشان پند و آنچه
يَتَنَزَّلُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَأَصْحابُ الْحَشْرِ وَالنَّشْرِ تَراجِمَةُ وَحْيِهِ وَوُلاةُ أَمْرِهِ وَنَهْيِهِ اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ
فرو میاید در شب قدر و یاران زنده کردن و برانگیختن بیان کنندگان وحی او و والیان امر او و نهی او خداوندا پس رحمت کن
عَلىٰ خاتِمِهِمْ وَقائِمِهِمُ الْمَسْتُورِ عَنْ عَوالِمِهِمْ وَأَدْرِكْ بِنا أَيّامَهُ وَظُهُورَهُ وَقِيامَهُ وَاجْعَلْنا مِنْ أَنْصارِهِ
بر آخر ایشان و قائم ایشان که نهانست از عالمیان و برسان ما را بروزگار دولت او و ظاهر شدن او و برخاستن او و بگردان ما را از یاوران او
وَاقْرِنْ ثارَنا بِثارِهِ وَاكْتُبْنا فِي أَعْوانِهِ وَخُلَصائِهِ وَأَحْيِنا فِي دَوْلَتِهِ ناعِمِينَ وَبِصُحْبَتِهِ غانِمِينَ
و ضم کن خون ما بخون او و بنویس ما را در زمره مددکنندگان او و مخلصان او و زنده دار ما را در دولت او برفاه و دارندگان و صحبت او غنیمت گیرندگان
وَبِحَقِّهِ قائِمِينَ وَمِنَ السُّوءِ سالِمِينَ يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمِينَ وَصَلَّى
و حق او را برپا دارندگان و از بدیها سالم ای رحیمترین رحیمان و حمد مر خدا را که پروردگار عالمیانست و رحمت
اللّٰهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ وَعَلىٰ أَهْلِ بَيْتِهِ الصّادِقِينَ وَعِتْرَتِهِ النّاطِقِينَ
خدا بر محمد آخر پیغمبران و فرستادگان و بر خانواده او که راستگویانند و عترت او که سخن گویانند
وَالْعَنْ جَمِيعَ الظّالِمِينَ وَاحْكُمْ بَيْنَنا وَبَيْنَهُمْ يا أَحْكَمَ الْحاكِمِينَ و زید شهید روایت کرده که پدرم
و لعنت بر همه ستمکاران و حکم کن میان ما و میان ایشان ای حکم کننده احکم حضرت امام زین العابدین ع
ما همه را در شب نیمه شعبان نزد خود جمع میکرد و شب را سه حصه میکرد در ثلث اول نماز میکرد و در ثلث دوم
دعا میکرد و ما آمین میگفتیم بر دعای او و ثلث آخر را استغفار و طلب امرزش میکرد و ما نیز استغفار میکردیم
تا صبح طالع میشد یعنی بعد از نماز شب و نماز های این شب بسیار است و از جمله آنها چهار رکعتست هر دو رکعت
بیک سلام و سی نفر از اصحاب حضرت صادق ع این نماز را از آنحضرت روایت کرده اند در هر دو رکعت بعد از حمد صد مرتبه

سورهٔ قل هو الله احد بخواند اَللّٰهُمَّ اِنّی اِلَیْکَ فَقیرٌ وَمِنْ عَذابِکَ خائِفٌ وَبِکَ مُسْتَجیرٌ رَبِّ لا تُبَدِّلِ
وبعد از نماز این دعا بخواند خداوندا من بسوی تو محتاجم از عذاب تو ترسانم و بتو زنهار جوینده پروردگارا تبدیل مکن
اِسْمی وَلا تُغَیِّرْ جِسْمی رَبِّ لا تَجْهَدْ بَلائی رَبِّ لا تُشْمِتْ بی اَعْدائی اَعُوذُ بِعَفْوِکَ مِنْ عَذابِکَ وَاَعُوذُ
اسم مرا و تغییر مده جسم مرا پروردگارا ابتلا مرسان بلای مرا پروردگارا شماتت مکن با من دشمنان مرا پناه میبرم بعفو تو از عذاب تو و پناه میبرم
بِرِضاکَ مِنْ سَخَطِکَ وَاَعُوذُ بِکَ مِنْکَ جَلَّ ثَناؤُکَ اَنْتَ کَما اَثْنَیْتَ عَلی نَفْسِکَ وَفَوْقَ ما یَقُولُ
بخوشنودی تو از خشم تو و پناه میبرم بتو از تو بزرگست ثنای تو چنانی که ستوده بر خود و برتر از آنچه گویند
الْقائِلُونَ فیکَ و بروایت دیگر باز چهار رکعتست بدو سلام و در هر رکعت بعد از حمد دویست مرتبه
گویندگان درباره تو و پنجاه مرتبه قل هو الله احد یا صد مرتبه یا پنجاه مرتبه بخواند و بعد از نماز این دعا را بخواند
اَللّٰهُمَّ اِنّی اِلَیْکَ فَقیرٌ وَاِنّی مِنْ عَذابِکَ خائِفٌ وَبِکَ مُسْتَجیرٌ رَبِّ لا تُبَدِّلِ اسْمی وَلا تُغَیِّرْ
خداوندا که محتاجم بتو و من از عذاب تو ترسانم و بتو زنهار جوینده‌ام خدایا بدل مکن اسم مرا و تغییر مده
جِسْمی رَبِّ لا تَجْهَدْ بَلائی اَللّٰهُمَّ اِنّی اَعُوذُ بِعَفْوِکَ مِنْ عُقُوبَتِکَ وَاَعُوذُ بِرِضاکَ مِنْ
جسم مرا پروردگارا کوشش منما بلای مرا خداوندا من پناه میبرم بعفو تو از عقوبت تو و پناه میبرم بخوشنودی تو از
سَخَطِکَ وَاَعُوذُ بِرَحْمَتِکَ مِنْ عَذابِکَ وَاَعُوذُ بِکَ مِنْکَ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ جَلَّ ثَناؤُکَ
خشم تو و پناه میبرم برحمت تو از عذاب تو و پناه میبرم بتو از تو نیست خدائی مگر تو بزرگست ثنای تو
وَلا اُحْصی مِدْحَتَکَ وَلَا الثَّناءَ عَلَیْکَ اَنْتَ کَما اَثْنَیْتَ عَلی نَفْسِکَ وَفَوْقَ ما یَقُولُ الْقائِلُونَ
و شمرده نشود ستودن تو و نه ستودن بر تو تو چنانی که ستوده بر خود و برتر از آنچه گویند گویندگان
رَبِّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بی کَذا وَکَذا و بجای افعل بی کذا و کذا حاجت خود را یاد کند و اگر
پروردگارا درود فرست بر محمد و آل او و بکن با من چنین و چنان این نماز را با پنجاه مرتبه قل هو الله احد بعمل آورده موافق
میشود با نماز حضرت امیرالمؤمنین ع و در فضیلت ان احادیث بسیار است و بسند معتبر از حضرت امام
محمد باقر ع منقولست که شب نیمه شعبان بهترین شبها است بعد از شب قدر و خدا فضل خود را در این شب
به بندگان عطا مینماید و باحسان خود گناهان ایشان را میامرزد پس سعی کنید در عبادت این شب که این شبی
است که خدا بذات مقدس خود سوگند یاد کرده است که سائلی را از درگاه خود رد نکند مگر آنکه معصیتی
از خدا طلب نماید و این شب را خدا برای ما اهل بیت قرار داده است بازای شب قدر که از برای پیغمبر ما قرار داده است پس
اهتمام نمائید در این شب بدعا و ثنا کردن بر خدا بدرستیکه هر که در این شب صد مرتبه سبحان الله و صد مرتبه
الحمد لله و صد مرتبه الله اکبر و صد مرتبه لا اله الا الله بگوید خدا گناهان گذشته او را بیامرزد و حاجتهای دنیا و آخرت
او را برآورد و هر چه خواهد طلب نماید و خواهد نماید راوی پرسید که بهترین دعاها در این شب کدام است فرمود که بعد از نماز
خفتن دو رکعت نماز بکن و در رکعت اول بعد از حمد سورهٔ قل یا ایها الکافرون و در رکعت دوم سورهٔ قل هو
الله احد بخوان و بعد از سلام سی و سه مرتبه سبحان الله و سی و سه مرتبه الحمد لله و سی و چهار مرتبه الله اکبر و اگر
بترتیب تسبیح حضرت فاطمه ع بخواند یا مَنْ اِلَیْهِ مَلْجَاُ الْعِبادِ فِی الْمُهِمّاتِ وَاِلَیْهِ یَفْزَعُ الْخَلْقُ فِی الْمُلِمّاتِ
ظاهرا خوب باشد پس این دعا بخوانند ای آنکه بسوی اوست پناه بندگان در اندوهها و بسوی او استغاثه نمایند آفریدگان در اندوهها
یا عالِمَ الْجَهْرِ وَالْخَفِیّاتِ یا مَنْ لا یَخْفی عَلَیْهِ خَواطِرُ الْاَوْهامِ وَتَصَرُّفُ الْخَطَراتِ یا رَبَّ الْخَلائِقِ
ای دانای آشکار و پنهان ای آنکه پوشیده نیست بر او اندیشهای وهمها و گردش خیالات ای پروردگار خلایق

والرّقاب یا من بیده ملکوت الارضین والسّموات انت الله لا اله الّا انت امتّ الیک

واز بندگان ای که بدست او است پادشاهی زمینها و آسمانها توئی خدا که نیست خدا مگر تو توسل میجویم بسوی تو

بلا اله الّا انت فیا لا اله الّا انت اجعلنی فی هذه اللّیلة ممّن نظرت الیه فرحمته

بحق لا اله الا انت پس ای که نیست خدائی مگر تو بگردان مرا در این شب از آنکه نظر کرده بسوی او پس رحم کرده او را

وسمعت دعاءه فاجبته وعلمت استقالته فاقلته وتجاوزت عن سالف خطیئته وعظیم

و شنیدی دعای او را پس اجابت کرده او را و دانستی درگذشتن پس درگذشتی از او و درگذشتی از گذشتهای گناه او و بزرگی

جریرته فقد استجرت بک من ذنوبی ولجأت الیک فی ستر عیوبی اللّهمّ فجد علیّ بکرمک

گناه او پس پناه آوردم بتو از گناه خود و پناه بردم بتو در پوشانیدن عیبهای خود خداوندا پس بخشش کن بر من بکرم خود

وفضلک واحطط خطایای بحلمک وعفوک وتغمّدنی فی هذه اللّیلة بسابغ کرامتک

و فضل خود و بریز گناه مرا به بردباری خود و عفو خود و بپوشان مرا در این شب به بسیاری کرامت خود

واجعلنی فیها من اولیائک الّذین اجتبیتهم لطاعتک واخترتهم لعبادتک وجعلتهم

و بگردان مرا در آن از دوستان خود که برگزیدی ایشان را بر فرمان برداری تو و برگزیدی ایشان را بر عبادت خود و گردانیدی ایشان را

خالصتک وصفوتک اللّهمّ اجعلنی ممّن سعد جدّه وتوفّر من الخیرات حظّه واجعلنی

خالص برای خود و برگزیده خود خداوندا بگردان مرا از آنکه نیکوست بخت او و بسیار شد از نیکیها بهره او و بگردان مرا

ممّن سلم فنعم وفاز فغنم واکفنی شرّ ما اسلفت واعصمنی من الازدیاد فی معصیتک وحبّب

از آنکه سالم شد و فیروزی یافت و باز دار مرا از شر آنچه گذشته و نگاه دار مرا از زیادتی در نافرمانی تو و دوست دار

الیّ طاعتک وما یقرّبنی منک ویزلفنی عندک سیّدی الیک یلجأ الهارب ومنک یلتمس الطّالب

بمن فرمانبرداری خود و آنچه نزدیک کند مرا از تو و نزدیک کند مرا نزد تو آقای من پناه آورد بسوی تو گریزان و از تو درخواست خواهنده

وعلی کرمک یعوّل المستقیل التّائب ادّبت عبادک بالتّکرّم وانت اکرم الاکرمین وامرت

و بر کرم تو اعتماد دارد عفو کننده بازگردنده ادب نمودی بندگان خود را بتکرم و تو کریمتر کریمانی و امر کردی

بالعفو عبادک وانت الغفور الرّحیم اللّهمّ فلا تحرمنی ما رجوت من کرمک ولا تؤیسنی من

بدرگذشتن بندگان خود را و توئی آمرزنده مهربان خدایا نا امید مگردان مرا از آنچه امیدوارم از کرم تو و مایوس مکن مرا از

سابغ نعمک ولا تخیّبنی من جزیل قسمک فی هذه اللّیلة لاهل طاعتک واجعلنی فی جنّة

کامل نعمت خود و نا امید مگردان مرا از بسیاری قسمت در این شب مر اهل فرمان تو و بگردان مرا در حفظ خود

من شرار بریّتک ربّ ان لم اکن من اهل ذلک فانت اهل الکرم والعفو والمغفرة وجد

از بدان خلق خود پروردگارا اگر نباشم از اهل این پس تو سزاوار کرامتی و عفو و آمرزش بخشش نما

علیّ بما انت اهله لا بما استحقّه فقد حسن ظنّی بک وتحقّق رجائی لک وعلقت نفسی بکرمک

بر من بآنچه توئی سزاوار او نه بآنچه سزاوارم پس نیکوست گمان من بتو و ثابت شد امید من و بسته‌ام خود را بکرم تو

وانت ارحم الرّاحمین واکرم الاکرمین اللّهمّ واخصصنی من کرمک بجزیل قسمک واعوذ بعفوک

و توئی رحیمتر رحیمان و کریمتر کریمان خداوندا و مخصوص کن مرا از کرم خود به بسیاری قسمت تو و پناه میبرم بعفو خود

من عقوبتک واغفر لی الذّنب الّذی یحبس علیّ الخلق ویضیّق علیّ الرّزق حتّی اقوم

از عقوبت خود و بیامرز مرا گناهی که حبس مینماید از من بر خلق و تنگ شود بر من روزی تا بپای دارم

علیّ ذ

بصالح رضاك وانعم بجزيل عطائك واسعد بسابغ نعمائك فقد لذت بحرمك وتعرضت
به شایسته خوشنودی تو و نیکو کن به بسیاری کرم تو و نیک بخت شوم بکاملترین نعمت تو پس پناه بردم بحرم تو و خواهش آمدم
لكرمك واستعذت بعفوك من عقوبتك وبحلمك من غضبك فجدلي بما سئلتك وأنل
بکرم تو و پناه میبرم بعفو تو از عقوبت تو و به بردباری تو از خشم تو پس ببخش مرا آنچه خواستم از تو و برسان
ما التمست منك اسئلك بك لا بشيء اعظم منك پس بسجده میروی یا رب بیست و یا الله هفت
آنچه درخواستم از تو و میخواهم تو نه بچیزی بزرگتر از تو ومیگوئی ای پروردگار مرتبه و ای خدا مرتبه
لا حول ولا قوة الا بالله هفت ما شاء الله لا حول ولا قوة الا بالله ده لا قوة الا بالله
نیست حولی و نه قوتی مگر بخدا مرتبه آنچه خواسته خدا نیست حولی و نه قوتی مگر بخدا مرتبه نیست توانائی مگر بخدا
ده مرتبه پس صلوات بر محمد وآل محمد بفرستد آنچه خواهی و حاجت خود را از خدا بطلب بخدا سوگند که اگر بعدد قطرات
باران حاجت بطلبی خدا ترا ابا نفرماید برساند بکرم و فضل خود و بروایت دیگر بعد از هفتم مرتبه یا الله هفتم مرتبه
بگوید یا رب محمد وعلي الهي تعرض لك في هذا الليل المتعرضون وقصدك القاصدون و
گفته است بگوید خدایا توجه کرده بر تو در این شب توجه کنندگان و قصد کردند ترا نیت کنندگان و
امل فضلك ومعروفك الطالبون ولك في هذا الليل نفحات وجوائز وعطايا و
آرزو دارد فضل ترا و احسان ترا طالبان و مر تراست در این شب عطاها و صلها و
مواهب تمن بها على من تشاء من عبادك وتمنعها من لم تسبق له العناية منك وها
بخششها که منت می نهی بر آنکه میخواهی از بندگان خود و باز داری او را که پیش نگرفته باشد عنایت از تو و اینک
انا ذا عبيدك الفقير اليك المؤمل فضلك ومعروفك فان كنت يا مولاي تفضلت في
منم بنده کوچک تو محتاجم بسوی تو امید دارم بفضل تو و احسان تو پس اگر بوده باشی ای آقای من تفضل کرده در
هذه الليلة على احد من خلقك وعدت عليه بعائدة من عطفك فصل على محمد وآل
این شب بر یکی از خلق خود و نفع رسانده باشی نفعی از مهربانی خود پس درود فرست بر محمد و آل
محمد الطيبين الطاهرين الخيرين الفاضلين وجد علي بطولك ومعروفك يا رب العالمين
محمد که پاکان پاکیزگان نیکان زیادتی یافتگان و بخشش کن بر من بانعام و احسان خود ای پروردگار جهانیان
وصل على محمد خاتم النبيين وآله الطاهرين وسلم تسليما ان الله حميد مجيد اللهم
و رحمت فرست بر محمد آخر پیغمبران و آل او که پاکانند و درود فرست درود بسیار که خدا ستوده بزرگوار است خداوندا
اني ادعوك كما امرت فاستجب لي كما وعدت انك لا تخلف الميعاد مؤلف گوید که این دعای
که میخوانم ترا چنانچه امر کرده پس بپذیر مرا چنانچه وعده کرده زیرا که تو خلاف نکنی وعده را بسیار خوبیست و از دعاهای
اینشب است ظاهراً اجزو آن عمل سابق نیست و ابن بابویه از حضرت امام حسن مجتبی ع روایت کرده است
که جبرئیل ع بر حضرت رسول ص نازل شد و گفت یا محمد امت خود را امر کن که در شب نیمه شعبان ده رکعت نماز
بکنند هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه اللهم لك سجد سوادي وخيالي و
سوره قل هو الله احد بخوانند پس بسجده بروند و در سجده این دعا بخوانند خداوندا مر ترا سجده کرد سواد من و خیال من
بياضي يا عظيم كل عظيم اغفر لي ذنبي العظيم فانه لا يغفره غيرك يا عظيم پس هر که این عمل را بجا
سفیدی من ای بزرگ هر بزرگ بیامرز مرا گناه بزرگ زیرا که نیامرزد او را غیر از تو ای بزرگ آورد محو کند

خدا از او هفتاد و دو هزار گناه و مثل آن حسنه در نامهٔ عمل او بنویسند و محو کند از پدر و مادرش هفتاد
هزار گناه را و نماز دیگر نماز بیست که عامه و خاصه از حضرت رسول روایت کرده اند که حضرت فرمود که در شب
نیمهٔ شعبان در خواب بودم که جبرئیل بر من نازل شد گفت ای محمد آیا بخواب میروی در این شب گفتم این چه شبیست گفت
شب نیمهٔ شعبان است پس برخیز آنگاه مرا برد بسوی قبرستان بقیع و گفت سر بلند کن بسوی آسمان بدرستیکه این
شبی است که درهای آسمان در این شب گشوده میشود یعنی درهای رحمت و درهای خوشنودی خدا و درهای آمرزش گناهان
و درهای فضل و احسان و درگاه توبه و درگاه نعمت و درگاه جود و بخشش و میامرزد خدا از بندگان در این شب
بعدد موهای چهارپایان و گوسفندهای ایشان ای محمد هر که احیا کند این شب را بگفتن الله اکبر و سبحان الله و لا اله الا
الله و نماز کردن و قرآن خواندن و طلب آمرزش کردن و استغفار نمودن بهشت در آخرت جای او باشد و گناهان
گذشته و آینده او آمرزیده شود ای محمد هر که در این شب صد رکعت نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام و در هر
رکعت بعد از حمد ده مرتبه سورهٔ قل هو الله احد بخواند و چون از همه فارغ شود ده مرتبه آیة الکرسی و ده مرتبه
سورهٔ حمد بخواند و صد مرتبه سبحان الله بگوید خدا صد گناه کبیرهٔ هلاک کنندهٔ او را بیامرزد و بعدد هر سوره
و تسبیحی قصری در بهشت با و عطا کند و شفاعت او را قبول کند در صد نفر از اهل خانه او و خویشان او و شریک
گرداند او را در ثواب شهیدان و ثواب روزه داران این ماه و عبادت کنندگان این ماه را با و عطا کند بی آنکه از ثواب
ایشان چیزی کم شود پس احیا کن این شب را ای محمد و امر کن امت خود را که احیا کنند این را و تقرب جویند بسوی خدا بعبادت
آن بدرستیکه این شبیست بسیار شریف یا محمد من چون بنزد تو میآمدم جمیع ملائکهٔ آسمانها پای خود را جفت
کرده بودند و نزد خدا بعبادت مشغول بودند بعضی در رکوع و بعضی در سجود بودند و بعضی مشغول بودند بدعا
و بعضی بتکبیر و بعضی بتسبیح و بعضی باستغفار یا محمد بدرستیکه خدا در این شب نظر رحمت بسوی بندگان میافکند
و میامرزد هر مؤمن را که بنماز ایستاده باشد یا نشسته مشغول تسبیح باشد یا در رکوع و سجود یا مشغول یاد
خدا باشد و این شبیست که هر که دعا کند دعایش مستجاب میشود و هر که سؤال کند با و عطا کرده میشود و هر که
استغفار کند آمرزیده میشود و هر که توبه کند توبه اش مقبول میگردد و محروم کسیست که از خیر این شب محروم
گردد و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که هر که در شب نیمهٔ شعبان صد رکعت نماز بکند با هزار
مرتبه قل هو الله احد یعنی در هر رکعت ده مرتبه بخواند نمیرد دل او در روزی که دلها از ترس مرده
باشند و نمیرد تا آنکه صد ملک را ببیند که او را ایمن گردانند از عذاب الهی که سی نفر ایشان بشارت
دهند او را به بهشت و سی نفر ایشان باشند که در دنیا او را از شر شیطان نگاه میداشتند و سی نفر اینها باشند
که شب و روز برای او استغفار میکردند در ساعات شب و روز و ده نفر که او را حفظ میکردند از شر
دشمنان و منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در این شب این دعا را می خواندند اللهم اقسم
لنا من خشیتک ما یحول بیننا و بین معصیتک و من طاعتک ما تبلغنا به رضوانک و من

خداوندا قسمت کن برای ما از ترس خود آنقدر که حایل شود میان ما و میان نافرمانی تو و از فرمانبرداری تو آنچه برساند ما را بخوشنودی تو و از

الیقین ما یهون علینا به مصیبات الدنیا اللهم امتعنا باسماعنا و ابصارنا و قوتنا ما احییتنا

یقین آنقدر که سست کند بر ما بآن مصیبتهای دنیا خداوندا بهره ورکن ما را بگوشهای ما و دیدهای ما و توانائی ما تا وقتی که زنده داری ما را

وَاجْعَلْهَا الْوَارِثَ مِنَّا وَاجْعَلْ ثَارَنَا عَلَى مَنْ ظَلَمَنَا وَانْصُرْنَا عَلَى مَنْ عَادَانَا وَلَا تَجْعَلْ
وبگردان آن را وارث بنده ما و بگردان ثار ما را بر آنکه ستم کند ما را و یاری ده ما را بر آنکه دشمنی کند ما را و مگردان

مُصِيبَتَنَا فِي دِينِنَا وَلَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا أَكْبَرَ هَمِّنَا وَلَا مَبْلَغَ عِلْمِنَا وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيْنَا مَنْ لَا
مصیبت ما را در دین ما و مگردان دنیا را بزرگتر آهنگ و نه رسیدنگاه دانش ما و مسلط مکن کسی که رحم نکند ما را

يَرْحَمُنَا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ و این دعا جامع کاملی است و متضمن جمیع مطالب دنیا و آخرت و چون
برحمت تو ای بخشنده ترین بخشندگان

دعای کمیل بن زیاد که از خواص اصحاب امیرالمؤمنین ع است بهترین دعاها است و از دعای این شب است و در اوقات دیگر نیز میتوان خواند با ترجمه در اینجا ایراد مینمایم که در وقت خواندن ملتفت معانی آن باشند تا فایده اش تمام تر و ثوابش عظیمتر باشد بدانکه سید جلیل ابن طاوس در کتاب اقبال روایت کرده است که کمیل بن زیاد گفت روزی با مولای خود حضرت امیرالمؤمنین ع در مسجد بصره نشسته بودیم شب نیمه شعبان مذکور شد حضرت فرمود که هر بنده که این شب را بعبادت احیا کند و دعای حضرت خضر را در این شب بخواند البته دعای او مستجاب گردد چون حضرت بمنزل خود مراجعت نمود شب بخدمت او رفتم چون مرا دید پرسید بچه کار آمده ای کمیل گفتم یا امیرالمؤمنین بطلب دعای خضر ع آمده ام فرمود بنشین ای کمیل چون این دعا را حفظ نمائی در هر شب جمعه یا در ماهی یک مرتبه یا در عمری یک مرتبه بخوان تا کفایت شر دشمنان از تو بشود و یاری کرده شوی و روزی داده شوی و البته آمرزیده شوی ای کمیل طول صحبت و خدمت تو موجب آن شد که ترا بچنین نعمتی و کرامتی ممتاز و سرافراز گردانم پس گفت بنویس دعا را تلقین من نمود اینست دعای کمیل بن زیاد

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خدای بخشاینده مهربان

اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ وَبِقُوَّتِكَ الَّتِي قَهَرْتَ بِهَا كُلَّ شَيْءٍ
خداوندا بدرستیکه من میخواهم ترا برحمت تو که فرا گرفته هر چیزی را و بتوانائی تو که غلبه کرده ای بآن هر چیزی

وَخَضَعَ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ وَبِجَبَرُوتِكَ الَّتِي غَلَبْتَ بِهَا كُلَّ شَيْءٍ وَبِعِزَّتِكَ الَّتِي لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ
و فروتنی کرده برای او هر چیزی و بجبروت تو که غالب شدی بآن هر چیزی را و بعزت تو که بر پا نمی ایستد برای او چیزی

وَبِعَظَمَتِكَ الَّتِي مَلَأَتْ كُلَّ شَيْءٍ وَبِسُلْطَانِكَ الَّذِي عَلَا كُلَّ شَيْءٍ وَبِوَجْهِكَ الْبَاقِي
و بعظمت تو که پر کرده هر چیزی را و بپادشاهی تو که برتری یافت بر هر چیزی و بذات تو که باقیست

بَعْدَ فَنَاءِ كُلِّ شَيْءٍ وَبِأَسْمَائِكَ الَّتِي مَلَأَتْ أَرْكَانَ كُلِّ شَيْءٍ وَبِعِلْمِكَ الَّذِي أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ
بعد از فانی هر چیزی و بنامهای تو که پر کرده رکنهای هر چیزی را و بدانش تو که فرا گرفته به هر چیزی

وَبِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي أَضَاءَ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ يَا نُورُ يَا قُدُّوسُ يَا أَوَّلَ الْأَوَّلِينَ وَيَا آخِرَ الْآخِرِينَ اللّٰهُمَّ
و بروشنی ذات تو که روشن کرده برای او هر چیزی ای روشنی ای پاکیزه ای پیشتر از پیشینیان و ای پس تر از پسینیان خداوندا

اغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصَمَ اللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تُنْزِلُ النِّقَمَ اللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ
بیامرز برای من گناهانی که میدرد پرده عصمت را خداوندا بیامرز برای من گناهانی که فرود میاورد عذاب را خداوندا بیامرز برای من گناهانی

الَّتِي تُغَيِّرُ النِّعَمَ اللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ الدُّعَاءَ اللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي
که تغییر میدهد نعمت را خداوندا بیامرز برای من گناهانی که حبس میکند دعا را خداوندا بیامرز برای من گناهانی که

تُنْزِلُ الْبَلَاءَ اللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تَقْطَعُ الرَّجَاءَ اللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ
فرود میاورد بلا را خداوندا بیامرز برای من گناهانی که می برد امید را خداوندا بیامرز برای من هر گناهی که کردم آن را

وَكُلَّ خَطِيئَةٍ اَخْطَاْتُهَا اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَتَقَرَّبُ اِلَيْكَ بِذِكْرِكَ وَاَسْتَشْفِعُ بِكَ اِلٰى نَفْسِكَ وَاَسْئَلُكَ
وهر خطائیکه بنادانی بجا آوردم خداوندا نزدیکی میجویم بسوی تو بیاد تو و شفاعت میجویم بتو بسوی نفس تو و میخواهم
بِجُودِكَ اَنْ تُدْنِيَنِي مِنْ قُرْبِكَ وَاَنْ تُوزِعَنِي شُكْرَكَ وَاَنْ تُلْهِمَنِي ذِكْرَكَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ
ببخشش تو که نزدیکم گردانی از قرب خود و اینکه توفیق دهی مرا شکر خود و اینکه الهام کنی مرا بیاد خود خداوندا سؤال میکنم ترا
سُؤَالَ خَاضِعٍ مُتَذَلِّلٍ خَاشِعٍ اَنْ تُسَامِحَنِي وَتَرْحَمَنِي وَتَجْعَلَنِي بِقِسْمِكَ رَاضِيًا قَانِعًا وَفِي جَمِيعِ
سؤال خضوع کننده و ذلت کننده با خشوع که مسامحه کنی مرا و رحم کنی مرا و بگردانی مرا بقسمت خود راضی قانع و در همه
الْاَحْوَالِ مُتَوَاضِعًا اَللّٰهُمَّ وَاَسْئَلُكَ سُؤَالَ مَنِ اشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ وَاَنْزَلَ بِكَ عِنْدَ الشَّدَائِدِ
احوال تواضع کننده خداوندا و سؤال میکنم ترا سؤال کسیکه سخت باشد احتیاج او و فرود آورده بتو نزد سختیها
حَاجَتَهُ وَعَظُمَ فِيمَا عِنْدَكَ رَغْبَتُهُ اَللّٰهُمَّ عَظُمَ سُلْطَانُكَ وَعَلَا مَكَانُكَ وَخَفِيَ مَكْرُكَ وَ
حاجت و بزرگست در آنچه نزد تست خواهش او خداوندا بزرگست پادشاهی تو و برتر است جای تو و پنهانست مکر تو و
ظَهَرَ اَمْرُكَ وَغَلَبَ قَهْرُكَ وَجَرَتْ قُدْرَتُكَ وَلَا يُمْكِنُ الْفِرَارُ مِنْ حُكُومَتِكَ اَللّٰهُمَّ لَا اَجِدُ لِذُنُوبِي
هویداست امر تو و غالبست قهر تو و جاریست قدرت تو و ممکن نیست فرار از حکومت تو خداوندا نمی یابم برای گناه خود
غَافِرًا وَلَا لِقَبَائِحِي سَاتِرًا وَلَا لِشَيْءٍ مِنْ عَمَلِيَ الْقَبِيحِ بِالْحَسَنِ مُبَدِّلًا غَيْرَكَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ
آمرزنده و نه زشتی خود را پوشنده و نه مر چیزی از کردار زشت به نیکی بدل کننده غیر تو نیست خدائی مگر تو پاکی تو
وَبِحَمْدِكَ ظَلَمْتُ نَفْسِي وَتَجَرَّاْتُ بِجَهْلِي وَسَكَنْتُ اِلٰى قَدِيمِ ذِكْرِكَ لِي وَمَنِّكَ عَلَيَّ اَللّٰهُمَّ مَوْلَايَ
و بحمد تو مشغولم ستم کردم بر خود و جرات کردم بنادانی خود و اعتماد کردم بسوی دیرینه یاد تو بر من و منت تو بر من خدایا آقای من
كَمْ مِنْ قَبِيحٍ سَتَرْتَهُ وَكَمْ مِنْ فَادِحٍ مِنَ الْبَلَاءِ اَقَلْتَهُ وَكَمْ مِنْ عِثَارٍ وَقَيْتَهُ وَكَمْ مِنْ مَكْرُوهٍ
چه بسیار کار زشت که پوشیدی آنرا و بسیار گران از بلاها که کم نمودی آنرا و بسیار از لغزشها که نگاه داشتی آنرا و بسیار از ناخوشی
دَفَعْتَهُ وَكَمْ مِنْ ثَنَاءٍ جَمِيلٍ لَسْتُ اَهْلًا لَهُ نَشَرْتَهُ اَللّٰهُمَّ عَظُمَ بَلَائِي وَاَفْرَطَ بِي سُوءُ حَالِي
که دفع کردی آنرا و بسیار از ثنای نیکو که نبودم سزاوار آن که پهن کردی آنرا خداوندا بزرگست بلای من از حد گذشته بدی حالم
وَقَصُرَتْ بِي اَعْمَالِي وَقَعَدَتْ بِي اَغْلَالِي وَحَبَسَنِي عَنْ نَفْعِي بُعْدُ اٰمَالِي وَخَدَعَتْنِي الدُّنْيَا بِغُرُورِهَا
و نارسا ساخت مرا کردار من و عاجز کرده مرا غلهای من و منع کرده از نفع من دوری آرزوی من و فریب داد مرا دنیا بفریب خود
وَنَفْسِي بِجِنَايَتِهَا وَمِطَالِي يَا سَيِّدِي فَاَسْئَلُكَ بِعِزَّتِكَ اَنْ لَا يَحْجُبَ عَنْكَ دُعَائِي سُوءُ عَمَلِي وَ
و نفس من بجنایت او و پس انداختن من ای سید من و سؤال میکنم ترا بعزت تو که منع نکند از خود دعای مرا بدی کردار من و
فِعَالِي وَلَا تَفْضَحْنِي بِخَفِيِّ مَا اطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنْ سِرِّي وَلَا تُعَاجِلْنِي بِالْعُقُوبَةِ عَلٰى مَا عَمِلْتُهُ فِي
فعل من و رسوا مساز مرا بپنهانی آنچه مطلع شده برا او از راز من و نزدیک مگیر مرا بعقوبت بر آنچه کردم آنرا در
خَلَوَاتِي مِنْ سُوءِ فِعْلِي وَاِسَاءَتِي وَدَوَامِ تَفْرِيطِي وَجَهَالَتِي وَكَثْرَةِ شَهَوَاتِي وَغَفْلَتِي وَكُنِ اللّٰهُمَّ
خلوتهای خود از بدی کردار خود و به بدیهای خود و دایم بودن تقصیر خود و نادانی خود و بسیاری شهوت خود و غفلت خود و باش خداوندا
بِعِزَّتِكَ لِي فِي الْاَحْوَالِ كُلِّهَا رَؤُفًا وَعَلَيَّ فِي جَمِيعِ الْاُمُورِ عَطُوفًا اِلٰهِي وَرَبِّي مَنْ لِي غَيْرُكَ اَسْئَلُهُ
بعزت خود مرا در احوال همه او مهربان و بر من در همه امورها بخشنده خدایا پروردگارا کیست برای من غیر تو که سؤال کنم از او
كَشْفَ ضُرِّي وَالنَّظَرَ فِي اَمْرِي اِلٰهِي وَمَوْلَايَ اَجْرَيْتَ عَلَيَّ حُكْمًا اتَّبَعْتُ فِيهِ هَوٰى نَفْسِي وَلَمْ اَحْتَرِسْ
گشادن بدحالی من و نگریستن در کار من خدایا آقای من ایا جاری کردی بر من حکمی که پیروی کردم در آن خواهش خود و نگهبانی

فيه من تزيين عدوي فغرني بما اهوى واسعده على ذلك القضاء فتجاوزت بما جرى علي
در آن از زینت دادن دشمن من پس فریب داد مرا بانچه خواهش میکنم و یاری کرد او را برین حکم پس در گذشتم بانچه جاری گردیده بر من

من ذلك بعض حدودك وخالفت بعض اوامرك فلك الحمد علي في جميع ذلك ولا حجة لي
از این پاره حدود خود و مخالفت کردم پاره امر ترا پس مر تراست حمد بر من در همه آن و نیست حجتی مرا

فيما جرى علي فيه قضاؤك والزمني حكمك وبلاؤك وقد اتيتك يا الهي بعد تقصيري و فيه ١١
در آنچه جاری گردیده بر من در آن حکم خود و لازم گردانیدی مرا در آن حکم خود و بلای خود و آمدم ترا ای خدای من بعد از تقصیر خود و

اسرافي على نفسي معتذرا نادما منكسرا مستقيلا مستغفرا منيبا مقرا مذعنا معترفا لا
از حد در گذشتن بر نفس من عذر جوینده پشیمان شکسته خواهنده آمرزش بازگردنده اقرار کننده اعتراف کننده

اجد مفرا مما كان مني ولا مفزعا اتوجه اليه في امري غير قبولك عذري وادخالك اياي
نمی یابم گریزگاهی از آنچه باشد از من و نه پناهی که رو کنم بسوی او در کار خود غیر از قبول کردن تو عذر مرا و داخل کردن تو مرا

في سعة من رحمتك اللهم فاقبل عذري وارحم شدة ضري وفكني من شد وثاقي يا رب
در گشادگی از رحمت خود خداوندا پس بپذیر عذر مرا و رحم کن شدت بدحالی مرا و رها کن مرا از شدت بند من ای پروردگار

ارحم ضعف بدني ورقة جلدي ودقة عظمي يا من بدا خلقي وذكري وتربيتي وبري وتغذيتي
رحم کن سستی بدن مرا و نازکی پوست مرا و باریکی استخوان مرا ای آنکه ابتدا کرده خلقت مرا و یاد مرا و تربیت مرا و نیکی مرا و غذا دادن

هبني لابتداء كرمك وسالف برك بي يا الهي وسيدي وربي اتراك معذبي بنارك بعد توحيدك و
ببخش مرا بابتدای کرم خود و نیکیهای پیش گذشته خود بمن ای خدای من و سید من و پروردگار من آیا می بینی خود را که عذاب کننده منی بآتش خود پس از یگانگی خود و

بعد ما انطوى عليه قلبي من معرفتك ولهج به لساني من ذكرك واعتقده ضميري من حبك
بعد از آنکه در پیچیده باو دل من از شناختن تو و حریص گردیده بآن زبان من از یاد تو و محکم گردانید دل من از دوستی تو

وبعد صدق اعترافي ودعائي خاضعا لربوبيتك هيهات انت اكرم من ان تضيع من ربيته
و بعد از راستی اعتراف من و خواندن من از روی خشوع مر پروردگاری ترا هیهات تو کریمتری از آنکه ضایع کنی آنرا که تربیت کرده

او تبعد من ادنيته او تشرد من آويته او تسلم الى البلاء من كفيته ورحمته وليت شعري
یا دور کنی کسی را که نزدیک کرده او را یا برانی آنکه جا داده او را یا بگذاری بسوی بلا کسی را که دفع شر از او کرده و رحم کرده او را و کاش میدانستم

يا سيدي والهي ومولاي اتسلط النار على وجوه خرت لعظمتك ساجدة وعلى السن نطقت
ای آقای من و خدای من و مولای من آیا مسلط خواهی کرد آتش بر رویهایی که افتادند از برای عظمت تو سجده کننده و بر زبانها که گویا شدند

بتوحيدك صادقة وبشكرك مادحة وعلى قلوب اعترفت بالهيتك محققة وعلى ضمائر
بیگانگی تو راستگویان و بشکر تو مدح گویان و بر دلهایی که اعتراف کردند بخدائی تو از روی حقیقت و بر خاطرها

حوت من العلم بك حتى صارت خاشعة وعلى جوارح سعت الى اوطان تعبدك طائعة و
که فرا گرفتند از دانش بتو تا گردید با خضوع و بر عضوها که سعی کردند بسوی محلهای عبادت خود از روی طوع و

اشارت باستغفارك مذعنة ما هكذا الظن بك ولا اخبرنا بفضلك عنك يا كريم يا رب
اشاره کردند بآمرزش تو از روی اعتقاد نیست چنین گمان بتو و خبر داده نشده ایم بفضل تو از تو ای بزرگوار ای پروردگار

وانت تعلم ضعفي عن قليل من بلاء الدنيا وعقوباتها وما يجري فيها من المكاره
و تو میدانی ناتوانی مرا از اندکی از بلای دنیا و عقوبت او و آنچه جاری شود در آن از بدیها

وقف: از امین ... حضرت ... علی بن موسی الرضا علیهما السلام
واقف: مرحوم آیة الله العظمی حاج سید عبد الباقی آیت اللهی شیرازی

عَلی اَهْلِها عَلی اَنَّ ذلِكَ بَلاءٌ وَمَكْرُوهٌ قَليلٌ مَكْثُهُ يَسيرٌ بَقاؤُهُ قَصيرٌ مُدَّتُهُ فَكَيْفَ احْتِمالي
بر اهل آن بر اینکه این بلا و ناخوشی اندکست ماندن آن و کمست جای آن کوتاهست مدت آن پس چگونه تاب آورم

لِبَلاءِ الْآخِرَةِ وَجَليلِ وُقُوعِ الْمَكارِهِ فيها وَهُوَ بَلاءٌ تَطُولُ مُدَّتُهُ وَيَدُومُ مَقامُهُ وَلا
بلای آخرت را و بزرگ و افتادن مکروهات در آن و او طولانیست مدت او و دایمست اقامت او و

يُخَفَّفُ عَنْ اَهْلِهِ لِاَنَّهُ لا يَكُونُ اِلّا عَنْ غَضَبِكَ وَانْتِقامِكَ وَسَخَطِكَ وَهذا ما لا تَقُومُ
سبک نمیشود از اهل آن بجهة آنکه نمیباشد مگر از غضب تو و انتقام تو و خشم تو و این چیزیست که برابر نه ایستد

لَهُ السَّمواتُ وَالْاَرْضُ يا سَيِّدي فَكَيْفَ بي وَاَنَا عَبْدُكَ الضَّعيفُ الذَّليلُ الْحَقيرُ الْمِسْكينُ
او را آسمانها و زمین ای سید من پس چگونه تاب آرم و منم بنده ناتوان خوار بیمقدار گدا

الْمُسْتَكينُ يا اِلهي وَرَبّي وَسَيِّدي وَمَوْلايَ لِاَيِّ الْاُمُورِ اِلَيْكَ اَشْكُو وَلِما مِنْها اَضِجُّ وَاَبْكي
شکسته ای خدای من و پروردگار من و سید من و مولای من برای کدام امور بسوی تو شکوه کنم و برای کدام از آنها گریه کنم

لِاَليمِ الْعَذابِ وَشِدَّتِهِ اَمْ لِطُولِ الْبَلاءِ وَمُدَّتِهِ فَلَئِنْ صَيَّرْتَني فِي الْعُقُوباتِ مَعَ اَعْدائِكَ وَجَمَعْتَ
بدردناکی عذاب و شدت او یا درازی بلا و مدت او پس هر آینه اگر بگردانی مرا در عقوبتها با دشمنان تو و فراهم آوری

بَيْني وَبَيْنَ اَهْلِ بَلائِكَ وَفَرَّقْتَ بَيْني وَبَيْنَ اَحِبّائِكَ وَاَوْلِيائِكَ فَهَبْني يا اِلهي وَسَيِّدي
میان من و اهل بلای تو و جدائی افکنی میان من و میان دوستان خود پس بخش ای خدای من و سید من

وَمَوْلايَ وَرَبّي صَبَرْتُ عَلی عَذابِكَ فَكَيْفَ اَصْبِرُ عَلی فِراقِكَ وَهَبْني صَبَرْتُ عَلی حَرِّ نارِكَ
و مولای من و پروردگار من صبر کردم بر عذاب تو پس چگونه صبر کنم بر فراق تو و بخش مرا صبر کردم بر گرمی آتش تو

فَكَيْفَ اَصْبِرُ عَنِ النَّظَرِ اِلی كَرامَتِكَ اَمْ كَيْفَ اَسْكُنُ فِي النّارِ وَرَجائي عَفْوُكَ فَبِعِزَّتِكَ يا سَيِّدي
پس چگونه صبر کنم از نظر کردن بسوی کرامت تو یا چگونه ساکن شوم در آتش و امید من عفوهست پس بعزت تو ای سید من

وَمَوْلايَ اُقْسِمُ صادِقاً لَئِنْ تَرَكْتَني ناطِقاً لَاَضِجَّنَّ اِلَيْكَ بَيْنَ اَهْلِها ضَجيجَ الْآمِلينَ وَلَاَصْرُخَنَّ
و مولای من قسم میخورم براستی هر آینه اگر واگذاری مرا سخن گو هر آینه بخروشم بسوی تو میان اهل آن خروش امیدواران و هر آینه ناله کنم

اِلَيْكَ صُراخَ الْمُسْتَصْرِخينَ وَلَاَبْكِيَنَّ عَلَيْكَ بُكاءَ الْفاقِدينَ وَلَاُنادِيَنَّكَ اَيْنَ كُنْتَ يا وَلِيَّ الْمُؤْمِنينَ
بسوی تو ناله استغاثه کنندگان و هر آینه بگریم بر تو گریستن آنکه دوست خود را گم کرده و هر آینه ندا کنم ترا کجا بودی ای دوست مؤمنان

يا غايَةَ آمالِ الْعارِفينَ يا غِياثَ الْمُسْتَغيثينَ يا حَبيبَ قُلُوبِ الصّادِقينَ وَيا اِلهَ الْعالَمينَ اَفَتُراكَ
ای نهایت آرزوی عارفان ای داد رس دادخواهان ای دوست دلهای راستگویان و ای خدای جهانیان آیا می بینی

سُبْحانَكَ يا اِلهي وَبِحَمْدِكَ تَسْمَعُ فيها صَوْتَ عَبْدٍ مُسْلِمٍ سُجِنَ فيها بِمُخالَفَتِهِ وَذاقَ طَعْمَ عَذابِها
تنزیه میکنم ترا ای خدای من و بحمد تو مشغولم که بشنوی در آن صدای بنده مسلمانی که در زندان باشد بمخالفت او و بچشیده مزه عذاب آنرا

بِمَعْصِيَتِهِ وَحُبِسَ بَيْنَ اَطْباقِها بِجُرْمِهِ وَجَريرَتِهِ وَهُوَ يَضِجُّ اِلَيْكَ ضَجيجَ مُؤَمِّلٍ لِرَحْمَتِكَ وَ
بنافرمانی او و محبوس باشد میان طبقات آن بجرم او و گناه او و او خروش کند بسوی تو خروش آنکه امیدوار رحمت او باشد و

يُناديكَ بِلِسانِ اَهْلِ تَوْحيدِكَ وَيَتَوَسَّلُ اِلَيْكَ بِرُبُوبِيَّتِكَ يا مَوْلايَ فَكَيْفَ يَبْقی فِي الْعَذابِ
ندا کند ترا بزبان اهل یگانه پرستی تو و توسل جوید بسوی تو به پروردگاری تو ای مولای من پس چگونه بماند در عذاب

وَهُوَ يَرْجُو ما سَلَفَ مِنْ حِلْمِكَ وَرَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ اَمْ كَيْفَ تُؤْلِمُهُ النّارُ وَهُوَ يَأْمُلُ فَضْلَكَ
و او امید دارد آنچه پیش گذشت از بردباری تو و مهربانی تو و رحمت تو یا چگونه درد آورد او را آتش و او امید دارد فضل ترا

وَرَحْمَتِكَ أَمْ كَيْفَ يُحْرِقُهُ لَهَبُهَا وَأَنْتَ تَسْمَعُ صَوْتَهُ وَتَرَى مَكَانَهُ أَمْ كَيْفَ يَشْتَمِلُ عَلَيْهِ زَفِيرُهَا
ورحمت ترا یا چگونه بسوزاند اورا زبانه آتش و تو بشنوی صدای اورا و می بینی جای اورا یا چگونه مشتمل شود براو زبانه او

وَأَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفَهُ أَمْ كَيْفَ يَتَغَلْغَلُ بَيْنَ أَطْبَاقِهَا وَأَنْتَ تَعْلَمُ صِدْقَهُ أَمْ كَيْفَ تَزْجُرُهُ زَبَانِيَتُهَا
و تو میدانی سستی اورا یا چگونه مضطرب شود میان طبقات او و تو میدانی راستی اورا یا چگونه زجر کند اورا زبانه او

وَهُوَ يُنَادِيكَ يَا رَبَّهُ أَمْ كَيْفَ يَرْجُو فَضْلَكَ فِي عِتْقِهِ مِنْهَا فَتَتْرُكُهُ فِيهَا هَيْهَاتَ مَا ذَلِكَ الظَّنُّ بِكَ
و او ندا کند ترا ای پروردگار یا چگونه امید دارد فضل ترا در آزاد کردن او از آن پس واگذاری او را در آن دور است نیست این گمان بتو

وَلَا الْمَعْرُوفُ مِنْ فَضْلِكَ وَلَا مُشْبِهٌ لِمَا عَامَلْتَ بِهِ الْمُوَحِّدِينَ مِنْ بِرِّكَ وَإِحْسَانِكَ فَبِالْيَقِينِ
و نه شناخته شده از فضل تو و نه شبیه است مر آنچه کردی با آن یگانه پرستان از نیکی و احسان تو پس یقین قطع دارم

أَقْطَعُ لَوْلَا مَا حَكَمْتَ بِهِ مِنْ تَعْذِيبِ جَاحِدِيكَ وَقَضَيْتَ بِهِ مِنْ إِخْلَادِ مُعَانِدِيكَ لَجَعَلْتَ
اگر از این که کردی باو از عذاب منکران خود را و حکم کردی باو که همیشه بداری بجهنم معاندین را هر آینه گردانیدی

النَّارَ كُلَّهَا بَرْدًا وَسَلَامًا وَمَا كَانَتْ لِأَحَدٍ فِيهَا مَقَرًّا وَلَا مُقَامًا لَكِنَّكَ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ
آتش را همه او سرد و سلامت و نبود مر احدیرا در آن قرارگاهی و نه اقامتی لیکن تو پاکیزه است نامهای تو

أَقْسَمْتَ أَنْ تَمْلَأَهَا مِنَ الْكَافِرِينَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ وَأَنْ تُخَلِّدَ فِيهَا الْمُعَانِدِينَ وَأَنْتَ
قسم که پر کنی جهنم را از کافران از پریان و از آدمیان همه و آنکه همیشه بداری در آن معاندان را و تو

جَلَّ ثَنَاؤُكَ قُلْتَ مُبْتَدِئًا وَتَطَوَّلْتَ بِالْإِنْعَامِ مُتَكَرِّمًا أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا
که بزرگست ثنای تو گفته ابتدا کننده و بخشش داده بنعمت دادن کرم کننده آیا پس باشد گرونده مانند آنکه باشد فرمان نبرنده

يَسْتَوُونَ إِلَهِي وَسَيِّدِي فَأَسْأَلُكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي قَدَّرْتَهَا وَبِالْقَضِيَّةِ الَّتِي حَتَمْتَهَا وَحَكَمْتَهَا وَغَلَبْتَ
یکسان نیستند ای خدای من و سید من پس میخواهم از تو بتوانائی که مقدر کرده آنرا و بحکمی که حتم کرده آنرا و حکم کرده اورا و غالب شده

مَنْ عَلَيْهِ أَجْرَيْتَهَا أَنْ تَهَبَ لِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَفِي هَذِهِ السَّاعَةِ كُلَّ جُرْمٍ أَجْرَمْتُهُ وَكُلَّ ذَنْبٍ
آنکه براو جاری کرده او اینکه ببخشی برای من در این شب و در همین ساعت هر گناهی که کسب کردم آنرا و هر گناهی که کردم

أَذْنَبْتُهُ وَكُلَّ قَبِيحٍ أَسْرَرْتُهُ وَكُلَّ جَهْلٍ عَمِلْتُهُ كَتَمْتُهُ أَوْ أَعْلَنْتُهُ أَخْفَيْتُهُ أَوْ أَظْهَرْتُهُ وَكُلَّ سَيِّئَةٍ
آنرا و هر قبیحی که پوشانیده ام آنرا و هر نادانی که کردم آنرا پوشانیده ام آنرا و آشکار کرده ام آنرا و پنهان کرده ام آنرا و هر بدیی که

أَمَرْتَ بِإِثْبَاتِهَا الْكِرَامَ الْكَاتِبِينَ الَّذِينَ وَكَّلْتَهُمْ بِحِفْظِ مَا يَكُونُ مِنِّي وَجَعَلْتَهُمْ شُهُودًا عَلَيَّ مَعَ
فرمان داده بنوشتن آن بزرگواری نویسندگان که موکل گردانید ایشان را بحفظ آنچه صادر میشود از من و گردانید ایشانرا گواه بر من با

جَوَارِحِي وَكُنْتَ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيَّ مِنْ وَرَائِهِمْ وَالشَّاهِدَ لِمَا خَفِيَ عَنْهُمْ وَبِرَحْمَتِكَ أَخْفَيْتَهُ وَ
جوارح من و باشی تو نگهبان بر من از پس ایشان و گواه مر آنچه پنهانست از ایشان و برحمت خود که پنهان داشتی آنرا و

بِفَضْلِكَ سَتَرْتَهُ وَأَنْ تُوَفِّرَ حَظِّي مِنْ كُلِّ خَيْرٍ تُنْزِلُهُ أَوْ إِحْسَانٍ تُفَضِّلُهُ أَوْ بِرٍّ تَنْشُرُهُ أَوْ رِزْقٍ
بفضل خود که پوشانیدی آنرا و اینکه وافر کنی بهره مرا از هر نیکی که فرستادی اورا یا احسانی که زیادتی دادی آنرا یا نیکی که پهن کردی اورا یا روزیی که

تَبْسُطُهُ أَوْ ذَنْبٍ تَغْفِرُهُ أَوْ خَطَإٍ تَسْتُرُهُ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَمَالِكَ رِقِّي يَا مَنْ
بگشائی آنرا یا گناهی که بیامرزی آنرا یا خطائی که بپوشانی آنرا ای پروردگار ای خدای من و سید من و مولای من و مالک من ای آنکه

بِيَدِهِ نَاصِيَتِي يَا عَلِيمًا بِضُرِّي وَمَسْكَنَتِي يَا خَبِيرًا بِفَقْرِي وَفَاقَتِي يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ
بدست اوست موی پیش سر من ای دانا به بدحالی و بیچارگی من ای دانا بفقر من و فاقه من ای پروردگار من میخواهم ترا بحق تو

وَقُدْسِكَ وَاَعْظَمِ صِفَاتِكَ وَاَسْمَائِكَ اَنْ تَجْعَلَ اَوْقَاتِی فِی اللَّیْلِ وَالنَّهَارِ بِذِکْرِكَ مَعْمُورَةً وَ
و پاکیزگی تو و بزرگترین صفات تو و نامهای تو اینکه بگردانی اوقات مرا در شب و روز بیاد تو آبادان و
بِخِدْمَتِكَ مَوْصُولَةً وَاَعْمَالِی عِنْدَكَ مَقْبُولَةً حَتّٰی تَکُونَ اَعْمَالِی وَاَوْرَادِی کُلُّهَا وِرْدًا وَاحِدًا
بخدمت تو پیوسته و کردار من نزد تو پذیرفته تا بوده باشد کردار من و وردهای من همه او یک ورد
وَحَالِی فِی خِدْمَتِكَ سَرْمَدًا یَا سَیِّدِی یَا مَنْ عَلَیْهِ مُعَوَّلِی یَا مَنْ اِلَیْهِ شَکَوْتُ اَحْوَالِی یَا رَبِّ یَا رَبِّ
و حال من در خدمت تو پیوسته ای آقای من ای آنکه براوست محل اعتماد من ای آنکه بسوی او شکایت کردم احوال خود را ای پروردگار
یَا رَبِّ قَوِّ عَلٰی خِدْمَتِكَ جَوَارِحِی وَاشْدُدْ عَلَی الْعَزِیمَةِ جَوَانِحِی وَهَبْ لِیَ الْجِدَّ فِی خَشْیَتِكَ وَالدَّوَامَ
ای پروردگار من توانا کن برخدمت خود جوارح مرا و سخت کن بر عزم بنده دل مرا و ببخش [illegible] در ترس تو و دوامت
فِی الْاِتِّصَالِ بِخِدْمَتِكَ حَتّٰی اَسْرَحَ اِلَیْكَ فِی مَیَادِینِ السَّابِقِینَ وَاُسْرِعَ اِلَیْكَ فِی الْمُبَادِرِینَ وَ
در پیوستگی بخدمت تو تا تند روم بسوی تو در میدانهای پیش روان و بشتابم بسوی تو در پیشی گیرندگان
اَشْتَاقَ اِلٰی قُرْبِكَ فِی الْمُشْتَاقِینَ وَاَدْنُوَ مِنْكَ دُنُوَّ الْمُخْلِصِینَ وَاَخَافَكَ مَخَافَةَ الْمُوقِنِینَ
و مشتاقم بسوی قربهای تو درمیان مشتاقان و نزدیک شوم از تو نزدیکی مخلصان و خوف از تو ترسان مراهل یقین
وَاَجْتَمِعَ فِی جِوَارِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِینَ اَللّٰهُمَّ وَمَنْ اَرَادَنِی بِسُوءٍ فَاَرِدْهُ وَمَنْ کَادَنِی فَکِدْهُ وَاجْعَلْنِی
و جمع شوم در همسایگی تو با گروندگان خداوندا و هرکه اراده کند مرا ببدی پس اراده کن او را و هرکه مکر کند او را مکر کن و بگردان مرا
مِنْ اَحْسَنِ عَبِیدِكَ نَصِیبًا عِنْدَكَ وَاَقْرَبِهِمْ مَنْزِلَةً مِنْكَ وَاَخَصِّهِمْ زُلْفَةً لَدَیْكَ فَاِنَّهُ لَا
از نیکوترین بندگان خود بهره نزد تو و نزدیکتر ایشان از راه قرب از تو و مخصوص‌تر ایشان منزلت نزد تو پس بدرستیکه نمیرسد
یُنَالُ ذٰلِكَ اِلَّا بِفَضْلِكَ وَجُدْ لِی بِجُودِكَ وَاعْطِفْ عَلَیَّ بِمَجْدِكَ وَاحْفَظْنِی بِرَحْمَتِكَ وَاجْعَلْ
بتو مگر بفضل تو و ببخش مرا بجود خود و مهربانی کن برمن ببزرگواری خود و نگاه دار مرا برحمت خود و بگردان
لِسَانِی بِذِکْرِكَ لَهِجًا وَقَلْبِی بِحُبِّكَ مُتَیَّمًا وَمُنَّ عَلَیَّ بِحُسْنِ اِجَابَتِكَ وَاَقِلْنِی عَثْرَتِی وَاغْفِرْ لِی زَلَّتِی
زبان مرا بیاد خود گویا و دل مرا بدوستی خود بیتاب و منت برمن بنیکی اجابت خود و درگذر از لغزش من و بیامرز گناه
فَاِنَّكَ قَضَیْتَ عَلٰی عِبَادِكَ بِعِبَادَتِكَ وَاَمَرْتَهُمْ بِدُعَائِكَ وَضَمِنْتَ لَهُمُ الْاِجَابَةَ فَاِلَیْكَ
پس بدرستیکه تو حکم کرده بر بندگان خود به پرستیدن تو و امر کردی ایشان را بخواندن خود و ضامن شده مرایشان را اجابت پس بسوی تو
یَا رَبِّ نَصَبْتُ وَجْهِی وَاِلَیْكَ یَا رَبِّ مَدَدْتُ یَدِی فَبِعِزَّتِكَ اسْتَجِبْ لِی دُعَائِی وَبَلِّغْنِی مُنَایَ وَلَا
ای پروردگار ایستاده‌ام رو بخود را و بسوی تو ای پروردگار کشیده‌ام دست خود را پس بعزت خود اجابت کن دعای مرا و برسان مرا بارزوی خود و
تَقْطَعْ مِنْ فَضْلِكَ رَجَائِی وَاکْفِنِی شَرَّ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ مِنْ اَعْدَائِی یَا سَرِیعَ الرِّضَا اِغْفِرْ لِمَنْ لَا
مبر از فضل خود امید مرا و دفع کن از من شر جن و انس را از دشمنان من ای خوشنود بازود بیامرز مر کسیرا که
یَمْلِكُ اِلَّا الدُّعَاءَ فَاِنَّكَ فَعَّالٌ لِمَا تَشَاءُ یَا مَنِ اسْمُهُ دَوَاءٌ وَذِکْرُهُ شِفَاءٌ وَطَاعَتُهُ غِنًی
مالک نیست چیزی مگر دعا پس زیرا کننده هرچه را خواهی ای آنکه نام او دواست و ذکر او شفاست و فرمانبرداری او بی‌نیازی
اِرْحَمْ مَنْ رَأْسُ مَالِهِ الرَّجَاءُ وَسِلَاحُهُ الْبُکَاءُ یَا سَابِغَ النِّعَمِ یَا دَافِعَ النِّقَمِ یَا نُورَ الْمُسْتَوْحِشِینَ فِی
رحم کن بر کسی که سرمایه او امید است و حربه او گریه است ای تمام کننده نعمت ای دفع کننده عذاب ای روشنی وحشت زدگان در
الظُّلَمِ یَا عَالِمًا لَا یُعَلَّمُ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِی مَا اَنْتَ اَهْلُهُ وَصَلَّی اللّٰهُ عَلٰی رَسُولِهِ
تاریکیها ای دانائی که نیاموخته از کسی درود فرست بر محمد و آل محمد و بکن با من آنچه تو سزاوار آنی و رحمت فرستد خدا بر پیغمبر خود

وَالْاَئِمَّةِ الْمَیٰامِینَ مِنْ اٰلِهِ وَسَلَّمَ تَسْلیماً کَثیراً فصل پنجم در بقیهٔ اعمال ماهست از حضرت
و پیشوایان با یمنت . از آل او و درود فرست درود بسیار . امام رضا علیه السّلم منقولست که هر که سه
روز از اخر ماه شعبانرا روزه بدارد و بماه مبارک رمضان وصل کند خدا ثواب روزهٔ دو ماه متوالی
برای او بنویسد و ابو الصلت هروی روایت کرده است که در جمعهٔ اخر ماه شعبان بخدمت حضرت
امام رضا رفتم حضرت فرمود ای ابو الصلت اکثر ماه شعبان رفت و این جمعهٔ اخر است پس تدارک و
تلافی کن انچه از این ماه مانده است تقصیرهائی را که در ایام گذشته این ماه کرده و بر تو باد که رو آوری بر
انچه نافع است برای تو در اخرت و دعا و استغفار بسیار بکن و تلاوت قران مجید بسیار بکن و توبه کن
بسوی خدا از گناهان خود تا انکه چون ماه مبارک درآید خالص کرده باشی خود را از برای خدا و مگذار
گناهی را که میکردهٔ مگر انکه ترک کنی و از خدا بترس و توکل کن بر خدا در پنهان و اشکار امور خود و هر که بر خدا
توکل کند خدا بس است او را و بسیار بگو اَللّٰهُمَّ اِنْ لَمْ تَكُنْ غَفَرْتَ لَنا فیما مَضیٰ مِنْ شَعْبانَ فَاغْفِرْ
خداوندا اگر نباشی امرزنده برایا در انچه گذشته از شعبان پس بیامرز
بخوان در بقیهٔ ماه اهند غارا
لَنا فیما بَقِیَ مِنْهُ بدرستیکه خدا در اینماه ازاد میکرداند بندهای بسیار از اتش جهنم برای حرمت ماه
برایا در انچه باقی مانده است ازان
ماه رمضان و بسند بسیار معتبر منقولست که حضرت صادق ع در شب اخر ماه شعبان و شب اول
ماه رمضان این اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذَا الشَّهْرَ الْمُبارَكَ الَّذی اُنْزِلَتْ فیهِ الْقُرْاٰنُ وَجُعِلَتْ هُدًی
دعا را میخواندند خداوندا اینماه مبارک که فرو فرستاده شد در ان قران را و گردانیده شد او را هدایت
لِلنّاسِ وَبَیِّناتٍ مِنَ الْهُدیٰ وَالْفُرْقانِ قَدْ حَضَرَ فَسَلِّمْنا فیهِ وَسَلِّمْهُ لَنا وَتَسَلَّمْهُ مِنّا
برای مردمان و معجزها از هدایت و جدا کننده بحقیق حاضر شده پس بدار ما را در او و سالم دار او را از ما و سالم دار او را برای ما
فی یُسْرٍ مِنْكَ وَعافِیَةٍ یا مَنْ اَخَذَ الْقَلیلَ وَشَكَرَ الْكَثیرَ اِقْبَلْ مِنِّی الْیَسیرَ اَللّٰهُمَّ اِنّی
در اسانی از تو و عافیت ای انکه فرا گرفتی اندکرا و جزا داده بسیار را بپذیر از من اندکرا خداوندا که
اَسْئَلُكَ اَنْ تَجْعَلَ لی اِلیٰ كُلِّ خَیْرٍ سَبیلًا وَمِنْ كُلِّ ما لا تُحِبُّ مانِعاً یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ یا مَنْ عَفا عَنّی
سؤال میکنم ترا اینکه بگردانی برای من بسوی هر نیکی راهی و از هر انچه دوست نداری بازدارنده ای بخشنده ترین بخشندگان ای انکه درگذشته
وَعَمّا خَلَوْتُ بِهِ مِنَ السَّیِّئاتِ یا مَنْ لَمْ یُؤاخِذْنی بِارْتِكابِ الْمَعاصی عَفْوَكَ عَفْوَكَ عَفْوَكَ
و از انچه خلوت کردم با او از بدیها ای انکه مواخذه نکند مرا بارتکاب معصیتها درگذر درگذر درگذر
یا كَریمُ اِلٰهی وَعَظْتَنی فَلَمْ اَتَّعِظْ وَزَجَرْتَنی عَنْ مَحارِمِكَ فَلَمْ اَنْزَجِرْ فَما عُذْری فَاعْفُ عَنّی
ای کریم ای خدا پند دادی مرا پس پند نگرفتم و منع کردی مرا از محرمات خود پس منع نشدم پس چیست عذر من پس درگذر از من
یا كَریمُ عَفْوَكَ عَفْوَكَ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ الرّاحَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَالْعَفْوَ عِنْدَ الْحِسابِ عَظُمَ
ای بزرگوار درگذر درگذر خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا راحت نزد مرگ و عفو نزد حساب بزرگست
الذَّنْبُ مِنْ عَبْدِكَ فَلْیَحْسُنِ الْعَفْوُ مِنْ عِنْدِكَ یا اَهْلَ التَّقْویٰ وَیا اَهْلَ الْمَغْفِرَةِ
گناه از بنده تو پس نیکو باشد عفو از نزد تو ای اهل پرهیزکاری و ای اهل امرزش
عَفْوَكَ عَفْوَكَ اَللّٰهُمَّ اِنّی عَبْدُكَ ابْنُ عَبْدِكَ ابْنُ اَمَتِكَ ضَعیفٌ فَقیرٌ اِلیٰ رَحْمَتِكَ وَاَنْتَ مُنْزِلُ
درگذر درگذر خداوندا بدرستیکه من بندهٔ توام پسر بندهٔ تو پسر کنیز تو ناتوان محتاجم بسوی رحمت تو و تو فرو اورنده

فصل پنجم در بقیهٔ اعمال ماه شعبان

وَالْبَرَكَةَ عَلَى الْعِبادِ قاهِرٌ مُقْتَدِرٌ اَحْصَيْتَ اَعْمالَهُمْ وَقَسَمْتَ اَرْزاقَهُمْ وَجَعَلْتَهُمْ مُخْتَلِفَةً
وبرکت بر بندگان غالب با اقتدار شمردی کردار ایشان را وقسمت نمودی روزیهای ایشان را وگردانیدی ایشان

اَلْسِنَتُهُمْ وَاَلْوانُهُمْ خَلْقاً مِنْ بَعْدِ خَلْقٍ لا يَعْلَمُ الْعِبادُ عِلْمَكَ وَلا يَقْدِرُ الْعِبادُ قَدْرَكَ
زبانهای ایشان ورنگهای ایشان آفریدنی پس از آفریدنی نمیدانند بندگان دانش ترا وتوانائی ندارند بندگان توانائی تو

وَكُلُّنا فُقَراءُ اِلى رَحْمَتِكَ فَلا تَصْرِفْ عَنّي وَجْهَكَ وَاجْعَلْني مِنْ صالِحِ خَلْقِكَ فِي الْعَمَلِ
وهمه ما محتاجیم بسوی رحمت تو پس مگردان از من روی خود را وبگردان مرا از شایسته خلق خود در کردار

وَالْاَمَلِ وَالْقَضاءِ وَالْقَدَرِ اِلهي اَبْقِني خَيْرَ الْبَقاءِ وَاَفْنِني خَيْرَ الْفَناءِ عَلى مُوالاةِ اَوْلِيائِكَ
وآرزو وقضا وقدر الهی باقی دار مرا بهترین بقا وفانی کن مرا بهترین فنا بر دوستی دوستان تو

وَمُعاداةِ اَعْدائِكَ وَالرَّغْبَةِ اِلَيْكَ وَالرَّهْبَةِ مِنْكَ وَالْخُشُوعِ وَالْوَفاءِ وَالتَّسْليمِ لَكَ
ودشمنی دشمنان تو ومیل کردن بسوی تو وترسیدن از تو وفروتنی ووفاء وتسلیم برای تو

وَالتَّصْديقِ بِكِتابِكَ وَاتِّباعِ سُنَّةِ رَسُولِكَ اَللّهُمَّ ما كانَ في قَلْبي مِنْ شَكٍّ اَوْ رِيبَةٍ
وباور داشتن کتاب تو وپیروی داشتن طریقه پیغمبر تو خداوندا آنچه باشد در دل من از شک یا شبهه

اَوْ جُحُودٍ اَوْ قُنُوطٍ اَوْ فَرَحٍ اَوْ بَذَخٍ اَوْ بَطَرٍ اَوْ خُيَلاءَ اَوْ رِياءٍ اَوْ سُمْعَةٍ اَوْ شِقاقٍ اَوْ نِفاقٍ
یا انکار یا نومیدی یا شادی یا سرکشی یا کبر یا ریاء یا سمعه یا بدبختی یا نفاق

اَوْ كُفْرٍ اَوْ فُسُوقٍ اَوْ عِصْيانٍ اَوْ عَظَمَةٍ اَوْ شَيْءٍ لا تُحِبُّ فَاَسْئَلُكَ يا رَبِّ اَنْ تُبَدِّلَني مَكانَهُ ايماناً
یا کفر یا فسق یا نافرمانی یا بزرگی یا چیزیکه دوست نداری پس درخواهم از تو ای پروردگار آنکه بدل کنی بجای او ایمان

بِوَعْدِكَ وَوَفاءً بِعَهْدِكَ وَرِضاً بِقَضائِكَ وَزُهْداً فِي الدُّنْيا وَرَغْبَةً فيما عِنْدَكَ
بوعده تو ووفا بعهد تو وخوشنودی بقضای تو وبیرغبتی در دنیا وخواهش آنچه در نزد تست

وَاَثَرَةً وَطُمَأْنينَةً وَتَوْبَةً نَصُوحاً اَسْئَلُكَ ذلِكَ يا رَبَّ الْعالَمينَ اِلهي اَنْتَ مِنْ حِلْمِكَ تُعْصى
واختیار کردن وآرام وتوبه نصوح درخواهم از تو این را ای پروردگار جهانیان الهی تو از بردباری خود عصیان کرده شوی

فَكَاَنَّكَ لَمْ تُرَ وَمِنْ كَرَمِكَ وَجُودِكَ تُطاعُ فَكَاَنَّكَ لَمْ تُعْصَ وَاَنَا وَمَنْ لَمْ يَعْصِكَ سُكّانُ اَرْضِكَ
پس گویا تو دیده نمیشوی واز کرم تو وجود تو اطاعت کرده شوی پس گویا تو نافرمانی کرده نشدی ومن وآنکه نافرمانی تو نکرده ساکنان زمین

فَكُنْ عَلَيْنا بِالْفَضْلِ جَواداً وَبِالْخَيْرِ عَوّاداً يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ وَصَلَّى اللّهُ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلوةً
پس باش بر ما ببخشش خود بخشنده وبنیکی بخشیده عود کننده ای رحیمتر رحیمان ورحمت خدا بر محمد وآل او رحمت

دائِمَةً لا تُحْصى وَلا تُعَدُّ وَلا يَقْدِرُ قَدْرَها غَيْرُكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ واما نمازهای مخصوصه که
همیشه که احصا نشود وشمرده نشود واندازه نکند اندازه آنرا غیر تو ای رحیمتر از رحیمان

باسانید معتبره وارد شده
وعلما ذکر کرده اند شب اول صد رکعت با حمد وتوحید یکمرتبه وبعد از فارغ شدن سوره حمد هفتاد مرتبه بخوانند وشب دویم پنجاه رکعت با حمد وتوحید ومعوذتین هر یک یکمرتبه شب سیم دو رکعت در هر رکعت حمد وبیست وپنج مرتبه توحید چهارم چهل رکعت در هر رکعت حمد وبیست وپنج مرتبه توحید پنجم دو رکعت در هر رکعت حمد وپانصد مرتبه سوره قل هو الله احد وبعد از فارغ شدن هفتاد مرتبه صلوات بر محمد وآل محمد ششم چهار رکعت در هر رکعت حمد وده مرتبه توحید هفتم دو رکعت در هر رکعت حمد وصد مرتبه توحید هشتم دو رکعت در رکعت اول حمد وآیه آمن الرسول تا آخر سوره وپانزده مرتبه توحید ودر دویم حمد وآیه قل انما

انا بشر مثلکم و پانزده مرتبه توحید نهم چهار رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه سورهٔ اذا جاء نصر الله
دهم چهار رکعت در هر رکعت حمد و ایة الکرسی یکمرتبه و سورهٔ انا اعطیناک الکوثر سه مرتبه یازدهم هشت
رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه قل یا ایها الکافرون دوازدهم دوازده رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه
سورهٔ الهیکم التکاثر سیزدهم دو رکعت در هر رکعت حمد یکمرتبه سورهٔ والتین چهاردهم چهار رکعت در
هر رکعت حمد و پنجمرتبه سورهٔ والعصر پانزدهم چهار رکعت در میان نماز شام و خفتن در هر رکعت حمد و ده مرتبه
توحید و بعد از نماز ده مرتبه یا رب اغفر لنا و ده مرتبه یا رب ارحمنا و ده مرتبه یا رب تب علینا و بیست و یکمرتبه
توحید و ده مرتبه سبحان الله الذی یحیی الموتی و یمیت الاحیاء و هو علی کل شیء قدیر شانزدهم دو رکعت
در هر رکعت حمد و یکمرتبه ایة الکرسی و پانزده مرتبه توحید هفدهم دو رکعت در هر رکعت حمد و هفتاد و یکمرتبه
توحید و بعد از نماز هفتاد مرتبه استغفار هجدهم ده رکعت در هر رکعت حمد و پنجمرتبه توحید نوزدهم دو رکعت
در هر رکعت حمد و ایهٔ قل اللهم مالک الملک بیستم چهار رکعت در هر رکعت حمد و پانزده مرتبه سوره اذا جاء نصر
الله بیست و یکم هشت رکعت در هر رکعت حمد و یکمرتبه توحید و معوذتین بیست و دوم دو رکعت در هر رکعت
حمد و یکمرتبه قل یا ایها الکافرون و پانزده مرتبه توحید بیست و سیم سی رکعت در هر رکعت حمد و یکمرتبه سورهٔ
اذا زلزلت بیست و چهارم دو رکعت در هر رکعت حمد و یکمرتبه سورهٔ اذا جاء نصر الله بیست و پنجم ده رکعت در هر رکعت
حمد و یکمرتبه الهیکم التکاثر بیست و ششم دو رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه ایهٔ امن الرسول بیست و هفتم دو رکعت
در هر رکعت حمد و ده مرتبه سبح اسم ربک الاعلی بیست و هشتم چهار رکعت در هر رکعت حمد و یکمرتبه توحید و
معوذتین بیست و نهم ده رکعت در هر رکعت حمد یکمرتبه و هر یک از سورهٔ الهیکم التکاثر و توحید و معوذتین ده مرتبه
شب سیم ام دو رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه سبح اسم ربک الاعلی و بعد از سلام صد مرتبه اللهم صل علی محمد و آل
محمد **باب سیم در بیان مجملی از فضایل و اعمال ماه مبارک رمضانست و در ان هشت فصل است فصل اول**
در بیان فضیلت این ماه مبارکست بدانکه ماه رمضان ماه خداوند عالمیانست و شریفترین ماههاست
چنانچه بسند معتبر از حضرت امام رضا روایت کرده اند که حضرت رسول در آخر ماه شعبان خطبه خواندند و فرمودند
و فرمودند که ایها الناس بدرستیکه رو کرده است بسوی شما ماه خدا با برکت و رحمت و آمرزش ماهیست که نزد خدا
بهترین ماههاست و روزهایش بهترین روزهاست و شبهایش بهترین شبهاست و ساعتهای آن بهترین ساعتها
است آن ماهیست که خوانده اند شما را در آن بسوی ضیافت خدا و گردیده اید در آن از اهل کرامت خدا نفسهای شما در آن
ثواب تسبیح دارد و خواب شما ثواب عبادت دارد و عملهای شما در آن مقبولست و دعای شما در آن مستجابست پس سؤال
کنید از پروردگار خود بنیتهای درست و دلهای پاکیزه از گناهان و صفاها از همه که توفیق دهد شما را برای روزه داشتن
و تلاوت کردن قرآن در آن بدرستیکه شقی و بدعاقبت کسیست که محروم گردد از آمرزش خدا در این ماه عظیم و یاد کنید
بگرسنگی و تشنگی شما در این ماه گرسنگی و تشنگی روز قیامت را و تصدق کنید بر فقیران و مسکینان خود و تعظیم
نمائید پیران خود را و رحم کنید کودکان خود را و نوازش نمائید خویشان خود را و نگاه دارید زبانهای خود را
از انچه نباید گفت و بپوشید دیدهای خود را از انچه حلال نیست شما را نظر کردن بسوی آن و باز دارید گوشهای
خود را از انچه حلال نیست شما را شنیدن آن و مهربانی کنید بیتیمان مردم تا مهربانی کنند بعد از شما بیتیمان شما را

در بیان فضیلت ماه رمضان

و بازگشت کنید بسوی خدا از گناهان خود و بلند کنید بسوی خدا دستهای خود را بدعا در اوقات نمازهای خود
زیرا که وقت نمازها بهترین ساعتها است و نظر میکند خدا در این اوقات بسوی بندگان برحمت و جواب میگوید
ایشان را هرگاه او را مناجات کنند و لبیک میگوید ایشان را هرگاه او را ندا کنند و مستجاب میگرداند هرگاه او را دعا
کنند ای گروه مردمان بدرستیکه جانهای شما در گرو کردههای شما است پس آزاد کنید آنها را بطلب آمرزش از خدا
و پشتهای شما گرانبار است از گناهان شما پس سبک کنید آنها را بطول دادن سجدهها و بدانید که خدا سوگند یاد
کرده است بعزت خود که عذاب نکند نماز کنندگان و سجده کنندگان را و نترساند ایشان را باتش جهنم در روز
قیامت ایها الناس هر که افطار نماید روزه دار مؤمنی را در اینماه از برای او خواهد بود نزد خدا ثواب بنده آزاد
کردن و آمرزش گناهان گذشته پس بعضی از اصحاب گفتند یا رسول الله همه ما قدرت بر این نداریم حضرت فرمود
که بپرهیزید از آتش جهنم بافطار فرمودن روزه داران اگر چه بنصف دانه خرما باشد و اگر چه بیک شربت آبی باشد
بدرستیکه خدا این ثواب را میدهد کسیرا که چنین کند اگر قادر بر زیاده از این نباشد ایها الناس هر که خلق خود را
در اینماه نیکو گرداند بر صراط بگذرد در روزیکه قدمها بر آن لغزد و هر که سبک گرداند در اینماه خدمت کنیز و غلام
خود را خدا در قیامت حساب او را آسان گرداند و هر که در اینماه شر خود را از مردم باز دارد خدا غضب خود را در
قیامت از او باز دارد و هر که در اینماه یتیم بی پدر را گرامی دارد خدا او را در قیامت گرامی دارد و هر که در اینماه صله
و احسان کند بخویشان خود خدا او را وصل کند برحمت خود در قیامت و هر که در اینماه قطع احسان خود را از خویشان
خود بکند خدا قطع رحمت خود را از او بکند در قیامت و هر که نماز سنتی در اینماه بکند خدا برات بیزاری از آتش جهنم
برای او بنویسد و هر که در اینماه نماز واجبی ادا کند خدا عطا کند باو ثواب هفتاد نماز واجب که در ماههای دیگر کرده
شود و هر که در اینماه بسیار صلوات بر من و آل من فرستد خدا سنگین گرداند ترازوی عمل او را در روزیکه ترازوهای
اعمال سبک باشد و کسیکه یک آیه از قرآن در اینماه بخواند ثواب کسی را دارد که در ماههای دیگر ختم قرآن کرده باشد ایها
الناس بدرستیکه درهای بهشت در اینماه گشاده است پس سؤال کنید از پروردگار خود که بر روی شما نبندد و درهای
جهنم در اینماه بسته است از خدا سؤال کنید که بر شما نگشاید و شیاطین را در اینماه غل میکنند پس سؤال کنید از
خدا که هرگز بر شما مسلط نگرداند و ایضاً از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که در ماه رمضان خطبه خواندند و
فرمودند ایها الناس اینماهیست که خدا از سایر ماهها فضیلت و زیادتی داده است مانند فضیلت ما اهل
بیت بر سایر مردم و در اینماه گشاده میشود درهای آسمان و درهای بهشت و درهای رحمت و بسته میشود درهای جهنم
و در اینماه شنیده میشود نداهای مؤمنان و مستجاب میشود دعاهای ایشان و رحم میکند گریههای ایشان را و در اینماه شبی
هست که در آن شب ملائکه از آسمان بزمین میآیند و سلام میکنند بر مردان و زنان روزه دار برخصت پروردگار
خود تا طلوع صبح و آنشب قدر است که خدا مقدر کرده است که در آنشب ولایت و امامت مرا پیش از آنکه آدم را خلق
کند بدو هزار سال عبادت آنشب بهتر است از عبادت هزار ماه و روزه روزش بهتر است از روزه هزار ماه ایها
الناس بدرستیکه آفتابهای ماه رمضان و ماههای آن طالع میشوند بر مردان و زنان روزه دار برحمت و این
ماه شما مانند ماههای دیگر نیست و روزهایش بهترین روزها است و شبهایش بهترین شبها است و دیوان
و شیاطین در اینماه غل کرده اند و زیاد میکند خدا در اینماه روزیها و عمرها را و مینویسد و مقدر میکند

در اینماه حاجیان بیت الله را و در اینماه خدا رو میکند بسوی اهل ایمان بامرزش و فیروزی و رحمت و روزی
و خوشنودی خداوند جزا دهنده ای روزه دار پس نیک بنگر بکار خود بکن سعی بکن که در اینماه مهمان پروردگار خودی نظر
کن و تامل نما که چگونه خواهی بود در شب خود و در روز خود و چگونه نگاه میداری اعضا و جوارح خود را
از معصیتهای پروردگار خود پس نظر کن که شبها در خواب نباشی و روزها غافل از یاد خدا نباشی پس بیرون رود
ماه و گناهان تو باقی مانده باشد پس در هنگامیکه روزه داران مزدهای خود را بگیرند تو از جمله زیانکاران باشی
و در وقتیکه بکرامت عطای خود فایز گردند تو از جمله محرومان باشی و در روزیکه سعادتمند گردند بمجاورت دوستان
پروردگار خود تو از جمله رانده شدگان باشی ای روزه دار اگر ترا آقای تو از درگاه خود بر گرداند بکدام درگاه رو
خواهی آورد و اگر محروم گرداند ترا پروردگار تو که روزی خواهد داد ترا و اگر او ترا خوار کند که ترا گرامی خواهد داشت
و اگر او ترا ذلیل گرداند که ترا عزیز خواهد کرد و اگر او ترا واگذارد کی ترا یاری خواهد کرد و اگر او ترا از بندگان خود قبول
نکند بنده کدام خداوند را اختیار میکنی و اگر در لغزشها و گناهان ترا نیامرزد امید بکی خواهد داشت برای
امرزش گناهان خود و اگر حق خود را که بر تو واجب گردانیده از تو طلب نماید چه جواب در برابر خواهی گفت ای روزه دار
تقرب بجوی بسوی خدا بتلاوت کردن کتاب خدا در شبها و روزهای اینماه زیرا که کتاب خدا شفاعت کننده ایست
که شفاعت او را قبول میکنند و در قیامت شفاعت میکند برای آنها که تلاوتش کرده اند پس بالا میروند بدرجات
بهشت بقدر تلاوت آیات قرآن ای روزه دار بشارت باد ترا که هر نفسی که در اینماه میکشی ثواب تسبیحی در نامه
عمل تو مینویسند و خواب تو در اینماه عبادتست و طاعت تو در اینماه مقبولست و گناهان تو در اینماه آمرزیده
است و آوازهای تو بدعا در اینماه شنیده شده است بمناجات و زاریکه با خدا میکوئی بر تو رحم میکند بدرستیکه
شنیدم از حبیب خود حضرت رسول صلعم که خداوند عالمیان آزاد در هر شب از شبهای ماه مبارک رمضان آزاد
کرده هاست از آتش جهنم که عدد آنها را کسی بغیر از خدا نمیداند چون شب آخر میشود در آنشب بمقدار همه آنچه
در جمیع ماه آمرزیده است و ایضا فرمود که هر که ماه رمضان را روزه بدارد و نفس خود را از چیزهائیکه خدا حرام کرده است
نگاه دارد بهشت البته او را واجب گردد و هر که در اینماه روزه دارد و در هیچ شب از شبهای آن بر حرام افطار نکند البته
داخل بهشت شود پس حضرت امیر فرمود که شنیدم از سید انبیا که فرمود بهترین اوصیای پیغمبران در بهترین ماهها
شهید خواهد شد گفتم بهترین ماهها کدام است و بهترین اوصیا کیست فرمود بهترین ماهها ماه رمضانست و
بهترین اوصیا توئی یا علی گفتم یا رسول الله این البته واقع خواهد شد فرمود بلی بحق پروردگارم بدرستیکه بر انگیخته
میشود بدبخت ترین امت من جفت پی کننده ناقه صالح و ضربتی بر سر تو خواهد زد که ریش تو از خون سرت خضاب شود
پس مردم شروع بگریه و فغان کردند و حضرت از منبر پایین آمدند و ایضا از حضرت رسول صلعم منقولست بسندهای معتبر که
فرمود ایها الناس هر که وارد شود بر او ماه رمضان پس روزه دارد روزها را و بایستد بنماز و عبادت قدری از
شب او و نمازهای آن را در اوقات فضیلت بجا آورد و مبادرت کند بنماز جمعه آن و بامداد بنماز عید آن حاضر شود
پس دریافته خواهد بود ثواب شب قدر را و فایز میگردد بجایزها و بخششهای خدا مانند بخششهای آن بندگان نیست
فصل دویم در بیان حقیقت روزه است و آنچه در آن معتبر است بدانکه روزه باز داشتن خود است از چند چیزی
که روزه میشکند از طلوع صبح تا برطرف شدن سرخی از جانب مشرق بنابر مشهور و یا پنهان شدن قرص آفتاب یعنی بر

طرف شدن شعاع آن از کوهها و عمارات مرتفعه و قول اول احوط است با نیت قربت پس باید که بداند چه چیزها را نباید
تواند کرد و چون میان علما اختلاف بسیار هست در آنها اگر قصد کند ترک همه را از برای رضای خدا ظاهرا کافی
باشد اما بهتر اینست که آنچه متیقن باشد وجوب ترک آنها قصد کند ترک آنها را بعنوان وجوب و آنچه خلافی باشد قصد
ترک آنها کند احتیاطا و آنچه سبب عذر مکروه باشد قصد ترک آنها کند مستحبا و اگر قصد ترک جمیع محرمات را
ضم کند بهتر است و اما آنها که واجب است ترک آنها کردن اول و دوم چیزی خوردن و چیزی آشامیدن است خواه چیز کم
خوردن و آشامیدنی آن متعارف و معتاد باشد یا نه خلافی نیست که مبطل صوم است و موجب قضا و کفاره هر دو
میشود اگر بعنوان معتاد بخورد و اگر بغیر معتاد باشد مانند آنکه در دماغ یا گوش بچکاند چیزی را و بحلق داخل شود
محل خلاف است و همچنین خلاف است در خوردن و آشامیدن چیزی چند که معتاد مردم نباشد خوردن و آشامیدن
مانند سنگ و چوب و خاک و گیاهها و آب فشرده شده از گیاههای غیر معتاد و اظهر اینست که اگر بعنوان معتاد باشد
اجتناب از آن واجب است و احوط اینست که اگر بکند قضا و کفاره بعمل آورد سیم جماع کردن در قبل زن است مطلقا
خواه انزال بشود و خواه نه و فعل آن موجب قضا و کفاره میشود بی‌خلاف و جماع در دبر زن هرگاه انزال شود
روزه را باطل میکند و قضا و کفاره لازم میشود و مشهور اینست که جماع در دبر بدون انزال نیز مبطل صوم
و موجب قضا و کفاره است و بعضی مبطل نمیدانند و اول اقوی است چهارم باقی ماندن بر جنابت است تا صبح
و اشهر و اقوی اینست که مبطل است و موجب قضا و کفاره است و بعضی مبطل نمیدانند و بعضی قضا تنها
واجب میدانند و احوط اینست که اگر زن حایض پاک شود پیش از صبح غسل بکند و اگر نکند احوط اینست که غسل
کند بعد از صبح و آن روز را روزه بدارد و قضا نیز بکند و اگر جنب را غسل متعذر باشد احوط اینست که تیمم بکند و تیمم را
نشکند تا صبح بشود و خواب اول بعد از جنابت در حالیکه نیت غسل کردن داشته باشد و احتمال بیدار شدن
دهد جایز است و مشهور اینست که اگر تا صبح بیدار نشود قضا از وی بر او واجب نیست و بعضی واجب دانسته اند و آن
احوط است و مشهور اینست که اگر بخوابد تا صبح و نیت غسل نداشته باشد بر او قضا و کفاره لازم است و این
احوط است اگرچه دلیلش سخنی هست و مشهور در خواب دویم وجوب قضا است و این قول قوی است بلکه خلافی در
آن ظاهر نیست و جمعی از اصحاب را اعتقاد اینست که در خواب سیم جنب هرگاه بصبح رسد قضا و کفاره هر دو واجب است
و اقوی عدم وجوب کفاره است و بعضی از متاخرین را اعتقاد اینست که خواب بعد از بیدار شدن از احتلام حکم
خواب دویم دارد چنانچه والد مرحوم فقیر اختیار نموده و این احوط است بلکه خالی از قوتی نیست و بدانکه
در روزهای دیگر غیر از ماه مبارک رمضان نیز خلاف است که آیا باید صبح را پاک دریابد یا نه و حق اینست که
در قضای ماه رمضان میباید صبح جنب نباشد و در غیر قضا احوط اینست که اگر صبح طاهر نباشد و واجب معین
نباشد آن روز را روزه ندارد و اگر معین باشد آن روز را روزه بدارد و قضا نیز بکند اما اگر عمدا کرده باشد
نیست که کفاره در کار نباشد و اگر بدهد احوط است و در روزه سنت اگر بر جنابت عمدا بماند تا صبح و پیش از
زوال غسل کند و نیت روزه بکند بگمان فقیر روزه اش صحیح است و در واجب معین اگر عمدا نیت را ترک کند و
پیش از زوال نیت کند مشهور اینست که روزه اش باطل است و میباید قضا کند و کفاره واجب نمیشود و اگر از روی
فراموشی نیت را ترک کند تا زوال نیت میتواند کرد و در واجب غیر معین تا زوال نیت میتواند کرد اگرچه قضای ما

رمضان

ماه رمضان باشد و در روزهٔ سنّت خلافی نیست که اگر در شب نیّت نکرده باشد و مفطری بعمل نیاورده
باشد تا اول زوال نیّت میتواند کرد و بعد از زوال خلافست و بعضی گفته‌اند تا نزدیک بشام نیّت میتواند کرد
و جمعی از محققین علما باین قایلند و نزد فقیر اقوی نیست و بعضی گفته‌اند بعد از زوال نیّت میتواند کرد و بعضی
گفته‌اند که اگر پیش از زوال نیّت کند ثواب روزه تمام روز را مییابد و اگر بعد از زوال نیّت کند ثواب روزه بعد از
نیّت تا شام را مییابد پنجم رسانیدن غبار غلیظ است بحلق و بعضی انرا موجب قضا و کفاره میدانند و بعضی
قضای تنها و بگمان فقیر مبطل نیست و احوط رعایت مشهور است و بعضی از متاخرین ملحق ساخته‌اند بغبار
غلیظ دود غلیظ و بخار غلیظ را که از ان اجزا منفصل شود چون دود تنور و بخار دیگ و اظهر عدم بطلانست
و احوط اجتنابست حتی از دود تنباکو ششم استمناست یعنی طلب نزول منی کردن با حصول ان موجب قضا
و کفاره است و مشهور انستکه هرگاه ملامسه و ملاعبه کند و انزال شود روزه او باطل میشود قضا و کفاره
لازم است و بعضی در این تامّل نموده‌اند خصوصا و قتیکه نسبت بحلال خود باشد و عادت او انزال نباشد
و احوط بلکه اقوی وجوب قضا و کفاره است مطلقا و در نظر کردن بر زن حلال یا حرام یا صدای او را
شنیدن یا بخیال خود گذرانیدن هرگاه باعث امدن منی شود و قصد انزال نداشته باشد و بان معتاد نباشد
خلافست و اظهر عدم وجوب قضا و کفاره است هفتم فی کردنست عمدا و اکثر موجب قضای تنها میدانند
و بعضی قضا و کفاره هر دو را واجب میدانند و بعضی هیچیک را واجب نمیدانند و مسئله مشکل است و وجوب
قضای تنها خالی از قوتی نیست و مشهور انستکه هرگاه فی بی اختیار اید بر او قضائی نیست و بعضی قضا را
واجب دانسته‌اند و این قول ضعیف است هشتم حقنه است و بعضی موجب قضا و کفاره هر دو دانسته‌اند و بعضی
موجب قضای تنها و بعضی حرام دانسته‌اند و موجب هیچیک ندانسته‌اند و بعضی حقنه مایع را موجب قضا
دانسته‌اند و حقنه جامد را مانند شیاف مکروه دانسته‌اند و بعضی مطلقا مکروه دانسته‌اند و این قول
اقوی نیست و احوط انستکه بدون ضرورت حقنه بمایع نکند و اگر بکند قضا بکند و اشهر و اقوی انستکه
چکانیدن دوا در گوش موجب فساد صوم نمیشود و صعوط در بینی هرگاه تعدی بحلق نکند ایضا اقوی انستکه
جایز است و بعضی موجب قضا و کفاره دانسته‌اند و اگر بحلق رسد احوط اجتنابست نهم دروغ گفتن بر خدا
و رسول و ائمهٔ هدی صلوات الله علیهم است بانکه حدیث دروغی نقل کند یا مسئله خلاف واقعی بگوید بلکه کسیکه
اهلیت مسئله گفتن نداشته باشد مسئله بگوید در حرمت ان شکی نیست و بعضی در روزه موجب قضا و
کفاره میدانند و بعضی میگویند موجب فساد صوم نمیشود و خالی از قوتی نیست و احوط انستکه اگر بکند
قضا کند و کفاره بدهد دهم سر فرو بردن در ابست و جمعی انرا موجب قضا و کفاره میدانند و بعضی موجب
قضای تنها میدانند و بعضی حرام میدانند و موجب هیچیک نمیدانند و بعضی مکروه میدانند و اظهر حرمتست
و عدم وجوب قضا و کفاره و بعضی گفته‌اند که اگر سر را باب فرو برد بالتمام تا گردن و بدن بیرون اب باشد باز
حکم ارتماس دارد و این احوط است و بعضی گفته‌اند که اگر فرو برد منافذ سر را دفعة هر چند منابت مو بیرون
باشد باز حکم ارتماس دارد و این احوط است و احوط انستکه در روزه سنّت نیز سر را باب فرو نبرد و بعضی
تجویز کرده‌اند و احوط ترکست یازدهم بلغمی که از سینه براید یا از دماغ فرود اید در فرو بردن ان علما را سه قول است

اوّل جواز ابتلاع آنچه بیرون می‌آید از سینه مادام که از دهن منفصل نشود و علاج جواز آن قسم دیگر دوّم جواز
ابتلاع هر دو قسم مادام که بدهن نرسد و تحریم ابتلاع هر دو هرگاه بدهن برسد سیم جواز کشیدن از سینه و سر
و جواز فرو بردن مادام که از دهن جدا نشود و جمعی که حکم بفساد کرده‌اند بعضی بقضای تنها قایل شده‌اند و بعضی
کفاره را نیز واجب میدانند و بعضی بکفاره جمع قایل شده‌اند و گمان فقیر اینست که هیچیک لازم نباشد اما
احتیاط آنست که بعد از آنکه بفضای دهن برسد فرو نبرد و از دهم مشهور میان علما آنست که مکروه
است زن روزه دار در میان آب بنشیند و بعضی گفته‌اند هرگاه تا کمر در آب بنشیند قضا بر او لازم است
و بعضی کفاره را نیز لازم دانسته‌اند و اوّل اظهر است و در خواباندن قند زان و مصطکی که آبش را فرو برد بعضی
حرام دانسته‌اند و بعضی موجب قضا دانسته‌اند و اظهر جواز است و مشهور میان علما آنست که اگر کسی گمان داشته
باشد که شب باقیست بلکه اگر شک هم داشته باشد جایز است خوردن و آشامیدن تا صبح مشخص شود و اگر معلوم
شود که صبح بوده است آن وقت که خورده یا آشامیده اگر ملاحظه کرده باشد و خورده باشد قضا واجب نیست
و اگر ملاحظه نکرده و خورده باشد قضا واجبست و کفاره واجب نیست و اگر کسی مضمضه کند جهت وضوی
نماز واجب و آب بی اختیار بحلق او در رود قضا بر او واجب نیست و اگر از جهت نماز نافله باشد بعضی گفته‌اند قضا
بر او واجبست و اگر عبث مضمضه کند و آب بحلقش برود جمعی قضا را واجب دانسته‌اند و این احوط است و اظهر
عدم وجوبست مطلقا و در روایتی وارد شده است که بعد از مضمضه سه مرتبه آب دهن را بیندازد و این
احوط است فصل سیم در سنتها و آداب روزه است مکروه است روزه دار را بوسیدن زنان و دست بدن
ایشان مالیدن و دست بازی کردن با ایشان و اقرب اینست که کراهیت مخصوص بصورتیست که اینها محرک شهوت او
باشند و خوف وقوع در جماع داشته باشد و مکروه است بچشم کشیدن چیزی که او را طعمی باشد که بحلق برسد یا در آن مشکی
باشد و مشهور کراهیت خون بیرون آوردن است از بدن که باعث ضعف شود و در حجامت احتیاط بیشتر باید کرد
و همچنین داخل شدن حمام که مضعف باشد و مکروه است بوییدن گلها خصوصا نرجس و بهتر اینست که مشک را هم نبوید
و سایر بوهای خوش مکروه نیست بلکه سنت است و از حضرت صادق منقولست که طیب تحفهٔ صایم است فرمود
که هر روزه دار که در اوّل روز خود را خوشبو کند عقلش زایل نشود و اشهر و اقوی اینست که بوییدن رایحهٔ غلیظه
مفطر نیست و بعضی گفته‌اند بوییدن رایحهٔ غلیظه که بجوف برسد موجب قضا و کفاره میشود و احوط آنست که بوی
خوش را باید که بدماغ بالا نبرد بنوعی که چنانچه در روایتی وارد شده است و مکروه است که صایم جامه که ملاصق
بدنست تر کند و مکروه است زن صایمه را که در آب نشیند چنانچه گذشت و از حضرت صادق منقولست که هرگاه
روزه داری میباید که روزه باشد گوش تو و چشم تو و جمیع اعضای تو یعنی از محرمات بلکه از مکروهات و فرمود که
نباید روز روزهٔ تو مانند روز افطار تو بوده باشد و ایضا از آنحضرت منقولست که فرمود روزه نه همین خوردن و آشامیدن است
بلکه باید که در روزه زنان نگاه دارید زبان خود را از دروغ و بپوشانید دیدهای خود را از حرام و با یکدیگر نزاع
نکنید و حسد مبرید و غیبت مکنید و مجادله مکنید و سوگند دروغ مخورید بلکه سوگند راست نیز مخورید و دشنام
مدهید و فحش مگویید و ستم مکنید و بیجزعی مکنید و دلتنگ مشوید و غافل مشوید از یاد خدا و از نماز و خاموش
باشید از آنچه نباید گفت و صبر کنید و راستگو باشید و دوری کنید از اهل شر و اجتناب کنید از گفتار بد و دروغ و افترا

وحسد و منازعه کردن با مردم و گمان بد بردن و غیبت کردن و سخن چینی کردن و خود را مشرف بر آخرت بکردانید و منتظر
فرج و ظهور قائم آل محمد ع باشید و آرزومند ثوابهای آخرت باشید و توشه اعمال الصالحه برای سفر آخرت بردارید و بر شما
باد بآرام دل و آرام تن و خضوع و خشوع و شکستگی و مذلت مانند بنده که از آقای خود ترسد ترسان باشید
از عذاب خدا و امیدوار باشید رحمت او را و باید که پاک باشد ای روزه دار دل تو از عیبها و باطن تو از حیلها
و مکرها و پاکیزه باشد بدن تو از کثافتها و بیزاری بجوئید بسوی خدا از آنچه غیر اوست و در روزه و ماه خود را
خالص گردانی از برای خدا و خاموش باشی از آنچه خدا نهی کرده است ترا از آن در آشکار و پنهان و بترسید از
خداوند قهار آنچه سزاوار ترسیدن اوست در پنهان و آشکار و ببخشی روح و بدن خود را بخدای عز و جل در
ایام روزه خود و فارغ گردانی دل خود را از برای محبت او و یاد او و بدن خود را بکار فرمائی در آنچه خدا ترا
امر کرده است بان و چون همه اینها را بعمل آوری آنچه سزاوار روزه داشتن است بعمل آورده و فرموده خدا را اطاعت
کرده و آنچه کم کنی از آنچه بیان کردم از برای تو بقدر آن از روزه تو کم میشود از فضل آن و ثواب آن بسند معتبر
از پدرم گفت که رسول خدا ص شنید که زنی در روز نجاریه خود را دشنام داد حضرت طعامی طلبید و آن زن را گفت
بخور زن گفت من روزه ام حضرت فرمود چگونه روزه ای و حال آنکه جاریه خود را دشنام دادی روزه از خوردن و آشامیدن
تنها نیست بلکه خدا روزه را حجابی کرده است از سایر امور قبیحه از گفتار بد و کردار بد چه بسیار کمند
روزه داران و بسیارند گرسنگی کشندگان و حضرت امیرالمؤمنین ع فرمود چه بسیار روزه داری که بهره نیست او را
از روزه مگر گرسنگی و تشنگی و چه بسیار عبادت کننده که نیست او را بهره از عبادت بغیر تعب خوشا خواب زیرکان
که بهتر است از بیداری و عبادت احمقان و خوشا افطار کردن زیرکان که بهتر از روزه داشتن بیخردانست زیرا که
خواب مقربان چون بنیت صحیح و قلب طاهر واقع میشود از جمله عبادات ایشانست بلکه ارواح ایشان در عالم قدس
با ارواح انبیا و اوصیا و خلص مؤمنان محشور میگردند و بر اسرار غیب بر رؤیای صادقه مطلع میگردند و روزها
از راهها قرب ایشانست و افطار خردمندان چون از راه دانائیست و بوجهیکه خدا خواسته افطار مینمایند بهتر است
از روزهای احمقان که روزه را دستگاه خود فروشی خود کرده اند و بریا و عجب ممزوج میگردانند و بشرایط صوم عمل
نمیکنند فصل چهارم در بیان آداب دخول ماه مبارک رمضانست سنتست طلب هلال ماه رمضان و بعضی
واجب دانسته اند و از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که چون هلال ماه رمضان را دیدی اشاره بسوی هلال مکن و رو بقبله
بکن و دستها را بسوی خدا بلند کن و بگو ربی و ربک الله رب العالمین اللهم اهله علینا بالامن والایمان والسلامة
کن و خطاب کن بماه و بگو پروردگار من و پروردگار تو خداست پروردگار عالمیان خداوندا طالع گردان او را بر ما با ایمنی و ایمان و سلامتی
والاسلام والمسارعة الی ما تحب و ترضی اللهم بارک لنا فی شهرنا هذا وارزقنا خیره
و اسلام و شتافتن بسوی آنچه دوست داری و پسندی خداوندا برکت ده برای ما در این ماه و روزی ده ما را نیکی آن
وعونه واصرف عنا ضره وشره وبلاءه وفتنته و بهترین دعاها دعای اهل البیت ع صحیفه کامله است
و مدد آن و بگردان از ما ضرر او و بدی او و بلای او و آشوب او و ابن ابی عقیل این دعا را در وقت رؤیت هلال
ماه مبارک رمضان الحمد لله الذی خلقنی و خلقک و قدر منازلک و جعلک مواقیت للناس
واجب دانسته است ستایش مر خدایرا که آفرید مرا و آفرید ترا و اندازه کرد منزلهای ترا و گردانید ترا نشانه وقتها برای مردمان
اللهم اهله علینا اهلالا مبارکا اللهم ادخله علینا بالسلامة والاسلام والیقین
خداوندا طالع گردان برما و طلوع کردنی با برکت خداوندا داخل گردان بر ما او را با سلامتی و اسلام و یقین

وَالْاِیمانِ وَالْبِرِّ وَالتَّقْوٰی وَالتَّوْفیقِ لِما تُحِبُّ وَتَرْضٰی و در شب اوّل ماه جماع با حلال خود سنّت
و ایمان و نیکی و پرهیزکاری و توفیق مر آنچه دوست میداری و بپسندی و غسل در شب اوّل استحبابست و از حضرت
صادق ع منقولست که هر که غسل کند در شب اوّل ماه رمضان در نهر جاری و سی کف آب بر سر بریزد با طهارت معنوی
باشد تا ماه رمضان آینده و در حدیث دیگر فرمود که هر که در شب اوّل ماه رمضان غسل کند خارش بدن در
آن سال باو نرسد و ایضاً منقولست که چون ماه رمضان داخل میشد حضرت صادق ع فرزندان خود را وصیّت
میفرمود که اهتمام نمائید و سعی کنید در این ماه در عبادت که در این ماه روزیها قسمت میشود و اجلها و عمرها نوشته
میشود و حاجیان در این ماه مقدّر میشوند که بحج بروند و در این ماه شبی هست که بهتر است از هزار ماه و از حضرت امیر
المؤمنین ع منقولست که بر شما باد در ماه رمضان باستغفار و دعا بدرستیکه دعا دفع میکند بلا را از شما و استغفار
محو میکند گناهان شما را و زیارت امام حسین ع در شب اوّل ماه سنّتست و از حضرت صادق ع منقولست که
هر که در شب اوّل ماه رمضان یا شب میان یا شب آخر آنحضرت را زیارت کند گناهان او بریزد مانند برگ از درختان و از
گناهان بیرون آید مانند روزیکه از مادر متولّد شده است و ثواب حج و عمره خدا او را عطا کند و ایضاً از آنحضرت
منقولست که هر که در هر شب این ماه سوره انّا فتحنا را در نماز نافله بخواند در آن سال از بلاها محفوظ گردد و بروایت دیگر از آنحضرت
منقولست که هر که در شب اوّل ماه مبارک رمضان دو رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت بعد از حمد سوره انعام را
خواند و سؤال کند که خدا او را کفایت شر و دفع بلا کند خدا او را کفایت کند از آنچه میترسد از بیماریها و دردها و نماز را
نشسته میتوان کرد و سوره را از روی قرآن میتوان خواند و اگر در شب اوّل ماه نیّت روزه تمام ماه را بکند با هر شب نیّت
کند بهتر است و نیّت چنین کند که قصد کنم که فردا روزه ماه رمضان بدارم واجب قربة الی الله و در روز اوّل ماه سنّتست
که غسل کند در آب جاری و سی کف آب بر سر بریزد و از حضرت صادق ع منقولست که چون در اوّل سال چنین کند
از جمیع دردها و بیماریها در تمام سال ایمن باشد و ایضاً از آنحضرت منقولست که هر که در روز اوّل این ماه کفی از گلاب
بر رو بریزد از خواری و پریشانی نجات یابد و هر که هر روز بکند در آن روز از این بلاها ایمن گردد و هر که یک کف
گلاب در روز اوّل ماه بر سر بریزد در آن سال از مرض سرسام ایمن گردد و بسند معتبر از حضرت امام محمد تقی ع منقول
است که در اوّل هر ماه دو رکعت نماز بگذارد و در رکعت اوّل بعد از حمد سی مرتبه قل هو الله احد و در رکعت دوم
بعد از حمد سی مرتبه انّا انزلناه بخواند و بعد از نماز تصدّق کند با آنچه میسّر شود سلامتی آنماه را خریده است و
در روز اوّل ماه سنّتست اَللّٰهُمَّ قَدْ حَضَرَ شَهْرُ رَمَضانَ وَقَدِ افْتَرَضْتَ عَلَیْنا صِیامَهُ وَاَنْزَلْتَ فیهِ
است که این دعا را بخواند
خداوندا بتحقیق که حاضر شد ماه رمضان و بتحقیق که واجب کردی بر ما روزه او را و فرو فرستادی در آن
الْقُرْآنَ هُدیً لِلنّاسِ وَبَیِّناتٍ مِنَ الْهُدیٰ وَالْفُرْقانِ اَللّٰهُمَّ اَعِنّا عَلیٰ صِیامِهِ وَتَقَبَّلْهُ مِنّا
قرآن را هدایت برای مردمان و معجزها از هدایت و فرقان خداوندا مدد کن ما را بر روزه او و بپذیر او را از ما
وَتَسَلَّمْهُ مِنّا وَسَلِّمْهُ لَنا فی یُسْرٍ مِنْکَ وَعافِیَةٍ اِنَّکَ عَلیٰ کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ و ایضاً از حضرت صادق ع
و قبول کن او را از ما و سالم دار او را در آسانی از تو و عافیت بدرستیکه تو بر همه چیزی توانائی
منقولست که چون ماه
مبارک داخل میشد حضرت اَللّٰهُمَّ اِنَّهُ قَدْ دَخَلَ شَهْرُ رَمَضانَ اَللّٰهُمَّ رَبَّ شَهْرِ رَمَضانَ
رسول ص این دعا را میخواندند
خداوندا بدرستیکه در آمد ماه رمضان خداوندا پروردگار ماه رمضان

هر که

الذی انزلت فیه القرآن وجعلته بیّنات من الهدی والفرقان اللهم فبارك لنا فی
شهر رمضان واعنّا علی صیامه وصلوته وتقبّله منّا وایضا بسند معتبر از حضرت صادق ع منقولست که
هرکه نزد داخل شدن ماه رمضان یعنی روز
اول یا شب اول دو رکعت نماز بکند و در رکعت اول بعد از حمد سوره انّا فتحنا بخواند و در رکعت دوم هر
سوره که خواهد بخواند خدا جمیع بدیها را از او دور گرداند و در حفظ خدا باشد تا سال آینده و در
شب اوّل یا روز اول دعای صحیفه کامله را بخوانند که بهترین دعاهاست و کلینی و شیخ طوسی و دیگران بسند صحیح
روایت کرده اند که حضرت امام موسی کاظم ع فرمود که در ماه مبارك رمضان در اول سال یعنی روز اول ماه
چنانچه علما فهمیده اند این دعا را بخوان و فرمود که هرکه این دعا را از برای رضای خدا بخواند و بی شایبه اغراض فاسده
و ریا بخواند در آن سال نرسد به او فتنه و گمراهی و نه آفتیکه ضرر رساند بدین او و بابدن او و خدا او را حفظ کند
از آنچه در آن سال واقع میشود از بلاها و دعا اینست اللهم انی اسئلك باسمك الذی دان له کل شیء وبعزتك التی قهرت
کل شیء وبقوتك التی خضع لها کل شیء وبجبروتك التی غلبت کل شیء وبعلمك الذی احاط
بکل شیء یا نور یا قدّوس یا اوّل قبل کل شیء یا باقی بعد کل شیء یا الله یا رحمن صلّ علی محمّد
وآل محمّد واغفر لی الذنوب التی تغیّر النعم واغفر لی الذنوب التی تنزل النقم واغفر لی الذنوب التی
تقطع الرجاء واغفر لی الذنوب التی تدیل الاعداء واغفر لی الذنوب التی تردّ الدعاء
واغفر لی الذنوب التی یستحق بها نزول البلاء واغفر لی الذنوب التی تحبس غیث
السماء واغفر لی الذنوب التی تکشف الغطاء واغفر لی التی تعجّل الفناء واغفر لی الذنوب
التی تورث الندم واغفر لی الذنوب التی تهتك العصم والبسنی درعك الحصینة
التی لا ترام وعافنی من شرّ ما احاذر باللیل والنهار فی مستقبل
سنتی هذه اللهم ربّ السموات السبع وربّ الارضین
السبع وما فیهنّ وما بینهنّ وربّ العرش العظیم وربّ السبع المثانی

والقرآن العظيم ورب اسرافيل وميكائيل وجبرئيل ورب محمد صلى الله عليه وآله

و قرآن بزرگ و پروردگار اسرافیل و میکائیل و جبرئیل و پروردگار محمد رحمت خدا براو و آل او

سيد المرسلين وخاتم النبيين اسئلك بك وبما سميت به يا عظيم انت الذي تمن بالعظيم و

بزرگ فرستادگان و آخر پیغمبران و میخواهم ترا بتو و بآنچه نام برده شده بآن ای بزرگ توئی که احسان میکنی بزرگ را

تدفع كل محذور وتعطي كل جزيل وتضاعف من الحسنات بالقليل وبالكثير وتفعل ما

و دفع میکنی هر ترسیده را و عطا میکنی هر بسیاری را و زیاد میکنی از نیکیها بکردار اندک و بسیار و میکنی آنچه

تشاء يا قدير يا الله يا رحمن صل على محمد واهل بيته والبسني في مستقبل سنتي هذه

خواهی ای توانا ای خدا ای بخشنده درود بر محمد و خانواده او و بپوشان مرا در آینده سال من در این سال

سترك ونضر وجهي بنورك واحببني بمحبتك وبلغني رضوانك وشريف كرامتك وجسيم

پرده تو و روشن کن روی مرا بروشنی خود و دوست دار مرا بدوستی خود و برسان مرا بخوشنودی خود و بزرگی کرامت تو و عطیه

عطيتك واعطني من خير ما عندك ومن خير ما انت معطيه احدا من خلقك والبسني مع ذلك

بزرگ تو و ببخش مرا از بهترین آنچه نزد تست و از بهترین آنچه تو عطا کنی او را بیکی از آفریده خود و بپوشان مرا با این

عافيتك يا موضع كل شكوى ويا شاهد كل نجوى ويا عالم كل خفية ويا دافع ما تشاء من بلية يا

عافیت و جایگاه هر شکایت و ای گواه هر راز و ای دانای هر پنهان و ای دفع کننده آنچه خواهی از هر بلیه ای

كريم العفو يا حسن التجاوز توفني على ملة ابرهيم وفطرته وعلى دين محمد صلى الله عليه وآله و

کریم در عفو ای نیکو تجاوز بمیران مرا بر ملت ابراهیم و فطرت او و بر دین محمد رحمت خدا براو و آل او

سنته وعلى خير الوفاة فتوفني موالياً لاوليائك معادياً لاعدائك اللهم وجنبني في هذه السنة

و طریقه او و به بهترین مردنها بمیران مرا که دوست باشم دوستان ترا و دشمن باشم دشمنان ترا خداوندا و دور گردان مرا در این سال

كل عمل او قول او فعل يباعدني منك واجلبني الى كل عمل او قول او فعل يقربني منك في هذه

از هر کرداری یا گفتاری یا کاری که دور سازد مرا از تو و بکشان مرا بسوی هر کاری یا گفتاری یا فعلی که نزدیک کند مرا بتو در این

السنة يا ارحم الراحمين وامنعني من كل عمل او قول او فعل يكون مني اخاف ضرر عاقبته و

سال ای رحم کننده ترین رحم کنندگان و باز دار مرا از هر کرداری یا گفتاری یا فعلی که صادر شود از من میترسم ضرر عاقبت آن را و

اخاف مقتك اياي عليه حذار ان تصرف وجهك الكريم عني فاستوجب به نقصاً من حظ لي

میترسم غضب ترا بخودم براو بجهت خوف آنکه بگردانی روی خود را ای کریم از من و واجب کرده باشم از بهره برای من

عندك يا رؤف يا رحيم اللهم اجعلني في مستقبل سنتي هذه في حفظك وفي جوارك وفي

نزد تو ای مهربان ای آمرزنده خداوندا بگردان مرا در آینده سال من این سال در حفظ خودت و در پناه تو و در

كنفك وجللني ستر عافيتك وهب لي كرامتك عز جارك وجل ثناؤك ولا اله غيرك اللهم اجعلني

پناه خودت و بپوشان مرا بپوشش عافیت تو و ببخش بکرامت خود ارجمند است همسایه تو و بزرگ است ثنای تو و نیست خدائی غیر تو خداوندا بگردان مرا

تابعاً لصالح من مضى من اوليائك والحقني بهم واجعلني مسلماً لمن قال بالصدق عليك

پیرو نیکوکار آنکه گذشته از دوستان خود و برسان مرا بایشان و بگردان مرا اعتقاد برای آنکه گفت براستی بر تو

منهم واعوذ بك اللهم ان تحيط بي خطيئتي وظلمي واسرافي على نفسي واتباعي لهواي واشتغالي

از ایشان و پناه میبرم بتو خداوندا آنکه فرو گیرد مرا گناه و ستم و اسراف را بر خودم و پیروی کردن من خواهش خود

لِسَهْوَاتِي فَيَحُولَ ذَلِكَ بَيْنِي وَبَيْنَ رَحْمَتِكَ وَرِضْوَانِكَ فَأَكُونَ مَنْسِيّاً عِنْدَكَ مُتَعَرِّضاً لِسَخَطِكَ

وَنَقِمَتِكَ اللَّهُمَّ وَفِّقْنِي لِكُلِّ عَمَلٍ صَالِحٍ تَرْضَى بِهِ عَنِّي وَقَرِّبْنِي إِلَيْكَ زُلْفَى اللَّهُمَّ كَمَا كَفَيْتَ

نَبِيَّكَ مُحَمَّداً صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ هَوْلَ عَدُوِّهِ وَفَرَّجْتَ هَمَّهُ وَكَشَفْتَ غَمَّهُ وَصَدَقْتَهُ وَعْدَكَ

وَأَنْجَزْتَ لَهُ عَهْدَكَ اللَّهُمَّ فَبِذَلِكَ فَاكْفِنِي هَوْلَ هَذِهِ السَّنَةِ وَآفَاتِهَا وَأَسْقَامَهَا وَفِتْنَتَهَا وَ

شُرُورَهَا وَأَحْزَانَهَا وَضِيقَ الْمَعَاشِ فِيهَا وَبَلِّغْنِي بِرَحْمَتِكَ كَمَالَ الْعَافِيَةِ بِتَمَامِ دَوَامِ النِّعْمَةِ عِنْدِي

إِلَى مُنْتَهَى أَجَلِي أَسْأَلُكَ سُؤَالَ مَنْ أَسَاءَ وَظَلَمَ وَاسْتَكَانَ وَاعْتَرَفَ وَأَسْأَلُكَ أَنْ تَغْفِرَ لِي مَا مَضَى

مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي حَصَرَتْهَا حَفَظَتُكَ وَأَحْصَتْهَا كِرَامُ مَلَائِكَتِكَ عَلَيَّ وَأَنْ تَعْصِمَنِي إِلَهِي مِنَ الذُّنُوبِ

فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمُرِي إِلَى مُنْتَهَى أَجَلِي يَا اللهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَآتِنِي كُلَّ مَا

سَأَلْتُكَ وَرَغِبْتُ إِلَيْكَ فِيهِ فَإِنَّكَ أَمَرْتَنِي بِالدُّعَاءِ وَتَكَفَّلْتَ لِي بِالْإِجَابَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

فصل پنجم در اعمال هر شب و هر روز ماه مبارک رمضانست از حضرت صادق و کاظم ع يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمُ يَا غَفُورُ يَا رَحِيمُ

منقولست که بعد از هر نماز در ماه مبارک رمضان این دعا را بخوانند

أَنْتَ الرَّبُّ الْعَظِيمُ الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ وَهَذَا شَهْرٌ عَظَّمْتَهُ وَكَرَّمْتَهُ

وَشَرَّفْتَهُ وَفَضَّلْتَهُ عَلَى الشُّهُورِ وَهُوَ الشَّهْرُ الَّذِي فَرَضْتَ صِيَامَهُ عَلَيَّ وَهُوَ شَهْرُ رَمَضَانَ

أَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ وَجَعَلْتَ فِيهِ لَيْلَةَ الْقَدْرِ

وَجَعَلْتَهَا خَيْراً مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ فَيَا ذَا الْمَنِّ وَلَا يُمَنُّ عَلَيْكَ مُنَّ عَلَيَّ بِفَكَاكِ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ فِيمَنْ تَمُنُّ

عَلَيْهِ وَأَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ و دعا بسیار خوبیست و اقل آنست یکمرتبه خوانده شود

و بسند صحیح منقولست که هر که در هر شب این ماه مبارک این دعا را

بخواند چهل سال گناهان اللَّهُمَّ رَبَّ شَهْرِ رَمَضَانَ الَّذِي أَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ وَافْتَرَضْتَ عَلَى عِبَادِكَ فِيهِ الصِّيَامَ

او آمرزیده شود

صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنِی حَجَّ بَیْتِکَ الْحَرَامِ فِی عَامِی هٰذَا وَفِی کُلِّ عَامٍ وَاغْفِرْ لِی تِلْکَ

رحمت فرست بر محمد و آل محمد و روزی کن مرا حج خانهٔ محترم خود در این سال و در همه سال و بیامرز مرا این

الذُّنُوبَ الْعِظَامَ فَإِنَّهُ لَا یَغْفِرُهَا غَیْرُکَ یَا رَحْمٰنُ یَا عَلَّامُ وایضاً در هر شب هزار مرتبه سورهٔ انا انزلناه

گناهان بزرگ را پس بدرستیکه نیامرزد از غیر تو ای بخشنده مهربان

خواندن سنت است و صد مرتبه سورهٔ حم دخان

اگر میسر شود و سحور خوردن در سحر هر شب ماه مبارک مستحب است و از حضرت رسول منقولست که ترک نکنند امت

من سحور خوردن را اگرچه بیک دانه خرمای بوده باشد و ایضاً از آنحضرت منقولست که خدا و ملائکه صلوات می

فرستند برانها که استغفار میکنند در سحرها و سحور میخورند پس سحور بخورید اگرچه بیک شربت آب باشد و بهترین

سحور خرما و پست است و ایضاً فرمود که سحور بخورید اگرچه بجرعهٔ آبی باشد و خدا صلوات و رحمت میفرستد

بر سحور خورندگان و از حضرت صادق منقولست که هر که سورهٔ انا انزلناه را در وقت سحور و در وقت افطار

بخواند در ما بین آنها خواهد بود ثواب کسی را داشته باشد که در راه خدا شهید شده باشد و در خون خود غلطیده

باشد و گفته اند که اگر نیت روزه را بعد از سحور بکند بهتر است و از اول شب تا آخر شب نیت میتوان کرد و همین

که میداند و قصد روزه دارد که فردا روزه میگیرد و از برای خدا میگیرد بس است و اما آداب افطار سنت است

که اول نماز شام را بکند و بعد از آن افطار کند مگر آنکه جمعی انتظار او برند یا آنکه گرسنگی و تشنگی بر او

غالب باشد و مانع حضور قلب او باشد در نماز که در این دو صورت افطار را مقدم داشتن بهتر است و در

وقت افطار سورهٔ انا انزلناه خواندن سنت است چنانچه یا عَظِیمُ یَا عَظِیمُ أَنْتَ إِلٰهِی لَا إِلٰهَ لِی غَیْرُکَ اغْفِرْ لِیَ

ای بزرگ ای بزرگ تو خدای منی که نیست خدائی مرا غیر تو بیامرز مرا

ذالسنة و از حضرت رسول منقولست که هر که در وقت افطار بگوید

الذَّنْبَ الْعَظِیمَ إِنَّهُ لَا یَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِیمَ إِلَّا الْعَظِیمُ از گناهان بیرون آید مانند روزی که

گناهی را که بزرگست بدرستیکه نیامرزد گناه بزرگ را مگر بزرگ

از مادر متولد شده باشد و از حضرت

امام رضا منقولست که هر روزه داری در وقت بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ یَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ اغْفِرْ لِی و در حدیث

افطار دعای مستجابی هست پس باید لقمهٔ اول بگوید بنام خدای بخشایندهٔ مهربان ای فراخ آمرزش بیامرز مرا و در حدیث معتبر دیگر

از حضرت امام موسی منقولست که اَللّٰهُمَّ لَکَ صُمْتُ وَعَلٰی رِزْقِکَ أَفْطَرْتُ وَعَلَیْکَ تَوَکَّلْتُ تا

در وقت افطار بگوید خداوندا برای تو روزه داشتم و بر روزی تو افطار کردم و بر تو توکل کردم خدا

عطا کند باو ثواب هر کسی را که در این روز روزه داشته است و در روایت دیگر منقولست که حضرت امیر

المؤمنین علیه السلام در وقت افطار بدو زانو می نشستند و چون خوان می گذاشتند میگفتند اللهم

لَکَ صُمْنَا وَعَلٰی رِزْقِکَ أَفْطَرْنَا فَتَقَبَّلْهُ مِنَّا إِنَّکَ أَنْتَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ و در احادیث معتبره

خداوندا برای تو روزه گرفتیم و بر روزی تو افطار کردیم پس قبول کن از ما بدرستیکه توئی شنوای دانا

وارد شده است که حضرت

رسالت پناه افطار میکردند بر خرما و آب یا بر رطب و در حدیث دیگر منقولست که آنحضرت در وقت افطار

ابتدا بحلوا مینمودند و اگر میسر نبود بنبات یا قند یا خرما افطار میکردند و اگر حاضر نبود باب نیم گرم

افطار میکردند و میفرمودند که آب نیم گرم پاک میکند معده را و قوت میدهد حدقه را و بینائی را زیاد

میکند و گناهان را میشوید و عروق را ساکن میگرداند و صفرای غالب را فرو مینشاند و قطع میکند بلغم را

واطفای حرارت میکند و صداع را برطرف میکند و ایضاً از حضرت رسول منقولست که هر که بر خرمای

حلالی افطار کند ثواب نمازش چهار صد برابر مضاعف گردد و از حضرت صادق منقولست که افطار کردن باب

گناهان دلرا میشوید و در حدیث دیگر فرمود که حضرت امیرالمؤمنین ع دوست میداشت که افطار فرماید بشیر و از حضرت امام رضا ع منقولست که هر که در وقت افطار یک کرده نان تصدق کند بر مسکینی خدا گناهان او را می آمرزد و ثواب یک بنده آزاد کردن از فرزندان اسمعیل در نامهٔ عمل او نوشته شود و بهترین اعمال در روزها و شبهای ماه مبارک رمضان تلاوت قرآنست و بسیار باید خواند چون قرآن در اینماه نازل شده است و در حدیثست که هر چیزی را بهاری هست و بهار قرآن ماه رمضانست و در ماههای دیگر هر ماهی یک ختم سنتست و اقلش شش روزاست و در ماه رمضان هر سه روز یک ختم سنتست و اگر هر روز یک ختم تواند کرد خوبست و در حدیث است که بعضی از ائمه علیهم السلم در اینماه چهل ختم و زیاده میکردند و اگر هر ختمی ثوابش را بروح مقدس یکی از ائمه و رسول خدا و فاطمه زهرا هدیه کند ثوابش مضاعف میگردد و صلوات بر محمد و آل محمد بسیار باید فرستاد و استغفار باید کرد و لا اله الا الله بسیار باید گفت و نافلهای شب و روز را نباید ترک کرد و در شبهای طاق ماه مبارک غسل سنت است خصوصا شب اول و پانزدهم و هفدهم و نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سیم و در دهه آخر در شبهای جفت نیز غسل سنتست خصوصا شب آخر و در روایتی وارد شده است که در جمیع ماه در هر شب غسل مستحب است و بسند معتبر دیگر از حضرت صاحب الامر ع منقولست که بشیعیان نوشتند که در هر شب ماه مبارک رمضان این دعا را بخوانند که دعا اینماه را ملئکه میشنوند و برای صاحبش استغفار میکنند و دعا اینست

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَفْتَتِحُ الثَّناءَ بِحَمْدِكَ وَاَنْتَ مُسَدِّدٌ لِلصَّوابِ
خداوندا بدرستیکه میگشایم ثنا را بحمد تو و تو توفیق دهنده ای مرا بصواب

بِمَنِّكَ وَاَيْقَنْتُ اَنَّكَ اَنْتَ اَرْحَمُ الرّاحِمينَ في مَوْضِعِ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ وَاَشَدُّ الْمُعاقِبينَ في
بعطای تو و یقین کردم بدرستیکه تو بخشنده ترین بخشندگانی در موضع عفو و رحمت و سخت گیرنده عقوبت کنندگانی در

مَوْضِعِ النَّكالِ وَالنَّقِمَةِ وَاَعْظَمُ الْمُتَجَبِّرينَ في مَوْضِعِ الْكِبْرِياءِ وَالْعَظَمَةِ اَللّٰهُمَّ اَذِنْتَ لي في دُعائِكَ
مقام عقوبت و عذاب و بزرگترین بزرگواران در مقام بزرگی و عظمت خداوندا دستوری دادی مرا در دعای خود

وَمَسْئَلَتِكَ فَاسْمَعْ يا سَميعُ مِدْحَتي وَاَجِبْ يا رَحيمُ دَعْوَتي وَاَقِلْ يا غَفُورُ عَثْرَتي فَكَمْ يا
و سؤال خود پس بشنو ای شنوا ستودن مرا و بپذیر ای مهربان خواندن مرا و درگذر ای آمرزنده لغزش مرا پس بسیار

اِلٰهي مِنْ كُرْبَةٍ قَدْ فَرَّجْتَها وَهُمُومٍ قَدْ كَشَفْتَها وَعَثْرَةٍ قَدْ اَقَلْتَها وَرَحْمَةٍ قَدْ نَشَرْتَها وَحَلْقَةِ
خدای من از اندوه که گشودی آنرا و غمهایی که برداشتی آنرا و لغزشها که درگذشتی از او و رحمتی که پهن کردی آنرا و حلقه

بَلاءٍ قَدْ فَكَكْتَها اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي لَمْ يَتَّخِذْ صاحِبَةً وَلا وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَريكٌ
بلا که گشودی آنرا سپاس مر خدایرا که فرا نگرفته زنی و نه فرزندی و نبوده مر او را شریکی

فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبيرًا اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ بِجَميعِ مَحامِدِهِ كُلِّها عَلىٰ جَميعِ
در پادشاهی و نبوده مر او را دوستی از خواری و یاد کن او را ببزرگی ستایش مر خدایرا به همه ستایشها همه آن بر همه

نِعَمِهِ كُلِّها اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي لا مُضادَّ لَهُ في مُلْكِهِ وَلا مُنازِعَ لَهُ في اَمْرِهِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي
نعمتهای او ستایش مر خدایرا که نیست ضدی مر او را در پادشاهی او و نیست مخالفی مر او را در امر او ستایش مر خدایرا که

لا شَريكَ لَهُ في خَلْقِهِ وَلا شَبيهَ لَهُ في عَظَمَتِهِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الْفاشي فِي الْخَلْقِ اَمْرُهُ وَحَمْدُهُ
که نیست شریکی مر او را در آفرینش او و نه مانند او در عظمت ستایش مر خدایرا که منتشر است در خلق امر او و حمد او

الظّاهِرِ بِالْكَرَمِ مَجْدُهُ الْباسِطِ بِالْجُودِ يَدَهُ الَّذي لا تَنْقُصُ خَزائِنُهُ وَلا تَزيدُهُ كَثْرَةُ الْعَطاءِ اِلّا
که هویداست ببزرگواری مجد او گستراننده بجود دست او که کم نمیکردد خزینهای او و زیاد نکند او را بسیاری عطا مگر

رمضان

واکرما

وكرماً انه هو العزيز الوهاب اللهم انى اسئلك قليلاً من كثير مع حاجة بى اليه عظيمة و
غناك عنه قديم وهو عندى كثير وهو عليك سهل يسير اللهم ان عفوك عن ذنبى وتجاوزك
عن خطيئتى وصفحك عن ظلمى وسترك على قبيح عملى وحلمك عن كثير جرمى عند ما كان من خطاى
وعمدى اطمعنى فى ان اسئلك ما لا استوجبه منك الذى رزقتنى من رحمتك واريتنى من قدرتك
وعرفتنى من اجابتك فصرت ادعوك آمناً واسئلك مستأنساً لا خائفاً ولا وجلاً
مدلاً عليك فيما قصدت فيه اليك فان ابطأ عنى عتبت بجهلى عليك ولعل الذى
ابطأ عنى هو خير لى لعلمك بعاقبة الامور فلم ار مولى كريماً اصبر على عبد لئيم منك على
يا رب انك تدعونى فاولى عنك وتتحبب الى فاتبغض اليك وتتودد الى فلا اقبل منك
كان لى التطول عليك فلم يمنعك ذلك من الرحمة لى والاحسان الى والتفضل على بجودك و
كرمك فارحم عبدك الجاهل وجد عليه بفضل احسانك انك جواد كريم الحمد لله مالك
الملك مجرى الفلك مسخر الرياح فالق الاصباح ديان الدين رب العالمين الحمد لله على
حلمه بعد علمه والحمد لله على عفوه بعد قدرته والحمد لله على طول اناته فى غضبه وهو
قادر على ما يريد الحمد لله خالق الخلق باسط الرزق فالق الاصباح ذى الجلال والاكرام
والفضل والانعام الذى بعد فلا يرى وقرب فشهد النجوى تبارك وتعالى الحمد لله الذى
ليس له منازع يعادله ولا شبيه يشاكله ولا ظهير يعاضده قهر بعزته الاعزاء وتواضع
لعظمته العظماء فبلغ بقدرته ما يشاء الحمد لله الذى يجيبنى حين اناديه ويستر على كل

عودنی وانا اعصیه ویعظم النعمة علی فلا اجازیه فکم من موهبة هنیئة قد اعطانی

وعظیمة مخوفة قد کفانی وبهجة مونقة قد ارانی فاثنی علیه حامدا واذکره مسبحا الحمد لله

الذی لا یهتک حجابه ولا یغلق بابه ولا یرد سائله ولا یخیب امله الحمد لله الذی یؤمن الخائفین

وینجی الصالحین ویرفع المستضعفین ویضع المستکبرین ویهلک ملوکا ویستخلف آخرین

والحمد لله قاصم الجبارین مبیر الظالمین مدرک الهاربین نکال الظالمین صریخ المستصرخین

موضع حاجات الطالبین معتمد المؤمنین الحمد لله الذی من خشیته ترعد السماء

وسکانها وترجف الارض وعمارها وتموج البحار ومن یسبح فی غمراتها الحمد لله الذی

هدانا لهذا وما کنا لنهتدی لولا ان هدانا الله الحمد لله الذی یخلق ولم یخلق ویرزق

ولا یرزق ویطعم ولا یطعم ویمیت الاحیاء ویحیی الموتی وهو حی لا یموت بیده الخیر وهو

علی کل شیء قدیر اللهم صل علی محمد عبدک ورسولک وامینک وصفیک وحبیبک

وخیرتک من خلقک وحافظ سرک ومبلغ رسالاتک افضل واحسن واجمل واکمل وازکی

وانمی واطیب واطهر واسنی واکثر ما صلیت وبارکت وترحمت وتحننت وسلمت علی احد من

عبادک وانبیائک ورسلک وصفوتک واهل الکرامة علیک من خلقک اللهم وصل علی

علی امیر المؤمنین ووصی رسول رب العالمین عبدک وولیک واخی رسولک وحجتک

علی خلقک وآیتک الکبری والنبأ العظیم وصل علی الصدیقة الطاهرة فاطمة الزهراء

سیدة نساء العالمین وصل علی سبطی الرحمة وامامی الهدی الحسن والحسین سیدی شباب اهل

الجنة

الجنة وصل على ائمة المسلمين علي بن الحسين ومحمد بن علي وجعفر بن محمد وموسى بن جعفر
بهشت و رحمت فرست بر پیشوای مسلمانان علی پسر حسین و محمد پسر علی و جعفر پسر محمد و موسی پسر جعفر

وعلي بن موسى ومحمد بن علي وعلي بن محمد والحسن بن علي والخلف الهادي المهدي حججك على
و علی پسر موسی و محمد پسر علی و علی پسر محمد و حسن پسر علی و جانشین و رهنما راه یافته حجت تو بر

عبادك وامنائك في بلادك صلوة كثيرة دائمة اللهم وصل على ولي امرك القائم المؤمل
بندگان تو و امانت داران تو در شهرهای تو رحمت بسیار پیوسته خداوندا و رحمت فرست بر والی امر تو که ایستاده امید داشته

والعدل المنتظر وحفه بملائكتك المقربين وايده بروح القدس يا رب العالمين اللهم
و دادخواه منتظر و فرا گیر او را بفرشتگان خود نزدیکان و قوت ده او را بروح القدس ای پروردگار جهانیان خداوندا

اجعله الداعي الى كتابك والقائم بدينك استخلفه في الارض كما استخلفت الذين من
بگردان او را خواننده بسوی کتاب خود و پا دارنده بدین خود و خلیفه گردان او را در زمین چنانکه خلیفه گردانیدی آنانکه از

قبله مكن له دينه الذي ارتضيته له ابدله من بعد خوفه امنا يعبدك لا يشرك بك
پیش از او بودند جا ده مر او را دین او را که پسندیدی او را برای او بدل کن او را پس از ترس او ایمنی که پرستند ترا شرک نیاورند بتو

شيئا اللهم اعزه واعزز به وانصره وانتصر به وانصره نصرا عزيزا وافتح له فتحا يسيرا واجعل
چیزی را خداوندا عزیز دار او را و یاری کن او را و یاری کن باو و یاری کن او را یاری کردنی غالب بگشا مر او را فتحی آسان و بگردان

له من لدنك سلطانا نصيرا اللهم اظهر به دينك وسنة نبيك حتى لا يستخفي بشيء
مر او را از نزد تو حجتی یاری کننده خداوندا آشکار کن بسبب او دین خود را و سنت پیغمبر خود تا آنکه پنهان نماند چیزی

من الحق مخافة احد من الخلق اللهم انا نرغب اليك في دولة كريمة تعز بها الاسلام واهله و
از حق از ترسیدن یکی از خلق خداوندا بدرستیکه ما خواهشمندیم بسوی تو در دولت گرامی غالب گردانی بآن اسلام و اهل اسلام و

تذل بها النفاق واهله وتجعلنا فيها من الدعاة الى طاعتك والقادة الى سبيلك وترزقنا
خوار شوند بآن نفاق و اهل آن و بگردانی ما را در آن از خوانندگان او بسوی طاعت او و کشندگان بسوی راه تو و روزی کن ما را

بها كرامة الدنيا والاخرة اللهم ما عرفتنا من الحق فحملناه وما قصرنا عنه فبلغناه اللهم
بآن کرامت دنیا و آخرت خداوندا آنچه شناختیم ما از حق پس بار کن ما را و آنچه کوتاه کردیم از او پس برسان او را خداوندا

المم به شعثنا واشعب به صدعنا وارتق به فتقنا وكثر به قلتنا واعزز به ذلتنا واغن به
فراهم کن بسبب او پراکندگی ما را و بهم آور باو شکافتگی ما را و به بند باو گشادگی ما را و بسیار کن باو کمی ما را و عزیز کن بسبب خواری ما را و بی نیاز کن

عائلنا واقض به عن مغرمنا واجبر به فقرنا وسد به خلتنا ويسر به عسرنا وبيض به وجوهنا
عیال ما را و ادا کن بسبب او دین ما را و تدارک کن بسبب او احتیاج ما را و سد کن بسبب حاجت ما را و آسان کن باو دشواری ما را و سفید کن

وفك به اسرنا وانجح به طلبتنا وانجز به مواعيدنا واستجب به دعوتنا واعطنا به سؤلنا
و دفع کن باو گرفتاری ما را و برآور بسبب او مطلوب ما را و وفا کن بسبب وعده های ما را و مستجاب کن باو خواندن ما را و عطا کن بسبب او خواهش ما را

وبلغنا به من الدنيا والاخرة امالنا واعطنا به فوق رغبتنا يا خير المسؤلين واوسع
و برسان ما را بآن از دنیا و آخرت آرزوهای ما را و عطا کن ما را باو بالای خواهش ما ای بهترین سؤال کرده شدگان و وسعت

المعطين اشف به صدورنا واذهب به غيظ قلوبنا واهدنا به لما اختلف فيه من الحق
ترین بخشندگان شفا ده باو سینهای ما را و ببر بسبب او خشم دلهای ما را و هدایت کن ما را بآن بهر آنچه اختلاف کرده شده در آن از حق

بِإِذْنِكَ إِنَّكَ تَهْدِي مَنْ تَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ وَانْصُرْنَا بِهِ عَلَى عَدُوِّكَ وَعَدُوِّنَا إِلَهَ
بفرمان تو بدرستیکه تو هدایت میکنی هر کرا خواهی بسوی راه راست و یاری ده ما را باو بر دشمنان تو و دشمنان ما ای خدای

الْحَقِّ آمِينَ اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقْدَ نَبِيِّنَا صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَغَيْبَةَ وَلِيِّنَا
بحق بپذیر خداوندا بدرستیکه ما شکوه میکنیم بسوی تو مفقود بودن پیغمبر ما رحمتهای تو براو و آل او و پنهان بودن صاحب

وَكَثْرَةَ عَدُوِّنَا وَقِلَّةَ عَدَدِنَا وَشِدَّةَ الْفِتَنِ بِنَا وَتَظَاهُرَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
و بسیاری دشمنان ما و کمی شماره ما و سختی آشوبها و ظاهر کردن زمان برما پس رحمت فرست بر محمد و آل او

وَأَعِنَّا عَلَى ذَلِكَ بِفَتْحٍ مِنْكَ تُعَجِّلُهُ وَبِضُرٍّ تَكْشِفُهُ وَنَصْرٍ تُعِزُّهُ وَسُلْطَانِ حَقٍّ تُظْهِرُهُ وَرَحْمَةٍ مِنْكَ
و یاری کن ما را براین بگشایش از تو که زود عطا کنی او را و بدی که برداری او را و یاری که عزیز داری او را و پادشاه حقی که ظاهر سازی او را و رحمتی از تو که

تُجَلِّلُنَاهَا وَعَافِيَةٍ مِنْكَ تُلْبِسُنَاهَا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ و بسند معتبر بلکه صحیح از حضرت
فرو گیری ما را و عافیتی از تو که بپوشانی ما را برحمتهای بخشنده ترین بخشندگان — صادق علیه السلام منقول است که در هر شب ماه

مبارک این اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ فِيمَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْتُومِ فِي الْأَمْرِ الْحَكِيمِ مِنَ الْقَضَاءِ
دعا را بخوانند خداوندا بدرستیکه من میخواهم از تو که بگردانی در آنچه حکم کنی و اندازه کنی از امر لازم گردیده شده در حکمت از حکم

الَّذِي لَا يُرَدُّ وَلَا يُبَدَّلُ أَنْ تَكْتُبَنِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ الْمَبْرُورِ حَجُّهُمُ الْمَشْكُورِ سَعْيُهُمُ الْمَغْفُورِ
که رد کرده نشود و نه بدل کرده شود که بنویسی مرا از حاجیان خانه محترم خود پذیرفته حج ایشان جزا داده شده سعی ایشان آمرزیده شده

ذُنُوبُهُمُ الْمُكَفَّرِ عَنْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَنْ تَجْعَلَ فِيمَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ أَنْ تُطِيلَ عُمْرِي فِي خَيْرٍ وَعَافِيَةٍ
گناهان ایشان باز داشته شده از بدیهای ایشان و آنکه بگردانی در آنچه حکم کنی و اندازه کنی اینکه دراز کنی عمر مرا در بهتر و عافیت

وَتُوَسِّعَ فِي رِزْقِي وَتَجْعَلَنِي مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ لِدِينِكَ وَلَا تَسْتَبْدِلْ بِي غَيْرِي و این دعای عالیة المضامین اللَّهُمَّ
در هر شب وارد شده است
و فراخ کنی روزی مرا و بگردانی مرا از آنکه انتقام کشی بان برای دین خود و بدل مکن بمن غیر مرا خداوندا

بِرَحْمَتِكَ فِي الصَّالِحِينَ فَأَدْخِلْنَا وَفِي عِلِّيِّينَ فَارْفَعْنَا وَبِكَأْسٍ مِنْ مَعِينٍ مِنْ عَيْنٍ سَلْسَبِيلٍ
برحمت تو در نیکوکاران پس داخل کن ما را در علیین پس بلند کن ما را و بجامی از شراب شیرین از چشمه سلسبیل

فَاسْقِنَا وَمِنَ الْحُورِ الْعِينِ بِرَحْمَتِكَ فَزَوِّجْنَا وَمِنَ الْوِلْدَانِ الْمُخَلَّدِينَ كَأَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَكْنُونٌ
پس بده ما را و از سیاه چشمان برحمت خود پس زن ده ما را و از کودکان جاوید مانده که گویا ایشانند مروارید پوشیده اند

فَأَخْدِمْنَا وَمِنْ ثِمَارِ الْجَنَّةِ وَلُحُومِ الطَّيْرِ فَأَطْعِمْنَا وَمِنْ ثِيَابِ السُّنْدُسِ وَالْحَرِيرِ وَالْإِسْتَبْرَقِ
پس خادم کن ما را و از میوهای بهشت و گوشتهای مرغ پس بخوران ما را و از جامهای دیبا و ابریشم و استبرق

فَأَلْبِسْنَا وَلَيْلَةَ الْقَدْرِ وَحَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ وَقَتْلًا فِي سَبِيلِكَ مَعَ وَلِيِّكَ فَوَفِّقْ لَنَا وَصَالِحَ
پس بپوشان ما را و شب قدر و حج خانه محترم خود و کشتن در راه تو پس توفیق ده برای ما و شایسته

الدُّعَاءِ وَالْمَسْأَلَةِ فَاسْتَجِبْ لَنَا وَإِذَا جَمَعْتَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَارْحَمْنَا وَبَرَاءَةً
خواندن و سؤال را پس بپذیر برای ما و چون فراهم آوری پیشینیان و پسینیان روز رستخیز پس رحم کن ما را و بیزاری

مِنَ النَّارِ فَاكْتُبْ لَنَا وَفِي جَهَنَّمَ فَلَا تَغُلَّنَا وَفِي عَذَابِكَ وَهَوَانِكَ فَلَا تَبْتَلِنَا وَمِنَ الزَّقُّومِ
از آتش پس بنویس برای ما و در دوزخ پس غل مکن ما را و در عذاب خود و خواری خود پس مبتلا مکن ما را و از زقوم

وَالضَّرِيعِ فَلَا تُطْعِمْنَا وَمَعَ الشَّيَاطِينِ فَلَا تَجْعَلْنَا وَفِي النَّارِ عَلَى وُجُوهِنَا فَلَا تَكْبُبْنَا
و خار خشک پس مخوران ما را و با شیاطین پس مگردان ما را و در آتش بر روهای ما پس سرنگون مکن ما را

وَمِنْ ثِيابِ النّارِ وَسَرابيلِ الْقَطِرانِ فَلا تُلْبِسْنا وَمِنْ كُلِّ سُوءٍ يا لا اِلهَ اِلّا اَنْتَ بِحَقِّ
و از جامه‌های آتش و پیراهنهای قطران پس مپوشان ما را و از هر بدی ای آنکه نیست خدائی مگر تو بحق
لا اِلهَ اِلّا اَنْتَ فَنَجِّنا و اما دعاهای سحر پس بسیار وارد شده است که حضرت امام رضا علیه السلام فرمود
نیست خدائی مگر تو پس نجات ده ما را
که این دعائیست که حضرت امام محمد باقر علیه السلام در سحرها میخواندند و میفرمودند که اگر
مردم بدانند عظمت این دعا را نزد خدا و سرعت اجابت آن را هر آینه بشمشیر برای طلب این دعا با یکدیگر قتال
کنند و اگر سوگند یاد کنم که اسم اعظم خدا در این دعاست راست گفته‌ام پس چون این دعا را بخوانید باهتمام
تمام و تضرع بخوانید و از غیر اهلش پنهان دارید اَللّهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ مِنْ بَهائِكَ بِاَبْهاهُ وَكُلُّ بَهائِكَ بَهِيٌّ اَللّهُمَّ اِنّي
خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا از روشنائی تو بروشن‌ترین آن و همه روشنی تو روشنست خداوندا بدرستیکه
اَسْئَلُكَ بِبَهائِكَ كُلِّهِ اَللّهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ مِنْ جَمالِكَ بِاَجْمَلِهِ وَكُلُّ جَمالِكَ جَميلٌ اَللّهُمَّ اِنّي
سؤال میکنم ترا بروشنی همه آن خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا از نیکوئی تو بنیکوترین آن و همه نیکوئی تو نیکوست خداوندا بدرستیکه
اَسْئَلُكَ بِجَمالِكَ كُلِّهِ اَللّهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ مِنْ جَلالِكَ بِاَجَلِّهِ وَكُلُّ جَلالِكَ جَليلٌ اَللّهُمَّ
سؤال میکنم ترا بجمال تو همه آن خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا از جلال تو ببزرگترین آن و همه جلال تو بزرگست خداوندا
اِنّي اَسْئَلُكَ بِجَلالِكَ كُلِّهِ اَللّهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ مِنْ عَظَمَتِكَ بِاَعْظَمِها وَكُلُّ عَظَمَتِكَ
بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بجلال تو همه آن خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا از بزرگی تو ببزرگترین آن و همه بزرگی تو
عَظيمَةٌ اَللّهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِعَظَمَتِكَ كُلِّها اَللّهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ مِنْ نُورِكَ بِاَنْوَرِهِ وَكُلُّ
بزرگست خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا ببزرگی تو همه آن خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا از پیدائی تو بپیداترین آن و همه
نُورِكَ نَيِّرٌ اَللّهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِنُورِكَ كُلِّهِ اَللّهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ مِنْ رَحْمَتِكَ بِاَوْسَعِها وَكُلُّ
پیدائی تو پیداست خداوندا سؤال میکنم ترا به پیدائی تو همه آن خداوندا سؤال میکنم ترا از رحمت تو بگشاده‌ترین آن و همه
رَحْمَتِكَ واسِعَةٌ اَللّهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِرَحْمَتِكَ كُلِّها اَللّهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ مِنْ كَلِماتِكَ بِاَتَمِّها
رحمت تو گشاده است خداوندا من سؤال میکنم ترا برحمت تو همه آن خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا از کلمات تو بتمامترین آن
وَكُلُّ كَلِماتِكَ تامَّةٌ اَللّهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِكَلِماتِكَ كُلِّها اَللّهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ مِنْ كَمالِكَ
و همه کلمات تو تمامست خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بکلمات تو همه آن خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا از کمال تو
بِاَكْمَلِهِ وَكُلُّ كَمالِكَ كامِلٌ اَللّهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِكَمالِكَ كُلِّهِ اَللّهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ مِنْ اَسْمائِكَ
بکاملترین آن و همه کمال تو کاملست خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بکمال تو همه آن خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا از نامهای تو
بِاَكْبَرِها وَكُلُّ اَسْمائِكَ كَبيرَةٌ اَللّهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِاَسْمائِكَ كُلِّها اَللّهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ مِنْ عِزَّتِكَ
ببزرگترین آن و همه نامهای تو بزرگست خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بنامهای تو همه آن خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا از عزت تو
بِاَعَزِّها وَكُلُّ عِزَّتِكَ عَزيزَةٌ اَللّهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِعِزَّتِكَ كُلِّها اَللّهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ مِنْ مَشِيَّتِكَ
بعزیزترین آن و همه عزت تو عزیزست خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بعزت تو همه آن خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا از مشیت تو
بِاَمْضاها وَكُلُّ مَشِيَّتِكَ ماضِيَةٌ اَللّهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِمَشِيَّتِكَ كُلِّها اَللّهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ مِنْ قُدْرَتِكَ
بگذرنده‌ترین آن و همه مشیت تو درگذرنده است خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بمشیت تو همه آن خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا از قدرت تو
بِالْقُدْرَةِ الَّتِي اسْتَطَلْتَ بِها عَلى كُلِّ شَيْءٍ وَكُلُّ قُدْرَتِكَ مُسْتَطيلَةٌ اَللّهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ
بتوانائی که استیلا داری بآن بر همه چیز و همه توانائی تو مستولی است خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا

بقدرتك

بقدرتك كلها اللهم اني اسئلك من علمك بانفذه وكل علمك نافذ اللهم اني اسئلك بعلمك
كله اللهم اني اسئلك من قولك بارضاه وكل قولك رضي اللهم اني اسئلك بقولك كله
اللهم اني اسئلك من مسائلك باحبها اليك وكل مسائلك اليك حبيبة اللهم اني اسئلك
بمسائلك كلها اللهم اني اسئلك من شرفك باشرفه وكل شرفك شريف اللهم اني اسئلك بشرفك
كله اللهم اني اسئلك من سلطانك بادومه وكل سلطانك دائم اللهم اني اسئلك بسلطانك كله
اللهم اني اسئلك من ملكك بافخره وكل ملكك فاخر اللهم اني اسئلك بملكك كله اللهم اني
اسئلك من علوك باعلاه وكل علوك عال اللهم اني اسئلك بعلوك كله اللهم اني اسئلك
من منك باقدمه وكل منك قديم اللهم اني اسئلك بمنك كله اللهم اني اسئلك من اياتك
باكرمها وكل اياتك كريمة اللهم اني اسئلك باياتك كلها اللهم اني اسئلك بما انت فيه
من الشان والجبروت واسئلك بكل شان وحده وجبروت وحدها اللهم اني اسئلك
بما تجيبني حين اسئلك فاجبني يا الله پس هر حاجت که خواهد از خدا بخواهد که البته برآورده است

و از جمله ادعیه مشهوره سحر دعائیست که شیخ طوسی و دیگران از ابو حمزه ثمالی روایت کرده اند که حضرت امام زین العابدین علیه السلام در شبهای ماه مبارک رمضان اکثر شب را نماز میکرد و چون سحر میشد این دعا را میخواند

الهي لا تؤدبني بعقوبتك
ولا تمكر بي في حيلتك من اين لي الخير يا رب ولا يوجد الا من عندك ومن اين لي النجاة
ولا تستطاع الا بك لا الذي احسن استغنى عن عونك ورحمتك ولا الذي اساء واجترأ عليك
ولم يرضك خرج عن قدرتك يا رب يا رب (تا نفس منقطع شود) بك عرفتك وانت دللتني عليك
ودعوتني اليك ولولا انت لم ادر ما انت الحمد لله الذي ادعوه فيجيبني وان كنت بطيئا

حين

وقف بر امامین همامین حضرت حجة بن الحسن (عج) و علی بن موسی الرضا علیهما السلام
واقف مرحوم آیة الله العظمی حاج سید [illegible] شیرازی

اعمال ماه رمضان

حين يدعوني الحمد لله الذي اسأله فيعطيني وإن كنت بخيلا يستقرضني والحمد لله الذي حين

اناديه كلما شئت لحاجتي واخلو به حيث شئت لسري بغير شفيع فيقضي لي حاجتي والحمد لله

الذي ولا ادعو غيره ولو دعوت غيره لم يستجب لي دعائي والحمد لله الذي ارجوه ولا ارجو غيره ادعوه

ولو رجوت غيره لاخلف رجائي والحمد لله الذي وكلني اليه فاكرمني ولم يكلني الى الناس

فيهينوني والحمد لله الذي تحبب الي وهو غني عني والحمد لله الذي يحلم عني حتى كأني

لا ذنب لي فربي احمد شيء عندي واحق بحمدي اللهم اني اجد سبل المطالب اليك مشرعة

ومناهل الرجاء اليك مترعة والاستعانة بفضلك لمن امّلك مباحة وابواب الدعاء

اليك للصارخين مفتوحة واعلم انك للراجي بموضع اجابة وللملهوفين بمرصد اغاثة

وان في اللهف الى جودك والرضا بقضائك عوضا من منع الباخلين ومندوحة عما في ايدي

المستأثرين وان الراحل اليك قريب المسافة وانك لا تحتجب عن خلقك الا ان تحجبهم الآمال

دونك وقد قصدت اليك بطلبتي وتوجهت اليك بحاجتي وجعلت بك استغاثتي وبدعائك

توسلي من غير استحقاق لاستماعك مني ولا استيجاب لعفوك عني بل لثقتي بكرمك وسكوني

الى صدق وعدك ولجائي الى الايمان بتوحيدك ويقيني بمعرفتك مني ان لا رب لي غيرك

ولا اله الا انت وحدك لا شريك لك اللهم انت القائل وقولك حق ووعدك صدق و

اسألوا الله من فضله ان الله كان بكم رحيما وليس من صفاتك يا سيدي ان تأمر بالسؤال وتمنع العطية

وانت المنان بالعطيات على اهل مملكتك والعائد عليهم بتحنن رأفتك الهي ربيتني في نعمك

وإحسانك صغيراً ونوّهت باسمي كبيراً فيا من ربّاني في الدنيا بإحسانه وتفضّله ونعمه وأشار لي في

و احسان تو بخوردی و بلند کرده نام من به بزرگی پس ای آنکه پرورش داد مرا در دنیا باحسان خود و بخشش خود و نعمتهای خود

الآخرة إلى عفوه وكرمه معرفتي يا مولاي دليلي عليك وحبّي لك شفيعي إليك وأنا واثق

در آخرت بسوی عفو خود و کرم خود شناختن من ای آقای من رهنمودی مرا بخود و دوستی من ترا شفاعت کننده است بسوی تو و من اعتماد دارم

من دليلي بدلالتك وساكن من شفيعي إلى شفاعتك أدعوك يا سيّدي بلسان قد أخرسه ذنبه

از دلیل خود بدلالت تو و اطمینان دارم از شفیع خود بسوی شفاعت تو میخوانم ترا ای آقای من بزبانیکه گنگ کرده او را گناه او

يا ربّ أناجيك بقلب قد أوبقه جرمه أدعوك يا ربّ راهباً راغباً راجياً خائفاً إذا رأيت مولاي

ای پروردگار راز گویم ترا بدلیکه هلاک کرده او را گناه او میخوانم ترا ای پروردگار ترسان و رغبت کننده و امیدوار چون می بینم خداوند

ذنوبي فزعت وإذا رأيت كرمك طمعت فإن عفوت فخير راحم وإن عذّبت فغير ظالم حجّتي يا الله في

گناه خود را فزع میکنم چون می بینم کرم ترا امیدوارم پس اگر عفو کنی پس بهترین رحم کننده و اگر عذاب کنی پس نیستی ستمکار حجت من ای خداوند در

جرأتي على مسألتك مع إتياني ما تكره جودك وكرمك وعدّتي في شدّتي مع قلّة حيائي رأفتك

جرأت من بر سؤال تو با آوردن من آنچه خوش نداری جود تو و کرم تو و ذخیره من در سختی من با کمی شرم من مهربانی تو

ورحمتك وقد رجوت أن لا تخيب بين ذين وذين منيتي فحقّق رجائي واسمع دعائي يا خير من دعاه

و رحمت تو و هر آینه امید دارم که محروم نگردد میان این دو و آن دو آرزوی من پس ثابت کن امید مرا و بشنو دعای مرا ای بهترین کسیکه خواند او را

داع وأفضل من رجاه راج عظم يا سيّدي أملي وساء عملي فأعطني من عفوك بمقدار أملي ولا تؤاخذني

خواننده و بخشنده‌ترین کسیکه امید دارد بزرگ است ای آقای من آرزوی من و بدی کردار من پس عطا کن مرا از عفو خود باندازه آرزوی من و مگیر مرا

بأسوء عملي فإنّ كرمك يجلّ عن مجازاة المذنبين وحلمك يكبر عن مكافاة المقصّرين وأنا يا سيّدي

ببدی کردارم پس زیرا که کرم تو بزرگتر است از پاداش دادن گناهکاران و بردباری تو بزرگتر است از پاداش تقصیر کنندگان و من ای آقای من

عائذ بفضلك هارب منك إليك متنجّز ما وعدت من الصفح عمّن أحسن بك ظنّاً وما أنا يا ربّ وما

پناه برنده‌ام بفضل تو گریزانم از تو بسوی تو روا کننده آنچه وعده کردی از گذشتن از آنکه نیکو گمان است بتو و چیستم ای پروردگار و چیست

خطري هبني بفضلك وتصدّق عليّ بعفوك أي ربّ جلّلني بسترك واعف عن توبيخي بكرم

قدر من ببخش مرا بفضل خود و تصدق کن بر من بعفو خود ای پروردگار بپوشان مرا بپوشش خود و درگذر از سرزنش من بکرم

وجهك فلو اطّلع اليوم على ذنبي غيرك ما فعلته ولو خفت تعجيل العقوبة لاجتنبته لا لأنّك

ذات خود پس اگر آگاه میشد امروز بر گناه من غیر تو نمیکردم آنرا و اگر میترسیدم شتاب کردن عقوبت را اجتناب میکردم از آن نه از آنجهت که تو

أهون الناظرين إليّ وأخفّ المطّلعين عليّ بل لأنّك يا ربّ خير الساترين وأحكم الحاكمين وأكرم

خوارترین بینندگانی بسوی من و سبکترین آگاهانی بر من بلکه از جهت آنست ای پروردگار بهترین پوشندگان و حکم کننده‌ترین حکم‌کنندگان و کریمترین

الأكرمين ستّار العيوب غفّار الذنوب علّام الغيوب تستر الذنب بكرمك وتؤخّر العقوبة بحلمك

کریمان پوشاننده عیبها آمرزنده گناهان داننده غیبها میپوشانی گناه را بکرم خود و باز میداری عقوبت را به بردباری تو

فلك الحمد على حلمك بعد علمك وعلى عفوك بعد قدرتك ويحملني ويجرّئني على معصيتك

پس مر تراست حمد بر بردباری خود بعد دانش تو و بر عفو تو بعد از توانائی تو و بر میدارد مرا و دلیر میگرداند مرا بر نافرمانی تو

حلمك عنّي ويدعوني إلى قلّة الحياء سترك عليّ ويسرعني إلى التوثّب على محارمك معرفتي بسعة

بردباری تو از من و میخواند مرا بسوی کم شرمی پرده تو بر من و شتاب آورد مرا بسوی دریافتن آنچه حرام کردی تو شناختن فراخی

رحمتك وعظيم عفوك يا حليم يا كريم يا حي يا قيوم يا غافر الذنب يا قابل التوب يا عظيم المن يا
رحمت تو و بزرگی عفو تو ای بردبار ای بزرگوار ای زنده ای توانا ای آمرزنده گناه ای پذیرنده توبه ای بزرگ عطا ای دیرینه

قديم الاحسان اين سترك الجميل اين عفوك الجليل اين فرجك القريب اين غياثك السريع
احسان کجاست پوشیدن نیکوی تو کجاست عفو تو بزرگ کجاست گشایش تو نزدیک کجاست فریادرسی شتابان

اين رحمتك الواسعة اين عطاياك الفاضلة اين مواهبك الهنيئة اين صنائعك السنية
کجاست رحمت تو فراخ کجاست عطاهای زیاد تو کجاست بخششهای گوارای تو کجاست کارهای بلند پایه تو

اين فضلك العظيم اين منك الجسيم اين احسانك القديم اين كرمك يا كريم به وبمحمد وآل محمد
کجاست عطای بزرگ تو کجاست احسان دیرینه تو کجاست کرم تو ای بزرگوار به آن و بمحمد و آل محمد

فاستنقذني وبرحمتك فخلصني يا محسن يا مجمل يا منعم يا مفضل لست اتكل في النجاة من عقابك
پس برهان مرا و برحمت خود پس خلاص ده مرا ای احسان کننده ای نیکی کننده ای نعمت دهنده ای بخشنده نیستم من که تکیه کرده باشم در نجات از عقاب

على اعمالنا بل بفضلك علينا لانك اهل التقوى واهل المغفرة تبدي بالاحسان نعما وتعفو عن
کردارهای خود بلکه بفضل تو ازانکه سزاوار پرهیزکاری و سزاوار آمرزشی ظاهر میکنی باحسان از روی نعمت و درمیگذری از

الذنب كرما فما ندري ما نشكر اجميل ما تنشر ام قبيح ما تستر ام عظيم ما ابليت واوليت ام
گناه از روی کرم پس نمیدانیم کدام را شکر کنیم آیا نیکی که منتشر میکنی یا زشتی که میپوشانی یا بزرگی آنکه عطا کنی و مهربانی

كثير ما منه نجيت وعافيت يا حبيب من تحبب اليك ويا قرة عين من لاذ بك وانقطع اليك انت
بسیاری آنچه رهانیدی و عافیت دادی ای دوست آنکه دوستی کند با تو و ای روشنی چشم آنکه پناه آورد بتو و بریده شد بسوی تو توئی

المحسن ونحن المسيئون فتجاوز يا رب عن قبيح ما عندنا بجميل ما عندك واي جهل يا رب لا يسعه
نیکوکار و مائیم بدکار پس درگذر ای پروردگار از زشتی آنچه نزد ماست بنیکی آنچه نزد تو هست و کدام نادانی ای پروردگار که فرا نگیرد او را

جودك او اي زمان اطول من اناتك وما قدر اعمالنا في جنب نعمك وكيف نستكثر اعمالا نقابل
جود تو و کدام زمانیکه درازتر است از مدارای تو و چیست قدر کردار ما در پهلوی نعمتهای تو و چگونه بسیار شماریم کردارها را که برابر نمایم

بها كرمك بل كيف يضيق على المذنبين ما وسعهم من رحمتك يا واسع المغفرة يا باسط
با آن کرم تو را بلکه چگونه تنگ میگیرد بر گناهکاران آنچه فرا گرفته ایشان را از رحمت خود ای فراگیرنده آمرزش ای گشاینده

اليدين بالرحمة فوعزتك يا سيدي لو انتهرتني ما برحت من بابك ولا كففت عن تملقك لما انتهى
دو دست برحمت پس قسم بعزت تو ای آقای من اگر برانی مرا جدا نشوم از درگاه تو و باز نایستم از تملق تو برای آنچه منتهی شد

الي من المعرفة بجودك وكرمك وانت الفاعل لما تشاء تعذب من تشاء بما تشاء كيف تشاء
بسوی من از شناختن بجود تو و کرم تو و توئی کننده مر آنچه میخواهی عذاب کنی هرکه را خواهی با آنچه خواهی بهر گونه که خواهی

وترحم من تشاء بما تشاء كيف تشاء ولا تسأل عن فعلك ولا تنازع في ملكك ولا تشارك
و رحم کنی هرکه را خواهی با آنچه خواهی بهر روش که خواهی و پرسیده نشوی از کردار تو و نزاع کرده نشوی در پادشاهی تو و شریک نشوی

في امرك ولا تضاد في حكمك ولا يعترض عليك احد في تدبيرك لك الخلق والامر تبارك الله
در کار خود و نه دشمن آورده شوی در حکم تو و نه اعتراض کند بر تو احدی در تدبیر تو مر تراست خلق و کار بزرگست خدا

رب العالمين يا رب هذا مقام من لاذ بك واستجار بكرمك وألف احسانك ونعمك وانت الجواد
پروردگار جهانیان ای پروردگار این مقام کسیکه پناه برد بتو و زنهار جسته بکرم تو و خو گرفته احسان ترا و نعمت ترا و توئی بخشنده

الَّذي لا يَضيقُ عَفْوُكَ وَلا يَنْقُصُ فَضْلُكَ وَلا تَقِلُّ رَحْمَتُكَ وَقَدْ تَوَثَّقْنا مِنْكَ بِالصَّفْحِ الْقَديمِ

وَالْفَضْلِ الْعَظيمِ وَالرَّحْمَةِ الْواسِعَةِ أَفَتُراكَ يا رَبِّ تُخْلِفُ ظُنُونَنا أَوْ تُخَيِّبُ آمالَنا كَلّا يا

كَريمُ فَلَيْسَ هذا ظَنَّنا بِكَ وَلا هذا طَمَعَنا فيكَ يا رَبِّ إِنَّ لَنا فيكَ أَمَلاً طَويلاً كَثيراً إِنَّ لَنا

فيكَ رَجاءً عَظيماً عَصَيْناكَ وَنَحْنُ نَرْجُو أَنْ تَسْتُرَ عَلَيْنا وَدَعَوْناكَ وَنَحْنُ نَرْجُو أَنْ تَسْتَجيبَ لَنا فَحَقِّقْ

رَجاءَنا يا مَوْلانا فَقَدْ عَلِمْنا ما نَسْتَوْجِبُ بِأَعْمالِنا وَلكِنْ عِلْمُكَ فينا وَعِلْمُنا بِأَنَّكَ لا تَصْرِفُنا عَنْكَ حَثَّنا

عَلَى الرَّغْبَةِ إِلَيْكَ وَإِنْ كُنّا غَيْرَ مُسْتَوْجِبينَ لِرَحْمَتِكَ فَأَنْتَ أَهْلٌ أَنْ تَجُودَ عَلَيْنا وَعَلَى الْمُذْنِبينَ بِفَضْلِ سَعَتِكَ

فَامْنُنْ عَلَيْنا بِما أَنْتَ أَهْلُهُ وَجُدْ عَلَيْنا فَإِنّا مُحْتاجُونَ إِلى نَيْلِكَ يا غَفّارُ بِنُورِكَ اهْتَدَيْنا وَبِفَضْلِكَ

اسْتَغْنَيْنا وَبِنِعْمَتِكَ أَصْبَحْنا وَأَمْسَيْنا ذُنُوبُنا بَيْنَ يَدَيْكَ نَسْتَغْفِرُكَ اللّهُمَّ مِنْها وَنَتُوبُ

إِلَيْكَ تَتَحَبَّبُ إِلَيْنا بِالنِّعَمِ وَنُعارِضُكَ بِالذُّنُوبِ خَيْرُكَ إِلَيْنا نازِلٌ وَشَرُّنا إِلَيْكَ صاعِدٌ

وَلَمْ يَزَلْ وَلا يَزالُ مَلَكٌ كَريمٌ يَأْتيكَ عَنّا في كُلِّ يَوْمٍ بِعَمَلٍ قَبيحٍ فَلا يَمْنَعُكَ ذلِكَ مِنْ أَنْ

تَحُوطَنا بِنِعَمِكَ وَتَتَفَضَّلَ عَلَيْنا بِآلائِكَ فَسُبْحانَكَ ما أَحْلَمَكَ وَأَعْظَمَكَ وَأَكْرَمَكَ مُبْدِئاً

وَمُعيداً تَقَدَّسَتْ أَسْماؤُكَ وَجَلَّ ثَناؤُكَ وَكَرُمَ صَنائِعُكَ وَفِعالُكَ أَنْتَ إِلهي أَوْسَعُ فَضْلاً وَ

أَعْظَمُ حِلْماً مِنْ أَنْ تُقايِسَني بِفِعْلي وَخَطيئَتي فَالْعَفْوَ الْعَفْوَ الْعَفْوَ سَيِّدي سَيِّدي سَيِّدي اللّهُمَّ اشْغَلْنا بِذِكْرِكَ

وَأَعِذْنا مِنْ سَخَطِكَ وَأَجِرْنا مِنْ عَذابِكَ وَارْزُقْنا مِنْ مَواهِبِكَ وَأَنْعِمْ عَلَيْنا مِنْ فَضْلِكَ وَارْزُقْنا

حَجَّ بَيْتِكَ وَزِيارَةَ قَبْرِ نَبِيِّكَ صَلَواتُكَ وَمَغْفِرَتُكَ وَرَحْمَتُكَ وَبَرَكاتُكَ وَرِضْوانُكَ عَلَيْهِ وَعَلى

أَهْلِ بَيْتِهِ إِنَّكَ قَريبٌ مُجيبٌ وَارْزُقْنا عَمَلاً بِطاعَتِكَ وَتَوَفَّنا عَلى مِلَّتِكَ وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللهُ

عَلَيْهِ وَآلِهِ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيراً وَاجْزِهِمَا بِالْإِحْسَانِ إِحْسَاناً وَ

بِالسَّيِّئَاتِ غُفْرَاناً اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ وَتَابِعْ بَيْنَنَا وَ

بَيْنَهُمْ بِالْخَيْرَاتِ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِحَيِّنَا وَمَيِّتِنَا وَشَاهِدِنَا وَغَائِبِنَا ذَكَرِنَا وَأُنْثَانَا صَغِيرِنَا وَكَبِيرِنَا

حُرِّنَا وَمَمْلُوكِنَا كَذَبَ الْعَادِلُونَ بِاللّٰهِ وَضَلُّوا ضَلَالاً بَعِيداً وَخَسِرُوا خُسْرَاناً مُبِيناً اَللّٰهُمَّ صَلِّ

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاخْتِمْ لِي بِخَيْرٍ وَاكْفِنِي مَا أَهَمَّنِي مِنْ أَمْرِ دُنْيَايَ وَآخِرَتِي وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيَّ مَنْ لَا

يَرْحَمُنِي وَاجْعَلْ عَلَيَّ مِنْكَ جُنَّةً وَاقِيَةً بَاقِيَةً وَلَا تَسْلُبْنِي صَالِحَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ وَارْزُقْنِي مِنْ

فَضْلِكَ رِزْقاً وَاسِعاً حَلَالاً طَيِّباً اَللّٰهُمَّ وَاحْرُسْنِي بِحِرَاسَتِكَ وَاحْفَظْنِي بِحِفْظِكَ وَاكْلَأْنِي

بِكِلَاءَتِكَ وَارْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي عَامِنَا هٰذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ وَزِيَارَةَ قَبْرِ نَبِيِّكَ وَالْأَئِمَّةِ عَلَيْهِمُ

السَّلَامُ وَلَا تُخْلِنِي يَا رَبِّ مِنْ تِلْكَ الْمَشَاهِدِ الشَّرِيفَةِ وَالْمَوَاقِفِ الْكَرِيمَةِ اَللّٰهُمَّ تُبْ عَلَيَّ حَتّٰى

لَا أَعْصِيَكَ وَأَلْهِمْنِي الْخَيْرَ وَالْعَمَلَ بِهِ وَخَشْيَتَكَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ أَبَداً مَا أَبْقَيْتَنِي يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ

اَللّٰهُمَّ إِنِّي كُلَّمَا قُلْتُ قَدْ تَهَيَّأْتُ وَتَعَبَّأْتُ وَقُمْتُ لِلصَّلٰوةِ بَيْنَ يَدَيْكَ وَنَاجَيْتُكَ أَلْقَيْتَ عَلَيَّ

نُعَاساً إِذَا أَنَا صَلَّيْتُ وَسَلَبْتَنِي مُنَاجَاتَكَ إِذَا أَنَا نَاجَيْتُ مَا لِي كُلَّمَا قُلْتُ قَدْ صَلُحَتْ سَرِيرَتِي

وَقَرُبَ مِنْ مَجَالِسِ التَّوَّابِينَ مَجْلِسِي عَرَضَتْ لِي بَلِيَّةٌ أَزَالَتْ قَدَمِي وَحَالَتْ بَيْنِي وَبَيْنَ خِدْمَتِكَ

سَيِّدِي لَعَلَّكَ عَنْ بَابِكَ طَرَدْتَنِي وَعَنْ خِدْمَتِكَ نَحَّيْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي مُسْتَخِفّاً بِحَقِّكَ

فَأَقْصَيْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي مُعْرِضاً عَنْكَ فَقَلَيْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ وَجَدْتَنِي فِي مَقَامِ الْكَاذِبِينَ فَرَفَضْتَنِي

أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي غَيْرَ شَاكِرٍ لِنَعْمَائِكَ فَحَرَمْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ فَقَدْتَنِي مِنْ مَجَالِسِ الْعُلَمَاءِ فَخَذَلْتَنِي

أو لعلك رأيتني في الغافلين فمن رحمتك آيستني أو لعلك رأيتني آلف مجالس البطالين
فبيني وبينهم خليتني أو لعلك لم تحب أن تسمع دعائي فباعدتني أو لعلك بجرمي وجريرتي
كافيتني أو لعلك بقلة حيائي منك جازيتني فإن عفوت يا رب فطال ما عفوت عن المذنبين
قبلي لأن كرمك أي رب يجل عن مجازاة المذنبين وحلمك يكبر عن مكافاة المقصرين وأنا عائذ
بفضلك هارب منك إليك متنجز ما وعدت من الصفح عمن أحسن بك ظنا إلهي أنت أوسع فضلا
وأعظم حلما من أن تقايسني بعملي أو أن تستزلني بخطيئتي وما أنا يا سيدي وما خطري هبني
بفضلك يا سيدي وتصدق علي بعفوك وجللني بسترك واعف عن توبيخي بكرم وجهك سيدي أنا
الصغير الذي ربيته وأنا الجاهل الذي علمته وأنا الضال الذي هديته وأنا الوضيع الذي
رفعته وأنا الخائف الذي آمنته وأنا الجائع الذي أشبعته والعطشان الذي أرويته
والعاري الذي كسوته والفقير الذي أغنيته والضعيف الذي قويته والذليل الذي أعززته
والسقيم الذي شفيته والسائل الذي أعطيته والمذنب الذي سترته والخاطئ الذي أقلته وأنا
القليل الذي كثرته والمستضعف الذي نصرته وأنا الطريد الذي آويته أنا يا رب
الذي لم أستحيك في الخلاء ولم أراقبك في الملاء أنا صاحب الدواهي العظمى أنا الذي على سيده
اجترى أنا الذي عصيت جبار السماء أنا الذي أعطيت على معاصي الجليل الرشى أنا الذي
حين بشرت بها خرجت إليها أسعى أنا الذي أمهلتني فما ارعويت وسترت علي فما استحييت
وعملت بالمعاصي فتعديت وأسقطتني من عينك فما باليت فبحلمك أمهلتني وبسترك

سترى حتّى كأنّك أغفلتني ومن عقوبات المعاصي جنّبتني حتّى كأنّك استحييتني إلهي لم أعصك

پوشیدی مرا که گویا تو واگذاشته مرا و از عقوبتهای گناهان دور کرده مرا تا گویا شرم کرده از من ای خدا نافرمانی نکردم ترا

حين عصيتك وأنا بربوبيّتك جاحد ولا بأمرك مستخفّ ولا لعقوبتك متعرّض ولا

هنگامیکه نافرمانی کردم ترا و من به پروردگاری تو انکار کننده ام و نه بامر تو سبک گیرنده و نه مر عقوبت ترا پیش آینده و نه

لوعيدك متهاون ولكن خطيئة عرضت وسوّلت لي نفسي وغلبني هواي وأعانني عليها

بوعده تو خوار دارنده ولیکن خطائی عارض شده و زینت داد مرا نفس من و غالب شد مرا خواهش من و یاری داد مرا بر او

شقوتي وغرّني سترك المرخى عليّ فقد عصيتك وخالفتك بجهدي فالآن من عذابك من

بدبختی من و فریب داد مرا پرده خود پس زیرا که نافرمانی کردم ترا و مخالفت نمودم ترا بجهد خود پس حالا از عذاب تو که برهاند

يستنقذني ومن أيدي الخصماء غداً من يخلّصني وبحبل من أتّصل إن أنت قطعت حبلك عنّي

مرا و از دستهای خصمان فردا که خلاص کند مرا و برشته که پیوند نمایم اگر تو ببری رشته خود را از من

فوا سوأتا على ما أحصى كتابك من عملي الّذي لولا ما أرجو من كرمك وسعة رحمتك ونهيك إيّاي

پس ای وای از آنچه بر شمرده کتاب تو از کردار من که اگر نه امید دارم از کرم تو و گشادگی رحمت تو و نهی تو مرا

عن القنوط لقنطت عندما أتذكّرها يا خير من دعاه داع وأفضل من رجاه راج اللّهمّ بذمّة

از ناامیدی هر آینه ناامید شوم نزد آنچه یاد کنم او را ای بهتر کسیکه خواند او را خواننده و بهتر کسیکه امید دارد او را امید دارنده خداوندا بامانت

الإسلام أتوسّل إليك وبحرمة القرآن أعتمد عليك وبحبّي للنّبيّ الأمّيّ القرشيّ الهاشميّ

اسلام توسل میجویم بتو و بحرمت قرآن اعتماد میکنم بر تو و بدوستی من مر پیغمبر امی قرشی هاشمی

العربيّ التّهاميّ المكّيّ المدنيّ أرجو الزّلفة لديك فلا توحش استيناس إيماني ولا تجعل

عربی تهامی مکی مدنی امید دارم نزدیکی نزد تو پس بوحشت میفکن انس مرا با ایمان من و مگردان

ثوابي ثواب من عبد سواك فإنّ قوماً آمنوا بألسنتهم ليحقنوا به دماءهم فأدركوا ما أمّلوا وإنّا

ثواب مرا پاداش آنکه پرستیده غیر ترا پس زیرا گروهی ایمان آوردند بزبانهای خود تا بازدارند بآن خونهاشان را پس یافتند آنچه امید داشتند و

آمنّا بك بألسنتنا وقلوبنا لتعفو عنّا فأدرك بنا ما أمّلنا وثبّت رجاءك في صدورنا

بدرستیکه ما ایمان آوردیم بتو بزبان خود و دلهای خود تا درگذری از ما پس برسان ما را بآنچه امید داریم و ثابت دار امید خود را در سینه های ما

ولا تزغ قلوبنا بعد إذ هديتنا وهب لنا من لدنك رحمة إنّك أنت الوهّاب فوعزّتك لو انتهرتني

و میل مده دلهای ما را پس از آنکه راهنمودی ما را و ببخش ما را از نزد خود رحمتی زیرا که توئی بخشنده پس قسم بعزت تو اگر براندی مرا

ما برحت من بابك ولا كففت عن تملّقك لما ألهم قلبي من المعرفة بكرمك وسعة رحمتك

جدا نمیشوم از درگاه تو و باز نمی ایستم از چاپلوسی تو بجهت آنکه الهام کرده شده دل من از شناختن بکرم تو و گشادگی رحمت تو

إلى من يذهب العبد إلّا إلى مولاه وإلى من يلتجئ المخلوق إلّا إلى خالقه إلهي لو قرنتني بالأصفاد

بسوی که برود بنده مگر بسوی آقای خود و بسوی آنکه پناه برد مخلوق مگر بسوی خالق خود ای خدا اگر به بند کنی مرا بزنجیرها

ومنعتني سيبك من بين الأشهاد ودللت على فضائحي عيون العباد وأمرت بي إلى النّار وحلت

و باز داری مرا عطای خود از میان گواهان و راهنمودی بر رسوائی من دیدهای بندگان و امر کنی مرا بآتش و حایل شوی

بيني وبين الأبرار ما قطعت رجائي منك وما صرفت وجه تأميلي للعفو عنك ولا خرج حبّك

میان من و میان نیکان بریده نشود امید من از تو و نمیگردانم روی امید داشتن مرا عفو از تو و بیرون نرود دوستی تو

عن قلبي انا لا انسى اياديك عندي وسترك عليّ في دار الدنيا يا سيدي صلّ على محمد وآل محمد

واخرج حبّ الدنيا من قلبي واجمع بيني وبين المصطفى وآله خيرتك من خلقك وخاتم النبيين

محمد صلى الله عليه وآله وانقلني الى درجة التوبة اليك واعنّي بالبكاء على نفسي فقد

افنيت بالتسويف والآمال عمري وقد نزلت منزلة الآيسين من خيري فمن يكون اسوأ حالاً مني

ان انا نقلت على مثل حالي الى قبري لم امهّده لرقدتي ولم افرشه بالعمل الصالح لضجعتي ومالي

لا ابكي ولا ادري الى ما يكون مصيري وارى نفسي تخادعني وايامي تخاتلني وقد خفقت عند

رأسي اجنحة الموت فما لي لا ابكي ابكي لخروج نفسي ابكي لظلمة قبري ابكي لضيق لحدي ابكي

لسؤال منكر ونكير اياي ابكي لخروجي من قبري عرياناً ذليلاً حاملاً ثقلي على ظهري انظر

مرة عن يميني واخرى عن شمالي اذ الخلائق في شأن غير شأني لكل امرء منهم يومئذ شأن يغنيه وجوه

يومئذ مسفرة ضاحكة مستبشرة ووجوه يومئذ عليها غبرة ترهقها قترة وذلة سيدي

عليك معوّلي ومعتمدي ورجائي وتوكلي وبرحمتك تعلقي تصيب برحمتك من تشاء وتهدي

بكرامتك من تحب فلك الحمد على ما نقّيت من الشرك قلبي ولك الحمد على بسط لساني افبلساني

هذا الكالّ اشكرك ام بغاية جهدي في عملي ارضيك وما قدر لساني يا رب في جنب شكرك وما

قدر عملي في جنب نعمك واحسانك الا ان جودك بسط املي وشكرك قبل عملي سيدي اليك

رغبتي ومنك رهبتي واليك تأميلي وقد ساقني اليك املي وعليك يا واحدي عكفت همتي وفيما

عندك انبسطت رغبتي ولك خالص رجائي وخوفي وبك انست محبتي واليك القيت بيدي

فوق

وبجميل طاعتك تلذّذت رهبتي يا مولاي بذكرك عاش قلبي وبمناجاتك برّدت ألم الخوف عنّي فيا مولاي و

و بر بسته فرمان برداری تو باز داشتم ترس خود را ای آقای من یاد تو زنده گردد دل من و براز گوئی تو سرد کردم الم ترس را از خود پس ای آقای من

يا مؤمّلي ويا منتهى سؤلي صلّ على محمّد وآل محمّد وفرّق بيني وبين ذنبي المانع لي من لزوم طاعتك

ای امید من و ای منتهی خواسته من رحمت فرست بر محمد و آل محمد و جدائی انداز میان من و میان گناه باز دارنده از لزوم طاعت خود

فإنّما أسئلك لقديم الرجاء فيك وخوفي إليك وعظيم الطمع منك الّذي أوجبته على نفسك

پس سؤال میکنم ترا بر دیرینه امید در تو و ترس من بسوی تو و بزرگی طمع از تو که وجب کرده او را بر خود

من الرأفة والرحمة والأمر لك وحدك لا شريك لك والخلق كلّهم عيالك وفي قبضتك وكلّ

از مهربانی و رحمت و امر مر ترا یگانه نیست شریکی مر ترا و خلق همه ایشان عیال تواند و در قبضه تو و هر

شيء خاضع لك تباركت يا ربّ العالمين إلهي ارحمني إذا انقطعت حجّتي وكلّ عن جوابك لساني

چیزی منقاد است مر ترا بزرگی تو ای پروردگار جهانیان خدایا رحم کن مرا هر گاه بریده شود حجت من و کند شود از جواب تو زبان من

وطاش عند سؤالك إيّاي لبّي فيا عظيم رجائي لا تخيّبني إذا اشتدّت فاقتي إليك ولا تردّني

و سبکشود نزد سؤال تو مرا عقل من پس ای بزرگ امید من ناامید مکن مرا هر گاه سخت شود احتیاج من و بر مگردان مرا

بجهلي ولا تمنعني لقلّة صبري أعطني لفقري وارحمني لضعفي سيّدي عليك معتمدي ومعوّلي

بنادانی خود و باز دار مرا برای کمی صبر من بده مرا برای فقر من و رحم کن مرا برای ناتوانی خود سید من بر تست اعتماد من و

ورجائي وتوكّلي وبرحمتك تعلّقي وبفنائك أحطّ رحلي وبجودك أقصد طلبتي وبكرمك

امید من و توکل من و برحمت تو در آویختن من و بفنای تو فرود آوردم بار خود را و بجود تو طلب میکنم و بکرم تو

أي ربّ أستفتح دعائي ولديك أرجو فاقتي وبغناك أجبر عيلتي وتحت ظلّ عفوك قيامي وإلى

ای پروردگار من میگشایم دعای خود را و نزد تو امید دارم حاجت خود را و بتوانگری خود درویشی خود را و در زیر سایه عفو تو و بسوی

جودك وكرمك أرفع بصري وإلى معروفك أديم نظري فلا تحرقني بالنار وأنت موضع أملي ولا

جود تو و کرم تو بر میدارم دیده خود را بسوی شناختن تو همیشه امید میدارم پس مسوزان مرا بآتش و تو قرارگاه آرزوی منی و

تسكنّي الهاوية فإنّك قرّة عيني يا سيّدي لا تكذّب ظنّي بإحسانك ومعروفك فإنّك ثقتي ورجائي

ساکن مکن مرا در هاویه پس بدرستیکه تو روشنی دیده منی ای سید من غلط مساز گمان مرا باحسان خود پس بدرستیکه تو معتمد منی و امید منی

ولا تحرمني ثوابك فإنّك العارف بفقري إلهي إن كان قد دنا أجلي ولم يقرّبني منك عملي فقد جعلت

و محروم مکن مرا از ثواب خود که تو شناسائی بفقر من الهی اگر باشد که نزدیک رسید مدت من و نزدیک نکند مرا از تو کردار من پس بدرستیکه گردانیدم

الاعتراف إليك بذنبي وسائل علَلي إلهي إن عفوت فمن أولى منك بالعفو وإن عذّبت فمن

اقرار بتو بگناه خود و وسیلهای من الهی اگر درگذری پس کیست سزاوارتر از تو بدرگذشتن و اگر عذاب کنی پس کیست

أعدل منك في الحكم اللّهمّ ارحم في هذه الدنيا غربتي وعند الموت كربتي وفي القبر وحدتي وفي

عادلتر از تو در حکم خداوندا رحم کن در این دنیا غربت مرا و نزد مرگ اندوه مرا و در قبر وحدت مرا و در

اللحد وحشتي وإذا نشرت للحساب بين يديك ذلّ موقفي واغفر لي ما خفي على الآدميّين من عملي

لحد وحشت مرا و چون برانگیخته شوم مر حساب پیش از تو خواری ایستادنم و بیامرز مرا آنچه نهانست بر آدمیان از کردارم

وأدم لي ما به سترتني وارحمني صريعاً على الفراش تقلّبني أيدي أحبّتي وتفضّل عليّ ممدوداً على

و همیشه دار بآنچه پوشانیدی مرا و رحم کن مرا که نقش گردم بر فراش دستهای دوستانم و بخشش کن بر من که کشیده باشم

المغتسل یغسلنی صالح جیرتی وتحنو علی محمولا قد تناول الأقرباء أطراف جنازتی وجد علی

[illegible] خویشان اطراف جنازه مرا و بخشش کن بر من

منقولا قد نزلت بك وحیدا فی حفرتی وارحم فی ذلك البیت الجدید غربتی حتی لا أستأنس بغیرك

[illegible] که فرود آمدم بتو تنها در گودال خود و رحم کن در این خانه نو بیکسی مرا تا انس نگیرم بغیر تو

یا سیدی فإنك إن وكلتنی إلی نفسی هلكت سیدی فبمن أستغیث إن لم تقلنی عثرتی وإلی من أفزع إن

ای سید من پس بدرستیکه تو اگر واگذاری مرا بخود هلاک شوم سید من پس بکه استغاثه کنم اگر در نگذری لغزش مرا و بسوی که پناه برم اگر

فقدت عنایتك فی ضجعتی وإلی من ألتجئ إن لم تنفس كربتی سیدی من لی ومن یرحمنی إن لم ترحمنی و

نیابم عنایت ترا در خوابگاه خود و بسوی که پناه برم اگر زائل نکنی اندوه مرا سید من کیست مرا و هر که رحم نکند مرا اگر رحم نکنی مرا و

فضل من أؤمل إن عدمت فضلك یوم فاقتی وإلی من الفرار من الذنوب إذا انقضی أجلی سیدی

فضل که امید دارم اگر نیابم فضل خود را روز فاقه خود و بسوی که گریزم از گناهان هرگاه تمام شود مدت من سید من

لا تعذبنی وأنا أرجوك إلهی حقق رجائی وآمن خوفی فإن كثرة ذنوبی لا أرجو فیها إلا عفوك

عذاب مکن مرا و من امید دارم ترا خدایا ثابت دار امید مرا و ایمن کن از ترس مرا پس بدرستیکه بسیاری گناه خود امید ندارم مگر عفو تو

سیدی أنا أسألك ما لا أستحق وأنت أهل التقوی وأهل المغفرة فاغفر لی وألبسنی من نظرك

سید من میخواهم ترا آنچه سزاوار نیستم و توئی سزاوار پرهیزکاری و سزاوار آمرزش پس بیامرز مرا و بپوشان مرا از نظر خود

ثوبا یغطی علی التبعات وتغفرها لی ولا أطالب بها إنك ذو من قدیم وصفح عظیم

جامه که بپوشد بر من گناهان و بیامرزی آنرا و بازخواست نکنی از آن که تو خداوند انعامی دیرینه بزرگ

وتجاوز كریم إلهی أنت الذی تفیض سیبك علی من لا یسألك وعلی الجاحدین بربوبیتك

و تجاوز بزرگ خدایا توئی آنکه برسانی عطای خود را بر آنکه سؤال نکند ترا و انکار کنندگان پروردگاری تو

فكیف سیدی بمن سألك وأیقن أن الخلق لك والأمر إلیك تباركت وتعالیت یا رب العالمین

پس چگونه سید من بآنکه سؤال کند ترا و یقین دارد که خلق از آن تست و امر بسوی تست بزرگواری و برتری ای پروردگار جهانیان

إلهی وسیدی عبدك ببابك أقامته الخصاصة بین یدیك یقرع باب إحسانك بدعائه و

خدایا و سید من بنده تو بدرگاه تو ایستاده احتیاج در پیش روی تو میکوبد در احسان ترا بدعای او

یستعطف جمیل نظرك بمكنون رجائه فلا تعرض بوجهك الكریم عنی واقبل منی ما أقول

و طلب مهربانی میکند نگریستن بپوشیده امیداو پس گردان روی بزرگوار خود را از من و بپذیر از من آنچه میگویم

فقد دعوت بهذا الدعاء وأنا أرجو أن لا تردنی معرفة منی برأفتك ورحمتك إلهی أنت الذی

پس بتحقیق که خواندم این دعا و من امید دارم که بر نگردانی مرا شناختن مرا مهربانی خود و رحمت خود خدایا توئی که

لا یحفیك سائل ولا ینقصك نائل أنت كما تقول وفوق ما نقول اللهم إنی أسألك

عاجز نکند سؤال کننده ترا و کم نکند از تو عطای تو چنانکه میگوئی و برتر از آنچه میگوئیم خداوندا که سؤال میکنم ترا

صبرا جمیلا وفرجا قریبا وقولا صادقا وأجرا عظیما أسألك یا رب من الخیر كله ما علمت منه و

صبر نیکو و فرجی نزدیک و گفتار راست و مزد بزرگ درمیخواهم ترا ای پروردگار از نیکی همه آنچه دانستم از آن و

ما لم أعلم أسألك اللهم من خیر ما سألك منه عبادك الصالحون یا خیر من سئل وأجود من أعطی

آنچه ندانستم درمیخواهم ترا خداوندا از نیکی آنچه سؤال کردند از آن بندگان شایسته تو ای بهتر آنکه سؤال کرده شود و بخشنده تر آنکه عطا کند

بعزتك

اعطنی سؤلی فی نفسی واهلی وولدی ووالدیّ واهل خزانتی واخوانی فیک وارغد عیشی واظهر
مروّتی واصلح جمیع احوالی واجعلنی ممّن اطلت عمره وحسّنت عمله واتممت علیه نعمتک و
رضیت عنه واحییته حیوة طیّبة فی ادوم السرور واسبغ الکرامة واتمّ العیش انّک تفعل
ما تشاء ولا یفعل ما یشاء غیرک اللّهمّ وخصّنی منک بخاصّة ذکرک ولا تجعل شیئا ممّا اتقرّب
به فی آناء اللّیل واطراف النّهار ریاء ولا سمعة ولا اشرا ولا بطرا واجعلنی لک من الخاشعین
اللّهمّ اعطنی السّعة فی الرّزق والامن فی الوطن وقرّة العین فی الاهل والمال والولد والمقام
فی نعمک عندی والصّحّة فی الجسم والقوّة فی البدن والسّلامة فی الدّین واستعملنی بطاعتک
وطاعة رسولک محمّد واهل بیته صلّی اللّه علیه وآله ابدا ما استعمرتنی واجعلنی من اوفر
عبادک عندک نصیبا فی کلّ خیر انزلته وتنزله فی شهر رمضان فی لیلة القدر وما انت
منزله فی کلّ سنة من رحمة تنشرها وعافیة تلبسها وبلیّة تدفعها وحسنات تتقبّلها و
سیّئات تتجاوز عنها وارزقنی حجّ بیتک الحرام فی عامنا هذا وفی کلّ عام وارزقنی رزقا
واسعا من فضلک الواسع واصرف عنّی یا سیّدی الاسواء واقض عنّی الدّین والظّلامات حتّی
لا اتاذّی بشیء منه وخذ عنّی باسماع وابصار اعدائی وحسّادی والباغین علیّ وانصرنی
علیهم واقرّ عینی وحقّق ظنّی وفرّج قلبی واجعل لی من همّی وکربی فرجا ومخرجا واجعل
من ارادنی بسوء من جمیع خلقک تحت قدمیّ واکفنی شرّ الشّیطان وشرّ السّلطان وسیّئات عملی و
طهّرنی من الذّنوب کلّها واجرنی من النّار بعفوک وادخلنی الجنّة برحمتک وزوّجنی من

الحور العين بفضلك وألحقني بأوليائك الصالحين محمد وآله الأبرار الطيبين الطاهرين الأخيار

صلواتك عليهم وعلى أرواحهم وأجسادهم ورحمة الله وبركاته إلهي وسيدي وعزتك و

جلالك لئن طالبتني بذنوبي لأطالبنك بعفوك ولئن طالبتني بلؤمي لأطالبنك بكرمك

ولئن أدخلتني النار لأخبرن أهل النار بحبي لك إلهي وسيدي إن كنت لا تغفر إلا لأوليائك

وأهل طاعتك فإلى من يفزع المذنبون وإن كنت لا تكرم إلا أهل الوفاء بك فبمن يستغيث

المسيئون إلهي إن أدخلتني النار ففي ذلك سرور عدوك وإن أدخلتني الجنة ففي ذلك سرور

نبيك وأنا والله أعلم أن سرور نبيك أحب إليك من سرور عدوك اللهم إني أسألك أن

تملأ قلبي حباً لك وخشية منك وتصديقاً بكتابك وإيماناً بك وفرقاً منك وشوقاً إليك

يا ذا الجلال والإكرام حبب إلي لقاءك وأحبب لقائي واجعل لي في لقائك الراحة والفرج

والكرامة اللهم ألحقني بصالح من مضى واجعلني من صالح من بقي وخذ بي سبيل الصالحين

وأعني على نفسي بما تعين به الصالحين على أنفسهم واختم عملي بأحسنه واجعل

ثوابي منه الجنة برحمتك يا رب العالمين وأعني على صالح ما أعطيتني وثبتني يا رب ولا

تردني في سوء استنقذتني منه اللهم إني أسألك إيماناً لا أجل له دون لقائك أحيني ما

أحييتني عليه وتوفني إذا توفيتني عليه وابعثني إذا بعثتني عليه وأبرئ قلبي من الرياء

والشك والسمعة في دينك حتى يكون عملي خالصاً لك اللهم أعطني بصيرة في دينك وفهماً

في حكمك وفقهاً في علمك وكفلين من رحمتك وورعاً يحجزني عن معاصيك وبيض وجهي

بنورك واجعل رغبتي فيما عندك وتوفني في سبيلك وعلى ملة رسولك صلى الله عليه

وآله اللهم اني اعوذ بك من الكسل والفشل والهم والجبن والبخل والغفلة والقسوة و

الذلة والمسكنة والفقر والفاقة وكل بلية والفواحش ما ظهر منها وما بطن واعوذ

بك من نفس لا تقنع وبطن لا يشبع وقلب لا يخشع ودعاء لا يسمع وعمل لا ينفع وصلوة

لا ترفع واعوذ بك يا رب على نفسي وولدي وديني ومالي وعلى جميع ما رزقتني من الشيطان

الرجيم انك انت السميع العليم اللهم انه لا يجيرني منك احد ولا اجد من دونك ملتحدا فلا

تجعل نفسي في شيء من عذابك ولا تردني بهلكة ولا تردني بعذاب اليم اللهم تقبل مني واعل

ذكري وارفع درجتي وحط وزري ولا تذكرني بخطيئتي واجعل ثواب مجلسي وثواب منطقي

وثواب دعائي رضاك عني والجنة واعطني يا رب جميع ما سألتك وزدني من فضلك اني

اليك راغب يا رب العالمين اللهم انك انزلت في كتابك العفو وامرتنا ان نعفو عمن ظلمنا

وقد ظلمنا انفسنا فاعف عنا فانك اولى بذلك منا وامرتنا ان لا نرد سائلا عن ابوابنا

وقد جئتك سائلا فلا تردني الا بقضاء حاجتي وامرتنا بالاحسان الى ما ملكت ايماننا ونحن

ارقاؤك فاعتق رقابنا من النار يا مفزعي عند كربتي ويا غوثي عند شدتي اليك فزعت وبك

استغثت وبك لذت لا الوذ بسواك ولا اطلب الفرج الا منك فاغثني وفرج عني يا من يقبل

اليسير ويعفو عن الكثير اقبل مني اليسير واعف عني الكثير انك انت الغفور الرحيم اللهم اني اسألك

ايمانا تباشر به قلبي ويقينا صادقا حتى اعلم انه لن يصيبني الا ما كتبت لي ورضني من العيش بما

والحزن

یا ارحم الراحمین و مختصرترین دعاها یا مفزعی عند کربتی و یا غوثی عند شدتی الیک فزعت
ای رحم کننده‌ترین رحیمان سحر این است ای پناه من نزد اندوه من و ای فریادرس من نزد سختی من بتو فزع میکنم

و بک استغثت و بک لذت لا الوذ بسواک و لا اطلب الفرج الا منک فاغثنی و فرج عنی یا من
و بتو استغاثه نمودم و بتو پناه بردم پناه نمیبرم بغیر تو و طلب نمیکنم گشایش را مگر از تو پس فریادرس مرا و گشایش کن از من ای آنکه

یقبل الیسیر و یعفو عن الکثیر اقبل منی الیسیر و اعف عنی الکثیر انک انت الغفور الرحیم
می‌پذیرد اندک را و در میگذرد از بسیار بپذیر از من اندک را و درگذر از من بسیار را بدرستیکه توئی آمرزنده مهربان

اللهم انی اسئلک ایمانا تباشر به قلبی و یقینا حتی اعلم انه لن یصیبنی الا ما کتبت لی و رضنی
خداوندا بدرستیکه میخواهم ترا ایمانی که مباشر گردد با دلم را و یقین را تا بدانم آنکه او نمیرسد مرا مگر آنچه نوشته مرا و خشنود ساز مرا

من العیش بما قسمت لی یا ارحم الراحمین یا عدتی فی کربتی و یا صاحبی فی شدتی و یا ولیی فی
از زندگانی بآنچه قسمت کردی مرا ای رحم‌کننده‌ترین رحیمان ای ذخیره من در اندوه من و ای یار من در سختی من و ای دوست من در

نعمتی و یا غایتی فی رغبتی انت الساتر عورتی و الآمن روعتی و المقیل عثرتی فاغفر لی
نعمت من و ای نهایت من در خواهش من توئی پوشاننده عورت من و ایمنی ترس مرا و درگذرنده لغزش مرا پس بیامرز مرا

خطیئتی یا ارحم الراحمین و اما دعاهای هر روز ماه مبارک رمضان بسند معتبر منقول است که حضرت
گناهان مرا ای رحیم‌ترین رحیمان امام زین العابدین و امام محمد باقر علیهما السلام در هر روز این ماه مبارک این

دعا را می‌خواندند اللهم هذا شهر رمضان الذی انزلت فیه القرآن هدی للناس و بینات
خداوندا اینست ماه رمضان که فرستادی در آن قرآن را رهنما مردمان را و معجزها

من الهدی و الفرقان و هذا شهر الصیام و هذا شهر القیام و هذا شهر الانابة و هذا شهر
از هدایت و جدا کننده و اینست ماه روزه و اینست ماه ایستادگان و اینست ماه بازگشت و اینست ماه

التوبة و هذا شهر المغفرة و هذا شهر الرحمة و هذا شهر العتق من النار و الفوز بالجنة
توبه و اینست ماه آمرزش و اینست ماه رحمت و اینست ماه آزادی از آتش و فیروزی به بهشت

و هذا شهر فیه لیلة القدر التی هی خیر من الف شهر اللهم فصل علی محمد و آل محمد و اعنی
و این ماهیست که در آن شب قدر است که او بهتر است از هزار ماه خداوندا پس درود فرست بر محمد و آل محمد و یاری کن مرا

علی صیامه و قیامه و سلمه لی و سلمنی فیه و اعنی علیه بافضل عونک و وفقنی فیه لطاعتک
بر روزه آن و ایستادن آن و سالم دار او را برای من و سالم دار مرا در آن و یاری کن مرا بر او به بهترین یاری تو و توفیق ده مرا در آن بطاعت خود

و طاعة رسولک و اولیائک صلوات الله علیهم و فرغنی فیه لعبادتک و دعائک و تلاوة
و فرمانبرداری رسول تو و دوستان تو رحمت خدا بر ایشان و فارغ گردان مرا در آن برای عبادت تو و خواندن تو و تلاوت کردن

کتابک و عظم لی فیه البرکة و احسن لی فیه العافیة و اصح لی فیه بدنی و اوسع فیه رزقی
کتاب تو و بزرگ گردان برای من در آن برکت و نیکو گردان برای من در آن عافیت و سالم دار در آن بدنم را و وسعت ده روزی مرا در آن

و اکفنی فیه ما اهمنی و استجب فیه دعائی و بلغنی فیه رجائی اللهم صل علی محمد و آل محمد
و دفع کن آنچه غمگین سازد مرا و بپذیر دعای مرا و برسان مرا در آن امید من خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد

و اذهب عنی فیه النعاس و الکسل و السأمة و الفترة و القسوة و الغفلة و الغرة و جنبنی فیه
و ببر از من در این ماه پینکی و کسالت و سستی و سخت دلی و بیخبری و فریفتگی و دور کن مرا در این ماه

العلل

العلل والاسقام والهموم والاحزان والاعراض والامراض والخطايا والذنوب واصرف عني

بیماری و اندوه و غمها و عراض و امراض و خطاها و گناهان و بگردان از من

فيه السوء والفحشاء والجهد والبلاء والتعب والعناء انك سميع الدعاء اللهم صل على

در این ماه بدی و کار زشت و جهد و بلا و تعب و رنج بدرستیکه تو شنوای دعا خداوندا درود فرست بر

محمد وآل محمد واعذني فيه من الشيطان الرجيم وهمزه ولمزه ونفثه ونفخه ووسوسته وتثبيطه

محمد و آل محمد و پناه ده مرا در این ماه از دیو رانده شده و بدگوئی و عیب جوئی او و دمیدن او و وسوسه او و کاهلی او

وبطشه وكيده ومكره وحبائله وخدعه وامانيه وغروره وفتنته وشركه واحزابه

و حمله کردن او و کید او و مکر او و حیله او و دام او و فریب او و آرزو دادن او و فریبندگی او و آشوب او و شرک او و احزاب او

واتباعه واشياعه واوليائه وشركائه وجميع مكائده اللهم صل على محمد وآل محمد وارزقنا

و اتباع او و پیروان او و دوستان او و شریکان او و همه حیلهای او خداوندا درود فرست بر محمد و آل محمد و روزی کن ما را

قيامه وصيامه وبلوغ الامل فيه وفي قيامه واستكمال ما يرضيك عني صبرا واحتسابا وايمانا

ایستادن او و روزه او و رسیدن آرزو در آن و در ایستادن او و تمامی آنچه خوشنود سازد ترا از من شکیبائی و خلوص نیت و ایمان

ويقينا ثم تقبل ذلك مني بالاضعاف الكثيرة والاجر العظيم يا رب العالمين اللهم صل على محمد

و یقین پس بپذیر آن را از من بزیادتیهای بسیار و مزد بزرگ ای پروردگار جهانیان خداوندا رحمت فرست بر محمد

وآل محمد وارزقني الحج والعمرة والجد والاجتهاد والقوة والنشاط والانابة والتوبة و

و آل محمد و روزی کن مرا حج و عمره و سعی و کوشش و توانائی و نشاط و بازگشت و توبه

التوفيق والقربة والخير المقبول والرهبة والرغبة والتضرع والخشوع والرقة و

و توفیق و قربت و خیر پذیرفته و ترس و خواهش و زاری و فروتنی و نازکی و

النية الصادقة وصدق اللسان والوجل منك والرجاء لك والتوكل عليك والثقة

و عزیمت راست و راستی زبان و ترس از تو و امید مر ترا و توکل بر تو و اعتماد

بك والورع عن محارمك مع صالح القول ومقبول السعي ومرفوع العمل ومستجاب الدعوة

بتو و ترس از محرمات تو با شایسته گفتار و پذیرفتن سعی و بالا بردن عمل و پذیرفتن دعا

ولا تحل بيني وبين شيء من ذلك بعرض ولا مرض ولا هم ولا غم ولا سقم ولا غفلة ولا نسيان

و حایل مکن میان من و میان چیزی از این بحادثه و نه بیماری و نه هم و نه غم و نه بیماری و نه بیخبری و نه نسیان

بل بالتعاهد والتحفظ لك وفيك والرعاية لحقك والوفاء بعهدك ووعدك برحمتك

بلکه معاهده کن با من و ملاحظه کردن مر ترا و در تو و رعایت در حق تو و وفاء بعهد تو و وعده تو برحمت تو

يا ارحم الراحمين اللهم صل على محمد وآل محمد واقسم لي فيه افضل ما تقسمه لعبادك الصالحين

ای رحیم‌ترین رحیمان خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و قسمت کن مرا در این ماه بهتر از آنچه قسمت کردی بندگان شایسته را

واعطني فيه افضل ما تعطي اولياءك المقربين من الرحمة والمغفرة والتحنن والاجابة

و عطا کن مرا در این ماه بهتر از آنچه عطا کرده دوستان نزدیک خود را از رحمت و آمرزش و مهربانی و اجابت

والعفو والمغفرة الدائمة والعافية والمعافاة والعتق من النار والفوز بالجنة وخير الدنيا

و درگذشتن و آمرزش دائمی و عافیت و معافات و آزادی از آتش و فیروزی به بهشت و خیر دنیا

والاخ

والآخرة اللهم صل على محمد وآل محمد واجعل دعائي فيه إليك واصلا ورحمتك و
خيرك إلي فيه نازلا وعملي فيه مقبولا وسعيي فيه مشكورا وذنبي فيه مغفورا حتى يكون
نصيبي الأكبر وحظي فيه الأوفر اللهم صل على محمد وآل محمد ووفقني فيه لليلة القدر
على أفضل حال تحب أن يكون عليها أحد من أوليائك وأرضاها لك ثم اجعلها
لي خيرا من ألف شهر وارزقني فيها أفضل ما رزقت أحدا ممن بلغته إياها وأكرمته بها
واجعلني فيها من عتقائك من جهنم وطلقائك من النار وسعداء خلقك بمغفرتك ورضوانك
يا أرحم الراحمين اللهم صل على محمد وآل محمد وارزقنا في شهرنا هذا الجد والاجتهاد و
القوة والنشاط وما تحب وترضى اللهم رب الفجر وليال عشر والشفع والوتر ورب شهر رمضان
وما أنزلت فيه من القرآن ورب جبرئيل وميكائيل وإسرافيل وجميع الملائكة المقربين
ورب إبراهيم وإسمعيل وإسحق ويعقوب ورب موسى وعيسى وجميع النبيين والمرسلين ورب
محمد خاتم النبيين صلواتك عليه وعليهم أجمعين وأسألك بحقهم عليك وبحقك
العظيم عليهم لما صليت عليه وآله وعليهم أجمعين ونظرت إلي نظرة رحيمة ترضى بها
عني رضى لا سخط علي بعده أبدا وأعطيتني جميع سؤلي ورغبتي وأمنيتي وإرادتي وصرفت
عني ما أكره وأحذر وأخاف على نفسي وما لا أخاف وعن أهلي ومالي وإخواني و
ذريتي اللهم إليك فررنا من ذنوبنا فآونا تائبين وتب علينا مستغفرين واغفر لنا
متعوذين وأعذنا مستجيرين وأجرنا مستسلمين ولا تخذلنا راهبين وآمنا راغبين وشفعنا

سائلين

سائلين واعطنا انك سميع الدعاء قريب مجيب اللهم انت ربي وانا عبدك واحق

من سئل العبد ربه ولم يسئل العباد مثلك كرماً وجوداً يا موضع شكوى السائلين

ويا منتهى حاجة الراغبين ويا غياث المستغيثين ويا مجيب دعوة المضطرين ويا ملجأ

الهاربين ويا صريخ المستصرخين ويا رب المستضعفين ويا كاشف كرب المكروبين ويا

فارج هم المهمومين ويا كاشف الكرب العظيم يا الله يا رحمن يا رحيم يا ارحم الراحمين صل على

محمد وآل محمد واغفر لي ذنوبي وعيوبي واسائتي وظلمي وجرمي واسرافي على نفسي وارزقني

من فضلك ورحمتك فانه لا يملكها غيرك واعف عني واغفر لي كل ما سلف من ذنوبي

واعصمني فيما بقي من عمري واستر علي وعلى والدي وولدي وقرابتي واهل حزانتي ومن كان

مني بسبيل من المؤمنين والمؤمنات في الدنيا والآخرة فان ذلك كله بيدك وانت واسع

المغفرة فلا تخيبني يا سيدي ولا ترد دعائي ولا يدي الى نحري حتى تفعل ذلك بي وتستجيب

لي جميع ما سئلتك وتزيدني من فضلك فانك على كل شيء قدير ونحن اليك راغبون

اللهم لك الاسماء الحسنى والامثال العليا والكبرياء والآلاء اسئلك باسمك

بسم الله الرحمن الرحيم ان كنت قضيت في هذه الليلة تنزل الملائكة والروح فيها ان تصلي

على محمد وآل محمد وان تجعل اسمي في السعداء وروحي مع الشهداء واحساني في عليين

واسائتي مغفورة وان تهب لي يقيناً تباشر به قلبي وايماناً لا يشوبه شك ورضاً بما قسمت لي وآتني

في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقني عذاب النار وان لم تكن قضيت في هذه الليلة

تنزل الملائكة والروح فيها فاخرني الى ذلك وارزقني فيها ذكرك وشكرك وطاعتك
وحسن عبادتك فصل على محمد وال محمد بافضل صلواتك يا ارحم الراحمين يا احد يا
صمد يا رب محمد وال محمد اغضب اليوم لمحمد ولابرار عترته واقتل اعداءهم بددا واحصهم
عددا ولا تدع على ظهر الارض منهم احدا ولا تغفر لهم ابدا يا حسن الصحبة يا خليفة
النبيين انت ارحم الراحمين البدئ البديع الذي ليس كمثله شئ والدائم غير الغافل والحي الذي
لا يموت انت كل يوم في شأن انت خليفة محمد وناصر محمد ومفضل محمد اسئلك ان تنصر وصي
محمد وخليفة محمد والقائم بالقسط من اوصياء محمد صلواتك عليه وعليهم اعطف
عليهم نصرك يا لا اله الا انت بحق لا اله الا انت صل على محمد وال محمد واجعلني معهم
في الدنيا والاخرة واجعل عاقبة امري الى غفرانك ورحمتك يا ارحم الراحمين وكذلك نسبت
نفسك يا سيدي باللطيف بلى انك لطيف فصل على محمد وال محمد والطف لي انك لطيف
لما تشاء اللهم صل على محمد وال محمد وارزقني الحج والعمرة في عامنا هذا وفي كل
عام وتطول على بجميع حوائج الدنيا والاخرة پس سه بار بگوید استغفر الله ربي واتوب اليه
ان ربي قريب مجيب استغفر الله ربي واتوب اليه ان ربي رحيم ودود استغفر الله ربي واتوب غفور رحيم
اليه انه كان غفارا اللهم اغفر لي انك ارحم الراحمين رب اني عملت سوءا وظلمت نفسي
فاغفر لي انه لا يغفر الذنوب الا انت استغفر الله الذي لا اله الا هو الحي القيوم الحليم
العظيم الكريم الغفار للذنب العظيم واتوب اليه استغفر الله ان الله كان غفورا رحيما.

پس بگو اللّهمّ انّي اسئلك ان تصلّي على محمّد وآل محمّد وان تجعل فيما تقضي وتقدّر من الامر

العظيم المحتوم من القضاء الذي لا يردّ ولا يبدّل ان تكتبني من حجّاج بيتك الحرام المبرور حجّهم

المشكور سعيهم المغفور ذنوبهم المكفّر عنهم سيّئاتهم وان تجعل فيما تقضي وتقدّر ان تطيل

عمري وتوسّع رزقي وتؤدّي عنّي امانتي وديني آمين ربّ العالمين اللّهمّ اجعل لي

فرجا ومخرجا وارزقني من حيث احتسب ومن حيث لا احتسب واحرسني من حيث

احترس ومن حيث لا احترس وصلّى الله على محمّد وآله وسلّم تسليما كثيرا و این تسبیحات بسند معتبر از حضرت صادق منقول است که در هر روز ابتدای ماه مبارک بخوانند

سبحان الله بارئ النّسم سبحان الله المصوّر سبحان الله خالق الازواج كلّها سبحان

الله جاعل الظّلمات والنّور سبحان الله فالق الحبّ والنّوى سبحان الله خالق كلّ شيء سبحان الله

خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله مداد كلماته سبحان الله ربّ العالمين سبحان الله السّميع الّذي

ليس شيء اسمع منه يسمع من فوق عرشه ما تحت سبع ارضين ويسمع ما في ظلمات البرّ

والبحر ويسمع الانين والشّكوى ويسمع السّرّ واخفى ويسمع وساوس الصّدور ولا يصمّ سمعه

صوت سبحان الله بارئ النّسم سبحان الله المصوّر سبحان الله خالق الازواج كلّها سبحان

الله جاعل الظّلمات والنّور سبحان الله فالق الحبّ والنّوى سبحان الله خالق كلّ شيء سبحان

الله خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله مداد كلماته سبحان الله ربّ العالمين سبحان الله

البصير الّذي ليس شيء ابصر منه يبصر من فوق عرشه ما تحت سبع ارضين ويبصر ما في ظلمات

البرّ والبحر لا تدركه الابصار وهو يدرك الابصار وهو اللّطيف الخبير لا تغشى بصره

الظلمة ولا يستتر منه بستر ولا يواري منه جدار ولا يغيب عنه بر ولا بحر ولا يكن منه جبل
ما في اصله ولا قلب ما فيه ولا جنب ما في قلبه ولا يستتر منه صغير ولا كبير ولا يخفى
عليه شيء في الارض ولا في السماء هو الذي يصوركم في الارحام كيف يشاء لا اله الا
هو العزيز الحكيم ٣ سبحان الله بارئ النسم سبحان الله المصور سبحان الله خالق الازواج
كلها سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان الله فالق الحب والنوى سبحان
خالق كل شيء سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله مداد كلماته سبحان الله رب
العالمين سبحان الذي ينشئ السحاب الثقال ويسبح الرعد بحمده والملائكة من خيفته و
يرسل الصواعق فيصيب بها من يشاء ويرسل الرياح بشرا بين يدي رحمته ويرسل الماء
من السماء بكلمته ينبت النبات بقدرته ويسقط الورق بعلمه سبحان الله الذي لا يعزب عنه
مثقال ذرة في الارض ولا في السماء ولا اصغر من ذلك ولا اكبر الا في كتاب مبين ٤
سبحان الله بارئ النسم سبحان الله المصور سبحان الله خالق الازواج كلها سبحان الله
جاعل الظلمات والنور سبحان الله فالق الحب والنوى سبحان الله خالق كل شيء سبحان الله
خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله مداد كلماته سبحان الله رب العالمين سبحان الله الذي
يعلم ما تحمل كل انثى وما تغيض الارحام وما تزداد وكل شيء عنده بمقدار عالم الغيب و
الشهادة الكبير المتعال سواء منكم من اسر القول ومن جهر به ومن هو مستخف بالليل
وسارب بالنهار له معقبات من بين يديه ومن خلفه يحفظونه من امر الله سبحان الله الذي

يميت الأحياء ويحيي الموتى يعلم ما تنقص الأرض منهم ويقرّ في الأرحام ما يشاء إلى أجل
مسمّى سبحان الله بارئ النسم سبحان الله المصوّر سبحان الله خالق الأزواج كلها سبحان
الله جاعل الظلمات والنور سبحان الله فالق الحبّ والنوى سبحان الله خالق كل شيء سبحان
الله خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله مداد كلماته سبحان الله رب العالمين سبحان
الله مالك الملك تؤتي الملك من تشاء وتنزع الملك ممن تشاء وتعزّ من تشاء وتذلّ
من تشاء بيدك الخير إنك على كل شيء قدير تولج الليل في النهار وتولج النهار في الليل
وتخرج الحيّ من الميت وتخرج الميت من الحيّ وترزق من تشاء بغير حساب سبحان الله بارئ
النسم سبحان الله المصوّر سبحان الله خالق الأزواج كلها سبحان الله جاعل الظلمات
والنور سبحان الله فالق الحبّ والنوى سبحان الله كل شيء سبحان الله خالق ما يرى وما لا خالق
يرى سبحان الله مداد كلماته سبحان الله رب العالمين سبحان الله الذي عنده مفاتح الغيب
لا يعلمها إلا هو ويعلم ما في البرّ والبحر وما تسقط من ورقة إلا يعلمها ولا حبّة في
ظلمات الأرض ولا رطب ولا يابس إلا في كتاب مبين سبحان الله بارئ النسم سبحان الله المصوّر
سبحان الله خالق الأزواج كلها سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان الله فالق
الحبّ والنوى سبحان الله خالق كل شيء سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله مداد
كلماته سبحان الله رب العالمين سبحان الله الذي لا يحصي مدحته القائلون ولا يجزي بآلائه
الشاكرون والعابدون وهو كما قال وفوق ما نقول والله سبحانه كما أثنى على نفسه ولا

بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضَ وَلَا يَؤُدُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ اِلَّا
الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ سُبْحَانَ اللّٰهِ بَارِئِ النَّسَمِ سُبْحَانَ اللّٰهِ الْمُصَوِّرِ سُبْحَانَ اللّٰهِ خَالِقِ الْاَزْوَاجِ كُلِّهَا
سُبْحَانَ اللّٰهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ سُبْحَانَ اللّٰهِ فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوٰى سُبْحَانَ اللّٰهِ خَالِقِ كُلِّ
شَيْءٍ سُبْحَانَ اللّٰهِ خَالِقِ مَا يُرٰى وَمَا لَا يُرٰى سُبْحَانَ اللّٰهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ سُبْحَانَ اللّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
سُبْحَانَ اللّٰهِ الَّذِي يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْاَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا
وَلَا يَشْغَلُهُ مَا يَلِجُ فِي الْاَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا عَمَّا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَلَا يَشْغَلُهُ مَا
يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا عَمَّا يَلِجُ فِي الْاَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَلَا يَشْغَلُهُ عِلْمُ شَيْءٍ عَنْ
عِلْمِ شَيْءٍ وَلَا يَشْغَلُهُ خَلْقُ شَيْءٍ عَنْ خَلْقِ شَيْءٍ وَلَا حِفْظُ شَيْءٍ عَنْ حِفْظِ شَيْءٍ وَلَا يُسَاوِيهِ شَيْءٌ وَلَا
يَعْدِلُهُ شَيْءٌ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ سُبْحَانَ اللّٰهِ بَارِئِ النَّسَمِ سُبْحَانَ اللّٰهِ الْمُصَوِّرِ
سُبْحَانَ اللّٰهِ خَالِقِ الْاَزْوَاجِ كُلِّهَا سُبْحَانَ اللّٰهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ سُبْحَانَ اللّٰهِ فَالِقِ الْحَبِّ
وَالنَّوٰى سُبْحَانَ اللّٰهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ سُبْحَانَ اللّٰهِ خَالِقِ مَا يُرٰى وَمَا لَا يُرٰى سُبْحَانَ اللّٰهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ
سُبْحَانَ اللّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ سُبْحَانَ اللّٰهِ فَاطِرِ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا اُولِي اَجْنِحَةٍ
مَثْنٰى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ اِنَّ اللّٰهَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ مَا يَفْتَحِ اللّٰهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ
فَلَا مُمْسِكَ لَهَا وَمَا يُمْسِكْ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ سُبْحَانَ اللّٰهِ بَارِئِ النَّسَمِ
سُبْحَانَ اللّٰهِ الْمُصَوِّرِ سُبْحَانَ اللّٰهِ خَالِقِ الْاَزْوَاجِ كُلِّهَا سُبْحَانَ اللّٰهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ
سُبْحَانَ اللّٰهِ فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوٰى سُبْحَانَ اللّٰهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ سُبْحَانَ اللّٰهِ خَالِقِ مَا يُرٰى وَمَا لَا يُرٰى

سبحان

سبحان الله مداد كلماته سبحان الله رب العالمين سبحان الله الذي يعلم ما في السموات
پاکست خدا شماره سخنان او پاکست خدا پروردگار جهانیان پاکست خدا که میداند آنچه در آسمانها

وما في الارض ما يكون من نجوى ثلثة الا هو رابعهم ولا خمسة الا هو سادسهم ولا
و آنچه در زمین هست نباشد از راز گوئی سه نفر مگر او چهارم ایشانست و نه پنج تن مگر او ششم ایشانست و نه

ادنى من ذلك ولا اكثر الا هو معهم اينما كانوا ثم ينبئهم بما عملوا يوم القيمة ان الله بكل
نزدیکتر از این و نه بیشتر مگر او با ایشانست هر جا که باشند پس خبر دهیم ایشانرا بآنچه کردند روز رستخیز بدرستیکه خدا بهمه

شيء عليم واضح مستحبست که این صلوات را در هر روز ان الله وملئكته يصلون على النبي يا ايها
اینها مبارك و در هر روز جمعه و تمام سال بخوانند
چیزی داناست بدرستیکه خدا و فرشتگان او درود میفرستند بر پیغمبر ای گروه

الذين امنوا صلوا عليه وسلموا تسليما لبيك يا رب وسعديك وسبحانك اللهم صل
آنکه ایمان آورده‌اند درود فرستید براو و درود فرستید درود فراوان ای ایستم ای پروردگارم و نیکبختی تو و منزهی تو خدایا رحمت فرست

على محمد وال محمد وبارك على محمد وال محمد كما صليت وباركت على ابرهيم وال ابرهيم انك
بر محمد و آل محمد و برکت ده بر محمد و آل محمد چنانکه رحمت فرستادی و برکت دادی بر ابراهیم و آل ابراهیم بدرستیکه تو

حميد مجيد اللهم ارحم محمدا وال محمد كما رحمت ابرهيم انك حميد مجيد اللهم سلم على
ستوده بزرگوار خداوندا رحم کن محمد و آل محمد را چنانکه رحمت ابراهیم را بدرستیکه تو ستوده بزرگوار خداوندا درود فرست بر

محمد وال محمد كما سلمت على نوح في العالمين اللهم امنن على محمد وال محمد كما مننت
محمد و آل محمد بهمچنانکه درود فرستادی بر نوح در جهانیان خداوندا بخشش کن بر محمد و آل محمد بهمچنانکه منت نهادی

على موسى وهرون اللهم صل على محمد وال محمد كما هديتنا به اللهم صل على محمد
بر موسی و هرون خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد چنانکه راهنمودی ما را باو خداوندا رحمت فرست بر محمد

وال محمد وابعثه مقاما محمودا يغبطه به الاولون والاخرون على محمد واله السلام كلما
و آل محمد و برانگیز او را بجایگاه ستوده که غبطه برند او را پیشینیان و پسینیان بر محمد و آل او درود باد

طلعت شمس او غربت على محمد واله السلام كلما طرفت عين او برقت على محمد واله
برآید آفتاب یا غروب کند بر محمد و آل او درود هرگاه بهم زند چشم یا خیره شود بر محمد و آل محمد

السلام كلما طرفت عين او ذرفت على محمد واله السلام كلما ذكر السلام على محمد واله
درود باد هرگاه بهم زند دیده یا اشک ریزد بر محمد و آل او درود باد هرگاه یاد کرده درود بر محمد و آل او

السلام كلما سبح الله ملك او قدسه السلام على محمد واله في الاولين السلام على محمد
درود باد هرگاه تسبیح گوید خدا را فرشته یا تنزیه کند او را درود بر محمد و آل او در پیشینیان درود بر محمد

واله في الاخرين السلام على محمد واله في الدنيا والاخرة السلام على محمد واله ورحمة الله وبركاته
و آل او در پسینیان درود بر محمد و آل او در دنیا و آخرت درود باد بر محمد و آل او و رحمت خدا و برکات او

اللهم رب البلد الحرام ورب الركن والمقام ورب الحل والحرام ابلغ نبيك محمدا واله عنا
خداوندا پروردگار شهر حرام و پروردگار رکن و مقام و پروردگار حل و حرام برسان به پیغمبر خود و آل او از ما

السلام اللهم اعط محمدا من البهاء والسرور والنضرة والكرامة والغبطة والوسيلة
سلام او خداوندا ببخش محمد را از نیکی و تازگی و شادی و کرامت و خوشحالی و وسیله

نشهد

وَالْمَنْزِلَةَ وَالْمَقَامَ وَالشَّرَفَ وَالرِّفْعَةَ وَالشَّفَاعَةَ عِنْدَكَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ أَفْضَلَ مَا تُعْطِي أَحَداً

مِنْ خَلْقِكَ وَأَعْطِ مُحَمَّداً فَوْقَ مَا تُعْطِي الْخَلَائِقَ مِنَ الْخَيْرِ أَضْعَافاً كَثِيرَةً لَا يُحْصِيهَا غَيْرُكَ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَطْيَبَ وَأَطْهَرَ وَأَزْكَىٰ وَأَنْمَىٰ وَأَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَىٰ أَحَدٍ مِنَ

الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَعَلَىٰ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ

وَوَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَضَاعِفِ الْعَذَابَ عَلَىٰ مَنْ شَرِكَ فِي دَمِهِ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ فَاطِمَةَ

بِنْتِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ وَالْعَنْ مَنْ آذَىٰ نَبِيَّكَ فِيهَا اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ

نبيك

إِمَامَيِ الْمُسْلِمِينَ وَوَالِ مَنْ وَالَاهُمَا وَعَادِ مَنْ عَادَاهُمَا وَضَاعِفِ الْعَذَابَ عَلَىٰ مَنْ شَرِكَ فِي دَمِهِمَا

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ وَوَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَضَاعِفِ

الْعَذَابَ عَلَىٰ مَنْ ظَلَمَهُ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ وَوَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ

عَادَاهُ وَضَاعِفِ الْعَذَابَ عَلَىٰ مَنْ ظَلَمَهُ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ وَوَالِ مَنْ

وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَضَاعِفِ الْعَذَابَ عَلَىٰ مَنْ شَرِكَ فِي دَمِهِ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ

إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ وَوَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَضَاعِفِ الْعَذَابَ عَلَىٰ مَنْ شَرِكَ فِي دَمِهِ اللّٰهُمَّ

صَلِّ عَلَىٰ عَلِيِّ بْنِ مُوسَىٰ إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ وَوَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَضَاعِفِ الْعَذَابَ

عَلَىٰ مَنْ شَرِكَ فِي دَمِهِ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ وَوَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ

وَضَاعِفِ الْعَذَابَ عَلَىٰ مَنْ ظَلَمَهُ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ وَوَالِ مَنْ وَالَاهُ

وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَضَاعِفِ الْعَذَابَ عَلَىٰ مَنْ ظَلَمَهُ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ

ووال

والِ من والاه وعادِ من عاداه وضاعف العذاب على من ظلمه اللهم صل على الخلف
دوست دار کسی که دوست دارد او را و دشمن دار هر که دشمن دارد او را و زیاد کن عذاب را بر آنکه ستم کرد او را خداوندا رحمت فرست بر جانشین

من بعده امام المسلمين ووالِ من والاه وعادِ من عاداه وعجل فرجه اللهم صل على
پس از وی پیشوای مسلمانان و دوست دار هر که دوست دارد او را و دشمن دار هر که دشمن دارد او را و شتاب کن گشایش او را خداوندا رحمت فرست

القاسم والطاهر ابني نبيك اللهم صل على رقية بنت نبيك والعن من آذى نبيك
قاسم و طاهر دو فرزند پیغمبر تو خداوندا رحمت فرست بر رقیه دختر پیغمبر تو و لعن کن هر که رنجانید پیغمبر خود را

فيها اللهم صل على ام كلثوم بنت نبيك والعن من آذى نبيك فيها اللهم صل على
در آن خداوندا رحمت فرست بر ام کلثوم دختر پیغمبر خود و لعن کن هر که رنجانید پیغمبر خود را در آن خداوندا رحمت فرست

ذرية نبيك اللهم اخلف نبيك في اهل بيته اللهم مكن لهم في الارض اللهم اجعلنا
فرزند پیغمبر خود خدایا جانشین کن پیغمبر خود را در اهل بیت خود خدایا ثابت دار ایشان را در زمین خداوندا بگردان ما را

من عددهم ومددهم وانصارهم على الحق في السر والعلانية اللهم اطلب بذحلهم ووترهم
از عدد ایشان و مدد ایشان و یاران ایشان بر حق در نهان و آشکار خداوندا طلب کن دم ایشان را

ودمائهم وكف عنا وعنهم وعن كل مؤمن ومؤمنة بأس كل باغ وطاغ وكل دابة انت
و خونهای ایشان و باز دار از ما و از ایشان و از هر مرد گرونده و زن گرونده دلیری هر ستمکننده و هر جنبنده تو

آخذ بناصيتها انك انت اشد بأسا واشد تنكيلا و در اقبال و بعضی از نسخهای دیگر این
فراگیرنده موی پیشانی او را بدرستیکه تو سخت تری و سخت تر عذاب

دعا از حضرت علی بن الحسین تا حضرت امام حسن عسکری بجای علی من ظلمه چنین است علی من شرك فی دمه و از جمله دعاها هر روز ماه مبارك رمضان دعائیستکه سید بن طاوس فضیلت بسیار از جهة آن روایت کرده است و در استجابت دعوت مجربست و بر مضامین عالیه مشتملست و دعا این است پس سه مرتبه بگوید اللهم اني ادعوك كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني
خداوندا من میخوانم ترا چنانکه امر کرده مرا پس بپذیر مرا چنانکه وعده کرده مرا

پس بگوید اللهم اني اسئلك من بهائك بابهاه وكل بهائك بهي اللهم اني اسئلك ببهائك كله
خداوندا سؤال میکنم ترا از نیکی تو به نیکوتر آن و هر نیکوئی تو نیکوست خداوندا سؤال میکنم ترا به نیکی او همه آن

اللهم اني اسئلك من جلالك باجله وكل جلالك جليل اللهم اني اسئلك بجلالك
خداوندا سؤال میکنم ترا از بزرگی تو به بزرگتران و هر بزرگی تو بزرگست خداوندا من سؤال میکنم ترا به بزرگی تو

كله اللهم اني اسئلك من جمالك باجمله وكل جمالك جميل اللهم اني اسئلك بجمالك كله
همه آن خداوندا سؤال میکنم ترا از نیکی تو به نیکوتران و هر نیکوئی تو نیکوست خداوندا سؤال میکنم ترا به نیکی تو همه آن

پس سه بار بگوید اللهم اني ادعوك كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني پس بگوید اللهم اني اسئلك من عظمتك
خداوندا میخوانم ترا چنانکه امر کردی مرا پس بپذیر مرا چنانکه وعده کردی مرا خدایا سؤال میکنم ترا از بزرگی تو

باعظمها وكل عظمتك عظيمة اللهم اني اسئلك بعظمتك كلها اللهم اني اسئلك
به بزرگتران و همه بزرگی تو بزرگست خدایا سؤال میکنم ترا به بزرگی تو همه آن خداوندا سؤال میکنم ترا

من نورك بانوره وكل نورك نير اللهم اني اسئلك بنورك كله اللهم اني اسئلك من
از روشنائی تو به روشنتران و هر روشنائی تو روشن است خداوندا سؤال میکنم ترا به روشنی تو همه آن خدایا سؤال میکنم ترا از

دعای سحر ماه مبارک رمضان

مِنْ رَحْمَتِكَ بِاَوْسَعِها وَكُلُّ رَحْمَتِكَ واسِعَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِرَحْمَتِكَ كُلِّها پس سه بار بگوید اَللّٰهُمَّ اِنّی
اَدْعُوكَ كَما اَمَرْتَنی فَاسْتَجِبْ لی كَما وَعَدْتَنی پس بگوید اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ كَمالِكَ بِاَكْمَلِهِ وَكُلُّ كَمالِكَ
كامِلٌ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِكَمالِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ كَلِماتِكَ بِاَتَمِّها وَكُلُّ كَلِماتِكَ تامَّةٌ
اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِكَلِماتِكَ كُلِّها اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ اَسْمائِكَ بِاَكْبَرِها وَكُلُّ اَسْمائِكَ
كَبيرَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِاَسْمائِكَ كُلِّها پس سه بار بگوید اَللّٰهُمَّ اِنّی اَدْعُوكَ كَما اَمَرْتَنی فَاسْتَجِبْ لی كَما وَعَدْتَنی پس بگوید
اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ عِزَّتِكَ بِاَعَزِّها وَكُلُّ عِزَّتِكَ عَزيزَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِعِزَّتِكَ كُلِّها اَللّٰهُمَّ
اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ مَشِيَّتِكَ بِاَمْضاها وَكُلُّ مَشِيَّتِكَ ماضِيَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِمَشِيَّتِكَ كُلِّها
اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِقُدْرَتِكَ الَّتِی اسْتَطَلْتَ بِها عَلی كُلِّ شَیْءٍ وَكُلُّ قُدْرَتِكَ مُسْتَطيلَةٌ اَللّٰهُمَّ
اِنّی اَسْئَلُكَ بِقُدْرَتِكَ كُلِّها پس سه مرتبه بگوید اَللّٰهُمَّ اِنّی اَدْعُوكَ كَما اَمَرْتَنی فَاسْتَجِبْ لی كَما وَعَدْتَنی پس اَللّٰهُمَّ
اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ عِلْمِكَ بِاَنْفَذِهِ وَكُلُّ عِلْمِكَ نافِذٌ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِعِلْمِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ
اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ قَوْلِكَ بِاَرْضاهُ وَكُلُّ قَوْلِكَ رَضِیٌّ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِقَوْلِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ
اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ مَسائِلِكَ بِاَحَبِّها اِلَيْكَ وَكُلُّ مَسائِلِكَ اِلَيْكَ حَبيبَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ
بِمَسائِلِكَ كُلِّها پس سه مرتبه بگوید اَللّٰهُمَّ اِنّی اَدْعُوكَ كَما اَمَرْتَنی فَاسْتَجِبْ لی كَما وَعَدْتَنی پس اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ
مِنْ شَرَفِكَ بِاَشْرَفِهِ وَكُلُّ شَرَفِكَ شَريفٌ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِشَرَفِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ
مِنْ سُلْطانِكَ بِاَدْوَمِهِ وَكُلُّ سُلْطانِكَ دائِمٌ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِسُلْطانِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّی
اَسْئَلُكَ مِنْ مُلْكِكَ بِاَفْخَرِهِ وَكُلُّ مُلْكِكَ فاخِرٌ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِمُلْكِكَ كُلِّهِ پس سه مرتبه بگوید اَللّٰهُمَّ اِنّی اَدْعُوكَ

كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني پس بگويد اللهم اني اسئلك من علائك باعلاه وكل علائك عال
چنانکه امر کردی مرا پس اجابت کن مرا چنانکه وعده دادی مرا خداوندا که من سؤال میکنم ترا از بلندی تو به بلندترین آن و همه بلندی تو بلند است

اللهم اني اسئلك بعلائك كله اللهم اني اسئلك من منك باقدمه وكل منك قديم
خداوندا که من سؤال میکنم ترا به بلندی تو همه آن خداوندا که من سؤال میکنم ترا از انعام تو به دیرینه‌ترین آن و همه انعام تو دیرینه است

اللهم اني اسئلك بمنك كله اللهم اني اسئلك من اياتك باعجبها وكل اياتك عجيبة
خداوندا که من سؤال میکنم ترا به نعمت تو همه آن خداوندا که سؤال میکنم ترا از آیات تو به شگفت‌ترین آن و همه آیات تو شگفت است

اللهم اني اسئلك باياتك كلها پس بگويد اللهم اني ادعوك كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني
خداوندا که سؤال میکنم ترا به آیات تو همه آن مرتبه خداوندا که من میخوانم ترا چنانکه امر کردی مرا پس اجابت کن مرا چنانکه وعده دادی مرا

پس اللهم اني اسئلك من فضلك بافضله وكل فضلك فاضل اللهم اني اسئلك بفضلك كله
بگويد خداوندا که من میخوانم ترا از بخشش تو به بخشنده‌ترین آن و همه بخشش تو بخشنده است خداوندا که من میخوانم ترا به بخشش تو همه آن

اسئلك

اللهم اني اسئلك من رزقك باعمه وكل رزقك عام اللهم اني اسئلك برزقك كله اللهم
خداوندا که من سؤال میکنم ترا از روزی تو به فراگیرنده‌ترین آن و همه روزی تو فراگیرنده است خداوندا که سؤال میکنم ترا به روزی تو همه آن خداوندا

اني اسئلك من عطائك باهنئه وكل عطائك هني اللهم اني اسئلك بعطائك كله
که من سؤال میکنم ترا از بخشش تو به گواراترین آن و همه بخشش تو گوارا است خداوندا که سؤال میکنم ترا به عطاء تو همه آن

اللهم اني اسئلك من خيرك باعجله وكل خيرك عاجل اللهم اني اسئلك بخيرك كله اللهم
خداوندا که من سؤال میکنم ترا از نیکی تو به شتابنده‌ترین آن و همه نیکی تو شتابنده است خدایا به درستیکه من سؤال میکنم ترا به نیکی تو همه آن خدایا

اني اسئلك من احسانك باحسنه وكل احسانك حسن اللهم اني اسئلك باحسانك كله اللهم
که من میخوانم ترا از نیکی تو به نیکوترین آن و همه نیکی تو نیکو است خداوندا که میخوانم ترا به نیکی تو همه آن خداوندا

اني اسئلك بما تجيبني به حين ادعوك فاجبني يا الله ثم دعوتك يا الله اللهم اني اسئلك
که من سؤال میکنم ترا به آنچه اجابت کنی مرا هنگامیکه بخوانم ترا پس اجابت کن مرا ای خدا بخوانم ترا ای خدا خدایا که من میخوانم ترا

بما انت فيه من الشئون والجبروت اللهم اني اسئلك بكل شأن وجبروت اللهم اني اسئلك
به آنچه تو در آنی از کارها و بزرگواری خداوندا میخوانم ترا به هر کاری و هر بزرگواری خداوندا که من سؤال میکنم ترا

بشأنك وجبروتك كلها اللهم اني اسئلك بما تجيبني به حين اسئلك به فاجبني يا الله
به کار تو و بزرگواری تو همه آن خداوندا میخوانم ترا به آنچه اجابت کنی مرا هنگامیکه سؤال کنم ترا پس اجابت کن مرا ای خدا

صل على محمد وال محمد پس هر حاجت که داری از خدا طلب کن پس بگو اللهم صل على محمد وال محمد وابعثني على الايمان بك
رحمت فرست بر محمد و آل محمد خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و برانگیز مرا بر ایمان

والتصديق برسولك والولاية لعلي بن ابي طالب عليه السلام والائتمام بالائمة من ال محمد والبرائة
و باور داشتن به پیغمبر تو و دوستی مر علی بن ابیطالب را و اقتدا به پیشوایان از آل محمد و بیزاری

من اعدائهم فاني قد رضيت بذلك يا رب اللهم صل على محمد وال محمد واسئلك
از دشمنان ایشان پس من خوشنودم باین ای پروردگار خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و میخوانم ترا

خير الخير رضوانك والجنة واعوذ بك من شر الشر سخطك والنار اللهم صل على محمد وال
نیکی نیکی خوشنودی تو و بهشت و پناه میبرم به تو از شر بدی خشم تو و آتش خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل

محمد واحفظني من كل مصيبة ومن كل بلية ومن كل عقوبة ومن كل فتنة ومن كل
بلاء ومن كل شر ومن كل مكروه ومن كل مصيبة ومن كل امر نزلت او تنزل من السماء الى
الارض في هذه الساعة وفي هذه الليلة وفي هذا اليوم وفي هذا الشهر وفي هذه السنة
اللهم صل على محمد وال محمد واقسم لي من كل سرور ومن كل بهجة ومن كل استقامة ومن كل
فرج ومن كل عافية ومن كل سلامة ومن كل كرامة ومن كل رزق واسع حلال طيب ومن كل
نعمة ومن كل حسنة نزلت او تنزل من السماء الى الارض في هذه الساعة وفي هذه الليلة وفي
هذا اليوم وفي هذا الشهر وفي هذه السنة اللهم ان كانت ذنوبي قد اخلقت وجهي عندك
وحالت بيني وبينك او غيرت حالي عندك فاني اسئلك بنور وجهك الكريم الذي لم يطفأ و
بوجه حبيبك محمد المصطفى وبوجه وليك علي المرتضى وبحق اوليائك الذين انتجبتهم
ان تصلي على محمد وال محمد وان تغفر لي ولوالدي وما ولدا وللمؤمنين والمؤمنات وما
توالدوا ذنوبنا كلها صغيرها وكبيرها وان تختم لنا بالصالحات وان تقضي لنا الحاجات
والمهمات وصالح الدعاء والمسئلة فاستجب لنا بحق محمد واله اللهم صل على محمد وال محمد
امين امين امين ما شاء الله كان لا حول ولا قوة الا بالله سبحان ربك رب العزة عما
يصفون وسلام على المرسلين والحمد لله رب العالمين پس دستها را بجانب آسمان بلند کن و
میل ده گردن را بسوی دوش چپ خود
وگریه بکن واگر نیاید یا لا اله الا انت اسئلك بحق من حقه عليك عظيم بلا اله الا انت اسئلك
خود را بگریه بدار پس بگو
ببهاء لا اله الا انت يا لا اله الا انت اسئلك بجلالك لا اله الا انت يا لا

اِلهَ اِلّا اَنْتَ اَسْئَلُكَ بِجَمالِ لا اِلهَ اِلّا اَنْتَ یا لا اِلهَ اِلّا اَنْتَ اَسْئَلُكَ بِنُورِ لا اِلهَ اِلّا اَنْتَ
اله الا انت میخوانم ترا بنیکی لا اله الا انت ای نیست خدائی مگر تو میخوانم ترا بنوری لا اله الا انت

یا لا اِلهَ اِلّا اَنْتَ اَسْئَلُكَ بِکَمالِ لا اِلهَ اِلّا اَنْتَ یا لا اِلهَ اِلّا اَنْتَ اَسْئَلُكَ بِعِزَّةِ لا اِلهَ اِلّا
ای نیست خدائی مگر تو میخوانم ترا بکمال لا اله الا انت ای نیست خدائی مگر تو میخوانم ترا بعزت لا اله الا

اَنْتَ یا لا اِلهَ اِلّا اَنْتَ اَسْئَلُكَ بِعِظَمِ لا اِلهَ اِلّا اَنْتَ یا لا اِلهَ اِلّا اَنْتَ اَسْئَلُكَ بِقَوْلِ لا
انت ای نیست خدائی مگر تو میخوانم ترا ببزرگی لا اله الا انت ای نیست خدائی مگر تو میخوانم ترا بگفتار لا

اِلهَ اِلّا اَنْتَ یا لا اِلهَ اِلّا اَنْتَ اَسْئَلُكَ بِشَرَفِ لا اِلهَ اِلّا اَنْتَ یا لا اِلهَ اِلّا اَنْتَ اَسْئَلُكَ
اله الا انت ای نیست خدائی مگر تو میخوانم ترا بشرافت لا اله الا انت ای نیست خدائی مگر تو میخوانم ترا

بِعَلاءِ لا اِلهَ اِلّا اَنْتَ یا لا اِلهَ اِلّا اَنْتَ اَسْئَلُكَ بِلاءِ لا اِلهَ اِلّا اَنْتَ یا لا اِلهَ اِلّا اَنْتَ
ببلندی لا اله الا انت ای نیست خدائی مگر تو میخوانم ترا بحق لا اله الا انت ای انکه نیست خدائی مگر تو

یا رَبّاهُ یا رَبّاهُ انقدر بگوید که یکنفس وفا کند پس بگوید بهمان حالیکه بود کردن کج کرده بسوی
ای پروردگار

دوش چپ سُئْلَتْ یا سَیِّدِ پس بگوید یا اللهُ یا رَبّاهُ انقدر دیگر که یکنفس وفا کند پس بگوید
بگوید

یا سَیِّداهُ یا مَوْلاهُ یا غِیاثاهُ یا مَلْجَاهُ یا مُنْتَهی غایَةِ رَغْبَتاهُ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ اَسْئَلُكَ فَلَیْسَ
ای بزرگ ای آقا ای دادرس ای پناه ای منتهای خواهش ای رحمتر ازرحیمان میخوانم ترا پس نیست

کَمِثْلِكَ شَیْءٌ وَاَسْئَلُكَ بِکُلِّ دَعْوَةٍ مُسْتَجابَةٍ دَعاكَ بِها نَبِیٌّ مُرْسَلٌ اَوْ مَلَكٌ مُقَرَّبٌ اَوْ عَبْدٌ
مانند تو چیزی و در میخوانم ترا بهر دعای پذیرفته که خواند ترا آن پیغمبر مرسل یا فرشته مقرب یا بنده

مُؤْمِنٌ امْتَحَنْتَ قَلْبَهُ لِلْاِیمانِ وَاسْتَجَبْتَ دَعْوَتَهُ مِنْهُ وَاَتَوَجَّهُ اِلَیْكَ بِمُحَمَّدٍ نَبِیِّكَ نَبِیِّ الرَّحْمَةِ
گرونده که آزموده دل اورا مر ایمان و پذیرفتی دعای اورا از او و روی آورم بتو بمحمد پیغمبر تو پیغمبر رحمت

وَاُقَدِّمُهُ بَیْنَ یَدَیْ حَوائِجی یا مُحَمَّدُ یا رَسُولَ اللهِ بِاَبی اَنْتَ وَاُمّی اَتَوَجَّهُ بِكَ اِلَی اللهِ رَبِّكَ وَرَبّی وَاُقَدِّمُكَ
و پیش میدارم پیش از حاجتهای خود ای محمد ای فرستاده خدا پدرم فدای تو باد و مادرم روی آورم بتو بپروردگارا و پیش میدارم ترا
الله

بَیْنَ یَدَیْ حَوائِجی یا رَبّاهُ یا رَبّاهُ یا رَبّاهُ اَسْئَلُكَ بِكَ فَلَیْسَ کَمِثْلِكَ شَیْءٌ وَاَتَوَجَّهُ اِلَیْكَ بِمُحَمَّدٍ
پیش از حاجتهای خود ای پروردگار میخوانم ترا بتو پس نیست مانند تو چیزی و روی آورم بتو بمحمد

حَبیبِكَ وَبِعِتْرَتِهِ الْهادِیَةِ وَاُقَدِّمُهُمْ بَیْنَ یَدَیْ حَوائِجی وَاَسْئَلُكَ اللّهُمَّ بِحَیاتِكَ الَّتی لا تَمُوتُ
دوست تو و بذریه راهنما و پیش میدارم ایشانرا پیش از حاجتهای خود و در میخواهم ترا خداوندا بزندگانی تو که نمیرد

وَبِنُورِ وَجْهِكَ الَّذی لا یُطْفَاُ وَبِعَیْنِكَ الَّتی لا تَنامُ وَاَسْئَلُكَ اللّهُمَّ بِحَقِّ مَنْ حَقُّهُ عَلَیْكَ عَظیمٌ
و بروشنائی ذات تو که فرو ننشیند و بدیده تو که خواب نکند و میخوانم ترا خداوندا بحق انکه حق او بر تو بزرگست

اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ قَبْلَ کُلِّ شَیْءٍ وَبَعْدَ کُلِّ شَیْءٍ وَعَدَدَ کُلِّ شَیْءٍ وَزِنَةَ کُلِّ شَیْءٍ وَمِلاءَ
که رحمت فرستی بر محمد و آل محمد پیش از هر چیزی و بعد از هر چیزی و بشماره هر چیزی و پری هر چیزی

کُلِّ شَیْءٍ اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ الْمُصْطَفی وَرَسُولِكَ الْمُرْتَضی وَاَمینِكَ
هر چیزی خداوندا بدرستیکه میخوانم ترا که رحمت فرستی بر محمد بنده برگزیده و فرستاده تو پسندیده و امین تو

الْمُصْطَفی وَنَجیبِكَ دُونَ خَلْقِكَ وَحَبیبِكَ وَخِیَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ اَجْمَعینَ الْنَّذیرِ الْبَشیرِ السِّراجِ
برگزیده و برگزیده تو غیر از خلق تو و دوست تو و اختیار کرده تو از خلق تو همه بیم نماینده مژده دهنده

الْمُنِيرِ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمُطَهَّرِينَ الْأَخْيَارِ الْأَبْرَارِ وَعَلَى مَلَائِكَتِكَ الَّذِينَ

روشن و بر فرزندان او که پاکان و پاکیزگان نیکوکار و بر فرشتگان تو که

اسْتَخْلَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ وَحَجَبْتَهُمْ عَنْ خَلْقِكَ وَعَلَى أَنْبِيَائِكَ الَّذِينَ يُنْبِئُونَ بِالصِّدْقِ

برگزیدی ایشان را برای خود و باز داشته ایشان را از خلق تو و بر پیغمبران تو که خبر دهند به راستی

عَنْكَ وَعَلَى عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ الَّذِينَ أَدْخَلْتَهُمْ فِي رَحْمَتِكَ الْأَئِمَّةِ الْمُهْتَدِينَ وَالرُّسُلِ الْمُطَهَّرِينَ

از تو و بر بندگان شایسته تو که در آوردی ایشان را در رحمت پیشوایان راه یافتگان و پیغمبران پاکیزگان

وَعَلَى جَبْرَئِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ وَمَلَكِ الْمَوْتِ وَرِضْوَانَ خَازِنِ الْجَنَّةِ وَمَالِكٍ خَازِنِ

و بر جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و فرشته مرگ و رضوان خازن بهشت و مالک خزانه دار

النَّارِ وَالرُّوحِ الْقُدُسِ وَحَمَلَةِ الْعَرْشِ وَمُنْكَرٍ وَنَكِيرٍ وَعَلَى الْمَلَكَيْنِ الْحَافِظَيْنِ عَلَيَّ بِالصَّلَوٰةِ

آتش و روح القدس و بردارنده عرش و منکر و نکیر و بر دو فرشته نگاهدارنده بر من بنماز

الَّتِي تُحِبُّ أَنْ يُصَلَّى بِهَا عَلَيْهِمْ صَلَوٰةً كَثِيرَةً طَيِّبَةً مُبَارَكَةً زَاكِيَةً نَامِيَةً طَاهِرَةً شَرِيفَةً فَاضِلَةً

که دوست داری که رحمت فرستی بر ایشان رحمتی بسیار پاکیزه فزایش کننده پاکیزه بلند مرتبه

تُبَيِّنُ بِهَا فَضْلَهُمْ عَلَى الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَسْمَعَ صَوْتِي وَتُجِيبَ دَعْوَتِي

که روشن کنی فضل ایشان را بر پیشینان و پسینیان خداوندا بدرستیکه میخواهم ترا که بشنوی آواز مرا و بپذیری دعای مرا

وَتَغْفِرَ ذُنُوبِي وَتُنْجِحَ طَلِبَتِي وَتَقْضِيَ حَاجَتِي وَتَقْبَلَ قِصَّتِي وَتُنْجِزَ لِي مَا وَعَدْتَنِي وَتُقِيلَنِي عَثْرَتِي

و بیامرزی گناه مرا و روا کنی حاجت مرا و بر آوری حاجت مرا و بپذیری قصه مرا و وا داکنی آنچه وعده کرده مرا و درگذری لغزش مرا

وَتَتَجَاوَزَ عَنْ خَطِيئَتِي وَتَصْفَحَ عَنْ ظُلْمِي وَتَعْفُوَ عَنْ جُرْمِي وَتُقْبِلَ عَلَيَّ وَلَا تُعْرِضَ عَنِّي وَتَرْحَمَنِي

و درگذری از گناه من و درگذری از گناه من و بپذیری بر من و بپذیری بر من و رو مگردان از من و رحم کن مرا

وَلَا تُعَذِّبَنِي وَتُعَافِيَنِي وَلَا تَبْتَلِيَنِي وَتَرْزُقَنِي مِنْ أَطْيَبِ الرِّزْقِ وَأَوْسَعِهِ وَأَهْنَئِهِ وَأَمْرَئِهِ

و عذاب مکن مرا و عافیت ده مرا و مبتلا مساز مرا و روزی ده مرا از پاکیزه روزی و فراختر او و گوارا ترآن

وَأَسْبَغِهِ وَأَكْثَرِهِ وَلَا تَحْرِمْنِي يَا رَبِّ النَّظَرَ إِلَى وَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَالْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ وَالْعِتْقَ مِنَ النَّارِ

و کامل تر آن و بیشتر او و محروم مکن مرا ای پروردگار نگریستن بذات بزرگوار تو و فیروزی به بهشت و آزادی از آتش

وَاقْضِ عَنِّي يَا رَبِّ دَيْنِي وَأَمَانَتِي وَضَعْ عَنِّي وِزْرِي وَلَا تُحَمِّلْنِي مَا لَا طَاقَةَ لِي بِهِ يَا مَوْلَايَ وَأَدْخِلْنِي

و ادا کن از من ای پروردگار دین مرا و امانت مرا و بگذار از من بار مرا و بار مکن مرا آنچه نیست توانائی مرا باو و در آور مرا

فِي كُلِّ خَيْرٍ أَدْخَلْتَ فِيهِ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ وَأَخْرِجْنِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ أَخْرَجْتَهُمْ مِنْهُ وَلَا تُفَرِّقْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ

در هر نیکی که در آوردی در آن محمد و آل محمد و بیرون کن مرا از هر بدی که بیرون آوردی از او و جدائی مینداز

طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ پس سه مرتبه بگوید اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي

بقدر بهم زدن چشم در دنیا و آخرت خداوندا بدرستیکه میخوانم ترا چنانچه امر کرده مرا پس بپذیر مرا چنانچه وعده کرده

پس بگوید اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ قَلِيلًا مِنْ كَثِيرٍ مَعَ حَاجَةٍ بِي إِلَيْهِ عَظِيمَةٍ وَغِنَاكَ عَنْهُ قَدِيمٌ وَهُوَ عِنْدِي

خداوندا بدرستیکه سؤال میکنم ترا اندکی از بسیار با حاجت من باو بزرگ و بی نیازی تو از او دیرینه و او نزد من

كَثِيرٌ وَهُوَ عَلَيْكَ سَهْلٌ يَسِيرٌ فَامْنُنْ بِهِ عَلَيَّ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ بِرَحْمَتِكَ فِي الصَّالِحِينَ

بسیار است و او بر تو آسان است پس منت نه باو که تو بر هر چیزی توانائی خداوندا برحمت تو در شایستگان

فَاَدْخِلْنا وَفي عِلِّيّينَ فَارْفَعْنا وَبِكَأْسٍ مِنْ مَعينٍ مِنْ عَيْنٍ سَلْسَبيلٍ فَاسْقِنا وَمِنَ الْحُورِ الْعينِ

پس درآور مارا و در علیین پس بلند کن مارا و بجامی از شراب از چشمه سلسبیل پس بیاشامان ما را و از حوریان گشاده چشم

بِرَحْمَتِكَ فَزَوِّجْنا وَمِنَ الْوِلْدانِ الْمُخَلَّدينَ كَاَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَكْنُونٌ فَاَخْدِمْنا وَمِنْ ثِمارِ الْجَنَّةِ وَلُحُومِ الطَّيْرِ فَاَطْعِمْنا

برحمت تو پس زن ده مارا و از کودکان جاویدانگان که گویا ایشان مرواریدند پس خادم بخش مارا و از میوهای بهشت و گوشتهای مرغ پس بخوران مارا

وَمِنْ ثِيابِ السُّنْدُسِ وَالْحَريرِ وَالْاِسْتَبْرَقِ فَاَلْبِسْنا وَلَيْلَةَ الْقَدْرِ وَحَجَّ بَيْتِكَ الْحَرامِ وَقَتْلاً في

و از جامهای سندس و حریر و استبرق پس بپوشان مارا و شب قدر و حج خانه محترم و کارزار در

سَبيلِكَ مَعَ وَلِيِّكَ فَوَفِّقْ لَنا وَصالِحَ الدُّعاءِ وَالْمَسْئَلَةِ فَاسْتَجِبْ لَنا يا خالِقَنا اسْمَعْ وَاسْتَجِبْ

راه تو با دوست تو پس توفیق ده مارا و شایسته دعاء و سؤال پس بپذیر مارا ای آفریننده ما بشنو و بپذیر

لَنا وَاِذا جَمَعْتَ الْاَوَّلينَ وَالْاخِرينَ يَوْمَ الْقِيمَةِ فَارْحَمْنا وَبَرآئَةً مِنَ النّارِ وَاَماناً مِنَ الْعَذابِ

مارا و هرگاه فراهم آیند پیشینیان و پسینیان در روز قیامت پس رحم کن مارا و بیزاری از آتش و امان از عذاب

فَاكْتُبْ لَنا وَفي جَهَنَّمَ فَلا تَجْعَلْنا وَمَعَ الشَّياطينِ فِي النّارِ فَلا تَقْرِنّا وَفي هَوانِكَ وَعَذابِكَ

پس بنویس مارا و در دوزخ پس مگردان مارا و با دیوان در آتش پس قرار مده مارا و در خواری تو و عذاب تو

فَلا تُقَلِّبْنا وَمِنَ الزَّقُّومِ وَالضَّريعِ فَلا تُطْعِمْنا وَفِي النّارِ عَلى وُجُوهِنا فَلا تَكُبَّنا وَمِنْ ثِيابِ

پس میفکن مارا و از زقوم و ضریع پس مخوران مارا و در آتش بر رویهای ما پس منویس مارا و از جامهای

النّارِ وَسَرابيلِ الْقَطِرانِ فَلا تُلْبِسْنا وَمِنْ كُلِّ سُوءٍ يا لا اِلهَ اِلّا اَنْتَ بِحَقِّ لا اِلهَ اِلّا اَنْتَ

آتش و پیراهنهای قطران پس مپوشان مارا و از هر بدی ای نیست خدائی مگر تو بحق لا اله الا مگر تو

فَنَجِّنا اَللّهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ وَلَمْ يُسْئَلْ مِثْلُكَ وَاَرْغَبُ اِلَيْكَ وَلَمْ يُرْغَبْ اِلى مِثْلِكَ يا رَبِّ

پس برهان مارا خداوندا بدرستیکه میخوانم ترا و نپرسند مانند ترا و خواهشمندم بتو و خواهش ننمایند مانند تو ای پروردگار

اَنْتَ مَوْضِعُ مَسْئَلَةِ السّائِلينَ وَمُنْتَهى رَغْبَةِ الرّاغِبينَ اَسْئَلُكَ اَللّهُمَّ بِاَفْضَلِ اَسْمائِكَ

توئی قرارگاه سؤال کننده و منتهای خواهش خواهشمندان میخوانم ترا خداوندا به بهتر نامهای تو

كُلِّها وَاَنْجَحِها يا اَللهُ يا رَحْمنُ وَبِاسْمِكَ الْمَخْزُونِ الْمَصُونِ الْاَعَزِّ الْاَجَلِّ الْاَعْظَمِ الَّذي تُحِبُّهُ وَ

همه و رواشدن او ای خدای بخشنده و بنام تو که پنهانست غالب بزرگ تر که دوست داری او

تَهْواهُ وَتَرْضى عَمَّنْ دَعاكَ بِهِ وَتَسْتَجيبُ لَهُ دُعاءَهُ وَحَقٌّ عَلَيْكَ يا رَبِّ اَنْ لا تَحْرِمَ سائِلَكَ

و پسندی از آنکه بخواند ترا باو و بپذیری دعای او را و ثابت بر تو ای پروردگار که محروم نکنی سؤال کننده

اَللّهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ دَعاكَ بِهِ عَبْدٌ هُوَ لَكَ في بَرٍّ اَوْ بَحْرٍ اَوْ سَهْلٍ اَوْ جَبَلٍ اَوْ

خداوندا بدرستیکه میخوانم ترا بهر نامی که او مر تراست بخواند باو بنده که او مر تراست در بیابان یا دریا یا هموار یا کوه یا

عِنْدَ بَيْتِكَ الْحَرامِ اَوْ في شَيْءٍ مِنْ سُبُلِكَ فَاَدْعُوكَ يا رَبِّ دُعاءَ مَنْ قَدِ اشْتَدَّتْ فاقَتُهُ وَعَظُمَ

نزد خانه محترم تو یا در چیزی از راه تو پس میخوانم ترا ای پروردگار خواندن آنکه سخت شد حاجت او و بزرگ شده

جُرْمُهُ وَضَعُفَ كَدْحُهُ فَاَشْرَفَتْ عَلَى الْهَلَكَةِ نَفْسُهُ وَلَمْ يَثِقْ بِشَيْءٍ مِنْ عَمَلِهِ وَلَمْ يَجِدْ لِما هُوَ

گناه او و ناتوان شده کوشش او پس مشرف شده بر هلاکت نفس او و اعتماد نکند بچیزی از کردار او و نیابد مر آنچه او

فيهِ سادّاً وَلا لِذَنْبِهِ غافِراً وَلا لِعَثْرَتِهِ مُقيلاً غَيْرَكَ هارِباً اِلَيْكَ مُتَعَوِّذاً بِكَ مُتَعَبِّداً لَكَ غَيْرَ مُسْتَنْكِفٍ

دران و نه مر گناه خود آمرزنده و نه مر لغزش او درگذرنده غیره گریزان بسوی تو پناه برنده بتو پرستنده مر ترا نه ننگ دارنده

ولا مستکبر ولا مستحسر ولا متجبر ولا متعظم بل بائس فقیر خائف مستجیر اسئلك یا الله یا
ونه بزرگی کننده ونه درمانده ونه گردن کش بلکه بدحال محتاج ترسانم زنهار جوینده درمیخواهم ترا بخدای

رحمن یا حنان یا منان یا بدیع السموات والارض یا ذا الجلال والاکرام ان تصلی علی محمد
بخشنده ای مهربان ای بدید آورنده آسمانها وزمین ای خداوند بزرگوار وگرامی که رحمت فرستی بر محمد

وآل محمد صلوة کثیرة طیبة مبارکة نامیة زاکیة شریفة اسئلك اللهم ان تغفر لی
وآل محمد رحمتی بسیار پاکیزه بابرکت فزایش کننده پاکیزه میخواهم ترا خداوندا که بیامرزی مرا

فی شهری هذا وترحمنی وتعتق رقبتی من النار وتعطینی فیه خیر ما اعطیت احدا من خلقك
در ماه من اینماه ورحم کنی مرا وآزاد کنی مرا از آتش وبدهی مرا در اینماه بهتر از آنچه عطا کرده یکی از خلق تو

وخیر ما انت معطیه ولا تجعله آخر شهر رمضان صمته لك منذ اسکنتنی ارضك الی یومی
وبهتر از آنچه تو عطا کنی اورا ونگردان اورا آخر ماه رمضان روزه داشتم برای تو آنوقت ساکن کردی مرا زمین تو ایروز

هذا بل اجعله علی اتمه نعمة واعمه عافیة واوسعه رزقا واجزله واهنئه اللهم
اینروز بلکه بگردان برمن تمامتر نعمتی وفراختر عافیت ووسیع تر روزی وگوارا تر او خداوندا

انی اعوذ بك وبوجهك الکریم وملکك العظیم ان تغرب الشمس من یومی هذا او تنقضی
بدرستیکه من پناه میبرم بتو وبذات بزرگوار تو وپادشاهی بزرگ که غروب کند آفتاب از روز من اینروز یا بپایان رسد

بقیة هذا الیوم او یطلع الفجر من لیلتی هذه او یخرج هذا الشهر ولك قبلی تبعة او ذنب
بقیه اینروز یا برآید صبح از شب من یا بیرون آید این ماه ومر ترا پیش از من باکناهی

او خطیئة تریدان تقایسنی بها او تؤاخذنی بها او توقفنی بها موقف خزی فی الدنیا والآخرة
یا گناهی که خواهی که مقایسه کنی مرا باو یا مؤاخذه کنی مرا باو یا بپا داری مرا بجای خواری در دنیا وآخرت

او تعذبنی بها یوم القاك یا ارحم الراحمین اللهم انی ادعوك لهم لا یفرجه غیرك ولرحمة لا
یا عذاب کنی مرا روزیکه ملاقات کنم ترا ای رحیمتر از رحیمان خداوندا بدرستی که میخوانم مرهمی که نگشاید غیر تو ورحمتی که

تنال الا بك ولکرب لا یکشفه الا انت ولرغبة لا تبلغ الا بك ولحاجة لا تقضی دونك
رسید نشود مگر بتو ومراندوهی که زایل نکند مگر تو ومرخواهشی که رسیده نشود مگر بتو ومرحاجتی که ادا نشود جز تو

اللهم فکما کان من شأنك ما اردتنی به من مسئلتك ورحمتنی به من ذکرك فلیکن من
خداوندا پس چنانچه بود از کار تو آنچه اراده کنی مرا باو از خواسته تو ورحم کنی مرا باو از یاد تو پس باشد از

شأنك الاستجابة لی فیما دعوتك به والنجاة لی فیما فزعت الیك منه یا ملین الحدید
کار تو اجابت مرا در آنچه خواندم ترا باو ورستگاری در آنچه استغاثه نماید از او ای نرم سازنده آهن

لداود یا کاشف الضر والکرب العظام عن ایوب ومفرج غم یعقوب ومنفس کرب یوسف
مرداود را ای زایل کننده گزند واندوه بزرگ از ایوب وگشاینده غم یعقوب وزایل کننده اندوه یوسف

صل علی محمد وآل محمد وافعل بی ما انت اهله فانك اهل التقوی واهل المغفرة اللهم انت
رحمت فرست بر محمد وآل محمد وبکن بامن آنچه تو سزاوار آنی زیرا که تونی سزاوار پرهیزکاری وسزاوار آمرزش خداوندا تو

ثقتی فی کل کرب ورجائی فی کل شدة وانت لی فی کل امر نزل بی ثقة وعدة کم من کرب یضعف
معتمد منی در هر اندوه وامید من در هر سختی وتونی مرا در هر امریکه فرود آمده بمن ذخیره بسا از اندوه که ناتوان شده

منه الفؤاد وتقل فيه الحيلة ويخذل فيه الصديق ويشمت فيه العدو انزلته بك وشكوته
ازاو دل وکم شود دراو چاره وخوار کند دران دوست وشاد کند دراو دشمن فرستاده آنرا بتو وشکوه کرد
اليك رغبة مني فيه اليك عمن سواك ففرجته وكشفته وكفيته فانت ولي كل نعمة وصاحب
بتو خواهش از من دران بتو از آنکه غیر تو پس گشادی اورا ودفع کردی اورا پس تو ولی هر نعمتی وصاحب
كل حسنة ومنتهى كل رغبة اعوذ بكلمات الله التامات من شر ما خلق من شيء اللهم
هر نیکی ومنتهای هر خواهش پناه میبرم بکلمات خدا تمام از شر آنچه آفرید از چیزی خداوندا
عافني في يومي هذا حتى امسي اللهم اني اسئلك بركة يومي هذا وما نزل فيه من عافية ومغفرة و
عافیت ده مرا در روز من این روز تا شام کنم خداوندا بدرستیکه میخوانم ترا برکت روز خود این روز وآنچه فرستاده دران از عافیت وآمرزش
رحمة ورضوان ورزق واسع حلال تبسطه علي وعلى والدي وولدي واهلي وعيالي واهل
ورحمت وخوشنودی وروزی فراخ حلال که بگشائی اورا بر من وبر پدر ومادرم وفرزندم وعیالم وخویشانم
قرابتي ومن احببت واحبني وولدني اللهم اني اعوذ بك من الشك والشرك والحسد والبغي
وهر که دوست داردم را وزائیدم وزائیده مرا خداوندا بدرستیکه پناه میبرم بتو از شک وشرک وحسد وستم
والحمية والغضب اللهم رب السموات السبع ورب الارضين السبع وما فيهن وما بينهن
وتعصب وغضب خداوندا پروردگار آسمانها هفت گانه وپروردگار زمینهای هفت گانه وآنچه در آنهاست
ورب العرش العظيم صل على محمد وال محمد واكفني المهم من امري بما شئت وكيف شئت
وپروردگار عرش بزرگ رحمت فرست بر محمد وآل محمد وباز دار مرا مهم از امر من بآنچه خواهی وبهر روش که خواهی
پس بخوان سوره حمد وآیة الکرسی را وبگو اللهم انك قلت لنبيك صلى الله عليه واله ولسوف يعطيك ربك
خداوندا بدرستیکه تو گفته مر پیغمبر خود رحمت فرستد خدا براو وآل او وهر آینه زود عطا کند ترا پروردگار تو
فترضى اللهم ان نبيك ورسولك وحبيبك وخيرتك من خلقك لا يرضى بان تعذب
پس خوشنود شوی خداوندا بدرستیکه فرستاده تو ودوست تو واختیار کرده تو از خلق تو راضی نمیشود بآنکه عذاب کنی
احدا من امته دان بموالاته وموالاة الائمة من اهل بيته وان كان مذنبا خاطئا
احدیرا از امت او بدوستی او ودوستی پیشوایان از خانواده او واگر باشد گنه کار خطا کار
في نار جهنم فاجرني يا رب من جهنم وعذابها وهب لي محمدا وال محمد يا ارحم الراحمين يا
در آتش دوزخ پس پناه ده مرا ای پروردگار از دوزخ وعذاب او وببخش مرا محمد وآل محمد ای رحیم تر از رحیمان ای
جامعا بين اهل الجنة على تالف من القلوب وشدة المحبة ونازع الغل من صدورهم
فراهم آورنده میان اهل بهشت بر الفت از دلها وشدت محبت وکندن کینه از سینه ایشان
وجاعلهم اخوانا على سرر متقابلين يا جامعا بين اهل طاعته وبين من خلقها له و
وگرداننده ایشان را برادران بر تختها روبروی یکدیگر ای فراهم آورنده میان اهل ... وهر که پدید آورد ای
يا مفرج حزن كل محزون ويا منهل كل غريب يا راحمي في غربتي وفي كل احوالي احسن الحفظ والكلاءة
ای گشاینده اندوه هر اندوهی وای رساننده هر غریب ای رحم کننده در هر حالم بنیکی محافظت
لي يا مفرج ما بي من الضيق والخوف صل على محمد وال محمد واجمع بيني وبين احبتي وقادتي
ای گشاینده از تنگی وترس رحمت فرست بر محمد وآل محمد وفراهم آور میان دوستانم وپیشوایانم

وَسادَتی وَ هُداتی وَ مَوالِیَّ یا مَوْلَینا بَیْنَ الْاَحِبّاءِ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَلا تَفْجَعْنی
و بزرگان من و هدایت کنندگان من و دوستان من ای الفت دهنده میان دوستان رحمت فرست بر محمد و آل محمد و دردمند مکن مرا

بِانْقِطاعِ رُؤْیَةِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ عَنّی وَلا بِانْقِطاعِ رُؤْیَتی عَنْهُمْ فَبِکُلِّ مَسائِلِکَ یا رَبِّ
به بریدن دیدار محمد و آل محمد از من و نه به بریدن دیدار من از ایشان پس بهمه سؤالهای تو ای پروردگار

اَدْعُوکَ اِلٰهی فَاسْتَجِبْ دُعائی یا اِلٰهی یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ بِانْقِطاعِ حُجَّتی وَ وُجُوبِ
میخوانم ترا ای خدا پس بپذیر دعای مرا ای رحیمتر از رحیمان خداوندا بدرستی سؤال میکنم ترا به بریدگی حجت من و وجوب

حُجَّتِکَ اَنْ تَغْفِرَ لی اَللّٰهُمَّ اِنّی اَعُوذُ بِکَ مِنْ خِزْیِ یَوْمِ الْمَحْشَرِ وَ مِنْ شَرِّ ما بَقِیَ مِنَ الدَّهْرِ وَ مِنْ
حجت تو که بیامرزی مرا خداوندا بدرستی که من پناه میبرم بتو از خواری روز محشر و از شر آنچه باقی مانده از روزگار و از

شَرِّ الْاَعْداءِ وَ صِغَرِ الْفِناءِ وَ عُضالِ الدّاءِ وَ خَیْبَةِ الرَّجاءِ وَ زَوالِ النِّعْمَةِ وَ فُجاءَةِ النِّقْمَةِ
شر دشمنان و خوردی نیستی و بهشدن درد و ناامیدی امید و زایل شدن نعمت و ناگاه رسیدن عذاب

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ لی قَلْباً یَخْشاکَ کَاَنَّهُ یَراکَ اِلیٰ یَوْمِ یَلْقاکَ و دور نیست که در اوقات دیگر هر
خداوندا بگردان مرا دلی که بترسد از تو چنانکه او می بیند ترا تا روزی که برسد ترا

گاه شبهی رو دهد یا حاجت ضروری بهم رسد این نماز را توان خواند فصل ششم در اعمال مختصره شبها و روزهای مخصوص این ماه مبارک است در روایتی وارد شده است که انجیل بر حضرت عیسی ع در شب ششم این ماه نازل شد و بروایت دیگر در ششم و بروایت معتبر دیگر در دوازدهم و شیخ مفید ره نقل کرده است که در روز ششم این ماه مامون خائن ملعون با حضرت امام رضا ع بیعت کرد و روایت شده است که هر که در این روز دو رکعت نماز بکند و در هر رکعت بعد از حمد بیست و پنج مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند شکر نعمت ظاهر شدن حق آنحضرت را ادا کرده خواهد بود و بروایت معتبر از حضرت صادق ع منقولست که در شب سیزدهم دو رکعت نماز بگذارند و در هر رکعت بعد از حمد سوره یس و تبارک الذی بیده الملک و قل هو الله احد بخوانند و در شب چهاردهم چهار رکعت بدو سلام باین صفت و در شب پانزدهم شش رکعت به سه سلام بهمین کیفیت و شب پانزدهم از لیالی متبرکه است و غسل و زیارت حضرت امام حسین ع مستحبست در آن چنانچه مذکور شد و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست که حضرت رسول ص فرمود که هر که در شب نیمه ماه مبارک رمضان صد رکعت نماز بکند یعنی هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند خدا ده ملک فرو فرستد بسوی او که دفع کنند از او ضرر دشمنان او را از جنیان و آدمیان و در هنگام مرگ او سی ملک بفرستد که او را بشارت دهند به بهشت و سی ملک که او را ایمن گردانند از آتش جهنم و ایضا از آنحضرت منقولست که هر که در شب نصف ماه رمضان زیارت حضرت امام حسین ع بکند و بعد از نماز عشا ده رکعت نماز نزد قبر آنحضرت بکند و در هر رکعتی سوره حمد و ده مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند پیش از آنکه بخواب رود نمیرد تا در خواب ببیند ملکی چند را که بشارت دهند او را به بهشت و ملکی چند را که ایمن گردانند او را از آتش جهنم و شب هفدهم نیز شب بسیار مبارکیست و در آن شب لشکر حضرت رسول ص با لشکر کفار قریش ملاقات کردند در بدر و در روزش جنگ بدر شد و خدا لشکر آنحضرت را بر کافران ظفر داد و آن اعظم فتوحات اسلام

فصل ششم در اعمال مختصره شبها و روزهای مخصوص

بود و غسل و عبادت در آن شب فضیلت عظیم دارد و شب نوزدهم اول شبهای قدر است و خدا میفرماید انا
انزلناه فی لیلة القدر یعنی ما فرستادیم قرآن را در شب قدر یعنی شبی که نزد خدا قدر و منزلت عظیم
دارد یا تقدیر امور سال در این شب میشود یا زمین تنگ میشود از بسیاری نزول ملائکه وما ادریک ما لیلة القدر
و چه چیز ترا اعلام کرده است که چه چیز است شب قدر لیلة القدر خیر من الف شهر شب قدر بهتر است از هزار
ماه یعنی عبادت آن بهتر است از عبادت در هزار ماه تنزل الملائکة والروح فیها فرود می آیند ملائکه و روح
که از همه ملائکه اعظم است در این شب باذن ربهم برخصت پروردگار ایشان من کل امر بسبب تقدیر هر امری
احادیث بسیار وارد شده است که ملائکه و روح در این شب بر امام زمان نازل میشوند و آنچه از برای هر کس
در این شب مقدر شده است بر امام عرض میکنند سلام هی حتی مطلع الفجر یعنی سلامتی است این شب از جمیع
بدیها تا طلوع صبح یا سلام میکنند بر امام و مؤمنان که در این شب عبادت میکنند تا طلوع صبح و میان سنی
و شیعه در شب قدر خلاف بسیار هست بعضی از سنیان گفته اند که شب قدر در زمان حضرت رسول صلعم بود
و بعد از آنحضرت برطرف شد و اکثر ایشان گفته اند که تا روز قیامت باقیست و بعضی گفته اند که در تمام سال
پنهان است و در همه شبها عبادت باید کرد تا فضیلت شب قدر را دریابند و بعضی گفته اند در ماه شعبان
و ماه رمضان پنهان است و بعضی گفته اند شب نیمه شعبان است و بعضی گفته اند شب اول ماه رمضان است و
بعضی گفته اند شب نیمه است و بعضی گفته اند شب نهم است و بعضی شب هفدهم و بعضی شب بیست و یکم و بعضی شب
بیست و سیم و بعضی شب بیست و هفتم و بعضی شب آخر گفته اند و اکثر سنیان در این زمان اتفاق کرده اند بر شب بیست و هفتم
و علمای شیعه امامیه اجماع کرده اند بر اینکه از شب نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سیم بیرون نیست و بعضی مردد
میان شب بیست و سیم میدانند و بسیاری از احادیث معتبره دلالت میکند بر اینکه از این سه شب بیرون نیست
و این سه شب یعنی شب نوزدهم و شب بیست و یکم و شب بیست و سیم را احیا باید کرد تا فضیلت شب قدر را
دریابند و در بعضی احادیث معتبره تعیین شب بیست و یکم و بیست و سیم شده است و در بعضی تعیین خصوص
شب بیست و سیم واقع شده است و منقولست که آن شب جهنی است و او اعرابی بود که بحضرت رسول صلعم عرض کرد
که منزل من دور است از مدینه شبی را میخواهم از برای من تعیین کنی که بهترین شبها باشد که در آن شب بخدمت
تو برسم حضرت شب بیست و سیم را برای او تعیین فرمود و پیوسته در آن شب با خیل و اهل و خدم و حشم
خود داخل مدینه میشد و چون صبح میشد برمیگشت و از بعضی احادیث ظاهر میشود که هر سه شب قدر
اند و در شب اول تقدیر امور میشود و در شب دویم بکثرت دعا و عبادات ممکن است بعضی تغییر یابد و در شب
سیم حتم میشود و تغییر نمییابد یا بسیار کم تغییر مییابد بلا تشبیه مانند ارقام پادشاهان که اول تعلیقه میشود و تغییرش
آسانست و بعد از آن ثبت دفاتر میشود و تغییرش دشوارتر است تا آنکه بمهر امضا مزین نگردیده است باز ممکن است
تغییر یابد و چون بمهر اشرف رسید بمنزله حتم است و تغییرش در غایت صعوبت است و خدا را حکمتها در ابهام
بعضی امور هست مانند اسم اعظم الهی که بر اکثر مردم مشتبه است و نماز وسطی که بهترین نمازها است و ساعت
استجابت دعا در هر شب و در هر روز جمعه و عمل مقبول در میان اعمال و امثال اینها و یک حکمت در مبهم ساختن اینها
آنستکه بر همه اسماء مقدسه الهی مواظبت نمایند و اهتمام در همه نمازها بکنند و در همه ساعات شب و روز جمعه دعا

میکنند و سعی در همه اعمال خیر کنند شاید یکی مقبول گردد و هم چنین در شب قدر شبهائیکه احتمال آن دارد همه را احیا کنند و حکمت دیگر در بعضی از اینها شاید بود مثل آنکه اگر اسم اعظم را همه کس بداند گاه باشد بعضی از نفوس شریره را وسیله حصول مطالب ردیه کنند چنانچه از بلعم نقل کرده اند و هم چنین شب قدر و ساعت استجابت دعا اگر بخصوص اینها را دانند ممکن است که امور غیر مشروع در یا ضرر های عظیم نسبت ببعضی از مسلمانان استدعا کنند و اگر بخصوص دانند باید البته مستجاب گردد و دیگر آنکه مغرور باعمال خود نگردند و حکمتهای دیگر بسیار است که این رساله گنجایش ذکر آنها ندارد پس باید مؤمن این سه شب را احیا کند و اهتمام در عبادت و دعا بکند تا فضیلت شب قدر را دریابد و در دو شب آخر اهتمام بیشتر کند و در شب بیست و سیم که احادیث بسیار در تخصیص آن وارد شده است که شب قدر است سعی بیشتر کند و فواید شب قدر بسیار است و از جمله آنکه چون عبادت شب قدر زیاده باید بنص قرآن زیاده از ثواب عبادت هزار ماه که زیاده از هشتاد سال است از برای او مقرر میفرمایند و دیگر آنکه چون تقدیرات جمیع امور از عمر و فرزند و عزت و صحت و توفیق اعمال خیر و سایر امور در اینشب میشود اصلاح احوال تمام سال خود را در اینشب کرده خواهند بود و ممکن است که نام او در دیوان اشقیا نوشته باشد و در اینشب تغییر یابد و از زمره سعادتمندان نوشته شود چنانچه اینمضمون در اکثر دعاها و احادیث معتبره وارد شده است و دیگر آنکه چون امام او یعنی حضرت صاحب الامر عم در تمام این شب با ملائکه مقربین مشغول است و فوج فوج بخدمت او می آیند و سلام میکنند و تقدیرات که از برای او و سایر خلق شده است براو عرض میکنند سزاوار نیست که در چنین شبی تاسی بامام خود نکنند و بغفلت بسر آورند و از حضرت رسول صلعم منقولست که چون شب قدر میشود فرود می آیند ملائکه که در سدرة المنتهی ساکنند و از جمله ایشان جبرئیل است و جبرئیل با خود علمهای او در یک علم را در قبر منور من نصب کنند و یکی را بر بیت المقدس و یکی را در مسجد الحرام و یکی را در طور سینا و نمیگذارند مرد مؤمن و زن مؤمنه را مگر آنکه بر او سلام میکنند و ایضا از حضرت رسول صلعم منقولست که بهشت را از برای داخلشدن ماه مبارک رمضان زینت میکنند چون شب اول ماه میشود نسیمی از زیر عرش میوزد که آنرا مثیره میگویند و بصدا می آورد درختان و حلقهای درهای بهشت را پس نغمه آزان میشنوند که هرگز شنوندگان از آن خوشتر نغمه نشنیده اند پس حوریان از غرفهای بهشت بیرون می آیند و ندا میکنند که آیا کسی هست که ما را خواستگاری کند از خدا باعمال صالحه خود پس از رضوان خازن بهشت میپرسند که این چه شبست رضوان میگوید لبیک ای نیکو رویان و نیکو کاران اینشب اول ماه رمضانست درهای بهشت گشوده شده است برای روزه داران امت محمد صلعم پس خدا میفرماید که ای رضوان بگشا درهای بهشت را و ای مالک ببند درهای جهنم را از روزه داران امت محمد صلعم ای جبرئیل برو بسوی زمین و در زنجیر کن شیاطین متمرد را و غلها در گردن ایشان گذار و ایشانرا در لجهای دریا بینداز تا فاسد نکردانند بر امت حبیب من محمد صلعم روزهای ایشانرا و حضرت فرمود که خدا در هر شب از شبهای ماه رمضان سه مرتبه ندا میفرماید که آیا سؤال کننده هست که سؤال کند او را عطا کنم آیا توبه کننده هست که توبه او را قبول کنم آیا استغفار کننده هست که گناهش را بیامرزم کیست که بقرض دهد بخداوندی مالدار یکه هرگز پریشان نمیشود و وفا کننده ایست بوعدهای خود و ستم نمیکند و فرمود که در آخر هر روز از روزهای ماه رمضان در وقت افطار خدا هزار هزار کس را از آتش جهنم آزاد میکند و چون شب جمعه و روز جمعه میشود در هر ساعتی هزار هزار کس را از آتش جهنم آزاد میکند که هر یک مستوجب عذاب

فضیلت شب قدر

عبادت

وماله

شده باشند و در شب آخر و روز آخر ماه بعدد آنچه در تمام ماه آزاد کرده است آزاد میکند و چون شب قدر
میشود خدا امر میکند جبرئیل را که بزمین میاید با لشکر عظیم از ملائکه و با خود علم سبزی میاورد و بر بالای کعبهٔ
معظمه نصب میکند و او ششصد بال دارد و دو بالش را نمیگشاید مگر در شب قدر و چون شب قدر میشود آن دو بال را
میگشاید از مشرق و مغرب میگذراند و پهن میکند جبرئیل آن ملائکه را در این شب در اطراف زمین پس سلام میکنند
بر هر ایستاده و نشسته که مشغول نماز و ذکر خدا باشند و با ایشان مصافحه میکنند و چون ایشان دعا
میکنند ملائکه آمین میگویند و پیوسته مشغول اینکارند تا طلوع صبح پس چون صبح طالع میشود ندا می
کند جبرئیل که ای گروه ملائکه روانه جانب آسمان شوید پس ملائکه میگویند ای جبرئیل خدا چه کرد در حوائج
مؤمنان از امت محمد ص جبرئیل میگوید خدا گناهان همه را آمرزید مگر کسیکه همیشه شراب خورد یا عاق
پدر و مادر باشد یا قطع رحم کند یا با مؤمنان عداوت کند و چون شب عید فطر میشود از آن شب
جوایز میگویند خدا مزد میدهد عمل کنندگان ماه رمضان را بیحساب و چون بامداد روز عید می
شود خدا ملائکه بسیار در جمیع شهرها میفرستد که بزمین میایند و بر سر کوچها و بازارها و راهها
میایستند و میگویند ای امت محمد بیرون روید بسوی درگاه پروردگار کریمی که عطاهای بزرگ
میبخشد و گناهان عظیم را میامرزد پس چون بمصلی میروند بجهت نماز عید خدا بملائکه میگوید که
ای ملائکه من چیست جزای مزدوری هرگاه عمل خود را بکند ملائکه میگویند ای خداوند ما و آقای ما
جزای او آنستکه مزدش تمام داده شود خدا میفرماید بدرستیکه ای ملائکه من شما را گواه میگیرم که ثواب ایشان را از روزه
روزهای ماه رمضان و عبادت شبهای آن عطا کردم که از ایشان راضی شدم و گناهان ایشان را آمرزیدم پس ندا
میفرماید که مؤمنانی که در آن مجمع حاضر شده اند که ای بندگان من هرچه خواهید از من سؤال کنید بعزت
و جلال خود سوگند یاد میکنم که در این مجمع شما هر حاجتیکه برای آخرت و دنیای خود سؤال کنید البته عطا
میکنم و عیبهای شما را میپوشانم تا از من رو گردان نشوید و مزدهای شما را مضاعف میدهم و شما را در میان گناه
کاران رسوا نمیگردانم برگردید از مصلی آمرزیده بدرستیکه خوشنود کردید مرا و خوشنود شدم از شما پس ملائکه
مسرور و شاد میشوند و یکدیگر را بشارت داده میگویند بآنچه خدا بامت محمد ص عطا کرد و در حدیث معتبر از حضرت امام
محمد باقر ع منقولست که هرکه احیا کند شب قدر را گناهان او آمرزیده شود هرچند بعدد ستارهای آسمان و سنگینی کوهها
و کیل دریاها باشد و اما اعمال این سه شب پس بر دو نوع است اول آنکه در هر سه شب باید کرد دوم آنکه مخصوص
است بهر شبی اما اول از حضرت رسول ص منقولست که هرکه در شب قدر دو رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت بعد از حمد
هفت مرتبه سورهٔ قل هو الله احد بخواند و بعد از فارغ شدن هفتاد مرتبه اَسْتَغْفِرُ اللهَ وَاَتُوبُ اِلَیْهِ بگوید از
جای خود برنخیزد تا خدا او را و پدر و مادرش را بیامرزد و ملکی چند بفرستد که حسنات برای او بنویسند تا سال
اینده و ملکی بفرستد بسوی بهشت که درختها برای او غرس نمایند و قصرها برای او بنا کنند و نهرها برای او جاری
گردانند و از دنیا بیرون نرود تا همه را مشاهده نماید و غسل در این سه شب سنت مؤکد است و غسل این شبها را مقارن
غروب آفتاب کردن بهتر است که نماز شام را با غسل بکند و مستحب است که اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ بِکِتَابِکَ الْمُنْزَلِ
در این شبها قرآن مجید را بدست بگیرد و بگشاید و این دعا را بخواند خداوندا بدرستیکه سؤال میکنم ترا بکتاب فرستادهٔ تو

وَمَا فِيهِ وَمِنهِ اِسمِكَ الاَكبَرِ وَاَسمائِكَ الحُسنى وَمَا يُخَافُ وَيُرجى اَن تَجعَلَنِى مِن عُتَقائِكَ

و آنچه در اوست و در اوست نام تو بزرگتر و نامهای نیکوی تو و آنچه بترسد و امید دارد که بگردانی مرا از آزادشدگان خود

مِنَ النَّارِ وَتَقضِىَ حَوائِجِى لِلدُّنيا وَالاٰخِرَةِ پس حاجات خود را از خدا طلب نماید که انشاء الله برآورده است

از آتش و برآوری حاجت مرا در دنیا و آخرت و این دعا از حضرت امام محمد باقر عم و امام جعفر صادق عم منقول

است که مصحف را بگیر اَللّهُمَّ بِحَقِّ هذَا القُرآنِ وَبِحَقِّ مَن اَرسَلتَهُ بِهِ وَبِحَقِّ كُلِّ مُؤمِنٍ مَدَحتَهُ فِيهِ

و بر سر بگذار و بگو خداوندا بحق این قرآن و بحق آنکه فرستاده باو و بحق هر مؤمنی که ستوده او را در آن

وَبِحَقِّكَ عَلَيهِم فَلا اَحَدَ اَعرَفُ بِحَقِّكَ مِنكَ پس ده مرتبه بِكَ يا اَللّهُ و ده بِمُحَمَّدٍ و ده بِعَلِىٍّ و ده

و بحق تو بر ایشان پس نیست احدی شناساتر بحق تو از تو بگو بحرمت تو ای خدا مرتبه و بحرمت محمد مرتبه و بحرمت علی مرتبه

بِفاطِمَةَ و ده بِالحَسَنِ و ده بِالحُسَينِ و ده بِعَلِىِّ بنِ الحُسَينِ و ده بِمُحَمَّدِ بنِ عَلِىٍّ و ده

و بحرمت فاطمه مرتبه و بحرمت حسن مرتبه و بحرمت حسین مرتبه و بحرمت علی پسر حسین مرتبه و بحرمت محمد پسر علی مرتبه

بِجَعفَرِ بنِ مُحَمَّدٍ و ده بِمُوسَى بنِ جَعفَرٍ و ده بِعَلِىِّ بنِ مُوسى و ده بِمُحَمَّدِ بنِ عَلِىٍّ و ده بِعَلِىِّ بنِ مُحَمَّدٍ

و بحرمت جعفر پسر محمد مرتبه و بحرمت موسی پسر جعفر مرتبه و بحرمت علی پسر موسی مرتبه و بحرمت محمد پسر علی مرتبه و بحرمت علی پسر محمد

و ده بِالحَسَنِ بنِ عَلِىٍّ و ده بِالحُجَّةِ پس هر حاجت که داری طلب کن و زیارت حضرت امام حسین ع

مرتبه و بحرمت حسن پسر علی مرتبه بحرمت حجه در هر یک از این سه سر شب سنت مؤکد است و در هر یک

خصوصاً شب بیست و سیم صد رکعت نماز سنت است هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه

قل هو الله احد میخواند و در بعضی از روایات معتبره وارد شده است که هفت مرتبه یا پنج مرتبه یا سه مرتبه یا یک مرتبه

قل هو الله احد اکتفا میتوان کرد و احادیث بسیار در فضیلت این صد رکعت وارد شده است و باید که این صد

رکعت غیر نافله شب بوده باشد و اگر ضعفی داشته باشد نشسته هم میتوان کرد و بهترین اعمال در این شبها طلب

آمرزش و دعا از برای مطالب دنیا و آخرت خود است و پدر و مادر و خویشان خود و برادران مؤمن زنده و مرده

ایشان و اذکار و صلوات بر محمد و آل محمد فرستادن آنچه مقدور میشود و در بعضی از روایات وارد شده است

که دعای جوشن کبیر را در هر یک از این سه شب بخوانند و مداومت نمایند اَستَغفِرُ اللّهَ رَبّى وَاَتُوبُ اِلَيهِ و صد

پس اعمال مخصوص شب نوزدهم آنستکه صد مرتبه بگوید طلب آمرزش میکنم از خدا پروردگار من و بازگشت میکنم بسوی او و صد مرتبه

اَللّهُمَّ العَن قَتَلَةَ اَمِيرِ المُؤمِنِينَ و این دعا را در این اَللّهُمَّ اجعَل فِيما تَقضِى وَتُقَدِّرُ

خداوندا لعنت کن کشنده پادشاه گروندگان را شب بخوانند خداوندا بگردان در آنچه حکم کنی و اندازه کنی

مِنَ الاَمرِ المَحتُومِ وَفِيما تَفرُقُ مِنَ الاَمرِ الحَكِيمِ فِى لَيلَةِ القَدرِ مِنَ القَضاءِ الَّذِى لا يُرَدُّ وَلا

از امر واجب گردیده و در آنچه حکم کنی از امر درست در شب قدر از حکمی که رد کرده نشود و

يُبَدَّلُ اَن تَكتُبَنِى مِن حُجّاجِ بَيتِكَ الحَرامِ المَبرُورِ حَجُّهُمُ المَشكُورِ سَعيُهُمُ المَغفُورِ ذُنُوبُهُمُ

بدل کرده نشود که بنویسی مرا از حج کنندگان خانه محترم خود پذیرفته حج ایشان اجر داده سعی ایشان آمرزیده گناهان ایشان

المُكَفَّرِ عَنهُم سَيِّئاتُهُم وَاجعَل فِيما تَقضِى وَتُقَدِّرُ اَن تُطِيلَ عُمرِى وَتُوَسِّعَ عَلَىَّ فِى رِزقِى

بازداشته از ایشان بدیهای ایشان و بگردان در آنچه حکم کنی و اندازه کنی که دراز کنی عمر مرا و وسعت دهی روزی مرا

وَتُقَدِّرَ لِى فِى جَمِيعِ اُمُورِى ما هُوَ خَيرٌ لِى فِى دُنياىَ وَآخِرَتِى يا اَرحَمَ الرّاحِمِينَ پس حوائج خود را از خدا

و اندازه کنی مرا در همه امور من آنچه او مرا در دنیا و آخرت من ای رحم کننده‌ترین رحم کنندگان طلب نماید و شب بیست و یکم

شب بیست و سیم

فضیلتش زیاده از شب سابق است و غسل و اعمال سابقه همه را باید بعمل آورد و در این دهه آخر اعتکاف در مساجد جامعه سنتست و دهه استجابت دعا است و بسند بسیار معتبر از حضرت امام موسی ع منقولست که در شب بیست و یکم و بیست و سیم صد رکعت نماز بکن و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سوره قل هو الله احد بخوان و در حدیث معتبر دیگر منقولست که حضرت امام محمد باقر ع این دو شب را احیا میکردند و در نصف اول شب مشغول دعا میشدند و در نصف آخر مشغول نماز و بسند موثق از حضرت صادق ع مرویست که اگر توانی در شب بیست و یکم و بیست و سیم ماه رمضان در هر یک صد رکعت نماز بکن بغیر از سیزده رکعت دیگر نماز شب و نافله صبح و تا صبح بیدار باش و مستحبست که مشغول نماز و دعا و تضرع باشی تا صبح بدرستیکه امید شب قدر در یکی از اینها هست و شب قدر بهتر است از هزار ماه فرمود یعنی بهتر است از عمل در هزار ماه و هر امری که در آن سال واقع میشود در شب قدر مقدر میکنند و دعای این شب در ضمن دعاها بعد مذکور خواهد شد ان شاء الله تعالی و اما شب بیست و سیم اکثر احادیث معتبره دلالت میکند بر آنکه آن شب قدر است و در آن دو غسل سنت است یکی در اول شب و یکی در آخر شب و حضرت صادق ع فرمود که شب بیست و سیم شب جهنی است و در آن شب جمیع امور بر وفق حکمت مقدر میگردد و در آن شب مقدر میشود مرگها و بلاها و اجلها و روزیها و قضاها و آنچه در آن سال واقع میشود تا شب قدر دیگر آینده پس خوشحال کسیکه احیا کند آن شب را و بیدار باشد بعبادت و گاه در رکوع باشد و گاه در سجود و گناهان خود را در برابر دیدهای خود ممثل گرداند و بر آنها بگرید چون چنین کند امیدوارم که از فضیلت شب قدر محروم نگردد ان شاء الله تعالی و فرمود که خدا امر میکند ملکی را که ندا میکند در هر روز ماه رمضان در هوا که بشارت باد شما را ای بندگان من که بخشیدم گناهان گذشته شما را و در شب قدر شفاعت شما را در حق یکدیگر قبول میکنم و دعاهای شما را در حق یکدیگر مستجاب میگردانم مگر کسیکه روزه را افطار کند بر مست کننده یا کینه مؤمنی را در دل داشته باشد و بسند معتبر از حضرت صادق ع منقولست که هر که سوره عنکبوت و روم را در شب بیست و سیم این ماه بخواند والله که او از اهل بهشت است و استثنا نمیکنم در آن احدی را و نمیترسم که خدا در این سوگند گناهی بر من بنویسد و این دو سوره را نزد خدا منزلت عظیم هست و ایضا از آنحضرت بسند معتبر منقولست که هر که در شب بیست و سیم ماه مبارک رمضان هزار مرتبه سوره انا انزلناه را بخواند هر آینه صبح کند با یقین شدید باعتراف بآنچه مخصوص بما است از کرامتها در اینشب بسبب آنچه در خواب ببیند و سوره حم دخان را نیز سنتست که در اینشب بخواند و از حضرت امام محمد تقی ع منقولستکه هر که زیارت کند حضرت امام حسین ع را در شب بیست و سیم که امید شب قدر در آن هست و در آن هر امری مقدر میشود مصافحه کند با او روح صد و بیست و چهار هزار پیغمبر که همه در اینشب رخصت میطلبند از خدا در زیارت آنحضرت و بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر ع روایت کرده است که هر که احیا کند شب بیست و سیم ماه مبارک رمضان را و صد رکعت نماز بکند خدا روزی او را فراخ گرداند در دنیا و شر دشمنان را از او کفایت کند و پناه دهد او را از غرق شدن و خانه بر سرش خراب شدن و لقمه در گلو گرفتن و از شر درندگان و دفع کند از او هول منکر و نکیر را و از قبر بیرون آید و او را نوری باشد که روشنی بخشد اهل محشر را و نامه عملش را بدست راستش بدهند و بنویسند برای او برات بیزاری از آتش جهنم و گذشتن بر صراط و ایمنی

در فضیلت شب قدر

از عذاب او داخل بهشت شود بیحساب و در بهشت او را از رفیقان پیغمبران و صدیقان و شهیدان و
صالحان کردانند و نیکو رفیقانند ایشان و دعای این شب اَللّٰهُمَّ امْدُدْ لِي فِي عُمْرِي وَاَوْسِعْ لِي فِي رِزْقِي
خداوندا بخش مرا در عمر من و وسعت ده مرا در رزق
از جمله دعاهای هر شب است که در این شب بخواند و ایضا این دعا را بخواند
وَاَصِحَّ جِسْمِي وَبَلِّغْنِي اَمَلِي وَاِنْ كُنْتُ مِنَ الْاَشْقِيَاءِ فَامْحُنِي مِنَ الْاَشْقِيَاءِ وَاكْتُبْنِي مِنَ السُّعَدَاءِ
و سالم کن بدن مرا و برسان مرا به آرزوی من و اگر باشم از بدبختان پس محو کن مرا از زمره بدبختان و بنویس مرا از نیکبختان
فَاِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ الْمُنْزَلِ عَلٰى نَبِيِّكَ الْمُرْسَلِ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ يَمْحُو اللّٰهُ مَا يَشَاءُ
پس بدرستیکه تو گفته در کتاب تو فرود آمده بر پیغمبر تو فرستاده رحمتهای تو بر او و آل او محو میکند خدا آنچه میخواهد
وَيُثْبِتُ وَعِنْدَهُ اُمُّ الْكِتَابِ ایضا اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ اَوْفَرِ عِبَادِكَ نَصِيبًا مِنْ كُلِّ خَيْرٍ اَنْزَلْتَهُ
و ثابت میدارد و نزد اوست اصل کتاب بگوید خداوندا بگردان مرا از وافرترین بندگان خود بهره از هر نیکی فرو فرستادی
فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ اَوْ اَنْتَ مُنْزِلُهُ مِنْ نُورٍ تَهْدِي بِهِ اَوْ رَحْمَةٍ تَنْشُرُهَا اَوْ رِزْقٍ تَقْسِمُهُ اَوْ
آن را در این شب یا تو فرو فرستادی او را از نوری که راه نماید مرا به آن یا رحمتی که پراکنده سازی از روزیکه قسمت کنی آن را یا
بَلَاءٍ تَدْفَعُهُ اَوْ ضُرٍّ تَكْشِفُهُ وَاكْتُبْ لِي مَا كَتَبْتَ لِاَوْلِيَائِكَ الصَّالِحِينَ الَّذِينَ اسْتَوْجَبُوا
بلائیکه دفع کنی آن را یا گزندیکه زایل کنی آن را بنویس برای من آنچه نوشته برای دوستان شایسته خود که سزاوار شدند از تو
مِنْكَ الثَّوَابَ وَاَمِنُوا بِرِضَاكَ مِنْكَ الْعِقَابَ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ
ثواب را و ایمن گشتند بخوشنودی تو از ایشان از عقوبت ترا ای بزرگوار ای بزرگوار رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بکن با من
بِي ذٰلِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ و هر مقدار از قرآن که ممکن باشد در این شب بخواند و دعاهای
آن را برحمت خود ای بخشنده ترین بخشندگان صحیفه کامله را بخواند خصوصا دعای مکارم اخلاق و دعای
توبه و روزهای این شبها را نیز حرمت باید داشت و بعبادت و تلاوت و دعا بسر آورد زیرا که در
احادیث معتبره وارد شده است که روز قدر نیز در فضیلت مثل شب قدر است و در شب بیست و چهارم
نیز بخصوص غسل سنت است و در شب بیست و پنجم نیز غسل سنت است و احادیث معتبره در استحباب
غسل نیز وارد شده است و منقول است که خدای عز و جل در این شب دفع میکند بدیها و گناهان و جمیع
انواع بلاها را از روزه داران ماه رمضان پس عطا میکند خدا بایشان نوری در گوشها و دیدهای ایشان و در
شب بیست و هفتم نیز بخصوص غسل وارد شده است و منقول است که حضرت امام زین العابدین ع در این شب مکرر
این دعا را میخواند از اول اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي التَّجَافِيَ عَنْ دَارِ الْغُرُورِ وَالْاِنَابَةَ اِلٰى دَارِ الْخُلُودِ وَ
شب تا آخر شب و دعا اینست خدایا روزی کن مرا کناره گرفتن از سرای فریبنده و بازگشت بسوی سرای جاویدها
الْاِسْتِعْدَادَ لِلْمَوْتِ قَبْلَ حُلُولِ الْفَوْتِ و در شب بیست و نهم نیز بخصوص غسل وارد شده است
و مهیا شدن برای موت پیش از فرود آمدن مرگ و هم چنین در شب آخر غسل سنت است و زیارت حضرت
امام حسین ع سنت است و وداع ماه مبارک رمضان سنت مؤکد است برای اظهار آنکه روزه و عبادات
این ماه بر ما گران و دشوار نبود و ما خواهان او بودیم و از مفارقت آن آزرده و محزونیم زیرا که لذت عبادت
الهی را یافته است و فواید آن را در دنیا و عقبی دانسته است عاشق عبادت و بندگی میباشد پس میباید
باید این ماه وافر البرکات را بنحوی وداع کند که عزیزترین اهل خود را در هنگام مفارقت وداع میکند

و معلوم است

وقف رالامین ثامن حضرت ثامن الحجج علی بن موسی الرضا علیهما السلام
واقف مرحوم آیت الله ... شیرازی

دعای وداع

ومعلوم است که غلامیکه از خدمت آقای خود شاد و خوشحال باشد و از ترك خدمت او دلگیر باشد

مثل غلامی نیست که از ترس خدمت کند و بان راضی نباشد و دعاهای وداع را در شب آخر سنت است خواندن و

اگر در روز آخر نیز بخوانند خوبست و در حدیثست که اگر آخر ماه مشتبه باشد در شب بیست ونهم احتیاطا

سنت است خواندن و دعاهای وداع بسیار است و بهترین دعاها دعای بسم الله الرحمن الرحیم

صحیفهٔ کامله است و بسندهای بسیار معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که این دعا را بخوانند — بنام خدای بخشاینده مهربان

اللهم انك قلت في كتابك المنزل على لسـ... وقولك

خداوندا بدرستیکه تو گفته در کتاب تو فرستاده شده بر زبان

حق شهر رمضان الذي انزل فيه ا...

رمضان که فرستاده شد در آن

وهذا شهر رمضان قد تصرم وانـ...

رمضان که بریده شده

وكلماتك التامة ان كان بقي علي ...

وکلمهای تو که تمامست اگر باشد باقی بر من

هو العزیز

اللهم صل علی محمد وآل محمد

... حرره اقل الطلاب محمد ...

به ان يطلع فجر هذه الليلة او يتصرم هذا الشهر الا وقد غفرته ...

بان آنکه طلوع کند صبح این شب یا بریده شود این ماه ... بتحقیق بیامرزی مرا ای بخشنده ترین بخشندگان

اللهم لك الحمد بمحامدك كلها اولها وآخرها ما قلت لنفسك منها وما قال لك الخلائق

خداوندا مر تراست سپاسهای تو همه آن اول آن و آخر آن آنچه خود گفته مر ذات خود را از آن و آنچه گفته مر ترا آفریدگان

الحامدون المجتهدون المعدودون المؤثرون في ذكرك والشكر لك الذين اعنتهم على اداء

سپاس گذاران کوشش کنندگان شمارنده برگزیننده در یاد تو و سپاس مر ترا که مدد کردی ایشان را بر ادا کردن

حقك من اصناف خلقك من الملائكة المقربين والنبيين والمرسلين واصناف الناطقين المسبحين

حق تو از اقسام خلق تو از فرشتگان نزدیکان و پیغمبران و فرستادگان و اقسام سخن گویان تنزیه کنندگان

لك من جميع العالمين على انك بلغتنا شهر رمضان وعلينا من نعمك وعندنا من جزيل قسمك

مر ترا در همه جهانیان بر آنکه تو رسانیدی ما را بماه رمضان و بر ماست از نعمتهای تو و نزد ماست از بخشش وافر تو

واحسانك وتظاهر امتنانك بذلك لك منتهى الحمد الخالد الدائم الراكد المخلد السرمد الذي

و احسان تو و از پی در آمدن تو و نعمتهای تو باین مر تو راست نهایت سپاس جاوید پیوسته ثابت جاوید مانده همیشه که

لا ينفد طول الابد جل ثناؤك اعنتنا عليه حتى قضيت عنا صيامه وقيامه من صلوة وما كان

بپایان نرسد همیشه که زمانه بزرگست ثنای تو یاری کردی ما را بر او تا آنکه عطا کردی از ما روزه او را و ایستادن او را از نماز و آنچه

منا فيه من بر او شكر او ذكر اللهم فتقبله منا باحسن قبولك وتجاوزك وعفوك و

از ما در آن از نیکی و شکر یا ذکر خدایا پس بپذیر او را از ما به نیکوتر قبول تو و تجاوز تو و عفو تو و

صفحك وغفرانك وحقيقة رضوانك حتى تظفرنا فيه بكل خير مطلوب وجزيل عطاء موهوب وتوقينا

و گذشتن تو و آمرزش تو و حقیقت خوشنودی تو تا آنکه فیروزی دهی ما را در آن بهر نیکی طلب کرده شده و عطای وافر که بخشیدی و ...

از عذاب او داخل بهشت شود بیحساب و در بهشت او را از رفیقان پیغمبران و صدیقان و شهیدان و
صالحان کرداند و نیکو رفیقانند ایشان و دعای ابن شبرا اللّٰهُمَّ اَمْدُدْ لِی فِی عُمْرِی وَاَوْسِعْ لِی فِی رِزْقِی
از جملهٔ دعاهای دهه آخر بخواند و ایضا این دعا را بخواند
خداوندا بخش مرا در عمر من و وسعت ده مرا در روزی من
وَاَصِحَّ جِسْمِی وَبَلِّغْنِی اَمَلِی وَاِنْ کُنْتُ مِنَ الْاَشْقِیَاءِ فَامْحُنِی مِنَ الْاَشْقِیَاءِ وَاکْتُبْنِی مِنَ السُّعَدَاءِ
و صحت بده بدن مرا و برسان مرا بآرزوی من و اگر باشم از بدبختان پس محو کن مرا از زمرهٔ بدبختان و بنویس مرا از نیکبختان

فَاِنَّکَ قُلْتَ … هِ وَاٰلِهِ یَمْحُوا اللّٰهُ مَا یَشَاءُ
پس بدرستیکه تو گفتهٔ … و آل او محو میکند خدا آنچه میخواهد
وَیُثْبِتُ وَعِ … ذٰلِکَ نَصِیبًا مِنْ کُلِّ خَیْرٍ اَنْزَلْتَهُ
و ثابت میدارد و … ندگان خود ده از هر نیکی فرو فرستادی
بِهٰذِهِ اللَّیْلَ … نْشُرُهَا اَوْ رِزْقٍ تَقْسِمُهُ اَوْ
او را در این شب … ده سازی از روزیکه قسمت کنی او را یا
بَلَاءٍ تَدْفَعُهُ … صَّالِحِینَ الَّذِینَ اسْتَوْجَبُوا
بلائیکه دفع کنی آن … بسته خود که سزاوار شدند از تو
مِنْکَ الثَّوَا … صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ
و داشتن را … و این ستند بخوشنودی تو … پروردگار رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بکن با من
بِی ذٰلِکَ بِرَحْمَتِکَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ و هر مقدار از قرآن که ممکن باشد در اینشب بخواند و دعاهای
آنرا برحمت خود ای بخشنده ترین بخشندگان صحیفهٔ کامله را بخواند خصوصا دعای مکارم اخلاق و دعای
تو به رو روزهای این شبها را نیز حرمت باید داشت و بعبادت و تلاوت و دعا بسر آورد زیرا که در
احادیث معتبره وارد شده است که روز قدر نیز در فضیلت مثل شب قدر است و در شب بیست و چهارم
نیز بخصوص غسل سنت است و در شب بیست و پنجم نیز غسل سنت است و احادیث معتبره در استحباب
غسل بزان وارد شده است و منقولست که خدای عز و جل در این شب فتح میکند بدیها و گناهان و جمیع
انواع بلاها را از روزه داران ماه رمضان پس عطا میکند خدا بایشان نوری در گوشها و دیدهها ایشان و در
شب بیست و هفتم نیز بخصوص غسل وارد شده است و منقولست که حضرت امام زین العابدین ع در این شب مکرر
این دعا را میخواند تا از اول اللّٰهُمَّ ارْزُقْنِی التَّجَافِیَ عَنْ دَارِ الْغُرُورِ وَالْاِنَابَةَ اِلٰی دَارِ الْخُلُودِ وَ
شب تا آخر شب و دعا اینست
خدایا روزی کن مرا کناره گرفتن از سرای فریبنده و بازگشت بسوی سرای جاوید
الْاِسْتِعْدَادَ لِلْمَوْتِ قَبْلَ حُلُولِ الْفَوْتِ و در شب بیست و نهم نیز بخصوص غسل وارد شده است
و مهیا شدن برای موت پیش از فرود آمدن مرگ
و هم چنین در شب آخر غسل سنت است و زیارت حضرت
امام حسین ع سنت است و وداع ماه مبارک رمضان سنت مؤکد است برای اظهار آنکه روزه و عبادات
اینماه بر ما گران و دشوار نبود و ما خواهان او بودیم و از مفارقت آن آزرده و محزونیم زیرا که لذت عبادت
الهی را یافته است و فواید آنرا در دنیا و عقبی دانسته است عاشق عبادت و بندگی میباشد پس
باید اینماه وافر البرکات را بنحوی وداع کند که عزیز ترین اهل خود را در هنگام مفارقت وداع میکند

ومعلوم است

وقف را امین بمامن حضرت ثامن الحجج علی بن موسی الرضا علیهما السلام
واقف مرحوم آیت الله ... شیرازی

و معلوم است که غلامیکه از خدمت آقای خود شاد و خوشحال باشد و از ترك خدمت او دلگیر باشد
مثل غلامی نیست که از ترس خدمت کند و بان راضی نباشد و دعاهای وداع را در شب آخر سنت است خواندن و
اگر در روز آخر نیز بخوانند خوبست و در حدیثست که اگر آخر ماه مشتبه باشد در شب بیست و نهم احتیاطا
سنت است خواندن و دعاهای وداع بسیار است و بهترین دعاها دعای بسم الله الرحمن الرحیم
صحیفهٔ کامله است و بسندهای بسیار معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست بنام خدای بخشایندهٔ مهربان

اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتابِكَ الْمُنْزَلِ عَلى لِسانِ نَبِيِّكَ الْمُرْسَلِ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَقَوْلُكَ
خداوندا بدرستیکه تو گفته در کتاب تو فرستاده شده بر زبان پیغمبر تو فرستاده رحمتهای تو بر او و آل او و گفتار تو
حَقٌّ شَهْرُ رَمَضانَ الَّذي اُنْزِلَ فيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِلنّاسِ وَبَيِّناتٍ مِنَ الْهُدى وَالْفُرْقانِ
راست ماه رمضان که فرستاده شد در آن قرآن راهنما برای مردمان و روشن از راهنما بحق پیدا کننده
وَهٰذا شَهْرُ رَمَضانَ قَدْ تَصَرَّمَ وَانْقَضَتْ اَيّامُهُ وَلَيالِيهِ فَاَسْئَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَريمِ
و این رمضان که بریده شده و بپایان رسیده روزها او و شبها بش پس میخواهم ترا بذات بزرگوار تو
وَكَلِماتِكَ التّامَّةِ اِنْ كانَ بَقِيَ عَلَيَّ ذَنْبٌ لَمْ تَغْفِرْهُ لي اَوْ تُريدُ اَنْ تُعَذِّبَني عَلَيْهِ اَوْ تُقايِسَني
و کلمهای تو که تمامست اگر باشد باقی بر من گناهی که نیامرزیده آنرا برای من یا خواسته باشی که عذاب کنی مرا بر او یا قیاس کنی مرا
بِهِ اَنْ يَطْلُعَ فَجْرُ هٰذِهِ اللَّيْلَةِ اَوْ يَتَصَرَّمَ هٰذَا الشَّهْرُ اِلّا وَقَدْ غَفَرْتَهُ لي يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ
بآن اگر طلوع کند صبح این شب یا بریده شود این ماه بتحقیق بیامرزی مرا ای بخشنده ترین بخشندگان
اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ بِمَحامِدِكَ كُلِّها اَوَّلِها وَآخِرِها ما قُلْتَ لِنَفْسِكَ مِنْها وَما قالَ لَكَ الْخَلائِقُ
خداوندا مر تراست سپاسهای تو همه آن اول آن و آخر آن آنچه خود گفته مر ذات خود را از آن و آنچه گفته مر ترا آفریدگان
الْحامِدُونَ الْمُجْتَهِدُونَ الْمُعَدِّدُونَ الْمُؤْثِرُونَ في ذِكْرِكَ وَالشُّكْرُ لَكَ الَّذينَ اَعَنْتَهُمْ عَلى اَداءِ
سپاس گذاران کوشش کنندگان شمارنده برگزیننده در یاد تو و سپاس مر ترا که مدد کردی آنها را بر ادا کردن
حَقِّكَ مِنْ اَصْنافِ خَلْقِكَ مِنَ الْمَلٰئِكَةِ الْمُقَرَّبينَ وَالنَّبِيّينَ وَالْمُرْسَلينَ وَاَصْنافِ النّاطِقينَ وَالْمُسَبِّحينَ
حق تو از اقسام خلق تو از فرشتگان نزدیکان و پیغمبران و فرستادگان و اقسام سخن گویان تنزیه کنندگان
لَكَ مِنْ جَميعِ الْعالَمينَ عَلى اَنَّكَ بَلَّغْتَنا شَهْرَ رَمَضانَ وَعَلَيْنا مِنْ نِعَمِكَ وَعِنْدَنا مِنْ جَزيلِ قِسَمِكَ
مر ترا در همه جهانیان بر آنکه تو رسانیدی ما را بماه رمضان و بر ماست از نعمتهای تو و نزد ماست از بخشش وافر تو
وَاِحْسانِكَ وَتَظاهُرِ امْتِنانِكَ فَبِذٰلِكَ لَكَ مُنْتَهَى الْحَمْدِ الْخالِدِ الدّائِمِ الرّاكِدِ الْمُخَلَّدِ السَّرْمَدِ الَّذي
و احسان تو و از پی در آمدن تو و نعمتهای تو باین مر تو راست نهایت سپاس جاوید پیوسته ثابت جاوید ماندهٔ همیشه که
لا يَنْفَدُ طُولَ الْاَبَدِ جَلَّ ثَناؤُكَ اَعَنْتَنا عَلَيْهِ حَتّى قَضَيْتَ عَنّا صِيامَهُ وَقِيامَهُ مِنْ صَلوٰةٍ وَما كانَ
بپایان نرسد تا بد که زمانه بزرگست ثنای تو یاری کردی ما را بر او تا آنکه عطا کردی از ما روزه او را و ایستادن او را از نماز و آنچه
مِنّا فيهِ مِنْ بِرٍّ اَوْ شُكْرٍ اَوْ ذِكْرٍ اَللّٰهُمَّ فَتَقَبَّلْهُ مِنّا بِاَحْسَنِ قَبُولِكَ وَتَجاوُزِكَ وَعَفْوِكَ وَ
از ما در آن از نیکی و شکر یا ذکر خدایا پس بپذیر او را از ما به نیکوتر قبول تو و تجاوز تو و عفو تو و
صَفْحِكَ وَغُفْرانِكَ وَحَقيقَةِ رِضْوانِكَ حَتّى تُظْفِرَنا فيهِ بِكُلِّ خَيْرٍ مَطْلُوبٍ وَجَزيلِ عَطاءٍ مَوْهُوبٍ وَتُوَمِّنَنا
و گذشتن تو و آمرزش تو و حقیقت خوشنودی تو تا آنکه فیروزی دهی ما را در آن بهر نیکی طلب کرده شده و عطای وافر که بخشیدی و ایمن داری ما را

من كل امر مرهوب وذنب مكسوب اللهم اني اسئلك بعظيم ما سئلك احد من خلقك من كريم
از هر امری رسیده شده وگناهی کسب شود خدایا بدرستی که من میخوانم ترا ببزرگتر آنچه سؤال کرده ترا یکی از خلق تو از گرامی

اسمائك وجزيل ثنائك وخاصة دعائك ان تصلي على محمد وآل محمد وان تجعل شهرنا
نامهای تو و بسیاری ثنای تو و خاصه دعای تو اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بگردانی ماه ما را

هذا اعظم شهر رمضان مر علينا منذ انزلتنا الى الدنيا بركة في عصمة ديني وخلاص
این را بزرگتر ماه رمضان گذشته بر ما و تحقیکه فرستادی آنرا بسوی دنیا برکتی در نگاهداری دین من و خلاصی

نفسي وقضاء حاجتي وتشفعني في مسائلي وتمام النعمة علي وصرف السوء عني ولباس العافية
نفس من و رواکردن حاجت من و شفاعت کنی مرا در سؤالهای من و تمام نعمت بر من و گردانیدن بدیها از من و لباس عافیه

لي وان تجعلني برحمتك ممن حزت له ليلة القدر وجعلتها له خيرا من الف شهر في اعظم الاجر
برای من و اینکه بگردانی مرا برحمت خود از آنکه رانده برای او شب قدر و گردانید او را بهتر از هزار ماه در بزرگتر مزدی

وكرائم الذخر وطول العمر وحسن الشكر ودوام اليسر اللهم واسئلك برحمتك وطولك وعفوك
و گرامی ذخیره و درازی عمر و خوبی شکر و دوام آسانی خدایا و سؤال میکنم ترا برحمت تو و احسان تو و عفو تو

ونعمائك وجلالك وقديم احسانك وامتنانك ان لا تجعله آخر العهد منا لشهر رمضان
و نعمتهای تو و بزرگواری تو و دیرینه احسان تو و انعام تو اینکه نگردانی او را آخر عهد از ما برماه رمضان

حتى تبلغناه من قابل على احسن حال وتعرفني هلاله مع الناظرين اليه والمتعرفين له
تا برسانی او را از سال آینده بر نیکوتر حالی و بشناسانی مرا هلال او را با نظرکنندگان بسوی او و شناسندگان مر او را

في اعفى عافيتك وانعم نعمتك واوسع رحمتك واجزل قسمك اللهم يا ربي الذي ليس لي
در بزرگترین عافیت تو و تمام نعمت خود و وافرترین رحمت خود و وافرترین قسمت خود خدایا ای پروردگاری که نیست مرا

رب غيره لا يكون هذا الوداع مني وداع فناء ولا آخر العهد من اللقاء حتى ترينيه من قابل
خدای غیر او نباشد این وداع از من وداع نیستی و نه در آخرت ملاقات از ملاقات تا آنکه بنمائی او را از سال آینده

في اسبغ النعم وافضل الرخاء وانا لك على احسن الوفاء انك سميع الدعاء اللهم
با تمامترین نعمتها و بهتر فراخی و اینکه باشم برتو بر نیکی وفاء بدرستی که تو شنونده دعائی خدایا

اسمع دعائي وارحم تضرعي وتذللي لك واستكانتي لك وتوكلي عليك وانا لك مسلم
بشنو دعای مرا و رحم کن زاری مرا و خواری مرا مر ترا و فروتنی مرا برای تو و توکل من بر تو و منم برای تو منقاد

لا ارجو نجاحا ولا معافاة ولا تشريفا ولا تبليغا الا بك ومنك فامنن علي جل ثناؤك و
امید ندارم رستگاری را و نه عافیت را و نه گرامی را و نه رسانیدن مگر بتو و از تو پس انعام کن بر من بزرگست ثنای تو

تقدست اسماؤك بتبليغي شهر رمضان وانا معافا من كل مكروه ومحذور ومن جميع البوائق
و پاکست نامهای تو برسانیدن من ماه رمضان و من عافیت دهنده ام از هر ناخوشی و ترسیده شود از همه سختیها

الحمد لله الذي اعاننا على صيام هذا الشهر وقيامه حتى بلغنا آخر ليلة منه اللهم اني اسئلك
سپاس مرخدایرا که مدد کرد مرا بر روزه این ماه و ایستادن او تا رسانید ما را آخر شب از آن خدایا بدرستیکه من

باحب ما دعيت به وارضى ما رضيت به عن محمد صلى الله عليه وآله ان تصلي على محمد وآل محمد ولا تجعل
میخوانم بدوست ترین آنچه خوانده و پسندیده ترین آنچه خشنود باشی از محمد رحمت خدا بر او و آل او اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و نگردانی

رمضان وداع خروجی من الدنیا ولا وداع آخر عبادتک فیه ولا آخر صوم لک وارزقنی
رمضان وداع بیرون رفتنم از دنیا ونه وداع آخر عبادت تو در این ونه آخر روزه من مر ترا. وروزی کن مرا

العود فیه ثم العود فیه برحمتک یا ولی المؤمنین ووفقنی فیه للیلة القدر واجعلها لی
عود در آن پس باز گشت در آن برحمت تو ای دوست گروندگان وتوفیق ده مرا در آن شب قدر وبگردان آنرا برای من

خیراً من الف شهر رب اللیل والنهار والجبال والبحار والظلم والانوار والارض والسماء یا بارئ
بهتر از هزار ماه پروردگار شب وروز وکوهها ودریاها وتاریکیها وروشنی وزمین وآسمان ای آفریدگار

یا مصور یا حنان یا منان یا الله یا رحمن یا رحیم یا حی یا قیوم یا بدیع السموات والارض
ای صورت بخش وای مهربان ای بخشنده ای خدا ای بخشنده ای مهربان ای زنده ای توانا ای بدید آورنده آسمانها وزمین

لک الاسماء الحسنی والامثال العلیا والکبریاء والآلاء اسئلک باسمک بسم الله الرحمن الرحیم
مر تراست نامهای نیکو وداستانهای بلند وبزرگواری ونعمتها سؤال میکنم ترا بنام تو بنام خدای بخشاینده مهربان

ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تجعل اسمی فی هذه اللیلة فی السعداء وروحی مع الشهداء
واینکه رحمت فرستی بر محمد وآل محمد واینکه بگردانی نام مرا در این شب در زمره نیکبختان وروح مرا با شهیدان

واحسانی فی علیین واسائتی مغفورة وان تهب لی یقیناً تباشر به قلبی وایماناً لا یشوبه شک
واحسان مرا در علیین وبدی مرا آمرزیده شده واینکه ببخشی مرا یقینی که مباشر کنی بآن دل مرا وایمانی که نیامیزد آنرا شکی

ورضاً بما قسمت لی وان تؤتینی فی الدنیا حسنة وفی الآخرة حسنة وان تقینی عذاب النار
وخوشنودی بآنچه قسمت کردی مرا واینکه بدهی مرا در اینجهان نیکی ودر آخرت نیکی واینکه نگاهداری مرا از عذاب آتش

الحریق اللهم اجعل فیما تقضی وتقدر من الامر المحتوم وفیما تفرق من الامر الحکیم فی لیلة القدر
سوزان خداوندا بگردان در آنچه حکم کردی واندازه نمودی از امر لازم شده ودر آنچه جدا میکنی از امر محکم در شب قدر

من القضاء الذی لا یرد ولا یبدل ولا یغیر ان تکتبنی من حجاج بیتک المبرور حجهم المشکور
از حکمیکه رد کرده نشود وبدل کرده نشود وتغییر نشود اینکه بنویسی مرا از حج کنندگان خانه محترم تو پذیرفته حج ایشان سپاس داده

سعیهم المغفور ذنوبهم المکفر عنهم سیئاتهم واجعل فیما تقضی وتقدر ان تطیل عمری
پاداش ایشان آمرزیده شده گناه ایشان محو شود از ایشان بدیهاشان وبگردان در آنچه حکم کردی واندازه نمودی اینکه دراز کنی عمر مرا

وان تعتق رقبتی من النار یا ارحم الراحمین اللهم انی اسئلک ولم یسئل العباد مثلک
واینکه آزاد کنی گردن مرا از آتش ای بخشنده‌ترین بخشندگان خدایا بدرستیکه میخوانم ترا وسؤال نکردند بندگان مانند ترا

جوداً وکرماً وارغب الیک ولم یرغب الی مثلک انت موضع مسئلة السائلین ومنتهی رغبة
بخشش وبزرگواری رغبت میکنم بسوی تو ورغبت نمیکنم بسوی مانند تو محل سؤال سؤال کنندگان ومنتهای خواهش

الراغبین اسئلک باعظم المسائل کلها وافضلها وانجحها التی ینبغی للعباد ان یسئلوک بها
خواهندگان سؤال میکنم ترا ببزرگتر سؤالهای همه آن وبهتر آن وروا شده تر آنچه سزاوار است برای بندگان اینکه سؤال کنند ترا بآن

یا الله یا رحمن وباسمائک ما علمت منها وما لم اعلم وباسمائک الحسنی وامثالک العلیا
ای خدا ای بخشنده وبنامهای تو آنچه دانسته‌ام از آنها وآنچه نمیدانم بنامهای تو نیکو ومثلهای بلند

وبنعمک التی لا تحصی وباکرم اسمائک علیک واحبها الیک واشرفها عندک منزلة واقربها
وبنعمت تو که شمرده نشود وبگرامی ترین نامهای تو بر تو ودوست داشته‌تر آن بسوی تو وشریفتر آن نزد تو از روی مرتبه ونزدیکتر

الحرام

ذنوبهم

دعای وداع

مِنْكَ وَسِيلَةً وَأَجْزَلِهَا مِنْكَ ثَوَاباً وَأَسْرَعِهَا لَدَيْكَ إِجَابَةً وَبِاسْمِكَ الْمَكْنُونِ الْمَخْزُونِ الْحَيِّ
وسیله و وافرتر آنها از تو ازروی خواهش شتابنده‌تر نزد تو پذیرفته و بنام تو که پوشیده پنهان زنده

الْقَيُّومِ الْأَكْبَرِ الْأَجَلِّ الَّذِي تُحِبُّهُ وَتَهْوَاهُ وَتَرْضَى بِهِ عَمَّنْ دَعَاكَ بِهِ وَتَسْتَجِيبُ لَهُ دُعَاءَهُ وَحَقٌّ
توانا بزرگتر بزرگوار که دوست او را و خوشنودی باد ازآنکه خواند ترا بآن و می‌پذیری مراورا خواندن و لازم است

عَلَيْكَ أَنْ لَا تَحْرِمَ سَائِلَكَ وَأَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ فِي التَّوْرَاةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ وَ
بر تو اینکه ناامید نکنی سؤال کننده خود را و میخوانم ترا بهر نامیکه از برای تو خوانده توراة و انجیل و زبور

الْفُرْقَانِ وَبِكُلِّ اسْمٍ دَعَاكَ بِهِ حَمَلَةُ عَرْشِكَ وَمَلَائِكَةُ سَمَاوَاتِكَ وَجَمِيعُ الْأَصْنَافِ مِنْ خَلْقِكَ مِنْ
و فرقان بردارنده عرش تو و فرشتگان آسمانهای تو و همه اصناف از خلق تو از

نَبِيٍّ أَوْ صِدِّيقٍ أَوْ شَهِيدٍ وَبِحَقِّ الرَّاغِبِينَ إِلَيْكَ الْفَرِقِينَ مِنْكَ الْمُتَعَوِّذِينَ بِكَ وَبِحَقِّ مُجَاوِرِي بَيْتِكَ
پیغمبری یا راستگوئی یا گواهی و بحق رغبت کنندگان ای ترسندگان از تو پناه برنده بتو و بحق همسایگان خانه

الْحَرَامِ حُجَّاجاً وَمُعْتَمِرِينَ وَمُقَدِّسِينَ وَالْمُجَاهِدِينَ فِي سَبِيلِكَ وَبِحَقِّ كُلِّ عَبْدٍ مُتَعَبِّدٍ لَكَ
محترم تو حج کننده و عمره گذارنده و تنزیه کننده و کارکننده در راه تو و بحق هر بنده پرستنده مر ترا

فِي بَرٍّ أَوْ بَحْرٍ أَوْ سَهْلٍ أَوْ جَبَلٍ أَدْعُوكَ دُعَاءَ مَنْ قَدِ اشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ وَكَثُرَتْ ذُنُوبُهُ وَعَظُمَ جُرْمُهُ
در بیابان یا دریا یا زمین هموار یا کوه میخوانم ترا خواندن کسی که بتحقیق که سخت باشد احتیاج او و بسیار باشد گناهان او بزرگ باشد گناه او

وَضَعُفَ كَدْحُهُ دُعَاءَ مَنْ لَا يَجِدُ لِنَفْسِهِ سَادّاً وَلَا لِضَعْفِهِ مُقَوِّياً وَلَا لِذَنْبِهِ غَافِراً غَيْرَكَ هَارِباً
و سست باشد سعی او مانند دعای کسیکه نیابد برای نفس خود بازدارنده و نه مر ناتوانی خود قوت دهنده و نه مر گناه خود آمرزنده غیر تو گریزنده

إِلَيْكَ مُتَعَوِّذاً بِكَ مُتَعَبِّداً لَكَ غَيْرَ مُسْتَكْبِرٍ وَلَا مُسْتَنْكِفٍ خَائِفاً بَائِساً فَقِيراً مُسْتَجِيراً بِكَ أَسْأَلُكَ
بسوی تو پناه برنده بتو عبادت کننده مر ترا غیر گردنکش و نه ننگ دارنده ترسان محتاج زنهار جوینده بتو سؤال میکنم

بِعِزَّتِكَ وَعَظَمَتِكَ وَجَبَرُوتِكَ وَسُلْطَانِكَ وَبِمُلْكِكَ وَبِبَهَائِكَ وَجُودِكَ وَكَرَمِكَ وَبِآلَائِكَ
بعزت تو و بزرگی تو و بزرگواری و غلبه تو و پادشاهی تو و روشنی تو و بخشش تو و کرم تو و بنعمتهای تو

وَحُسْنِكَ وَجَمَالِكَ وَبِقُوَّتِكَ عَلَى مَا أَرَدْتَ مِنْ خَلْقِكَ أَدْعُوكَ يَا رَبِّ خَوْفاً وَطَمَعاً وَرَهْبَةً
و نیکی تو و جمال تو و توانائی تو بر آنچه اراده کنی از آفرینش تو میخوانم ترا ای پروردگار با ترس و امید و خواهش

وَرَغْبَةً وَتَخَشُّعاً وَتَمَلُّقاً وَتَضَرُّعاً وَإِلْحَافاً وَإِلْحَاحاً خَاضِعاً لَكَ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ
و فروتنی و تملق و زاری و مبالغه و الحاح با فروتنی مر ترا نیست خدائی مگر تو یگانه تو

لَا شَرِيكَ لَكَ يَا قُدُّوسُ يَا قُدُّوسُ يَا قُدُّوسُ يَا اللّٰهُ يَا اللّٰهُ يَا اللّٰهُ يَا رَحْمٰنُ يَا رَحْمٰنُ يَا رَحْمٰنُ يَا رَحِيمُ
نیست شریکی مر ترا ای بسیار پاک ای خدا ای خدا ای خدا ای بخشنده ای بخشنده ای مهربان

يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ أَعُوذُ بِكَ يَا اللّٰهُ الْوَاحِدُ الْأَحَدُ الصَّمَدُ الْوِتْرُ الْمُتَكَبِّرُ
ای مهربان ای پروردگار ای پروردگار پناه میبرم بتو ای خدای یگانه یگانه بی‌نیاز بزرگوار بلند

الْمُتَعَالُ وَأَسْأَلُكَ بِجَمِيعِ مَا دَعَوْتُكَ بِهِ وَبِأَسْمَائِكَ الَّتِي تَمْلَأُ أَرْكَانَكَ كُلَّهَا أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى
مرتبه و میخوانم ترا همه آنچه میخوانم ترا بآن و بنامهای تو که پر کرده اطراف ملک ترا همه اینکه رحمت فرستی بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِي ذَنْبِي وَارْحَمْنِي وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ الْعَظِيمِ وَتَقَبَّلْ مِنِّي شَهْرَ رَمَضَانَ
محمد و آل محمد و بیامرز گناه مرا و رحم کن مرا و فراخ گردان بر من از فضل بزرگ تو و بپذیر از من ماه رمضان

وصيامه وقيامه وفرضه ونوافله واغفر لي وارحمني واعف عني ولا تجعله آخر شهر
در درو ده او و واجب اورا و مستحب اورا و بیامرز مرا و رحم کن مرا و بگذر از من و مگردان اورا آخر ماه
رمضان صمته لك وعبدتك فيه ولا تجعل وداعي اياه وداع خروجي من الدنيا اللهم
رمضان که روزه داشتم برای تو و پرستیدم ترا در اینماه و مگردان وداع من اورا وداع بیرون رفتنم از دنیا خداوندا
اوجب لي من رحمتك ومغفرتك ورضوانك وخشيتك افضل ما اعطيت احدا من عبيدك
واجب کن برای من از رحمت خود و آمرزش خود و خوشنودی تو و ترس تو بهتر آنچه عطا کردی یکی از آنکه پرستند ترا
فيه اللهم لا تجعلني اخسر من سئلك فيه واجعلني ممن اعتقته في هذا الشهر من النار
دران خداوندا مگردان زیان کارتر از آنکه سؤال کرد ترا دران و بگردان مرا از آنکه آزاد کرده اورا در اینماه از آتش
وغفرت له ما تقدم من ذنبه وما تأخر واوجبت له افضل ما رجاك وامل منك يا ارحم
و آمرزیدی اورا آنچه پیش گناه کرده و آنچه پس مانده و واجب کرده مرادرا بهتر آنچه امید داشت و آرزو کرد از تو ای بخشنده تر
الراحمين اللهم ارزقني العود في صيامه لك وعبادتك فيه واجعلني ممن كتبته في هذا
بخشندگان خداوندا روزی کن مرا بازگشت در روزه اینماه مر ترا و پرستش تو در اینماه و بگردان مرا از آنکه نوشته اورا در اینماه
الشهر من حجاج بيتك الحرام المبرور حجهم المغفور لهم ذنبهم المتقبل عملهم آمين آمين آمين
از حجاج خانه محترم تو مقبول شده حج ایشان آمرزیده مر ایشان را گناه ایشان پذیرفته گردانیدی بپذیر بپذیر بپذیر
رب العالمين اللهم لا تدع لي فيه ذنبا الا غفرته ولا خطيئة الا محوتها ولا عثرة
پروردگار جهانیان خداوندا مگذار برای من در اینگاه گناه مگر آنکه آمرزیدی اورا و نه خطائی مگر آنکه محو کنی آنرا و نه لغزشی
الا اقلتها ولا دينا الا قضيته ولا عيلة الا اغنيتها ولا هما الا فرجته ولا فاقة
مگر آنکه درگذری آنرا و نه قرضی مگر ادا کنی اورا و نه درویشی مگر بی‌نیاز کنی آنرا و نه اندوهی مگر گشایش دهی آنرا و نه حاجتی
الا سددتها ولا عريانا الا كسوته ولا مريضا الا شفيته ولا داء الا اذهبته ولا حاجة
مگر ببندی آنرا و نه برهنه مگر بپوشانی آنرا و نه بیماری مگر آنکه شفا دهی اورا و نه دردی مگر آنکه ببری آنرا و نه حاجتی
من حوائج الدنيا والآخرة الا قضيتها على افضل املي ورجائي فيك يا ارحم الراحمين
از حاجتهای دنیا و آخرت مگر آنکه روا کنی آنرا به بهترین آرزویم و امید من در تو ای بخشنده‌ترین بخشندگان
اللهم لا تزغ قلوبنا بعد اذ هديتنا ولا تذلنا بعد اذ اعززتنا ولا تضعنا بعد اذ رفعتنا
خداوندا مپیچان دلهای ما را بعد از آنکه راه نمودی مرا و خوار مکن ما را پس از آنکه ارجمند کردی مرا و پست مکن ما را بعد از بلند کردن ما
ولا تهنا بعد اذ اكرمتنا ولا تفقرنا بعد اذ اغنيتنا ولا تمنعنا بعد اذ اعطيتنا ولا تحرمنا
و خوار مکن ما را بعد از آنکه گرامی داشتی مرا و محتاج مکن ما را بعد از آنکه بی‌نیازی مرا و دور مکن ما را پس از آنکه بخشیدی مرا و محروم مکن ما را
بعد اذ رزقتنا ولا تغير شيئا من نعمك علينا واحسانك الينا لشيء كان من ذنوبنا ولا
پس از آنکه روزی کردی ما را و تغییر مده چیزرا از نعمت خود بر ما و احسان خود بسوی ما هر چیزی که باشد از گناهان ما و نه
لما هو كائن منا فان في كرمك وعفوك وفضلك سعة لمغفرة ذنوبنا فاغفر لنا وتجاوز
هر آنچه او یافت شود از ما پس بدرستیکه در کرم تو و عفو تو و فضل تو گشایش مر آمرزش گناهان ما پس بیامرز ما را و درگذر
عنا ولا تعاقبنا عليها يا ارحم الراحمين اللهم اكرمني في مجلسي هذا كرامة لا تهينني
از ما و عقوبت مکن ما را بر گناهان ای بخشنده‌ترین بخشندگان خداوندا گرامی دار مرا در مجلس من اینمجلس گرامی که خوار نکنی مرا

بَعْدَها اَبَداً وَاَعِزَّنی عِزّاً لا تُذِلَّنی بَعْدَهُ اَبَداً وَعافِنی عافِیَةً لا تَبْتَلِیَنی بَعْدَها اَبَداً وَارْفَعْنی
پس از آن هرگز و عزیز کن مرا عزتی که خوار نگردانی مرا بعد از آن هرگز و عافیت ده مرا عافیتی که مبتلا نکنی مرا بعد از آن و بلند گردان مرا

رِفْعَةً لا تَضَعُنی بَعْدَها اَبَداً وَاصْرِفْ عَنّی شَرَّ کُلِّ شَیْطانٍ مَریدٍ وَشَرَّ کُلِّ جَبّارٍ عَنیدٍ
بلندی که پست نکنی مرا بعد از آن هرگز و بگردان از من شر هر دیو سرکش و شر هر متکبر دشمنی

وَشَرَّ کُلِّ قَریبٍ اَوْ بَعیدٍ وَشَرَّ کُلِّ صَغیرٍ اَوْ کَبیرٍ وَشَرَّ کُلِّ دابَّةٍ اَنْتَ آخِذٌ بِناصِیَتِها اِنَّ رَبّی
و شر هر نزدیکی یا دوری و شر هر خوردی و بزرگی و شر هر جنبنده که تو گیرنده موی پیشانی او هستی بدرستیکه پروردگارم

عَلی صِراطٍ مُسْتَقیمٍ اَللّٰهُمَّ ما کانَ فی قَلْبی مِنْ شَکٍّ اَوْ رِیبَةٍ اَوْ جُحُودٍ اَوْ قُنُوطٍ اَوْ فَرَحٍ اَوْ
بر راه راستست خدایا آنچه بود در دل من از شک یا شبهه یا انکار یا نومیدی یا شادی یا

مَرَحٍ اَوْ بَطَرٍ اَوْ بَذَخٍ اَوْ خُیَلاءَ اَوْ رِیاءٍ اَوْ سُمْعَةٍ اَوْ شِقاقٍ اَوْ نِفاقٍ اَوْ کُفْرٍ اَوْ فُسُوقٍ اَوْ مَعْصِیَةٍ
زیادتی یا دلمشغی یا جبرانی یا کبر یا ریا یا سمعه یا بدبختی یا دوری یا ناسپاسی یا نافرمانی یا ناسپاسی

اَوْ شَیْءٍ لا تُحِبُّ عَلَیْهِ وَلِیّاً لَکَ فَاَسْئَلُکَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَمْحُوَهُ مِنْ قَلْبی
یا چیزی که دوست نداری براو دوستی مر ترا پس سؤال میکنم ترا اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه محو کنی او را از دل من

وَتُبَدِّلَنی مَکانَهُ اِیماناً بِوَعْدِکَ وَرِضاً بِقَضائِکَ وَوَفاءً بِعَهْدِکَ وَوَجَلاً مِنْکَ وَزُهْداً
و بدل کنی بجای او ایمان بوعده خود و خوشنودی بحکم تو و وفا نمودن به پیمان تو و ترسیدن از تو و بی‌رغبتی

فِی الدُّنْیا وَرَغْبَةً فیما عِنْدَکَ وَثِقَةً بِکَ وَطُمَأْنینَةً اِلَیْکَ وَتَوْبَةً نَصُوحاً اِلَیْکَ اَللّٰهُمَّ
در دنیا و رغبت در آنچه نزد تست و اعتماد بتو و آرام گرفتن بسوی تو و بازگشت خالص بسوی تو خداوندا

اِنْ کُنْتَ بَلَّغْتَناهُ وَاِلّا فَاَخِّرْ عَنّا آجالَنا اِلی قابِلٍ حَتّی تُبَلِّغَناهُ فی یُسْرٍ مِنْکَ وَعافِیَةٍ یا اَرْحَمَ
اگر بوده باشی که رسانیده باشی ما را و اگر نه پس انداز از ما اجلهای ما را تا سال آینده تا برسانی ما را بآن در آسانی از تو و عافیتی ای بخشنده‌ترین

الرّاحِمینَ وَصَلَّی اللّٰهُ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ کَثیراً وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَکاتُهُ عَلَیْهِمْ و در جمعه آخر نیز وداع
بخشندگان و رحمت خدا بر محمد و آل او بسیار و رحمت خدا و برکتهای او بر ایشان جمعها بدنیست و از

جابر بن عبدالله انصاری منقولست که گفت رفتم بخدمت حضرت رسول ص در جمعه آخر ماه رمضان
چون نظر آنحضرت بر من افتاد فرمود این آخر جمعه ایست از ماه مبارک رمضان پس از او وداع کن و بگو اَللّٰهُمَّ
لا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ صِیامِنا اِیّاهُ فَاِنْ جَعَلْتَهُ فَاجْعَلْنی مَرْحُوماً وَلا تَجْعَلْنی مَحْرُوماً
خدایا مگردان آخر عهد از روزه داشتن ما آنرا پس اگر گردانیدی او را پس بگردان مرا از رحمت کرده شده و مگردان مرا محروم

زیرا که هر که این دعا را در این روز بخواند بیکی از دو خصلت نیکو ظفر می‌یابد یا برسیدن ماه رمضان
آینده یا بآمرزش خدا و رحمت بی انتها و بسند معتبر از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که هر که
در شب آخر ماه مبارک اَللّٰهُمَّ لا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ صِیامی لِشَهْرِ رَمَضانَ وَاَعُوذُ بِکَ اَنْ یَطْلُعَ
رمضان این دعا را بخواند خدایا مگردان اینرا آخر عهد از روزه داشتنم برای ماه رمضان و پناه میبرم بتو اینکه طلوع

فَجْرُ هٰذِهِ اللَّیْلَةِ اِلّا وَقَدْ غَفَرْتَ لی خدا پیش از صبح او را بیامرزد و او را توبه روزی کند و ایضا سنتست که این دعا را بخواند اَللّٰهُمَّ اِنّی
کند صبح این شب مگر آنکه آمرزیده باشی مرا بار خدایا بدرستیکه

اَسْئَلُکَ بِاَحَبِّ ما دُعیتَ بِهِ وَاَرْضی ما رُضیتَ بِهِ عَنْ مُحَمَّدٍ وَعَنْ اَهْلِ بَیْتِ مُحَمَّدٍ عَلَیْهِ وَعَلَیْهِمْ
میخوانم ترا بدوستتر آنچه خوانده شده بآن و پسندیده‌تر آنچه خوشنودی بآن از محمد و از خانه محمد بر او و بر ایشان

السلام

السّلم ان تصلّی علیه وعلیهم ولا تجعل وداع شهری هذا وداع خروجی من الدّنیا

درود اینکه رحمت فرستی براو وبرایشان وگردان وداع ماه مرا اینماه وداع بیرون رفتن مرا از دنیا

ولا وداع اخر عبادتک ووفّقنی فیه للیلة القدر واجعلها لی خیرا من الف شهر

ونه وداع اخر عبادت تو وتوفیق ده مرا دران برای شب قدر وبگردان اورا برای من بهتر از هزار ماه

مع تضاعف الاجر والاجابة والعفو عن الذّنب برضی الرّبّ واز جمله چیزها اینکه سنّت

با زیاد شدن مزد واجابت وگذشتن از گناه بخوشنودی پروردگار

است در شب اخر ازاد کردن بندها است زیرا که شبی است که خدا بنده بسیار از اتش جهنم ازاد میکرداند هرگاه بنده ضعیفی فرو مایه بندگان از قید رقیت ازاد کند امید هست که خداوند قادر بی زوال با ان همه وسعت وکمال او را از اتش جهنم ازاد گرداند نام او را از جرائد عاصیان محو نماید چنانچه منقولست که حضرت امام زین العابدینؑ بندها که در عرض سال تحصیل مینمود تا بیست نفر و زیاده وکم در شب اخر ماه رمضان ازاد می نمود و میفرمود شما ها را ازاد کردم با مید انکه خداوند رحیم از تقصیرات من درگذرد و مرا از عذاب جهنم ازاد گرداند و چون روز عید میشد جایزهای عظیم بایشان میبخشید که ایشان بی نیاز باشند از سؤال کردن از مردم ومنقولست که خدا در هر شب ماه رمضان در هنگام افطار هفتاد هزار هزار کس را ازاد می کند از انها که مستوجب جهنم شده باشند و در شب اخر مثل انچه در جمیع ماه ازاد کرده است ازاد میکند وحضرت هیچ غلام وکنیز را زیاده از یکسال خدمت نفرموده و در روز عرفه در عرفات نیز بندهای خود را ازاد میفرمود وروایتی وارد شده است که سنّت است که در شب اخر سوره انعام وکهف ویٰس بخوانند وصد مرتبه بگویند استغفر الله واتوب الیه **فصل هفتم** در دعاهای مخصوص شب اخر ماه مبارکست بسند معتبر از حضرت صادقؑ منقولست که انحضرت در هر یک از شبهای دهه اخر این دعا را میخواندند

اللّهمّ انّک قلت فی کتابک شهر رمضان الّذی انزل فیه القران هدیً

بارخدایا بدرستیکه تو گفته در کتاب خود که ماه رمضانست انکه فرو فرستاده دران قران راهنما

للنّاس وبیّنات من الهدی والفرقان فعظّمت حرمة شهر رمضان بما انزلت فیه

برای مردمان وایتهای روشن از رهنما وجدا کننده حق از باطل پس بزرگ کردی حرمت ماه رمضانرا بانچه فرو فرستادی دران

القران وخصصته بلیلة القدر وجعلتها خیرا من الف شهر اللّهمّ وهذه ایّام

از قرآن ومخصوص کردی اورا بشب قدر وگردانیدی اورا بهتر از هزار ماه خدایا واینها روزهای

شهر رمضان قد انقضت ولیالیه قد تصرّمت وقد صرت یا الهی منه الی ما انت

ماه رمضان بتحقیق بپایان رسید وشبهای او وبتحقیق بریده وبتحقیق گردیدم ای خدای من از ان بانچه تو

اعلم به منّی واحصی لعدده من الخلق اجمعین فاسئلک بما سئلک به ملٰئکتک

داناتری از من وضبط کننده تر مر شماره انرا از خلق همه پس سؤال میکنم ترا بانچه سؤال کردی ترا بان فرشتگان

المقرّبون وانبیاؤک المرسلون وعبادک الصّالحون ان تصلّی علی محمّد وال

مقرب وپیغمبران تو فرستاده شده وبندگان شایسته اینکه رحمت فرستی بر محمد وآل

محمّد وان تفکّ رقبتی من النّار وتدخلنی الجنّة برحمتک وان تتفضّل علیّ

محمد واینکه آزاد کنی گردن مرا از آتش ودر آوری مرا ببهشت برحمت خود واینکه بخشش کنی بر من

دعای شبهای دهه آخر ماه مبارک رمضان

یا آمِنُ مِنْ یَوْمِ الْخَوْفِ مِنْ کُلِّ هَوْلٍ اَعْدَدْتَهُ لِیَوْمِ الْقِیمَةِ اِلٰهی وَ اَعُوذُ بِوَجْهِكَ الْکَریمِ وَ
یعنی از روز ترس از هر ترسی که آماده کرده ای آنرا روز رستخیز خدایا و پناه میبرم بذات بزرگوار تو و

بِجَلالِكَ الْعَظیمِ اَنْ یَنْقَضِیَ اَیّامُ شَهْرِ رَمَضانَ وَ لَیالیهِ وَ لَكَ قِبَلی تَبِعَةٌ اَوْ ذَنْبٌ
ببزرگواری که بزرگ اینکه بپایان رسد روزهای ماه رمضان و شبهای آن و مر تراست پیش از من وبالی یا گناهی

تُؤاخِذُنی بِهِ اَوْ خَطیئَةٌ تُریدُ اَنْ تَقْتَصَّها مِنّی لَمْ تَغْفِرْها لی سَیِّدی سَیِّدی سَیِّدی
که مؤاخذه کنی مرا بآن از خطائیکه اراده کنی آنرا که کرداني آنرا از من که نیامرزی آنرا ای بزرگ من ای بزرگ من ای بزرگ من

اَسْئَلُكَ یا لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ اِذْ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ اِنْ کُنْتَ رَضیتَ عَنّی فی هٰذَا الشَّهْرِ
میخوانم ترا ای نیست خدائی مگر تو چون نیست خدائی مگر تو اگر خوشنود باشی از من در اینماه

فَازْدَدْ عَنّی رِضاً وَ اِنْ لَمْ تَکُنْ رَضیتَ عَنّی فَمِنَ الْآنَ فَارْضَ عَنّی یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ یا
پس فزون کن از من خوشنودیرا اگر نباشد خوشنودی از من پس حالا خوشنود شود از من ای بخشنده ترین بخشندگان ای

اَللّٰهُ یا اَحَدُ یا صَمَدُ یا مَنْ لَمْ یَلِدْ وَ لَمْ یُولَدْ وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُواً اَحَدٌ یا مُلَیِّنَ الْحَدیدِ
الخدا ای یگانه ای بی نیاز ای آنکه نزاده و زائیده نشده و نباشد مرا ورا مانند احدی ای نرم کننده آهن

لِداوُدَ عَلَیْهِ السَّلامُ یا کاشِفَ الضُّرِّ وَ الْکُرَبِ الْعِظامِ عَنْ اَیُّوبَ عَلَیْهِ السَّلامُ اَیْ مُفَرِّجَ هَمِّ
مر داود را و باد درود ای گشاینده و رفع کننده اندوه و بدی بزرگ از ایوب براو درود ای گشایش دهنده هم

یَعْقُوبَ عَلَیْهِ السَّلامُ اَیْ مُنَفِّسَ غَمِّ یُوسُفَ عَلَیْهِ السَّلامُ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ کَما اَنْتَ اَهْلُهُ
یعقوب براو درود ای گشاینده غم یوسف درود براو رحمت فرست بر محمد و آل محمد چنانکه تو سزاوار

اَنْ تُصَلِّیَ عَلَیْهِمْ اَجْمَعینَ وَ افْعَلْ بی ما اَنْتَ اَهْلُهُ وَ لا تَفْعَلْ بی ما اَنَا اَهْلُهُ وبسند معتبر
رحمت فرستی بر ایشان همه و بکن با من آنچه تو سزاوار آنی و مکن با من آنچه سزاوارم آنرا دیگر از حضرت

منقولستکه هرکه در هر شب از شبها اَعُوذُ بِجَلالِ وَجْهِكَ الْکَریمِ اَنْ یَنْقَضِیَ عَنّی شَهْرُ رَمَضانَ
دهه اخر این دعا را بخوانند پناه میبرم ببزرگواری ذات بزرگ تو اینکه بسر آید از من ماه رمضان

اَوْ یَطْلُعَ الْفَجْرُ مِنْ لَیْلَتی هٰذِهِ وَ یَبْقی لَكَ عِنْدی تَبِعَةٌ اَوْ ذَنْبٌ تُعَذِّبُنی عَلَیْهِ یَوْمَ
یا طلوع کند از صبح من اینشب و باقی ماند برای تو نزد من وبالی یا گناهی که عذاب کنی مرا برا در روز

اَلْقاكَ وبسندهای معتبر در هر شب از دهه آخر دعا مخصوص از حضرت صادق ع وارد شده است و بر مطالب بسیار وارد است مشتملست دعای شب بیست و یکم یا مُولِجَ اللَّیْلِ فِی النَّهارِ
ای درآورنده شب در روز

وَ یا مُولِجَ النَّهارِ فِی اللَّیْلِ وَ مُخْرِجَ الْحَیِّ مِنَ الْمَیِّتِ وَ مُخْرِجَ الْمَیِّتِ مِنَ الْحَیِّ یا رازِقَ مَنْ
و ای درآورنده روز در شب و بیرون آورنده زنده از مرده و بیرون آورنده مرده از زنده ای روزی دهنده هرکرا

یَشاءُ بِغَیْرِ حِسابٍ یا اَللّٰهُ یا رَحْمٰنُ یا اَللّٰهُ یا رَحیمُ یا اَللّٰهُ یا اَللّٰهُ یا اَللّٰهُ یا اَللّٰهُ یا اَللّٰهُ
خواهی بیحساب ای خدا ای بخشنده ای خدا ای مهربان الخدا الخدا الخدا الخدا الخدا

یا اَللّٰهُ لَكَ الْاَسْماءُ الْحُسْنی وَ الْاَمْثالُ الْعُلْیا وَ الْکِبْرِیاءُ وَ الْآلاءُ اَنْ تُصَلِّیَ عَلی
ای خدا مر تراست نامهای نیکو و مثلهای بلند و بزرگوارگی و نعمتها که رحمت فرستی بر

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تَجْعَلَ اِسْمی فی هٰذِهِ اللَّیْلَةِ فِی السُّعَداءِ وَ رُوحی مَعَ الشُّهَداءِ
محمد وآل محمد و اینکه بگردانی نام مرا در اینشب در زمره نیکبختان و روح مرا با شهیدان

یا و

وَاحْيَائِي فِي عِلِّيِّينَ وَاِسَائَتِي مَغْفُورَةً وَاَنْ تَهَبَ لِي يَقِيناً تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَاِيمَاناً يُذْهِبُ

و نیکوئی مرا در علیین و بدیهای مرا آمرزیده شده و اینکه ببخشی مرا یقینی که مباشر کنی از او دل من و ایمانی که ببرد

الشَّكَّ عَنِّي وَتُرْضِيَنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ

شک را از من و خوشنود کنی بانچه قسمت کردی و بده ما را در دنیا نیکی و در آخرت نیکی و نگاهدار ما را از عذاب آتش

الْحَرِيقِ وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ اِلَيْكَ وَالْاِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفِيقَ

سوزان و روزی کن مرا در آن ذکر تو و شکر تو و خواهش بسوی تو و انابه و بازگشت و توفیق

لِمَا وَفَّقْتَ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ دعاء شب بیست و دوم يَا سَالِخَ النَّهَارِ مِنَ اللَّيْلِ

مرانچه توفیق دادی برای محمد و آل محمد بر او و بر ایشان درود ای باز کننده روز از شب

فَاِذَا نَحْنُ مُظْلِمُونَ وَمُجْرِيَ الشَّمْسِ لِمُسْتَقَرِّهَا بِتَقْدِيرِكَ يَا عَزِيزُ يَا عَلِيمُ وَمُقَدِّرَ الْقَمَرِ

پس چون ما در تاریکی هستیم و روان سازنده آفتاب بر قرارگاه خود باندازه تو ای غالب ای دانا و تقدیر کننده ماه

مَنَازِلَ حَتَّى عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ يَا نُورَ كُلِّ نُورٍ وَمُنْتَهَى كُلِّ رَغْبَةٍ وَوَلِيَّ كُلِّ نِعْمَةٍ يَا اللّٰهُ

در منزلهای خود تا آنکه گردد مانند شاخهای خرما ای نور هر نور و نهایت هر خواهش و دوست هر نعمت ایخدا

يَا رَحْمٰنُ يَا اللّٰهُ يَا قُدُّوسُ يَا اَحَدُ يَا وَاحِدُ يَا فَرْدُ يَا اللّٰهُ يَا اللّٰهُ يَا اللّٰهُ لَكَ الْاَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَ

ای بخشنده ای خدا ای پاک ای یگانه ای تنها ای یکتا ایخدا ای خدا ایخدا مر تراست نامهای نیکو

الْاَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْآلَاءُ اَسْاَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ وَاَنْ تَجْعَلَ اِسْمِي فِي هٰذِهِ

و داستانهای بلند و نعمتها سؤال میکنم ترا اینکه رحمت فرستی بر محمد و خانواده او و اینکه بگردانی نام مرا در این

اللَّيْلَةِ فِي السُّعَدَاءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَاِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ وَاِسَائَتِي مَغْفُورَةً وَاَنْ تَهَبَ لِي

شب از زمره نیکبختان و روح مرا با شهیدان و نیکی مرا در علیین و بدی مرا آمرزیده شده و اینکه ببخشی مرا

يَقِيناً تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَاِيمَاناً يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنِّي وَتُرْضِيَنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً

یقینی که مباشر کنی بان دل مرا و ایمانی که ببرد شک را از من و خوشنود کنی مرا بانچه قسمت کردی مرا و بده ما را در دنیا نیکی

وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ

و در آخرت نیکی و نگاهدار مرا از عذاب آتش سوزان و روزی کن مرا در آن یاد تو و شکر تو و خواهش

اِلَيْكَ وَالْاِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ دعای شب

بسوی تو و انابه و بازگشت و توفیق مرانچه توفیق داد مر او را محمد و آل محمد بر او و بر ایشان درود

بیست و سیم يَا رَبَّ لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَجَاعِلَهَا خَيْراً مِنْ اَلْفِ شَهْرٍ وَرَبَّ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْجِبَالِ

ای پروردگار شب قدر و گرداننده آن بهتر از هزار ماه و پروردگار شب و روز و کوهها

وَالْبِحَارِ وَالظُّلَمِ وَالْاَنْوَارِ وَالْاَرْضِ وَالسَّمَاءِ يَا بَارِئُ يَا مُصَوِّرُ يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا اللّٰهُ

و دریاها و تاریکیها و روشنیها و زمین و آسمان ای نگارنده ای صورت پذیر ای مهربان ای بخشنده ایخدا

يَا رَحْمٰنُ يَا اللّٰهُ يَا قَيُّومُ يَا اللّٰهُ يَا بَدِيعُ يَا اللّٰهُ يَا اللّٰهُ يَا اللّٰهُ لَكَ الْاَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَالْاَمْثَالُ

ای بخشاینده ایخدا ای توانا ایخدا ای بدید کننده ایخدا ایخدا ایخدا مر تراست نامهای نیکو و داستانها

الْعُلْيَا وَالْكِبْرِيَاءُ وَالْآلَاءُ اَسْاَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَ اِسْمِي فِي هٰذِهِ

بلند و بزرگواری و نعمتها میخوانم ترا اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بگردانی نام مرا در این

اللیلة فی السعداء وروحی مع الشهداء واحسانی فی علیین واسائتی مغفورة
شب در زمرهٔ نیکبختان وروح مرا با شهیدان ونیکی مرا در علیین وبدیهای مرا آمرزیده شده

وان تهب لی یقینا تباشر به قلبی وایمانا یذهب الشک عنی وترضینی بما قسمت لی وآتنا فی الدنیا
واینکه بخشی مرا یقینی که مباشر کنی بآن دل مرا وایمانی که ببرد شک را از من وخوشنود کن مرا بآنچه قسمت کنی مرا وبده ما را در دنیا

حسنة وفی الآخرة حسنة وقنا عذاب النار الحریق وارزقنی فیها ذکرک وشکرک
نیکی ودر آخرت نیکی ونگاهدار ما را از عذاب آتش سوزان وروزی کن مرا در آن یاد تو وشکر تو

والرغبة الیک والانابة والتوبة والتوفیق لما وفقت له محمدا وآل محمد صلواتک
وخواهش بسوی تو وانابه وتوبه وتوفیق هرآنچه توفیق دادی برای محمد وآل محمد رحمتهای

علیه وعلیهم دعای شب یا فالق الاصباح ویا جاعل اللیل سکنا والشمس والقمر حسبانا
براو وبرایشان دعای شب پنجشنبه ای شکافنده صبحها وای بپدآورنده شب پوشش وآفتاب وماه را وسیله

یا عزیز یا علیم یا ذا المن والطول والقوة والحول والفضل والانعام یا ذا الجلال
ای غالب ای دانا ای صاحب انعام وتوانائی وقوه وقدرت وبخشش ونعمتها ای خداوند

والاکرام یا الله یا رحمن یا الله یا فرد یا وتر یا الله یا ظاهر یا باطن یا حی لا اله
بزرگواری وکرم ای خدا ای بخشنده ای خدا ای یگانه ای یکتا ای خدا ای ظاهر ای پنهان ای زنده نیست خدا

الا انت لک الاسماء الحسنی والامثال العلیا والکبریاء والآلاء اسئلک ان تصلی
مگر تو مر تراست نامهای نیکو وداستان بلند وبزرگواری ونعمتها سؤال میکنم ترا اینکه رحمت

علی محمد وآل محمد وان تجعل اسمی فی هذه اللیلة فی السعداء وروحی مع الشهداء
بر محمد وآل محمد واینکه بگردانی نام مرا در این شب در زمرهٔ نیکبختان وروح مرا با شهیدان

واحسانی فی علیین واسائتی مغفورة وان تهب لی یقینا تباشر به قلبی وایمانا یذهب
واحسان مرا در علیین وبدی مرا آمرزیده شده واینکه بخشی مرا یقینی که مباشر کنی بآن دل مرا وایمانی که ببرد

الشک عنی وترضینی بما قسمت لی وآتنا فی الدنیا حسنة وقنا عذاب النار الحریق وارزقنی
شک را از من وخوشنود کن مرا بآنچه قسمت کردی مرا وبده ما را در دنیا نیکی ونگاهدار ما را از عذاب آتش سوزان وروزی کن مرا

فیها ذکرک وشکرک والرغبة الیک والانابة والتوفیق لما وفقت له محمدا وآل
در آن یاد تو وشکر تو وخواهش بسوی تو وانابه وتوبه وتوفیق هرآنچه توفیق دادی مر او را محمد وآل

محمد صلواتک علیه وعلیهم دعای شب یا جاعل اللیل لباسا والنهار معاشا والارض
محمد رحمتهای تو براو وبرایشان دعای شب جمعه ای گرداننده شب را پوشش وروز را وقت کسب وزمین را

مهادا والجبال اوتادا یا الله یا قاهر یا الله یا جبار یا الله یا سمیع یا الله یا قریب یا
فراشی گسترده وکوهها را میخها ای خدا ای غالب ای خدا ای شکسته بند ای خدا ای شنونده ای خدا ای نزدیک ای

الله یا مجیب یا الله یا الله لک الاسماء الحسنی والامثال العلیا والکبریاء و
خدا ای پذیرنده ای خدا ای خدا مر تراست نامهای نیکو وداستان بلند وبزرگواری

الآلاء اسئلک ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تجعل اسمی فی هذه اللیلة فی السعداء
ونعمتها سؤال میکنم ترا اینکه رحمت فرستی بر محمد وآل محمد واینکه بگردانی نام مرا در این شب در زمرهٔ نیکبختان

وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَإِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ وَإِسَائَتِي مَغْفُورَةً وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِيناً تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي
وروح مرا با شهیدان واحسان مرا در علیین وبدیهای مرا آمرزیده شده واینکه بخشی برای یقینی که مباشر کنی بآن دل مرا

وَإِيمَاناً يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنِّي وَرِضًا بِمَا قَسَمْتَ لِي وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا
وایمانی که ببرد شک را از من وخوشنودی بآنچه قسمت کرده برای من بده ما را در دنیا نیکی ودر آخرت نیکی ونگاهدار ما را

عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ
از عذاب آتش سوزان وروزی کن مرا در این روزها یاد تو وشکر تو وخواهش بسوی تو وانابه وبازگشت وتوفیق هر آنچه که توفیق داده

لَهُ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ بِيست وششم يَا جَاعِلَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ آيَتَيْنِ يَا مَنْ
مراو را بر محمد وآل محمد رحمت تو براو وبر ایشان **شب بیست وششم** ای گرداننده شب وروز دو نشانه ای آنکه

مَحَا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلَ آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِتَبْتَغُوا فَضْلاً مِنْهُ وَرِضْوَاناً يَا مُفَصِّلَ كُلِّ شَيْءٍ
زایل کرده نشانه شب را وگردانید نشانه روز روشنی دهنده تا طلب کننده بخشش از او وخوشنودی ای بیان کننده هر چیز

تَفْصِيلاً يَا اللهُ يَا مَاجِدُ يَا وَهَّابُ يَا اللهُ يَا جَوَادُ يَا اللهُ يَا اللهُ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ
بیان کردنی الهنا ای بزرگ ای بخشنده ای خدا ای بخشنده الهنا الهنا مر تراست نامهای نیکو

وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكِبْرِيَاءُ وَالْآلَاءُ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي
وداستانهای بلند وبزرگواری ونعمتها میخوانم ترا آنکه رحمت فرستی بر محمد وآل محمد واینکه بگردانی نام مرا در

هٰذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعَدَاءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَإِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ وَإِسَائَتِي مَغْفُورَةً وَأَنْ تَهَبَ لِي
این شب در زمره نیکبختان وروح مرا با شهیدان واحسان مرا در علیین وبدیهای مرا آمرزیده شده واینکه بخشی مرا

يَقِيناً تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَإِيمَاناً يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنِّي وَتُرْضِيَنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً
یقینی که مباشر کنی دلم را وایمانی که ببرد شک را از من وخوشنود کنی بآنچه بهره داده مرا وبده ما را در این دنیا نیکی

وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالْإِنَابَةَ
ودر آخرت نیکو ونگاهدار ما را عذاب آتش سوزان وروزی کن مرا در آن یاد تو وشکر تو وخواهش بسوی تو وانابه

وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ شب بیست وهفتم يَا مَادَّ الظِّلِّ وَلَوْ
وتوبه وتوفیق هر آنچه داده محمد وآل محمد براو وبر ایشان درود **شب بیست وهفتم** ای کشنده سایه واگر

شِئْتَ جَعَلْتَهُ سَاكِناً وَجَعَلْتَ الشَّمْسَ عَلَيْهِ دَلِيلاً ثُمَّ قَبَضْتَهُ إِلَيْكَ قَبْضاً يَسِيراً يَا ذَا الْجُودِ
خواهی میگردانی او را ساکن وگردانیدی آفتاب را براو رهنما پس گرفتی او را بسوی تو گرفتنی آسان ای خداوند

وَالطَّوْلِ وَالْكِبْرِيَاءِ وَالْآلَاءِ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ لَا إِلٰهَ
توانائی ونعمت وبزرگواری ونعمتها نیست خدائی مگر تو داننده پنهان وآشکارا بخشاینده مهربان نیست خدائی

إِلَّا أَنْتَ يَا قُدُّوسُ يَا سَلَامُ يَا مُؤْمِنُ يَا مُهَيْمِنُ يَا عَزِيزُ يَا جَبَّارُ يَا مُتَكَبِّرُ يَا اللهُ يَا خَالِقُ يَا
مگر تو ای منزه ای سلامت ای امان دهنده ای غالب شکسته بند ای بزرگوار الهنا ای خالق ای

بَارِئُ يَا مُصَوِّرُ يَا اللهُ يَا اللهُ يَا اللهُ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكِبْرِيَاءُ وَالْآلَاءُ
پدید آورنده ای صورت کننده الهنا الهنا مر تراست نامهای نیکو وداستانهای بلند وبزرگواری ونعمتها

أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعَدَاءِ وَرُوحِي
سؤال میکنم ترا که رحمت فرستی بر محمد وآل محمد واینکه بگردانی نام مرا در این شب در زمره نیکبختان وروح مرا

تفضیلا

مع الشهداء واحسانی فی علیین واسائتی مغفورة وان تهب لی یقیناً تباشر به قلبی وایماناً
شهیدان واحسان مرا در علیین وبدیهای مرا آمرزیده وآنکه بخشی مرا یقینی که مباشر کنی مرا با دل وایمانی

یذهب الشک عنی وترضینی بما قسمت لی وآتنا فی الدنیا حسنة وفی الآخرة حسنة وقنا عذاب
که ببرد شک را از من وخوشنود داری مرا بآنچه قسمت کرده مرا وبده ما را در دنیا نیکی ودر آخرت نیکی ونگاهدار ما را از عذاب

النار الحریق وارزقنی فیها ذکرک وشکرک والرغبة الیک والانابة والتوبة والتوفیق
آتش سوزان وروزی ده مرا در آن ذکر خود وشکر خود وخواهش بسوی تو وبازگشت وتوبه وتوفیق

لما وفقت له محمداً وآل محمد صلی الله علیه وعلیهم دعای شب بیست وهشتم یا خازن اللیل فی الهواء و
مر آنچه توفیق دادی مر او را محمد وآل محمد رحمت فرستد خدا بر او وبر او باد درود ای نگاهدارنده شب در هوا

خازن النور فی السماء ومانع السماء ان تقع علی الارض الا باذنه وحابسهما ان تزولا
ونگاهدارنده نور در آسمان وبازدارنده آسمان از آنکه بیفتد بر زمین مگر بفرمان او ونگاهدارنده ایشان از آنکه بیفتند

یا علیم یا عظیم یا غفور یا دائم یا الله یا وارث یا باعث من فی القبور یا الله یا الله
ای دانا ای بزرگ ای آمرزگار ای دائم ای خدا ای میراث برنده ای انگیزاننده آنانکه در قبرهایند ای خدا ای خدا

لک الاسماء الحسنی والامثال العلیا والکبریاء والآلاء اسئلک ان تصلی علی محمد وآل
مر تراست نامهای نیکو وداستان بلند وبزرگواری ونعمتها میخواهم ترا که رحمت فرستی بر محمد وآل

محمد وان تجعل اسمی فی هذه اللیلة فی السعداء وروحی مع الشهداء واحسانی فی علیین
محمد وآنکه بگردانی نام مرا در این شب در زمره نیکبختان وروح مرا با شهیدان واحسان مرا در علیین

واسائتی مغفورة وان تهب لی یقیناً تباشر به قلبی وایماناً یذهب الشک عنی وترضینی
وبدیهای مرا آمرزیده وآنکه بخشی مرا یقین که مباشر کنی او دلم را وایمانی که ببرد شک را از من وخوشنود کنی مرا

بما قسمت لی وآتنا فی الدنیا حسنة وفی الآخرة حسنة وقنا عذاب النار الحریق وارزقنی
بآنچه قسمت کرده مرا وبده ما را در دنیا نیکی ودر آخرت نیکی ونگاهدار ما را از عذاب آتش سوزان وروزی ده مرا

فیها ذکرک وشکرک والرغبة الیک والرهبة منک والتوبة والانابة والتوفیق لما
در آن ذکر خود وشکر خود وخواهش بسوی تو وترس از تو وتوبه وبازگشت وتوفیق مر آنچه

وفقت له محمداً وآل محمد صلی الله علیه وعلیهم دعای شب بیست ونهم یا مکور اللیل علی
توفیق دادی مر او را محمد وآل محمد رحمت فرستد خدا بر او وبر ایشان درود ای در آورنده شب را بر

النهار ومکور النهار علی اللیل یا علیم یا حکیم یا رب الارباب ویا سید السادات لا
روز ودر آورنده روز را بر شب ای دانا ای درست کردار ای پروردگار پروردگاران وای بزرگ بزرگان نیست

اله الا انت یا من هو اقرب الی من حبل الورید یا الله یا الله یا الله لک الاسماء الحسنی
خدائی مگر تو ای آنکه او نزدیکتر است بمن از رگ گردن ای خدا ای خدا ای خدا مر تراست نامهای نیکو

والامثال العلیا والکبریاء والآلاء اسئلک ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تجعل
وداستان بلند وبزرگواری ونعمتها میخواهم ترا که رحمت فرستی بر محمد وآل محمد وآنکه بگردانی

اسمی فی هذه اللیلة فی السعداء وروحی مع الشهداء واحسانی فی علیین واسائتی مغفورة
نام مرا در این شب در زمره نیکبختان وروح مرا با شهیدان واحسان مرا در علیین وبدیهای مرا آمرزیده

وان

وَاَنْ تَهَبَ لِي يَقِيناً تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَاِيمَاناً يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنِّي وَتُرْضِيَنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي وَاٰتِنَا
و اینکه بخشی مرا یقینی که مباشر کنی بدو دل مرا و ایمانی که ببرد شک را از من و خشنود سازی مرا بانچه قسمت کرده مرا و بده ما را

فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ وَارْزُقْنَا فِيهَا ذِكْرَكَ
در دنیا نیکی و در آخرت نیکی و نگاهدار ما را از عذاب آتش سوزان و روزی ده ما را در آن ذکر خود

وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ اِلَيْكَ وَالْاِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّداً وَاٰلَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ
و شکر خود و خواهش بسوی تو و توبه و بازگشت و توفیق مرانچه توفیق دادی مر او را محمد و آل محمد رحمت فرستد خدا

عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ دعای شب ٢ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ لَا شَرِيكَ لَهُ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ كَمَا يَنْبَغِي لِكَرَمِ وَجْهِهِ وَعِزِّ جَلَالِهِ
بر او و بر ایشان سپاس مر خدا را که نیست شریکی مر او را سپاس مر خدا را چنانچه سزاوار است مر بزرگواری ذات

كَمَا هُوَ اَهْلُهُ يَا قُدُّوسُ يَا نُورُ يَا نُورَ الْقُدُسِ يَا سُبُّوحُ يَا مُنْتَهَى التَّسْبِيحِ يَا رَحْمٰنُ يَا فَاعِلَ
و چنانچه او سزاوار اوست ای منزه ای روشنی ده ای منزه ای منزه ای منتهای تنزیه ای بخشاینده کننده

الرَّحْمَةِ يَا اَللّٰهُ يَا عَلِيمُ يَا كَبِيرُ يَا اَللّٰهُ يَا لَطِيفُ يَا جَلِيلُ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا سَمِيعُ يَا بَصِيرُ يَا اَللّٰهُ
رحمت ای خدا ای دانا ای بزرگ ای خدا ای مهربان ای بزرگ ای خدا ای خدا ای شنوا ای بینا ای خدا

يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ لَكَ الْاَسْمَاءُ الْحُسْنٰى وَالْاَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكِبْرِيَاءُ وَالْاٰلَاءُ اَسْئَلُكَ
ای خدا ای خدا مر تراست نامهای نیکو و داستان بلند و بزرگواری و نعمتها درمیخواهم ترا

اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعَدَاءِ وَرُوحِي مَعَ
که رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بگردانی نام مرا در این شب در زمره نیکبختان و روح مرا با

الشُّهَدَاءِ وَاِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ وَاِسَائَتِي مَغْفُورَةً وَاَنْ تَهَبَ لِي يَقِيناً تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي
شهیدان و احسان مرا در علیین و بدیهای مرا آمرزیده و اینکه بخشی مرا یقین که مباشر کنی باو دل مرا

وَاِيمَاناً يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنِّي وَتُرْضِيَنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي وَاٰتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْاٰخِرَةِ
و ایمانی که ببرد شک را از من و خشنود سازی مرا بانچه قسمت کرده ما را و بده ما را در دنیا نیکی و در آخرت

حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ اِلَيْكَ
نیکی و نگاهدار ما را از عذاب آتش سوزان و روزی ده مرا در آن ذکر خود و شکر خود و خواهش بسوی تو

وَالْاِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّداً وَاٰلَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ
و بازگشت و توبه و توفیق مرانچه توفیق دادی مر او را محمد و آل محمد رحمت فرستد خدا بر ایشان

اَجْمَعِينَ فصل هشتم در بیان نمازهای شبها و روزها و دعاهای که مشهور است و علما در کتب دعا ذکر کرده
اند و نزد فقیر معتبر نیست نماز شب اول چهار رکعت در هر رکعت بعد از حمد پانزده مرتبه توحید شب دوم
چهار رکعت در هر رکعت بعد از حمد بیست مرتبه انا انزلناه شب سیم ده رکعت در هر رکعت حمد و پنجاه
مرتبه توحید چهارم هشت رکعت در هر رکعت حمد و بیست مرتبه انا انزلناه پنجم دو رکعت در هر رکعت حمد و پنجاه
مرتبه توحید و بعد از سلام صد مرتبه اللهم صل علی محمد و آل محمد ششم چهار رکعت در هر رکعت حمد و
سوره تبارک الذی بیده الملک هفتم چهار رکعت در هر رکعت حمد و سیزده مرتبه انا انزلناه هشتم دو
دو رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه توحید و بعد از سلام هزار مرتبه سبحان الله نهم شش رکعت
میان نماز شام و خفتن در هر رکعت حمد و هفت مرتبه آیة الکرسی و بعد از اتمام پنجاه مرتبه اللهم

فصل هشتم در بیان نمازهای ... و فضیلت ...

صل

صَلِّ علی محمّدٍ و آل محمّد دهم بیست رکعت در هر رکعت حمد و سه مرتبه توحید یازدهم دو رکعت در هر رکعت حمد و بیست مرتبه انّا اعطیناک الکوثر دوازدهم هشت رکعت در هر رکعت حمد و سی مرتبه انّا انزلناه سیزدهم چهار رکعت در هر رکعت حمد و بیست و پنج مرتبه توحید چهاردهم شش رکعت در هر رکعت حمد و سی مرتبه اذا زلزلت پانزدهم چهار رکعت در دو رکعت اوّل بعد از حمد صد مرتبه توحید و در دو رکعت دوّیم پنجاه مرتبه توحید شانزدهم دوازده رکعت در هر رکعت حمد و دوازده مرتبه الهیکم التکاثر هفدهم دو رکعت در رکعت اوّل حمد و هر سوره که خواهد و در رکعت دوّیم حمد و صد مرتبه توحید و بعد از سلام صد مرتبه لا اله الا الله هجدهم چهار رکعت در هر رکعت حمد و بیست و پنج مرتبه انّا اعطیناک الکوثر نوزدهم پنجاه رکعت با حمد و پنجاه مرتبه اذا زلزلت و گویا مراد آن باشد که در هر رکعت یک مرتبه بخواند زیرا که مشکلست در یک شب دو هزار و پانصد مرتبه اذا زلزلت خواندن بیستم و بیست و یکم و بیست و دوّیم و بیست و سیّم و بیست و چهارم در هر یک هشت رکعت بهر سوره که میسّر شود بیست و پنجم هشت رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه توحید بیست و ششم هشت رکعت در هر رکعت حمد و صد مرتبه توحید بیست و هفتم چهار رکعت در هر رکعت حمد و تبارک الّذی بیده الملک و اگر نتواند بیست و پنج مرتبه توحید بخواند بیست و هشتم شش رکعت در هر رکعت حمد و صد مرتبه آیة الکرسی و صد مرتبه توحید و صد مرتبه کوثر و بعد از نماز صد مرتبه صلوات بر محمّد و آل محمّد بیست و نهم دو رکعت در هر رکعت حمد و بیست مرتبه توحید شب سیم دوازده رکعت در هر رکعت حمد و بیست مرتبه توحید و بعد از فارغ شدن صد مرتبه صلوات محمّد و آل محمّد و این نمازها چنانچه مذکور شد هر دو رکعت بیک سلام است و امّا دعاهای روزها از ابن عبّاس روایت کرده اند که حضرت رسول صلعم با فضیلت بسیار از برای روزهٔ هر روز ماه مبارک رمضان بیان فرمود و از برای هر روز دعای مخصوص با فضیلت و ثواب بسیار از برای آن دعا ذکر کرده اند و ما باصل دعا اکتفا مینمائیم دعای روز اوّل اَللّهُمَّ اجْعَلْ صِیامی فیهِ

خداوندا بگردان روزه مرا درینماه

صِیامَ الصّائِمینَ وَقِیامی فیهِ قِیامَ القائِمینَ وَنَبِّهْنی فیهِ عَنْ نَوْمَةِ الغافِلینَ وَهَبْ لی جُرْمی

روزه روزه داران و ایستادن مرا درینماه ایستادن ایستادگان و بیدار کن مرا از خواب بیخبران و ببخش مرا گناه مرا

فیهِ یا اِلهَ العالَمینَ وَاعْفُ عَنّی یا عافِیاً عَنِ المُجْرِمینَ روز دوّیم اَللّهُمَّ قَرِّبْنی فیهِ اِلی مَرْضاتِکَ

درینماه ای خدای جهانیان و درگذر از من ای درگذرنده از گناهکاران خداوندا نزدیک کن مرا بخوشنودی تو

وَجَنِّبْنی فیهِ مِنْ سَخَطِکَ وَنَقِماتِکَ وَوَفِّقْنی فیهِ لِقِراءَةِ آیاتِکَ بِرَحْمَتِکَ یا اَرْحَمَ

و دور گردان درینماه از خشم تو و عذاب تو و توفیق ده مرا درینماه مر خواندن آیتهای تو برحمت تو ای رحیمتر

الرّاحِمینَ روز سیم اَللّهُمَّ ارْزُقْنی فیهِ الذِّهْنَ وَالتَّنْبیهَ وَباعِدْنی فیهِ مِنَ السَّفاهَةِ وَالتَّمْویهِ

از رحیمان خداوندا روزی ده مرا درینماه زیرکی و آگاهی و دور کن مرا درینماه از کم خردی و ترسانیدن

وَاجْعَلْ لی نَصیباً مِنْ کُلِّ خَیْرٍ تُنْزِلُ فیهِ بِجُودِکَ یا اَجْوَدَ الاَجْوَدینَ روز چهارم اَللّهُمَّ قَوِّنی فیهِ

و بگردان مرا بهره از هر خیری که فرستادی در آن بجود تو ای بخشنده ترین بخشندگان خداوندا توانا کن مرا

دعای هر روز

عَلَى اِقَامَةِ اَمْرِكَ وَاَذِقْنِي فِيهِ حَلَاوَةَ ذِكْرِكَ وَاَوْزِعْنِي فِيهِ لِاَدَاءِ شُكْرِكَ بِكَرَمِكَ وَ
برپا داشتن فرمان تو و بچشان مرا در اینماه شیرینی یاد تو و توفیق ده مرا در اینماه مر اداء شکر تو بکرم تو و

احْفَظْنِي فِيهِ بِحِفْظِكَ وَسِتْرِكَ يَا اَبْصَرَ النَّاظِرِينَ روز اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي فِيهِ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ
نگاهدار مرا در اینماه بنگهبانی خود و پردهٔ خود ای بیناتر نگرندگان پنجم خداوندا بگردان مرا در اینماه از آمرزش خواهان

وَاجْعَلْنِي فِيهِ مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ الْقَانِتِينَ وَاجْعَلْنِي مِنْ اَوْلِيَائِكَ الْمُقَرَّبِينَ بِرَاْفَتِكَ
و بگردان مرا در اینماه از بندگان شایسته تو فرمانبران و بگردان مرا از دوستان تو نزدیکان بمهربانی

يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ روز اَللّٰهُمَّ لَا تَخْذُلْنِي فِيهِ لِتَعَرُّضِ مَعْصِيَتِكَ وَلَا تَضْرِبْنِي فِيهِ بِسِيَاطِ
ای رحیمتر از رحیمان ششم خداوندا خوار مکن مرا در اینماه مر پیش آمدن نافرمانی تو و مزن مرا در اینماه بتازیانهای

نَقِمَتِكَ وَزَحْزِحْنِي فِيهِ مِنْ مُوجِبَاتِ سَخَطِكَ بِمَنِّكَ وَاَيَادِيكَ يَا مُنْتَهَى رَغْبَةِ الرَّاغِبِينَ
عذاب و دور کن مرا در اینماه از واجبات خشم تو بمنت تو و نعمتهای تو ای منتهای خواهش خواهشمندان

روز اَللّٰهُمَّ اَعِنِّي عَلَى صِيَامِهِ وَقِيَامِهِ وَجَنِّبْنِي فِيهِ مِنْ هَفَوَاتِهِ وَآثَامِهِ وَارْزُقْنِي ذِكْرَكَ
هفتم خداوندا یاری ده مرا بر روزه او و ایستادن او و دور کن مرا از لغزشها و گناهان و روزی ده مرا یاد خود

بِدَوَامِهِ بِتَوْفِيقِكَ يَا هَادِيَ الْمُضِلِّينَ روز اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ رَحْمَةَ الْاَيْتَامِ وَاِطْعَامَ
بدوام او بتوفیق تو ای رهنمای گمراهان هشتم خداوندا روزی ده مرا در اینماه رحمت یتیمان و خورانیدن

الطَّعَامِ وَاِفْشَاءَ السَّلَامِ وَصُحْبَةَ الْكِرَامِ بِطَوْلِكَ يَا مَلْجَاَ الْآمِلِينَ روز اَللّٰهُمَّ
طعام و ظاهر ساختن سلام و صحبت بزرگوار بانعام تو ای پناه امیدواران نهم خداوندا

اجْعَلْ لِي فِيهِ نَصِيبًا مِنْ رَحْمَتِكَ الْوَاسِعَةِ وَاهْدِنِي فِيهِ لِبَرَاهِينِكَ السَّاطِعَةِ وَ
بگردان مرا در اینماه بهره از رحمت تو فراخ و راهنما مرا در اینماه مر دلایل خود که بلند است و

خُذْ بِنَاصِيَتِي اِلَى مَرْضَاتِكَ الْجَامِعَةِ بِمَحَبَّتِكَ يَا اَمَلَ الْمُشْتَاقِينَ روز اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي
بگیر موی پیش سر مرا در اینماه بخوشنودی تو فراهم آمده بدوستی تو ای پناه آرزومندان دهم خداوندا بگردان مرا

فِيهِ مِنَ الْمُتَوَكِّلِينَ عَلَيْكَ وَاجْعَلْنِي فِيهِ مِنَ الْفَائِزِينَ لَدَيْكَ وَاجْعَلْنِي فِيهِ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ
در اینماه از توکل کنندگان بر تو و بگردان مرا در اینماه از رستگاران نزد تو و بگردان مرا در اینماه از نزدیکان

اِلَيْكَ بِاِحْسَانِكَ يَا غَايَةَ الطَّالِبِينَ روز اَللّٰهُمَّ حَبِّبْ اِلَيَّ فِيهِ الْاِحْسَانَ وَكَرِّهْ اِلَيَّ فِيهِ
بسوی تو باحسان تو ای منتهای طالبان یازدهم خداوندا دوست دار در اینماه احسان و برگردان بمن در اینماه

الْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ وَحَرِّمْ عَلَيَّ فِيهِ السَّخَطَ وَالنِّيرَانَ بِعَوْنِكَ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ
نافرمانی و عصیان و حرام کن بر من در اینماه خشم و نیران بیاری تو ای دادرس دادخواهان

روز اَللّٰهُمَّ زَيِّنِّي فِيهِ بِالسِّتْرِ وَالْعَفَافِ وَاسْتُرْنِي فِيهِ بِلِبَاسِ الْقُنُوعِ وَالْكَفَافِ وَاحْمِلْنِي
دوازدهم خداوندا زینت ده مرا بپرده و عفاف و بپوشان مرا در اینماه جامه قناعت و وادار کن مرا

فِيهِ عَلَى الْعَدْلِ وَالْاِنْصَافِ وَآمِنِّي فِيهِ مِنْ كُلِّ مَا اَخَافُ بِعِصْمَتِكَ يَا عِصْمَةَ الْخَائِفِينَ
در اینماه بر عدل و انصاف و ایمن دار مرا از هر آنچه میترسم بعصمت تو ای نگاهدار ترسندگان

روز اَللّٰهُمَّ طَهِّرْنِي فِيهِ مِنَ الدَّنَسِ وَالْاَقْذَارِ وَصَبِّرْنِي فِيهِ عَلَى كَائِنَاتِ الْاَقْدَارِ وَوَفِّقْنِي
سیزدهم خداوندا پاک کن مرا در اینماه از چرکها و قاذورات و شکیبا کن مرا در اینماه بر تقدیرات ثابته و توفیق ده مرا

فیه للتقی وصحبة الابرار بعونك یا قرة عین المساکین روز چهاردهم اللهم لا تؤاخذنی فیه بالعثرات
دران مرا پرهیزکار وصحبت نیکان بیاری تو ای روشنی دیده درویشان بارخدایا فاگیر مرا دراینماه بلغزشها
واقلنی فیه من الخطایا والهفوات ولا تجعلنی فیه غرضا للبلایا والآفات بعزتك
ودرگذر مرا دراینماه از خطاها ولغزشها وگردان مرا دراینماه نشانه مر بلاها وآفتها بعزت تو
یا اعز المسلمین روز پانزدهم اللهم ارزقنی فیه طاعة الخاشعین واشرح فیه صدری بانابة
ای ارجمندی مسلمانان خداوندا روزی ده مرا دراینماه فرمان بردن فروتنان وبگشا دران سینه مرا بازگشت
المخبتین بامانك یا امان الخائفین روز شانزدهم اللهم وفقنی فیه لموافقة الابرار وجنبنی
فروتنیان بامان تو ای ایمنی ترسناکان خداوندا توفیق ده مرا مر موافقت نیکان ودور کن مرا
فیه مرافقة الاشرار وآونی فیه برحمتك الی دار القرار بالهیتك یا اله العالمین روز هفدهم
دراینماه رفاقت بدان وجای ده مرا دراینماه برحمت تو بسوی سرای قرار بخدائی تو ای خدای جهانیان
اللهم اهدنی فیه لصالح الاعمال واقض لی فیه الحوائج والآمال یا من لا یحتاج الی
خداوندا راهنما مرا دراینماه مر شایسته کردار وبرآور برای من دراینماه حاجتها وآرزوها ای آنکه محتاج نیست بسوی
التفسیر والسؤال یا عالما بما فی صدور العالمین صل علی محمد وآله الطاهرین روز هجدهم
تفسیر وسؤال ای دانا بآنچه در سینهای جهانیانست رحمت فرست بر محمد وآل او که پاکانند
اللهم نبهنی فیه لبرکات اسحاره ونور فیه قلبی بضیاء انواره وخذ بکل اعضائی الی
خداوندا بیدارکن مرا دراینماه مر برکتهای سحرهای او وروشن کن دراینماه دلمرا بروشنائی نورهای او وفراگیر همه اعضای مرا بسوی
اتباع آثاره بنورك یا منور قلوب العارفین روز نوزدهم اللهم وفر فیه حظی من برکاته وسهل
پیروی کردن آثار او بنور تو ای روشنی دهنده دلهای شناسایان خداوندا وافرکن دراینماه بهره مرا از برکتهای او وآسان نما
سبیلی الی خیراته ولا تحرمنی قبول حسناته یا هادیا الی الحق المبین روز بیستم اللهم افتح لی
راه مرا بسوی نیکیهای او وناامید مکن مرا از نیکیهای او ای راهنما بسوی حق آشکار خداوندا بگشا برای من
فیه ابواب الجنان واغلق عنی فیه ابواب النیران ووفقنی لتلاوة القرآن یا منزل السکینة
دراینماه درهای بهشتها وببند از من دران درهای آتشهارا وتوفیق ده مرا مر خواندن قرآن ای فرستنده آرام را
فی قلوب المؤمنین روز بیست ویکم اللهم اجعل لی فیه الی مرضاتك دلیلا ولا تجعل للشیطان
در دلهای گروندگان خداوندا بگردان مرا دراینماه بسوی خوشنودی تو دلیلی وگردان شیطان را
فیه علی سبیلا واجعل الجنة لی منزلا ومقیلا یا قاضی حوائج الطالبین روز بیست ودوم اللهم
دراینماه برمن راهی وبگردان بهشت را منزلی وبازگشتی ای برآورنده حاجتهای طالبان خداوندا
افتح لی فیه ابواب فضلك وانزل علی فیه برکاتك ووفقنی فیه لموجبات مرضاتك و
بگشا مرا دراینماه درهای فضل خود وفرو فرست دران برکتهای تو وتوفیق ده مرا مر موجبات خشنودی تو و
اسکنی فیه بحبوحات جناتك یا مجیب دعوة المضطرین روز بیست وسیم اللهم اغسلنی فیه من
ساکن گردان مرا درمیان بهشتهای خود ای اجابت کننده دعای درماندگان خداوندا بشوی مرا دراینماه از
الذنوب وطهرنی فیه من العیوب وامتحن قلبی فیه بتقوی القلوب یا مقیل عثرات المذنبین
گناهان وپاک کن دراینماه از عیبها وبیازما دل مرا بپرهیزکاری دلها ای درگذرنده لغزشهای گناهکاران

روز بیست و چهارم اللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ فیهِ ما یُرْضیکَ وَاَعُوذُ بِکَ مِمّا یُؤْذیکَ وَاَسْئَلُکَ التَّوْفیقَ
خداوندا بدرستیکه من میخواهم از تو در آن آنچه خشنود سازد ترا و پناه میبرم بتو از آنچه برنجاند ترا و میخواهم از تو توفیق

فیهِ لِاَنْ اُطیعَکَ وَلا اَعْصیکَ یا جَوادَ السّائِلینَ روز بیست و پنجم اللّهُمَّ اجْعَلْنی فیهِ مُحِبّاً
در آن جهت آنکه فرمانبردار کنم ترا و نافرمانی نکنم ترا ای بخشنده سؤالها خداوندا بگردان مرا دوست

لِاَوْلِیائِکَ وَمُعادِیاً لِاَعْدائِکَ مُسْتَنّاً بِسُنَّةِ خاتَمِ اَنْبِیائِکَ یا عاصِمَ قُلُوبِ النَّبِیّینَ
مر دوستان تو و دشمن مر دشمنان تو راه رونده بطریقه آخر پیغمبران تو ای نگاهدارنده دلهای پیغمبران

روز بیست و ششم اللّهُمَّ اجْعَلْ سَعْیی فیهِ مَشْکُوراً وَذَنْبی فیهِ مَغْفُوراً وَعَمَلی فیهِ مَقْبُولاً وَعَیْبی فیهِ
خداوندا بگردان سعی مرا در اینماه جزا داده شده و گناه مرا آمرزیده و کردار مرا در آن پذیرفته و عیب مرا در آن

مَسْتُوراً یا اَسْمَعَ السّامِعینَ روز بیست و هفتم اللّهُمَّ ارْزُقْنی فیهِ فَضْلَ لَیْلَةِ الْقَدْرِ وَصَیِّرْ اُمُوری
در آن پوشیده ای شنواتر شنوندگان خداوندا روزی ده مرا در اینماه فضیلت شب قدر و بگردان امور مرا

فیهِ مِنَ الْعُسْرِ اِلَی الْیُسْرِ وَاقْبَلْ مَعاذیری وَحُطَّ عَنّی الْوِزْرَ یا رَؤُفاً بِعِبادِهِ الصّالِحینَ
در آن از دشواری بآسانی و بپذیر عذر مرا و ببر از من بارگران ای مهربان به بندگان شایستگان

روز بیست و هشتم اللّهُمَّ وَفِّرْ حَظّی فیهِ مِنَ النَّوافِلِ وَاَکْرِمْنی فیهِ بِاِحْضارِ الْمَسائِلِ وَقَرِّبْ
خداوندا وافر کن بهره مرا از نافله گذاردن و گرامی دار مرا در آن بحاضر ساختن سؤالها و نزدیک

فیهِ وَسیلَتی اِلَیْکَ مِنْ بَیْنِ الْوَسائِلِ یا مَنْ لا یَشْغَلُهُ اِلْحاحُ الْمُلِحّینَ روز بیست و نهم
در اینماه وسیله مرا بتو از میان وسیلها ای من آنکه باز ندارد اورا مبالغه کنندگان

اللّهُمَّ غَشِّنی فیهِ بِالرَّحْمَةِ وَارْزُقْنی فیهِ التَّوْفیقَ وَالْعِصْمَةَ وَطَهِّرْ قَلْبی مِنْ غَیاهِبِ التُّهَمَةِ
خداوندا بپوشان مرا برحمت و روزی ده مرا در اینماه توفیق و عصمت و پاک گردان مرا از تیرگیهای دروغ

یا رَحیماً بِعِبادِهِ الْمُؤْمِنینَ روز سی ام اللّهُمَّ اجْعَلْ صِیامی فیهِ بِالشُّکْرِ وَالْقَبُولِ عَلی ما تَرْضاهُ
ای مهربان به بندگان گروندگان خداوندا بگردان روزه مرا در اینماه بشکر و قبول بر آنچه پسندی آنرا

وَیَرْضاهُ الرَّسُولُ مُحْکَمَةً فُرُوعُهُ بِالْاُصُولِ بِحَقِّ سَیِّدِنا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطّاهِرینَ وَالْحَمْدُ لِلّهِ
و پسندد اورا رسول که محکم باشد فرعهای او باصلها بحق سید ما محمد و آل او که پاکانند و سپاس مر خدا را

رَبِّ الْعالَمینَ مؤلف گوید که در تقدیم و تأخیر دعاها و عبارات هر یک در کتب دعوات مختلف ذکر
پروردگار جهانیان کرده اند چون روایتش را معتبر ندیدند متعرض ذکر آنها نشدم و دعای روز بیست و
هفتم را کفعمی در روز بیست و نهم ذکر کرده است و موافق مذهب شیعه در روز بیست و سیم خواندن
دو روز بیست که انسب باشد والله اعلم باب چهارم در اعمال لیالی و ایام متبرکه ماه شوال و ماه
ذی القعده است از جمله ایام متبرکه ماه شوال روز عید فطر است و شبش از جمله لیالی متبرکه است
و در فضیلت و ثواب عبادت و احیاء آن احادیث بسیار است و از حضرت رسول صلعم منقولست که هر که
احیا کند شب عید فطر را نمیرد دل او در روزیکه دلها از ترس بمیرد و از حضرت امام محمد باقر ع مرویست
که گفت پدرم علی بن الحسین ع شب عید را احیا میکرد بنماز تا صبح و در تمام آن شب در مسجد میماند
و میگفت ای فرزند امشب کمتر از شب قدر نیست و غسل در این شب سنت است و شیخ مفید از حضرت
صادق ع عرض کرد که مردم میگویند آمرزش نازل میشود بر کسیکه روزه دارد ماه رمضان را در شب قدر

باب چهارم

عید فطر

حضرت فرمود که کار کرمزدش را میدهند مکر بعد از فارغ شدن از کار و آن شب عید است راوی کفت چه کار سزاوار است که در آنشب بکنم فرمود که چون آفتاب غروب کند غسل بکن و چون فریضهٔ مغرب و نافله از بجا آوردی یَا ذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ یَا ذَا الْجُودِ یَا مُصْطَفَی مُحَمَّدٍ وَ نَاصِرَهُ صَلِّ
دستها را بسوی آسمان بلند کن و بکو — ای خداوند انعام و احسان — ای خداوند بخشش — ای برکزیده محمد — و یاور او — رحمت
عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِی کُلَّ ذَنْبٍ اَحْصَیْتَهُ وَ هُوَ عِنْدَکَ فِی کِتَابٍ مُبِینٍ
بر محمد و آل محمد و بیامرز مرا هر کناری که شمرده او را و او نزد تو در کتابیست آشکار
پس بسجود برو و صد مرتبه در سجده بکو اتوب الی الله پس هر حاجت که داری از خدا طلب کن که انشاء الله بر آورده است و بسند معتبر منقولست که حضرت امیرالمؤمنین ع در شب عید فطر دو رکعت نماز میکردند و در رکعت اوّل بعد از حمد هزار مرتبه سورهٔ قل هو الله احد میخواندند و در رکعت دویم یکمرتبه میخواندند پس برکوع و سجود میرفتند و بعد از سلام بسجده میرفتند و صد مرتبه میکفتند اتوب الی الله پس می یَا ذَا الْمَنِّ وَالْجُودِ یَا ذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ یَا مُصْطَفَی مُحَمَّدٍ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ پس
کفتند — ای خداوند انعام و وجود — ای خداوند احسان — ای برکزیده محمد — رحمت فرستد خدا بر او و آل او — حاجات
خود را از خدا میطلبیدند پس سر از سجود بر میداشتند و میفرمودند بحق آنخداوندیکه جانم بدست قدرت اوست که هر که این نماز را بکند هر حاجت که از خدا طلب نماید البته او را عطا کند و اکر بعدد ریکهای بیابان کناه داشته باشد خدا بیامرزد یَا اَللهُ یَا اَللهُ یَا اَللهُ یَا رَحْمٰنُ یَا اَللهُ یَا مَلِکُ یَا اَللهُ
و بعد از نماز سنت است که این دعا بخوانند — ای خدا — ای خدا — ای خدا — ای بخشاینده — ای خدا — ای پادشاه — ای خدا
یَا قُدُّوسُ یَا اَللهُ یَا سَلَامُ یَا اَللهُ یَا مُؤْمِنُ یَا اَللهُ یَا مُهَیْمِنُ یَا اَللهُ یَا عَزِیزُ یَا اَللهُ یَا
ای منزه — ای خدا — ای سالم — ای خدا — ای ایمنی دهنده — ای خدا — ای کواهی دهنده — ای خدا — ای غالب — ای خدا — ای
جَبَّارُ یَا اَللهُ یَا مُتَکَبِّرُ یَا اَللهُ یَا خَالِقُ یَا اَللهُ یَا بَارِئُ یَا اَللهُ یَا مُصَوِّرُ یَا اَللهُ یَا عَالِمُ
کارفرما — ای خدا — ای بزرک — ای خدا — ای آفریننده — ای خدا — ای پدید آورنده — ای خدا — ای نکارنده — ای خدا — ای دانا
یَا اَللهُ یَا عَظِیمُ یَا اَللهُ یَا عَلِیمُ یَا اَللهُ یَا کَرِیمُ یَا اَللهُ یَا حَلِیمُ یَا اَللهُ یَا حَکِیمُ یَا اَللهُ
ای خدا — ای بزرک — ای خدا — ای دانا — ای خدا — ای بزرکوار — ای خدا — ای بردبار — ای خدا — ای درست کردار — ای خدا
یَا سَمِیعُ یَا اَللهُ یَا بَصِیرُ یَا اَللهُ یَا قَرِیبُ یَا اَللهُ یَا مُجِیبُ یَا اَللهُ یَا جَوَادُ یَا اَللهُ یَا
ای شنوا — ای خدا — ای بینا — ای خدا — ای نزدیک — ای خدا — ای اجابت کننده — ای خدا — ای بخشنده — ای خدا — ای
وَاحِدُ یَا اَللهُ یَا وَلِیُّ یَا اَللهُ یَا وَفِیُّ یَا اَللهُ یَا مَوْلَی یَا اَللهُ یَا قَاضِی یَا اَللهُ یَا سَرِیعُ
یکانه — ای خدا — ای دوست — ای خدا — ای وفا کننده — ای خدا — ای صاحب اختیار — ای خدا — ای حکم کننده — ای خدا — ای زود
یَا اَللهُ یَا شَدِیدُ یَا اَللهُ یَا رَؤُفُ یَا اَللهُ یَا رَقِیبُ یَا اَللهُ یَا مُجِیبُ یَا اَللهُ یَا جَوَادُ یَا اَللهُ
ای خدا — ای سخت — ای خدا — ای مهربان — ای خدا — ای نزدیک — ای خدا — ای خدا — ای بخشنده — ای خدا
یَا مَاجِدُ یَا اَللهُ یَا عَلِیُّ یَا اَللهُ یَا حَفِیظُ یَا اَللهُ یَا مُحِیطُ یَا اَللهُ یَا سَیِّدَ السَّادَاتِ یَا اَللهُ
ای بزرکوار — ای خدا — ای بلند مرتبه — ای خدا — ای نکهبان — ای خدا — ای فرا کیرنده — ای خدا — ای بزرک بزرکان — ای خدا
یَا اَوَّلُ یَا اَللهُ یَا آخِرُ یَا اَللهُ یَا ظَاهِرُ یَا اَللهُ یَا بَاطِنُ یَا اَللهُ یَا فَاخِرُ یَا اَللهُ یَا قَاهِرُ یَا اَللهُ
ای اول — ای خدا — ای آخر — ای خدا — ای آشکار — ای خدا — ای پنهان — ای خدا — ای فخر کننده — ای خدا — ای توانا — ای خدا

یا رَبّاهُ یا اَللّٰهُ یا رَبّاهُ یا اَللّٰهُ یا رَبّاهُ یا اَللّٰهُ یا رَبّاهُ یا اَللّٰهُ یا رَبّاهُ یا وَدُودُ یا اَللّٰهُ یا نُورُ یا اَللّٰهُ

ای پروردگار ایخدا ای پروردگار ایخدا ای پروردگار ایخدا ای پروردگار ایخدا ای پروردگار ای دوست ایخدا ای روشنی دهنده خدا

یا دافِعُ یا اَللّٰهُ یا مانِعُ یا اَللّٰهُ یا فاتِحُ یا اَللّٰهُ یا نَفّاعُ یا اَللّٰهُ یا جَلیلُ یا اَللّٰهُ یا جَمیلُ یا اَللّٰهُ

ای دفع کننده ایخدا ای بازدارنده ایخدا ای گشاینده ایخدا ای سودمند ایخدا ای بزرگ ایخدا ای نیکو ایخدا

یا شَهیدُ یا اَللّٰهُ یا شاهِدُ یا اَللّٰهُ یا حَبیبُ یا اَللّٰهُ یا فاطِرُ یا اَللّٰهُ یا مُطَهِّرُ یا اَللّٰهُ یا مالِكُ

ای شهید ایخدا ای گواه ایخدا ای دوست ایخدا ای آفریننده ایخدا ای پاکیزه ایخدا ای پادشاه

یا اَللّٰهُ یا مُقْتَدِرُ یا اَللّٰهُ یا قابِضُ یا اَللّٰهُ یا باسِطُ یا اَللّٰهُ یا مُحْیی یا اَللّٰهُ یا مُمیتُ یا اَللّٰهُ یا مُجیبُ

ایخدا ای توانا ایخدا ای گیرنده ایخدا ای گستراننده ایخدا ای زنده کننده ایخدا ای میراننده ایخدا ای اجابت کننده

یا اَللّٰهُ یا باعِثُ یا اَللّٰهُ یا مُعْطی یا اَللّٰهُ یا مُفْضِلُ یا اَللّٰهُ یا مُنْعِمُ یا اَللّٰهُ یا حَقُّ یا اَللّٰهُ یا مُنیرُ

ایخدا ای برانگیزنده ایخدا ای بخشنده ایخدا ای زیادتی دهنده ایخدا ای نعمت دهنده ایخدا ای حق ایخدا ای آشکار

یا اَللّٰهُ یا طَبیبُ یا اَللّٰهُ یا مُحْسِنُ یا اَللّٰهُ یا مُبْدِئُ یا اَللّٰهُ یا مُعیدُ یا اَللّٰهُ یا بارِئُ یا اَللّٰهُ یا

ایخدا ای طبیب ایخدا ای نیکو ایخدا ای بدید آرنده ایخدا ای باز گرداننده ایخدا ای بدید آرنده ایخدا ای

بَدیعُ یا اَللّٰهُ یا هادی یا اَللّٰهُ یا كافی یا اَللّٰهُ یا شافی یا اَللّٰهُ یا عَلِیُّ یا اَللّٰهُ یا حَنّانُ یا اَللّٰهُ یا

نو پدید آورنده ایخدا ای رهنما ایخدا ای کارگزار ایخدا ای شفا دهنده ایخدا ای بلند ایخدا ای مهربان ایخدا ای

مَنّانُ یا اَللّٰهُ یا ذَا الطَّوْلِ یا اَللّٰهُ یا مُتَعالی یا اَللّٰهُ یا عَدْلُ یا اَللّٰهُ یا ذَا الْمَعارِجِ یا اَللّٰهُ یا

بخشنده ایخدا ایخداوند احسان ایخدا ای بلند مرتبه ای خدا ای عدل ایخدا ایخداوند مرتبه ایخدا ای

صادِقُ یا اَللّٰهُ یا دَیّانُ یا اَللّٰهُ یا باقی یا اَللّٰهُ یا ذَا الْجَلالِ یا اَللّٰهُ یا ذَا الْاِكْرامِ یا اَللّٰهُ یا

راستگو ایخدا ای جزا دهنده ایخدا ای پاینده ایخدا ایخداوند بزرگوار ایخدا ایخداوند گرامی ایخدا ای

مَعْبُودُ یا اَللّٰهُ یا مَحْمُودُ یا اَللّٰهُ یا صانِعُ یا اَللّٰهُ یا مُعینُ یا اَللّٰهُ یا مُكَوِّنُ یا اَللّٰهُ یا فَعّالُ یا اَللّٰهُ

پرستیده شده ایخدا ای ستوده ایخدا ای کارگزار ایخدا ای مددکار ایخدا ای موجود ایخدا ای کننده ایخدا

یا لَطیفُ یا اَللّٰهُ یا جَلیلُ یا اَللّٰهُ یا غَفُورُ یا اَللّٰهُ یا شَكُورُ یا اَللّٰهُ یا نُورُ یا اَللّٰهُ یا حَنّانُ یا اَللّٰهُ

ای مهربان ایخدا ای بزرگوار ایخدا ای آمرزگار ایخدا ای جزا دهنده ای خدا ای نور ایخدا ای مهربان ایخدا

یا قَدیرُ یا اَللّٰهُ یا رَبّاهُ یا اَللّٰهُ یا رَبّاهُ یا اَللّٰهُ یا رَبّاهُ یا اَللّٰهُ یا رَبّاهُ یا اَللّٰهُ یا رَبّاهُ یا اَللّٰهُ یا رَبّا

ای توانا ایخدا ای پروردگار ایخدا ای پروردگار ایخدا ای پروردگار ایخدا ای پروردگار ایخدا ای پروردگار ایخدا ای پروردگار

یا اَللّٰهُ یا رَبّاهُ یا اَللّٰهُ یا اَللّٰهُ اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَمُنَّ عَلَیَّ بِرِضاكَ وَتَعْفُوَ

ای خدا ای پروردگار ایخدا ایخدا من سؤال میکنم که رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و منت نهی بر من بخوشنودی تو

عَنّی بِحِلْمِكَ وَتُوَسِّعَ عَلَیَّ رِزْقَكَ الْحَلالَ الطَّیِّبَ مِنْ حَیْثُ اَحْتَسِبُ وَمِنْ حَیْثُ لا اَحْتَسِبُ فَاِنّی

از من ببرد باری تو و وسعت دهی بر من از روزی تو حلال پاکیزه از انجا که حساب شود و از انجا که حساب نشود

عَبْدُكَ لَیْسَ لی اَحَدٌ سِواكَ وَلا اَحَدٌ اَسْئَلُهُ غَیْرَكَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ ما شاءَ اللّٰهُ لا قُوَّةَ اِلّا

بنده تو نیست مرا احدی غیر تو و نه احدی که سؤال کنم غیر تو ای رحیمتر از رحیمان آنچه خواهد خدا نیست توانائی مگر

بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظیمِ پس بسجده میروی یا اَللّٰهُ یا اَللّٰهُ یا رَبِّ یا اَللّٰهُ یا رَبِّ یا اَللّٰهُ یا مُنْزِلَ

بخداوند بلند مرتبه ومیگوئی ایخدا ایخدا ای پروردگار ایخدا ای پروردگار ایخدا ای پروردگار ای فرستنده

الْبَرَكَاتِ بِكَ تَنْزِلُ كُلُّ حَاجَةٍ أَسْئَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ فِي مَخْزُونِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ وَالْأَسْمَاءِ الْمَشْهُورَاتِ
برکتها بتو فرود آید هر حاجتی درمیخواهم از تو بهر نامی در پنهانی غیب نزد تو و نامهای مشهور
عِنْدَكَ الْمَكْتُوبَةِ عَلَى سُرَادِقِ عَرْشِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَقَبَّلَ مِنِّي شَهْرَ
نزد تو نوشته شده بر سراپردهای عرش که رحمت بر محمد و آل محمد و اینکه بپذیری از من ماه
رَمَضَانَ وَتَكْتُبَنِي بِالْوَافِدِينَ إِلَى بَيْتِكَ الْحَرَامِ وَتَصْفَحَ لِي عَنِ الذُّنُوبِ الْعِظَامِ وَتَسْتَخْرِجَ
رمضان و بنویسی مرا در زمره واردان بخانه محترم و درگذری مرا از گناه بزرگ و بیرون آوری
يَا رَبِّ كُنُوزَكَ يَا رَحْمٰنُ و در روایت دیگر بجای هزار مرتبه قل هو الله احد نیز صد مرتبه وارد شده
ای پروردگار دفینه ای بخشنده است و ایضا سنت مؤکد است که بعد از نماز شام و خفتن و صبح شب عید و نماز
عید این اللّٰهُ أَكْبَرُ اللّٰهُ أَكْبَرُ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ أَكْبَرُ اللّٰهُ أَكْبَرُ وَلِلّٰهِ الْحَمْدُ الْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلَى مَا هَدَانَا اکبر
تکبیرات بخوانند خدا بزرگتر است خدا بزرگتر است نیست خدائی مگر خدا و خدا بزرگتر است و مر خدا راست حمد خدا بزرگتر است بر آنچه راه نمود ما را
واما اعمال روز عید پس زکوة روز فطر واجب مؤکد است و ترکش با تحقق شرایط موجب گناه کبیرة است
و شرط قبول روزه ماه مبارک است چنانچه از حضرت صادق ع منقولست که از تمامی روزه دادن زکوة
است یعنی فطره چنانچه صلوات بر محمد و آل محمد از تمامی نماز است زیرا که هر که روزه بدارد و زکوة فطر
ندهد روزه او مقبول نیست هرگاه عمدا ترک کند و اگر صلوات بر محمد و آل محمد را ترک کند در تشهد نماز
نمازش مقبول نیست و خدا زکوة را پیش از نماز ذکر کرده است در آنجا که فرموده است قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكّٰى وَ
ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلّٰى یعنی بتحقیق که رستگاری یافت هر که زکوة فطره داد و پروردگار خود را یاد کرد بزبان تکبیرات
که من کور شد پس نماز عید را بجا آورد و چنانچه زکوة مال باعث پاکیزگی مال میشود و مال از تلف محفوظ
میماند چنانکه منقولست که هیچ مال در دریا و صحرا تلف نمیشود مگر بندادن زکوة و همچنین فطره زکوة
بدنست و بدن را پاکیزه میگرداند از بخل و سایر کثافات معنویه و او را تا سال دیگر از بلاها حفظ میکند
چنانچه بسند معتبر منقولست که حضرت صادق ع با معتب وکیل خرج خود فرمود که برو و فطره جمیع عیال
غلامان و کنیزان ما را بده و یکی از ایشان را ترک مکن که زکوة او را ندهی زیرا که اگر یکی را ترک کنی میترسم که در عرض سال
بمیرد و بدانکه زکوة فطره بر مال نابالغ و دیوانه و بنده واجب نمیشود و اگر نابالغ و دیوانه عیال دیگری باشند
بر او واجبست که فطره ایشان را بدهد و زکوة بنده را آقا میدهد بنابر مشهور مگر آنکه در آن شب عیال دیگری
باشد و اشهر و اقوی آنست که در وجوب فطره توانگری شرطست و آن موافق مشهور آنست که قوت سال تمام
خود و عیال خود را داشته باشد یا قادر بر کسبی باشد که وفا بمعیشت او و عیال او کند و بعضی گفته‌اند که اگر
در شب عید زاید بر قوت خود و عیال خود بقدر فطره داشته باشد بر او واجبست و اظهر آنست که بر او
سنت است و اگر فقیر یکسر فطره را با عیال خود دست بدست بگرداند و بعد از آن بفقیر دیگر بدهند همه ثواب فطره
را مییابند و باید غنی اخراج فطره کند از خود و از هر کس که واجب النفقه او باشد بشرط آنکه عیال دیگری
نباشد در شب فطر که اگر عیال دیگری شده باشد بر او واجبست و همچنین باید بدهد از هر کس
که در خانه او باشد از مهمان و غیر آن که آخر روز آخر ماه رمضان پیش از شام در آن خانه باشد افطار
کند و اگر بعد از شام داخل شود و افطار کند یا نکند واجب نیست بر صاحب خانه و اگر پیش از شام

داخل خانه شود و افطار از مال او بکند احوط آنستکه هر دو بدهند یا یکی از ایشان باذن دیگری بقصد
بدهد قربةً الی الله و اگر شخص عیال او نباشد اما نفقه و کسوهٔ او را دهد و در خانهٔ دیگری باشد زکوة
او بر معطی نیست و هم چنین اگر در شب عید پیش از شام از جهة همسایها طعامی بفرستد یا فقیری را چیزی
بدهند یا شخصی در ماه رمضان مهمان باشد و در شب عید در جای دیگر افطار کند یا بعد از شام عید افطار
کرده بخوانه او آید یا چیزی نخورده باشد و بعد از شام بیاید زکوة بر او واجب نیست و احوط آنستکه در صورت
اخیر هر دو بدهند بلکه مطلق مهمان اگر غنی باشد خود نیز بدهد بهتر است و وقت بیرون کردن فطره
موافق مشهور شام شب عید است تا ظهر روز عید و بعضی گفته‌اند تا شام روز عید و احوط آنستکه
در شب جدا کند و پیش از نماز عید بدهد و اگر در صبح جدا کند نیز خوبست و اگر پیش از نماز جدا کند و بعد
از نماز دادن ز یا روز دیگر بجهة حاضر نبودن مستحق یا عذر دیگر تاخیر کند قصور ندارد و اگر جدا نکند
تا ظهر روز عید احوط آنستکه تا شام قصد ادا و قضا نکند و اگر از روز عید بگذرد بقصد قربت
بدهد و قصد خصوص فطره نکند یا آنکه قصد کند که اینرا میدهم که اگر قضای فطره بر من واجب باشد
فطره باشد و الا تصدق باشد و پدر و مادر و جد و جده و فرزندان و فرزند زادگان هرگاه فقیر باشند
نفقهٔ ایشان بر او واجبست پس اگر نفقهٔ او را خورند فطره بر او است و اگر عیال شخص دیگر باشند بر آن
شخص دیگر است و اگر عیال دیگری نیز نباشند ساقط است و احوط آنستکه او فطرهٔ ایشان را بدهد و اما جنس
فطره مشهور آنستکه هر چه قوت غالب و باشد میتواند داد و احوط آنستکه جو یا گندم یا مویز یا خرما
یا کشک بدهد و بهتر آنستکه خرما بدهد و بعد از آن مویز است و بعد از آن هر چه قوت غالب او باشد
چنانچه مردم شهر چون قوت غالب ایشان نان گندم است بهتر آنستکه گندم بدهند و مردم دهات که
غالبا نان جو میخورند جو بدهند و در حدیث است که اگر یکصاع خرما بدهم در فطره دوست تر دارم از آنکه یکصاع
طلا بدهم و اما مقدار فطره از هر شخصی یکصاع باید داد و صاع موافق حساب مشهور ظاهرا یکمن تبریز و
چهارده مثقال و ربع مثقال است و احوط آنستکه یکمن نیم تبریز بدهند و نهایت احتیاط آنستکه یکمن شاه
بدهند و باید بکسی بدهند که قوت سال خود و عیال خود را نداشته باشد و سایل بکف نباشد و
احوط آنستکه متظاهر بفسوق نباشد و صالح باشد و احوط آنستکه در زمان غیبت امام ع بمجتهد جامع
الشرایط عادل بدهند که او بمستحقان برساند چون مصارف فقرا و بهتر میداند و بعضی از علما اینرا واجب دانسته اند
و احوط آنستکه فقیر را کمتر از یکصاع ندهند و بیک کس چند سر میتوان داد و فطره را بواجب النفقه نمیتوان
داد و بخویشان غیر واجب النفقه دادن بهتر است و بعد از آن بهمسایگان پریشان و بعد از آن بکسانیکه فاضل
تر و صالح تر و پریشان تر باشند و فطرهٔ غیر سید را بسید نمیتوان داد و فطرهٔ سید را بسید و غیر سید
هر دو میتوان داد و سنت است که در روز عید پیش از نماز عید در اول روز افطار کنند و سنت است
که بر خرما افطار کنند و غسل روز عید سنت مؤکد است و بعضی واجب دانسته اند و از حضرت صادق ع
منقولست که غسل را در زیر سقفی بکن و در زیر آسمان مکن و پیش از غسل بگو اَللّٰهُمَّ اِیمَاناً وَتَصْدِیقاً بِکِتَابِکَ وَاتِّبَاعَ سُنَّةِ نَبِیِّکَ
خداوندا ایمان آوردیم بتو و باور داشتیم کتاب ترا و بر دیگران طریقهٔ پیغمبر تو

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ پس بسم الله بگو و غسل بکن اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ كَفّارَةً لِذُنُوبي وَطَهِّرْ ديني

رحمت فرستد خدا براو وآل او و چون از غسل فارغ شوی بگو خداوندا بگردان اورا کفاره مرگناهانم و پاکیزه کن دینم را

اَللّٰهُمَّ اَذْهِبْ عَنِّي الدَّنَسَ و زیارت حضرت امام حسین ع در روز عید نیز سنت موکد است و

بر طرف کن ازمن چرک را ثواب بسیار در آن وارد شده است و نماز عید در زمان حضور امام ع

واجبست و در زمان غیبت امام اکثر علما سنت میدانند و اگر میگویند تنها نیز میتوان کردن و بگمان

فقیر واجبست که بجماعت بکنند و بنماز مجتهد عادل حاضر شوند و اگر نتوانند حاضر شد تنها

کردن سنت است و نماز عید دو رکعت است و در رکعت اول بعد از قرائت پنج تکبیر میگویند و چهار

قنوت میخوانند و قنوت مخصوصی دارد و اگر کسی از آن نداند بخیر در قنوت نمازهای دیگر میخواند بخواند

هر گاه بجماعت کنند پیش نماز دو خطبه بعد از نماز میخواند و قنوت مخصوص نماز عید این است

اَللّٰهُمَّ اَهْلَ الْكِبْرِياءِ وَالْعَظَمَةِ وَاَهْلَ الْجُودِ وَالْجَبَرُوتِ وَاَهْلَ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ وَاَهْلَ التَّقْوىٰ

خداوندا ای سزاوار بزرگواری و عظمت و ای سزاوار بخشش و بزرگواری و ای سزاوار عفو و رحمت و سزاوار پرهیزکاری

وَالْمَغْفِرَةِ اَسْئَلُكَ بِحَقِّ هٰذَا الْيَوْمِ الَّذي جَعَلْتَهُ لِلْمُسْلِمينَ عيداً وَلِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و آمرزش میخواهم ترا بحق این روز که گردانیدی اورا بر مسلمانان عید و مر محمد را رحمت فرستد خدا براو

وَآلِهِ ذُخْراً وَكَرامَةً وَشَرَفاً وَمَزيداً اَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُدْخِلَني في كُلِّ خَيْرٍ

وآل او ذخیره و کرامت و شرافت و زیادتی که رحمت فرستی بر محمد وآل محمد و اینکه درآوردی مرا در هر نیکی

اَدْخَلْتَ فيهِ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُخْرِجَني مِنْ كُلِّ سُوءٍ اَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ صَلَواتُكَ

درآوردی در آن محمد وآل محمد و اینکه بیرون آوری مرا از هر بدی که بیرون آوردی از او محمد وآل محمد رحمت تو براو

عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ خَيْرَ ما سَئَلَكَ بِهِ عِبادُكَ الصّالِحُونَ وَاَعُوذُ بِكَ

براو و بر ایشان خداوندا بدرستی که میخواهم ترا بهتر از آنچه سؤال کردند با و بندگان شایسته تو و پناه میبرم بتو

مِمَّا اسْتَعاذَ مِنْهُ عِبادُكَ الْمُخْلَصُونَ و بعد از نماز عید دعای بسیار وارد شده است و

از آنچه پناه میبرند از او بندگان تو که با اخلاص‌اند بهترین دعاها دعای صحیفه کامله است و بسند صحیح

از حضرت امام محمد باقر ع منقول است که در روز جمعه و عید فطر و عید قربان در اَللّٰهُمَّ مَنْ تَهَيَّأَ في هٰذَا

هنگامی که مهیا رفتن بسوی نماز جمعه و عید قربان میشوی این دعا بخوان خداوندا هر که مهیا گردیده در این روز

الْيَوْمِ اَوْ تَعَبَّأَ اَوْ اَعَدَّ وَاسْتَعَدَّ لِوِفادَةٍ اِلىٰ مَخْلُوقٍ رَجاءَ رِفْدِهِ وَنَوافِلِهِ وَفَواضِلِهِ

روز یا ساخته یا آماده گشته مر وارد شدن بسوی مخلوق باميد بخشش و وارد شدن او و زیادتی او و

وَعَطاياهُ فَاِنَّ اِلَيْكَ يا سَيِّدي تَهْيِئَتي وَتَعْبِئَتي وَاِعْدادي وَاسْتِعْدادي رَجاءَ رِفْدِكَ

وعطاهای او پس بدرستیکه بسوی تو ای سید من مهیا شدن و ساز شدن و آماده شدنم امید بخشش تو

وَجَوائِزِكَ وَنَوافِلِكَ وَفَواضِلِكَ وَعَطاياكَ وَقَدْ غَدَوْتُ اِلىٰ عيدٍ مِنْ اَعْيادِ اُمَّةِ

وعطای تو و زیادتیهای تو و افزونیهای تو و عطاهای تو و بتحقیق که بامداد کردم بسوی عیدی از عیدهای امت

نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَلَمْ اَفِدْ اِلَيْكَ الْيَوْمَ بِعَمَلٍ صالِحٍ اَثِقُ بِهِ قَدَّمْتُهُ وَلا

پیغمبر تو محمد رحمتهای تو براو وآل او و وارد نیامدم بسوی تو امروز بکردار شایسته که اعتماد دارم باو و نه

نماز عید فطر و دعای بعد از نماز

توجهت بمخلوق امّلته ولكن اتيتك خاضعا مقرّا بذنوبي واسائتي الى نفسي فيا عظيم
رو نکردم با فریده شده که امیدوار شوم ورا ولیکن آمدم تورا فروتنی کننده اقرار کننده بگناه خود و بدیهای خود بسوی نفس خود پس ای بزرگ
يا عظيم اغفر لي العظيم من ذنوبي فانّه لا يغفر الذنوب العظام الّا انت يا لا اله الّا انت
ای بزرگ بیامرز مرا بزرگ از گناه من پس بدرستیکه نیامرزد گناه بزرگ را مگر تو جز خدائی مگر تو
يا ارحم الرّاحمين و در حدیث معتبر از حضرت صاحب الامر عليه السلام منقول است که بعد از نماز صبح عید فطر این دعا را بخوانند اللّهمّ انّي توجّهت اليك بمحمّد امامي
ای رحم کننده ترین رحم کنندگان خداوندا بدرستیکه روی آوردم بتو بمحمد امام من
وعليّ من خلفي وعن يميني وائمّتي عن يساري استتر بهم من عذابك واتقرّب اليك زلفى لا اجد
وعلی از پس سر من و از راست من و پیشوایان از چپ من پنهان میکنم از عذاب تو و نزدیکی میجویم بسوی تو نزدیکی نیابم احدی را
احدا اقرب اليك منهم فهم ائمّتي فآمن بهم خوفي من عقابك وسخطك وادخلني برحمتك
نزدیکتر بسوی تو از ایشان پس ایشان پیشوایانند ایمن ساز ترس را از عقاب تو و خشم تو و درآور مرا برحمت تو
في عبادك الصّالحين اصبحت بالله مؤمنا موقنا مخلصا على دين محمّد وسنّته وعلى دين عليّ
در زمره بندگان شایسته صبح کردم بخدا ایمان آورنده یقین کننده خالص شونده بر دین محمد و طریقه او و بر دین علی
وسنّته وعلى دين الاوصياء وسنّتهم آمنت بسرّهم وعلانيتهم وارغب الى الله فيما رغب
و طریقه او و بر دین اوصیاء و طریقه ایشان ایمان آوردم بپنهان و آشکار ایشان و خواهشمندم بخدا در آنچه خواهش
فيه اليه محمّد وعليّ والاوصياء ولا حول ولا قوّة الّا بالله ولا عزّة ولا منعة ولا سلطان
دارم در او محمد و علی و اوصیاء و نیست یاری و نه توانائی مگر بخدا و نه ارجمندی و نه بزرگی و نه سلطنت
الّا لله الواحد القهّار العزيز الجبّار توكّلت على الله ومن يتوكّل على الله فهو حسبه انّ الله
مگر خداوند یگانه غالب بزرگوار توکل کردم بر خدا و هر که توکل کند بر خدا پس او بس است او را که خدا
بالغ امره اللّهمّ انّي اريدك فاردني واطلب ما عندك فيسّره لي واقض لي حوائجي فانّك
رسنده کار خود را خداوندا بدرستیکه اراده کردم ترا وطلب میکنم آنچه نزد تست و برآور برای من حاجتها را زیرا که تو
قلت في كتابك وقولك الحقّ شهر رمضان الّذي انزل فيه القرآن هدى للنّاس وبيّنات من
گفته در کتاب تو و گفتار تو راست است ماه رمضان که فرستاده شد در آن قرآن راهنما بر مردمان و معجزها از
الهدى والفرقان فعظّمت حرمة شهر رمضان بما انزلت فيه من القرآن وخصصته وعظّمته
هدایت و جدا کننده پس بزرگ کردی حرمت ماه رمضان بآنچه فرستادی از قرآن و مخصوص کردی او را
بتصييرك فيه ليلة القدر فقلت ليلة القدر خير من الف شهر تنزّل الملائكة والرّوح
بگردانیدن تو در شب قدر پس گفته شب قدر بهتر است از هزار ماه فرستاده میشوند فرشتگان و روح
فيها باذن ربّهم من كلّ امر سلام هي حتّى مطلع الفجر اللّهمّ وهذه ايّام شهر رمضان قد
در آن بفرمان پروردگار خود از هر امری سلامتی است تا طلوع صبح خداوندا و این روزهای ماه رمضان که
انقضت ولياليه قد تصرّمت وقد صرت منه يا الهي الى ما انت اعلم به منّي واحصى لعدده
تمام شده و شبهای او که بپایان رسید و تحقیق که گردانیدم ای خدای من بسوی آنچه تو داناتری از من و شمرنده تری از عدد من
من عددي فاسئلك يا الهي بما سئلك به عبادك الصّالحون ان تصلّي على محمّد وآل محمّد و
پس درمیخواهم ای خدا بآنچه سؤال کردند ترا باو بندگان شایسته که رحمت بر محمد و آل محمد

اهل بیت محمد وان تتقبل منی ما تقربت به الیک و تتفضل علی بتضعیف عملی و قبول
واهل بیت محمد واینکه بپذیر از من آنچه نزدیک شدم بآن بسوی تو وبخشش کنی برمن بزیاد کردن کردار من وپذیرفتن
تقربی و قرباتی واستجابة دعائی وهب لی منک عتق رقبتی من النار ومن علی بالفوز
نزدیکی من ونزدیکیها واستجابت من دعای مرا وببخش مرا از تو آزاد کردن گردن من از آتش ومنت گذار برمن برستگاری
بالجنة والامن یوم الخوف من کل فزع ومن کل هول اعددته لیوم القیمة اعوذ بحرمة
بهشت وآسودگی روز ترس از هر ترس واز هر شدتی که شمرده او را مر روز رستخیز پناه میبرم بحرمت
وجهک الکریم وحرمة نبیک وحرمة الصالحین ان ینصرم هذا الیوم ولک قبلی تبعة ترید
ذات بزرگ تو وحرمت پیغمبر تو وحرمت شایستگان اگر آنکه بپایان رسد این روز ومر ترا باشد نزد من وبالی که اراده داری
ان تؤاخذنی بها او ذنب ترید ان تقایسنی به وتشقینی وتفضحنی به او خطیئة ترید ان تقایسنی
که بگیری مرا بآن یا گناهی که اراده داری که مقابله کنی مرا ورسوا کنی مرا بآن یا خطائی که اراده داری اینکه مقابله کنی مرا
بها وتقتصها منی لم تغفرها لی واسئلک بحرمة وجهک الکریم الفعال لما یرید الذی یقول
بآن وبگیری آن را از من که نیامرزی آن را برای من وسؤال میکنم ترا بحرمت ذات بزرگوار تو کننده مر آنچه خواهد بتحقیق که میگوید
للشیء کن فیکون لا اله الا هو اللهم انی اسئلک بلا اله الا انت ان کنت رضیت
مر چیزی را باش پس میبود نیست خدائی مگر او خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم بحق لا اله الا انت اگر بوده که خوشنودی
عنی فی هذا الشهر ان تزید فیما بقی من عمری رضا وان کنت لم ترض عنی فی هذا الشهر فمن
از من در اینماه اینکه زیاد کنی در آنچه باقی مانده از عمر من خوشنودی واگر خوشنود نبودی از من در این شهر پس حالا
الآن فارض عنی الساعة الساعة الساعة واجعلنی فی هذه الساعة وفی هذا المجلس
خوشنود شو از من در اینساعت اینساعت اینساعت وبگردان مرا در این ساعت ودر این مجلس
من عتقائک من النار وطلقائک من جهنم وسعداء خلقک بمغفرتک ورحمتک یا ارحم
از آزاد کردهای از آتش ورها کردگان خود از دوزخ ونیکبختان آفریده خود بآمرزش تو ورحمت تو ای رحم کننده
الراحمین اللهم انی اسئلک بحرمة وجهک الکریم ان تجعل شهری هذا خیر شهر رمضان
رحم کنندگان خداوندا باینکه میخواهم ترا بحرمت ذات بزرگ تو اینکه بگردانی ماه مرا این ماه بهتر از ماه مبارک رمضان
عبدتک فیه وصمته لک وتقربت به الیک منذ اسکنتنی فیه اعظمه اجرا واتمه
بندگی تو در آن وروزه داشتم مر تورا ونزدیکی جستم بآن بسوی تو وقتیکه آرام دادی مرا در آن بزرگترین خود وتمامترین
نعمة واعمه مغفرة واکمله رضوانا واقربه الی ما تحب وترضی اللهم لا تجعله آخر شهر
نعمت وشاملترین آن آمرزش وکاملترین آن بخوشنودی ونزدیکترین آن بسوی آنچه دوست داری وخوشنودی خداوندا مگردان او را آخر ماه
رمضان صمته لک وارزقنی العود فیه ثم العود فیه حتی ترضی وبعد الرضا وحتی
رمضان روزه داشتم او را برای تو وروزی کن مرا بازگشت در آن پس بازگشت در آن تا خوشنود شوی وبعد از خوشنودی وتا بیرون
تخرجنی من الدنیا سالما وانت عنی راض وانا لک مرضی اللهم اجعل فیما تقضی و
برویم از دنیا سالم وتو از من خوشنود ومن از تو خوشنود خدایا بگردان در آنچه حکم کرده و
تقدر من الامر المحتوم الذی لا یرد ولا یبدل ان تکتبنی من حجاج بیتک الحرام
اندازه نموده از امر لازم میکه برنمیگردد وتغییر نمیکند اینکه بنویسی مرا از حج گذاران خانه محترم تو

فی هذا العام و فی کل عام المبرور حجهم المشکور سعیهم المغفور ذنوبهم المتقبل مناسکهم

در این سال و در هر سال قبول شود حج ایشان جزا داده شود حرکت ایشان آمرزیده شود گناه ایشان قبول شود عبادات

المعافین علی اسفارهم المقبلین علی نسکهم المحفوظین فی انفسهم و اموالهم

عافیت یابد بر سفرهای ایشان روآورنده بر اعمال حج خود نگاه داشته در نفسهای خود و مالهای خود

و ذراریهم و کل ما انعمت به علیهم اللهم اقلبنی من مجلسی هذا فی شهری هذا

و فرزندان خود و همه آنچه نعمت کرده بر ایشان خدایا بگردان مرا از این مجلس در این ماه در این

فی یومی هذا فی ساعتی هذه مفلحا منجحا مستجابا لی مغفورا ذنبی معافا من النار و

روز در این ساعت رستگار پذیرفته دعای مرا آمرزیده گناه مرا عافیت از آتش و

معتقا منها عتقا لا رق بعده ابدا و لا رهبة یا رب الارباب اللهم انی اسئلک ان

آزادی از آن که بنده نباشم بعد از آن هرگز و نه ترسی ای پروردگار پروردگاران خداوندا میخواهم از تو اینکه

تجعل فیما شئت و اردت و قضیت و قدرت و حتمت و انفذت ان تطیل عمری

بگردانی در آنچه خواهی و اراده کردی و حکم کرده و مقدر کرده تو و واجب ساخته و روان ساخته اینکه طول بدهی عمر مرا

و تنسئ فی اجلی و ان تقوی ضعفی و ان تغنی فقری و ان تجبر فاقتی و ان ترحم مسکنتی

و پس اندازی اجل مرا و اینکه توانا کنی ناتوانی مرا و اینکه بی نیاز کنی احتیاج مرا و اینکه بازگردانی فقر مرا و اینکه رحم کنی درویشی مرا

و ان تعز ذلی و ان ترفع ضعتی و ان تغنی عائلتی و ان تؤنس وحشتی و ان تکثر قلتی

و اینکه عزیز کنی ذلت مرا و اینکه بلند کنی پستی مرا و بی نیاز کنی نیازمندی مرا و اینکه انس دهی وحشت مرا و اینکه زیاد کنی کم مرا

و ان تدر رزقی فی عافیة و یسر و خفض و ان تکفینی ما اهمنی من امر دنیای و آخرتی

و اینکه روان سازی روزی مرا در عافیت و آسانی و رفاهیت و بسنده کفایت کنی مرا آنچه غمگین نماید مرا از امر دنیای من و آخرت

و لا تکلنی الی نفسی فاعجز عنها و لا الی الناس فیرفضونی و ان تعافینی فی دینی و بدنی

و نگذار مرا بسوی خود پس عاجز شوم از آن و نه بسوی مردم پس واگذارند مرا و اینکه عافیت دهی مرا در دین من و بدن من

و جسدی و روحی و ولدی و اهلی و اهل مودتی و اخوانی و جیرانی من المؤمنین و

و جسد من و روح من و فرزند من و اهل من و دوستانم و برادرانم و همسایگانم از گروندگان

المؤمنات و المسلمین و المسلمات الاحیاء منهم و الاموات و ان تمن علی بالامن و

زنان گرونده و مردان گردن نهنده و زنان گردن نهنده زنده‌های ایشان و مرده‌های ایشان و اینکه منت گذاری بر من با سود گی و

الایمان ما ابقیتنی فانک ولیی و مولای و ثقتی و رجائی و معدن مسئلتی و

ایمان مادام که باقی داری مرا پس اینکه دوست من و آقای من و معتمد من و امید من و قرارگاه خواهش من

موضع شکوای و منتهی رغبتی فلا تخیبنی فی رجائی یا سیدی و مولای و لا تبطل

و محل شکایت من و نهایت آرزوی من و محروم مکن مرا در امید من ای آقای من و مولای من و باطل مکن

طمعی و رجائی فقد توجهت الیک بمحمد و آل محمد و قدمتهم الیک امامی و امام حاجتی و

طمع مرا و امید مرا پس بتحقیق که روآوردم بسوی تو بمحمد و آل محمد و پیش داشتم ایشان را بسوی تو جلوی من و پیش حاجت من

طلبتی و تضرعی و مسئلتی فاجعلنی بهم وجیها فی الدنیا و الآخرة و من المقربین فانک مننت

و خواهش من و زاری من و سؤال من پس بگردان مرا بایشان وجیه در دنیا و آخرت و از نزدیکان پس بدرستی که تو منت نهادی

عَلَى بِهِمْ بِمَعْرِفَتِهِمْ فَاخْتِمْ لِي بِالسَّعَادَةِ وَالسَّلَامَةِ وَالْأَمْنِ وَالْإِيمَانِ وَالْمَغْفِرَةِ وَ
بر من بایشان بشناخت ایشان پس ختم کن برای من بنیکبختی و سلامتی و ایمنی و ایمان و آمرزش و
الرِّضْوَانِ وَالسَّعَادَةِ وَالْحِفْظِ يَا اللهُ أَنْتَ لِكُلِّ حَاجَةٍ لَنَا فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَعَافِنَا
خوشنودی و سعادت و نگهبانی ای خدا تو هر هر حاجتی برای ما پس رحمت فرست بر محمد و آل او و عافیت بخش
وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيْنَا أَحَداً مِنْ خَلْقِكَ بِمَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاكْفِنَا كُلَّ أَمْرٍ مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا
و دست مده بر ما هیچکس را از خلق تو بآنچه طاقت نداریم ما بآن و کفایت کن مرا هر امری از امر دنیا
وَالْآخِرَةِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَرَحَّمْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
و آخرت ای خداوند بزرگواری و گرامی رحمت فرست بر محمد و آل محمد و رحم کن بر محمد و آل محمد
وَسَلِّمْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ وَتَحَنَّنْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ
و درود فرست بر محمد و آل محمد مثل بهترین آنچه رحمت فرستی و برکت دادی و ترحم نمودی و مهربانی کردی بر ابراهیم
وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ و استحباب روزه داشتن شش روز بعد از عید در بعضی از
و آل ابراهیم بدرستی که تو ستوده و بزرگواری
روایات وارد شده است و نهی از آن نیز وارد شده است

و ظاهرا روزه داشتن محمول بر تقیه است چنانچه در میان سنیان مشهور است و ترکش بهتر است و همچنین کراهت نکاح کردن در میان عید فطر و عید قربان اصلی ندارد و شاید اصلش از عامه بوده باشد و در ماه شوال چون عقد عایشه در آن واقع شده است و اکثر مفاسد اسلام بر آن مترتب شده و از بعضی روایات کراهت مستفاد میشود اگر در خصوص شوال احتراز کنند بهتر است و اما اعمال ماه ذی القعده بدانکه آن اول ماههای حرام است که خدا در قرآن یاد فرموده است و آنها ذو القعده و ذو الحجه و محرم و ماه رجب است و در اینها ابتدای قتال با کافران نباید کرد و شیخ مفید علیه الرحمه از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت کرده اند که هر که در یکی از این ماههای حرام پنجشنبه و جمعه و شنبه را متوالی روزه بدارد ثواب نهصد سال عبادت برای او نوشته شود و در روایتی از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که در شب پانزدهم ماه ذی القعده خدا بسوی بندگان مؤمن نظر رحمت میکند کسیکه آنشب را بعبادت بسر آورد ثواب صد عابد باو عطا کنند که در یک چشم زدن معصیت خدا نکرده باشد چون نصف شب بگذرد شروع کن بعبادت و نماز و حاجات خود را از خدا طلب کن که هر حاجت که طلب میکنی مستجاب میگردد و بعضی از علما گفته اند که در روز بیست و سیم ماه ذی القعده زیارت حضرت امام رضا علیه السلام از نزدیک و دور سنت است و در روز بیست و پنجم ذی القعده روز دحو الارض است یعنی پهن شدن زمین از زیر کعبه و روز بسیار مبارکیست و کلینی از محمد بن عبد الله روایت کرده است که حضرت امام رضا علیه السلام در شهر مرو در روز بیست و پنجم ذی القعده بیرون آمدند و فرمودند که امروز را روزه بدارید که من نیز روزه ام گفتیم فدای تو شویم امروز چه روز است فرمود امروز روزیست که رحمت در این روز منتشر گردیده است و زمین در این روز پهن شده است و کعبه در این روز نصب شده است و حضرت آدم علیه السلام در این روز بر زمین فرود آمده است و ابن بابویه روایت کرده است از حسن وشا که گفت من با پدرم در خدمت حضرت امام رضا علیه السلام شام خوردیم در شب بیست و پنجم ذی القعده پس فرمود که امشب حضرت ابراهیم و حضرت عیسی متولد شده اند و زمین از زیر کعبه پهن شده است پس هر که روزش را

اعمال ماه ذی القعده

روزه

روزه بدارد چنانستکه شصت ماه را روزه داشته است ودراینروز حضرت قائم ع ظاهر خواهد شد
واز حضرت رسول ص منقولستکه خدا رحمت خود را بر بندگان دراینروز فرستاده است وروزه اش مثل
روزه هفتاد سالست وبروایت دیگر رحمت از آسمان دراین شب نازلشده است وتعظیم کعبه برآدم ع
دراینروز نازلشده است وهرکه اینروز را روزه بدارد هرچه درمیان زمین وآسمانست از برای او استغفار
کنند وطلب آمرزش نمایند واز حضرت امیر المؤمنین ع مرویستکه اول رحمتی که از آسمان بسوی زمین
نازلشد در بیست وپنجم ماه ذی القعده بود هرکه این روز را روزه بدارد وشب آنرا بعبادت بایستد
از برای او عبادت صد سال نوشته شود که روزهارا روزه داشته باشد وشبها بعبادت بسر آورده
باشد وهر جماعتیکه دراینروز جمع شوند برای ذکر پروردگار خود پیش از آنکه متفرق شوند حاجت ایشان
برآورده شود ودراینروز هزار هزار رحمت از جانب خدا بر بندگان نازل میگردد ونود ونه رحمت از آنها
مخصوص جمعیست که مجتمع کردند وبذکر خدا مشغول گردند وروزش را روزه بدارند وشبش را بعبادت
بگذرانند ودر روایتی وارد شده است که مستحبست دراین روز در وقت چاشت دو رکعت نماز بجا آورند
ودرهر رکعت بعد از حمد پنج مرتبه سوره والشمس بخوانند وبعد از سلام این دعا را بخوانند سوره

لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ يَا مُقِيلَ الْعَثَرَاتِ أَقِلْنِي عَثْرَتِي يَا مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ

نیست توانائی مگر بخدای بلند بزرگ ای درگذرنده لغزشها بگذر از من ای اجابت کننده دعاها

أَجِبْ دَعْوَتِي يَا سَامِعَ الْأَصْوَاتِ اسْمَعْ صَوْتِي وَارْحَمْنِي وَتَجَاوَزْ عَنْ سَيِّئَاتِي يَا ذَا الْجَلَالِ وَ

اجابت کن دعای مرا ای شنونده دعاها بشنو آواز مرا ورحم کن مرا وبگذر از خطاهای من ای خداوند بزرگی

الْإِكْرَامِ وشیخ طوسی گفته است که دراینروز این دعا را بخوانند اَللّٰهُمَّ دَاحِيَ الْكَعْبَةِ وَفَالِقَ الْحَبَّةِ وَصَارِفَ اللَّزْبَةِ وَكَاشِفَ

گرامی خداوندا گستراننده کعبه وشکافنده دانها وگرداننده سختی وزایل کننده

كُلِّ كُرْبَةٍ أَسْئَلُكَ فِي هٰذَا الْيَوْمِ مِنْ أَيَّامِكَ الَّتِي أَعْظَمْتَ حَقَّهَا وَأَقْدَمْتَ سَبْقَهَا وَ

هر محنت میخوانم ترا در این روز از روزهای تو که بزرگ کردی حق اورا وپیش داشتی به پیشی اورا و

جَعَلْتَهَا عِنْدَ الْمُؤْمِنِينَ وَدِيعَةً وَإِلَيْكَ ذَرِيعَةً وَبِرَحْمَتِكَ الْوَسِيعَةِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى

گردانیدی اورا نزد گروندگان امانت وبسوی خود وسیله وبرحمت خود فراگیرنده اینکه درود فرستی بر

مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ الْمُنْتَجَبِ فِي الْمِيثَاقِ الْقَرِيبِ يَوْمَ التَّلَاقِ فَاتِقِ كُلِّ رَتْقٍ وَدَاعٍ إِلٰى كُلِّ حَقٍّ

محمد بنده تو که برگزیدی اورا در پیمان نزدیک روز بهم رسیدن گشاینده هر بسته وخواننده بسوی هر راستی

وَعَلٰى أَهْلِ بَيْتِهِ الْأَطْهَارِ الْهُدَاةِ الْمَنَارِ دَعَائِمِ الْجَبَّارِ وَوُلَاةِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ وَأَعْطِنَا

وبر اهل بیت او پاکیزه رهنمایان نشانه ستونهای بزرگوار ودوستان اهل بهشت ودانش وعطا کن مارا

فِي يَوْمِنَا هٰذَا مِنْ عَطَائِكَ الْمَخْزُونِ غَيْرَ مَقْطُوعٍ وَلَا مَمْنُونٍ تَجْمَعُ لَنَا بِهِ التَّوْبَةَ وَحُسْنَ

در روز ما این روز از عطای تو که پنهانست قطع نشود ومنت نهاده نشود که جمع کنی مارا وتوبه ونیکوئی

الْأَوْبَةِ يَا خَيْرَ مَدْعُوٍّ وَأَكْرَمَ مَرْجُوٍّ يَا كَفِيُّ يَا وَفِيُّ يَا مَنْ لُطْفُهُ خَفِيٌّ الْطُفْ لِي بِلُطْفِكَ وَ

بازگشت ای بهتر آنکه خوانده شود وگرامی تر امیدها ای کارگزار ای وفا کننده ای آنکه مهربانی او پنهانست مهربانی کن مرا بمهربانی خود

أَسْعِدْنِي بِعَفْوِكَ وَأَيِّدْنِي بِنَصْرِكَ وَلَا تُنْسِنِي كَرِيمَ ذِكْرِكَ بِوُلَاةِ أَمْرِكَ وَحَفَظَةِ سِرِّكَ احْفَظْنِي مِنْ شَوَائِبِ

نیکبختی ده مرا بعفو تو وقوت ده مرا بیاری تو وفراموش مکن مرا گرامی یاد تو بحرمت دوستان تو ونگاهداران پنهانی تو نگاهدار مرا از چرکهای

الدهر الی یوم الحشر والنشر واشهدنی اولیاءک عند خروج نفسی وحلول رمسی وانقطاع

زمان تا روز برانگیختن وزنده کردن وگواهی من دوستان تو نزد بیرون رفتن نفس من وفرود آمدن وبریدن

عملی وانقضاء اجلی اللهم واذکرنی علی طول البلی اذا حللت بین اطباق الثری ونسینی

کردار من وگذشتن مدت عمر من خدایا ویاد کن مرا بر درازی پوسیدگی وقتی که فرود آیم میان طبقهای خاک وفراموش کنند

الناسون من الوری واحللنی دار المقامة وبوئنی منزل الکرامة واجعلنی من مرافقی

مرا فراموشان از خلق وفرود آور مرا جایگاه کرامت وداوود ساز مرا جایگاه کرامت وبگردان مرا از رفقای من

اولیائک واهل اجتبائک واصطفائک وبارک لی فی لقائک وارزقنی حسن العمل قبل

دوستان تو واهل برگزیدگان خود واختیار شدگان خود وبرکت مرا در ملاقات خود وروزی کن نیکی کردار پیش

حلول الاجل بریئا من الزلل وسوء الخطل اللهم واوردنی حوض نبیک محمد صلی الله

از آمدن اجل خالی از لغزش وبدی سخن زشت خدایا وداوود کن مرا حوض پیغمبر خود درود خدا

علیه واله واسقنی منه مشربا رویا سائغا هنیئا لا اظما بعده ولا احلاء ورده

بر او وآل او وبیاشامان مرا از آشامیدن سیراب سازنده گوارا که تشنه نشوم بعد از او ونیست منعی وارد شونده

ولا عنه اذاد واجعله لی خیر زاد واوفی میعاد یوم یقوم الاشهاد اللهم والعن جبابرة

ونه از آن رانده شوم وبگردان او را برای من بهتر توشه ووفا شده بوعده روزی که بر پا شوند حاضران بار خدایا ودور کن ستمکاران

الاولین والاخرین وبحقوق اولیائک المستاثرین اللهم واقصم دعائمهم واهلک

پیشینیان وپسینیان وبحق دوستان تو که متفرد ند در آنها بار خدایا وزبون کن استونهایشان وهلاک کن

اشیاعهم وعاملهم وعجل مهالکهم واسلبهم ممالکهم وضیق علیهم مسالکهم والعن مساهمهم

پیروانشان را وداناهایشان را وبشتاب آور مهلکهایشان را وبگیر مملکتهایشان را وتنگ کن برایشان راههایشان را ودور کن قرعه ایشان را

ومشارکهم اللهم وعجل فرج اولیائک واردد علیهم مظالمهم واظهر بالحق قائمهم

وشریکهایشان را خدایا وبشتاب گشایش دوستان تورا ورد کن برایشان چیزی که بظلم گرفته اند وظاهر کن براستی قائمشان

واجعله لدینک منتصرا وبامرک فی اعدائک مؤتمرا اللهم احففه بملائکة النصر وبما

وبگردان او را برای دین خود یاری کننده وبفرمان تو در دشمنان تو امر فرما خدایا فرو گیر او را بفرشتگان یاری وبآنچه

القیت الیه من الامر فی لیلة القدر منتقما لک حتی ترضی ویعود دینک به وعلی یدیه

بفرستی بسوی او از هر امر در شب قدر انتقام کشنده تا آنکه خوشنود شوی وبرگردد دین تو بآن وبر دستهای او

جدیدا غضا ویمحض الحق محضا ویرفض الباطل رفضا اللهم صل علیه وعلی

تازه خالص نماید حق را خالص نمودنی وبر اندازد باطل را بر انداختنی خدایا رحمت فرست بر او وآل او وبر

جمیع آبائه واجعلنا من صحبه واسرته وابعثنا فی کرته حتی نکون فی زمانه من اعوانه

همه پدران او وبگردان ما را از یاران او وبرانگیز ما را در رجعت او تا آنکه بوده باشد در زمان او از یاوران

اللهم ادرک بنا قیامه واشهدنا ایامه وصل علیه واردد الینا سلامه والسلام علیهم

بار خدایا برسان ما را بایستادن او وگواهی میدهیم ما روزگار او ودرود بر او وردکن بسوی ما سلامتی او را وسلامتی برایشان

ورحمة الله وبرکاته باب پنجم در بیان فضایل واعمال ماه مبارک ذی الحجه است ودر آن پنج

ورحمت خدا وبرکتهای او فصل است فصل اول در بیان فضایل ماه ذی الحجه ودهه اول واعمال

فصل اول در فضایل ماه ذی الحجه

الت

است ایام این دهه در نهایت فضیلت و برکتند و خدا فرموده وَاذْکُرُوا اللهَ فِی اَیّامٍ مَعْدُوداتٍ یعنی
یاد کنید خدا را در روزی چند شمرده شده یعنی کم و باز فرموده که وَیَذْکُرُوا اسْمَ اللهِ فِی اَیّامٍ مَعْلُوماتٍ عَلی
ما رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِیمَةِ الْاَنْعامِ یعنی اعلام کن مردم را که بیایند بحج تا آنکه بیابند منفعتهای دنیا و آخرت را و
یاد کنند خدا را در روزهای چند معلوم برای آنکه روزی کرده است ایشان را از گوشت چهارپایان
که گاو و گوسفند و شتر و بز است و در احادیث معتبره بسیار از ائمه منقولست که ایام معلومات ده
روز اول ذی الحجه است و ایام معدودات روز دهم و یازدهم و دوازدهم و سیزدهم ماه ذی الحجه است
و از حضرت رسول منقولست که عمل خیر و عبادت در هیچ ایامی نزد خدا محبوب تر نیست از ده روز
اول ذی الحجه و چون این ماه داخل میشد صلحای صحابه و تابعان اهتمام عظیم در عبادت میکردند و
بسند معتبر منقولست از حضرت امام جعفر صادق ع که پدرم امام محمد باقر ع با من گفت ای فرزند
گرامی البته در هر شب ده اول ذی الحجه دو رکعت نماز بجا آور در میان نماز شام و خفتن و در هر رکعت
یکمرتبه سوره حمد و سوره قل هو الله و این آیه بخوان وَواعَدْنا مُوسی ثَلاثِینَ لَیْلَةً وَاَتْمَمْناها بِعَشْرٍ فَتَمَّ مِیقاتُ رَبِّهِ
و وعده کردیم با موسی که سی شب پس تمام گردانیدیم او را بده شب پس وعده گاه پروردگار او
اَرْبَعِینَ لَیْلَةً وَقالَ مُوسی لِاَخِیهِ هارُونَ اخْلُفْنِی فِی قَوْمِی وَاَصْلِحْ وَلا تَتَّبِعْ سَبِیلَ
چهل شب و گفت موسی مر برادر خود هرون را جانشین من در قوم من و اصلاح او رده و پیروی مکن راه فسادکنان را
الْمُفْسِدِینَ چون چنین کنی با حاجیان در ثواب حج شریک خواهی بود هر چند بحج نروی و
روز اول ذی الحجه روز مبارکیست و روایتی وارد شده است که حضرت ابرهیم خلیل ع
در این روز متولد شده است و در این روز خدا حضرت ابرهیم را خلیل خود گردانید و بسند معتبر از حضرت
موسی بن جعفر ع منقولست که هر که روز اول ذی الحجه را روزه بدارد خدا برای او ثواب هشتاد ماه
روزه بنویسد و از حضرت امام موسی ع منقولست که هر که نه روز از اول ذی الحجه را روزه بدارد خدا ثواب
روزه تمام عمر او را برای او بنویسد و شیخ طوسی گفته است که از روز اول ذی الحجه تا روز نهم روزه مستحب است
و اگر نتواند روز اول را روزه بدارد و در روز اول ذی الحجه حضرت رسول ص حضرت فاطمه ع را بحضرت
امیر المؤمنین علیه السلام تزویج نمود و بروایت دیگر روز ششم تزویج نمود و بدانکه روزه قضای ماه
مبارک رمضان را از اول ماه تا روز عرفه میتوان گرفت چنانچه علما گفته اند و احادیث صحیحه بر آن دلالت
دارد و بعضی از روایات که بر منع وارد شده است سند آنها معتبر نیست و محمولند بر تقیه چنانچه
در کتب مبسوطه دلایل آنرا ایراد نموده ام و باز شیخ ره فرموده است که مستحب است در روز اول
نماز حضرت فاطمه ع را بجا آورد و روایت شده است که آن چهار رکعتست مثل نماز حضرت امیر المؤمنین ع
بدو سلام و در هر رکعت بعد از سوره حمد پنجاه مرتبه سوره قل هو الله احد سُبْحانَ ذِی الْعِزِّ
بخواند و بعد از سلام تسبیح حضرت فاطمه ع را میخواند و تسبیح این است. منزه است صاحب ارجمندی
الشّامِخِ الْمُنِیفِ سُبْحانَ ذِی الْجَلالِ الْباذِخِ الْعَظِیمِ سُبْحانَ ذِی الْمُلْکِ الْفاخِرِ الْقَدِیمِ
با رفعت بلند پایه پاکست صاحب بزرگی بلند مرتبه بزرگ پاکست صاحب ملک عظیم دیرینه

سبحان

باب پنجم

سُبْحَانَ مَنْ يَرَى أَثَرَ النَّمْلَةِ فِي الصَّفَا سُبْحَانَ مَنْ يَرَى وَقْعَ الطَّيْرِ فِي الْهَوَاءِ سُبْحَانَ
پاکست کسیکه می بیند نشانهٔ مورچه در صفا پاکست انکه می بیند فرود آمدن مرغ در هوا پاکست
مَنْ هُوَ هٰكَذَا وَلَا هٰكَذَا غَيْرُهُ مؤلف گوید که بعد از این انشاء الله مذکور خواهد شد که نماز
حضرت فاطمه ع دو رکعتست و در رکعت اول بعد از حمد صد مرتبه انا انزلناه و در رکعت دوم
صد مرتبه قل هو الله احد و اگر هر دو را بعمل آورد و آن دعا را بعد از هر یک بخواند بهتر است و اگر بعد
از سلام اول تسبیح مشهور حضرت فاطمه ع را بخواند و بعد از آن این دعا را شاید بهتر باشد و در بعضی
از روایات وارد شده است که مستحب است در روز اول نیم ساعت پیش از زوال دو رکعت نماز بجا آورد
و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سورهٔ توحید و ده مرتبه آیة الکرسی و ده مرتبه انا انزلناه بخواند
و در روایت دیگر وارد شده است که هر که از ظالمی ترسد در روز اول ذی الحجه بگوید حَسْبِي حَسْبِي
مِنْ سُؤَالِي عِلْمُكَ بِحَالِي خدا کفایت شر ظالم را از آن بکند و شیخ و کفعمی و سید بن طاوس بسندهای
معتبر روایت کرده اند که حضرت امام جعفر صادق ع در روز اول ذی الحجه تا روز عرفه اَللّٰهُمَّ هٰذِهِ
هر روز بعد از نماز صبح و در وقت غروب آفتاب پیش از سلام این دعا را میخواندند بار خدایا این
الْأَيَّامُ الَّتِي فَضَّلْتَهَا عَلَى غَيْرِهَا مِنَ الْأَيَّامِ وَشَرَّفْتَهَا وَقَدْ بَلَّغْتَنِيهَا بِمَنِّكَ وَرَحْمَتِكَ
روزهائی است که زیادتی داده آنرا بر غیر آن از روزها و بلند پایه گردی آنرا و اینکه رسانیدی آنرا بانعام تو و رحمت تو
فَأَنْزِلْ عَلَيْنَا مِنْ بَرَكَاتِكَ وَأَسْبِغْ عَلَيْنَا فِيهَا مِنْ نَعْمَائِكَ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ
پس بفرست بر ما از برکات خود و تمام کن بر ما در آن از نعمتهای تو خداوندا بدرستیکه من میخواهم ترا اینکه درود
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِيهَا وَأَنْ تَهْدِيَنَا فِيهَا سَبِيلَ الْهُدَى وَتَرْزُقَنَا فِيهَا التَّقْوَى وَالْعَفَافَ
بر محمد و آل محمد در آن و اینکه راه نمائی ما را در آن راه راستی و روزی کنی ما را در آن پرهیزکاری و عفت
وَالْغِنَى وَالْعَمَلَ فِيهَا بِمَا تُحِبُّ وَتَرْضَى اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا مَوْضِعَ كُلِّ شَكْوَى وَيَا سَامِعَ
و بی نیازی و کردار در آن بآنچه دوست داری و خوشنود خدایا بدرستی که من میخواهم ترا ای محل هر شکایت و ای شنونده
كُلِّ نَجْوَى وَيَا شَاهِدَ كُلِّ مَلَإٍ وَيَا عَالِمَ كُلِّ خَفِيَّةٍ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَكْشِفَ
هر راز و ای حاضر هر جماعتی و ای داننده هر پنهان اینکه درود فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه زایل کنی
عَنَّا فِيهَا الْبَلَاءَ وَتَسْتَجِيبَ لَنَا فِيهَا الدُّعَاءَ وَتُقَوِّيَنَا فِيهَا وَتُعِينَنَا وَتُوَفِّقَنَا فِيهَا لِمَا تُحِبُّ
از ما در آن بلا را و مستجاب کنی برای ما در آن دعا را و قوت دهی ما را در آن و یاری کنی ما را و توفیق دهی ما را در آن دوست
رَبَّنَا وَتَرْضَى وَعَلَى مَا افْتَرَضْتَ عَلَيْنَا مِنْ طَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ وَأَهْلِ وِلَايَتِكَ
پروردگارا و خوشنود و بر آنچه واجب کردی تو بر ما از اطاعت خود و اطاعت پیغمبر خود و اهل دوستی تو
اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَهَبَ لَنَا فِيهَا الرِّضَا
خدایا بدرستی که من میخواهم ترا ای رحم کننده ترین رحم کنندها اینکه درود فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه ببخشی از برای ما در آن خوشنودی
إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ وَلَا تَحْرِمْنَا خَيْرَ مَا تُنْزِلُ فِيهَا مِنَ السَّمَاءِ وَطَهِّرْنَا مِنَ الذُّنُوبِ يَا عَلَّامَ
بدرستیکه تو شنونده دعائی و محروم مکن ما را بهتر از آنچه فرستادی در آن از آسمان و پاکیزه گردان ما را از گناه ای دانای
الْغُيُوبِ وَأَوْجِبْ لَنَا فِيهَا دَارَ الْخُلُودِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تَتْرُكْ لَنَا فِيهَا ذَنْباً إِلَّا
غیبها و واجب کن برما در آن سرای همیشگی خدایا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و مگذار ما را در آن گناهی مگر

غَفَرْتَهُ وَلا هَمّاً اِلاّ فَرَّجْتَهُ وَلا دَیْناً اِلاّ قَضَیْتَهُ وَلا غائِباً اِلاّ اَدَّیْتَهُ وَلا حاجَةً
بیامرزی آن و نه اندوهی مگر گشایش دهی آن را و نه قرضی مگر ادا کنی آن را و نه پنهانی مگر برسانی آن را و نه حاجتی
مِنْ حَوائِجِ الدُّنْیا وَالاْخِرَةِ اِلاّ سَهَّلْتَها وَیَسَّرْتَها اِنَّكَ عَلی كُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ اَللّٰهُمَّ یا عالِمَ
از حاجتهای دنیا و آخرت مگر آسان کنی آن را و میسر کنی که تو بر هر چیز توانائی خدایا ای داننده
الْخَفِیّاتِ یا راحِمَ الْعَبَراتِ یا مُجیبَ الدَّعَواتِ یا رَبَّ الاَرَضینَ وَالسَّمٰواتِ یا مَنْ لا تَتَشابَهُ
پنهانیها ای رحم کننده زاریها ای پذیرنده دعاها ای پروردگار زمین و آسمانها ای آنکه مشتبه نشود
عَلَیْهِ الاَصْواتُ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنا فیها مِنْ عُتَقائِكَ وَطُلَقائِكَ مِنَ النّارِ
بر او آوازها درود بر محمد و آل محمد و بگردان ما را در آن از آزادکردهای خود و رهاشدهای خود از آتش
وَالْفائِزینَ بِجَنَّتِكَ النّاجینَ بِرَحْمَتِكَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ وَصَلَّی اللهُ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ اَجْمَعینَ
و رستگاران به بهشت خود رستگاران برحمت خود ای رحم کننده ترین رحم کنندهها و درود خدا بر محمد و آل او همه
وَسَلَّمَ تَسْلیماً و شیخ مفید و سید بن طاوس بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر ع روایت کرده اند
و درود فرستد درود فرستادنی
که جبرئیل از جانب رب جلیل برای حضرت عیسی ع پنج دعا بهدیه آورد و گفت یا عیسی
این پنج دعا را در دهه اول ذی الحجه بخوان بدرستیکه هیچ عبادتی نزد اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلاَّ اللهُ
خدا محبوب تر نیست از عبادت کردن در این دهه اول دعای اول
گواهی میدهم اینکه نیست خدائی مگر خدای
وَحْدَهُ لا شَریكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ بِیَدِهِ الْخَیْرُ وَهُوَ عَلی كُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ دویم
یگانه نیست شریکی مراو راست پادشاهی و مراو راست ستایش زنده میکند و او زنده است که نمیمیرد بدست اوست خیر و او بر هر چیز تواناست
اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلاَّ اللهُ وَحْدَهُ لا شَریكَ لَهُ اَحَداً صَمَداً لَمْ یَتَّخِذْ صاحِبَةً وَلا وَلَداً
گواهی میدهم اینکه نیست خدائی مگر خدای یگانه نیست شریکی مراو را احدی بی نیاز فرا نگرفته زنی و نه فرزندی
سیم اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلاَّ اللهُ وَحْدَهُ لا شَریكَ لَهُ اَحَداً صَمَداً لَمْ یَلِدْ وَلَمْ یُولَدْ وَلَمْ یَكُنْ
گواهی میدهم اینکه نیست خدائی مگر خدای یگانه نیست شریکی مراو را احدی بی نیاز نزاده و زائیده نشده و نباشد
لَهُ كُفُواً اَحَدٌ چهارم اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلاَّ اللهُ وَحْدَهُ لا شَریكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ
مراو را مانند یکی گواهی میدهم اینکه نیست خدائی مگر خدای یگانه نیست شریکی مراو راست پادشاهی و مراو راست ستایش
یُحْیی وَیُمیتُ وَهُوَ حَیٌّ لا یَمُوتُ بِیَدِهِ الْخَیْرُ وَهُوَ عَلی كُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ پنجم حَسْبِیَ اللهُ وَكَفی
زنده میکند و میمیراند و او زنده است که نمیمیرد بدست اوست خیر و او بر هر چیزی تواناست بس است مرا خدا و کافی است
سَمِعَ اللهُ لِمَنْ دَعا لَیْسَ وَراءَ اللهِ مُنْتَهی اَشْهَدُ لِلّٰهِ بِما دَعا وَاَنَّهُ بَریءٌ مِمَّنْ تَبَرَّءَ وَاَنَّ
شنید خدا هر کسیکه خواند نیست غیر خدا انتهائی گواهی میدهم مر خدا را بآنچه خواند و اینکه او بیزار است از آنکه بیزاری جوید و اینکه
لِلّٰهِ الاْخِرَةَ وَالاُولی پس حواریون گفتند یا روح الله چه ثواب دارد کسیکه این کلمات را بگوید حضرت
مر خدا راست آخرت و دنیا
عیسی گفت که هر که دعای اول را صد مرتبه بخواند عمل هیچیک از اهل زمین
بهتر از عمل او نباشد در آن روز و روز قیامت حسنات او زیاده از همه کس باشد و هر که صد مرتبه دعای
دویم را بخواند چنان باشد که دوازده مرتبه توراة و انجیل را خوانده باشد و ثواب اینها را باو بدهند حضرت
عیسی گفت یا جبرئیل ثواب خواندن توریة و انجیل چیست گفت طاقت برداشتن یکحرف توریة و انجیل نداشت
هر که در آسمانهای هفتگانه است از ملائکه تا آنکه مبعوث شدم من و اسرافیل نیز اگر اسرافیل اول بنده بود

که گفت لا حول و لا قوة الا بالله و هر که دعای سیم را صد مرتبه بخواند خدا بنویسد از برای او باینده عاده هزار هزار حسنه و محو کند از او ده هزار هزار سیئه و بلند کند از برای او در بهشت ده هزار هزار درجه و فرود اید از اسمان هفتاد هزار ملک که دستها بر داشته باشند و صلوات فرستند بر کسی که این کلمات را باین عدد خوانده است پس حضرت عیسی ع گفت بجبرئیل یا ملئکه صلوات میفرستند بر پیغمبران جبرئیل گفت که هر که ایمان اورد باینکه پیغمبران از جانب خدا اورده اند و تغییری ندهد شریعت ایشان را خدا ثواب پیغمبران باو عطا میفرماید هر که دعای چهارم را صد مرتبه بخواند دعا را استقبال نماید ملکی و بالا برود بسوی خدا پس نظر کند حق بسوی گوینده این دعا برحمت و هر که را خدا نظر رحمت بر او کند هرگز شقی و بدعاقبت نشود پس حضرت عیسی ع گفت یا جبرئیل ثواب دعای پنجم چیست گفت این دعای مزامت و خدا مرا رخصت نداده است که ثواب انرا بگویم مؤلف گوید که اگر هر روز هر یک از این دعاها را ده مرتبه بخواند دور نیست که عمل باین روایت کرده باشد و اگر هر روز هر یک را صد مرتبه بخواند بهتر خواهد بود و شیخ و ابن بابویه و سید طاوس از حضرت امیر المؤمنین ع روایت کرده اند که هر که در هر روز از اول دهه ذی الحجه این تهلیلات را ده مرتبه بخواند خدا عطا کند او را بهر تهلیلی درجه در بهشت از مروارید و یاقوت و از میان هر درجه تا درجه دیگر صد ساله راه باشد بر فتار سوار یکه بتازد و در هر درجه شهری بوده باشد و در ان شهر قصری باشد از یکجوهر که در ان فصلی نباشد و در هر شهری از ان شهرها از انواع جواهر و غرفها و خانها و فرشها و کرسیها و تختها و حوریان و نهالها و متکاها و خانها و خدمتکاران و درختها و نهرها و زیورها و حلها بوده باشد که وصف کننده قادر بر وصف انها نباشد و چون از قبر بیرون اید از هر موی بدن او نوری ساطع باشد و مبادرت نمایند بسوی او هفتاد هزار ملک و از پیش رو و جانب چپ و راست او راه روند تا او را بدر بهشت برسانند و چون داخل بهشت شود او را مقدم دارند و ملائکه از عقب او روند تا انکه بشهری برسد که بیرونش از یاقوت سرخ باشد و اندرونش از زبرجد سبز و در ان شهر بوده باشد هر نعمتی که خدا در بهشت خلق کرده است پس باو بگویند که ای بنده خدا میدانی که این شهر چیست گوید نه شما کیستید گویند ملکی چند بیم که حاضر بودیم در هنگامیکه تو این تهلیلها را میخواندی در دنیا و این شهر و انچه در ان هست از نعمتهای الهی یکثواب تو است بر خواندن ان تهلیلها و بشارت باد ترا ببهتر از این ثوابها و بیوستهتر در جوار رحمت الهی خواهی بود در دار السلم که بلائی و غمی و مکروهی در ان نمباشد و لا اله الا الله عدد اللیالی و الدهور
نعمتها و رحمتهای خدا هرگز از تو منقطع نمیگردد و تهلیلات این است نیست خدائی مگر خدا عدد شبها و زمانها

لا اله الا الله عدد امواج البحور لا اله الا الله و رحمته خیر مما یجمعون لا
نیست خدائی مگر خدا عدد شورشهای دریاها نیست خدائی مگر خدا و بخشش او بهتر است از انچه فراهم اورده نیست

اله الا الله عدد الشوک و الشجر لا اله الا الله عدد الشعر و الوبر لا اله الا الله
مگر خدا شمار شوک و درخت نیست خدائی مگر خدا شمار مو و پشم نیست خدائی مگر خدا

عدد الحجر و المدر لا اله الا الله عدد لمح العیون لا اله الا الله فی اللیل اذا
شمار سنگ و کلوخ نیست خدائی مگر خدا شمار بهم زدن چشمها نیست خدائی مگر خدا در شب چون

عسعس

وقف بر کتابخانه امام حضرت حجة بن الحسن (ع) و علی بن موسی الرضا علیهما السلام
واقف المرحوم آیة الله العظمی حاج سید عبد الباقی آیت اللهی شیرازی

عَسْعَسَ وَالصُّبْحِ اِذا تَنَفَّسَ لا اِلٰهَ اِلاَّ اللهُ عَدَدَ الرِّياحِ فِي الْبَرارِيِّ وَالصُّخُورِ لا اِلٰهَ اِلاَّ اللهُ
تاریک گردد و صبح چون بدمد نیست خدایی مگر خدا شمار بادها در بیابانها و کوهها نیست خدایی مگر خدا
مِنَ الْيَوْمِ اِلىٰ يَوْمِ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ و از بعضی روایات مستفاد میشود که بیکمرتبه نیز اکتفا میتوان کرد
تا روزیکه دمیده میشود در صور

فصل دویم در اعمال روز ترویه و روز عرفه است و روز ترویه هشتم

ذی الحجه است و روز مبارکیست و ابن بابویه از حضرت امام موسی کاظم ع روایت کرده است که حضرت رسول ص
فرمود که خدا برگزیده است از روزها چهار روز را روز جمعه و روز ترویه و روز عرفه و روز عید
قربان و ایضاً از حضرت صادق ع روایت کرده است که روزهٔ روز ترویه کفارهٔ گناه شصت سالست
و شب عرفه از لیالی متبرکه است و از حضرت رسول ص منقولستکه در شب عرفه دعا مستجابست و کسیکه آن
شب را عبادت کند برابر اوست اجر صد و هفتاد سال عبادت دارد و آنشب مناجات با قاضی الحاجاتست و
هرکه در آنشب توبه کند توبه اش مقبولست و از حضرت صادق ع منقولستکه هرکه در شب عرفه یا
شبهای جمعه این دعا را بخواند اَللّٰهُمَّ يا شاهِدَ كُلِّ نَجْوىٰ وَمَوْضِعَ كُلِّ شَكْوىٰ وَعالِمَ كُلِّ
حق تعالی گناهانش را بیامرزد خدایا ای دانای هر راز و جایگاه هر شکایت و داننده هر
خَفِيَّةٍ وَمُنْتَهىٰ كُلِّ حاجَةٍ يا مُبْتَدِئاً بِالنِّعَمِ عَلَى الْعِبادِ يا كَرِيمَ الْعَفْوِ يا حَسَنَ
پنهان و انتهای هر حاجت ای ابتدا کننده بنعمت بر عباد ای گرامی عفو ای نیکو
التَّجاوُزِ يا جَوادُ يا مَنْ لا يُوارِي مِنْهُ لَيْلٌ داجٍ وَلا بَحْرٌ عَجّاجٌ وَلا سَماءٌ ذاتُ اَبْراجٍ
تجاوز ای بخشنده که پوشیده نشود از او شب تاریک و نه دریای پر آب و نه آسمان صاحب برجها
وَلا ظُلَمٌ ذاتُ ارْتِتاجٍ يا مَنِ الظُّلْمَةُ عِنْدَهُ ضِياءٌ اَسْئَلُكَ بِنُورِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ الَّذِي
و نه تاریکی صاحب بستگی ای آنکه تاریکی نزد او روشنی است میخواهم ترا بروشنائی ذات بزرگوار تو آنکه
تَجَلَّيْتَ بِهِ لِلْجَبَلِ فَجَعَلْتَهُ دَكّاً وَخَرَّ مُوسىٰ صَعِقاً وَبِاسْمِكَ الَّذِي رَفَعْتَ بِهِ السَّمٰواتِ
تابان نمودی بآن مر کوه پس گردید او خورد و افتاد موسی بیهوش و بنام تو که بلند نمودی بآن آسمانها را
بِلا عَمَدٍ وَسَطَحْتَ بِهِ الْاَرْضَ عَلىٰ وَجْهِ ماءٍ جَمَدٍ وَبِاسْمِكَ الْمَكْنُونِ الْمَخْزُونِ الْمَكْتُوبِ
بی ستون و پهن کردی بآن زمین را بر روی آب ایستاده و بنام تو که پنهان داشته و نوشته
الطّاهِرِ الَّذِي اِذا دُعِيتَ بِهِ اَجَبْتَ وَاِذا سُئِلْتَ بِهِ اَعْطَيْتَ وَبِاسْمِكَ السُّبُّوحِ الْقُدُّوسِ
پاکست آنکه چون خوانده شود بآن در پذیری تو و چون خوانده شوی بآن عطای تو و بنام تو که بسیار پاکست
الْبُرْهانِ الَّذِي هُوَ نُورٌ عَلىٰ كُلِّ نُورٍ وَنُورٌ مِنْ نُورٍ يُضِيءُ مِنْهُ كُلُّ نُورٍ اِذا بَلَغَ الْاَرْضَ
بدلیل که او روشنست بر همه روشنی و روشنی از نور روشنی است از او هر روشنی چون برسد زمین را
انْشَقَّتْ وَاِذا بَلَغَ السَّمٰواتِ فُتِحَتْ وَاِذا بَلَغَ الْعَرْشَ اهْتَزَّ وَبِاسْمِكَ الَّذِي تَرْتَعِدُ مِنْهُ فَرائِصُ
شکافته شود و چون برسد آسمان گشاده شود و چون برسد عرش بحرکت آید و بنام تو که لرزان شود از او رگهای
مَلٰئِكَتِكَ وَاَسْئَلُكَ بِحَقِّ جَبْرَئِيلَ وَمِيكائِيلَ وَاِسْرافِيلَ وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفىٰ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ
گردن فرشتگان تو و میخواهم ترا بحق جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و بحق محمد مصطفی درود خدا بر او
وَآلِهِ وَعَلىٰ جَمِيعِ الْاَنْبِياءِ وَجَمِيعِ الْمَلٰئِكَةِ وَبِالْاِسْمِ الَّذِي مَشىٰ بِهِ الْخِضْرُ عَلىٰ قُلَلِ الْماءِ
و آل او و بر همه پیغمبران و همه فرشتگان و بنام آنکه رفت باو خضر بر بلندیهای آب

كَمَا مَشَى بِهِ عَلَى جُدَدِ الْأَرْضِ وَبِاسْمِكَ الَّذِي فَلَقْتَ بِهِ الْبَحْرَ لِمُوسَى وَأَغْرَقْتَ فِرْعَوْنَ وَقَوْمَهُ
چنانکه راه یافت بان بر روی زمین وبنام تو که شکافتی بان دریارا جهة موسی وغرق نمودی فرعون وقوم اورا
وَأَنْجَيْتَ بِهِ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ وَمَنْ مَعَهُ وَبِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ مِنْ
ونجات دادی بان موسی بن عمران وکسیکه با او بود وبنام تو که خواندی بان موسی پسر عمران از
جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَأَلْقَيْتَ عَلَيْهِ مَحَبَّةً مِنْكَ وَبِاسْمِكَ الَّذِي أَحْيَى بِهِ
جانب طور ایمن پس بپذیر مراورا والقا کردی نو براو دوستی از تو وبنام تو که زنده کردی بان
عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ الْمَوْتَى وَتَكَلَّمَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا وَأَبْرَأَ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ بِإِذْنِكَ وَبِاسْمِكَ الَّذِي
عیسی پسر مریم را مرده وسخن گفت در گهواره کودکی وپیس بوده وابرص باذن تو وبنام تو که
دَعَاكَ حَمَلَةُ عَرْشِكَ وَجَبْرَئِيلُ وَمِيكَائِيلُ وَإِسْرَافِيلُ وَحَبِيبُكَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ
خواندی تو بردارنده عرش تو وجبرئیل ومیکائیل واسرافیل ودوست تو محمد رحمت خدا براو
وَآلِهِ وَمَلَائِكَتُكَ الْمُقَرَّبُونَ وَأَنْبِيَاؤُكَ الْمُرْسَلُونَ وَعِبَادُكَ الصَّالِحُونَ مِنْ أَهْلِ
وآل او وفرشتگان نزدیکان تو وپیغمبران فرستادگان وبندگان شایسته تو از اهل
السَّمَاوَاتِ وَالْأَرَضِينَ وَبِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ ذُو النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ
آسمانها وزمینها وبنام تو که خواندی بان ذوالنون چون رفت با غضب پس گمان کرد
لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ
اینکه هرگز نتواند براو پس ندا کرد در تاریکی اینکه نیست خدایی مگر تو پاک است بدرستی بودم من از ستمکاران
فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَنَجَّيْتَهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذٰلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ وَبِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ
پس بپذیر مراورا ونجات ده اورا از غم وهمچنین نجات دهیم گروندگان را وبنام تو بزرگ که خواندی بان
دَاوُدُ وَخَرَّ لَكَ سَاجِدًا فَغَفَرْتَ لَهُ ذَنْبَهُ وَبِاسْمِكَ الَّذِي دَعَتْكَ بِهِ آسِيَةُ امْرَأَةُ فِرْعَوْنَ
داود را واقتاد برای تو سجده کننده پس بیامرز مراورا گناه او وبنام تو که خواندی تو بان آسیه زن فرعون
إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ
چون گفت پروردگار من نزد تو خانه در بهشت ونجات ده مرا از فرعون وکردار ونجات ده مرا از قوم ستمکاران
فَاسْتَجَبْتَ لَهَا دُعَاءَهَا وَبِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ أَيُّوبُ إِذْ حَلَّ بِهِ الْبَلَاءُ فَعَافَيْتَهُ وَآتَيْتَهُ
پس بپذیر برای او خواندن اورا وبنام تو که خواندی تو بان ایوب چون فرود آمد باو بلاء پس عافیت دادی اورا وآمدی اورا
أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِكَ وَذِكْرَى لِلْعَابِدِينَ وَبِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ يَعْقُوبُ
اهل او ومانندش را با ایشان رحمت از نزد تو ویادآوری بندگان وبنام تو که خواند ترا بان یعقوب
فَرَدَدْتَ عَلَيْهِ بَصَرَهُ وَقُرَّةَ عَيْنِهِ يُوسُفَ وَجَمَعْتَ شَمْلَهُ وَبِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ سُلَيْمَانُ
پس رد نمودی براو چشم اورا ونور دو چشم او یوسف را وجمع آوردی پریشانی اورا وبنام تو که خواند ترا بان سلیمان
فَوَهَبْتَ لَهُ مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ وَبِاسْمِكَ الَّذِي سَخَّرْتَ بِهِ الْبُرَاقَ
پس بخشیدی مراورا پادشاهی که سزاوار نبود مر احدی را از بعد او بدرستیکه تو بخشنده وبنام تو که رام کردی بان براق را
لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إِذْ قَالَ تَعَالَى سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ
برای محمد رحمت خدا براو وآل او ودرود چون گفت خدا پاکیزه است که سیر داد به بنده خود در شب از مسجد

الحرام الى المسجد الاقصى وقوله سبحان الذي سخر لنا هذا وما كنا له مقرنين وانا
بحرام بسوی مسجد اقصی و گفت او پاکست که رام کرد برای ما این را و نبودیم ما او را طاقت داران و بدرستیکه ما
الى ربنا لمنقلبون وباسمك الذي تنزل به جبرئيل على محمد صلى الله عليه وآله
بسوی پروردگار ما بازگردیم و بنام تو که فرستادی با او جبرئیل بر محمد رحمت خدا بر او و آل او
وباسمك الذي دعاك به آدم فغفرت له ذنبه واسكنته جنتك واسئلك بحق القرآن
و بنام تو که خواند ترا بان آدم پس آمرزیدی تو برای او گناه او را و ساکن کردی او را در بهشت خود و میخوانم ترا بحق قرآن
العظيم وبحق محمد خاتم النبيين وبحق ابرهيم وبحق فصلك يوم القضاء وبحق الموازين
بزرگ و بحق محمد آخر پیغمبران و بحق ابراهیم و بحق جدائی تو روز حکم و بحق ترازوهای عمل
اذا نصبت والصحف اذا نشرت وبحق القلم وما جرى واللوح وما احصى وبحق الاسم الذي
چون برپا شود و نامها چون گشاده شود و بحق قلم و آنچه جاریست و لوح و آنچه شمرده و بحق نامی که
كتبته على سرادق العرش قبل خلقك الخلق والدنيا والشمس والقمر بالفي عام واشهد
نوشته آنرا بر سراپردهای عرش پیش خلق تو خلق و دنیا و آفتاب و ماه بدو هزار سال و گواهی میدهم
ان لا اله الا الله وحده لا شريك له وان محمدا عبده ورسوله واسئلك باسمك المخزون
اینکه نیست خدائی مگر خدای یگانه نیست شریکی مر او را و اینکه محمد بنده او و فرستاده او و میخوانم ترا بنام تو که پنهانست
في خزائنك الذي استأثرت به في علم الغيب عندك لم يظهر عليه احد من خلقك لا ملك
در خزانهای تو که برگزیده آن در علم پنهانی نزد تو که مطلع نشده بر او کسی از خلق تو نه فرشته
مقرب ولا نبي مرسل ولا عبد مصطفى واسئلك باسمك الذي شققت به البحار وقامت
نزدیکی و نه پیغمبر فرستاده شده و نه بنده برگزیده و میخوانم ترا بنام تو که شکافتی بان دریاها را و ایستاده
به الجبال واختلف به الليل والنهار وبحق السبع المثاني والقرآن العظيم وبحق الكرام
آن کوهها و مختلف شد بان شب و روز و بحق سبع المثانی و قرآن بزرگ و بحق کرام
الكاتبين وبحق طه ويس وكهيعص وحمعسق وبحق توریة موسى وانجيل عيسى وزبور
کاتبین و بحق طه و یس و کهیعص و حمعسق و بحق توریه موسی و انجیل عیسی و زبور
داود وفرقان محمد صلى الله عليه وآله وعلى جميع الرسل وباهيا شراهيا اللهم اني
داود و فرقان محمد رحمت خدا براو و آل او و بر همه پیغمبران و بحق خداوندا ای خداوندا بار خدایا بدرستیکه
اسئلك بحق تلك المناجاة التي كانت بينك وبين موسى بن عمران فوق جبل طور سيناء
میخوانم ترا بحق این مناجات که بود میان تو و میان موسی پسر عمران بالای کوه طور سینا
واسئلك باسمك الذي علمته ملك الموت لقبض الارواح واسئلك باسمك الذي كتب على
و میخوانم ترا بنام تو که یاد دادی او را بملک الموت برای گرفتن روحها و میخوانم ترا بنام تو که نوشته شد بر
ورق الزيتون فخضعت النيران لتلك الورقة فقلت يا نار كوني بردا وسلاما واسئلك
ورق زیتون پس فروتنی نمود آتش برای آن برگ پس گفتی تو ای آتش باش سرد و سالم و میخوانم ترا
باسمك الذي كتبته على سرادق المجد والكرامة يا من لا يحفيه سائل ولا ينقصه نائل
بنام تو که نوشتی او را بر پردهای بزرگی و کرامت ای آنکه پنهان ندارد او را خواهنده و کم نکند او را بخششها

يا من به يستغاث واليه يلجاء أسئلك بمعاقد العز من عرشك ومنتهى الرحمة
ای کسیکه بدان فریاد میشود وبسوی او پناه برده میشود میخوانم ترا بحرمت بستن عزت از عرش تو ونهایت بخشش

من كتابك وباسمك الاعظم وجدك الاعلى وكلماتك التامات العلى اللهم رب الرياح
از کتاب تو وبنام بزرگ تو وجد تو که بلند تر است وکلمات تو که کاملند بلند پایه خدایا پروردگار بادها

وما ذرت والسماء وما اظلت والارض وما اقلت والشياطين وما اضلت والبحار وما
وآنچه پراکنده وآسمان وآنچه سایه افکنده وزمین وآنچه کم شده وشیاطین وآنچه گمراه کرده اند ودریاها وآنچه

جرت وبحق كل حق هو عليك حق وبحق الملئكة المقربين والروحانيين والكروبيين
جاریست وبحق هر حق اوست بر تو حق وبحق فرشتگان نزدیکان وروحانیان وکروبیان

والمسبحين لك بالليل والنهار لا يفترون وبحق ابرهيم خليلك وبحق كل ولي يناديك
وتسبیح کنندگان مر ترا اب در روز که سست نمیشود وبحق ابراهیم دوست تو وبحق هر دوست که ترا

بين الصفا والمروة وتستجيب له دعائه يا مجيب أسئلك بهذه الاسماء وبهذه الدعوات
میان صفا ومروه وپذیرفتی مراد خواندن اورا ای پذیرنده میخوانم ترا باین اسماء وباین دعوات

ان تغفر لنا ما قدمنا وما اخرنا وما اسررنا وما اعلنا وما ابدينا وما اخفينا
اینکه بیامرزی مرا آنچه پیش کردیم وآنچه پس کردیم وآنچه پنهان کردیم وآنچه آشکار کردیم وآنچه ظاهر کردیم وآنچه پنهان کردیم

وما انت اعلم به منا انك على كل شيء قدير برحمتك يا ارحم الراحمين يا حافظ كل
وآنچه تو میدانی آنرا از ما بدرستی که تو بر هر چیزی توانائی برحمت تو ای رحم کننده رحم کنندگان ای حفظ کننده هر

غريب يا مونس كل وحيد يا قوة كل ضعيف يا ناصر كل مظلوم يا رازق كل محروم يا مونس
غریب ای آرام دهنده هر تنها ای توانائی دهنده هر ضعیف ای یاری کننده هر مظلوم ای روزی دهنده هر محروم ای آرام

كل مستوحش يا صاحب كل مسافر يا عماد كل حاضر يا غافر كل ذنب وخطيئة يا غياث
دهنده هر رمیده ای یار هر مسافر ای معتمد هر حاضر ای آمرزنده هر گناه وخطا ای فریادرس

المستغيثين يا صريخ المستصرخين يا كاشف كرب المكروبين يا فارج هم المهمومين
فریاد رسندگان ای داد رس دادخواهان ای بر دارنده غم غمگینان ای گشاینده اندوه اندوهناکان

يا بديع السموات والارضين يا منتهى غاية الطالبين يا مجيب دعوة المضطرين يا
ای بدیع آرنده آسمانها وزمینها ای منتهای نهایت طلب کنندگان ای پذیرنده خواندن بیچارگان ای

ارحم الراحمين يا رب العالمين يا ديان يوم الدين يا اجود الاجودين يا اكرم الاكرمين
رحم کننده رحم کنندگان ای پروردگار جهانیان ای جزا دهنده روز جزا ای بخشنده ترین بخشندگان ای گرامی ترین گرامی کنندگان

يا اسمع السامعين يا ابصر الناظرين يا اقدر القادرين اغفر لي الذنوب التي تغير النعم
ای شنونده ترین شنوندگان ای بیننده ترین بینندگان ای توانا ترین توانایان بیامرز مرا گناه که تغییر میدهد

واغفر لي الذنوب التي تورث الندم واغفر لي الذنوب التي تورث السقم واغفر لي
وبیامرز مرا گناهانی که موجب پشیمانیست وبیامرز مرا گناهانی که موجب میشود بیماری را وبیامرز مرا

الذنوب التي تهتك العصم واغفر لي الذنوب التي ترد الدعاء واغفر لي الذنوب التي تحبس قطر السماء

واغفر لي الذنوب التي تعجل الفناء واغفر لي الذنوب التي تجلب الشقاء واغفر لي الذنوب
التي تظلم الهواء واغفر لي الذنوب التي تكشف الغطاء واغفر لي الذنوب التي لا يغفرها
غيرك يا الله واحمل عني كل تبعة لأحد من خلقك واجعل لي من أمري فرجاً ومخرجاً و
يسراً وأنزل يقينك في صدري ورجاءك في قلبي حتى لا أرجو غيرك اللهم احفظني و
عافني في مقامي هذا واصحبني في ليلي ونهاري ومن بين يدي ومن خلفي وعن يميني و
عن شمالي ومن فوقي ومن تحتي ويسر لي السبيل وأحسن لي التيسير ولا تخذلني في العسير
واهدني يا خير دليل ولا تكلني إلى نفسي في الأمور ولقني كل سرور واقلبني إلى أهلي
بالفلاح والنجاح محبوراً في العاجل والآجل إنك على كل شيء قدير وارزقني من فضلك و
أوسع علي من طيبات رزقك واستعملني في طاعتك وأجرني من عذابك ونارك واقلبني إذا
توفيتني إلى جنتك برحمتك اللهم إني أعوذ بك من زوال نعمتك ومن تحويل عافيتك
ومن حلول نقمتك ومن نزول عذابك وأعوذ بك من جهد البلاء ودرك الشقاء ومن
سوء القضاء وشماتة الأعداء ومن شر ما ينزل من السماء ومن شر ما في الكتاب المنزل اللهم لا
تجعلني من الأشرار ولا من أصحاب النار ولا تحرمني صحبة الأخيار وأحيني حياة طيبة
وتوفني وفاة طيبة تلحقني بالأبرار وارزقني مرافقة الأنبياء في مقعد صدق عند مليك
مقتدر اللهم لك الحمد على حسن بلائك وصنعك ولك الحمد على الإسلام والسنة
يا رب كما هديتهم لدينك وعلمتهم كتابك فاهدنا وعلمنا ولك الحمد على

حُسْنِ بَلآئِكَ وَصُنْعِكَ عِنْدِي خَاصَّةً كَمَا خَلَقْتَنِي فَأَحْسَنْتَ خَلْقِي وَعَلَّمْتَنِي فَأَحْسَنْتَ
خوبی بلای تو و کار تو نزد من بخصوص چنانچه آفریدی مرا پس خوب خلق کردی مرا و تعلیم دادی مرا پس خوب
تَعْلِيمِي وَهَدَيْتَنِي فَأَحْسَنْتَ هِدَايَتِي فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى إِنْعَامِكَ عَلَيَّ قَدِيماً وَحَدِيثاً
تعلیم دادی مرا و راه نمودی مرا پس خوب راه نمودی مرا پس تراست سپاس بر نعمتهای تو بر من کهنه و تازه
فَكَمْ مِنْ كَرْبٍ يَا سَيِّدِي قَدْ فَرَّجْتَهُ وَكَمْ مِنْ غَمٍّ يَا سَيِّدِي قَدْ نَفَّسْتَهُ وَكَمْ مِنْ هَمٍّ يَا سَيِّدِي
پس بسا از شدت ای آقای من که بردی اورا و بسا از غم ای آقای من که بردی اورا و بسا از هم ای آقای من
قَدْ كَشَفْتَهُ وَكَمْ مِنْ بَلاَءٍ يَا سَيِّدِي قَدْ صَرَفْتَهُ وَكَمْ مِنْ عَيْبٍ يَا سَيِّدِي قَدْ سَتَرْتَهُ فَلَكَ
که زایل کردی اورا و بسا از بلا ای آقای من و بسا از عیب ای آقای من که پوشانیدی اورا پس تراست
الْحَمْدُ عَلَى كُلِّ حَالٍ فِي كُلِّ مَثْوًى وَزَمَانٍ وَمُنْقَلَبٍ وَمَقَامٍ وَعَلَى هٰذِهِ الْحَالِ وَكُلِّ حَالٍ
شکر بر هر حال در هر جایگاه و زمان و محل برگشتن و ایستادن و بر این حال و هر حال
اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَفْضَلِ عِبَادِكَ نَصِيباً فِي هٰذَا الْيَوْمِ مِنْ خَيْرٍ تَقْسِمُهُ أَوْ ضُرٍّ تَكْشِفُهُ أَوْ سُوءٍ
خداوندا بگردان مرا از بهترین بندگان تو بهره در این روز از نیکی که قسمت کنی آنرا یا بدی که زایل کنی آنرا یا بدی
تَصْرِفُهُ أَوْ بَلاَءٍ تَدْفَعُهُ أَوْ خَيْرٍ تَسُوقُهُ أَوْ رَحْمَةٍ تَنْشُرُهَا أَوْ عَافِيَةٍ تُلْبِسُهَا فَإِنَّكَ عَلَى كُلِّ
یا بدی یا بلا که دفع کنی آنرا یا نیکی که میرانی آنرا یا رحمتی که پهن کنی آنرا یا عافیتی که بپوشانی آنرا پس آنکه بر هر
شَيْءٍ قَدِيرٌ وَبِيَدِكَ خَزَائِنُ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَنْتَ الْوَاحِدُ الْكَرِيمُ الْمُعْطِي الَّذِي لاَ يُرَدُّ
چیز توانائی و بدست تو است خزینهای آسمانها و زمین و تو یگانه بزرگوار بخشنده که رد کرده نشود
سَائِلُهُ وَلاَ يُخَيَّبُ آمِلُهُ وَلاَ يَنْقُصُ نَائِلُهُ وَلاَ يَنْفَدُ مَا عِنْدَهُ بَلْ يَزْدَادُ كَثْرَةً وَطِيباً
سائل او و محروم نشود امیدوار او و کم نشود بخشیدن او و تمام نشود آنچه نزد او است بلکه زیاد میکند زیاد و پاکیزه
وَعَطَاءً وَجُوداً وَارْزُقْنِي مِنْ خَزَائِنِكَ الَّتِي لاَ تَفْنَى وَمِنْ رَحْمَتِكَ الْوَاسِعَةِ إِنَّ
و عطا و بخشش و روزی کن مرا از خزینهای خود که فانی نیست و از رحمت پهن تو بدرستیکه
عَطَاءَكَ لَمْ يَكُنْ مَحْظُوراً وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَاحادیث
عطای تو منع باشد منع کرده شده و تو بر هر چیز توانائی برحمت تو ای رحم کننده ترین رحم کنندگان بسیار

در فضیلت زیارت حضرت امام حسین ع در شب و روز عرفه وارد شده است و زیارت نزدیکی را در کتاب تحفة الزائر ذکر کرده ام و دو زیارت دوره انشاء الله بعد از این مذکور خواهد شد و بیشتر بهتر زیارت آنحضرت مذکور شد و اقا روز عرفه از اعیاد عظیمه است و کسیکه توفیق یابد که در عرفات باشد ادعیه و اعمال بسیار دارد و بهترین اعمال در این روز دعا است حتی مستحب است که جمع کنند میان نماز ظهر و عصر در اول وقت و نافله و اذان عصر ساقط میشود و بعد از نماز عصر مشغول دعا باید شد تا شام و دعا از برادران مؤمن برای
از زنده و مرده بسیار باید کرد چنانچه در حدیث صحیح منقولست که ابرهیم بن هاشم گفت که من عبد الله جندب را دیدم در موقف عرفات و حال هیچ کس را بهتر از او ندیدم پیوسته دستهای خود را بسوی آسمان بلند کرده بود و آب دیده اش بر رویش جاری بود تا بزمین میرسید چون مردم فارغ شدند گفتم وقوف هیچکس را بهتر از وقوف تو ندیدم گفت بخدا سوگند که دعا نکردم مگر از برای برادران مؤمن خود زیرا که از حضرت امام موسی ع شنیدم که هر که دعا کند از برای برادران مؤمن خود در غیبت ایشان ندا از عرش

نداد رسید با او گفت از برای تو صد هزار برابر او باد من میخواستم که دست بردارم از صد هزار برابر دعای
ملک که البته مستجاب است برای یک دعای خود که نمیدانم مستجاب خواهد شد یا نه و اگر کسی توفیق یابد که
در روز عرفه در تحت قبه مقدسه حضرت امام حسین ع باشد ثوابش کمتر نیست از کسیکه در
عرفات باشد بلکه زیاده است چنانچه از حضرت صادق ع منقولست که هر که در روز عرفه بزیارت
آنحضرت برود و حق او را شناسد و او را امام واجب الطاعة داند بنویسد خدا از برای او ثواب دو
هزار حج و دو هزار عمره مقبول و هزار جهاد که با پیغمبر مرسلی کرده باشد یا امام عادلی راوی گفت کجا
است ثواب وقوف عرفات حضرت از روی غضب بسوی او نظر کرد و فرمود که بدرستیکه بنده مؤمن
چون در روز عرفه نزد قبر آنحضرت حاضر شود و در فرات غسل کند و متوجه زیارت شود هر
گام که برمیدارد ثواب یک حج و عمره برای او مینویسند و در روایت دیگر فرمود که در روز عرفه خدا اول نظر
رحمت بسوی زوار حضرت امام حسین ع میکند و گناهان ایشان را میآمرزد و حاجات ایشان را برمیآورد
و بعد از آن متوجه اهل عرفات میگردد زیرا که در میان زوار آنحضرت حرام زاده و فرزند زنا نیست
و در میان اهل عرفات هست و کسیکه توفیق هیچیک از اینها را نیافته باشد باید که در سایر بلاد
غسل بکند و در مجمع مؤمنان حاضر شود و زیارت آنحضرت را بکند و اگر در بام بلندی یا صحرای گشاده
باشد بهتر است پس مشغول دعا شوند و تا شام مشغول ذکر و دعا باشند تا در ثواب اینها شریک گردند
چنانچه از حضرت صادق ع منقولست و احادیث در باب روزه روز عرفه مختلف است و اکثر علما جمع
میان احادیث باین روش کرده اند که اگر اشتباهی در ماه نباشد و او را از دعا کردن ضعیف نگرداند
سنت است و الا مکروه هست یعنی ثوابش کمتر است و در روایتی واقع شده است که روزه روز
عرفه برابر است با روزه یکساله و اگر اشتباه در ماه باشد یا با روزه از دعا خواندن ضعیف شود
روزه نگرفتن بهتر است و از حضرت صادق ع منقولست که هر که در روز عرفه پیش از آنکه متوجه
دعا شود دو رکعت نماز بجا آورد در زیر آسمان و اعتراف کند نزد خدا بگناهان خود و اقرار کند
بخطاهای خود فایز گردد بثواب اهل عرفات و گناهان گذشته و آینده او آمرزیده گردد و شیخ مفید
این نماز را بعد از نماز عصر ذکر کرده است و گفته است که این نماز مخصوص جمعی است که در اطراف باشند
و در عرفات نباشند و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست که چون خواهد مشغول دعا
شود اول صد مرتبه الله اکبر و صد مرتبه الحمد لله و صد مرتبه سبحان الله و صد مرتبه لا اله الا الله
و صد مرتبه قل هو الله احد و صد مرتبه سوره انا انزلناه بخواند و در روایت دیگر فرمود که صد
مرتبه آیة الکرسی بخواند و صد مرتبه لا حول و لا قوة الا بالله بگوید و صد مرتبه اللهم صل علی
محمد و آل محمد بگوید پس مشغول دعا شود و بهترین دعاها دعای صحیفه کامله است از روی خشوع
و خضوع و تأنی و رقت بخواند که مشتملست بر جمیع مطالب دنیا و آخرت و شیخ طوسی ره
بسند معتبر از حضرت صادق ع روایت کرده است که حضرت رسول ص بحضرت امیر المؤمنین ع
گفت میخواهی ترا تعلیم کنم دعای روز عرفه را و آن دعای پیغمبران پیش از من است میگوئی

لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی ویمیت وهو حی لا یموت
نیست خدائی مگر خدای یگانه نیست شریکی مر او را مراو راست پادشاهی و مراو راست ستایش زنده میکند و میمیراند و او زنده است نمیمیرد
بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر اللهم لک الحمد کالذی تقول وخیرا مما نقول
بدست اوست خیر و او بر هر چیزی تواناست خداوندا مر تراست ستایش که گفتی تو و بهتر از آنچه میگوییم ما
وفوق ما یقول القائلون اللهم لک صلاتی ونسکی ومحیای ومماتی ولک
و بالای آنچه میگویند گویندگان خدایا مر تراست درود من و نسکم و زندگانیم و مردگیم و مر تراست
تراثی وبک حولی ومنک قوتی اللهم انی اعوذ بک من الفقر ومن وساوس
میراثم و بتوست حرکتم و از تست قوت من خداوندا بدرستی که پناه میبرم بتو از فقر و از وسوسهای
الصدر ومن شتات الامر ومن عذاب القبر اللهم انی اسئلک خیر الریاح واعوذ
سینهها و از پراکندگی کار و از عذاب قبر خداوندا بدرستی که من بهتر بادها را و پناه میبرم
بک من شر ما تجیء به الریاح واسئلک خیر اللیل وخیر النهار اللهم اجعل فی
بتو از شر آنچه می آید با آن بادها و میخواهم ترا بهتر شب و بهتر روز خداوندا بگردان در
قلبی نورا وفی سمعی نورا وفی بصری نورا وفی لحمی نورا وفی دمی وعظامی وعروقی
قلب من روشنی و در گوش من روشنی و در چشم من روشنی و در گوشت من روشنی و در خون من و استخوان من و رگهایم
ومقامی ومقعدی ومدخلی ومخرجی نورا واعظم لی النور یا رب یوم القاک انک
و ایستادنم و نشستنم و اندرون و بیرونم نور و بزرگ کن برای من روشنی ای پروردگار روز ملاقات تو بدرستیکه تو
علی کل شیء قدیر واز حضرت امام رضا ع منقولست اللهم کما سترت علی ما لم اعلم
بر هر چیز توانائی که این دعا را در روز عرفه بخوانند خداوندا چنانکه پوشیدی تو بر من آنچه نمیدانم
فاغفر لی ما تعلم وکما وسعنی علمک فلیسعنی عفوک وکما بدأتنی بالاحسان فاتمم
پس بیامرز مرا آنچه میدانی و چون وسعت دادی مرا دانستن ترا پس فرا گیرد مرا آمرزش تو و چون ابتدا کردی مرا به نیکوئی پس تمام
نعمتک بالغفران وکما اکرمتنی بمعرفتک فاشفعها بمغفرتک وکما عرفتنی وحدانیتک
نعمت خود را با آمرزش و چون گرامی داشتی مرا بشناختن تو پس شفیع کن او را با آمرزش خود و چون شناختی مرا یگانگی خود
فاکرمنی بطاعتک وکما عصمتنی مما لم اکن اعتصم منه الا بعصمتک فاغفر لی ما لو
پس گرامی دار مرا بطاعت خود و چون نگاهداشتی مرا از آنچه نبوده باشد نگاهدارم از آن مگر بنگاهداری خود پس بیامرز مرا آنچه
شئت عصمتنی منه یا جواد یا کریم یا ذا الجلال والاکرام واز حضرت امام موسی ع اللهم انی عبدک
نگاهداری مرا از آن ای بخشنده ای گرامی ای صاحب بزرگی و کرامت این دعا منقولست خدایا بدرستی که من
وابن عبدک ان تعذبنی فبامور قد سلفت منی وانا بین یدیک برمتی وان تعف عنی
بنده تو و پسر بنده تو اگر عذاب کنی مرا پس بکارهائی که پیش رفته از من و من میان دو دست توام و اگر عفو کنی از من
فاهل العفو انت یا اهل العفو یا احق من عفی اغفر لی ولاخوانی واز جمله دعاهای مشهور
سزاوار عفو تو ای اهل عفو ای سزاوارتر کسیکه عفو کند بیامرز مرا و مر برادران من روز عرفه دعای حضرت
سید الشهداء امام حسین ع است که بشر وبشیر پسران غالب اسدی روایت کرده اند که پسین روز
عرفه در عرفات در خدمت آنحضرت بودیم پس از خیمه خود بیرون آمدند با گروهی از اهل بیت

وفرزندان وشیعیان خود با نهایت تذلل وخشوع پس در جانب چپ کوه ایستادند وروی مبارک خود را
بسوی کعبه گردانیدند ودستها را برابر رو برداشتند مانند مسکینی که طعام طلبد واین دعا را
خواندند بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله الذی لیس لقضائه دافع ولا لعطائه
بنام خدای بخشاینده مهربان سپاس مر خدا را که نیست مر حکم او را دفع کننده و نه مر بخشش او را
مانع ولا کصنعه صنع صانع وهو الجواد الواسع فطر اجناس البدائع واتقن
بازدارنده و نه مثل خلق او خلق خالقی و او است بخشنده وسعت دهنده پدید آورد انواع تازه ها را و محکم
بحکمته الصنائع ولا تخفی علیه الطلائع ولا تضیع عنده الودائع جازی کل
بحکمت خود مخلوق را و پنهان نیست بر او جماعتها و ضایع نشود نزد او امانتها جزا دهنده هر
صانع ورائش کل قانع وراحم کل ضارع ومنزل المنافع والکتاب الجامع وبالنور
کارکننده و قناعت کننده هر قانعی و رحم کننده هر زاری و فرود آورنده سود و کتاب فراهم آورنده و بروشنائی
الساطع وهو للدعوات سامع وللمطیعین نافع وللدرجات رافع وللکربات
بلند و او دعاها شنونده و طاعت کنان را سود دهنده و مرتبه ها را بلند کننده و اندوهها را
دافع وللجبابرة قامع وراحم عبرة کل ضارع ورافع ضرعة کل ضارع فلا اله غیره
دفع کننده و مر ستمکاران را قلع کننده رحم کننده اشک هر زاری کننده و بلند کننده هر افتاده پس نیست خدائی غیر او
ولا شیء یعدله ولیس کمثله شیء وهو السمیع البصیر اللطیف الخبیر وهو علی کل شیء
و نه چیزی که برابری کند او را و نیست مانند او چیزی و او شنونده داناست مهربان آگاه و او بر هر چیزی
قدیر اللهم انی ارغب الیک واشهد بالربوبیة لک مقرا بانک ربی وان الیک مردی
تواناست خداوندا بدرستی که رغبت کردم بسوی تو و گواهی میدهم به پروردگاری مر ترا اقرار کننده بانکه تو پروردگار منی و اینکه بازگشت
ابتدأتنی بنعمتک قبل ان اکون شیئا مذکورا وخلقتنی من التراب ثم اسکنتنی الاصلاب
ایجاد کردی مرا بنعمت خود پیش از آنکه باشم چیزی ذکر کرده شده و آفریدی مرا از خاک پس جا دادی مرا در پشتها
امنا لریب المنون واختلاف الدهور فلم ازل ظاعنا من صلب الی رحم فی تقادم الایام
در امان آسوده بجهة هر شدن و ناموافقی زمانها پس همیشه بودم ظاعن از پشت بسوی رحم در پیش روزهای
الماضیة والقرون الخالیة لم تخرجنی لرأفتک بی ولطفک لی واحسانک الی فی دولة
گذشته و زمانهای رفته بیرون نیاوردی مرا مهربانی خود بمن و لطف تو بمن و نیکوئی تو بسوی من در دولت
ایام الکفرة الذین نقضوا عهدک وکذبوا رسلک لکنک اخرجتنی رأفة منک و
روز کفر آنانکه شکستند عهد ترا و تکذیب کردند رسول ترا ولکن بیرون کنی مرا بجهة مهربانی از تو و
تحننا علی للذی سبق لی من الهدی الذی یسرتنی وفیه انشأتنی ومن قبل ذلک رؤفت
ترحم برمن برای آنچه پیش گرفتی از رهنمائی که آسان کردی مرا و در آن پدید کردی مرا و پیش از آن مهربانی
بی بجمیل صنعک وسوابغ نعمک فابتدعت خلقی من منی یمنی ثم اسکنتنی فی
کردی بمن بنیکی صنع خود و نعمتهای کامل خود پس از نعمتها که پدید آوردی مرا از آب منی که ریخته شود پس در
ظلمات ثلاث بین لحم ودم وجلد لم تشهرنی بخلقی ولم تجعل الی شیئا من امری

ثم اخرجتني الى الدنيا تاما سويا وحفظتني في المهد طفلا ورزقتني من الغذاء لبنا
طريا وعطفت علي قلوب الحواضن وكفلتني الامهات الرحائم وكلأتني من طوارق
الجان وسلمتني من الزيادة والنقصان فتعاليت يا رحيم يا رحمن اذا استهللت ناطقا بالكلام
اتممت علي سوابغ الانعام فربيتني زائدا في كل عام حتى اذا اكملت فطرتي واعتدلت
سريرتي اوجبت علي حجتك بان الهمتني معرفتك وروعتني بعجائب فطرتك وانطقتني
لما ذرأت في سمائك وارضك من بدائع خلقك ونبهتني لذكرك وشكرك و
واجب طاعتك وعبادتك وفهمتني ما جاءت به رسلك ويسرت لي تقبل مرضاتك
ومننت علي في جميع ذلك بعونك ولطفك ثم اذ خلقتني من حر الثرى لم ترض لي
يا الهي بنعمة دون اخرى ورزقتني من انواع المعاش وصنوف الرياش بمنك
العظيم علي واحسانك القديم الي حتى اذا اتممت علي جميع النعم وصرفت عني كل
النقم لم يمنعك جهلي وجرأتي عليك ان دللتني على ما يقربني اليك ووفقتني لما
يزلفني لديك فان دعوتك اجبتني وان سألتك اعطيتني وان اطعتك شكرتني
وان شكرتك زدتني كل ذلك اكمالا لانعمك علي واحسانك الي فسبحانك سبحانك
من مبدئ معيد حميد مجيد تقدست اسماؤك وعظمت آلاؤك فاي نعمك يا الهي
احصي عددا او ذكرا ام اي عطاياك اقوم بها شكرا وهي يا رب اكثر من ان
يحصيها العادون او يبلغ علما بها الحافظون ثم ما درأت وصرفت عني اللهم من الضر

وَالضَّرَّاءِ وَاَكْثَرَ مِمَّا ظَهَرَ لِي مِنَ الْعَافِيَةِ وَالسَّرَّاءِ وَاَنَا اُشْهِدُكَ يَا اِلٰهِي بِحَقِيقَةِ اِيمَانِي

و ناخوشی و سبب از انچه ظاهر بمن از عافیت و خوشی و من گواه میدهم تو ای خدای من بحقیقت ایمان خود

وَعَقْدِ عَزَمَاتِ يَقِينِي وَخَالِصِ صَرِيحِ تَوْحِيدِي وَبَاطِنِ مَكْنُونِ ضَمِيرِي وَعَلَائِقِ مَجَارِي

و بستن محکم یقینهای خود و خالص محض توحید خود و پنهان پوشیده دل من و دراو بخشهای جریان

نُورِ بَصَرِي وَاَسَارِيرِ صَفْحَةِ جَبِينِي وَخُرْقِ مَسَارِبِ نَفْسِي وَخَذَارِيفِ مَارِنِ عِرْنِينِي

نور دیده من و پنهانی روی جبینهای خود و سوراخهای نفس من و پارچه استخوان جانب بینی من

وَمَسَارِبِ صِمَاخِ سَمْعِي وَمَا ضُمَّتْ وَاُطْبِقَتْ عَلَيْهِ شَفَتَايَ وَحَرَكَاتِ لَفْظِ لِسَانِي

و راههای سوراخ گوش من و انچه بهم آورده شد و پوشانیده شد بر او لبهای من و حرکتهای لفظ زبان من

وَمَغْرَزِ حَنَكِ فَمِي وَفَكِّي وَمَنَابِتِ اَضْرَاسِي وَبُلُوغِ حَبَائِلِ بَارِعِ عُنُقِي وَمَسَاغِ مَأْكَلِي

و محل بهم آوردن اطراف دهانم و روئیدن دندانهای من و رسیدن رشتهای گردنم و گوارا خوردنم

وَمَشْرَبِي وَحِمَالَةِ اُمِّ رَاْسِي وَجُمَلِ حَمَائِلِ حَبْلِ وَتِينِي وَمَا اشْتَمَلَ عَلَيْهِ تَامُورُ صَدْرِي

و آشامیدنم و همه رشتههای رشته سر و دل من و انچه حایل شده براو دلیکه سینه من

وَنِيَاطِ حِجَابِ قَلْبِي وَاَفْلَاذِ حَوَاشِي كَبِدِي وَمَا حَوَتْهُ شَرَاسِيفُ اَضْلَاعِي وَحِقَاقِ

و برگ پرده دل من و قطعهای جگرهای کناره خود و انچه گرفته از سرهای استخوان پهلویم و حقهای

مَفَاصِلِي وَاَطْرَافِ اَنَامِلِي وَقَبْضِ عَوَامِلِي وَلَحْمِي وَدَمِي وَشَعْرِي وَبَشَرِي وَعَصَبِي وَ

مفصلهایم و کنارهای انگشتانم و گیرائی پاهای خود و گوشت خود و خونم و مویم و بشره خود و پی خود و

قَصَبِي وَعِظَامِي وَمُخِّي وَعُرُوقِي وَجَمِيعِ جَوَارِحِي وَمَا انْتَسَجَ عَلَى ذٰلِكَ اَيَّامَ رِضَاعِي وَمَا

نی خود و استخوان خود و مغز استخوانهای خود و همه اعضای خود و انچه بافته بران روزهای شیرخوردنم و انچه

اَقَلَّتِ الْاَرْضُ مِنِّي وَنَوْمِي وَيَقَظَتِي وَسُكُونِي وَحَرَكَاتِ رُكُوعِي وَسُجُودِي اَنْ لَوْ

برداشته زمین از من و خواب من و بیداری من و سکون من و حرکت من و حرکات رکوع و سجود من و اگر

حَاوَلْتُ وَاجْتَهَدْتُ مَدَى الْاَعْصَارِ وَالْاَحْقَابِ لَوْ عُمِّرْتُهَا اَنْ اُؤَدِّيَ شُكْرَ وَاحِدَةٍ مِنْ

قصد کنم و کوشش نمایم در درازی روزگارها و زمانها اگر زنده داشته شوم در آنها شکر یکی از

اَنْعُمِكَ مَا اسْتَطَعْتُ ذٰلِكَ اِلَّا بِمَنِّكَ الْمُوجِبِ عَلَيَّ شُكْراً آنِفاً جَدِيداً وَثَنَاءً طَارِفاً عَتِيداً

نعمتهای تو انچه بتوانم آنرا مگر بانعام تو که واجب بسازد بر من شکرگذاری تازه و مدح تازه مهیا

اَجَلْ وَلَوْ حَرَصْتُ اَنَا وَالْعَادُّونَ مِنْ اَنَامِكَ اَنْ نُحْصِيَ مَدَى اِنْعَامِكَ سَالِفَهُ وَآنِفَهُ

و اگر بخواهم من و شمارندگان از خلق تو انکه بشماریم بسیاری از انعام تو گذشته آن و حاضران

لَمَا حَصَرْنَاهُ عَدَداً وَلَا اَحْصَيْنَاهُ اَبَداً هَيْهَاتَ اَنّٰى ذٰلِكَ وَاَنْتَ الْمُخْبِرُ عَنْ نَفْسِكَ فِي كِتَابِكَ

هر آینه شماره و نتوانم شمرد آنرا هرگز دور است و حال آنکه توئی خبر دهنده از نفس خود در کتاب تو

النَّاطِقِ وَالنَّبَاِ الصَّادِقِ وَاِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللّٰهِ لَا تُحْصُوهَا صَدَقَ كِتَابُكَ اللّٰهُمَّ وَنَبَاُؤُكَ

گویا و خبر راست و اگر بشمارید نعمت خدارا نشمارید آنرا راست گفت کتاب تو خداوندا و خبر تو

وَبَلَّغَتْ اَنْبِيَاؤُكَ وَرُسُلُكَ مَا اَنْزَلْتَ عَلَيْهِمْ مِنْ وَحْيِكَ وَشَرَعْتَ لَهُمْ مِنْ دِينِكَ

و رسانیدند پیغمبران تو و رسولان تو انچه فرستادی برایشان از وحی خود و ظاهر ساختی برای ایشان از دین خود

غير أني يا إلهي أشهد بجهد يقيني وجهدي ومبالغ طاقتي ووسعي وأقول مؤمناً موقناً الحمد لله

غیر آنکه ای خدای من گواهی میدهم بسعی خود و کوشش خود و رسانیدن طاقت خود و وسع خود و توان خود بیقین و ایمان حمد مر خدا را

الذي لم يتخذ ولداً فيكون موروثاً ولم يكن له شريك في الملك فيضاده فيما ابتدع ولا

که فرانگرفته فرزندی را پس باشد میراث برده شده و نباشد مر او را شریکی در ملک پس ضدیت کند او را در آنچه

ولي من الذل فيرفده فيما صنع سبحانه سبحانه لو كان فيهما آلهة إلا الله

دوستی از خواری پس یاری دهد او را در آنچه کرده پاکست او پاکست او اگر بوده باشد در آن دو خدا مگر خدا

لفسدتا وتفطرتا فسبحان الله الواحد الحق الأحد الصمد الذي لم يلد ولم يولد و

هر آینه تباه شوند و شکافته شوند پس پاکست خدای یگانه حق را یگانه بی نیاز که نزاییده و زاییده نشده و

لم يكن له كفواً أحد الحمد لله حمداً يعادل حمد ملائكته المقربين وأنبيائه المرسلين

نه باشد مر او را مانند یکی سپاس مر خدا را حمدی که برابری کند حمد ملائکه نزدیکان و پیغمبران او فرستادگان

وصلى الله على خيرته من خلقه محمد خاتم النبيين وآله الطيبين الطاهرين المخلصين

درود خدا بر بهترین از خلق خود محمد آخر پیغمبران و آل او که پاک و پاکیزه اند و خالص

پس شروع فرمود آنحضرت در سؤال و اهتمام نمود در دعا و آب از دیدهای مبارکش جاری بود پس گفت اللهم اجعلني أخشاك كأني أراك وأسعدني بتقواك

خداوندا بگردان مرا که بترسم ترا گویا من می بینم ترا و نیکبخت کن مرا بپرهیزکاری

ولا تشقني بمعصيتك وخر لي في قضائك وبارك لي في قدرك حتى لا أحب تعجيل ما أخرت

و بدبخت مکن مرا بنافرمانی خود و عطا کن مرا در حکم تو و برکت ده مرا در تقدیر خود تا آنکه دوست ندارم شتاب آنچه عقب

ولا تأخير ما عجلت اللهم اجعل غناي في نفسي واليقين في قلبي والإخلاص في عملي

اندازی در عقب آنچه بشتاب آوری خدایا بگردان بی نیازی مرا در نفس خود و یقین در دل من و اخلاص در کردارم

والنور في بصري والبصيرة في ديني ومتعني بجوارحي واجعل سمعي وبصري الوارثين

و نور در دیده من و بینائی در دین من و بهره ده مرا باعضای من و بگردان گوش مرا و چشم مرا میراث برندگان

مني وانصرني على من ظلمني وأرني فيه ثاري ومآربي وأقر بذلك عيني اللهم اكشف

از من و یاری کن مرا بر آنکه ستم کردی مرا و روزی کن مرا در آن حاجت مرا و خون مرا و روشن کن بآن چشم مرا خداوندا بردار

كربتي واستر عورتي واغفر لي خطيئتي واخسأ شيطاني وفك رهاني واجعل لي يا إلهي

اندوه مرا و بپوشان عورت مرا و بیامرز مرا گناهانم و دور کن شیطان و رها کن گروهای مرا و بگردان برای من ای خدا

الدرجة العليا في الآخرة والأولى اللهم لك الحمد كما خلقتني فجعلتني سميعاً بصيراً

مرتبه بلند در آخرت و دنیا خداوندا مر تراست حمد چنانچه آفریدی مرا پس بگردان مرا شنونده بینا

ولك الحمد كما خلقتني فجعلتني حياً سوياً رحمة بي وكنت عن خلقي غنياً رب بما برأتني

مر تراست حمد چنانکه آفریدی مرا پس گردانیدی مرا زنده یکسان رحمت بمن و باشم از خلق من بی نیاز پروردگارم آنچه خلق کردی مرا

فعدلت فطرتي رب بما أنشأتني فأحسنت صورتي رب بما أحسنت إلي وفي نفسي عافيتني

پس درست کردی مرا پروردگارا بآنچه پدید کردی مرا پس نیکو کردی صورت مرا ای پروردگار بآنچه نیکو کردی بمن و در نفس من عافیت ده

رب بما كلأتني ووفقتني رب بما أنعمت علي فهديتني رب بما أوليتني ومن كل خير

پروردگار بآنچه نگاهداشتی مرا و توفیق دادی مرا پروردگار بآنچه انعام کردی بمن پس راه نمودی مرا پروردگار بآنچه جا دادی مرا و از هر خیر که

بربتني

اویتنی واعطیتنی رب بما اطعمتنی وسقیتنی رب بما اغنیتنی واقنیتنی رب بما

داد بمرا وعطا کرد بمرا پروردگارا بانچه طعام داد بمرا وآب دادی مرا پروردگارا بانچه بی‌نیاز کردی مرا و روزی دادی مرا پروردگارا بانچه

اعنتنی واعززتنی رب بما البستنی من ذکرک الصافی ویسرت لی من صنعک الکافی

مدد کردی مرا وارجمند کردی مرا پروردگارا بانچه پوشانیدی مرا از ذکر خود بیغش و مهیا کردی برایم از کار خود کفایت کننده

صل علی محمد وآل محمد واعنی علی بوائق الدهر وصروف الایام واللیالی ونجنی

رحمت فرست بر محمد وآل محمد و مدد کن مرا بر حوادث روزگار و بگردشهای روزگار و شبها و برهان از شداید

من اهوال الدنیا وکربات الاخرة واکفنی شر ما یعمل الظالمون فی الارض اللهم ما

از شداید دنیا و اندوههای آخرت و دفع کن مرا از شر آنچه میکنند ستمکاران در زمین خداوندا آنچه

اخاف فاکفنی وما احذر فقنی وفی نفسی ودینی فاحرسنی وفی سفری فاحفظنی وفی اهلی ومالی

میترسم پس دفع کن مرا و آنچه میپرهیزیدم پس بازدار مرا و در نفس من و دین من پس نگهبانی کن و در سفر من پس محافظت کن مرا و در اهل من و مال من

وولدی فاخلفنی وفیما رزقتنی فبارک لی وفی نفسی فذللنی وفی اعین الناس فعظمنی

و فرزند من پس خلیفه شو مرا و در آنچه روزی کردی مرا پس برکت برای من و در نفس من پس خوار کن مرا و در دیده مردمان پس بزرگ کن مرا

ومن شر الجن والانس فسلمنی وبذنوبی فلا تفضحنی وبسریرتی فلا تخزنی وبعملی فلا تبتلنی

و از شر جن و انس پس سالم دار مرا و بگناه من پس رسوا مکن مرا و بگناه پنهانیم پس خوار مکن مرا و بکردار من پس مبتلا مکن مرا

ونعمک فلا تسلبنی والی غیرک فلا تکلنی الهی الی من تکلنی الی القریب یقطعنی ام الی البعید

و نعمت خود را پس سلب مکن از من و بسوی غیر تو پس وامگذار مرا خدایا بسوی که وامیگذاری مرا بسوی نزدیکی که ببرد مرا یا بسوی دور

یتجهمنی ام الی المستضعفین لی وانت ربی وملیک امری اشکو الیک غربتی وبعد داری

که ترشروئی کند مرا یا بسوی ضعیف شمارنده‌ام و توئی پروردگار من و پادشاه کار من شکوه میکنم بسوی تو از بیکسی و دوری سرای خود

وهوانی علی من ملکته امری اللهم فلا تحلل بی غضبک فان لم تکن غضبت علی فلا

و خواری خود بر آنچه گردانیدی او را مالک امر من خدایا پس فرود میاور بمن خشم خود را پس اگر نبوده باشی که غضب کرده باشی بر من

ابالی سواک غیر ان عافیتک اوسع لی یا رب فاسئلک بنور وجهک الذی اشرقت

پس باک ندارم غیر تو را مگر آنکه عافیت تو فراگیرنده است برای من ای پروردگار پس میخوانم تو را بروشنی ذات تو که روشن است بهر

له الارض والسموات وانکشفت به الظلمات وصلح علیه امر الاولین والاخرین ان

او زمین و آسمانها و زایل گشته باو تاریکیها و بسامان شده براو کار پیشینیان و پسینیان اینکه

لا تمیتنی علی غضبک ولا تنزل بی سخطک لک العتبی حتی ترضی قبل ذلک لا اله

نمیرانی مرا برغضب خود و فرود نفرستی بمن خشم خود مر تو را عود بمهربانی تا آنکه خوشنود شوی پیش از آن نیست خدائی

الا انت رب البلد الحرام والمشعر الحرام والبیت العتیق الذی احللته البرکة وجعلته

مگر تو پروردگار شهر محترم و مشعر الحرام و خانه دیرینه که فرستادی در آن برکت و گردانیدی او را

للناس امنة یا من عفی عن العظیم من الذنوب بحلمه یا من اسبغ النعمة بفضله یا من

برای مردمان وسیله ایمنی ای کسیکه درگذشته از بزرگ از گناهان به بردباری او ای آنکه تمام کرد نعمت را بفضل خود ای آنکه

اعطی الجزیل بکرمه یا عدتی فی شدتی یا صاحبی فی وحدتی یا غیاثی فی کربتی یا مونسی

بخشید عطیه بسیار به بزرگواری ای ذخیره من در سختی من ای یار من در تنهائی من ای فریادرس من در اندوه من ای انیس من

فِي حُفْرَتِي يَا وَلِيَّ نِعْمَتِي يَا إِلٰهِي وَإِلٰهَ آبَائِي إِبْرٰهِيمَ وَإِسْمٰعِيلَ وَإِسْحٰقَ وَيَعْقُوبَ وَرَبَّ جَبْرَئِيلَ

در قبر من ای خدای من در نعمت من ای خدای من و خدای پدرانم ابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و پروردگار جبرئیل

وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ وَرَبَّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَآلِهِ الْمُنْتَجَبِينَ وَمُنْزِلَ التَّوْرٰيةِ وَ

و میکائیل و اسرافیل و پروردگار محمد آخر پیغمبران و آل او برگزیدگان و فرستنده توریة و

الْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ وَالْفُرْقَانِ وَمُنْزِلَ كٓهٰيٰعٓصٓ وَطٰهٰ وَيٰسٓ وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ أَنْتَ كَهْفِي حِينَ

انجیل و زبور و قرآن و فرستنده کهیعص و طه و یس و بحق قرآن بحکمت تو پناه منی هنگامیکه

تُعْيِينِي الْمَذَاهِبُ فِي سَعَتِهَا وَتَضِيقُ عَلَيَّ الْأَرْضُ بِرُحْبِهَا وَلَوْلَا رَحْمَتُكَ لَكُنْتُ مِنَ الْهَالِكِينَ

عاجز کنی مرا راهها در وسعت او و تنگ کنی بر من زمین را با فراخی او و اگر نبود رحمت تو هرآینه بودم از هلاک شدگان

وَأَنْتَ مُقِيلُ عَثْرَتِي وَلَوْلَا سَتْرُكَ إِيَّايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوحِينَ وَأَنْتَ مُؤَيِّدِي بِالنَّصْرِ

و تو درگذرنده لغزش منی و اگر نبود پوشش تو مرا هرآینه بودم از رسوا شدگان و تو قوت دهنده منی بیاری دادن

عَلَى الْأَعْدَاءِ وَلَوْلَا نَصْرُكَ إِيَّايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِينَ يَا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِالسُّمُوِّ وَ

بر دشمنان و اگر نبود یاری تو مرا هرآینه بودم از غلبه شدگان ای آنکه مخصوص کرده خود را ببلندی و

الرِّفْعَةِ فَأَوْلِيَاؤُهُ بِعِزِّهِ يَتَعَزَّزُونَ يَا مَنْ جَعَلَتْ لَهُ الْمُلُوكُ نِيرَ الْمَذَلَّةِ عَلَىٰ أَعْنَاقِهِمْ

رفعت پس دوستان او بعزت او عزیزانند ای آنکه گذاشته اند براو پادشاهان و خواری را برگردنهای ایشان

فَهُمْ مِنْ سَطَوَاتِهِ خَائِفُونَ تَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ وَغَيْبَ مَا تَأْتِي بِهِ

پس ایشان از غضبهای او ترسانند میدانی خیانت اورا و آنچه پنهان دارد سینها و نهانی آنچه را آورد بآن

الْأَزْمِنَةُ وَالدُّهُورُ يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ كَيْفَ هُوَ إِلَّا هُوَ يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ مَا هُوَ إِلَّا هُوَ يَا مَنْ كَبَسَ

زمانها و روزگارها ای آنکه نمیداند چگونه است او مگر او ای آنکه نمیداند آنچه او میداند اورا مگر او ای آنکه افراشته

الْأَرْضَ عَلَى الْمَاءِ وَسَدَّ الْهَوَاءَ بِالسَّمَاءِ يَا مَنْ لَهُ أَكْرَمُ الْأَسْمَاءِ يَا ذَا الْمَعْرُوفِ الَّذِي لَا

زمین را بر آب و باز داشته هوا را باسمان ای آنکه مر او راست گرامی ترین نامها ای خداوند احسان که

يَنْقَطِعُ أَبَدًا يَا مُقَيِّضَ الرَّكْبِ لِيُوسُفَ فِي الْبَلَدِ الْقَفْرِ وَمُخْرِجَهُ مِنَ الْجُبِّ وَجَاعِلَهُ بَعْدَ

بریده نشود هرگز ای گمارنده سواران مر یوسف در شهر خالی و بیرون آورنده از چاه و گرداننده او پس

الْعُبُودِيَّةِ مَلِكًا يَا رَادَّ يُوسُفَ عَلَىٰ يَعْقُوبَ بَعْدَ أَنِ ابْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ يَا كَاشِفَ

از بندگی پادشاه ای برگرداننده یوسف بر یعقوب بعد از آنکه سفید شده دیدهای او از اندوه پس او خشم فرو خورنده ای ازاله کننده

الضُّرِّ وَالْبَلَاءِ عَنْ أَيُّوبَ يَا مُمْسِكَ يَدَيْ إِبْرٰهِيمَ مِنَ الذَّبْحِ عَنِ ابْنِهِ بَعْدَ كِبَرِ سِنِّهِ وَفَنَاءِ الذبح

و بلا از ایوب ای نگاه دارنده دست ابراهیم از کشتن پسرش بعد از آنکه زیاد گشته سن او و بپایان رسیده

عُمُرِهِ يَا مَنِ اسْتَجَابَ لِزَكَرِيَّا فَوَهَبَ لَهُ يَحْيَىٰ وَلَمْ يَدَعْهُ فَرْدًا وَحِيدًا يَا مَنْ أَخْرَجَ يُونُسَ مِنْ

عمر او ای آنکه اجابت نمود مر زکریا را پس بخشید مر او را یحیی و نگذاشت او را تنها یگانه ای آنکه بیرون کرد یونس را از

بَطْنِ الْحُوتِ يَا مَنْ فَرَقَ الْبَحْرَ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ فَأَنْجَاهُمْ وَجَعَلَ فِرْعَوْنَ وَجُنُودَهُ مِنَ الْمُغْرَقِينَ

شکم ماهی ای آنکه شکافته دریا را بجهت فرزندان یعقوب پس رهانید ایشان را و گردانید فرعون و لشکر او را از غرق شدگان

يَا مَنْ أَرْسَلَ الرِّيَاحَ مُبَشِّرَاتٍ بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ يَا مَنْ لَمْ يَعْجَلْ عَلَىٰ مَنْ عَصَاهُ مِنْ خَلْقِهِ يَا مَنْ

ای آنکه فرستاد بادها را مژده دهنده پیش از آمدن رحمت او ای آنکه شتاب نکرده بر آنکه نافرمانی کرد او را از خلق او ای آنکه

استنقذ السحرة من بعد طول الجحود وقد غدوا في نعمته يأكلون رزقه ويعبدون
نجات داد جادوانرا بعد از درازی انکار وبتحقیق که بامداد کردند در نعمت او میخوردند روزی او را می پرستیدند
غيره وقد حادّوه ونادّوه وكذّبوا رسله يا الله يا بديء لا بدء لك يا دائماً لا نفاد
غیر او را وبتحقیق که دشمنی کردند ومخالفت کردند او را وتکذیب کردند فرستادهای او را ای خدا ای بوجود آورنده بی ابتدائی ترا ای همیشه که نباشد فنائی
لك يا حيّ حين لا حيّ يا محيي الموتى يا من هو قائم على كل نفس بما كسبت يا من قلّ له
مر ترا ای زنده هنگامیکه نیست زنده ای زنده کننده مردها ای آنکه او نگهبان است بر هر نفس بآنچه کسب کرده ای آنکه اندک است برای
شكري فلم يحرمني وعظمت عنده خطيئتي فلم يفضحني ورآني على المعاصي فلم يخذلني
شکر من پس ناامید نکرد مرا وبزرگ بوده نزد او خطای من پس رسوا نکرد مرا ودیده مرا بر نافرمانیها پس خوار نکرد مرا
يا من حفظني في صغري يا من رزقني في كبري يا من أياديه عندي لا تحصى يا من نعمه عندي
ای آنکه نگاهداشت مرا در خوردی من ای آنکه روزی دادی مرا در بزرگی من ای آنکه نعمتهای او نزد من شمرده نشود ای آنکه نعمتهای او پیش نزد من
لا تجازى يا من عارضني بالخير والاحسان وعارضته بالاساءة والعصيان يا من
مکافات کرده نشود ای آنکه اتیان نموده بمن بخوبی ونیکی واتیان نموده در مقابل بدیها با عمل بد ونافرمانی ای آنکه
هداني بالايمان قبل أن أعرف شكر الامتنان يا من دعوته مريضاً فشفاني وعرياناً
راه نمودی مرا بایمان پیش از آنکه بشناسم شکر انعام را ای آنکه خواندم او را بیمار پس شفا بخشید مرا وبرهنه
فكساني وجائعاً فأطعمني وعطشاناً فأرواني وذليلاً فأعزّني وجاهلاً فعرّفني
پس پوشانید وگرسنه پس طعام داد مرا وتشنه بودم پس سیراب کرد مرا وخوار بودم پس عزیز کرد مرا ونادان بودم پس شناسا کرد مرا
ووحيداً فكثّرني وغائباً فردّني ومقلّاً فأغناني ومنتصراً فنصرني وغنيّاً فلم
ویگانه پس بسیار کرد مرا وپنهان پس برگردانید مرا ونیازمند پس بی نیاز کرد مرا وداد خواه پس یاری کرد مرا وبی نیاز پس
يسلبني وأمسكت عن جميع ذلك فابتدأني فلك الحمد يا من أقال عثرتي ونفّس
سلب نکرد مرا وباز داشتم خود را از همه اینها پس پیش گرفته مرا پس مر تراست حمد ای کسیکه در گذشته از لغزش من وزایل کرد
كربتي وأجاب دعوتي وستر عورتي وغفر ذنوبي وبلّغني طلبتي ونصرني على عدوّي
اندوه مرا وپذیرفت دعای مرا وپوشانید عورت من وآمرزید گناهان مرا ورسانید مرا بحاجت من ویاری کرد مرا بر دشمن من
وان أعدّ نعمك ومننك وكرائم منحك لا أحصيها يا مولاي أنت الذي أنعمت أنت
واگر بشمارم نعمت ترا واحسان ترا وبخششهای گرامی ترا نتوانم شمرد آنها را ای مولای من توئی آنکه انعام کردی توئی
الذي أحسنت أنت الذي أجملت أنت الذي أفضلت أنت الذي مننت أنت الذي
آنکه نیکی نمودی توئی آنکه نیکوئی نمودی توئی آنکه بخشش کردی توئی آنکه انعام کردی توئی آنکه
أكملت أنت الذي رزقت أنت الذي وفّقت أنت الذي أعطيت أنت الذي أغنيت
اکمال کردی توئی آنکه روزی دادی توئی آنکه توفیق دادی توئی آنکه عطا فرمودی توئی آنکه بی نیاز کردی
أنت الذي أقنيت أنت الذي آويت أنت الذي كفيت أنت الذي هديت أنت الذي
توئی آنکه روزی دادی توئی آنکه جای دادی توئی آنکه کارگذار نمودی توئی آنکه راه نمودی توئی آنکه
عصمت أنت الذي سترت أنت الذي غفرت أنت الذي أقلت أنت الذي
نگاهداشتی توئی آنکه آمرزیدی توئی آنکه درگذشتی وآمرزیدی توئی آنکه درگذشتی توئی آنکه

انت

مَكَّنْتَ اَنْتَ الَّذى اَعْزَزْتَ اَنْتَ الَّذى اَعَنْتَ اَنْتَ الَّذى عَضَدْتَ اَنْتَ الَّذى اَيَّدْتَ اَنْتَ الَّذى

دست دادی توئی آنکه عزت دادی توئی آنکه یاری کردی توئی آنکه پهلو دادی توئی آنکه یاری کردی توئی آنکه

نَصَرْتَ اَنْتَ الَّذى شَفَيْتَ اَنْتَ الَّذى عافَيْتَ اَنْتَ الَّذى اَكْرَمْتَ تَبارَكْتَ رَبّى وَتَعالَيْتَ

یاری نمودی توئی آنکه شفا دادی توئی آنکه عافیت دادی توئی آنکه گرامی داشتی خداوند برکت پروردگارم

فَلَكَ الْحَمْدُ دائِماً وَلَكَ الشُّكْرُ واصِباً ثُمَّ اَنَا يا اِلـهى الْمُعْتَرِفُ بِذُنُوبى فَاغْفِرْها لى اَنَا الَّذى

پس تو راست حمد همیشه و تو راست شکر همیشه پس منم ای خدای من اقرار دارنده بگناهانم پس بیامرز آنها را منم آنکه

اَسَأْتُ اَنَا الَّذى اَخْطَأْتُ اَنَا الَّذى اَغْفَلْتُ اَنَا الَّذى جَهِلْتُ اَنَا الَّذى هَمَمْتُ اَنَا الَّذى

بد کردم منم آنکه خطا کردم منم آنکه غافل شدم منم آنکه جاهل بودم منم آنکه قصد کردم منم آنکه

سَهَوْتُ اَنَا الَّذى اعْتَمَدْتُ اَنَا الَّذى تَعَمَّدْتُ اَنَا الَّذى وَعَدْتُ اَنَا الَّذى اَخْلَفْتُ اَنَا

فراموش کردم منم آنکه تکیه کردم منم آنکه اعتماد کردم منم آنکه وعده کردم منم آنکه خلاف کردم منم

الَّذى نَكَثْتُ اَنَا الَّذى اَقْرَرْتُ اَنَا يا اِلـهى اَعْتَرِفُ بِنِعْمَتِكَ عِنْدى وَاَبُوءُ بِذُنُوبى فَاغْفِرْها لى

آنکه اعتراف کردم منم آنکه اعتراف کردم ای خدای من که اعتراف کردم بنعمتهای تو نزد من و اقرار میکنم بگناهانم پس بیامرز

يا مَنْ لا تَضُرُّهُ ذُنُوبُ عِبادِهِ وَهُوَ الْغَنِىُّ عَنْ طاعَتِهِمْ وَالْمُوَفِّقُ مَنْ عَمِلَ مِنْهُمْ صالِحاً

ای آنکه ضرر نمیرساند گناهان بندگان او را و او است بی نیاز از طاعت ایشان و توفیق دهنده از کردار ایشان شایسته

بِمَعُونَتِهِ وَرَحْمَتِهِ فَلَكَ الْحَمْدُ اِلـهى اَمَرْتَنى فَعَصَيْتُكَ وَنَهَيْتَنى فَارْتَكَبْتُ نَهْيَكَ فَاَصْبَحْتُ

بمدد او و بخشش او پس تراست سپاس خدای من فرمودی مرا پس نافرمانی کردم ترا و بازداشتی مرا پس مرتکب شدم بازداشتن ترا پس صبح کردم

لا ذا بَراءَةٍ فَاَعْتَذِرُ وَلا ذا قُوَّةٍ فَاَنْتَصِرُ فَبِاَىِّ شَىْءٍ اَسْتَقْبِلُكَ يا مَوْلاىَ اَبِسَمْعى اَمْ بِبَصَرى

نه خداوند بیزاری پس عذرخواهی کنم و نه صاحب توانائی پس نصرت یابم پس بکدام چیز ترا پیش آیم ای مولای من بگوش من یا بچشم من

اَمْ بِلِسانى اَمْ بِيَدى اَمْ بِرِجْلى اَلَيْسَ كُلُّها نِعَمَكَ عِنْدى وَبِكُلِّها عَصَيْتُكَ يا مَوْلاىَ فَلَكَ

یا بزبان من یا بدست من یا بپای من آیا نیست همه اینها نعمت تو نزد من و بهمه اینها نافرمانی کردم ترا ای آقای من پس تراست

الْحُجَّةُ وَالسَّبيلُ عَلَىَّ يا مَنْ سَتَرَنى مِنَ الْآباءِ وَالْاُمَّهاتِ اَنْ يَزْجُرُونى وَمِنَ الْعَشائِرِ وَالْاِخْوانِ

حجت و راه بر من ای آنکه پوشیدی مرا از پدران و مادران اینکه منع کنند مرا و از خویشان و برادران

اَنْ يُعَيِّرُونى وَمِنَ السَّلاطينِ اَنْ يُعاقِبُونى وَلَوِ اطَّلَعُوا يا مَوْلاىَ عَلى مَا اطَّلَعْتَ عَلَيْهِ

که سرزنش کنند و از پادشاهان اینکه عذاب کنند مرا و اگر مطلع شوند ای آقای من بر آنچه مطلع شدی تو بر آن

مِنّى اِذاً ما اَنْظَرُونى وَلَرَفَضُونى وَقَطَعُونى فَها اَنَا ذا بَيْنَ يَدَيْكَ يا سَيِّدى خاضِعاً

از من آنوقت مهلت نمیدادند مرا و هر آینه ترک گردانند مرا و میبریدند از من پس اینک من در پیش روی تو ای آقای من فروتن

ذَليلاً حَصيراً حَقيراً لا ذُو بَراءَةٍ فَاَعْتَذِرُ وَلا ذُو قُوَّةٍ فَاَنْتَصِرُ وَلا حُجَّةٍ لى فَاَحْتَجُّ بِها

و خوار تنگدل بی مقدار نه خداوند بیزاری پس عذر جویم و نه صاحب توانائی پس نصرت یابم و نه حجتی مرا پس حجت آورم بآن

وَلا قائِلٌ لَمْ اَجْتَرِحْ وَلَمْ اَعْمَلْ سُوءاً وَما عَسَى الْجُحُودُ وَلَوْ جَحَدْتُ يا مَوْلاىَ يَنْفَعُنى فَكَيْفَ

و نه گوینده که کسب نکردم و نه کار بد کردم و چه ثمر بخشد انکار و اگر انکار کنم ای آقای من سود بخشد مرا پس چگونه

وَاَنّى ذلِكَ وَجَوارِحى كُلُّها شاهِدَةٌ عَلَىَّ بِما قَدْ عَمِلْتُ وَعَلِمْتُ يَقيناً غَيْرَ ذى شَكٍّ اَنَّكَ

و از کجا این و اعضای من همه گواهند بر من بآنچه کردم و دانستم یقین بی شک در حال آنکه تو

انك

أنك سائلي عن عظائم الأمور وأنك الحكم العدل الذي لا يجور وعدلك مهلكي
سؤال کننده مرا از کارهای بزرگ واینکه توئی درست کردار محکم کار که ستم نکند وعدالت تو هلاک کند مرا
ومن كل عدلك مهربي فإن تعذبني فبذنوبي يا إلهي بعد حجتك علي وإن تعف عني
واز هر عدالتی از تو گریختن پس اگر عذاب کنی مرا پس بگناه من ای خدای من از حجت تو بر من واگر درگذری از من
فبحلمك وجودك وكرمك لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت من الظالمين لا إله إلا
پس بردباری تو وبخشش تو واکرام تو نیست خدائی مگر تو پاکی تو بدرستی که بودم من از ستمکاران نیست خدائی مگر تو
أنت سبحانك إني كنت من المستغفرين لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت من الموحدين لا
پاکی تو بدرستیکه بودم من از توبه‌کاران نیست خدائی مگر تو پاکی تو بدرستی که بودم من از یکتاپرستان
إله إلا أنت سبحانك إني كنت من الخائفين لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت من الوجلين
نیست خدائی مگر تو پاکی تو بدرستی که بودم من از ترسناکان نیست خدائی مگر تو بدرستی که بودم من از خوفمندگان
لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت من السائلين لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت من
نیست خدائی مگر تو پاکی تو بدرستیکه بودم من از سؤال کنندگان نیست خدائی مگر تو پاکی تو بدرستی که بودم من
الراجين الراغبين لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت من المهللين المسبحين لا إله إلا أنت
از امیدوارندگان خواهش‌مندان نیست خدائی مگر تو پاکی تو بدرستیکه بودم من از تهلیل وتسبیح کنندگان نیست خدائی مگر تو
ربي ورب آبائي الأولين اللهم هذا ثنائي عليك ممجدا وإخلاصي لذكرك موحدا
پروردگار من وپروردگار پیشینیان خداوندا اینست ستودن من بر تو که تعظیم کنم واخلاص گردانید مرا مر یاد تو بیگانگی
وإقراري بآلائك معددا وإن كنت مقرا أني لا أحصيها لكثرتها وسبوغها وتظاهرها
واقرار من به نعمتهای تو شمرده واگر بودم من اقرار کننده باینکه نتوانم شمرد مر بسیاری او وتمامی آنها وپی‌درپی آمدن او
وتقادمها إلى حادث ما لم تزل تتعهدني به معها مذ خلقتني وبرأتني من أول العمر من الإغناء
ودیرینه آنها بسوی نعمت تازه همیشه میپوشانیدی مرا بآنها باد که آفریدی مرا وپدید آوردی مرا از اول عمر از بی‌نیازی
بعد الفقر وكشف الضر وتسبيب اليسر ودفع العسر وتفريج الكرب والعافية في البدن
پس از نیازمندی وزایل کردن بدی وسازکردن آسانی ورفع دشواری وگشودن اندوه وعافیت در بدن
والسلامة في الدين ولو رفدني على قدر ذكر نعمك على جميع العالمين من الأولين
وسلامتی در دین واگر یاری دهی مرا براندازه یاد نعمت تو بر همه جهانیان از پیشینیان و
والآخرين لما قدرت ولا هم على ذلك تقدست وتعاليت من رب عظيم كريم رحيم
از پسینیان چون قدرت نداشتم ونه ایشان بر این پاکی تو وبرتری تو از پروردگار بزرگ بزرگوار مهربان
لا تحصى آلاؤك ولا يبلغ ثناؤك ولا تكافى نعماؤك صل على محمد وآل محمد وأتمم
ونه شمرده نعمتهای تو ونمیرسد ثنای تو وشکر کرده نشود نعمت تو رحمت بر محمد وآل محمد وتمام کن
علينا نعمك وأسعدنا بطاعتك سبحانك لا إله إلا أنت اللهم إنك تجيب دعوة المضطر
بر ما نعمت خود را ونیکبخت کن ما را بفرمانبرداری خود پاکی تو نیست خدائی مگر تو خداوندا اینکه اجابت کنی خواندن درمانده را
إذا دعاك وتكشف السوء وتغيث المكروب وتشفي السقيم وتغني الفقير وتجبر الكسير
چون بخواند ترا وزایل میکنی بدی را وبفریاد رسی غمناک را وشفا بخشی بیمار را وبی‌نیاز سازی محتاج را ودرست میکنی شکسته را

وترحم

وترحم الصغير وتعين الكبير وليس دونك ظهير ولا فوقك قدير وانت العلي الكبير يا
ومهربانی کنی خورد را و یاری کنی بزرگ را و نیست غیر از تو یاوری و نه بالای تو توانائی و توئی بلند قدر بزرگ ای
مطلق المكبل الأسير يا رازق الطفل الصغير يا عصمة الخائف المستجير يا من لا شريك له
رها کننده بند کردیده دستگیر ای روزی دهنده طفل کوچک ای نگه دارنده ترسنده زنهار جوینده ای که نیست انباری مر او را
ولا وزير صل على محمد وآل محمد وأعطني في هذه العشية افضل ما اعطيت وانلت
و نه وزیری رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بده مرا در این زندگانی بهتر از آنچه بخشیدی و رسانیدی
احدا من عبادك من نعمة توليها وآلاء تجددها وبلية تصرفها وكربة تكشفها
یکی از بندگان خود از نعمتی که انعام کنی آنرا و همه که تازه کنی آنرا و بلائی که بگردانی آنرا و اندوهی که زایل کنی آنرا
ودعوة تسمعها وحسنة تتقبلها وسيئة تغفرها انك لطيف خبير وعلى كل شيء
و دعائی که بشنوی آنرا و نیکی که بپذیری آنرا و بدی که بیامرزی آنرا بدرستی که تو مهربانی آگاه و بر همه چیزی
قدير اللهم انك اقرب من دعي واسرع من اجاب واكرم من عفى واوسع من اعطى و
توانائی بار خدایا بدرستیکه تو نزدیکتری از کسی که خوانده شود و سریعتر از آنکه اجابت کرد و بزرگوارتر از آنکه درگذشت و فراخ کننده تر از آنکه عطا کرد و
اسمع من سئل يا رحمن الدنيا والآخرة ورحيمهما ليس كمثلك مسئول ولا سواك مأمول
شنواتر از آنکه سؤال کرده شد ای بخشنده دنیا و آخرت و مهربان آنها نیست مانند تو سؤال کرده شده و نه غیر تو امید داشته شده
دعوتك فاجبتني وسألتك فاعطيتني ورغبت اليك فرحمتني ووثقت بك فنجيتني
خواندم ترا پس اجابت کردی مرا و خواستم از تو پس دادی مرا و خواهش نمودم بسوی تو پس رحم کردی مرا و اعتماد کردم بتو پس رهانیدی مرا
وفزعت اليك فكفيتني اللهم فصل على محمد عبدك ورسولك ونبيك وعلى
و استغاثه کردم بسوی تو پس کفایت کردی مرا خداوندا پس رحمت فرست بر محمد بنده تو و فرستاده تو و پیغمبر تو و بر آل
آله الطيبين الطاهرين اجمعين وتمم لنا نعماءك وهنئنا عطاءك واجعلنا لك
او که پاک و پاکیزه اند همه و تمام کن برای ما نعمتهای خود را و گوارا کن ما را بخشش خود و بگردان ما را مر خود را
شاكرين ولآلائك ذاكرين آمين آمين يا رب العالمين اللهم يا من ملك فقدر وقدر
سپاس کننده و برای نعمتهای خود یاد کننده بپذیر بپذیر ای پروردگار جهانیان خداوندا ای آنکه پادشاه است پس توانا دست و توانا
فقهر وعصي فستر واستغفر فغفر يا غاية رغبة الراغبين ومنتهى امل الراجين
پس مقهور میکند و نافرمانی کرده شد پس پوشانید و طلب آمرزش کرده شد پس آمرزید ای منتهای خواهش خواهشمندان و منتهای آرزوی امیدواران
يا من احاط بكل شيء علما ووسع المستقيلين رأفة ورحمة وحلما اللهم انا نتوجه
ای آنکه فرا گرفته به هر چیز دانش و فرا گرفته آمرزش طلبان را بمهربانی و رحمت و بردباری خداوندا بدرستیکه ما روی آوردیم
اليك في هذه العشية التي شرفتها وعظمتها بمحمد نبيك ورسولك وخيرتك
بسوی تو در این زندگانی که بلند کردی آنرا و بزرگ کردی آنرا بمحمد پیغمبر تو و فرستاده تو و برگزیده تو
من خلقك وامينك على وحيك اللهم فصل على البشير النذير السراج المنير الذي
از خلق تو و امین تو بر وحی تو خداوندا پس رحمت کن بر مژده دهنده بیم کننده چراغ روشن که
انعمت به على المسلمين وجعلته رحمة للعالمين اللهم فصل على محمد وآله كما
انعام کرده او را بر مسلمانان و گردانیدی او را رحمتی بر جهانیان خداوندا پس رحمت بر محمد و آل او چنانکه

هو محمد اهل ذلك یا عظیم صل علیه وعلی آل محمد المنتجبین الطیبین الطاهرین
او محمد سزاوار انست ای بزرگ رحمت فرست بر او و بر آل محمد برگزیدگان پاکان پاک کنندگان
اجمعین وتغمدنا بعفوك عنا فالیك عجت الاصوات بصنوف اللغات واجعل لنا
همه وبپوشان ما را بعفو خود از ما پس بسوی تو بلند گردیده آوازها باقسام زبانها وبگردان برای ما
فی هذه العشیة نصیبا فی کل خیر تقسمه ونور تهدی به ورحمة تنشرها وعافیة
در این زندگانی بهره در هر بخششی که قسمت کنی آنرا ونوری که راه نمائی باو ورحمتی که پهن کنی آنرا وعافیت
تجللها وبرکة تنزلها ورزق تبسطه یا ارحم الراحمین اللهم اقلبنا فی هذا الیوم
که بپوشانی آنرا وبرکتی که فرو فرستی آنرا وروزی که بگشائی آنرا ای بخشنده ترین بخشندگان خدایا بگردان ما را در این روز فیروزی
منجحین مفلحین مبرورین غانمین ولا تجعلنا من القانطین ولا تخلنا من رحمتك
رستگار احسان کرده شده غنیمت ومگردان ما را از ناامیدان وخالی مساز ما را از رحمت خود
ولا تحرمنا ما نؤمله من فضلك ولا تردنا خائبین ولا من بابك مطرودین ولا
ونا امید مکن ما را آنچه امیدواریم آنرا از فضل تو وبرمگردان ما را بی بهره گشتگان واز درگاه تو رانده شده
تجعلنا من رحمتك محرومین ولا لفضل ما نؤمله من عطایاك قانطین یا اجود
مگردان ما را از رحمت خود ناامیدان آنچه امید دارم او را از عطاهای تو ناامیدان ای بخشنده ترین
الاجودین ویا اکرم الاکرمین الیك اقبلنا موقنین ولبیتك الحرام آمین قاصدین
بخشندگان وای بزرگوارتر بزرگواران بسوی تو رو کردیم گروندگان وبخانه محترم تو پیدا بر قصد کنندگان
فاعنا علی مناسکنا واکمل لنا حجنا واعف اللهم عنا وعافنا فقد مددنا الیك ایدینا
پس یاری ما را بر جا عبادتها وکامل کن ما را حجت را ودرگذر خداوندا از ما وعافیت ده ما را پس بتحقیق که دراز کردیم بسوی تو دستهای
وهی بذلة الاعتراف موسومة اللهم فاعطنا فی هذه العشیة ما سالناك واکفنا
وآنها که بخواری اعتراف آگاه بخشیده شده خداوندا پس بده ما را در این زندگانی آنچه خواستیم از تو وما را کفایت
ما استکفیناك فلا کافی لنا سواك ولا رب لنا غیرك نافذ فینا حکمك محیط
کن ما را آنچه طلب کفایت نمودیم ترا پس نیست کار کننده ما را غیر از تو ونه پروردگار ما را غیر از تو روانست در ما حکم تو فرو گرفته
بنا علمك عدل فینا قضاؤك اقض لنا الخیر واجعلنا من اهل الخیر اللهم اوجب
ما را دانش تو بعدل است در ما حکم کن برای ما بنیکی وبگردان ما را از اهل خیر خداوندا واجب کن
لنا بجودك عظیم الاجر وکریم الذخر ودوام الیسر واغفر لنا ذنوبنا اجمعین ولا تهلکنا مع
ما را بجود خود بزرگ مزد تو وگرامی ذخیره وهمیشگی آسانی وبیامرز برای ما گناهان ما را همه وهلاک مکن ما را
الهالکین ولا تصرف عنا رافتك برحمتك یا ارحم الراحمین اللهم اجعلنا فی هذا
هلاک شدگان وبگردان از ما مهربانی خود را برحمت خود ای بخشنده ترین بخشندگان خداوندا بگردان ما را در این
الوقت ممن سالك فاعطیته وشکرك فزدته وتاب الیك فقبلته وتنصل
وقت از آنکه در خواست از تو پس عطا کردی او را وسپاس کرد خود را پس افزودی وبازگشت نمود بسوی تو پس پذیرفتی او را وعذر نمودی
الیك من ذنوبه کلها فغفرتها له یا ذا الجلال والاکرام اللهم ووفقنا وسددنا واعصمنا
بسوی تو از گناهان او همه پس آمرزیدی آنرا برای او ای صاحب بزرگوار وگرامی خداوندا توفیق ده ما را ودرست گردان ما را ونگاه دار ما را

وَاقْبَلْ تَضَرُّعَنا يا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَيا اَرْحَمَ مَنِ اسْتُرْحِمَ يا مَنْ لا يَخْفى عَلَيْهِ اِغْماضُ الْجُفُونِ
وبپذیر زاری ما را ای بهتر آنکه سؤال کرده شده وای بخشنده‌تر کسیکه طلب بخشش کرده شده ای آنکه پنهان نیست بر او بهم آوردن پلکها
وَلا لَحْظُ الْعُيُونِ وَلا مَا اسْتَقَرَّ فِي الْمَكْنُونِ وَلا مَا انْطَوَتْ عَلَيْهِ مُضْمَراتُ الْقُلُوبِ اَلا
ونه نگریستن دیدها ونه آنچه ثابت است در امور پوشیده ونه آنچه در نوردیده شد بر او نهانیهای دلها آگاه باش
كُلُّ ذلِكَ قَدْ اَحْصاهُ عِلْمُكَ وَوَسِعَهُ حِلْمُكَ سُبْحانَكَ وَتَعالَيْتَ عَمّا يَقُولُ الظّالِمُونَ
همه آنها بتحقیق که شمرد آنرا دانش تو و فرا گرفت او را بردباری تو پاکی تو و بلندی تو از آنچه میگویند ستمکاران
عُلُوّاً كَبِيراً تُسَبِّحُ لَكَ السَّمواتُ السَّبْعُ وَالْاَرَضُونَ وَمَنْ فِيهِنَّ وَاِنْ مِنْ شَيْءٍ اِلّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ
برتری بزرگ تسبیح کوید مر ترا آسمانها هفتگانه و زمین و هرکه در میان است و نیست هیچ چیز مگر آنکه تسبیح کند بحمد تو
فَلَكَ الْحَمْدُ وَالْمَجْدُ وَعُلُوُّ الْجَدِّ يا ذَا الْجَلالِ وَالْاِكْرامِ وَالْفَضْلِ وَالْاِنْعامِ وَالْاَيادِي
پس مر تراست حمد و بزرگواری و بلندی عظمت ای صاحب بزرگواری و گرامی و فضل و انعام و نعمتهای
الْجِسامِ وَاَنْتَ الْجَوادُ الْكَرِيمُ الرَّؤُفُ الرَّحِيمُ اَللّهُمَّ اَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلالِ وَ
بزرگ و توئی بخشنده بزرگوار مهربان بخشنده خداوندا گشایش ده بر من از روزی حلال خود و
عافِنِي فِي بَدَنِي وَدِينِي وَآمِنْ خَوْفِي وَاَعْتِقْ رَقَبَتِي مِنَ النّارِ اَللّهُمَّ لا تَمْكُرْ بِي وَلا تَسْتَدْرِجْنِي
و عافیت ده مرا در بدن من و دین من و ایمن دار ترس مرا و آزاد کن گردن مرا از آتش خداوندا مکر مکن با من و فرو مگیر مرا
وَلا تَخْذُلْنِي وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ پس سر و دیده خود را بسوی آسمان بلند کرد و
و خوار مکن مرا و دفع کن از من شر نافرمانی جن و انس از دیدهای مبارکش آب بر محیث مانند دو مشک
وبصدای یا اَسْمَعَ السّامِعِينَ وَيا اَبْصَرَ النّاظِرِينَ وَيا اَسْرَعَ الْحاسِبِينَ وَيا اَرْحَمَ
بلند گفت ای شنواترین شنوندگان وای بیناترین بینایان وای زود حساب کنندگان وای بخشنده‌ترین
الرّاحِمِينَ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ السّادَةِ الْمَيامِينِ وَاَسْئَلُكَ اَللّهُمَّ حاجَتِي اِلَيْكَ
بخشندگان رحمت فرست بر محمد و آل محمد بزرگان با میمنت و در میخواهم ترا خداوندا حاجت مرا بسوی تو
الَّتِي اِنْ اَعْطَيْتَنِيها لَمْ يَضُرَّنِي ما مَنَعْتَنِي وَاِنْ مَنَعْتَنِيها لَمْ يَنْفَعْنِي ما اَعْطَيْتَنِي اَسْئَلُكَ
که اگر عطا کنی او را ضرر نرساند مرا آنچه منع کند مرا و اگر باز داری مرا سود نبخشد مرا آنچه عطا کردی مرا در میخواهم ترا
فَكاكَ رَقَبَتِي مِنَ النّارِ لا اِلهَ اِلّا اَنْتَ وَحْدَكَ لا شَرِيكَ لَكَ لَكَ الْمُلْكُ وَلَكَ الْحَمْدُ وَ
آزادی گردن خود از آتش نیست خدائی مگر تو یگانه توئی نیست شریکی مر تراست پادشاهی و مر تراست حمد و
اَنْتَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ يا رَبِّ يا رَبِّ يا رَبِّ پس مکرر میگفت یا رب و صداها بگریه بلند شد
توئی بر همه چیزی توانا ای پروردگار ای پروردگار و یاد کردند و روانه جانب مشعر الحرام شدند و

سیّد بن طاوس بسند معتبر روایت کرده است از حضرت امام جعفر صادق ؑ که در روز عرفه چون زوال شمس بشود نماز ظهر و عصر را بکن پس برو بجا و قوف و صد مرتبه الله اکبر و صد مرتبه الحمد لله و صد مرتبه سبحان الله و صد مرتبه لا اله الا الله و صد مرتبه لا اِلهَ اِلَّا اللّهُ الْحَلِيمُ سوره قل هو الله احد و صد مرتبه سوره انا انزلناه بخوان پس این دعا را بخوان
نیست خدائی مگر خدای بردبار

الْكَرِيمُ لا اِلهَ اِلَّا اللّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ سُبْحانَ اللّهِ رَبِّ السَّمواتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْاَرَضِينَ السَّبْعِ
بزرگوار نیست خدائی مگر خدای بلند مرتبه بزرگ پاکست خدای پروردگار آسمانها هفتگانه و پروردگار زمینها هفتگانه

وما فيهن وما بينهن وهو رب العرش العظيم والحمد لله رب العالمين اللهم اياك
و آنچه در آنهاست و آنچه میان آنهاست و او پروردگار عرش بزرگ است و سپاس مر خدا را که پروردگار جهانیان است خدایا ترا میپرستیم
اعبد واياك استعين اللهم اني اريد ان اثني عليك وما عسى ان ابلغ من مدحك
و از تو یاری میجویم خداوندا بدرستیکه من میخواهم که ستایش کنم ترا و نشاید که برسم از ستایش تو
مع قلة عملي وقصر رايي وانت الخالق وانا المخلوق وانت المالك وانا المملوك وانت
با کمی کردار خود و کوتاهی تفکر خود و توئی آفریننده و منم آفریده شده و توئی خداوند و منم مملوک و توئی
الرب وانا المربوب وانت العزيز وانا الذليل وانت القوي وانا الضعيف وانت
پروردگار و منم بنده و توئی عزیز و منم ذلیل و توئی توانا و منم ضعیف و توئی
الغني وانا الفقير وانت المعطي وانا السائل وانت الغفور وانا الخاطي وانت الحي
بی نیاز و منم محتاج و توئی بخشنده و منم خواهان و توئی درگذرنده و منم خطاکار و توئی زنده
الذي لا تموت وانا خلق اموت اللهم انت الله لا اله الا انت رب العالمين وانت
که نمیمیری و منم آفریده که بمیرم خداوندا تو خدائی که نیست خدائی مگر تو پروردگار جهانیان و تو
الله لا اله الا انت العزيز الحكيم وانت الله لا اله الا انت العلي العظيم وانت الله لا
خدائی که نیست خدائی مگر تو غالب درست کردار و توئی خدائیکه نیست خدائی مگر تو توئی بلند مرتبه بزرگ و توئی خدا نیست
اله الا انت الغفور الرحيم وانت الله لا اله الا انت مالك يوم الدين وانت الله لا اله
خدائی مگر تو آمرزنده مهربان و توئی خدا که نیست خدائی مگر تو توئی پادشاه روز جزا و توئی خدا که نیست خدائی
الا انت منك بدء الخلق واليك يعود وانت الله لا اله الا انت لم تزل ولا تزال و
مگر تو از تست نخستین آفرینش و بسوی تو بازگردد و توئی خدائی که نیست خدائی مگر تو همیشه و همیشه خواهی بود و
انت الله لا اله الا انت خالق الجنة والنار وانت الله لا اله الا انت خالق الخير و
توئی خدائیکه نیست خدائی مگر تو آفریننده بهشت و آتش و توئی خدائی که نیست خدائی مگر تو آفریننده نیکی و
الشر وانت الله لا اله الا انت الواحد الاحد الفرد الصمد لم تلد ولم تولد ولم يكن
بد و توئی خدائی که نیست خدائی مگر تو یگانه یکتا بیهمتا نیازمند نزاده و نزائیده شده و نمیباشد
لك كفوا احد وانت الله لا اله الا انت عالم الغيب والشهادة الرحمن الرحيم وانت الله
مر ترا همتائی و توئی خدا نیست خدائی مگر تو داننده پنهان و آشکار بخشنده مهربان و توئی خدائی
لا اله الا انت الملك القدوس السلام المؤمن المهيمن العزيز الجبار المتكبر سبحان
که نیست خدائی مگر تو پادشاه پاکیزه سالم ایمن تصدیق کننده غالب بزرگوار بزرگ کننده پاکا
الله عما يشركون وانت الله لا اله الا انت الخالق البارئ المصور لك الاسماء الحسنى
خدا از آنچه شرک آورند و توئی خدا نیست خدائی مگر تو پدیدآورنده نگارنده پدیدآورنده مرتراست نامهای نیکو
يسبح لك ما في السموات والارض وانت العزيز الحكيم وانت الله لا اله الا انت
تسبیح میکند مرترا آنچه در آسمانها و زمین است و توئی غالب درست کردار و توئی خدائیکه نیست خدائی مگر تو
الكبير المتعال والكبرياء رداؤك اللهم انك سابغ النعم حسن البلاء جزيل
بزرگوار بلند مرتبه و بزرگواری جامه تست خداوندا بدرستیکه تو کامل نعمتی نیکو انعامی بسیار

العطاء مقسط القضاء باسط اليدين بالرحمة نفّاع بالخيرات كاشف الكربات رفيع
بخشش عدالت کننده درحکم گشاینده دستها برحمت سودمند نیکیها زایل کننده اندوه بلند
الدرجات منزل الآيات من فوق سبع سموات عظيم البركات مخرج من في الظلمات
مرتبه فرو فرستنده معجزها از زبر هفت آسمان بزرگ برکتها بیرون آورنده هرکه در تاریکیها
إلى النور مبدّل السيّئات حسنات وجاعل الحسنات درجات اللهمّ انّك دنوت في علوّك
بسوی روشنائی بدل کننده بدیها بنیکیها وگرداننده نیکیها درجهها خداوندا بدرستیکه تو نزدیکی در بلندی تو
وعلوت في دنوّك فدنوت فليس دونك شيء وارتفعت فليس فوقك شيء ترى ولا ترى
وبلندی در نزدیکی تو پس نزدیکی تو پس نیست غیر تو چیزی وبغایت بلندی پس نیست بالای تو چیزی می‌بینی و دیده نشوی
وانت بالمنظر الأعلى فوق الحجب والنور لك ما في السموات العلى ولك الكبرياء في
وتو در دیدن گاه بلندی شکافنده دار و هسته مر تراست آنچه در آسمانهای بلند و مر تراست بزرگی در
الآخرة والأولى اللهمّ انّك غافر الذنب شديد العقاب ذو الطول لا اله الّا انت
آنجهان و اینجهان خداوندا بدرستیکه تو آمرزنده گناهی سخت عقوبت خداوندا انعام نیست خدائی مگر تو
اليك المصير وسعت رحمتك كلّ شيء وبلغت حجّتك ولا معقّب لحكمك وانت لا
بسوی تست بازگشت فراگرفته رحمت تو هرچیزرا ورسالت حجت تو پس اندازنده مرحکم تو وتوئی
تخيّب سائلك انت الذي لا رافع لما وضعت ولا واضع لما رفعت انت الذي اثبتّ
امید نمیگنی سؤال کننده خودرا توئی آنکه نیست بلند سازنده مرآنچه پست کنی و نه پست کننده مرآنچه بلند کنی توئی آنکه ثابت داشتی
كلّ شيء بحكمتك واحصيت كلّ شيء بعلمك وابرمت كلّ شيء بحكمك ولا يفوتك
هر چیزرا بحکم خود وفوت نشود از تو هرچیزرا بدانش خود ومحکم نمودی هر چیزرا بحکم خود وفوت نشود از تو
شيء بعلمك ولا يمتنع عنك شيء انت الذي لا يعجزك هارب ولا يرتفع صريعك
چیزی بدانش تو و امتناع نکند از تو چیزی توئی آنکه عاجز نسازد ترا گریزنده تو و بلند نشود افتاده تو
ولا يحيى قتيلك انت علوت فقهرت وملكت فقدرت وبطنت فخبرت وعلى كلّ
و زنده نشود کشته تو توئی بلندتری پس غالبی و پادشاهی پس توانائی و دانائی پس آگاهی و بر هر
شيء ظهرت علمت خائنة الأعين وما تخفي الصدور وتعلم ما تحمل كلّ انثى وما
چیزی غلبه نمودی دانی خیانت دیدها را و آنچه پنهان دارد سینها و میدانی آنچه بر میدارد هر زنی و آنچه
تضع وما تغيض الأرحام وما تزداد وكلّ شيء عندك بمقدار انت الذي لا تنسى من
میگذارد و آنچه را بکاهد رحمها و آنچه بیفزاید و هر چیزی نزد تو باندازه است توئی آنکه فراموش نکنی هر
ذكرك ولا تضيع من توكّل عليك انت الذي لا يشغلك ما في جوّ ارضك عمّا في جوّ سمواتك
ذکر کننده ترا و ضایع نسازی آنرا که توکل کرد بر تو توئی که باز ندارد ترا آنچه در جوف زمینهای تست از آنچه در جوف آسمانها
ولا يشغلك ما في جوّ سمواتك عمّا في جوّ ارضك انت الذي تعزّزت في ملكك ولم
و باز ندارد ترا آنچه در جوف آسمانهای تست از آنچه در جوف زمین تست توئی آنکه غالبی در پادشاهی خود و
يشركك احد في جبروتك انت الذي علا كلّ شيء ملكك وملك كلّ شيء امرك انت الذي ملكت
شریک نیست ترا هیچکس در بزرگواری تو توئی آنکه بلند است هرچیزی پادشاهی تو و پادشاهی هرچیزرا امر تو توئی آنکه پادشاهی

الملوك بقدرتك واستعبدت الأرباب بعزتك وأنت الذي قهرت كل شيء بقوتك

پادشاهان را بتوانائی تو و به بندگی گرفتی بزرگان را بعزت تو و توئی که غلبه کردهٔ هر چیز را بقوت تو

وعلوت كل شيء بفضلك أنت الذي لا يستطاع كنه وصفك ولا منتهى لما عندك

و برتری هر چیز را بفضل خود توئی که مقدور نیست پایان ستایش تو و نهایت نیست مر آنچه نزد تست

أنت الذي لا يصف الواصفون عظمتك ولا يستطيع المزايلون تحويلك أنت شفاء

که نمیستایند ستایندگان بزرگی ترا و طاقت ندارند مفارقت کنندگان برگردیدن ترا توئی شفاء

لما في الصدور وهدى ورحمة للمؤمنين أنت الذي لا يحفيك سائل ولا ينقصك

مر آنچه در سینهاست و رهنما و رحمت مر مؤمنان را توئی که بستوه نمیآورد ترا خواهندهٔ و کم نمیسازد ترا

نائل ولا يبلغ مدحتك مادح ولا قائل أنت الكائن قبل كل شيء والمكون لكل

امیدوار و نمیرسد بستایش تو ستایندهٔ و نه گویندهٔ توئی بوده پیش از هر چیز و بوجود آورنده مر هر چیز

شيء والكائن بعد كل شيء أنت الواحد الصمد الذي لم تلد ولم تولد ولم يكن له كفوا

و موجود پس از هر چیز توئی یگانهٔ بی‌نیاز که نزائیدی و زائیده نشده و نمیباشد مر ترا مانندی

أحد ولم تتخذ صاحبة ولا ولدا السماوات ومن فيهن لك والأرضون ومن فيهن لك

احدی و فرا نگرفته زنی و نه فرزندی آسمانها و آنکه در آنهاست مر تراست و زمینها و آنکه در آنهاست مر تراست

وما بينهن وما تحت الثرى أحصيت كل شيء وأحطت به علما وأنت تزيد في الخلق

و آنچه میان آنهاست و آنچه زیر خاکست شمرده هر چیز را و احاطه کرده بآن دانش را و تو زیاد میکنی در خلق

ما تشاء وأنت لا تسئل عما تفعل وهم يسئلون وأنت الفعال لما تريد وأنت القريب

آنچه بخواهی و تو در سؤال نشوی از آنچه بجا آوری و ایشان سؤال کرده شوند و تو کننده مر آنچه میخواهی و توئی نزدیک

وأنت البعيد وأنت السميع وأنت البصير وأنت الماجد وأنت الواجد وأنت العليم

و توئی دور و توئی شنونده و توئی بینا و توئی بزرگوار و توئی یابنده و توئی دانا

وأنت الحكيم وأنت الغني وأنت الكريم وأنت البار وأنت الرحيم وأنت القادر وأنت القاهر

و توئی درست کردار و توئی بی‌نیاز و توئی بزرگوار و توئی نیکوکار و توئی مهربان و توئی توانا و توئی غالب

لك الأسماء الحسنى كلها وأنت الجواد الذي لا تبخل وأنت العزيز الذي لا تذل وأنت المنيع

مر تراست نامهای نیکو همهٔ آن و توئی جواد که بخل نمیورزی و توئی غالب که خار نمیگردی و توئی استوار

لا ترام يسبح لك ما في السماوات والأرض وأنت بالخير أجود منك بالشر أنت ربي ورب آبائي

که قصد کرده نشوی تسبیح و ذکر میکند آنچه در آسمانها و زمین و توئی خیر بخشنده تر از تو بشر تو پروردگار من و پروردگار پدران

الأولين أنت تجيب المضطر إذا دعاك أنت نجيت نوحا من الغرق وأنت غفرت لداود ذنبه

پیشینیان توئی پذیرنده بیچارگان چون خواند ترا تو نجات دادی نوح را از غرق شدن و تو آمرزیدی مر داود را گناه او

وأنت نفست عن ذي النون كربه وأنت كشفت عن أيوب ضره وأنت رددت موسى على

و تو برداشتی از صاحب یونس اندوه او را و زایل گردی تو از ایوب بدحالی او را و تو رد کردی موسی را بر

أمه وأنت صرفت قلوب السحرة إليك حتى قالوا آمنا برب العالمين وأنت ولي نعمة

مادر او و تو گردانیدی دلهای ساحران را بسوی خود تا گفتند گرویدیم به پروردگار جهانیان و تو متکفل نعمت

الصالحين لا يذكر منك الا الحسن الجميل وما لا يذكر اكثر ولك الآلاء والنعم وانت
المحسن المجمل لا يبلغ مدحتك ولا الثناء عليك انت كما اثنيت على نفسك سبحانك
وبحمدك تباركت اسماؤك وجل ثناؤك وما اعظم شانك واجل مكانك وما
اقربك من عبادك والطفك بخلقك وامنعك بقوتك انت اعز واجل واسمع
وابصر واعلى واكبر واظهر واشكر واقدر واعلم واجبر واكبر واعظم واقرب واملك
واوسع وامنع واعطى واحكم وافضل واحمد من ان يدرك العيان عظمتك او يصف
الواصفون صفتك او يبلغوا غاية نعتك اللهم انت الله الذي لا اله الا انت اجل من
ذكر واشكر من عبد واراف من ملك واجود من سئل واوسع من اعطى تحلم بعد
ما تعلم وتعفو وتغفر بعد ما تقدر لم تطع قط الا باذنك ولم تعص قط الا بقدرتك
تطاع ربنا فتشكر وتعصى ربنا فتغفر اللهم انت اقرب حفيظ وادنى شهيد حلت بين
القلوب واخذت بالنواصي واحصيت الاعمال وعلمت الاخبار وبيدك المقادير و
القلوب اليك مقصدة والسر عندك علانية والمهدي من هديت والحلال ما
حللت والحرام ما حرمت والدين ما شرعت والامر ما قضيت تقضي ولا يقضى عليك
اللهم انت الاول فليس قبلك شيء وانت الآخر فليس بعدك شيء وانت الظاهر
فليس فوقك شيء وانت الباطن فليس دونك شيء وانت العزيز الحكيم اللهم بيدك
مقادير الليل والنهار وبيدك مقادير الشمس والقمر وبيدك مقادير النصر والخذلان وبيدك

مَقادِيرِ الدُّنيا وَالآخِرَةِ وَبِيَدِكَ مَقادِيرُ المَوْتِ وَالحَيوةِ وَبِيَدِكَ مَقادِيرُ الخَيْرِ وَالشَّرِّ
اندازهای دنیا و آخرت و بدست تست اندازهای مرگ و زندگانی و بدست تست اندازهای نیک و بد

صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ اَذْنَبْتُهُ فِي ظُلَمِ اللَّيْلِ وَضَوْءِ النَّهارِ عَمْداً اَوْ
رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بیامرز مرا هر گناهی که کردم آنرا در تاریکیهای شب و در روشنی روز از روی عمد

خَطاءً سِرّاً اَوْ عَلانِيَةً اِنَّكَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَهُوَ عَلَيْكَ سَهْلٌ يَسِيرٌ وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ
و خطا نهان و آشکار بدرستیکه بر هر چیز توانائی و آن بر تو سهل و آسان است و نه حرکتی و نه توانائی

اِلّا بِاللهِ العَلِيِّ العَظِيمِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اُثْنِي عَلَيْكَ بِاَحْسَنِ ما اَقْدِرُ عَلَيْهِ وَاَشْكُرُكَ بِما
مگر بخدای بزرگ مرتبه خداوندا بدرستیکه من ستایش میکنم بر تو بنیکوترین ستایشی که قدرت دارم بر او و سپاس گویم

مَنَنْتَ بِهِ عَلَيَّ وَعَلَّمْتَنِي مِنْ شُكْرِكَ اَللّٰهُمَّ لَكَ الحَمْدُ بِمَحامِدِكَ كُلِّها عَلى نَعْمائِكَ كُلِّها
که منت گذاردی آنچه انعام کردی بان بر من و آموختی مرا از سپاس گذاری خود خداوندا مر تراست ستایش و سپاس بهمه آنها و بر همه نعمتهای تو

وَعَلى جَمِيعِ خَلْقِكَ حَتّى يَنْتَهِيَ الحَمْدُ لَكَ اِلى ما تُحِبُّ رَبَّنا وَتَرْضى اَللّٰهُمَّ لَكَ الحَمْدُ عَدَدَ
و بر همه آفریدهای تو تا آنکه بآخر رسد سپاس تو بسوی آنچه دوست داری پروردگار و پسندی خداوندا مر تراست سپاس بشماره

ما خَلَقْتَ وَعَدَدَ ما ذَرَأْتَ وَلَكَ الحَمْدُ عَدَدَ ما بَرَأْتَ وَلَكَ الحَمْدُ ما اَحْصَيْتَ وَلَكَ الحَمْدُ
آنچه آفریده و شماره آنچه آزاد کرده و مر تراست سپاس آنچه دیده و مر تراست ستایش بشمار آنچه دیده و شمار آنچه آزاد کرده

عَدَدَ ما فِي السَّمٰواتِ وَالاَرَضِينَ وَلَكَ الحَمْدُ مِلْأَ الدُّنْيا وَالآخِرَةِ پس ده مرتبه بگو لا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ
ستایش بشمار آنچه در آسمانها و زمین است و مر تراست سپاس بقدر پری دنیا و آخرت نیست خدائی مگر خدا

وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ لَهُ المُلْكُ وَلَهُ الحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لا يَمُوتُ بِيَدِهِ الخَيْرُ وَهُوَ عَلى
یگانه که نیست شریکی مر او را مر او راست پادشاهی و مر او راست حمد زنده میکند و میمیراند و او زنده است که نمیمیرد بدست اوست هر نیکی و او

كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ و ده مرتبه اَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِي لا اِلٰهَ اِلّا هُوَ الحَيُّ القَيُّومُ وَاَتُوبُ اِلَيْهِ پس يا اَللهُ ده مرتبه
بگو
هر چیزی تواناست طلب آمرزش از خدا میکنم که نیست خدائی مگر او زنده توانا و بازگشتم بسوی او ای خدا

يا رَحْمٰنُ يا رَحْمٰنُ ده يا رَحِيمُ يا رَحِيمُ ده يا بَدِيعَ السَّمٰواتِ وَالاَرْضِ ده يا ذَا الجَلالِ وَالاِكْرامِ ده مرتبه
مرتبه مرتبه مرتبه
ای بخشنده ای بخشنده ای مهربان ای مهربان ای پدید آورنده آسمانها و زمین ای خداوند بزرگواری و گرامی

يا حَنّانُ يا مَنّانُ ده يا حَيُّ يا قَيُّومُ ده بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ ده اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ده
مرتبه مرتبه مرتبه مرتبه
ای بغایت مهربان ای بخشاینده ای زنده ای پاینده بنام خدای بخشنده مهربان خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد

اَللّٰهُمَّ لَكَ الحَمْدُ وَلِيَّ الحَمْدِ وَمُنْتَهَى الحَمْدِ وَفِيَّ العَهْدِ عَزِيزَ الجُنْدِ قَدِيمَ المَجْدِ اَلحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي
خدایا مر تراست سپاس سزاوار سپاس و نهایت سپاس وفا کننده بپیمان خداوند غالب لشکر دیرینه بزرگواری سپاس مر خدا را

كانَ عَرْشُهُ عَلَى الماءِ حِينَ لا شَمْسٌ تُضِيءُ وَلا قَمَرٌ يَسْرِي وَلا بَحْرٌ يَجْرِي وَلا رِياحٌ تَذْرُو وَلا
که بود عرش بر آب هنگامیکه نبود آفتاب که روشنی بخشد و نه ماهی که سیر کند و نه دریائیکه روان گردد و نه بادها که بهوا برد و نه

سَماءٌ مَبْنِيَّةٌ وَلا اَرْضٌ مَدْحِيَّةٌ وَلا لَيْلٌ يُجِنُّ وَلا نَهارٌ يُكِنُّ وَلا عَيْنٌ تَدْمَعُ وَلا صَوْتٌ يُسْمَعُ
آسمان برافراشته شده و نه زمینی گسترده و نه شبی که بپوشاند و نه روزیکه فرا گیرد و نه دیده که سرشک ریزد و نه آوازیکه

وَلا جَبَلٌ مُرْسىً وَلا سَحابٌ مُنْشَأٌ وَلا اِنْسٌ مَبْرُوءٌ وَلا جِنٌّ مَذْرُوءٌ وَلا مَلَكٌ كَرِيمٌ وَلا
شنیده شود و نه کوهیکه برداشته و نه ابریکه برانگیخته شود و نه آدمیکه آفریده شده و نه جنیکه خلق کرده شده و نه فرشته بزرگوار و نه

عين

شنيد

شیطان رجیم ولا ظل ممدود ولا شیء معدود الحمد لله الذی استحمد الی من استحمد من
شیطان رانده شده و نه سایه کشیده شده و نه چیزی شمرده شده سپاس مرخدا را که خواهش فرستاده بسوی کسی که ستایش کرده و از

محامده لیحمدوه علی ما بذل لهم من نوافله الذی فاق مدح المادحین مآثر محامده وعلا
ستایشهای او تا ستایش کنند او را بر آنچه بخشش نمود از زیادتیهای خود که گذشته مدح ستایش کنندگان و گذشته

وصف الواصفین هیبة جلاله فهو اهل لکل حمد منتهی کل رغبة وقاضی کل حاجة الواحد
وصف وصف کنندگان از هیبت بزرگواری او او است سزاوار مر هر ستایش و منتهای هر خواهش و روا کننده هر حاجت یگانه است

الذی لا بد له الملک الذی لا زوال له الرفیع الذی لیس فوقه ناظر ذو المغفرة والرحمة المحمود
که نیست مر او را ضدی پادشاهی که نیست زوالی مر او را با رفعت که نیست بالای او نگرنده صاحب آمرزش و رحمت ستوده شده

لبذل نواله المعبود لهیبة جلاله المذکور بحسن الآلاء المنان بسعة فواضله المرغوب
بخشش عطای خود پرستیده شده بجهت هیبت جلال او یاد کرده شده به نیکی نعمت خود بسیار بخشنده بخشش زیادتیهای خود رغبت شده

الیه فی تمام المواهب من خزائنه العظیم الشأن الکریم فی سلطانه العلی فی مکانه المحسن
بسوی او در اتمام کردن بخششها از خزانهای خود بزرگ مرتبه بزرگوار در سلطنت خود بلند مرتبه در جایگاه خود نیکی کننده

فی امتنانه الجواد فی فواضله الحمد لله بارئ خلق المخلوقین بعلمه ومصور اجساد
در انعام خود بخشنده در مزایای خود سپاس مرخدا را پدید آورنده آفرینش آفریدگان بدانش خود و صورت بخشنده تنهای

العباد بقدرته ومخالف صور من خلق من خلقه ونافخ الارواح فی خلقه بعلمه ومعلم
بندگان بتوانائی خود و مخالف کننده صورتهای آنکه آفریده از خلق خود و دمنده روحها را در خلق خود بدانش خود و آموزنده

من خلق من عباده اسمه ومدبر خلق السموات والارض بعظمته الذی وسع کل شیء خلق
آنکه آفریده از بندگان خود نام خود را و تدبیر کننده آسمانها و زمین به بزرگی خود که فرا گرفته هر چیز را خلق

کرسیه وعلا بعظمته فوق الاعلین وقهر الملوک بجبروته الجبار الاعلی المعبود فی سلطانه
کرسی او و برتری است به بلندی خود فوق هر برتری و غالب است پادشاهان را به بزرگواری خود جبار بلند مرتبه پرستیده شده در سلطنت

المتسلط بقوته المتعالی فی دنوه المتدانی من کل شیء فی ارتفاعه الذی نفذ بصره فی خلقه
خداوند سلطنت بتوانائی خود بغایت بلند در نزدیکی خود بغایت نزدیک از هر چیز در بلندی خود که رواست بینائی او در خلق خود

وحارت الابصار لشعاع نوره الحمد لله الحلیم القوی الرشید الشدید المبدئ المعید
و حیران شده دیدها بجهت شعاع روشنی او سپاس مرخدا را بردبار توانا سخت گیر پدید آورنده عود دهنده

الفعال لما یرید الحمد لله منزل الآیات وکاشف الکربات ومؤتی السؤلات الحمد لله فی کل
بجا آورنده هر چه را بخواهد سپاس مرخدا را که فرو فرستنده آیات و زائل کننده اندوهها و دهنده سؤالات سپاس مرخدا را در هر

مکان وفی کل اوان الحمد لله الذی لا ینسی من ذکره ولا یخیب من دعاه ولا یذل من والاه الذی
جا و هر مکان هست و هر زمان و در هر وقت سپاس مرخدا را که وانگذارد آنرا که یاد کند او را و ناامید نمیکند آنرا که بخواند او را

یجزی بالاحسان احسانا وبالصبر نجاة الحمد لله الذی له ما فی السموات وما فی الارض وله
و خوار نمیسازد دوست دار او را که پاداش میدهد نیکی را و در مقابل صبر رستگاری سپاس مرخدا را که مر او راست آنچه در آسمانها

الحمد فی الآخرة وهو الحکیم الخبیر الحمد لله فاطر السموات والارض جاعل الملائکة
و آنچه در زمین است و مر او راست حمد در آخرت و او است درست کردار سپاس مرخدا را پدید آورنده آسمانها و زمین گرداننده فرشتگان

رُسُلاً اُولِی اَجْنِحَةٍ مَثْنٰی وَثُلاثَ وَرُباعَ یَزیدُ فِی الْخَلْقِ ما یَشاءُ اِنَّ اللّٰهَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ
فرستنده صاحبان بالهای دو دو و سه سه و چهار چهار می افزاید در آفرینش آنچه خواهد بدرستیکه خدا بر هر چیزی

قَدیرٌ سُبْحانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَکْبَرُ وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللّٰهِ
توانا است پاکست خدا و سپاس مر خدا را و نیست خدائی مگر خدا و خدا بزرگست و نه حول و نه توانائی مگر بخدای

الْعَلِیِّ وَسُبْحانَ اللّٰهِ حینَ تُمْسُونَ وَحینَ تُصْبِحُونَ وَلَهُ الْحَمْدُ فِی السَّمٰواتِ وَالْاَرْضِ وَعَشِیّاً
بلند بزرگ و تنزیه مر خدای هنگام شام و هنگام صبح و مر او راست حمد در آسمانها و زمین و آخر روز

وَحینَ تُظْهِرُونَ وَسُبْحانَ اللّٰهِ آناءَ اللَّیْلِ وَاَطْرافَ النَّهارِ وَسُبْحانَ اللّٰهِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصالِ
و هنگام پسین و تنزیه خدا راست در ساعت شب و طرفهای روز و تنزیه مر خدا را در بامداد و بعد از عصر

وَسُبْحانَ رَبِّکَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمّا یَصِفُونَ وَسَلامٌ عَلَی الْمُرْسَلینَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمینَ
و پاکست پروردگار تو پروردگار عزت از آنچه وصف میکنند و درود بر فرستادگان و سپاس مر خدا را چنانکه دوست دارد پروردگار

وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ کَما یُحِبُّ رَبُّنا وَیَرْضٰی حَمْداً کَثیراً طَیِّباً وَسُبْحانَ اللّٰهِ کُلَّما سَبَّحَ اللّٰهَ شَیْءٌ وَکَما یُحِبُّ
ما و خشنود شود و سپاس کنیم بسیار پاکیزه و تنزیه خدا را هرگاه تسبیح کند خدا را چیزی و چنانکه دوست

اللّٰهُ اَنْ یُسَبَّحَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ کُلَّما حَمِدَ اللّٰهَ شَیْءٌ وَکَما یُحِبُّ اللّٰهُ اَنْ یُحْمَدَ وَلا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ کُلَّما
دارد خدا که تنزیه شود و سپاس مر خدا را چندانکه سپاس کند خدا را چیزی و چنانکه دوست دارد خدا که سپاس کرده شود و نیست خدائی مگر خدا هرگاه

هَلَّلَ اللّٰهَ شَیْءٌ وَکَما یُحِبُّ اللّٰهُ اَنْ یُهَلَّلَ وَاللّٰهُ اَکْبَرُ کُلَّما کَبَّرَ اللّٰهَ شَیْءٌ وَکَما یُحِبُّ اللّٰهُ اَنْ یُکَبَّرَ
تهلیل کند خدا را چیزی و چنانکه دوست دارد خدا اینکه تهلیل کرده شود خدا بزرگتر است چون بزرگ کند خدا را چیزی و چنانکه دوست دارد خدا که

وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظیمِ پس بخوان این اللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ یا اَللّٰهُ یا رَحْمٰنُ هفت مرتبه
بزرگ کرده شود و نیست حول و نه توانائی مگر بخدای بلند مرتبه بزرگ دعای مخزون بار خدایا بدرستیکه من میخوانم ترا ای خدا ای بخشنده

بِاَسْمائِکَ الرَّضِیَّةِ الْمَرْضِیَّةِ الْمَکْنُونَةِ یا اَللّٰهُ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ بِاَسْمائِکَ الْکَبیرَةِ
بحق نامهای تو پسندیده بلند شده تو پسندیده ای خدا خداوندا بدرستیکه من میخوانم ترا بنامهای تو بزرگوار

الْکِبْرِیائِیَّةِ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ بِاَسْمائِکَ الْعَزیزَةِ الْمَنیعَةِ وَاَسْئَلُکَ بِاَسْمائِکَ التّامَّةِ
بزرگواران خداوندا بدرستی که من میخوانم ترا بنامهای تو که عزیزند و ارجمند و میخوانم ترا بنامهای تو که تمام

الْکامِلَةِ الْمَشْهُورَةِ یا اَللّٰهُ وَاَسْئَلُکَ بِاَسْمائِکَ الَّتی هِیَ رِضاً لَکَ یا اَللّٰهُ وَاَسْئَلُکَ بِاَسْمائِکَ
و کامل عبرتورا ای خدا خدا و میخوانم ترا بنامهای تو که پسندیده است ای خدا و میخوانم ترا بنامهای تو

الَّتی لا یَرُدُّها دُونَکَ اَحَدٌ یا اَللّٰهُ وَاَسْئَلُکَ مِنْ مَسائِلِکَ بِما عاهَدْتَ اَوْفِی الْعَهْدِ یا اَللّٰهُ
که باز نگرداند غیر تورا هیچکس ای خدا و میخوانم ترا از همه سؤالهای تو بآنچه عهد کرده یا وفا بعهد کرده ای خدا

اَنْ لا تُخَیِّبَ سائِلَکَ یا اَللّٰهُ وَاَسْئَلُکَ بِجُمْلَةِ مَسائِلِکَ الَّتی لا یَفی بِحَمْلِها شَیْءٌ غَیْرُکَ یا اَللّٰهُ
که نا امید نسازی سؤال کننده ای خدا و میخوانم ترا بهمه سؤالهای تو که وفا نکند به برداشتن آنچیزی غیر تو ای خدا

هفت مرتبه وَاَسْئَلُکَ بِکُلِّ اسْمٍ اَوْجَبْتَهُ وَکُلِّ اسْمٍ هُوَ لَکَ وَکُلِّ مَسْئَلَةٍ حَتّٰی یَنْتَهِیَ اِلَی اسْمِکَ
و میخوانم ترا بهر نامی که واجب داشته او را و هر نامی که او مر تراست و هر مسئولی تا آنکه برسد بسوی نام تو

الْاَعْظَمِ الْاَعْظَمِ الْاَکْبَرِ الْعَلِیِّ الْاَعْلَی الَّذِی اسْتَوَیْتَ بِهِ عَلٰی عَرْشِکَ وَاسْتَقْلَلْتَ بِهِ عَلٰی
بزرگتر بزرگتر عظیم تر بزرگ بلند مرتبه بلندتر که استیلا دادی آنرا بر عرش خود و مستقل کردی بآن بر

کہ بہ

كرسيك وهو اسمك الفاضل الكامل الذي فضلته على جميع اسمائك يا رحمن هفت مرتبه

واسئلك بما لا اعلمه ما لو علمته لسئلتك به يا الله وبكل اسم استأثرت به في

علم الغيب عندك يا رحمن يا رحمن ان تصلي على محمد عبدك ورسولك ونبيك وامينك

وحبيبك وصفوتك من خلقك وخاصتك من بريتك ونجيك ونجيبك وحبيبك و

وعلى اهل بيت محمد وترحم على محمد واهل بيت محمد كافضل واجمل وازكى واطهر

واعظم واكثر واتم ما صليت على احد من انبيائك ورسلك يا ذا الجلال والاكرام

اللهم صل على محمد وآل محمد في الاولين وصل على محمد وآل محمد في الآخرين وصل

على محمد وآل محمد في الملأ الاعلى وصل على محمد وآله في النبيين والمرسلين اللهم

اعط محمدا صلواتك عليه وآله الوسيلة والفضيلة والشرف والدرجة الرفيعة

اللهم اكرم مقامه وشرف بنيانه وعظم نوره وبرهانه وبيض وجهه واعل كعبه

وافلج حجته واظهر عذره ودعوته وتقبل شفاعته كما بلغ رسالاتك وتلا آياتك و

امر بطاعتك وامر بها ونهى عن معصيتك وانتهى عنها في سر وعلانية وجاهد

حق الجهاد فيك وعبدك مخلصا حتى اتاه اليقين صلواتك عليه وعلى اهله

اللهم ابعثه مقاما محمودا يغبطه عليه الاولون والآخرون من النبيين والمرسلين اللهم

استعملنا بسنته وتوفنا على ملته وابعثنا في شيعته واحشرنا في زمرته واجعلنا

ممن يتبعه ولا تحجبنا عن رؤيته ولا تحرمنا مرافقته حتى تسكننا غرفه وتخلدنا في

جواره

جوارِهِ رَبِّ اِنّی اُحِبُّهُ فَاَحِبَّنی لِذلِکَ وَلا تُفَرِّقْ بَیْنی وَبَیْنَهُ طَرْفَةَ عَیْنٍ فِی الدُّنْیا وَالْآخِرَةِ
جوار خود پروردگارا بدرستی من دوست دارم او را پس دوست دار مرا بجهت آن و جدائی مکن میان من و میان او بقدر بهم زدن چشم در دنیا و آخرت

اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الَّذینَ اَذْهَبْتَ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهیراً اَللّهُمَّ افْتَحْ لَهُمْ
خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد آنانکه برده‌ای از ایشان گناه را و پاک گردانیدی ایشان را پاک گردانیدنی خداوندا بگشا برای ایشان

فَتْحاً یَسیراً وَانْصُرْهُمْ نَصْراً عَزیزاً وَاجْعَلْ لَهُمْ مِنْ لَدُنْکَ سُلْطاناً نَصیراً اَللّهُمَّ مَکِّنْ لَهُمْ فِی الْاَرْضِ
گشایش آسان و یاری کن ایشان را یاری کردن باعزت و بگردان برای ایشان از نزد خود حجتی یاری دهنده خداوندا جای ده مر ایشان را در زمین

وَاجْعَلْهُمْ اَئِمَّةً وَاجْعَلْهُمُ الْوارِثینَ اَللّهُمَّ اَرِهِمْ فی عَدُوِّهِمْ ما یَأْمُلُونَ وَاَرِ عَدُوَّهُمْ مِنْهُمْ
و بگردان مر ایشان را در زمین و بگردان پیشوا و میراث برنده خداوندا بنما ایشان را درباره دشمن ایشان آنچه آرزو کنند و بنما دشمن ایشان را از ایشان

ما یَحْذَرُونَ اَللّهُمَّ اجْمَعْ بَیْنَهُمْ فی خَیْرٍ وَعافِیَةٍ اَللّهُمَّ عَجِّلِ الرَّوْحَ وَالْفَرَجَ لِآلِ مُحَمَّدٍ اَللّهُمَّ
آنچه حذر کنند خداوندا جمع کن میان ایشان در نیکی و عافیت خداوندا ایشان را راحت و گشایش را برای آل محمد خداوندا

اجْمَعْ عَلَی الْهُدی اَمْرَهُمْ وَاجْعَلْ قُلُوبَهُمْ عَلی قُلُوبِ خِیارِهِمْ وَاَصْلِحْ ذاتَ بَیْنِهِمْ اِنَّکَ حَمیدٌ
جمع کن بر هدایت کار ایشان را و بگردان دلهای ایشان را بر دلهای نیکان ایشان و باصلاح آور حالتی را میان ایشان بدرستی که تو ستوده

مَجیدٌ اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَغْفِرَ لی وَلِوالِدَیَّ وَما وَلَدا وَ
بزرگواری خداوندا بدرستیکه من میخواهم از تو آنکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و آنکه بیامرزی مرا و پدر و مادر مرا و آنچه زایند ایشان

اَعْتِقْهُما مِنَ النّارِ وَارْحَمْهُما وَارْضَ عَنْهُما وَاغْفِرْ لِکُلِّ والِدٍ لی دَخَلَ فِی الْاِسْلامِ
و آزاد کن ایشان را از آتش و رحم کن ایشان را و خوشنود باش از ایشان و بیامرز مر هریک از پدران من که درآمده باسلام

وَلِاَهْلی وَوُلْدی وَجَمیعِ قَراباتی اِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ اَللّهُمَّ اجْعَلْنی وَجَمیعَ وَرَثَةِ اَبی وَ
و مر اهل مرا و فرزندان مرا و همه خویشانم بدرستی که تو بر هر چیز توانائی خداوندا بگردان مرا و همه میراث بران پدرم

اِخْوانی فیکَ مِنْ اَهْلِ وِلایَتِکَ وَمَحَبَّتِکَ فَاِنَّهُ لا یَقْدِرُ عَلی ذلِکَ غَیْرُکَ یا رَحْمنُ اَللّهُمَّ
و برادرانم در تو از اهل ولایت خود و دوستی خود پس بدرستیکه او قدرت ندارد بر آن غیر تو خداوندا توفیق ده مرا

اَوْزِعْنی اَنْ اَشْکُرَکَ وَاَشْکُرَ نِعْمَتَکَ الَّتی اَنْعَمْتَ عَلَیَّ وَعَلی والِدَیَّ وَاَنْ اَعْمَلَ صالِحاً تَرْضیهُ
که سپاس گذارم و شکر کنم نعمت ترا که انعام کردی بر من و بر پدر و مادرم و آنکه بکنم کار شایسته که بپسندی آن را

وَاَصْلِحْ لی فی ذُرِّیَّتی اِنّی تُبْتُ اِلَیْکَ وَاِنّی مِنَ الْمُسْلِمینَ وَاجْزِ والِدَیَّ خَیْرَ ما جَزَیْتَ والِداً
و بسامان آور برای من در فرزندانم بدرستیکه من رجوع کردم بسوی تو و بدرستیکه من از گردن نهندگانم و جزا ده پدر و مادر مرا بهتر آنچه جزا دادی

عَنْ وَلَدِهِ وَاجْعَلْ ثَوابَهُما عَنّی جَنّاتِ النَّعیمِ وَاغْفِرْ لَنا وَلِاِخْوانِنَا الَّذینَ سَبَقُونا
پدری را از فرزند او و بگردان پاداش ایشان را از من بهشتهای پرنعمت و بیامرز ما را و مر برادران ما را آنانکه پیشی گرفتند ما را

بِالْاِیمانِ وَلا تَجْعَلْ فی قُلُوبِنا غِلاًّ لِلَّذینَ آمَنُوا رَبَّنا اِنَّکَ رَؤُفٌ رَحیمٌ وَاغْفِرْ لَنا
بایمان و مگردان در دلهای ما کینه را مر آنانکه گرویدند ای پروردگار ما بدرستیکه تو بخشنده مهربانی و بیامرز ما را

وَلِلْمُؤْمِنینَ وَالْمُؤْمِناتِ الْاَحْیاءِ مِنْهُمْ وَالْاَمْواتِ اَللّهُمَّ اَصْلِحْ ذاتَ بَیْنِهِمْ وَاجْمَعْ
و مر گروندگان را و زنهای ایشان زنده‌های ایشان و مرده‌های ایشان بارخدایا بسامان آور میان ایشان را و جمع کن

عَلَی الْهُدی اَمْرَهُمْ وَاجْعَلْنی وَاِیّاهُمْ عَلی طاعَتِکَ وَمَحَبَّتِکَ اَللّهُمَّ وَالْمُمْ شَعَثَهُمْ وَاحْقِنْ
بر هدایت کار ایشان و بگردان مرا و ایشان را بر فرمان برداری تو و دوستی خود خدایا فراهم آور ریخته شده ایشان و خون ایشان را

دِمائهم وَوَلِّ امرَهم خيارَهم اهلَ الرأفة والرحمة والمعدلة عليهم انّك على كلّ شيءٍ
خونت را و بگردان متولی امر ایشان نیکانشان اهل مهربانی و رأفت و رحمت و معدلت بر ایشان بدرستیکه تو بر هر چیزی
قديرٌ يا ربّ يا ربّ يا ربّ اللّهمّ بديعَ السموات والارض عالمَ الغيب والشهادة ذا الجلال
توانائی ای پروردگار ای پروردگار خداوندا پدید آورنده آسمانها و زمین داننده پنهان و آشکار صاحب بخشش
والاكرام والجود والقوّة والسلطان والجبروت والملكوت والكبرياء والعظمة
و کرامی و جود و بخشندگی و پادشاهی و بزرگواری و سلطانی و بزرگی و بزرگواری
والقدرة والمدحة والرهبة والرغبة والجود والعلوّ والحجّة والهدى والطاعة
و قدرت و ستایش و ترس و خواهش و جود و بلندی و حجت و راهنمائی و طاعت
والعبادة والامر والخلق وكلّ شيءٍ لك يا ربّ العالمين يا ربّ يا ربّ اسئلك يا ربّ
و پرستش و فرمانهی و آفریدگار و هر چیزی مر ترا ای پروردگار جهانیان ای پروردگار من ای پروردگار من سؤال میکنم ترا
سؤال الضّارعين المتضرّعين المساكين المستكينين الراغبين الراهبين الذين لا
ای پروردگار سؤال میکنم ترا ای پروردگار فروتنی کنندگان زاری درماندگان و ذلیلان خواهشمندان ترسندگان آنانکه
يجدون سواك يا من يجيب المضطرّ ويكشف الضرّ ويجيب الداعي ويعطي السائل
نیابند غیر ترا ای آنکه اجابت میکنی درماندگان را و زایل میکنی بدیها را و اجابت میکند خواننده را و عطا میکند خواهنده را
اسئلك يا ربّ سؤال من لم يجد لضعفه مقوّيا ولا لذنبه غافرا ولا لفقره سادّا غيرك
میخواهم ترا ای پروردگار سؤال آنکه نیافت نشده مر ناتوانی او تقویت و نه بجهة گناه خود آمرزنده و نه فقر خود غیر تو
اسئلك سؤال من اشتدّت فاقته وضعفت قوّته وكثرت ذنوبه يا ذا الجلال و
سؤال میکنم ترا سؤال کردن آنکه سخت شد احتیاجم و سست شده قوت او و بسیار باشد گناهان او ای خداوند بزرگوار و
الاكرام يا ربّ يا ربّ يا ربّ اسئلك يا ربّ مسئلة كلّ سائلٍ ورغبة كلّ راغبٍ تبذل
ای پروردگار ای پروردگار ای پروردگار سؤال میکنم ترا ای پروردگار خواستن هر خواهنده و خواهش هر خواهشمند که بخشش نمود
اذا دعيت اجبت وبحقّ السائلين عليك وبحقّ صفوتك من عبادك ومنتهى العزّ من عرشك
هرگاه خوانده شود پذیرفته و بحق سؤال کنندگان بر تو و بحق برگزیده تو از بندگان تو و منتهای عزت از عرش تو
ومنتهى الرحمة من كتابك ان لا تستدرجني بخطيئتي ولا تجعل مصيبتي في ديني واذكرني
و منتهای رحمت از کتاب تو اینکه بحث نه بعقوبت مرا بخطای من و نه گردان مصیبت مرا در دین و یاد کن مرا
يا ربّ برضاك ولا تنسني حين تنشر رحمتك واقبل عليّ بوجهك الكريم وامنن عليّ
ای پروردگارم بخوشنودی تو و وامگذار مرا هنگامی پهن نمائی رحمت خود را و بپذیر بر من بذات بزرگوار تو و بخشش کن بر
بكرامتك يا كريم العفو واستجب دعائي وارحم تضرّعي فانّي بائسٌ فقيرٌ خائفٌ مستجيرٌ
بزرگواری خود ای کریم در گذر و بپذیر دعاء مرا و رحم کن زاری مرا پس بدرستی که من محتاجم ترسان زنهار جوینده
من عذابك لا اثق بعملي ولكنّي اثق برحمتك يا ربّ يا ربّ يا ربّ اللّهمّ كن بي حفيّا
از عذاب تو اعتماد ندارم بکردارم ولیکن برحمت ای پروردگار ای پروردگار خدایا باش بمن مهربان
ولا تجعلني بدعائك ربّ شقيّا وامنن عليّ بعافيتك واعتق رقبتي من النار فانّي
و مگردان مرا بدعای تو پروردگار و بخشش کن بر من بعافیت خود و آزاد کن گردن مرا از آتش پس

لا استغيث بغيرك واستجيرك فاجرني من كل هول ومشقة وخوف يا من خوفي وشجع

جنبني وقو ضعفي وسد فاقتي واصلح لي جميع اموري يا رب اعوذ بك من هول المطلع

ومن شدة الموقف يوم الدين فانك تجير ولا يجار عليك يا رب يا رب يا رب اللهم

لا تعرض عني حين ادعوك ولا تصرف عني وجهك حين اسألك فلا رب لي سواك

واعطني مسئلتي وامن خوفي يوم القاك اللهم اني اعوذ بك فاعذني فاني ضعيف

خائف مستجير بائس فقير يا رب يا رب يا رب اللهم اكشف ضر ما استعذتك منه والبسني

رحمتك وجللني عافيتك وامني برحمتك فانك تجير ولا يجار عليك اللهم اني اعوذ

بك من وحشة القبر ومن خلوته ومن ظلمته وضيقه وعذابه ومن هول ما اتخوف

بعده يا رب العالمين يا رب يا رب يا رب اللهم اني اسئلك ان تصلي على محمد واهل

بيته صفوتك وخيرتك من خلقك وان تستجيب لي دعائي وتعطيني سؤلي واكفني

امر اخرتي ودنياي وارحم فاقتي واغفر ذنوبي ما تقدم منها وما تأخر واتني في الدنيا حسنة

وفي الاخرة حسنة وقني برحمتك عذاب النار اللهم ارزقني صلة قرابتي وحجا متقبلا

وعملا مبرورا ترضاه ممن عمل به واصلح لي اهلي وولدي واسئلك ان تجعل لي عقبا

صالحا تلحقني من دعائهم رضوانا ومغفرة وزيادة في كرامتك انك على كل شيء

قدير وانت ارحم الراحمين يا رب يا رب اللهم وكلما كان في قلبي من شك او ريبة

او جحود او قنوط او فرح او مرح او بطر او فخر او خيلاء او جبن او خفة او رياء او سمعة

أَوْ شِقاقٍ أَوْ نِفاقٍ أَوْ كُفْرٍ أَوْ فُسُوقٍ أَوْ عِصْيانٍ أَوْ عَظَمَةٍ أَوْ شَيْءٍ مِمّا لا تُحِبُّ عَلَيْهِ أَوْلِياءَكَ
یا شقاق یا نفاق یا کفر یا نافرمانی یا عصیان یا بزرگی یا چیزی از آن دوست نمیداری براو دوستان تو

فَأَسْئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَنْ تَمْحُوَ ذلِكَ مِنْ قَلْبِي وَأَنْ تُبَدِّلَنِي مَكانَهُ إِيماناً وَعَدْلاً
پس میخواهم ترا بحق محمد وآل محمد اینکه زایل کنی آنرا از دل من واینکه بدل کنی جایگاه گرویدن وعدالت

وَرِضاً بِقَضائِكَ وَوَفاءً بِعَهْدِكَ وَوَجَلاً مِنْكَ وَزُهْداً فِي الدُّنْيا وَرَغْبَةً فِيما عِنْدَكَ
وخوشنودی بحکم تو ووفا به پیمان تو وترسیدن از تو وبی‌رغبتی در دنیا وخواهش آنچه در نزد تست

وَثِقَةً بِكَ وَطُمَأْنِينَةً إِلَيْكَ وَتَوْبَةً إِلَيْكَ نَصُوحاً يا رَبِّ يا رَبِّ يا رَبِّ اَللّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَما
واعتماد بتو وآرام گرفتن بسوی تو وبازگشت بسوی تو بازگشت خالص ای پروردگار ای پروردگار خدایا مر تراست حمد چنانکه

خَلَقْتَنِي وَلَمْ أَكُ شَيْئاً مَذْكُوراً فَأَعِنِّي عَلى أَهْوالِ الدُّنْيا وَبَوائِقِ الدَّهْرِ وَنَكَباتِ الزَّمانِ
آفریدی مرا ونبودم چیزی نام برده شده پس یاری کن مرا بر شدائد دنیا وبلاهای روزگار ومصیبتهای زمانه

وَكُرُباتِ الْآخِرَةِ وَمُصِيباتِ اللَّيالِي وَالْأَيّامِ وَاكْفِنِي شَرَّ ما يَعْمَلُ الظّالِمُونَ فِي الْأَرْضِ اَللّهُمَّ
واندوههای آنجهان وحادثه که میرسد در شبها وروزها ودفع کن گزند آنچه میکنند ستمکاران در زمین خدایا

بارِكْ لِي فِي قَدَرِكَ وَرَضِّنِي بِقَضائِكَ اَللّهُمَّ افْتَحْ مَسامِعَ قَلْبِي لِذِكْرِكَ وَارْزُقْنِي شُكْراً
برکت ده مرا در تقدیر خود وخوشنود کن مرا بحکم خود خدایا بگشا گوشهای دل برای شنیدن ذکر خود وروزی کن مرا شکر

وَتَوْفِيقاً وَعِبادَةً وَخَشْيَةً يا رَبَّ الْعالَمِينَ يا رَبِّ يا رَبِّ اَللّهُمَّ اطَّلِعْ عَلَيَّ الْيَوْمَ اطِّلاعاً
وتوفیق وعبادت وترس ای پروردگار جهانیان ای پروردگار خداوندا بنگر بر من امروز نگریستنی

تُدْخِلُنِي بِهَا الْجَنَّةَ اَللّهُمَّ اسْتَجِبْ دُعائِي وَاقْبَلْهُ مِنِّي وَاجْعَلْهُ دُعاءً جامِعاً يُوافِقُ بَعْضُهُ
که درآورد مرا بآن در بهشت خداوندا بپذیر دعای مرا وقبول کن آنرا از من وبگردان اورا دعای جمع کننده که بعض آن بعض را

بَعْضاً فَإِنَّ كُلَّ شَيْءٍ عِنْدَكَ بِمِقْدارٍ اَللّهُمَّ وَاجْعَلْهُ مِنْ شَأْنِكَ فَإِنَّكَ كُلَّ يَوْمٍ فِي شَأْنٍ اَللّهُمَّ
بعض را پس بدرستی که هر چیزی نزد تو باندازه است خدایا وبگردان اورا از جمله کار خود پس بدرستیکه تو هر روز در کاری خدایا

وَاكْتُبْهُ لِي فِي عِلِّيِّينَ فِي كِتابٍ لا يُمْحى وَلا يُبَدَّلُ بِأَنْ تَقُولَ قَدْ غَفَرْتُ لِعَبْدِي ما تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ
وبنویس اورا برای من در علیین در کتاب که محو نشود وتغییر نشود باینکه بگوید که آمرزیدم مر بنده خود را آنچه مقدم داشته از گناه

وَما تَأَخَّرَ وَاسْتَجَبْتُ لَهُ دَعْوَتَهُ وَوَفَّقْتُهُ وَاصْطَفَيْتُهُ لِنَفْسِي وَكَرَّمْتُهُ وَفَضَّلْتُهُ وَعَصَمْتُهُ
وآنچه تأخیر شده وپذیرفتم مر اورا دعوتش را وتوفیق دادم اورا وبرگزیدم اورا برای خود وگرامی داشتم اورا وافزونی دادم

وَهَدَيْتُهُ وَزَكَّيْتُهُ وَأَصْلَحْتُهُ وَاسْتَخْلَصْتُهُ وَغَفَرْتُ لَهُ وَعَفَوْتُ عَنْهُ آمِينَ يا رَبِّ يا رَبِّ
اورا ونگاه داشتم اورا وراه نمودم اورا وپاک کردم اورا وخالص کردم اورا وآمرزیدم مر اورا ودرگذشتم از او بپذیر ای پروردگار

اَللّهُمَّ إِنِّي أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي خَلاصِي وَخَلاصِ
خدایا بدرستی که من روکردم بسوی تو به پیغمبر تو رحمت محمد رحمت خدا براو وآل او در خلاصی خود وخلاص

والِدَيَّ وَما وَلَدا وَأَهْلِي وَوُلْدِي وَجَمِيعِ ذُرِّيَّةِ أَبِي وَإِخْوانِي فِيكَ وَجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِناتِ
پدر ومادر وآنچه زائیده خاندان خود وفرزندان خود وهمه اولاد خود پدرم وبرادرانم وهمه مردمان گرونده وزنان گرونده

وَكُلِّ وَلَدٍ لِي دَخَلَ فِي الْإِسْلامِ مِنْ أَهْوالِ يَوْمِ الْقِيمَةِ وَمِنْ شَرِّ عَذابِ الْقَبْرِ وَمِنْ هُمُومِ
وهمه فرزندانم که درآمده باسلام از شدائد روز جزا واز عذاب قبر واز غمهای

الدنيا والآخرة واهوالها واسألك ان ترزقني خيرها وتصرف عني شرها وتثبتني بالقول الثابت

في الحيوة الدنيا والآخرة انك رؤف رحيم وصلى الله على محمد وآله وسلم كثيراً وحسبنا الله

ونعم الوكيل يا رب يا رب يا رب اللهم اني اسئلك ان تصرف عني شر كل جبار عنيد وشيطان

مريد وشر كل ضعيف من خلقك وشديد ومن شر السامة والهامة والخاصة والعامة و

من شر كل دابة صغيرة او كبيرة بالليل والنهار ومن شر فسقة العرب والعجم ومن شر فسقة

الجن والانس انك على كل شيء قدير ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم وصلى الله على

محمد وآله خير مخلوق دعا الى خير معبود اللهم ربنا وآتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة

وقنا برحمتك عذاب النار يا رب يا رب يا رب اللهم وما كان من خير او عمل صالح اسئلك

به واكون في رضوانك وعافيتك وما صلح من ذلك من البر فامنن علي به اني اليك راغب

وبك مستجير اللهم ما استعفيتك منه وما لم استعفك منه ويوجب علي به النار وسخطك

فعافني منه وما عذت من المخازي يوم القيمة وسوء المطلع الى ما في القبور فاعذني منه

اللهم وما اندم عليه من فعل له واجازي عليه يوم المعاد او تراني في الدنيا على الحال

التي توجب سخطك فاسئلك بوجهك الكريم ان تعظم عافيتي من جميع ذلك يا ولي العافية

يا رب يا رب يا رب واسئلك يا رب مع ذلك العافية من جهد البلاء وسوء القضاء

وشماتة الاعداء وان تحملني ما لا طاقة لي به وان تسلط علي ظالما او تبتليني بما لا طاقة

لي به وتناقشني الحساب يوم الحساب مناقشة بمسائي احوج ما اكون الى عفوك وتجاوزك اسئلك

بوجهك الكريم أن تعطيني عافيتي في جميع ذلك يا وليّ العافية أي من عفى عن السيّئات ولم

يجازِ بها ارحم عبدك يا ربّ يا ربّ يا ربّ يا الله يا الله يا الله نفسي نفسي ارحم عبدك يا

سيّده عبدك بين يديك يا ربّاه يا ربّاه يا ربّاه يا منتهى رغبتنا يا مجري الدم في عروق

عبدك عبدك يا سيّده يا مالك عبده يا سيّداه يا مالكاه يا هوه يا ربّاه لا حيلة لي ولا

غنى عن نفسي ولا أستطيع لها ضرّاً ولا نفعاً ولا رجاءً ولا أجد أحداً أصانعه تقطّعت

أسباب الخدائع واضمحلّ عني كلّ باطل أفردني الدهر إليك فقمت هذا المقام إلهي بعلمك

فكيف أنت صانع بي ليت شعري ولا أشعر كيف تقول لدعائي أتقول نعم أو تقول لا فإن قلت

لا فيا ويلتا يا ويلتاه يا ويلتاه يا عولتا يا عولتاه يا عولتاه يا شقوتا يا شقوتاه يا شقوتاه يا ذلّاه يا ذلّاه

يا ذلّاه إلى من وإلى عند من أو كيف أو بماذا أو إلى أيّ شيء ومن أرجو ومن يعود عليّ إن

رفضتني يا واسع المغفرة وإن قلت نعم كما الظنّ بك فطوبى لي أنا السعيد وطوبى لي أنا

المرحوم يا مترحّم يا مترئّف يا متعطّف يا محيي يا متملّك يا متسلّط لا عمل لي أرجو به

نجاح حاجتي ولا أحد أنفع لي منك يا من عرّفني يا من أمرني بطاعته يا مدعوّ يا مسؤول

يا مطلوب إليه رفضت وصيّتك التي أوصيتني ولو أطعتك لكفيتني ما قمت إليك فيه

من قبل أن أقوم وأنا مع معصيتي لك راجٍ فلا تحل بيني وبين ما رجوته واردد يدي ملأى

من خيرك بحقك يا سيّدي يا وليّي أنا من قد عرفت شرّ عبد وأنت خير ربّ يا مخشيّ الانتقام

يا ربّ يا ربّ يا ربّ يا الله يا الله يا الله يا محيط بملكوت السموات والأرض أصلحني لدنياي

وقف بر امام همام حضرت حجة بن الحسن (ع) و علی بن موسی الرضا علیهما السلام
واقف المرحوم آیة الله العظمی حاج سید عبد الباقی آیت اللهی شیرازی

وَاَصْلِحْ لى دينى وَاَصْلِحْ لى اٰخِرَتى وَاَصْلِحْ لى اَهْلى وَاَصْلِحْ لى وُلْدى وَاَصْلِحْ لى ما خَوَّلْتَنى يا اِلٰهى
وسامان آور برامر دین من وسامان آور برامر آخرت مرا و اهل مرا وسامان آور برامر فرزندان مرا و در برآنچه عطا فرمودی ای خدای من

وَاَصْلِحْنى مِنْ خَطاياىَ يا حَنّانُ يا مَنّانُ تَفَضَّلْ عَلَىَّ بِرَحْمَتِكَ وَامْنُنْ عَلَىَّ بِاِجابَتِكَ
و بصلاح آور مرا از گناهانم ای مهربان ای بخشنده بخشش کن برمن برحمت خود و انعام کن برمن باجابت خود

وَصَلِّ اللّٰهُمَّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ النَّبِىِّ وَاَهْلِهِ وَسَلِّمْ وَحُلْ بَيْنى وَبَيْنَ ما حَلَّتْ بَيْنَهُ وَبَيْنَ اَهْلِ
و رحمت فرست خدایا بر محمد پیغمبر و خاندان او و درود و حامی شو میان من و میان آنچه حاجب شده میان او و میان خانواده

بَيْتِ مُحَمَّدٍ مِنَ الْباطِلِ وَاٰتِنا فِى الدُّنْيا حَسَنَةً وَفِى الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ
محمد از امر باطل و بده ما را در این جهان نیکی و در آخرت نیکی ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

يس بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحيمِ وَاِلٰهُكُمْ اِلٰهٌ واحِدٌ لا اِلٰهَ اِلّا هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحيمُ اَللّٰهُ لا اِلٰهَ
بگو بنام خداوند بخشاینده مهربان و خدای شما خدائیست یگانه نیست خدائی مگر او بخشنده مهربان خدائی نیست

اِلّا هُوَ الْحَىُّ الْقَيُّومُ لا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلا نَوْمٌ لَهُ ما فِى السَّمٰواتِ وَما فِى الْاَرْضِ مَنْ ذَا الَّذى
سزاوار پرستش مگر او زنده توانا نگیرد او را خواب سبک و نه خواب مر او را آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است کیست آنکه

يَشْفَعُ عِنْدَهُ اِلّا بِاِذْنِهِ يَعْلَمُ ما بَيْنَ اَيْديهِمْ وَما خَلْفَهُمْ وَلا يُحيطُونَ بِشَىْءٍ مِنْ عِلْمِهِ اِلّا
درخواست کند نزد او مگر بفرمان او میداند آنچه پیش روی ایشان و آنچه در پس سرایشان و فرا نمیرسند بچیزی از دانش او مگر

بِما شاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمٰواتِ وَالْاَرْضَ وَلا يَؤُدُهُ حِفْظُهُما وَهُوَ الْعَلِىُّ الْعَظيمُ الٓمٓ اَللّٰهُ
آنچه خواسته فرا گرفته کرسی او آسمانها و زمین و رنج نکند او را نگهبانی دو او بلند و بزرگ مرتبه است الف لام میم خداست

لا اِلٰهَ اِلّا هُوَ الْحَىُّ الْقَيُّومُ هُوَ الَّذى يُصَوِّرُكُمْ فِى الْاَرْحامِ كَيْفَ يَشاءُ لا اِلٰهَ اِلّا
سزاوار پرستش مگر او زنده پاینده اوست که نگارد صورت شما را در رحمها هرگونه که بخواهد نیست خدائی مگر

هُوَ الْعَزيزُ الْحَكيمُ اَلَّذينَ يَقُولُونَ رَبَّنا اِنَّنا اٰمَنّا فَاغْفِرْ لَنا ذُنُوبَنا وَقِنا عَذابَ النّارِ
او غالب درست کردار آنانکه میگویند پروردگارا بدرستیکه ما گرویدیم پس بیامرز گناهان ما را و نگاهدار ما را از عذاب آتش

اَلصّابِرينَ وَالصّادِقينَ وَالْقانِتينَ وَالْمُنْفِقينَ وَالْمُسْتَغْفِرينَ بِالْاَسْحارِ شَهِدَ اللّٰهُ
صبر کنندگان و راست گویان و طاعت گذاران و صدقه کنندگان و آمرزش طلبان در سحرها گواهی داده خدا

اَنَّهُ لا اِلٰهَ اِلّا هُوَ وَالْمَلٰٓئِكَةُ وَاُولُوا الْعِلْمِ قائِماً بِالْقِسْطِ لا اِلٰهَ اِلّا هُوَ الْعَزيزُ الْحَكيمُ
که نیست خدائی سزاوار پرستش مگر او و فرشتگان و صاحبان دانش پا دارنده عدالت نیست خدائی مگر او غالب درست کردار

اِنَّ الدّينَ عِنْدَ اللّٰهِ الْاِسْلامُ اَللّٰهُ لا اِلٰهَ اِلّا هُوَ لَيَجْمَعَنَّكُمْ اِلىٰ يَوْمِ الْقِيٰمَةِ لا رَيْبَ فيهِ
بدرستیکه دین نزد خدا اسلام است خدا نیست خدائی مگر او هر آینه فراهم آورد شما را تا روز رستخیز نیست شکی در آن

وَمَنْ اَصْدَقُ مِنَ اللّٰهِ حَديثاً ذٰلِكُمُ اللّٰهُ رَبُّكُمْ لا اِلٰهَ اِلّا هُوَ خالِقُ كُلِّ شَىْءٍ فَاعْبُدُوهُ وَهُوَ عَلىٰ
و کیست راستگوتر از خدا خبری اینست شما خدا پروردگار شما نیست خدائی مگر او پدید آورنده هر چیز پس بپرستید او را و او بر

كُلِّ شَىْءٍ وَكيلٌ اِتَّبِعْ ما اُوحِىَ اِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ لا اِلٰهَ اِلّا هُوَ وَاَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكينَ قُلْ يا اَيُّهَا النّاسُ
هر چیزی نگهبانست پیروی کن آنچه پیغام کرده بسوی تو از پروردگار تو نیست خدائی مگر او و روی بگردان از مشرکان بگو ای گروه مردم

اِنّى رَسُولُ اللّٰهِ اِلَيْكُمْ جَميعاً اَلَّذى لَهُ مُلْكُ السَّمٰواتِ وَالْاَرْضِ لا اِلٰهَ اِلّا هُوَ يُحْيى وَيُميتُ فَاٰمِنُوا
بدرستیکه من فرستاده خدایم بسوی شما همه آنکه اینکه مر او راست پادشاهی آسمانها و زمین نیست خدائی مگر او زنده میکند و میمیراند پس بگروید

بالله ورسوله النبي الامي الذي يؤمن بالله وكلماته واتبعوه لعلكم تهتدون
بخدا و فرستاده او پیغمبر امی آنکه میگرود بخدا و کلمهای او و پیروی کنید او را تا شما راه یابید
وما امروا الا ليعبدوا الها واحدا لا اله الا هو سبحانه عما يشركون لقد جاءكم
و نه فرمود مر ایشانرا مگر پرستیدن خدای یگانه نیست خدائی مگر او پاکست او از آنچه شریک میدهند بتحقیق آمد شما را
رسول من انفسكم عزيز عليه ما عنتم حريص عليكم بالمؤمنين رؤف رحيم فان تولوا
فرستاده از جنس شما دشوار است براو رنج و تعب بر شما بمومنان مهربان بخشنده پس اگر بگردند
فقل حسبي الله لا اله الا هو عليه توكلت وهو رب العرش العظيم حتى اذا ادركه الغرق قال
پس بگو کافی است مرا خدا نیست خدائی مگر او براو اعتماد کردم و او پروردگار عرش بزرگست تا چون دریافت او را غرق گفت
امنت انه لا اله الا الذي امنت به بنو اسرائيل وانا من المسلمين فان لم يستجيبوا لكم
گرویدم اینکه نیست خدائی مگر آنکه گرویده باو فرزندان یعقوب و من از گردن نهندگانم پس اگر اجابت نکردند برای شما
فاعلموا انما انزل بعلم الله وان لا اله الا هو فهل انتم مسلمون قل هو ربي لا اله
پس بدانید آنچه فرستاده شد بدانش خدا و اینکه نیست خدائی مگر او پس آیا شما گردن نهندگانید بگو او پروردگار من نیست خدا
الا هو عليه توكلت واليه متاب ان انذروا انه لا اله الا انا فاتقون الله لا اله الا هو له الاسماء
مگر او براو اعتماد کردم و بسوی اوست بازگشت که اعلام کنی که نیست خدائی مگر من پس بپرهیزید عذاب نیست خدائی مگر او مر او راست
الحسنى فاستمع لما يوحى انني انا الله لا اله الا انا فاعبدني واقم الصلوة لذكري انما الهكم
نامهای نیکو پس بشنو هرآنچه وحی کرده شد که منم خدا نیست خدائی مگر من پس پرستید مرا و بپای دارید نماز را که بخاطر آورید مرا خدای شما
الله الذي لا اله الا هو وسع كل شيء علما وما ارسلنا من قبلك من رسول الا نوحي اليه
خدائیست که نیست خدا مگر او فراگیرنده هر چیز دانش را و نفرستادیم پیش از تو هیچ پیغمبری مگر آنکه وحی شود بسوی او
انه لا اله الا انا فاعبدون وذا النون اذ ذهب مغاضبا فظن ان لن نقدر عليه
که نیست خدائی مگر من پس پرستید مرا و یاد کنید خدای را که رفت خشمناک پس گمان کرد اینکه سخت نگیریم براو
فنادى في الظلمات ان لا اله الا انت سبحانك اني كنت من الظالمين فاستجبنا له ونجيناه
پس ندا کرد در تاریکیها که نیست خدائی مگر تو پاکی تو بدرستیکه من هستم از ستمکاران پس پذیرفتیم مراورا و رهانیدیم او را
من الغم وكذلك ننجي المؤمنين فتعالى الله الملك الحق لا اله الا هو رب العرش الكريم
از اندوه و همچنین رهانیدیم گروندگانرا پس برتر است خدا پادشاه حق نیست خدائی مگر او پروردگار عرش بزرگ
الله لا اله الا هو رب العرش العظيم وهو الله لا اله الا هو له الحمد في الاولى والاخرة
خدا نیست خدائی مگر او پروردگار عرش بزرگ او اوست خدا نیست خدائی مگر او مراوراست در اینجهان و آنجهان
وله الحكم واليه ترجعون يا ايها الناس اذكروا نعمة الله عليكم هل من خالق غير
و مراوراست حکم و بسوی اوست بازگشت ای مردمان یاد کنید نعمت خدا را بر شما آیا هیچ آفریننده هست بجز
الله يرزقكم من السماء والارض لا اله الا هو فانى تؤفكون انهم كانوا اذا قيل لهم لا اله
خدا روزی میدهد شما را از آسمان و زمین نیست خدائی مگر او پس از کجا دروغ میگوئید که ایشان بودند که چون گفته شد مرایشانرا نیست
الا الله يستكبرون ذلكم الله ربكم له الملك لا اله الا هو فانى تصرفون غافر الذنب
خدائی مگر خدا پروردگار شما مراوراست پادشاهی نیست خدائی مگر او پس از کجا دروغ میبافید آمرزنده گناه

وَقَابِلِ التَّوْبِ شَدِيدِ الْعِقَابِ ذِي الطَّوْلِ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ ذٰلِكُمُ اللّٰهُ رَبُّكُمْ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ
و پذیرنده توبه سخت عقوبت خداوند انعام نیست خدائی مگر او بسوی اوست بازگشت اینست شمارا خدا پروردگار شما آفریننده هر چیز

لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ فَأَنّٰى تُؤْفَكُونَ تَبَارَكَ اللّٰهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ
نیست خدائی مگر او پس بکجا تکذیب میکنید بارک گرد خدا پروردگار جهانیان نیست خدائی مگر او زنده میکند و میمیراند پروردگار شما و پروردگار پدران شما

الْأَوَّلِينَ فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَاللّٰهُ يَعْلَمُ مُتَقَلَّبَكُمْ
پیشینیان پس بدان که او نیست خدائی مگر خدا و آمرزش طلبید مرگناه خود را و مر مردان گرونده و مر زنان گرونده و خدا میداند جای گردیدن شمارا

وَمَثْوَاكُمْ لَوْ أَنْزَلْنَا هٰذَا الْقُرْآنَ عَلٰى جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللّٰهِ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ
و جایگاه شمارا که فرو میفرستادیم این قرآن را بر کوه هرآینه میدیدی او را ترسان شگافته از ترس خدا و این داستانهاییست

نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ هُوَ اللّٰهُ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ
که میزنیم برای مردمان تا شاید ایشان اندیشه کنند اوست خدا که نیست خدائی مگر او داننده پنهان و آشکار و اوست

الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ هُوَ اللّٰهُ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ
بخشنده مهربان او خدائیکه نیست خدائی مگر او پادشاه پاک داناء ایمن از آهراقی دیدبان غالب درست کردار

الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللّٰهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ هُوَ اللّٰهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنٰى يُسَبِّحُ
پاکست خدا از آنچه شرک می آورند اوست خدا آفریننده و پدید آورنده صورت بخش مر او راست نامهای نیک تنزیه

لَهُ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ اللّٰهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ وَعَلَى اللّٰهِ فَلْيَتَوَكَّلِ
کنند مر او را آنچه در آسمان و زمین است و اوست غالب درست کار خدا نیست خدائی مگر او و بر خدا پس اعتماد کنند

الْمُؤْمِنُونَ رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا بِسْمِ هفت وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ لَا يَأْتِيهِ
گروندگان را پروردگار مشرق و مغرب را نیست خدائی مگر او پس بگیر مر او را نگهبان مرتبه بگو و بدرستیکه او کتابیست غالب که نیاید او را

الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ بِسْمِ آمَنَّا بِاللّٰهِ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْنَا
بیحاصلی از پیش او و نه از پس او فرستاده شده از درست کار ستوده بگو گرویدیم بخدا و آنچه فرستاده شد بسوی ما

وَمَا أُنْزِلَ إِلٰى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسٰى وَعِيسٰى وَمَا
و آنچه فرستاده شد بسوی ابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و اسباط و آنچه داده شده موسی و عیسی و آنچه

أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ رَبُّنَا رَبُّ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ
داده شده پیغمبران از پروردگارشان جدائی نمی‌کنیم میان هیچیک از ایشان و ما مر او را گردن نهندگانیم پروردگار ما پروردگار آسمانها و زمین

لَنْ نَدْعُوَ مِنْ دُونِهِ إِلٰهًا لَقَدْ قُلْنَا إِذًا شَطَطًا الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي هَدَانَا لِهٰذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ
هرگز نخوانیم غیر او را خدائی را بتحقیق گفتیم گفتار دروغ سپاس مر خدا را که راه نمود ما را مر اینجا و نبودیم که راه یابیم

لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللّٰهُ لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ بِسْمِ السَّلَامُ عَلَيْكَ
اگر نه هدایت میکرد ما را خدا هرآینه بتحقیق آمدند پیغمبران پروردگار ما براستی رحمت خدا بر ایشان همه بگو درود بر تو

يَا رَسُولَ اللّٰهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ اللّٰهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خِيَرَةَ اللّٰهِ مِنْ خَلْقِهِ وَأَمِينَهُ عَلٰى
ای فرستاده خدا درود بر تو ای پیغمبر خدا درود بر تو ای بهترین خلق خدا و امین او بر

وَحْيِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْتَ حُجَّةُ اللّٰهِ عَلٰى خَلْقِهِ وَأَمِينُهُ عَلٰى وَحْيِهِ وَبَابُ
پیغام او درود بر تو ای آقای من ای پادشاه گروندگان و تو حجت خدائی بر خلق و امین بر وحی او و درگاه

امه وصی نبیه والخلیفة من بعده فی امته لعن الله امة غصبتک حقک وقعدت
و بشش او و وصی پیغمبر او و جانشین از بعد او در امت او لعنت کند خدا گروهی را که غصب کردند حق ترا و نشستند

مقعدک انا بریء منهم ومن شیعتهم الیک السلام علیک یا فاطمة البتول السلام علیک
در نشیمن گاه تو من بیزارم از ایشان و پیروان ایشان بسوی تو درود بر تو ای فاطمه بتول درود بر تو

یا زین نساء العالمین السلام علیک یا بنت رسول الله رب العالمین صلی الله علیک
ای آرایش زنان جهانیان درود بر تو ای دختر فرستاده خدا درود خدا بر تو

وعلیه السلام علیک یا ام السبطین الحسن والحسین لعن الله امة غصبتک حقک و
و بر او درود بر تو ای مادر دو فرزند زاده پیغمبر حسن و حسین لعنت کند خدا گروهی را که غصب کردند حق ترا و

منعتک ما جعله الله لک حلالا انا بریء الیک منهم ومن شیعتهم السلام علیک یا مولای یا ابا
و باز داشتند آنچه گردانید خدا برای تو حلال من بیزارم بسوی تو از ایشان و از پیروان ایشان درود بر تو ای مولای من ای

محمد الحسن الزکی لعن الله امة قتلتک وبایعت فی امرک وشایعت انا بریء الیک منهم ومن
ابا محمد حسن پاکیزه لعنت کند خدا گروهی را که کشتند ترا و پیمان بستند در امر تو و پیروی کردند من بیزارم بسوی تو از ایشان و از

شیعتهم السلام علیک یا مولای یا ابا عبد الله الحسین بن علی صلوات الله علیک وعلی ابیک
پیروان ایشان درود بر تو ای صاحب من ای ابا عبدالله الحسین پسر علی رحمت خدای بر تو و بر پدر تو

وجدک محمد المصطفی صلی الله علیه وآله لعن الله امة استحلت دمک ولعن الله امة
و جد تو محمد برگزیده رحمت خدا بر او و لعنت کند خدا گروهی را که دانستند حلال خون ترا و لعنت کند خدا گروهی را

قتلتک واستباحت حریمک ولعن الله اشیاعهم واتباعهم ولعن الله الممهدین لهم بالتمکین
که کشتند ترا و مباح شمردند حرم ترا و لعنت کند خدا پیروان ایشان را و تابعان ایشان را و لعنت کند خدا آنانکه تمهید کردند

من قتالکم انی بریء الی الله والیک منهم السلام علیک یا مولای یا ابا محمد علی بن
مر ایشان را از کشتن شما من بیزارم بسوی خدا و بسوی تو از ایشان درود بر تو ای صاحب من ای ابا محمد علی پسر

الحسین السلام علیک یا مولای یا ابا جعفر محمد بن علی السلام علیک یا مولای یا ابا عبد
حسین درود بر تو ای آقای من ای ابا جعفر محمد پسر علی درود بر تو ای صاحب من ای ابا عبد

الله جعفر بن محمد السلام علیک یا مولای یا ابا الحسن موسی بن جعفر السلام علیک یا مولای
الله جعفر پسر محمد درود بر تو ای آقای من ای ابا الحسن موسی پسر جعفر درود بر تو ای آقای من

یا ابا الحسن علی بن موسی الرضا السلام علیک یا مولای یا ابا جعفر محمد بن علی السلام
ای ابا الحسن علی پسر موسی الرضا درود بر تو ای مولای من ای ابا جعفر محمد پسر علی درود

علیک یا مولای یا ابا الحسن علی بن محمد السلام علیک یا مولای یا ابا محمد الحسن بن
بر تو ای مولای من ای ابا الحسن علی پسر محمد درود بر تو ای آقای من ای ابا محمد حسن پسر

علی السلام علیک یا مولای یا ابا القاسم الحجة بن الحسن صاحب الزمان صلی الله علیک
علی درود بر تو ای آقای من ای ابا القاسم حجة پسر حسن صاحب زمان رحمت خدا بر تو

وعلی عترتک الطاهرة الطیبة یا موالی کونوا شفعائی عند الله فی حط وزری وخطایای
و بر عترت تو پاکیزه ای موالی من باشید درخواست کنندگان نزد خدا در کم کردن گناهم و گناهانم

امنت

آمَنْتُ بِاللّٰهِ وَبِمَا اُنْزِلَ اِلَيْكُمْ وَاَتَوَالَى آخِرَكُمْ بِمَا اَتَوَالَى اَوَّلَكُمْ وَبَرِئْتُ مِنَ الْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ

گرویدم بخدا و بآنچه فرستاده شد بسوی شما و بپیروی میکنم بسوی آخر شما و بسوی آنچه بروی کردند اول شما و بیزارم از جبت و طاغوت

وَاللَّاتِ وَالْعُزّٰى يَا مَوَالِيَّ اَنَا سِلْمٌ لِمَنْ سَالَمَكُمْ وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاكُمْ

و لات و عزی ای مولای من من صلحم با هرانکه صلح است شما را و جنگم با هرانکه جنگ است با شما و دشمنم هرانکه دشمن است با شما

وَوَلِيٌّ لِمَنْ وَالَاكُمْ اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ وَلَعَنَ اللّٰهُ ظَالِمِيكُمْ وَغَاصِبِيكُمْ وَلَعَنَ اللّٰهُ اَشْيَاعَهُمْ

و دوست دارم هرانکه دوست شما است تا روز رستخیز و لعنت کند خدا ستم کنندگان شما را و غاصبان شما را و لعنت کند خدا پیروان ایشان

وَاَتْبَاعَهُمْ وَاَهْلَ مَذْهَبِهِمْ وَاَبْرَءُ اِلَى اللّٰهِ وَاِلَيْكُمْ مِنْهُمْ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اُشْهِدُكَ وَكَفٰى بِكَ

و تابعان ایشان را و اهل مذهب ایشان و بیزارم بسوی خدا و بسوی شما از ایشان بدرستیکه من گواه میگیرم ترا و کافی است تو

شَهِيدًا وَاُشْهِدُ مُحَمَّدًا صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَلِيًّا وَالْاَئِمَّةَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِمَا وَالثَّمَانِيَةَ حَمَلَةَ

و گواهی میدهم محمد را رحمت خدا بر او و آل او و علی و پیشوایان از فرزندان ایشان و هشت تن بردارندهٔ

عَرْشِكَ وَالْاَرْبَعَةَ الْاَمْلَاكَ خَزَنَةَ عِلْمِكَ اَنِّي بَرِيءٌ مِنْ اَعْدَائِهِمْ فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَعَلٰى اَهْلِ

عرش تو و چهار تن ملک خزینه داران دانش تو که من بیزارم از دشمنان ایشان پس بر محمد و اهل

بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الصَّلٰوةُ وَالسَّلَامُ اَللّٰهُمَّ اَقِرَّ عَيْنِي بِصَلٰوتِهِمْ وَصَلٰوةِ اَهْلِ

بیت او که پاک و پاکیزه اند رحمت باد و درود خدایا برقرار دار چشم مرا بدرود و رحمت اهل

بَيْتِهِ وَاجْعَلْ مَا هَدَيْتَنِي اِلَيْهِ مِنَ الْحَقِّ وَالْمَعْرِفَةِ بِهِمْ مُسْتَقَرًّا لَا مُسْتَوْدَعًا يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

بیت او و بگردان آنچه راه نمودی مرا بسوی او از حق و معرفت بایشان ثابت دارنده امانت گذاشته ای بهترین بخشندگان

اَللّٰهُمَّ وَعَرِّفْنِي نَفْسَكَ وَعَرِّفْنِي رُسُلَكَ وَعَرِّفْنِي مَلٰئِكَتَكَ وَعَرِّفْنِي وُلَاةَ اَمْرِكَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي

خدایا و بشناسان مرا نفس خود و بشناسان مرا پیغمبر خود را و بشناسان بمن فرشتگان خود را و بشناسان مرا امام خود را خداوندا بدرستیکه من

لَا آخُذُ اِلَّا مَا اَعْطَيْتَ وَلَا اُوقٰى اِلَّا مَا وَقَيْتَ اَللّٰهُمَّ لَا تَحْرِمْنِي مَنَازِلَ اَوْلِيَائِكَ وَلَا تُزِغْ

نمیگیرم آنچه عطا کردی و نگاهداشته نمیشوم مگر آنچه نگاهداری تو خدایا محروم من مرتبهای دوستان تو و میچان

قَلْبِي بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنِي وَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً اِنَّكَ اَنْتَ الْوَهَّابُ وَهَيِّئْ لِي مِنْ اَمْرِي رَشَدًا

دل مرا بعد از آنکه راه نمودی مرا و ببخش مرا از نزد خود رحمتی بدرستی که تو بسیار بخشنده و مهیا کن برای من از کار من رستگاری

اَللّٰهُمَّ وَعَلِّمْنِي نَاطِقَ التَّنْزِيلِ وَخَلِّصْنِي مِنَ الْمَهَالِكِ اَللّٰهُمَّ وَخَلِّصْنِي مِنَ الشَّيْطَانِ وَحِزْبِهِ

خدایا و بیاموز مرا قرآن فرو فرستاده شده و خلاص کن مرا از هلاک شدن و خلاص کن مرا از شیطان و گروه او

وَمِنَ السُّلْطَانِ وَجُنْدِهِ وَمِنَ الْجِبْتِ وَاَنْصَارِهِ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ الْمَحْمُودِ وَبِعَلِيٍّ الْمَقْصُودِ وَبِحَقِّ شَبَّرٍ

و از پادشاه و لشکر او و از جبت و یاوران او بحق محمد ستوده و بعلی قصد کرده شده و بحق حسن

وَشَبِيرٍ وَبِحَقِّ اَسْمَائِكَ الْحُسْنٰى صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ اَفْضَلِ الصَّفْوَةِ اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَاَنْتَ

و حسین و بحق نامهای نیکوی تو رحمت فرست بر محمد بهترین صفیها بدرستیکه تو بر هر چیز توانائی و تو

بِكُلِّ شَيْءٍ مُحِيطٌ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ يَا سَيِّدَاهُ يَا سَيِّدَاهُ

بهر چیزی احاطه کرده ای پروردگار ای پروردگار ای پروردگار الهی الهی ای پروردگار ای پروردگار ای آقا ای آقا

يَا سَيِّدَاهُ يَا مَوْلَايَاهُ يَا مَوْلَايَاهُ يَا مَوْلَايَاهُ يَا عِمَادَ مَنْ لَا عِمَادَ لَهُ وَيَا سَنَدَ مَنْ لَا سَنَدَ لَهُ وَيَا ذُخْرَ

ای آقا ای بزرگ ای بزرگ ای بزرگ ای عماد آنکه نیست عمادی مر او را و ای معتمد آنکه نیست معتمدی مر او را و ای

مَنْ لا ذُخْرَ لَهُ اَنْتَ رَبّي وَاَنا عَبْدُكَ عَلىٰ عَهْدِكَ وَوَعْدِكَ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ مُوَفَّقاً مَحْمُوداً وَلا

تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنّا وَاَشْرِكْنا في صالِحِ دُعاءِ مَنْ دَعاكَ بِمِنىٰ وَعَرَفاتٍ وَمُزْدَلِفَةٍ وَ

عِنْدَ قَبْرِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ السَّلامُ وَعِنْدَ زَمْزَمَ وَالْمَقامِ اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَيْثُ رَفَعْتَ اَقْدارَنا

عَنْ شَدِّ الزَّنانيرِ فِي الْاَوْساطِ وَالْخَواتيمِ فِي الْاَعْناقِ وَلَكَ الْحَمْدُ حَيْثُ لَمْ تَجْعَلْنا زَنادِقَةً

مُضِلّينَ وَلا مُدَّعِيَةً شاكّينَ مُرْتابينَ وَلا مُعارِضينَ وَلا عَنْ اَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ صَلَّى

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مُنْحَرِفينَ اَللّٰهُمَّ كَما بَلَّغْتَنا هٰذَا الْيَوْمَ الْمُبارَكَ مِنْ شَهْرِنا وَسَنَتِنا هٰذِهِ

الْمُبارَكَةِ فَبَلِّغْنا آخِرَها في عافِيَةٍ وَبَلِّغْنا اَعْواماً كَثيرَةً بِرَحْمَتِكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ يا رَبِّ

يا رَبِّ يا رَبِّ يا اَللّٰهُ يا اَللّٰهُ يا اَللّٰهُ يا رَبّاهُ يا رَبّاهُ يا رَبّاهُ يا سَيِّداهُ يا سَيِّداهُ يا سَيِّداهُ يا مَوْلاياهُ

يا مَوْلاياهُ يا مَوْلاياهُ اَللّٰهُمَّ وَما قَسَمْتَ لي في هٰذِهِ السّاعَةِ وَفي هٰذَا الْيَوْمِ وَفي هٰذَا الشَّهْرِ

وَفي هٰذِهِ السَّنَةِ مِنْ خَيْرٍ اَوْ بَرَكَةٍ اَوْ عافِيَةٍ اَوْ مَغْفِرَةٍ اَوْ رَأْفَةٍ اَوْ رَحْمَةٍ اَوْ عِتْقٍ مِنَ النّارِ

اَوْ رِزْقٍ واسِعٍ حَلالٍ طَيِّبٍ اَوْ تَوْبَةٍ نَصُوحٍ فَاجْعَلْ لَنا في ذٰلِكَ اَوْفَرَ النَّصيبِ وَاَجْزَلَ الْحَظِّ

اَللّٰهُمَّ وَما اَنْزَلْتَ في هٰذِهِ السّاعَةِ وَفي هٰذَا الْيَوْمِ وَفي هٰذَا الشَّهْرِ وَفي هٰذِهِ السَّنَةِ مِنْ حَرْقٍ

اَوْ شَرَقٍ اَوْ غَرَقٍ اَوْ هَدْمٍ اَوْ رَدْمٍ اَوْ خَسْفٍ اَوْ قَذْفٍ اَوْ رَجْفٍ اَوْ مَسْخٍ اَوْ صَيْحَةٍ اَوْ زَلْزَلَةٍ اَوْ

فِتْنَةٍ اَوْ صاعِقَةٍ اَوْ بَرَدٍ اَوْ جُنُونٍ اَوْ جُذامٍ اَوْ بَرَصٍ اَوْ اَكْلِ سَبُعٍ اَوْ ميتَةِ سَوْءٍ وَجَميعِ

اَنْواعِ الْبَلاءِ فِي الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ فَاصْرِفْهُ عَنّا كَيْفَ شِئْتَ وَاَنّىٰ شِئْتَ وَعَنْ جَميعِ الْمُؤْمِنينَ

في كُلِّ دارٍ وَمَنْزِلٍ في شَرْقِ الْاَرْضِ وَغَرْبِها عَزَّ جارُكَ وَجَلَّ ثَناؤُكَ وَلا اِلٰهَ غَيْرُكَ وَحْدَكَ

لاشريك

لا شريك لك فاطر السموات والارض عالم الغيب والشهادة رب كل شيء ومليكه اشهد

ان لا اله الا الله وحده لا شريك له واشهد ان محمدا صلى الله عليه وآله عبده

ورسوله واشهد ان الجنة حق والنار حق وان الساعة آتية لا ريب فيها وان الله يبعث

من في القبور واشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له عليها احيى وعليها اموت

وعليها ابعث حيا ان شاء الله بعد الموت رضيت بالله ربا وبالاسلام دينا وبمحمد

صلى الله عليه وآله نبيا وبعلي وليا وبالقرآن كتابا وبالكعبة قبلة وبابرهيم

عليه السلم لنبينا ابا وبمحمد صلى الله عليه وآله نبيا وبامير المؤمنين صلوات

الله عليه للحق موضحا وللجنة والنار قاسما وبالمؤمنين من شيعته اخوانا لا اشرك

بالله شيئا ولا اتخذ من دونه وليا ولا ادعو معه الها لا اله الا الله وحده لا شريك

له الها واحدا احدا فردا صمدا لم يتخذ صاحبة ولا ولدا اللهم اني اسألك بالعظيم

من آلائك والقديم من نعمائك والمخزون من اسمائك وما وارت الحجب من بهائك و

معاقد العز من عرشك ومنتهى الرحمة من كتابك وبك وحدك لا شريك لك ان تصلى

على محمد وآل محمد وان ترحم هذه النفس الجزوع وهذا البدن الهلوع الذي لا

يطيق حر شمسك فكيف حر نارك ان تعاقبني لا يزيد في ملكك شيء وان تعف عني لا ينقص

من ملكك شيء انت يا رب بخلقك ارحم وبعبادك اعلم وبسلطانك اراف وبملكك اقدم

وبعفوك اكرم وعلى عبادك انعم لا يزيد في ملكك طاعة المطيعين ولا ينقص

منه

سُنَّهُ مَعْصِيَةُ الْعاصينَ وَاعْفُ عَنّي يا اَكْرَمَ الْاَكْرَمينَ وَيا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ اَلُوذُ
کند از من نافرمانی نافرمانبران و درگذر از من ای بزرگ بزرگواران و ای بخشنده ترین بخشندگان پناه گیرم

بِعِزَّتِكَ وَاَسْتَظِلُّ بِفِنائِكَ وَاَسْتَجيرُ بِقُدْرَتِكَ وَاَسْتَغيثُ بِرَحْمَتِكَ وَاَعْتَصِمُ بِحَبْلِكَ
بعزت تو و پناه بدرگاه تو و زینهار میجویم بتوانائی تو و استغاثه کنم برحمت تو و چنگ در زنم بریسمان تو

وَلا اَثِقُ اِلّا بِكَ وَلا اَلْجَاُ اِلّا اِلَيْكَ يا عَظيمَ الرَّجاءِ يا كاشِفَ الْبَلاءِ وَيا اَحَقَّ مَنْ عَفا
و اعتماد نمیکنم مگر بتو و پناه نبرم مگر بسوی تو ای بزرگ امید داشته ای رفع کننده بلا و ای سزاوار تر از آنکه درگذشته

وَعَفى اَللّٰهُمَّ اِنَّ ظُلْمي مُسْتَجيرٌ بِعَفْوِكَ وَخَوْفي مُسْتَجيرٌ بِاَمانِكَ وَفَقْري مُسْتَجيرٌ بِغِناكَ وَوَجْهي
و عفو کرده خدایا بدرستیکه ستم کردن من زینهار جوینده است بعفو تو و ترس من پناه جوینده بامان تو و احتیاج من

الْبالِيَ الْفاني مُسْتَجيرٌ بِوَجْهِكَ الدّائِمِ الْباقِي الَّذي لا يَفْنى وَلا يَزُولُ يا مَنْ لا يَشْغَلُهُ
پناه جوینده به بی‌نیازی تو و روی کهنه بقدر ناچیزی من زینهار جوینده است بذات همیشه پاینده که فانی نگردد و زایل نشود ای آنکه باز نمیدارد

شَاْنٌ عَنْ شَاْنٍ لا تَجْعَلْ مُصيبَتَنا في دينِنا وَلا تَجْعَلِ الدُّنْيا اَكْبَرَ هَمِّنا وَلا تُسَلِّطْ عَلَيْنا
کاری از کار دیگر مگردان گروه ما را در دین ما و مگردان دنیا را بزرگتر اندوه ما و دست مده بر ما

مَنْ لا يَرْحَمُنا وَعُدْ بِحِلْمِكَ عَلى جَهْلِنا وَبِاِحْسانِكَ عَلى اِساءَتِنا وَبِقُوَّتِكَ عَلى ضَعْفِنا
کسی را که رحم نکند ما را و مهربانی کن ببردباری خود بر نادانی ما و بنیکی خود بر بدی ما و بتوانائی خود بر ناتوانی ما

وَبِغِناكَ عَلى فَقْرِنا وَاَعِذْنا مِنَ الْاَذى وَالْقَذى وَالضُّرِّ وَسُوءِ الْقَضاءِ وَشَماتَةِ الْاَعْداءِ
و به بی‌نیازی خود بر فقر ما و پناه ده ما را از آزارها و فسادها و بدیها و بدی حکم و شادی دشمنان

وَسُوءِ الْمَنْظَرِ فِي الْمالِ وَالدّينِ وَالْاَهْلِ وَالْوَلَدِ وَعِنْدَ مُعايَنَةِ مَلَكِ الْمَوْتِ اَللّٰهُمَّ يا رَبِّ
و بدی نگریستن در مال و دین و اهل و فرزند و نزد مشاهده فرشته مرگ بارخدایا ای پروردگار

نَشْكُو اِلَيْكَ غَيْبَةَ نَبِيِّنا عَنّا وَقِلَّةَ ناصِرِنا وَكَثْرَةَ عَدُوِّنا وَشِدَّةَ الزَّمانِ عَلَيْنا وَوُقُوعَ
شکوه میکنیم پنهانی پیغمبر خود را از ما و کمی یاور ما و بسیاری دشمن ما و سختی روزگار بر ما و واقع شدن

الْفِتَنِ بِنا وَتَظاهُرَ الْخَلْقِ عَلَيْنا اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْرُجْ ذلِكَ بِفَرَجٍ مِنْكَ تُعَجِّلُهُ
آشوبها بما و ظاهر نمودن خلق را بر ما خدایا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بگشا آن را بگشایشی از خود که شتاب

وَنَصْرٍ تُعِزُّهُ وَحَقٍّ تُظْهِرُهُ اَللّٰهُمَّ وَابْعَثْ بِقائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِلنَّصْرِ لِدينِكَ
آن را و یاری که غالب کنی آن را و حقی که ظاهر کنی آن را خدایا و برانگیز قائم آل محمد رحمت خدا براو و آل او مر یاری نمودن

وَاِظْهارِ حُجَّتِكَ وَالْقِيامِ بِاَمْرِكَ وَتَطْهيرِ اَرْضِكَ مِنْ اَرْجاسِها بِرَحْمَتِكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ
دین خود و یاری نمودن حجت خود و بپا داشتن فرمان خود و پاک کردن زمین خود از گناهان خود برحمت تو ای بخشنده ترین بخشندگان

اَللّٰهُمَّ اِنّي اَعُوذُ بِكَ اَنْ اُوالِيَ لَكَ عَدُوّاً اَوْ اُعادِيَ لَكَ وَلِيّاً اَوْ اَسْخَطَ لَكَ رِضاً اَوْ اَرْضى لَكَ
خدایا بدرستی که من پناه میگیرم بتو از آنکه دوستی کنم مر ترا دشمن یا دشمنی کنم دوست ترا و خشم کیرم بامری که خشنود سازد ترا یا خشنود گردم

سَخَطاً اَوْ اَقُولَ لِلْحَقِّ هذا باطِلٌ اَوْ اَقُولَ لِلْباطِلِ هذا حَقٌّ اَوْ اَقُولَ لِلَّذينَ كَفَرُوا هؤُلاءِ اَهْدى مِنَ الَّذينَ
خشم ترا یا بگویم مر حق را که آن باطل است یا بگویم مر باطل را که این حق است یا بگویم مر آنان را که کافر شدند

آمَنُوا سَبيلاً اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَآتِنا فِي الدُّنْيا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنا بِرَحْمَتِكَ عَذابَ
از آنها که گرویدند بجهت راهی خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل او بده ما را در دنیا نیکی و در آخرت نیکی و نگاهدار ما را برحمت خود از عذاب

آلبنا و سایر بقاع مذکور شد که عمل استفتاح را نیز در این روز بعمل آوردن مستحبست فصل در بیان اعمال ضروریه شب عید قربان و روزش و ایام تشریق یعنی یازدهم و دوازدهم و سیزدهم بدانکه شب عید اضحی از جمله چهار شب است که احیای آنها سنت مؤکد است و منقولست که در این شب درهای آسمان بسته نمیشود برای آنکه صدای دعاهای حاجیان بالا رود و صدای ایشان در آسمان پیداست مانند صدای مگس عسل در میان کندو و حق تعالی حاجیان را ندا میکند که منم پروردگار شما و شمائید بندگان من و حق مرا ادا کردید و بر من لازم است که دعای شما را مستجاب گردانم پس هر که مستحق آمرزش است همه گناهان او را میامرزد و هر که سزاوار آن نیست گناهانش را کم میکند پس هر که با ایشان در دعا و عبادت شریک شود در ثواب با ایشان شریک خواهد بود و غسل و زیارت حضرت امام حسین ع در این شب سنت است و منقولست که هر که آنحضرت را در این شب زیارت کند گناهان گذشته و آینده اش آمرزیده شود و اما اعمال روز عید غسل در آن سنت مؤکد است و بعضی واجب دانسته اند و بهتر آنستکه پیش از نماز غسل کند و نماز عید بنا بر مشهور در زمان غیبت امام ع سنت مؤکد است و بگمان فقیر واجبست بشرایط مقرره و نمازش همان کیفیت است که در عید فطر مذکور شد و دعای پیش از رفتن بنماز عید در آنجا مذکور شد و دعای بسیار پیش از نماز و بعد از نماز وارد شده است و این رساله گنجایش ذکر آنها ندارد و بهترین دعاها دعای چهل و هشتم صحیفه کامله است که اولش اینست اللّهمّ هذا یوم مبارک و اگر دعای چهل و ششم را که اولش یا من یرحم من لا یرحمه العباد است نیز بخوانند بهتر است زیرا که در بعضی از نسخ قدیمه صحیفه استحباب خواندن این دعا نیز وارد شده است و دعای ندبه بهترین دعاها است در این روز و سایر اعیاد سنت است خواندن چنانچه انشاء الله بعد از این در ضمن زیارات مذکور خواهد شد و در این عید سنت است که افطار بعد از نماز از گوشت قربانی بشود و از جمله احکام این عید قربانیست و آن سنت مؤکد است و بعضی از علما واجب دانسته اند اگر قدرت بر آن داشته باشد و از حضرت صادق ع منقولست که اضحیه واجبست بر هر مسلمانی و فرمود که البته از برای خود بکن و از برای عیال خود اگر خواهی بکن و اگر خواهی مکن و از ام سلمه زوجه حضرت رسول ص منقولست که با آنحضرت عرض کرد که عید اضحی حاضر میشود و من قیمت اضحیه ندارم آیا قرض کنم و اضحیه بکشم حضرت فرمود که قرض کن که آن قرض را خدا ادا میکند و بهتر آنستکه در روز عید بکشد و در روز یازدهم و دوازدهم نیز میتوانند کشت و اگر در منی باشد روز سیزدهم نیز میتوانند کشت و بهتر آنستکه در دهه ذی الحجه خریده باشد و مکروه است قربانی کردن حیوانی که در خانه تربیت کرده باشد و میباید یا شتر یا گاو یا گوسفند یا بز بوده باشد و حیوانات دیگر را قربانی نمیتوان کرد و اگر شتر باشد میباید پنج سال تمام داشته باشد یا زیاده و اگر گاو یا بز بوده باشد میباید یکسالش تمام باشد و داخل در سال دویم شده باشد و اگر دو سال تمام داشته باشد بهتر است و اگر گوسفند باشد شش ماهه کافیست و اگر هفت ماهش تمام باشد بهتر است و میباید نقصی در اعضایش نباشد و کور یکچشم یا هر دو چشم نبوده باشد و بسیار لنگ نباشد که راه رفتن بر آن دشوار باشد و گوشش بریده نباشد و اگر شق شده و جدا نشده باشد باکی نیست و اگر شق

نرنشده باشد بهتراست و باید که مغز شاخش نشکسته باشد بهتر است و اکر پوستش نشکسته باشد
بهتر است و بهتر انستکه بیمار و بسیار پیر نبوده باشد و سنتست که فربه بوده باشد و باید که
بسیار لاغر نبوده باشد که پیه بر کرده اش نباشد و باید که خصی نباشد یعنی خصیه اش را نبریده باشند
و مکروهست اکر خصیه اش را مالیده باشند و اکر بغیر خصی بهم نرسد خصی را قربانی میتوان کرد
و سنتست که اکر قربانی شتر یا کاو باشد ماده باشد و اکر کوسفند یا بز باشد نر باشد و سنت
انست که خود بکشد و اکر نتواند دست بر دست قصاب بکذارد و مددی بکند و طریق کشتن
انست که اکر شتر باشد نحر کند یعنی حربه را مانند کارد یا نیزه در کودال پایین کردنش فرو برد و اکر
بعوض ان ذبح کند حرام میشود و واجبست که رو بقبله بدارد او نام خدا ببرد و سنتست که از ایستاده
بدارد و رو بقبله و هر دو دستش را از سر پا تا زانو بریسمان یا تسمه بر یکدیکر به پیچد و انکه نحر کند در جانب راست
شتر بایستد و حربه را در نحرش فرو برد و اکر کاو یا کوسفند یا بز باشد باید چهار رکرا از کردنش ببرد
یعنی حلقوم و دو رک بزرک که در دو جانب حلقوم است و رکی که در پشت حلقوم است که آب و علف
از ان رک بجوف ان میرود و اکر اینها را نحر کند حرام میشود و سنتست که دعا بخوانند در وقت کشتن
چنانکه بسند صحیح از حضرت صادق ع منقولست که چون قربانی را بجز بی روی ان را بقبله کن و در وقت نحر
یا ذبح وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ إِنَّ صَلوٰتِي
بکو — کردانیدم روی خود را بانکه آفرید آسمانها و زمین را کرایل کننده کردن نهنده و نیستم من از مشرکان زیرا که نماز من
وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذٰلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ اللّٰهُمَّ
و طاعت من و زندکی من و مردن من مر خدا راست پروردکار جهانیان نیست شریکی مر او را و باین امر کرده شدم و من از کردن نهندکانم خدایا
مِنْكَ وَلَكَ بِسْمِ اللّٰهِ وَاللّٰهُ أَكْبَرُ پس نحر کند اَللّٰهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي و فرمود که تا نمیرد سرش را جدا
از تو و بنام تو و خدا ... یا ذبح کند بکوید خداوندا بپذیر از من مکن و چون پوست بکند سنت
است که یکحصه را خود و اهل خانه اش بخورند و بهتر انستکه خود بان افطار کند و یک حصه برای
همسایکان هدیه بفرستد و اکر پریشان باشند بهتر است و یکحصه را بفقرا و سؤال کنندکان
بدهد و اکر اکثر را تصدق کند شاید بهتر باشد و سنتست که پوست و کله و جمیع اعضای حلال انرا
تصدق کند و تصرف نکند و بقصاب ندهد مکر انکه قصاب پریشان باشد و بتصدق باو دهد
و در حدیث صحیح وارد شده است که پوستش را میتوانند باعث کنند بر روی ان نماز کنند و بنشینند و اکر
کوسفند یافت نشود سنتست که قیمت وسطش را تصدق کند و اکر یک حیوان برای خود و عیال
خود بکشد کافیست و اکر یکی از برای خود و یکی از برای عیال بکشد بهتر است و اکر بعدد عیال بکشد
ثوابش بیشتر خواهد بود و از برای پدر و مادر و اولاد و خویشان که مرده باشند قربانی کردن خوبست
و اکر از برای حضرت رسول ص و ائمه صلوات الله علیهم قربانی کند ظاهرا خوبست و منقولست که
حضرت رسول ص دو کوسفند قربانی کردند و در اول فرمودند که خداوندا این از من و از هر که قربانی نکرده
است از اهل بیت من و در دویم فرمودند خداوندا این از من و از هر که قربانی نکرده است از امت من و
حضرت امیر المؤمنین ع هر سال اول یک کوسفند قربانی میکرد و میفرمود خداوندا این از پیغمبر تو است

پس یک گوسفند دیگر از برای خود قربانی میفرمود و اگر جمعی فقیر باشند که هر یک قربانی جدا
بکنند جایز است با یکدیگر شریک شوند تا هفت نفر بلکه تا هفتاد نفر و حق تعالی فرموده است
که خدا را یاد کنید در ایام معدودات یعنی در روزی چند شمرده شده و در احادیث معتبره منقولست که مراد
تکبیر گفتن است در ایام تشریق پس هر که در منی باشد در عقب پانزده نماز بگوید که اولش ظهر روز عید
است و آخرش صبح روز سیزدهم و در سایر شهرها عقیب ده نماز که از ظهر روز عید است تا صبح
روز دوازدهم و مشهور استحبابست و بعضی واجب دانسته‌اند و اقلش بعد از هر نماز یکمرتبه
است و اگر مکرر بگوید بهتر است و بعد از نماز نافله نیز اگر بگوید خوبست و طریق تکبیر موافق حدیث
صحیح اینست اَللّٰهُ اَکْبَرُ اَللّٰهُ اَکْبَرُ لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَکْبَرُ اَللّٰهُ اَکْبَرُ وَلِلّٰهِ الْحَمْدُ عَلٰی مَا هَدٰینَا اَللّٰهُ
اَکْبَرُ عَلٰی مَا رَزَقَنَا مِنْ بَهِیمَةِ الْاَنْعَامِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلٰی مَا اَبْلَانَا فصل چهارم در فضایل و اعمال شب
و روز عید غدیر است و عید غدیر هیجدهم ماه است و عظیم‌ترین اعیاد است و احادیث از طرق
عامه و خاصه در فضیلت این روز و اعمال آن زیاده از حد و احصا است و در این مقام بچند حدیث
اکتفا مینمائیم بسند معتبر از حضرت امام رضا منقولست که چون روز قیامت شود چهار روز را
بنزد عرش الهی برند بنحوی که تمام مانند عروسیکه او را بحجله ببرند روز عید اضحی و روز عید
فطر و روز جمعه و روز عید غدیر در میان آنها مانند ماه باشد در میان ستارگان و آن روزیست
که حق تعالی ابرهیم خلیل را از آتش نجات داد و این روز را روزه داشت برای شکر حق تعالی و آن روزیست
که خدا در آن دین را کامل گردانید دین را بآنکه حضرت رسول حضرت امیر المؤمنین را نصب کرد بخلافت
و فضیلت او را و وصی بودن او را ظاهر گردانید بر مردم پس روزه داشت این روز را و این روز کامل شدن
دینست و روزیستکه بینی شیطان بر خاک مالیده شده است و روزیستکه اعمال شیعیان و دوستان آل
محمد در این روز مقبول میشود و روزیست که حق تعالی عملهای مخالفان و سنیان را باطل میگرداند مانند
ذرها که در میان هوا پراکنده میشود و این روزیست که خدای عز و جل امر میکند جبرئیل را که نصب کند
کرسی خدا را در برابر بیت المعمور و جبرئیل بر آن کرسی بالا میرود و ملئکه از جمیع آسمانها نزد او جمع میشوند و
ثنا میکنند بر محمد و آل محمد و استغفار میکنند برای شیعیان امیر المؤمنین و ائمه طاهرین و دوستان
ایشان از فرزندان آدم و این روزیستکه امر میکند حق تعالی ملئکه نویسندگان اعمال را که قلم بردارند
از محبان اهل بیت و شیعیان ایشان تا سه روز از روز غدیر و ننویسند هیچ خطا و گناه ایشان را برای
کرامت محمد و علی و ائمه صلوات الله علیهم و این روزیستکه خدا مخصوص محمد و آل او و شیعیان ایشان کردانیده
و این روزیستکه خدا آزاد میگرداند مال کسی را که عبادت خدا کند در این روز و توسعه دهد روزی
بر عیال خود و برادران مؤمن خود و او را آزاد میگرداند از آتش جهنم و این روزیستکه خدا آزاد میگرداند
مال کسی را که عبادت خدا کند در این روز و توسعه دهد روزی را بر عیال خود و برادران مؤمن خود
و او را آزاد میگرداند از آتش جهنم و این روزیستکه خدا سعی شیعیان را شکر میکند یعنی مزد میدهد
و گناه ایشان را می‌آمرزد و عمل ایشان را قبول میکند و این روزیستکه خدا غمهای شیعیان را زایل میگرداند و

در فضایل
و اعمال روز
عید غدیر
است

گناه

گناهان ایشانرا کم میکند و روز بخشش است و روز عطیه است و روز پهن کردن علم است و روز بشارت است و روز عید بزرگست و روز یستکه دعاها دران مستجاب میگردد و روز موقف بزرگست و روز پوشیدن جامهای نیکوست و روز بخشیدن گناهان شیعیان امیر المؤمنین است و روز یستکه صلوات بر محمد و آل محمد باید فرستاد و روز خوشنودیست و روز عید اهل بیت محمد است و روز قبول اعمالست و روز طلب زیادتی ثوابست و روز استراحت مؤمنانست و روز سوداگری ایشانست و روز دوستی کردن شیعیانست با یک دیگر و روز رسیدن برحمت خداست و روز ترک کبائر و گناهانست و روز عبادتست و روز افطار فرمودن روزه دارانست پس هر که روزه داری را درینروز افطار فرماید چنانستکه ده فئام را اطعام کرده باشد و هر فئامی صد هزار کس است و روز تهنیت و مبارکباد است پس هر مؤمنی که دیگری را ملاقات کند چنین تهنیت بگوید الحمد لله الذی جعلنا من المتمسکین بولایة امیر المؤمنین والائمة علیهم السلم یعنی حمد و سپاس خداوندیرا سزاستکه گردانید ما را از انها که چنگ زده اند در ولایت و محبت پادشاه مؤمنان و ائمه علیهم السلم و این روز تبسم است در روی مؤمنان پس هر که تبسم کند در روی برادر مؤمن خود در روز غدیر حق تعالی نظر کند در روز قیامت بسوی او برحمت و برآورد هزار حاجت او را و بنا کند در بهشت از برای او قصری از مروارید سفید و روی او را نورانی گرداند و این روز زینتست پس هر که زینت کند برای روز غدیر حق تعالی بیامرزد از برای او هر گناهی که کرده است از صغیره و کبیره و بفرستد حق تعالی بسوی او ملکی چند را که بنویسند برای او حسنات و بلند گردانند برای او درجات تا سال آینده مثل این روز پس اگر بمیرد شهید مرده باشد و ثواب شهیدان داشته باشد و اگر زنده باشد سعادتمند زندگانی کند و هر که طعامی دهد درین روز مؤمنی را داخل گرداند خدا در قبر او هفتاد نور و قبرش را گشاده گرداند و زیارت کنند او را در قبر او هر روز هفتاد هزار ملک و بشارت دهند او را ببهشت و در روز غدیر حق تعالی عرض کرد ولایت و امامت و محبت ما اهل بیت را بر اهل آسمانهای هفتگانه پس پیشی گرفتند باقرار بآن اهل آسمان هفتم پس زینت داد آنرا بعرش بعد از آن سبقت گرفتند اهل آسمان چهارم پس زینت داد آنرا به بیت المعمور پس سبقت گرفت بما اهل آسمان اول پس آنرا زینت بخشید بستارگان پس حق تعالی عرض کرد ولایت ما را بر زمینها پس پیشی گرفت باقرار بآن مکهٔ معظمه پس زینت داد آنرا بکعبه پس پیشی گرفت مدینهٔ طیبه پس زینت داد آنرا بمحمد مصطفی صلی الله علیه و آله پس سبقت کرد بسوی آن شهر کوفه پس زینت داد آنرا بقبر حضرت امیر المؤمنین علیه السلام پس عرض کرد ولایت ما را بر کوهها پس اول کوهیکه اقرار کرد سه کوه بود کوه عقیق و کوه فیروزه و کوه یاقوت و باین سبب این جواهرها در انها بهم رسید پس کوههای دیگر سبقت گرفتند و باین سبب معدن طلا و نقره و سایر معدنها گردیدند و هر یک که اقرار نکردند معدن هیچ چیز نگردیدند و باز در روز غدیر عرض کرد ولایت ما را بر آبها هر چه قبول کرد شیرین شد و هر چه قبول نکرد شور و تلخ شد پس عرض کرد ولایت ما را بر مرغان هر مرغ که قبول کرد سخنگو و خوش آواز گردید و هر یک که قبول نکرد لال و بد آواز گردید و مثل مؤمنان در قبول کردن ولایت امیر المؤمنین علیه السلام در روز غدیر مانند

مثل ملائکه است در قبول کردن سجدهٔ حضرت آدم و مثل آنها که قبول ولایت آنحضرت نکردند در روز غدیر مانند مثل شیطانست در قبول نکردن سجدهٔ آدم و در روز غدیر این آیه نازل شد اَلْیَوْمَ اَکْمَلْتُ لَکُمْ دِینَکُمْ وَاَتْمَمْتُ عَلَیْکُمْ نِعْمَتِی وَرَضِیتُ لَکُمُ الْاِسْلَامَ دِیناً یعنی امروز کامل کردانیدم از برای شما دین شما را و تمام کردانیدم بر شما نعمت خود را و پسندیدم اسلام را برای دین شما پس حضرت فرمود که نفرستاده است خدا پیغمبری را مگر آنکه وصی و خلیفهٔ خود را در این روز نصب کرده است و کلینی بسند معتبر صحیح روایت کرده است که از حضرت صادق ع پرسیدند که آیا مسلمانان را عیدی هست غیر جمعه و اضحی و فطر فرمود بلی عیدی هست که از همه حرمتش بیشتر است راوی گفت کدام عید است فرمود که آن روزیست که نصب کرد رسول خدا ص امیر المؤمنین را بخلافت خود و فرمود که هر که من مولای اویم علی مولا و آقا و پیشوای او است و آن روز هجدهم ذی الحجه است راوی گفت چه کار در این روز باید کرد فرمود که باید روزه بدارید و عبادت کنید و محمد و آل محمد را یاد کنید و بر ایشان صلوات بفرستید و وصیت کرد رسول خدا امیر المؤمنین را که این روز را عید کردانند و هر پیغمبری وصی خود را وصیت میکرد که این روز را عید کردانند و بروایت دیگر فرمود که روزهٔ روز غدیر کفارهٔ شصت سال گناه است و بروایت دیگر منقولست که مفضل از حضرت صادق ع پرسید که امر میکنی مرا که روز غدیر را روزه بدارم فرمود آری والله آری والله آری بدرستیکه در این روز خدا توبهٔ حضرت آدم را قبول کرد و بشکران این روز را روزه داشت و در این روز خدا حضرت ابرهیم را از آتش نجات داد و بشکران این روز را روزه داشت و در این روز حضرت موسی هرون را وصی خود کردانید و این روز را بشکر این نعمت روزه داشت و در این روز حضرت عیسی وصیت وصی خود شمعون الصفا را ظاهر کردانید و این روز را بشکر حق تعالی روزه داشت و در این روز حضرت رسول ص حضرت امیر المؤمنین ع را خلیفه و جانشین خود کردانید و فضیلت و وصایت او را بر خلق ظاهر کردانید و این روز را بشکر این نعمتها روزه داشت و این روز روز روزه داشتن است و روز عبادت است و روز طعام دادنست و روز نیکی کردنست با برادران مؤمن و روزیست که خدا از مؤمنان خوشنود میکردد و بینی شیطان بر خاک مالیده میشود و بسند معتبر از ابن ابی نصر منقولست که گفت روزی در خدمت امام رضا ع بودم و جماعت بسیار حاضر بودند پس فضیلت روز غدیر مذکور شد و بعضی از حاضران انکار کردند حضرت فرمود پدرم از پدرانش روایت کرد که روز غدیر در آسمان مشهورتر است از زمین بدرستیکه خدا را در فردوس اعلی قصری هست که یک خشتش از طلا است و یک خشتش از نقره و در آن قصر صد هزار قبه است از یاقوت سرخ و صد هزار خیمه است از یاقوت سبز و خاکش مشک و عنبر است و در آن چهار نهر جاریست نهری از شراب و نهری از آب و نهری از شیر و نهری از عسل و در دور آن درختان هست از انواع میوها و بر آن درختان مرغان خوش الحان هستند بدنهای آنها از مروارید است و بالهای آنها از یاقوت و بانواع نغمها خوانندگی میکنند چون روز عید غدیر میشود در آن قصر حاضر میشوند جمیع اهل آسمانها و تسبیح و تقدیس و تهلیل حق تعالی میکنند و آن مرغان پرواز میکنند و در میان آن آب فرو میروند

وبر ایشان مشک و عنبر میغلطند و چون ملئکه جمع شدند پرواز میکنند و مشک و عنبر بر سر ایشان می
افشانند و در این روز نثار حضرت فاطمه ع را که در شب زفاف آنحضرت سدرة المنتهی و درخت
طوبی نثار کردند برای یکدیگر هدیه میفرستند و چون آخر این روز میشود ندا از جانب رب
اعلی بایشان میرسد که برگردید بسوی درجها و مرتبهای خود پس بتحقیقکه ایمن کردید از گناهان و خطا
ولغزش تا مثل این روز تا سال آینده برای کرامت محمد و علی پس حضرت فرمود ای پسر ابی نصر هر جا که باشی
سعی کن که نزد قبر مطهر حضرت امیرالمؤمنین ع حاضر شوی بدرستیکه خدا در این روز می آمرزد
از هر مرد مومن و زن مؤمنه گناه شصت ساله ایشان را و در این روز آزاد میکند از آتش جهنم دو برابر
آنچه آزاد کرده است در ماه رمضان و شب قدر و شب فطر و یکدرهم که در این روز ببرادر مؤمن بدهی
برابر است با هزار درهم که در اوقات دیگر بدهی و احسان کن در این روز ببرادران مؤمن خود و شاد
گردان هر مرد مؤمن و زن مؤمنه را بخدا سوگند که اگر مردم فضیلت این روز را بدانند چنانچه باید
هر آینه هر روز ده مرتبه ملئکه با ایشان مصافحه کنند و زیارت حضرت امیرالمؤمنین ع در این روز
فضیلت بسیار دارد از نزدیک و دور و موافق روایت صفوان و غیر آن اگر از دور زیارت کنند
دو رکعت نماز زیارت بجا آورند و در رکعت اول بعد از حمد سوره انا انزلناه و در رکعت دوم سوره
قل هو الله احد بخوانند اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى وَلِيِّكَ وَاَخي نَبِيِّكَ وَوَزيرِهِ وَحَبيبِهِ وَخَليلِهِ وَمَوْضِعِ
پس این دعا را بخوانند خدایا رحمت فرست بر دوست خود و برادر پیغمبر خود و وزیر و دوست او و بزرگوار تر و جایگاه
سِرِّهِ وَخِيَرَتِهِ مِنْ اُسْرَتِهِ وَوَصِيِّهِ وَصَفْوَتِهِ وَخالِصَتِهِ وَاَمينِهِ وَوَلِيِّهِ وَاَشْرَفِ
راز او و برگزیده او از قبیله او و وصی او و برگزیده او و خالص او و امین او و دوست او و بزرگوار تر
عِتْرَتِهِ الَّذينَ آمَنُوا بِهِ وَاَبي ذُرِّيَّتِهِ وَبابِ حِكْمَتِهِ وَالنّاطِقِ بِحُجَّتِهِ وَالدّاعي اِلى
خویشان او آنانکه گرویدند باو و پدر فرزندان او و درگاه حکمت او و گویا به برهان او و خواننده بسوی
شَريعَتِهِ وَالْماضي عَلى سُنَّتِهِ وَخَليفَتِهِ عَلى اُمَّتِهِ سَيِّدِ الْمُسْلِمينَ وَاَميرِ الْمُؤْمِنينَ
شریعت او و گذرنده بر طریقه و جانشین او بر امت او بزرگ گردن نهندگان و پادشاه گروندگان
وَقائِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلينَ اَفْضَلَ ما صَلَّيْتَ عَلى اَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ وَاَصْفِيائِكَ وَاَوْصِياءِ
و پیشرو پیشانی سفیدان بهتر از آنچه رحمت فرستی بر یکی از خلق خود و برگزیدگان خود و جانشینان
اَنْبِيائِكَ اَللّهُمَّ اِنّي اَشْهَدُ اَنَّهُ قَدْ بَلَّغَ عَنْ نَبِيِّكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ما حُمِّلَ
پیغمبران خود خدایا بدرستیکه من شهادت میدهم که او رسانید از پیغمبر تو رحمت خدا بر او و آل او آنچه بار گرد
وَرَعى مَا اسْتُحْفِظَ وَحَفِظَ مَا اسْتُودِعَ وَحَلَّلَ حَلالَكَ وَحَرَّمَ حَرامَكَ وَاَقامَ
شد و رعایت نمود آنچه نگاهداشته شد و حفظ کرد و نگاه داشت امانت را و حلال کرد حلال ترا و حرام کرد حرام ترا و بر پا
اَحْكامَكَ وَدَعا اِلى سَبيلِكَ وَوالى اَوْلِيائَكَ وَعادى اَعْدائَكَ وَجاهَدَ النّاكِثينَ
داشت احکام ترا و خواند بسوی راه تو و دوستی کرد دوستان ترا و دشمنی کرد دشمنان ترا و کارزار کرد با آنکه باز
عَنْ سَبيلِكَ وَالْقاسِطينَ وَالْمارِقينَ عَنْ اَمْرِكَ صابِراً مُحْتَسِباً مُقْبِلاً غَيْرَ مُدْبِرٍ لا تَأْخُذُهُ
گشتند از راه تو و آنانکه جور کردند و بیرون رفتند از امر تو شکیبا خالص گرداننده رو کننده که فرار نگرفت او را

في الله لومة لائم حتى بلغ في ذلك الرضا وسلم اليك القضاء وعبدك مخلصا ونصح لك
مجتهدا حتى اتاه اليقين فقبضته اليك شهيدا سعيدا وليا تقيا رضيا زكيا هاديا
مهديا اللهم صل على محمد وعليه افضل ما صليت على احد من انبيائك واصفيائك
يا رب العالمين واگر اشاره کند بانگشت شهادت بجانب قبر شریف السلام عليك يا امير
آنحضرت واین زیارت را نیز بخواند بهتر است
المؤمنين ورحمة الله وبركاته السلام عليك يا امين الله في ارضه وحجته
على عباده اشهد لقد جاهدت يا امير المؤمنين في الله حق جهاده وعملت
بكتابه واتبعت سنن نبيه صلى الله عليه وآله حتى دعاك الله الى جواره فقبضك
اليه باختياره لك كريم ثوابه والزم اعداءك الحجة في قتلهم اياك مع ما لك من الحجج
البالغة على جميع خلقه اللهم صل على محمد وآله واجعل نفسي مطمئنة بقدرك
راضية بقضائك مولعة بذكرك ودعائك محبة لصفوة اوليائك محبوبة
في ارضك وسمائك صابرة عند نزول بلائك شاكرة لفواضل نعمائك ذاكرة
لسوابغ آلائك مشتاقة الى فرحة لقائك متزودة التقوى ليوم جزائك مستنة
بسنن اوليائك مفارقة لاخلاق اعدائك مشغولة عن الدنيا بحمدك وثنائك اللهم
ان قلوب المخبتين اليك والهة وسبل الراغبين اليك شارعة واعلام القاصدين
اليك واضحة وافئدة العارفين منك فازعة واصوات الداعين اليك صاعدة وابواب
الاجابة لهم مفتحة ودعوة من ناجاك مستجابة وتوبة من اناب اليك مقبولة وعبرة من بكى

من خوفك

مِنْ خَوْفِكَ مَرْحُومَةٌ وَالْإِغاثَةُ لِمَنِ اسْتَغاثَ بِكَ مَوْجُودَةٌ وَالْإِعانَةُ لِمَنِ اسْتَعانَ
بِكَ مَبْذُولَةٌ وَعِداتُكَ لِعِبادِكَ مُنْجَزَةٌ وَزَلّاتُ مَنِ اسْتَقالَكَ مُقالَةٌ وَأَعْمالُ
الْعامِلِينَ لَدَيْكَ مَحْفُوظَةٌ وَأَرْزاقُ الْخَلائِقِ مِنْ لَدُنْكَ نازِلَةٌ وَعَوائِدُ الْمَزِيدِ إِلَيْهِمْ
واصِلَةٌ وَذُنُوبُ الْمُسْتَغْفِرِينَ مَغْفُورَةٌ وَحَوائِجُ خَلْقِكَ عِنْدَكَ مَقْضِيَّةٌ وَجَوائِزُ
السّائِلِينَ عِنْدَكَ مُوَفَّرَةٌ وَعَوائِدُ الْمَزِيدِ مُتَواتِرَةٌ وَمَوائِدُ الْمُسْتَطْعِمِينَ مُعَدَّةٌ وَمَناهِلُ
الظِّماءِ لَدَيْكَ مُتْرَعَةٌ اللّٰهُمَّ فَاسْتَجِبْ دُعائِي وَاقْبَلْ ثَنائِي وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ أَوْلِيائِي
وَأَحِبّائِي بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَالْأَئِمَّةِ مِنْ ذُرِّيَّةِ الْحُسَيْنِ أَئِمَّتِي
إِنَّكَ وَلِيُّ نَعْمائِي وَمُنْتَهىٰ مُنايَ وَغايَةُ رَجائِي فِي مُنْقَلَبِي وَمَثْوايَ

و اگر بعد از نماز اول این زیارت را بعمل آورد و آخر این دعا را بخوانند شاید بهتر باشد و شب عید غدیر نیز شب بسیار مبارکیست و در این شب مناسب است که این زیارت را بعمل آورند و نمازی نیز در این شب وارد شده است چون سندش معتبر نبود ایراد ننمودیم و اما فضیلت روزه داشتن و تصدق کردن و افطار روزه دار نمودن در این روز در این ابواب احادیث بسیار است از جمله آنها این روایت است که حضرت صادق ع فرمود که روزهٔ روز عید غدیر برابر است با روزهٔ عمر دنیا که اگر کسی بقدر تمام عمر دنیا عمر یابد و روزه بدارد هر روزهٔ این روز برابر است با ثواب آن و روزه اش برابر است با صد حج و صد عمره و این عید بزرگ خدا است و خدا نفرستاده است پیغمبری را مگر آنکه این روز را عید کرده است و حرمت آن را دانسته است و نامش در آسمان روز عید معهود است و نامش در زمین روز میثاق ماخوذ و جمع مشهود است و هر که در این روز مؤمنی را افطار فرماید ثواب کسی دارد که ده فئام را طعام دهد که هر فئامی صد هزار کس است و ثواب کسی دارد که طعام دهد و آب دهد باین عدد که مذکور شد از پیغمبران و اوصیای ایشان و شهیدان و صالحان را در سال قحط و یک درهم که در این روز تصدق کنند برابر است با صد هزار درهم که در روزهای دیگر تصدق کنند پس فرمود که شاید گمان کنی که خدا روزی خلق کرده است که حرمتش از این روز بیشتر باشد نه والله نه والله نه والله و بروایت دیگر فرمود که روزه اش برابر است با شصت ماه از ماههای حرام که روزه بدارند و فرمود که روز عید و سرور و شادیست و بسند معتبر از فیاض بن محمد منقولست که گفت

در روز

در روز عید غدیر در مرو در خدمت حضرت امام رضا ع بودم و آنحضرت در آن روز مخصوصان
و خویشان و اصحاب خود را جمع کرده بود و ایشان را نگاه داشته بود که در شب افطار کنند
و بخانهای ایشان طعام و خلعتها و زرها فرستاده بود حتی انگشتر و کفش نیز فرستاد و با ایشان
خلعتهای فاخر شفقت فرمود و ملازمان و خدمتکاران خود را جامهای نو بسیار نفیس پوشانیده بود
و فضیلت این روز را برای مردم نقل میفرمود از جمله آنها گفت که در بعضی از سالهای خلافت حضرت
امیرالمؤمنین ع روز جمعه با عید غدیر در یک روز جمع شدند پس بعد از پنج ساعت که از روز گذشت
حضرت بر منبر بالا رفت و خطبهٔ طولانی خواند و فضایل روز غدیر را بسیار بیان فرمود و ثوابها
بسیار از برای این روز ذکر فرمود پس فرمود که بعد از انقضای این مجمع برگردید بخانهای خود و توسعه
دهید بر عیال خود و احسان و نیکی کنید نسبت ببرادران مؤمن خود و در خانهای خود برادران
مؤمن را جمع کنید و نیکوئی کنید نسبت بایشان و یکدیگر را تهنیت و مبارکباد بگوئید و نیکی و احسان
کردن در این روز مال و عمر را زیاده میکند و مهربانی با یکدیگر کردن موجب زیادتی رحمت الهیست و تا توانید
بخشش و احسان کنید با عیال خود و با برادران مؤمن خود و اظهار شادی و خوشحالی کنید و هر که امید
احسان از شما دارد در حق او تقصیر مکنید و ضعیفان و فقیران و غلامان و کنیزان را با خود برابر کنید
بدرستیکه دادن یک درهم در این روز برابر است با دویست هزار درهم و حق تعالی زیاده نیز عطا میکند
و روزهٔ این روز را حق تعالی سنت گردانیده و ثوابش را مانند ثواب کسی گردانیده که از اول دنیا تا آخر
دنیا عبادت کند بآنکه روزها روزه بدارد و شبها بعبادت بایستد و کسیکه برآورد حاجت برادر
مؤمن را پیش از آنکه او اظهار کند و از روی رغبت و خواهش با او نیکی کند چنان باشد که این روز را
روزه داشته باشد و تمام شبش را عبادت کرده باشد و هر که در شبش مؤمنی را افطار فرماید چنان
باشد که هزار هزار پیغمبر و صدیق و شهید را افطار فرموده باشد پس چگونه باشد ثواب کسیکه
متکفل احوال چندین نفر از مردان مؤمن و زنان مؤمنه شود و هر کس چنین کند من ضامنم بر خدا
که امان یابد از کافر شدن و فقیر شدن و اگر بمیرد در آن شب یا در آن روز یا بعد از آن تا عید غدیر آینده
بلکه اگر گناه کبیره بسیار بکند البته آمرزیده است و هر که قرضی بکند در این روز برای برادران خود من ضامنم
بر خدا که اگر او را زنده بدارد یا بمیراند آن قرض را از او متحمل شود و از دوش او بردارد و چون با یکدیگر
ملاقات کنید مصافحه نمائید و بزبانها یکدیگر را تهنیت بگوئید و آنچه گفتم حاضران بغایبان بگویند
و توانگران رعایت کنند فقیران را و اقویا دستگیری کنند ضعیفان را حضرت رسول خدا ص مرا بهمهٔ
اینها امر فرمود و بدانکه غسل در اول این روز سنت مؤکد است و اما کیفیت نماز روز عید غدیر
نماز مشهورش آنستکه از حضرت صادق ع روایت کرده اند که هر که در این روز نیم ساعت پیش از زوال
شمس دو رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت سورهٔ حمد یکمرتبه و قل هو الله احد و انا انزلناه و آیة الکرسی
تا هم فیها خالدون هر یک را ده مرتبه بخواند برابر باشد نزد حق تعالی با صد هزار حج و صد هزار عمره و هر حاجت
که از حاجتهای دنیا و آخرت که از خداوند کریم سؤال کند البته باسانی و عافیت بر آورده شود و چون

برادر مؤمن را ملاقات کنی بگو الحمد لله الذی اکرمنا بهذا الیوم وجعلنا من الموفین
باین روز وگردانید ما را از وفا کنندگان
بعهده الذی عهده الینا ومیثاقه الذی واثقنا به من ولایة ولاة امره والقوام
به پیمان خود که پیمان نموده بسوی ما واعتماد خود که اعتماد نمودیم باو از دوستان او و بعد او و توانائی او
بقسطه ولم یجعلنا من الجاحدین والمکذبین بیوم الدین یعنی سپاس خداوندیرا است
بعدل او ونگردانید ما را از انکار کنندگان ودروغ گویان بروز جزا که ما را گرامی داشت باین روز
وگردانید ما را از ایمان آورندگان وگردانید ما را از وفا کنندگان بعهد خود که عهد گرفته است بر ما
و پیمانی که محکم کرده است بر ما و ولایت والیان امر امامت است والها که حکم میکنند بعدالت در
میان خلق ونگردانید ما را از انکار کنندگان وتکذیب کنندگان ربنا اننا سمعنا منادیا ینادی
بروز جزا و فرمود که بعد از نماز این دعا را بخواند ندا کننده که میخواند
للایمان ان آمنوا بربکم فآمنا فاغفر لنا ذنوبنا وکفر عنا سیئاتنا وتوفنا مع
بسوی ایمان که بگروید بسوی پروردگار خود پس گرویدیم ای پروردگار ما پس بیامرز گناهان ما را ومحو کن از ما بدیهای ما را وبمیران ما را با
الابرار ربنا وآتنا ما وعدتنا علی رسلک ولا تخزنا یوم القیمة انک لا تخلف المیعاد
نیکوکاران پروردگارا وبده ما را آنچه وعده دادی ما را بر پیغمبر خود وخوار مکن ما را روز رستخیز بدرستیکه تو خلف نمی کنی وعده را
اللهم انی اشهدک وکفی بک شهیدا واشهد ملئکتک وانبیائک وحملة عرشک
خدایا بدرستی که گواه میگیرم تو را وکافیست تو بگواهی وگواه میگیرم فرشتگان ترا وپیغمبران ترا وبردارندگان عرش ترا
وسکان سمواتک وارضیک بانک انت الله لا اله الا انت المعبود فلا نعبد
وساکنان آسمانهای تو وزمینهای تو بدرستی که تو ئی خدا نیست خدائی مگر تو سزاوار پرستش پس نمی پرستیم
سواک فتعالیت عما یقول الظالمون علوا کبیرا واشهد ان محمدا عبدک ورسولک
غیر تو را پس برتری از آنچه میگویند ستمکاران برتری بزرگ وگواه میگیرم اینکه محمد بنده تو وفرستاده تست
واشهد ان امیر المؤمنین عبدک ومولانا ربنا سمعنا واجبنا وصدقنا المنادی
وگواهی میدهم اینکه پادشاه گروندگان بنده تو ومولای ماست پروردگارا شنیدیم ما واجابت کردیم وتصدیق نمودیم خواننده را
رسولک صلی الله علیه وآله اذ نادی بنداء عنک بالذی امرته ان یبلغ ما
فرستاده تو رحمت خدا بر او وآل او چون خواند بخواندنی از جانب تو بآنکه امر کردی که برساند آنچه فرستادی
انزلت الیه من ولایة ولی امرک وحذرته ان لم یبلغ ما امرته به ان تسخط
بسوی او از دوستی فرمان دوستی امر تو وبیم فرمودی او را اینکه نرساند آنچه امر کردی باو آنکه غضب کرد
علیه ولما بلغ رسالاتک عصمته من الناس فنادی مبلغا عنک الا من کنت
براو وچون رسانید پیغامهای ترا نگاه داشت او را از مردمان پس ندا کرد که رساننده از تو که هستم صاحب اختیار
مولاه فعلی مولاه ومن کنت ولیه فعلی ولیه ومن کنت نبیه فعلی امیره ربنا
پس علی صاحب اختیار است وهرکه من فرمانفرمای اویم پس علی فرمانفرمای اوست وهرکه باشم پیغمبر او پس علی امیر او است پروردگارا
قد اجبنا داعیک النذیر محمدا عبدک ورسولک الی الهادی المهدی عبدک
بتحقیق اجابت کردیم خواننده ترا بیم کننده محمد بنده تو وفرستاده تو بسوی راه نمای راه یافته بنده تو

دعای ندبه

الذي انعمت عليه وجعلته مثلا لبني اسرائيل على امير المؤمنين ومولیهم
ووليهم ربنا واتبعنا مولانا ووليّنا وهادينا وداعينا وداعي الانام صراطك المستقيم
وحجتك البيضاء وسبيلك الداعي اليك على بصيرة هو ومن اتبعه وسبحان الله عما
يشركون واشهد انه الامام الهادي الرشيد امير المؤمنين الذي ذكرته في كتابك
وقولك الحق وانك قلت وانه في امّ الكتاب لدينا لعليّ حكيم اللهم فانا نشهد بانه
عبدك والهادي بعد نبيك النذير المنذر وصراطك المستقيم وامير المؤمنين
وقائد الغر المحجلين وحجتك البالغة ولسانك المعبر عنك في خلقك وانه القائم
بالقسط في بريتك وديان دينك وخازن علمك وامينك المامون المأخوذ
ميثاقه وميثاق رسولك عليهما السلام من جميع خلقك وبريتك شاهدا بالاخلاص
لك والوحدانية والربوبية بانك انت الله لا اله الا انت وان محمدا عبدك
ورسولك وان عليا امير المؤمنين جعلته وليك والاقرار بولايته تمام توحيدك
وكمال دينك وتمام نعمتك على جميع خلقك وبريتك فقلت وقولك الحق اليوم اكملت
لكم دينكم واتممت عليكم نعمتي ورضيت لكم الاسلام دينا فلك الحمد بموالاته
واتمام نعمتك علينا بالذي جددت من عهدك وميثاقك وذكرتنا ذلك و
جعلتنا من اهل الاخلاص والتصديق بميثاقك ومن اهل الوفاء بذلك ولم تجعلنا
من اتباع المغيرين والمبدلين والمحرفين والمبتكين اذان الانعام والمغيرين خلق الله

وَمِنَ الَّذِينَ اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنْسَاهُمْ ذِكْرَ اللهِ وَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَالصِّرَاطِ
و از آنانکه مسلط شده بر ایشان شیطان پس فراموش گردانید یاد خدا را و بازداشت ایشان را از راه حق و راه

الْمُسْتَقِيمِ اللَّهُمَّ الْعَنِ الْجَاحِدِينَ وَالنَّاكِثِينَ وَالْمُغَيِّرِينَ وَالْمُبَدِّلِينَ وَالْمُكَذِّبِينَ بِيَوْمِ الدِّينِ
راست خدایا لعنت کن منکران را و پیمان شکنان و تغییر دهندگان و بدل کنندگان و تکذیب کنندگان روز جزا

مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ اللَّهُمَّ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى إِنْعَامِكَ عَلَيْنَا بِالْهُدَى الَّذِي هَدَيْتَنَا
از پیشینیان و پسینیان خداوندا پس مر تراست ستایش بر بخشش تو بر ما براه نمائیکه راه نموده ما را

بِهِ إِلَى وُلَاةِ أَمْرِكَ مِنْ بَعْدِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْأَئِمَّةِ الْهُدَاةِ الرَّاشِدِينَ
بآن بسوی والیان امر خود بعد از پیغمبر تو رحمت خدا بر او و آل او پیشوایان راه نمایان راه یافتگان

وَأَعْلَامِ الْهُدَى وَمَنَارِ الْقُلُوبِ وَالتَّقْوَى وَالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى وَكَمَالِ دِينِكَ وَتَمَامِ نِعْمَتِكَ
و نشانهای راه راست و روشنائی دلها و پرهیزکاری و دست آویز استوار و کمال دین تو و تمامی نعمت تو

وَمَنْ بِهِمْ وَبِمُوَالاتِهِمْ رَضِيتَ لَنَا الْإِسْلَامَ دِيناً رَبَّنَا فَلَكَ الْحَمْدُ آمَنَّا وَصَدَّقْنَا بِمَنِّكَ
و بسبب ایشان و دوست داشتن ایشان پسندیدی برای ما اسلام را دین پروردگارا پس مر تراست حمد گرویدیم و تصدیق نمودیم

عَلَيْنَا بِالرَّسُولِ النَّذِيرِ الْمُنْذِرِ وَالَيْنَا وَلِيَّهُمْ وَعَادَيْنَا عَدُوَّهُمْ وَبَرِئْنَا مِنَ الْجَاحِدِينَ
بسبب انعام برسول بیم دهنده ترساننده و دوست داشتیم دوست ایشان را و دشمن داشتیم دشمن ایشان را و بیزاریم از منکران

وَالْمُكَذِّبِينَ بِيَوْمِ الدِّينِ اللَّهُمَّ فَكَمَا كَانَ ذَلِكَ مِنْ شَأْنِكَ يَا صَادِقَ الْوَعْدِ يَا مَنْ لَا يُخْلِفُ
و تکذیب کنندگان روز جزا بار خدایا پس چنانچه بود این از کار تو ای راست وعده ای آنکه خلف نکند

الْمِيعَادَ يَا مَنْ هُوَ كُلَّ يَوْمٍ فِي شَأْنٍ إِذْ أَنْعَمْتَ عَلَيْنَا بِنِعْمَتِكَ بِمُوَالاةِ أَوْلِيَائِكَ الْمَسْئُولِ
وعده را ای آنکه او هر روز در کاری چون تمام کردی بر ما نعمت خود را بدوستی دوستان تو سؤال کرده

عَنْهُمْ عِبَادُكَ فَإِنَّكَ قُلْتَ ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ وَقُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ وَقِفُوهُمْ
از ایشان بندگان تو پس بدرستیکه تو گفتی پس هر آینه پرسیده شوند آن روز از نعمتها و گفته تو و گفتار تو راست است و بازدارید

إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ وَمَنَنْتَ عَلَيْنَا بِشَهَادَةِ الْإِخْلَاصِ وَبِمُوَالاةِ أَوْلِيَائِكَ الْهُدَاةِ بَعْدَ
ایشان را که ایشان سؤال کرده شوند و منت گذاشتی بر ما بگواهی اخلاص و بدوستی دوستان تو راه نمایند پس

النَّذِيرِ الْمُنْذِرِ السِّرَاجِ الْمُنِيرِ فَأَكْمَلْتَ لَنَا بِهِمُ الدِّينَ وَأَتْمَمْتَ عَلَيْنَا النِّعْمَةَ وَجَدَّدْتَ
بیم کننده ترساننده چراغ روشن پس کامل کردی برای ما بایشان دین را و تمام کردی برای ما نعمت را و تازه کردی

لَنَا عَهْدَكَ وَذَكَّرْتَنَا مِيثَاقَكَ الْمَأْخُوذَ مِنَّا فِي ابْتِدَاءِ خَلْقِكَ إِيَّانَا وَجَعَلْتَنَا مِنْ
برای ما پیمان خود را بیاد آوردی ما را پیمان تو فرا گرفته شده از ما در آغاز آفریدن تو ما را و گردانیدی ما را از

أَهْلِ الْإِجَابَةِ وَلَمْ تُنْسِنَا ذِكْرَكَ فَإِنَّكَ قُلْتَ وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ
آنانکه اجابت کردند و فراموش نگردیدیم یاد خود را پس بدرستیکه تو گفتی و هنگامیکه گرفت پروردگار تو از فرزندان آدم از پشتهای ایشان

ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى شَهِدْنَا بِمَنِّكَ وَلُطْفِكَ بِأَنَّكَ
فرزندان ایشان را و گواه گرفت ایشان را بر نفسهای خود آیا نیستم پروردگار شما گفتند آری گواهیم بجود تو و لطف تو بدرستیکه

أَنْتَ اللهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ رَبُّنَا وَمُحَمَّدٌ عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَنَبِيُّنَا وَعَلِيٌّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ
توئی خدا نیست خدائی بجز تو پروردگار ما و محمد بنده تو و فرستاده تو و پیغمبر ما است و علی پادشاه گروندگان

عبدك الذي انعمت به علينا وجعلته آية لنبيك صلى الله عليه وآله وآيتك الكبرى
بنده خودت که انعام کرده بآن بر ما و گردانیدی او را نشانه برای پیغمبر تو رحمت خدا بر او و آل او و نشانه بزرگتر

وصراطك المستقيم والنبأ العظيم الذي هم فيه مختلفون وعنه مسئولون اللهم فكما
و راه راست تو و خبر بزرگ آنچه که ایشان اختلاف کردند و از او سؤال کرده شوند خداوندا پس چنانچه

كان من شأنك ان انعمت علينا بالهداية الى معرفتهم فليكن من شأنك ان تصلي على محمد
بود از کار تو اینکه انعام کنی بر ما براه نمائی بسوی شناخت ایشان پس باشد از کار تو اینکه رحمت فرستی بر محمد

وآل محمد وان تبارك لنا في يومنا هذا الذي اكرمتنا به وذكرتنا فيه عهدك
و آل محمد و اینکه برکت دهی برای ما در روز ما این روز که گرامی داشتی ما را بآن و یاد دادی ما را بآن عهد خود

وميثاقك واكملت ديننا واتممت علينا نعمتك وجعلتنا بمنك من اهل الاجابة
و پیمان خود و کامل کردی دین ما را و تمام کردی بر ما نعمت خود را و گردانید ما را بانعام خود از اهل اجابت

لك والبراءة من اعدائك واعداء اوليائك المكذبين بيوم الدين فاسألك
برای تو و بیزاری از دشمنان تو و دشمنان دوستان تو تکذیب کننده بروز جزا پس میخواهم ترا

يا رب تمام ما انعمت وان تجعلنا من الموفين ولا تلحقنا بالمكذبين واجعل لنا
ای پروردگار تمامی آنچه انعام کردی و اینکه بگردانی ما را از انعام کننده گان و ملحق مکن ما را به تکذیب کننده گان و بگردان ما را

قدم صدق مع المتقين واجعل لنا من المتقين اماما يوم ندعو كل اناس بامامهم
قدم ثابتی با پرهیزکاران و بگردان ما را پرهیزکاران پیشوا روزیکه میخوانند همه آدمیان به پیشوایان

واحشرنا في زمرة اهل بيت نبيك الائمة الصادقين واجعلنا من البراء من
ایشان و برانگیزان و زمره اهل بیت پیغمبر خود پیشوایان راستگویان و بگردان ما را از آنانکه بیزارند از ایشان

الذين هم دعاة الى النار ويوم القيمة هم من المقبوحين واحينا على ذلك ما احييتنا
که میخوانند بسوی آتش و در روز رستخیز ایشان از اندوه شده گانند و زنده دار ما را بر آنچه زنده داشتی ما را

واجعل لنا مع الرسول سبيلا واجعل لنا قدم صدق في الهجرة اليهم واجعل محيانا
و بگردان برای ما با فرستاده همراه و بگردان برای ما قدم ثابت در کوچ کردن بسوی ایشان و بگردان ما را

خير المحيا ومماتنا خير الممات ومنقلبنا خير المنقلب على موالاة اوليائك ومعاداة
بهتر زنده و مردن ما را بهتر مردنی و بازگشت ما را بهتر بازگشتی بر دوستی دوستان تو و دشمنی

اعدائك حتى توفينا وانت عنا راض قد اوجبت لنا جنتك برحمتك يا ارحم الراحمين
دشمنان تو تا بمیرانی ما را و از ما خوشنود تحقیق که واجب گردی از برای ما بهشت را برحمت خود ای بخشنده‌ترین

والمثوى من جوارك في دار المقامة من فضلك لا يمسنا فيها نصب ولا يمسنا
و آرامگاه از جوار خود در سرای اقامت از فضل تو که نرسد ما را در آن بهره و نرسد ما را

فيها لغوب ربنا اغفر لنا ذنوبنا وكفر عنا سيئاتنا وتوفنا مع الابرار ربنا و
در آن رنجی پروردگارا بیامرز ما را گناهان ما را و باز دار از ما بدیهای ما را و بمیران ما را با نیکوان پروردگارا و

اتنا ما وعدتنا على رسلك ولا تخزنا يوم القيمة انك لا تخلف الميعاد اللهم
بده ما را آنچه وعده کردی بر رسولان خود و خوار مکن ما را روز رستخیز بدرستیکه تو خلاف وعده را خدایا

احشرنا مع الائمة الهداة من آل رسولك نؤمن بسرّهم وعلانيتهم وشاهدهم و
غائبهم اللهم اني اسألك بالحق الذي جعلته عندهم وبالذي فضّلتهم به على
العالمين جميعا ان تبارك لنا في يومنا هذا الذي اكرمتنا فيه بالموافاة بعهدك
الذي عهدته الينا والميثاق الذي واثقتنا به من موالاة اوليائك والبراءة من اعدائك
ان تتمّ علينا نعمتك ولا تجعله مستودعا واجعله مستقرا ولا تسلبناه ابدا ولا
تجعله مستعارا وارزقنا مرافقة وليّك الهادي المهديّ الى الهدى وتحت لوائه
وفي زمرته شهداء صادقين على بصيرة من دينك انك على كل شيء قدير واگر

اينرا عمل او دشوار باشد باين روايت عمل كند كه شيخ مفيد وديگران از حضرت صادق ع روايت كرده اند
كه هر كه در روز غدير دو ركعت نماز بكند هر وقت كه خواهد واگر نزديك بزوال بكند كه
در آنساعت حضرت رسول ص حضرت امير المؤمنين ع را در روز غدير خم براى مردم بامامت و
خلافت نصب كرد بهتر است يعنى هر سوره كه خواهد واگر در ركعت اول انا انزلناه ودر
ركعت دويم قل هو الله احد بخواند چنانچه در روايت معتبر ديگر وارد شده است بهتر است پس
بسجده رود وصد مرتبه شكرا لله يا شكرا بگويد وچون سر از سجده بردارد اين دعا را بخواند

اللهم اني اسألك بان لك الحمد وحدك لا شريك لك وانك واحد احد صمد لم تلد
ولم تولد ولم يكن له كفوا احد وان محمدا عبدك ورسولك صلواتك عليه
وآله يا من هو كل يوم في شأن كما كان من شأنك ان تفضّلت عليّ بان جعلتني من اهل
اجابتك واهل دينك واهل دعوتك ووفّقتني لذلك في مبتدء خلقي منك تفضّلا
وكرما وجودا ثم اردفت الفضل فضلا والجود جودا والكرم كرما رأفة منك ورحمة
الى ان جدّدت ذلك العهد لي تجديدا بعد تجديدك خلقي وكنت نسيا منسيا ناسيا

ساهياً غافلاً فاتممت نعمتك بان ذكرتني ذلك ومننت به علي وهديتني له
و نادان بخبر پس تمام کردی نعمت خودرا باینکه یاد کنی مرا بآن و انعام کردی بآن بر من و راه نمودی مرا بر آن
فليكن من شأنك يا الهي وسيدي ومولاي ان تتم لي ذلك ولا تسلبنيه حتى تتوفاني على
پس باید که بوده باشد کار تو ای خدای من و بزرگ من و آقای من اینکه تمام کنی برای من این را و دفع نکنی این را تا اینکه بمیرانی مرا بر
ذلك وانت عني راض فانك احق المنعمين ان تتم نعمتك علي اللهم سمعنا واطعنا واجبنا
این و تو از من خوشنودی پس بدرستیکه تو سزاوارتر انعام کنندگانی اینکه تمام کنی نعمت خود را بر من خدایا شنیدیم ما و فرمان بردیم ما و اجابت
داعيك بمنك فلك الحمد غفرانك ربنا واليك المصير آمنا بالله وحده لا شريك له و
کردیم خواننده ترا بانعام تو پس مر تو راست سپاس آمرزش ترا پروردگارا و بسوی تو بازگشت گرویدیم بخدای یگانه که نیست شریکی مر او را
برسوله محمد صلى الله عليه وآله وصدقنا واجبنا داعي الله واتبعنا الرسول في موالاة
و بفرستاده او محمد رحمت خدا باد بر او و آل او تصدیق نمودیم و اجابت کردیم خواننده خدا را و پیروی کردیم رسول خدا را در دوستی آقای
مولانا ومولى المؤمنين علي بن ابي طالب عبد الله واخي رسوله والصديق الاكبر و
ما و مولای گروندگان پادشاه گروندگان علی بن ابوطالب بنده خدا و برادر فرستاده او و تصدیق کننده بزرگ و
الحجة على بريته المؤيد به نبيه ودينه الحق المبين علماً لدين الله وخازناً لعلمه
حجت بر خلق خود قوت داده بآن پیغمبر خود و دین خود راست و هویدا بدانش مر دین خدا را و خزینه دار مر علم او
وعيبة غيب الله وموضع سر الله وامين الله على خلقه وشاهده في بريته اللهم
و صندوق نهانی خدا و جایگاه راز خدا و امین خدا بر خلق خود و گواه او در آفریدگان او خدایا
ربنا اننا سمعنا منادياً ينادي للايمان ان آمنوا بربكم فآمنا ربنا فاغفر لنا
پروردگارا بدرستیکه ما شنیدیم ندا کننده که میخواند مرا با ایمان اینکه بگروید به پروردگار شما پس گرویدیم پروردگارا پس بیامرز
ذنوبنا وكفر عنا سيئاتنا وتوفنا مع الابرار ربنا وآتنا ما وعدتنا على رسلك
گناهان ما را و باز دار از ما بدیهای ما را و بمیران ما را با نیکوان پروردگارا و بده ما را آنچه وعده کرده ما را بر فرستادهٔ تو
ولا تخزنا يوم القيامة انك لا تخلف الميعاد فانا ربنا بمنك ولطفك وجودك
و خوار مکن ما را در روز رستخیز بدرستیکه خلاف نمیکنی وعده خود را بدرستیکه پروردگارا بمهربانی تو و جود تو
اجبنا داعيك واتبعنا الرسول وصدقناه وصدقنا مولى المؤمنين وكفرنا
اجابت کردیم خواننده خود را و پیروی کردیم پیغمبر را و صاحب خود و براستی ما مولای گروندگان و نگرویدیم
بالجبت والطاغوت فولنا ما تولينا واحشرنا مع ائمتنا فانا بهم مؤمنون موقنون
بجبت و طاغوت پس بگردان ما را آنچه رو کردیم و برانگیزان ما با پیشوایان ما که ما با ایشان گروندگانیم یقین کنندگان
ولهم مسلمون آمنا بسرهم وعلانيتهم وشاهدهم وغائبهم وحيهم وميتهم ورضينا
و مر ایشان را گردن نهنده گرویدیم به پنهان ایشان و آشکارا ایشان و حاضر و غائب ایشان و زنده ایشان و مرده ایشان و خوشنودیم
بهم ائمة وقادة وسادة وحسبنا بهم بيننا وبين الله دون خلقه لا نبتغي بهم بدلاً
بایشان پیشوا و پیش روان و بزرگان و بس اند ما را ایشان میان ما و میان خدا سوای بر خلق نمیخواهیم بایشان عوضی
ولا نتخذ من دونهم وليجة وبرئنا الى الله من كل من نصب لهم حرباً من الجن و
و فرا نمیگیریم بجز از ایشان دوستی و بیزاری خدا از هر گروه بر ایشان جنگ را از جن و

الإنس من الأوّلين والآخرين وكفرنا بالجبت والطاغوت والأوثان الأربعة وأشياعهم
از آدمیان از پیشینیان و پسینیان و کافر شدیم بجبت و طاغوت و بتهای چهارگانه و پیشوایان

وأتباعهم وكلّ من والاهم من الجنّ والإنس من أوّل الدهر إلى آخره اللهمّ إنّا نشهدك
و پیروان ایشان و هر که دوست دارد ایشان را از جن و انس از اول روزگار تا آخران خدایا بدرستیکه ما گواهی

أنّا ندين بما دان به محمّد وآل محمّد صلّى الله عليه وعليهم وقولنا ما قالوا وديننا
میدهیم ترا که اعتقاد میکنیم آنچه اعتقاد نمودند بآن محمد و آل محمد رحمت خدا براو و بر ایشان و گفتار ما آنچه گفتند و دین ما

ما دانوا به ما قالوا به قلنا وما دانوا به دنّا وما أنكروا أنكرنا ومن والوا والينا
آنچه اعتقاد نمودند بآن آنچه گفتند بآن گفتیم و آنچه اعتقاد نمودند بآن اعتقاد داریم و آنچه انکار نمودند انکار کردیم و با دوستان

ومن عادوا عادينا ومن لعنوا لعنّا ومن تبرّؤوا منه تبرّأنا منه ومن ترحّموا عليه
دوستیم و با دشمنان دشمنیم و آنکه لعنت کردند لعنت کردیم و آنکه بیزار بودند ازو بیزاریم ازو و آنکه مهربانی نمودند براو

ترحّمنا عليه آمنّا وسلّمنا ورضينا واتّبعنا موالينا صلوات الله عليهم اللهمّ فتمّم لنا
مهربانی کردیم براو گرویدیم و گردن نهادیم و خوشنود شدیم و پیروی کردیم صاحب خود رحمتهای خدا بر ایشان خدایا پس تمام گردان

ذلك ولا تسلبناه واجعله مستقرّا ثابتا عندنا ولا تجعله مستعارا وأحينا
اینرا و زایل مکن ازما آنرا و بگردان آنرا برقرار ثابت نزد ما و مگردان آنرا عاریت گذاشته و زنده دار

ما أحييتنا عليه وأمتنا إذا أمتّنا عليه آل محمّد أئمّتنا فبهم نأتمّ وإيّاهم نوالي
ما را زنده داشتنی براو و بمیران ما را بمیراندنی براو آل محمدند پیشوایان ما پس بایشان اقتدا کنیم و ایشان را

وعدوّهم عدوّ الله نعادي فاجعلنا معهم في الدنيا والآخرة ومن المقرّبين فإنّا
دوست داریم و دشمن ایشان و دشمن خدا را دشمنیم پس بگردان ما را با ایشان در دنیا و آخرت و از نزدیکان که ما

بذلك راضون يا أرحم الراحمين پس باز بسجده رود و صد مرتبه الحمد لله و صد مرتبه شكرا لله
بآن خوشنودیم ای بخشاینده ترین بخشندگان بگوید پس حضرت فرمود که هر که این عمل را بجا آورد ثواب

کسی داشته باشد که در روز غدیر در نزد حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله حاضر شده باشد و با حضرت رسول ص و حضرت امیر المؤمنین ع بر ولایت آنحضرت بیعت کرده باشد و درجه او در بهشت با درجه راست گویان و تصدیق کنندگان باشد که تصدیق خدا و رسول را از روی اخلاص کرده اند مانند سلمان و ابوذر و مقداد و مانند کسی باشد که شهید شده باشد با حضرت رسول و امیر المؤمنین و حسن و حسین صلوات الله علیهم و مانند کسی باشد که در زیر علم حضرت صاحب الامر و در زیر خیمه آنحضرت بوده باشد از نجیبان و نقیبان و برگزیدگان اصحاب آنحضرت و ایضا شیخ مفید روایت کرده است که سنت است این دعا را در روز عید غدیر بخوانند

اللهمّ إنّي أسألك بحقّ محمّد
خداوندا بدرستیکه من میخواهم از تو بحق محمد

نبيّك وعليّ وليّك والشأن والقدر الذي خصصتهما به دون خلقك أن تصلّي على محمّد
پیغمبر تو و علی دوست تو و مرتبه و قدری که مخصوص گردانیدی ایشان را بآن از سایر خلق تو اینکه رحمت فرستی بر محمد

وعليّ وأن تبدأ بهما في كلّ خير عاجل اللهمّ صلّ على محمّد وآل محمّد الأئمّة القادة والدّعاة
و علی و اینکه ابتدا کنی بایشان در هر نیکی شتابنده خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد پیشوایان کشندگان و دعوت

السادة والنجوم الزاهرة والأعلام الباهرة وساسة العباد وأركان البلاد والناقة

گسترنده‌ان وستارگان درخشنده ونشانهای روشن ووالیان بندگان وپایه‌های شهرها وناقه

المرسلة والسفينة الناجية الجارية في اللجج الغامرة اللهم صل على محمد وآل

فرستاده شده وکشتی رستگار روان در دریاهای پوشنده خدایا رحمت فرست بر محمد وآل

محمد خزان علمك وأركان توحيدك ودعائم دينك ومعادن كرامتك وصفوتك

محمد خزانه داران علم تو ورکنهای یگانگی تو وستونهای دین تو وقرارگاه نوازش تو وبرگزیده تو

من بريتك وخيرتك من خلقك الأتقياء الأنقياء النجباء الأبرار والباب المبتلى

از آفریدگان تو وبهترین از خلق تو پرهیزکاران پاکان برگزیدگان نیکان ودرهای امتحان

به الناس من أتاه نجى ومن أباه هوى اللهم صل على محمد وآل محمد أهل الذكر الذين

بان مردمان هرکه آمد رستگار شد وآنکه نخواست پست شد خدایا رحمت فرست بر محمد وآل محمد یاران ذکر آنانکه

أمرت بمسألتهم وذوي القربى الذين أمرت بمودتهم وفرضت حقهم وجعلت

فرمان دادی بسؤال ایشان وخداوند نزدیکی آنانکه فرمان دادی بدوستی آن وواجب کردی حق ایشان را وگردانیدی

الجنة معاد من اقتص آثارهم اللهم صل على محمد وآل محمد كما أمروا بطاعتك و

بهشت را بازگشت آنکه پیروی کرد نشانهای ایشان خداوندا رحمت فرست بر محمد وآل محمد که فرمان دادند بفرمان برداری تو

نهوا عن معصيتك ودلوا عبادك على وحدانيتك اللهم إني أسألك بحق محمد نبيك

وباز داشتند از نافرمانی تو وراه نمودند بندگان ترا بر یگانگی تو خدایا بدرستیکه من میخوانم ترا بحق محمد پیغمبر تو

ونجيبك وصفوتك وأمينك ورسولك إلى خلقك وبحق أمير المؤمنين ويعسوب

واختیار کرده وبرگزیده تو وامین تو وفرستاده تو بسوی خلق تو وبحق پادشاه گروندگان بزرگ

الدين وقائد الغر المحجلين الوصي الوفي والصديق الأكبر والفاروق بين الحق و

دین وکشنده پیشانی سفیدان وصی وفادار وراستگو وبزرگتر وجدا کننده میان حق و

الباطل والشاهد لك والدال عليك والصادع بأمرك والمجاهد في سبيلك لم

باطل وگواهی دهنده مر ترا وراه نماینده بر تو وظاهر سازنده بفرمان تو وجهاد کننده در راه تو نگرفت

تأخذه فيك لومة لائم أن تصلي على محمد وآل محمد وأن تجعلني في هذا اليوم الذي

اورا در تو سرزنش کننده اینکه رحمت کنی بر محمد وآل محمد واینکه بگردانی مرا در این روز که

عقدت فيه لوليك العهد في أعناق خلقك وأكملت لهم الدين من العارفين بحرمته

بستی در آن برای دوست تو عهد در گردنهای خلق خود وکامل کردی برایشان دین از شناسایان حرمت او

والمقرين بفضله ومن عتقائك وطلقائك من النار ولا تشمت بي حاسدي النعم

واقرارکننده بفضل او واز آزادکردگان ورها کردگان تو از آتش وشاد مکن بمن از رشک برنده نعمت

اللهم فكما جعلته عيدك الأكبر وسميته في السماء يوم العهد المعهود وفي الأرض

خداوندا پس چنانکه گردانیدی اورا عید بزرگتر ونامیدی آنرا در آسمان روز پیمان عهد شده ودر زمین

يوم الميثاق المأخوذ والجمع المسؤول صل على محمد وآل محمد وأقرر به عيوننا واجمع

روز میثاق گرفته شده وجمع پرسیده شده درود بر محمد وآل محمد روشن باد دیده‌های ما

شملنا ولا تضلنا بعد اذ هديتنا واجعلنا لانعمك من الشاكرين يا ارحم الراحمين الحمد
فرا گیر ما را و گمراه مکن ما را بعد از راه نمودن ما را و بگردان ما را مر نعمتهای خود را از سپاس داران ای رحم کننده ترین رحم کنندگان
لله الذي عرفنا فضل هذا اليوم وبصرنا حرمته وكرمنا به وشرفنا بمعرفته وهدانا
سپاس مر خدایرا که شناسانید ما را بهترین روز و بینا کرد ما را بحرمت و گرامی داشت ما را بان و بزرگ کرد ما را بشناختن او و راه نمود
بنوره يا رسول الله يا امير المؤمنين عليكما وعلى عترتكما وعلى محبيكما مني افضل
ما را بنور او ای فرستاده خدا ای پادشاه گروندگان بر شما و بر خویشان شما و بر دوستان شما از من بهترین
السلام ما بقي الليل والنهار وبكما اتوجه الى الله ربي وربكما في نجاح طلبتي و
درود تا دوام که هست شب و روز و بشما رو آورده ام بسوی خدا پروردگار من و پروردگار شما در روا شدن مطلب من
قضاء حوائجي وتيسير اموري اللهم اني اسئلك بحق محمد وآل محمد ان تصلي على محمد
و روا شدن حاجتهای من و آسانی کارهایم خدایا بدرستیکه من میخواهم ترا بحق محمد و آل محمد اینکه رحمت فرستی بر محمد
وآل محمد وان تلعن من جحد حق هذا اليوم وانكر حرمته فصد عن سبيلك
و آل محمد و اینکه لعنت کنی آنکه انکار کرد حق را این روز و انکار نمود حرمت او را پس بازداشت از راه تو
لاطفاء نورك فابى الله الا ان يتم نوره اللهم فرج عن اهل بيت محمد نبيك واكشف
بجهت فرو نشانیدن نور تو پس نخواست خدا مگر اینکه تمام کند نور خود را خداوندا بگشا از اهل بیت محمد پیغمبر تو و زایل کن
عنهم وبهم عن المؤمنين الكربات اللهم املاء الارض بهم عدلا كما ملئت ظلما و
از ایشان و بایشان از گروندگان اندوهها را خدایا پر کن زمین را بایشان از عدل چنانکه پر گرد از ظلم و
جورا وانجز لهم ما وعدتهم انك لا تخلف الميعاد واگر بعد از این دعا بسجده رود و صد
جور و وفا کن مر ایشان را آنچه وعده کردی ایشانرا بدرستیکه تو خلاف نمیکنی وعده را مرتبه شکرا و صد مرتبه الحمد لله
بگوید و صد مرتبه الحمد لله على اكمال الدين واتمام النعمة ورضى الرب الكريم والحمد لله رب
یا آنچه تواند بگوید سپاس مر خدایرا بر کامل گردانیدن دین و تمام گردانیدن نعمت و خوشنودی پروردگار بزرگ و سپاس مر خدای
العالمين والصلوة على خير خليقته محمد وعترته الطاهرين بهتر خواهد بود چنانکه سید بن
پروردگار جهانیان و درود بر بهترین خلق او محمد و خویشان او که پاکیزه اند باقی و کفعمی روایت کرده اند

اما شیخ مفید ره این زیادتی را نقل نکرده است فصل پنجم در فضیلت و اعمال روز مباهله است تا آخر ماه و در تعیین روز مباهله میان علما خلافست و اشهر و اقوی اینستکه روز بیست و چهارم است و بعضی بیست و پنجم و بعضی بیست و هفتم و بعضی بیست و یکم نیز گفته اند و اگر در هر یک از اینها اعمال مستحبه بعمل آورند بهتر است و آنچه مشهور است بیست و چهارم است و سبب فضیلت روز مباهله اینستکه چون حضرت رسول ص رسولان فرستاد بسوی نصارای نجران که اعظم ترسایان عرب بودند و ایشان بکتب خود رجوع کردند و اوصاف حضرت رسالت ص را در کتب جمیع انبیا مشاهده کردند حب دنیا بر اکثر علمای ایشان غالب شد و ایمان نیاوردند و شصت نفر از علما و عظمای خود را فرستادند که صفاتیکه در کتب سابقه برای حضرت دیده اند مشاهده نمایند و بمدینه داخل شدند و صفات را موافق یافتند و حضرت رسول ص حجتها

شافی بر ایشان تمام کرد و باز بعضی از ایشان بسبب حب ریاست و اغراض باطله مضایقه کردند در
ایمان آوردن و حق تعالی این آیه کریمه را فرستاد فمن حاجک فیه من بعد ما جاءک من العلم فقل تعالوا
ندع ابناءنا و ابناءکم و نساءنا و نساءکم و انفسنا و انفسکم ثم نبتهل فنجعل لعنة الله علی الکاذبین
یعنی پس هر که با تو مجادله کند در امر عیسی بعد از آنچه آمده است بسوی تو از علم و برهان و القا
کردی بر ایشان و قبول نکردند پس بگو ای محمد بیائید بخوانیم پسران خود را و پسران شما را و زنان
خود را و زنان شما را و جانهای خود را و جانهای شما را یعنی آنها که بمنزله جان ما اند و آنهائیکه
بمنزله جان شما اند پس تضرع کنیم و دعا کنیم پس بگردانیم لعنت خدا را و دوری از رحمت خدا را بر آنها
که دروغ گویند از ما و شما پس حضرت رسول عبائی بر دوش مبارک گرفت و حضرت امیر المؤمنین
و فاطمه و حسن و حسین را در زیر عبا داخل کرد و گفت پروردگارا هر پیغمبر را اهل بیتی بوده است
که مخصوص ترین خلق بوده اند باو خداوندا اینها اهل بیت منند پس از ایشان بر طرف کن شک
و گناه را و پاک کن ایشان را پاک کردنی پس جبرئیل نازل شد و این آیه کریمه را در شان ایشان آورد
انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا یعنی نیست و جز این نیست که اراده
ندارد حق تعالی که زایل گرداند از شما اهل بیت بدی و شک را و پاک گرداند شما را از گناهان پاک گردانیدنی
پس حضرت رسول و علی و فاطمه و حسن و حسین صلوات الله علیهم را با خود بیرون بردند از مدینه برای
مباهله و چون نصاری حقیت آنحضرت را دانسته بودند و بعد از ایستادن آنحضرت با آن بزرگواران
در مقام مباهله آثار نزول عذاب در زمین و آسمان ظاهر شد و عالم بزرگ ایشان گفت بخدا سوگند که من
روی چند می بینم که اگر دعا کنند که کوهی از جائی کنده شود کنده خواهد شد پس جرأت نکردند بر
مباهله و استدعای مسالمه و مصالحه کردند و قبول کردند که هر سال جزیه بدهند و حضرت ایشان را
نفرین نکرد و بامر الهی بر ایشان جزیه قرار داد و حضرت فرمود بخدا سوگند که هلاک و عذاب آویخته
شده بر اهل نجران و اگر مباهله میکردم هر آینه همه اینجماعت میمون و خوک میشدند و این وادی بر
ایشان آتش میشد و سرایت میکرد بر نجران و همه ترسایان نجران میسوختند و پیش از آنکه سال تمام شود
جمیع نصاری میمردند و یک نصرانی بر روی زمین زنده نمیماند و باین سبب چندین اثر بر عالمیان
ظاهر شد اول حقیت آنحضرت زیرا که اگر اعتماد بر حقیت خود نمیداشت خود را و عزیزترین اهل خود را
در معرض مباهله بدین نمی آورد و آنجماعت اگر حقیت آنحضرت بر ایشان ظاهر نشده بود مباهله می
کردند و ذلت و خواری جزیه را بر خود قرار نمیدادند دویم آنکه ظاهر شد که آل عبا بزرگوارترین خلق
بودند که ایشان را آنحضرت در دعا با خود شریک گردانید سیم آنکه ایشان عزیزترین خلق بودند نزد
آنحضرت که برای اظهار حقیت خود ایشان را در معرض نفرین بلا آورد زیرا که بسیار است که آدمی
خود را بمهالک می افکند اما اعزه عیال خود را راضی نمیشود که در معرض خطر در آورد چنانچه صاحب
کشاف و غیر او از متعصبان سنیان اعتراف باین نموده اند چهارم آنکه حسن و حسین ع فرزند حقیقی
آنحضرت اند و رتبه ایشان از سایر صحابه بیشتر بوده است نزد خدا و رسول با آن صغر سن پنجم آنکه

حضرت فاطمه ع بهترین زنان بوده و از زوجات و سایر قرابات با آنحضرت اختصاص و قرب بوده و منزلت
او نزد حق تعالی از همه بیشتر ششم آنکه باتفاق عامه و خاصه حضرت امیر المؤمنین در مباهله داخل بود
و داخل ابناء و نساء نیست پس باید داخل انفسنا باشد و حقیقت در اینجا مراد نمیتوان بود زیرا که اتحاد
دو نفس محالست پس مراد آنستکه اختصاص آنحضرت بحضرت رسالت در کمالات و صفات بمرتبه
بود که بمنزله جان و نفس آنحضرت بود پس هر کمالی که در حضرت رسول ص بود باید که در آنحضرت باشد
بغیر از پیغمبری پس باید که افضل باشد از جمیع صحابه و جمیع پیغمبران بغیر آنحضرت و باید که مخصوص ترین
خلق باشد با آنحضرت و اعز خلق باشد نزد او و روایات مفصله این قصه شریفه و فوایدیکه از آن
مستفاد میشود که در کتاب حیوة القلوب ذکر کرده ام و این رساله گنجایش ذکر آنها ندارد و از جمله اموریکه
در روز بیست و چهارم واقع شده و موجب مزید فضل آن گردیده آنستکه در این روز حضرت امیر المؤمنین ع
در رکوع نماز انگشتر خود را بسائل بخشید و این آیه کریمه نازل شد و امامت آنحضرت بر اصحاب بصیرت
هویدا گردید إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلٰوةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكٰوةَ وَهُمْ
رَاكِعُونَ یعنی نیست اولی بامر شما و مالک اختیار شما مگر خدا و رسول و آنها که ایمان آورده اند
و نماز را برپا میدارند و چنانچه باید بجا میآورند و زکوة میدهند در رکوع و این آیه نص صریح است
بر امامت آنحضرت چنانچه در سایر کتب ذکر کرده ام و در این روز غسل سنت است و زیارت
حضرت امیر المؤمنین ع را در این روز ذکر کرده اند و خواندن زیارت جامعه مناسبت و روزه
این روز مستحبست و تأسی بمولای خود امیر المؤمنین کردن در تصدق بر فقرا و ارباب حاجات بانچه مقدور
و میسر باشد مطلوبست و اعمال این روز مبارک بسیار است اول شیخ طوسی ره از حضرت صادق ع
روایت کرده است که در این روز پیش از زوال بیک ساعت دو رکعت نماز بکند برای شکر نعمت مباهله و
در هر رکعت بعد از حمد هر یک از سوره قل هو الله و آیة الکرسی تا هم فیها خالدون و سوره انا انزلناه
ده مرتبه بخواند اگر این نماز را بعمل آورد نزد خدا برابر است با صد هزار حج و صد هزار عمره و هر حاجتی
که از حاجتهای دنیا و آخرت از حق تعالی سؤال کند البته بر آورده شود هر چند عظیم باشد انشاء الله و این نماز همان
نماز است که در اعمال روز عید غدیر مذکور شد عمل دویم از اعمال این روز دعائیست که شیخ طوسی و سید
طاوس قدس الله روحهما بسندهای معتبر از حضرت صادق ع روایت کرده اند و آنحضرت از پدر بزرگوار
خود امام محمد باقر ع روایت کرده است که آنحضرت فرمود که اگر گویم در این دعا اسم اعظم حق تعالی هست
هر آینه راست گفته ام و اگر مردم بدانند که این دعا در اجابت چگونه تأثیر مینماید البته بهر نحو که مقدور باشد
سعی مینمایند در تحصیل آن هر چند باید که قتال کنند و از هر حاجت که عارض میشود این دعا را میخوانم و
بعد از آن حاجت خود را میطلبم و البته مستجاب میگردد و این دعائیست که در وقتیکه آیه مباهله
نازل شد جبرئیل از جانب خداوند جلیل بر حضرت سید رسل نازل شد این دعا را آورد و گفت
برای مباهله بیرون رو و وصی خود علی بن ابی طالب و سیده نساء فاطمه زهرا و دو نور دیده و
فرزند پسندیده خود حسن و حسین علیهم السلم را با خود ببر و این دعا را بخوان و با ترسایان مباهله

کن و برایشان نفرین کن پس حضرت امام جعفر صادق ع گفت که هرگاه این دعا را خوانید جهد
و سعی کنید در دعا و تضرع و این دعا را شفیع خود کنید در حاجتها و از کسیکه اهلش نباشد
از سفیهان و منافقان پنهان دارید و بایشان تعلیم منمائید که از علمهای مخزونست و هر کس قابل این
این گوهر گرانمایه نیست و دعا اینست

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْاَلُكَ مِنْ بَهائِكَ بِاَبْهاهُ وَكُلُّ بَهائِكَ بَهِیٌّ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْاَلُكَ
بِبَهائِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْاَلُكَ مِنْ جَلالِكَ بِاَجَلِّهِ وَكُلُّ جَلالِكَ جَليلٌ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْاَلُكَ بِجَلالِكَ
كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْاَلُكَ مِنْ جَمالِكَ بِاَجْمَلِهِ وَكُلُّ جَمالِكَ جَميلٌ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْاَلُكَ بِجَمالِكَ كُلِّهِ
اَللّٰهُمَّ اِنّی اَدْعُوكَ كَما اَمَرْتَنی فَاسْتَجِبْ لی كَما وَعَدْتَنی اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْاَلُكَ مِنْ عَظَمَتِكَ
بِاَعْظَمِها وَكُلُّ عَظَمَتِكَ عَظيمَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْاَلُكَ بِعَظَمَتِكَ كُلِّها اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْاَلُكَ
مِنْ نُورِكَ بِاَنْوَرِهِ وَكُلُّ نُورِكَ نَيِّرٌ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْاَلُكَ بِنُورِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْاَلُكَ
مِنْ رَحْمَتِكَ بِاَوْسَعِها وَكُلُّ رَحْمَتِكَ واسِعَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِرَحْمَتِكَ كُلِّها
اَللّٰهُمَّ اِنّی اَدْعُوكَ كَما اَمَرْتَنی فَاسْتَجِبْ لی كَما وَعَدْتَنی اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ كَمالِكَ
بِاَكْمَلِهِ وَكُلُّ كَمالِكَ كامِلٌ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْاَلُكَ بِكَمالِكَ كُلِّها اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْاَلُكَ
مِنْ كَلِماتِكَ بِاَتَمِّها وَكُلُّ كَلِماتِكَ تامَّةٌ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْاَلُكَ بِكَلِماتِكَ كُلِّها اَللّٰهُمَّ اِنّی
اَسْاَلُكَ مِنْ اَسْمائِكَ بِاَكْبَرِها وَكُلُّ اَسْمائِكَ كَبيرَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْاَلُكَ بِاَسْمائِكَ كُلِّها
اَللّٰهُمَّ اِنّی اَدْعُوكَ كَما اَمَرْتَنی فَاسْتَجِبْ لی كَما وَعَدْتَنی اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْاَلُكَ مِنْ عِزَّتِكَ
بِاَعَزِّها وَكُلُّ عِزَّتِكَ عَزيزَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْاَلُكَ بِعِزَّتِكَ كُلِّها اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْاَلُكَ مِنْ
مَشِيَّتِكَ بِاَمْضاها وَكُلُّ مَشِيَّتِكَ ماضِيَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْاَلُكَ بِمَشِيَّتِكَ كُلِّها اَللّٰهُمَّ

اِنّی اَسْئَلُكَ بِقُدْرَتِكَ الَّتِی اسْتَطَلْتَ بِها عَلی کُلِّ شَیْءٍ وَکُلُّ قُدْرَتِكَ مُسْتَطیلَةٌ اَللّهُمَّ

من میخواهم ترا بتوانائی تو که استیلا داری بآن بر هر چیزی و همه قدرت تو ستوده است خدایا

اِنّی اَسْئَلُكَ بِقُدْرَتِكَ کُلِّها اَللّهُمَّ اِنّی اَدْعُوكَ کَما اَمَرْتَنی فَاسْتَجِبْ لی کَما وَعَدْتَنی اَللّهُمَّ

بدرستیکه من میخواهم ترا بقدرت تو همه آن خدایا بدرستیکه میخوانم ترا چنانکه فرمودی مرا پس بپذیر چنانکه وعده کردی مرا خدایا

اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ عِلْمِكَ بِاَنْفَذِهِ وَکُلُّ عِلْمِكَ نافِذٌ اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِعِلْمِكَ کُلِّهِ

بدرستیکه من میخواهم ترا از علم تو بروان تر آن و همه علم تو روانست خدایا بدرستیکه من میخواهم ترا بعلم تو همه آن

اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ قَوْلِكَ بِاَرْضاهُ وَکُلُّ قَوْلِكَ رَضِیٌّ اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِقَوْلِكَ کُلِّهِ

خداوندا بدرستیکه من میخواهم ترا بگفتار تو پسندیده تر آن و همه گفتار تو پسندیده است خدایا بدرستیکه من میخواهم ترا بگفتار تو همه

اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ مَسائِلِكَ بِاَحَبِّها اِلَیْكَ وَکُلُّ مَسائِلِكَ اِلَیْكَ حَبیبَةٌ اَللّهُمَّ

خداوندا بدرستیکه من میخواهم ترا از سؤالهای تو بسوی دوستان و همه سؤالهای بسوی دوست است خدایا

اِنّی اَسْئَلُكَ بِمَسائِلِكَ کُلِّها اَللّهُمَّ اِنّی اَدْعُوكَ کَما اَمَرْتَنی فَاسْتَجِبْ لی کَما وَعَدْتَنی

بدرستیکه من میخواهم ترا بسؤالهای تو همه آن خدایا بدرستیکه من میخوانم ترا چنانکه امر کردی مرا پس بپذیر مرا چنانکه وعده دادی

اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ شَرَفِكَ بِاَشْرَفِهِ وَکُلُّ شَرَفِكَ شَریفٌ اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِشَرَفِكَ

خدایا بدرستیکه من میخواهم ترا بزرگواری تو از بزرگتر آن و همه بزرگواری تو بزرگوار است خدایا بدرستیکه من میخواهم ترا ببزرگواری تو

کُلِّهِ اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ سُلْطانِكَ بِاَدْوَمِهِ وَکُلُّ سُلْطانِكَ دائِمٌ اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ

همه آن خدایا بدرستیکه من میخواهم ترا از غلبه تو بپیوسته تر آن و همه غلبه تو پیوسته است خداوندا بدرستیکه میخواهم ترا

بِسُلْطانِكَ کُلِّهِ اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ مُلْكِكَ بِاَفْخَرِهِ وَکُلُّ مُلْكِكَ فاخِرٌ اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ

بغلبه تو همه آن خدایا بدرستیکه میخواهم ترا از پادشاهی تو ببزرگتر آن و همه پادشاهی تو بزرگست خدایا بدرستیکه من

بِمُلْكِكَ کُلِّهِ اَللّهُمَّ اِنّی اَدْعُوكَ کَما اَمَرْتَنی فَاسْتَجِبْ لی کَما وَعَدْتَنی اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ

میخواهم ترا بپادشاهی تو همه آن خدایا بدرستیکه میخوانم ترا چنانکه فرمودی مرا پس بپذیر برای من چنانکه وعده کردی مرا خدایا بدرستیکه میخواهم ترا

مِنْ عَلائِكَ بِاَعْلاهُ وَکُلُّ عَلائِكَ عالٍ اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِعَلائِكَ کُلِّهِ اَللّهُمَّ

از بلندی تو به بلندتر آن و همه بلندی تو بلند است خدایا بدرستیکه من میخواهم ترا ببلندی تو همه آن خدایا

اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ آیاتِكَ بِاَعْجَبِها وَکُلُّ آیاتِكَ عَجیبَةٌ اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِآیاتِكَ کُلِّها

بدرستیکه میخواهم ترا از نشانهای تو بشگفت تر آن و همه نشانهای تو شگفت است خدایا بدرستیکه من میخواهم ترا بنشانهای تو همه آن

اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ مَنِّكَ بِاَقْدَمِهِ وَکُلُّ مَنِّكَ قَدیمٌ اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِمَنِّكَ

خدایا بدرستیکه میخواهم ترا از انعام تو بدیرینه تر آن و همه انعام تو دیرینه است خدایا بدرستیکه میخواهم ترا بانعام تو

کُلِّهِ اَللّهُمَّ اِنّی اَدْعُوكَ کَما اَمَرْتَنی فَاسْتَجِبْ لی کَما وَعَدْتَنی اَللّهُمَّ وَاِنّی اَسْئَلُكَ بِما اَنْتَ فیهِ

همه آن خدایا بدرستیکه میخوانم ترا چنانکه امر کردی مرا پس بپذیر مرا چنانکه وعده دادی مرا خدایا بدرستیکه من میخواهم ترا بآنچه تو در آن

مِنَ الشُّؤُونِ وَالْجَبَرُوتِ اَللّهُمَّ وَاِنّی اَسْئَلُكَ بِکُلِّ شَأْنٍ وَکُلِّ جَبَرُوتٍ لَكَ اَللّهُمَّ وَاِنّی

از کارها و بزرگواری خدایا و بدرستیکه من میخواهم ترا بهر کاری و همه بزرگواری خداوندا و بدرستیکه من

اَسْئَلُكَ بِما تُجیبُنی بِهِ حینَ اَسْئَلُكَ یا اَللّهُ بِلا اِلهَ اِلّا اَنْتَ اَسْئَلُكَ بِبَهاءِ لا اِلهَ اِلّا اَنْتَ

میخواهم ترا بآنچه اجابت کنی مرا بآن هنگامیکه میخواهم ترا ای خدا ای آنکه نیست خدائی مگر تو میخواهم ترا بروشنی لا اله الا انت

يا لا اله الا انت اسألك بجلال لا اله الا انت يا لا اله الا انت اسألك بلا اله الا

انت اللهم انى ادعوك كما امرتنى فاستجب لى كما وعدتنى اللهم انى اسألك من رزقك

باعمه وكل رزقك عام اللهم انى اسألك برزقك كله اللهم انى اسألك من عطائك

باهنئه وكل عطائك هنيء اللهم انى اسألك بعطائك كله اللهم انى اسألك من

خيرك باعجله وكل خيرك عاجل اللهم انى اسألك بخيرك كله اللهم انى اسألك من

فضلك بافضله وكل فضلك فاضل اللهم انى اسألك بفضلك كله اللهم انى

ادعوك كما امرتنى فاستجب لى كما وعدتنى اللهم صل على محمد وآل محمد وابعثنى على

الايمان بك والتصديق برسولك عليه وآله السلام والولاية لعلى بن ابى طالب

والبراءة من عدوه والائتمام بالائمة من آل محمد عليهم السلام فانى قد رضيت

بذلك يا رب اللهم صل على محمد عبدك ورسولك فى الاولين وصل على محمد وآل

محمد فى الآخرين وصل على محمد وآله فى الملاء الاعلى وصل على محمد وآله فى المرسلين

اللهم اعط محمدا الوسيلة والشرف والفضيلة والدرجة الكبيرة اللهم صل

على محمد وآل محمد وقنعنى بما رزقتنى وبارك لى فيما اعطيتنى واحفظنى فى غيبتى وفى

كل غائب هو لى اللهم صل على محمد وآل محمد واسألك خير الخير رضوانك والجنة

واعوذ بك من شر الشر سخطك والنار اللهم صل على محمد وآل محمد واحفظنى من

كل مصيبة ومن كل بلية ومن كل عقوبة ومن كل فتنة ومن كل بلاء ومن كل شر

هر مکروهی و سختی و از هر بلیه و از هر عقوبتی و از هر فتنه و از هر بلائی و از هر گزندی

وَمِنْ كُلِّ مَكْرُوهٍ وَمِنْ كُلِّ فِتْنَةٍ نَزَلَتْ اَوْ تَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ اِلَى الْاَرْضِ فِي هٰذِهِ السَّاعَةِ وَفِي
و از هر زشتی و از هر آفتی که فرود آمده یا بیاید از آسمان بسوی زمین در این ساعت و در
كُلِّ سَاعَةٍ وَفِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ وَفِي هٰذَا الْيَوْمِ وَفِي هٰذَا الشَّهْرِ وَفِي هٰذِهِ السَّنَةِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ
هر ساعت و در این شب و در این روز و در این ماه و در این سال خداوندا رحمت
عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاقْسِمْ لِي مِنْ كُلِّ سُرُورٍ وَمِنْ كُلِّ بَهْجَةٍ وَمِنْ كُلِّ اسْتِقَامَةٍ وَمِنْ كُلِّ فَرَجٍ وَمِنْ
فرست بر محمد و آل محمد و قسمت ده مرا از هر شادی و از هر گشایشی و از هر راستی و از هر گشایشی و از
كُلِّ عَافِيَةٍ وَمِنْ كُلِّ سَلَامَةٍ وَمِنْ كُلِّ كَرَامَةٍ وَمِنْ كُلِّ رِزْقٍ وَاسِعٍ حَلَالٍ طَيِّبٍ وَمِنْ كُلِّ
هر عافیتی و از هر سلامتی و از هر کرامتی و از هر روزی فراخ حلال پاکیزه و از هر
نِعْمَةٍ وَمِنْ كُلِّ سَعَةٍ نَزَلَتْ اَوْ تَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ اِلَى الْاَرْضِ فِي هٰذِهِ السَّاعَةِ وَفِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ
نعمتی و از هر گشایشی که فرود آمده یا فرود آید از آسمان بسوی زمین در این ساعت و در این شب
وَفِي هٰذَا الْيَوْمِ وَفِي هٰذَا الشَّهْرِ وَفِي هٰذِهِ السَّنَةِ اَللّٰهُمَّ اِنْ كَانَتْ ذُنُوبِي قَدْ اَخْلَقَتْ وَجْهِي
و در این روز و در این ماه و در این سال خداوندا اگر باشد گناهان من که بی قدر کرده روی مرا
عِنْدَكَ وَحَالَتْ بَيْنِي وَبَيْنَكَ وَغَيَّرَتْ حَالِي عِنْدَكَ فَاِنِّي اَسْئَلُكَ بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي
نزد تو و حایل باشد میان من و میان تو و تغییر داده حال مرا نزد تو پس بدرستیکه من میخوانم ترا بنور ذات تو که
لَا يُطْفَا وَبِوَجْهِ مُحَمَّدٍ حَبِيبِكَ الْمُصْطَفٰى وَبِوَجْهِ وَلِيِّكَ عَلِيٍّ الْمُرْتَضٰى وَبِحَقِّ اَوْلِيَائِكَ
فرو نشانیده نشود و بجاه او محمد دوست تو برگزیده و بجاه دوست تو علی پسندیده و بحق دوستان تو
الَّذِينَ انْتَجَبْتَهُمْ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَغْفِرَ لِي مَا مَضٰى مِنْ ذُنُوبِي وَاَنْ تَعْصِمَنِي
آنکه برگزیدی ایشان را اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بیامرزی مرا آنچه گذشته از گناهان من و اینکه نگاه داری
فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِي وَاَعُوذُ بِكَ اَللّٰهُمَّ اَنْ اَعُودَ فِي شَيْءٍ مِنْ مَعَاصِيكَ اَبَداً مَا اَبْقَيْتَنِي حَتّٰى
مرا در آنچه باقی مانده از عمر من و پناه میبرم بتو خداوندا اگر باز گردم در چیزی از نافرمانیهای تو همیشه تا آنکه باقی داری مرا تا
تَتَوَفَّانِي وَاَنَا لَكَ مُطِيعٌ وَاَنْتَ عَنِّي رَاضٍ وَاَنْ تَخْتِمَ لِي عَمَلِي بِاَحْسَنِهِ وَتَجْعَلَ لِي ثَوَابَهُ
بگیری جان مرا و من باشم ترا فرمانبر و تو از من خوشنود و اینکه ختم کنی برای من کردار مرا به نیکوترین آن و بگردان برای من ثواب آنرا
الْجَنَّةَ وَاَنْ تَفْعَلَ بِي مَا اَنْتَ اَهْلُهُ يَا اَهْلَ التَّقْوٰى وَيَا اَهْلَ الْمَغْفِرَةِ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ
بهشت و بکنی با من آنچه تو سزاواری ای سزاوار پرهیزکاری ای سزاوار آمرزش رحمت فرست بر محمد
وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْنِي بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وبعد از آن هر حاجت که داری از حق تعالی طلب کن
و آل محمد و رحم کن مرا برحمت تو ای بخشنده ترین بخشندگان که انشاء الله برآورده است مؤلف گوید که خواندن این
دعا در روز مباهله انسب است و شیخ طوسی نیز در این روز روایت کرده است و از روایت مذکوره معلوم
میشود که در همه وقت میتوان خواندن و در دعا اختلافی هست میان روایات و آنچه در اینجا ذکر
شده است موافق روایت شیخ است و روایت دیگر را با ترجمه در رساله دیگر ایراد نموده ام و شبیه
باین دعا در سحرهای ماه مبارک رمضان و روزهای آن نیز وارد شده است با فضیلت بسیار و
از عظیم ترین دعاها است عمل سیم آنستکه شیخ طوسی و دیگران بسند معتبر از حضرت موسی بن جعفر ع روایت

کرده‌اند

گرده اند که روز مباهله روز بیست و چهارم ماه ذی الحجه است و در این روز اگر خواهی این نماز بکن
و در هر دو رکعت نماز که بکنی بعد از آن هفتاد مرتبه استغفر الله ربی و اتوب الیه بگو پس بجای خود بایست
و بموضع سجود خود نظر میکنی و این دعا را میخوانی و باید که با غسل باشی و در روایت دیگر فرمود که
روز بیست و چهارم روز مباهله است و باید که این روز را روزه بداری برای شکر حق تعالی برای این
نعمت عظمی و غسل بکن و پاکیزه ترین جامهای خود را بپوش و با هر چه توانی از بوی خوش خود را
خوشبو کن و باید که با آرام دل و آرام تن باشی و اگر در یکی از مشاهد مشرفه باشی نزد آن ضریح
مقدس حاضر شوی و الا بجای خلوتی بروی و یا بر کوه بلندی برائی یا بصحرائی بروی و باید که از منزل
خود بیرون برود و غسل کند و بهترین جامهای خود را بپوشد و چون بمحل دعا خواندن داخل شود
دو رکعت نماز بکند با آداب و شرایط و بعد از سلام هفتاد مرتبه استغفار کند پس بایستد
و بجانب آسمان نظر کند و این دعا را بخواند و بعد از آن فرمود که پس الحمد لله رب العالمین الحمد
هر دعائی که خواهی بکن باز دو رکعت نماز بکن و دعا کن و دعا اینست سپاس مر خدا را پروردگار جهانیان

لله فاطر السموات و الارض الحمد لله الذی له ما فی السموات و ما فی الارض الحمد لله
سپاس مر خدایرا پدید آورنده آسمانها و زمین سپاس مر خدایرا که مر اوراست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین میباشد سپاس مر خدا

الذی خلق السموات و الارض و جعل الظلمات و النور ثم الذین کفروا بربهم یعدلون
که آفرید آسمان و زمین را و گردانید تاریکیها و روشنی را پس آنانکه کافر گردیدند به پروردگار خود عدیل

الحمد لله الذی عرفنی ما کنت به جاهلا و لو لا تعریفه ایای لکنت هالکا اذ
کننده سپاس مر خدایرا که شناسانید مرا آنچه بودم بآن نادان و اگر نبود شناسانیدن او مرا هر آینه هلاک که

قال و قوله الحق قل لا اسئلکم علیه اجرا الا المودة فی القربی فبین لی القرابة
گفت و گفته او راست است بگو ای محمد نمیخواهم از شما برای رسالت مزدی مگر دوستی در باره خویشان پس آشکار نمود برای من خویشان

و قال سبحانه انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا
و گفت پاک است او جز این نیست که میخواهد خدا ببرد از شما گناهان را ای خاندان رسالت و پاک کند شما را پاک کردنی

فبین لی اهل البیت بعد القرابة ثم قال تعالی مبینا عن الصادقین الذین امرنا
پس آشکار کرد برای من خانواده پیغمبر بعد از خویشان پس گفت خدا بزرگتر است از راستگویان آنانکه امر کرد

بالکون معهم و الرد الیهم بقوله سبحانه یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و کونوا
به بودن با ایشان و در گرد با ایشان بگفتار او پاک است او ای آنانکه پرستیدید بترسید از عذاب خدا و باشید

مع الصادقین فاوضح عنهم و ابان عن صفتهم بقوله جل ثناؤه فقل تعالوا
با راستگویان پس ظاهر نمود ایشان و کشف کرد از صفت ایشان بگفتار خود بزرگست ثنای او پس بگو

ندع ابنائنا و ابنائکم و نسائنا و نسائکم و انفسنا و انفسکم ثم نبتهل فنجعل لعنة الله
بیائید بخوانیم ما پسران خود و شما پسران و ما زنان خود و شما زنان خود و نفسهای خود و شما انفسهای خود پس زاری نمائیم پس بگردانیم

علی الکاذبین فلک الشکر یا رب و لک المن حیث هدیتنی و ارشدتنی حتی لم یخف علی
لعنت خدا را بر دروغگویان پس مر تراست شکر ای پروردگار و مر تراست انعام آنجا که راه نمود مرا و راه نمود مرا تا آنکه پنهان نماند بر من

الأهل والبيت والقرابة فعرفتني نساءهم وأولادهم ورجالهم اللهم إني أتقرب إليك
اهل و خانواده و خویشی بمن شناسانیدی زنانشان و فرزندانشان و مردانشان را خداوندا بدرستیکه من نزدیکی جویم

بذلك المقام الذي لا يكون أعظم منه فضلا للمؤمنين ولا أكثر رحمة لهم بتعريفك
بسوی تو باین نزدیکی که نباشد بزرگتر از او افزونیرا برای گروندگان و نه بیشتر رحمتی مر ایشانرا بمرتبه نمودار

إياهم شأنه وإبانتك فضل أهله الذين بهم أدحضت باطل أعدائك وثبت بهم
کار او و آشکار نمودن تو بهتری خاندان او آنانکه بایشان زایل گردانیدی باطل دشمنان خودرا و ثابت بایشان

قواعد دينك ولولا هذا المقام المحمود الذي أنقذتنا به ودللتنا على اتباع المحقين
اساس دین خودرا و اگر نبود این مقام ستوده که رهانید ما را باو و راه نمود ما را بر پیروی کردن حق

من أهل بيت نبيك الصادقين عنك الذين عصمتهم من لغو المقال ومدانس الأفعال
یعنی از اهل بیت پیغمبر تو راستگویان از تو آنانکه نگاهداشت ایشانرا از قول باطل و چرکنهای کردارها

لخصم أهل الإسلام وظهرت كلمة أهل الإلحاد وفعل أولي العناد فلك الحمد ولك
که غلبه شد از اهل اسلام و آشکار شد سخن او آنانکه از حق برگشتند و کردار اهل ستیزه پس مر تراست ستایش

المن ولك الشكر على نعمائك وأياديك اللهم فصل على محمد وآل محمد الذين افترضت
و مر تراست انعام و مر تراست شکر بر نعمتهای و نعمتهای تو خدایا پس رحمت فرست بر محمد و آل محمد آنانکه واجب ساخت

علينا طاعتهم وعقدت في رقابنا ولايتهم وأكرمتنا بمعرفتهم وشرفتنا باتباع آثارهم
برما فرمانشان و بست در گردنهای ما دوستی ایشانرا و گرامی داشت ما را بمعرفتشان و بلندمرتبه شدیم به پیروان آثارشان

وثبتنا بالقول الثابت الذي عرفوناه فأعنا على الأخذ بما بصرونا به واجز محمدا
و ثابت دار ما را بگفتار ثابت که شناسانیدند او را پس مدد کن ما را بر گرفتن آنچه نمودند ما را و پاداش ده محمد را

عنا أفضل الجزاء بما نصح لخلقك وبذل وسعه في إبلاغ رسالاتك وأخطر
از ما بهتر پاداشی بآنچه مقابل پند داشت مر خلق ترا و بخشید طاقت خودرا در رسانیدن پیغامهای تو و بهلاکت انداخت

بنفسه في إقامة دينك وعلى أخيه ووصيه الهادي من بعده إلى دينه والمقيم
خودرا در پاداشتن دین تو و بر برادر او و وصی او و راهنمای از بعد او بسوی دین او و برپا

سنته على أمير المؤمنين صلوات الله عليه وصل على الأئمة من أبنائه الصادقين
دارنده طریقه او علی پادشاه گروندگان رحمتهای خدا بر او و رحمت بر پیشوایان از فرزندان او راستگویان

الذين وصلت طاعتهم بطاعتك وأدخلنا بشفاعتهم دار الكرامة يا أرحم الراحمين
آنانکه پیوستی فرمانبرداری ایشانرا بفرمانبرداری خود و درآور ما را بشفاعت خود در سرای گرامی ای بخشنده ترین بخشندگان

اللهم هؤلاء أصحاب الكساء والعباء يوم المباهلة اللهم اجعلهم شفعاءنا وأسألك
خدایا اینها هستند یاران ردا و عبا روز مباهله خداوندا بگردان شفیعان ما و میخواهم

بحق ذلك المقام المحمود واليوم المشهود أن تغفر لي وتتوب علي إنك أنت التواب الرحيم
بحق این مقام ستوده و امروز گواهی داده شده اینکه بیامرزی مرا و بازگشت برمن بدرستیکه تو بخشاینده مهربان

اللهم إني أشهدك أن أرواحهم وطينتهم واحدة وهي الشجرة التي طاب أصلها وفرعها
خدایا بدرستیکه من گواهی میدهم بروح ایشان و سرشت ایشان بس یکیست و طینت ایشان که پاکست ریشه آن و شاخه آن

واعضالها واوزارها اللهم ارحمنا بحبهم واجرنا من مواقف الخزي في الدنيا والآخرة
و برگناهای آن خدایا رحم کن ما را بحق ایشان و پناه ده ما را از جایگاه خواری در دنیا و آخرت

بولايتهم واوردنا موارد الامن من اهوال يوم القيمة بحبهم واقرارنا بفضلهم و
بدوستی ایشان و وارد ساز ما را در جایگاه امن از وحشتهای روز رستخیز بدوستی ایشان و اقرار ما بفضل ایشان

اتباعنا آثارهم واهتدائنا بهديهم واعتقادنا ما عرفونا من توحيدك و وقفونا
و پیروی ما نشانهای ایشان را و راه یافتن براهنمائی ایشان و باور کردن ما آنکه شناسانیدند ما را از یگانگی تو و واقف شدن

عليه من تعظيم شأنك وتقديس اسمائك وشكر آلائك ونفي الصفات ان تحلك و
بر آن از بزرگ شمردن کار تو و پاکی نامهای تو و شکر نعمتهای تو و سلب کردن صفت که فرود آید ترا

العلم ان يحيط بك والوهم ان يقع عليك فانك اقمتهم حججا على خلقك ودلائل على
و دانش که فرا گیرد بتو و وهم آنکه واقع شود بر تو پس بدرستیکه تو بپا داشتی ایشان را بر خلق خود و دلالت کنندگان بر

توحيدك وهداة تنبه على امرك وتهدي الى دينك وتوضح ما اشكل على عبادك
یگانگی تو و راه نماینده آگاه بر کار تو و راهنمای بسوی دین تو و آشکار آنچه مشتبه شده بر بندگان تو

وبابا للمعجزات التي يعجز عنها غيرك وبها تبين حجتك وتدعو الى تعظيم السفير بينك
و درگاه برای معجزها که عاجز است از آنها برای غیر تو و بآنها ظاهر شود حجت تو و خوانند بتعظیم رسول میان تو

وبين خلقك وانت المتفضل عليهم حيث قربتهم من ملكوتك واختصصتهم بسرك
و میان خلق و تو بخشنده بر ایشان آنجا که نزدیک کنی ایشان را از پادشاهی تو و خصوصیت دادی ایشان را بسر خود

واصطفيتهم لوحيك واورثتهم غوامض تأويلك رحمة لخلقك ولطفا بعبادك
و برگزیدی ایشان را برای پیغام تو و میراث دادی ایشان را مشکلات تفسیر کتاب خود بخشش بر خلق خود و مهربانی به بندگان خود

وحنانا على بريتك وعلما بما انطوى عليه ضمائر امنائك وما يكون من شأن صفوتك
و رحم کردن بر خلق خود و دانش بآنچه در نوردیده بر آن دلهای امنت داران تو و آنچه باشد از کار برگزیدگان تو

وطهرتهم في منشاهم ومبتداهم وحرستهم من نفث نافث اليهم واريتهم برهانا على
و پاک کردی ایشان را در آفرینش و هنگام پیدایش ایشان و نگاهداشتی ایشان از دمیدن دمنده بسوی ایشان و نمودی ایشان را حجتی

من عرض بسوء لهم فاستجابوا لامرك وشغلوا انفسهم بطاعتك وملأوا اجزاءهم من ذكرك
بر آنکه ببدی بناخوشی ایشان پس اجابت کردند مر امر ترا و مشغول کرده نفس خود را بطاعت تو و پر کردند اجزاء خود را بیاد خود

وعمروا قلوبهم بتعظيم امرك وجزؤا اوقاتهم فيما يرضيك واخلوا دخائلهم من معاريض الخطر
و آباد کردند دلهای خود را بتعظیم فرمان تو و کردند اوقات خود را در آنچه خوشنودی تو و خالی نمودن باطن خود را از پوشیدن اندیشها

الشاغلة عنك فجعلت قلوبهم مكامن لارادتك وعقولهم مناصب لامرك ونهيك
باز دارنده از تو پس گردانیدی دلهای ایشان را نگهبان برای خواست خود و خردهای خود قرارگاه امر خود و نهی خود

والسنتهم تراجمة لسنتك ثم اكرمتهم بنورك حتى فضلتهم من اهل زمانهم والاقربين
و زبان ایشان بیان کننده مر سنت خود گرامی داشتی ایشان را بنور خود تا آنکه زیادتی دادی ایشان را میان اهل زمان ایشان و نزدیکان

اليهم فخصصتهم بوحيك وانزلت اليهم كتابك وامرتنا بالتمسك بهم والرد اليهم والاستنباط
ایشان پس مخصوص کردی ایشان را به پیغام تو و فرستادی بایشان کتاب خود و امر کردی ما را بچنگ زدن بایشان و رد کردن بایشان

مِنهم اللّهمّ فانّا قد تمسّكنا بكتابك وبعترة نبيّك صلواتك عليهم الذين اقمتهم
از ایشان خدایا ابدرستیکه ما چنگ زدیم بکتاب تو و بخویشان پیغمبر رحمتهای تو بر ایشان آنانکه بپا داشتی ایشان
لنا دليلًا وعلمًا وامرتنا باتّباعهم اللّهمّ فانّا قد تمسّكنا بهم فارزقنا شفاعتهم
برای ما دلیل و نشانه و امر کردی ما را به پیروی ایشان خداوندا بدرستیکه ما چنگ در زدیم بایشان پس روزی کن ما را شفاعت ایشان
حين يقول الخائبون فما لنا من شافعين ولا صديق حميم واجعلنا من الصّادقين المصدّقين
که میگویند ناامیدان پس نیست ما را هیچ شفاعت کننده و نه دوست نزدیک و بگردان ما را از راستگویان تصدیق کننده
لهم المنتظرين لايّامهم النّاظرين الى شفاعتهم ولا تضلّنا بعد اذ هديتنا وهب لنا من لدنك
مر ایشان را چشم دارنده مر روزگار دولت ایشان را در درخواست ایشان و گمراه مکن ما را بعد از آنکه راه نمودی ما را و ببخش ما را از نزد خود
رحمة انّك انت الوهّاب آمين ربّ العالمين اللّهمّ صلّ على محمّد نبيّك وعلى اخيه وصنوه
بخشش بدرستیکه تو بخشنده بپذیر ای پروردگار جهانیان خدایا رحمت فرست بر محمد پیغمبر تو و بر برادرش و برگزیده
امير المؤمنين وقبلة العارفين وعلم المهتدين وثاني الخمسة الميامين الذين فخر بهم الرّوح
پادشاه گروندگان و قبله شناسان و نشانه راه یافتگان و دوم پنج تن امر کننده آنانکه نازید بایشان روح
الامين وباهل الله تعالى بهم المباهلين فقال وهو اصدق القائلين فمن حاجّك
الامین و مباهله نمود بایشان مباهله کنندگان پس گفت و او راستگوترین گویندگانست پس هرکه محاجه
فيه من بعد ما جاءك من العلم فقل تعالوا ندع ابناءنا وابناءكم ونساءنا ونساءكم
کند در او پس از آنکه آمد ترا از دانش پس بگو بیایید بخوانیم ما پسران خود را و شما پسران خود را و ما زنان خود را و شما زنان خود را
وانفسنا وانفسكم ثمّ نبتهل فنجعل لعنة الله على الكاذبين ذلك الامام المخصوص باخائه
و نفسهای خود را و شما نفسهای خود را پس زاری کنیم پس بگردانیم لعنت خدا را بر دروغگویان اوست امامیکه مخصوص شده برادری او
يوم الاخاء والمؤثر بالقوت بعد ضرّ الطّوى ومن شكر الله سعيه في هل اتى ومن
در روز برادری و بطعام ضروری خود از گزند گرسنگی و آنکه ستوده خدا را کوشش او در هل اتی و آنکه
شهد بفضله معادوه واقرّ بمناقبه جاحدوه مولى الانام ومكسّر الاصنام ومن لم ياخذ
گواهی داده بفضل او دشمنان او و اقرار کرده بفضایل او انکار کننده او مالک اختیار مردم و شکننده بتان و آنکه فرا نگرفته او را
في الله لومة لائم صلّى الله عليه وآله ما طلعت شمس النّهار واورقت الاشجار و
در راه خدا سرزنش سرزنش کننده رحمت خدا بر او و آل او مادام که طلوع کند آفتاب روز و برگ آورد درختان و
على النّجوم المشرقات من عترته والحجج الواضحات من ذرّيّته وابن عباس بحسب سند ومتن اصحّ
بر ستارگان درخشان از عترت او و حجت روشن از فرزندان او از ذریه او ادعیه است و دیگر از ایام متبرکه

روز بیست و پنجم است و مشهور آنست که در این روز سوره کریمه هل اتی در شان حضرت امیر المؤمنین و فاطمه زهرا
و امام حسن و امام حسین علیهم السلام نازل شده بسبب آنکه حسن و حسین بیمار شدند و حضرت سید رسل
بعیادت ایشان رفت و امر فرمود که حضرت امیر المؤمنین و فاطمه و حسن و حسین نذر کردند که اگر خدا
ایشان را عافیت دهد سه روز روزه بگیرند و چون عافیت کرامت فرمود آن چهار بزرگوار با فضه خادمه
ایشان روزه گرفتند و نداشتند چیزی که بآن افطار نمایند پس حضرت امیر قدری پشم از شمعون یهودی
گرفت با سه صاع جو که حضرت فاطمه هر روز ثلث آن پشم را بریسد و یکصاع از آن جو را بگیرد و خود بپزد و در پیش در روز

اول فاطمه ع قاید ثلث ان پشم را کوفت و رشت و بمزد ان صاعی از جو برداشت وارد کرد و پنج کرده نان
بخت و چون حضرت امیر با حضرت رسول نماز شام کرد و بخانه برگشت و حضرت فاطمه پنج کرده نان را
حاضر کرد و خواستند افطار نمایند مسکینی بر در خانه ندا کرد که السلام علیکم ای اهل بیت محمد من مسکینم
از مساکین مسلمانان مرا طعام دهید تا خدا شما را از مائدههای بهشت طعام دهد پس حضرت
امیر ابتدا کرد و فرمود که من نان خود را میدهم و سایر اهل بیت با فضه با انحضرت موافقت کردند و نانهای
خود را بسایل دادند و باب افطار کردند و روز دیگر را روزه داشتند و باز حضرت فاطمه ع بمزد رشتن
ثلث دیگر ان پشم یکصاع دیگر را از جو برداشت وارد کرد و پنج کرده دیگر بخت و چون خواستند افطار کنند
سائلی بر در خانه امد و صدا زد که السلام علیکم ای اهل بیت محمد من یتیمی ام از اولاد مهاجرین و پدرم
در روز عقبه شهید شده است مرا طعام دهید تا خدا شما را از خوانهای بهشت طعام دهد پس حضرت
امیر المؤمنان اول نان خود را داد و بعد از او فاطمه زهرا و بعد از او دو گوشواره عرش خدا و بعد از ایشان
فضه سعادتمند همگی نانهای خود را بیتیم دادند و باب افطار نمودند و در روز سیم روزه داشتند و باز
حضرت سیدة النساء در روز سیم بقیه پشم را رشت و بقیه جو را کوفت و در اسیا خورد کرد و باز
پنج کرده نان بخت و چون حضرت امیر کبرا از نماز برگشت حضرت فاطمه طعام را حاضر ساخت که افطار
نمایند ناگاه اسیری از اسیران کافران ندا کرد که السلام علیکم یا اهل بیت محمد ما را اسیر میکنید و می بندید
و طعام نمیدهید بخوریم پس همه شبهای سابق همه کرده نانها را بسایل دادند و باب بحت افطار فرمودند
چون صبح شد حق تعالی سوره کریمه هل اتی را در شان ایشان فرستاد و در ان سوره اشاره باین قصه نمود که
یُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَیَخَافُونَ یَوْمًا کَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِیرًا وَیُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْکِینًا وَیَتِیمًا وَأَسِیرًا
إِنَّمَا نُطْعِمُکُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِیدُ مِنْکُمْ جَزَاءً وَلَا شُکُورًا إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا یَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِیرًا یعنی وفا میکنند
بنذر و میترسند از روزی که شر ان اکثر خلق را فرا گرفته است و میخورانند طعام را با خواهش و محبت ان یا
از برای محض محبت خدا بمسکین و یتیم و اسیر و میگویند یعنی در دل خود و نیت ایشان اینست که ما طعام
میدهیم شما را مگر از برای رضای خدا نمیخواهیم از شما نه جزا و پاداشی را و نه شکر و ثنائی را اما میترسیم از روز
قیامت که در نهایت شدت و هولست و چون در روز چهارم که بیست و پنجم ماه ذی الحجه بود سوره هل اتی
در مدح ایشان نازل شد حضرت رسول ص بخانه اهل بیت امد و ایشان را بان شدت گرسنگی و بان حالت غریب
مشاهده نمود گریست و فرمود که این چه حالتست که در شما مشاهده مینمایم و امام حسن و امام حسین ع
را دید که از نقاهت بیماری و از گرسنگی شکم مبارکش بر پشت چسبیده بود و چشمهایش فرو رفته بود و چون
از نماز فارغ شد حق تعالی خوانی از بهشت برای فاطمه ع فرستاد که در ان کاسه بود و گوشت و ترید گرم در
میان ان بود که میجوشید و بوئی بهتر از بوی مشک از ان ساطع بود پس حضرت فاطمه خوان را بنزد حضرت
رسول اورد حضرت فرمود که ای فاطمه این را از کجا اورده گفت از جانب خدا امده است خدا هر که را خواهد
روزی میدهد بیحساب حضرت فرمود الحمد لله که از دنیا نرفتم تا در اهل بیت خود شبیه مریم مادر عیسی را دیدم
پس از ان تناول نمودند و تا هفت روز از ان میخوردند و اخر نمیشد حضرت صادق ع فرمود که ان کاسه نزد ما است

مانند جوجه که از تخم بیرون اید میلرزند و حضرت فاطمه ع را دید در محراب عبادت ایستاده بود از گرسنگی

و حضرت صاحب الامر ظاهر خواهد کرد و طعام بهشت از آن تناول خواهد نمود و سنیان نیز این روایت را در مائده بطرق بسیار نقل کرده اند و تفصیل این قصه را در سایر کتب ذکر کرده ام پس مناسب است که شیعیان اهل بیت در این ایام تا سی نمایند بموالی خود در تصدق کردن بر مساکین و یتیمان و سعی نمایند در اطعام ایشان و شیخ مفید ره گفته است که مستحب است که این روز را روزه بدارند برای شکر نزول سوره هل اتی در شان آل عبا و ایضا مناسب است غسل زیارت و زیارت ائمه علیهم السلام و زیارت جامعه را خواندن در این روز و مناسب است و چون بعضی از علما این روز را روز مباهله میدانند دعاهای مباهله را در این روز خواندن خوبست و روز بیست و ششم بنابر مشهور عمر را خنجر بر شکمش زده اند و باین سبب نهایت برکت دارد و در روز بیست و هفتم مروان که آخر خلفای بنی امیه است بجهنم واصل شد و دولت ملعون بنی امیه لعنهم الله بر طرف شد پس در این روز شکر این نعمت را باید کرد و بعضی گفته اند که حضرت امام علی النقی ع در این روز متولد شده است و در روز بیست و نهم بنابر مشهور عمر باسفل درک منتقل شده است و باین سبب فضیلت عظیم دارد و در روز آخر ذی الحجه که آخر سال عربیست روایت کرده اند که سنت است که دو رکعت نماز بجا آورند و در هر رکعت یکمرتبه سوره حمد و ده مرتبه سوره قل هو الله احد و ده مرتبه آیة الکرسی بخوانند و بعد از سلام این دعا را بخوانند اَللّٰهُمَّ مَا عَمِلْتُ فِي هٰذِهِ السَّنَةِ

بار خدایا آنچه کردم در این سال

مِنْ عَمَلٍ نَهَيْتَنِي عَنْهُ وَلَمْ تَرْضَهُ وَنَسِيتُهُ وَلَمْ تَنْسَهُ وَدَعَوْتَنِي اِلَى التَّوْبَةِ بَعْدَ اجْتِرَائِي

از کردار که منع کردی مرا از آن و نه پسندیدی و فراموش کردم او را و فراموش نکردی او را و خواندی مرا بسوی بازگشت بعد از دلیری

عَلَيْكَ اَللّٰهُمَّ فَاِنِّي اَسْتَغْفِرُكَ مِنْهُ فَاغْفِرْ لِي وَمَا عَمِلْتُ مِنْ عَمَلٍ يُقَرِّبُنِي اِلَيْكَ فَاقْبَلْهُ

بر تو خدایا پس بدرستیکه آمرزش میخواهم ترا از آن پس بیامرز مرا و آنچه کردم از عملی که نزدیک کند مرا بسوی تو پس بپذیر او را

مِنِّي وَلَا تَقْطَعْ رَجَائِي مِنْكَ يَا كَرِيمُ باب ششم در بیان اعمال ماه محرم است و در آن سه فصل است فصل

از من و مبر امید مرا از خود ای بزرگوار

اول در اعمال دهه اول ماه محرم است از حضرت امام رضا ع منقولست که حضرت رسول ص در روز اول محرم دو رکعت نماز میکردند و چون از نماز فارغ میشدند دست بدعا برمیداشتند و این دعا را سه مرتبه میخواندند اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْاِلٰهُ

بار خدایا توئی خدای

الْقَدِيمُ وَهٰذِهِ سَنَةٌ جَدِيدَةٌ فَاَسْئَلُكَ فِيهَا الْعِصْمَةَ مِنَ الشَّيْطَانِ وَالْقُوَّةَ

دیرینه و این سال نو است پس میخواهم ترا در آن نگاهداشتن از شیطان و توانائی

عَلٰى هٰذِهِ النَّفْسِ الْاَمَّارَةِ بِالسُّوءِ وَالْاِشْتِغَالَ بِمَا يُقَرِّبُنِي اِلَيْكَ يَا كَرِيمُ يَا ذَا الْجَلَالِ

بر این نفس بسیار امر کننده بکار زشت و مشغول گردانیدن بآنچه نزدیک گرداند مرا بسوی تو ای کریم ای بزرگ

وَالْاِكْرَامِ يَا عِمَادَ مَنْ لَا عِمَادَ لَهُ يَا ذَخِيرَةَ مَنْ لَا ذَخِيرَةَ لَهُ يَا حِرْزَ مَنْ لَا

و بزرگواران ای معتمد کسیکه نیست اعتمادی مر او را ای ذخیره کسیکه نیست ذخیره مر او را ای پناه کسیکه نیست

حِرْزَ لَهُ يَا غِيَاثَ مَنْ لَا غِيَاثَ لَهُ يَا سَنَدَ مَنْ لَا سَنَدَ لَهُ يَا كَنْزَ مَنْ لَا كَنْزَ لَهُ

پناهی مر او را ای دادرس کسیکه نیست دادرسی مر او را ای تکیه گاه کسیکه نیست تکیه گاه مر او را ای ذخیره کسیکه نیست دفینه مر او را

يَا حَسَنَ الْبَلَاءِ يَا عَظِيمَ الرَّجَاءِ يَا عِزَّ الضُّعَفَاءِ يَا مُنْقِذَ الْغَرْقٰى يَا مُنْجِيَ الْهَلْكٰى

ای نیکو نعمت ای بزرگ امید ای عزت ناتوانان ای رهاننده غرق شدگان ای خلاصی دهنده هالکان

باب ششم در بیان اعمال ماه محرم

يا منعم يا مجمل يا مفضل يا محسن انت الذي سجد لك سواد الليل ونور النهار وضوء
ای نعمت دهنده ای نیکوکار ای بخشنده ای احسان نماینده توئی که فروتنی کرد مر ترا سیاهی شب و روشنی روز و روشنی
القمر وشعاع الشمس ودوي الماء وحفيف الشجر يا الله لا شريك لك اللهم اجعلنا خيرا
ماه و شعاع آفتاب و صدای آب و آواز درخت ای خدا نیست شریکی مر ترا بار خدایا بگردان ما را بهتر
مما يظنون واغفر لنا ما لا يعلمون ولا تؤاخذنا بما يقولون حسبي الله لا اله الا هو عليه
از آنچه گمان میبرند و بیامرز ما را آنچه نمیدانند و مگیر ما را بآنچه میگویند کافیست مرا خدا نیست خدائی مگر او بر او
توكلت وهو رب العرش العظيم آمنا به كل من عند ربنا وما يذكر الا اولوا الالباب
اعتماد کردم و او پروردگار عرش بزرگ است گرویدیم باو همه نزد پروردگار ما و پند نمیگیرند مگر صاحبان خردها
ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هديتنا وهب لنا من لدنك رحمة انك انت الوهاب وچون
پروردگارا میچان دلهای ما را بعد از آنکه راه نمودی ما را و ببخش ما را از نزد خود رحمتی بدرستیکه توئی بخشنده حضرت

سید الشهداء در دهم این ماه بسعادت شهادت فایز گردیده و در اکثر این دهه محزون و غمگین بودند و اخبار موحشه بایشان میرسید باید که شیعیان ایشان در مجموع این ده روز بلوازم تعزیت آن حضرت قیام نمایند و محزون و اندوهناک باشند و اخبار و احادیث که مشتمل بر ذکر مصائب ایشان باشد بخوانند و بعضی از علما گفته‌اند که ترک بعضی از لذات بکنند و از حضرت امام رضا ع منقولست که ماه محرم ماهی بود که کافران در این ماه جنگ کردن را حرام میدانستند و منافقان این امت در این ماه خون ما را حلال دانستند و هتک حرمت ما کردند و زنان و فرزندان ما را اسیر کردند و آتش در خیمه‌های ما زدند و اموال و اسباب ما را غارت کردند و حرمت حضرت رسالت پناه را در حق ما رعایت نکردند بدرستیکه مصیبت حضرت امام حسین ع چشمهای ما را مجروح گردانید و آب دیده‌های ما را جاری ساخت و عزیز ما را ذلیل گردانید و واقعهٔ کربلا کرب و بلا برای ما مهیا کرد تا روز قیامت پس باید که بمصیبت آنحضرت گریه کنندگان بگریند بدرستیکه گریه بر آنحضرت گناهان بزرگ را برطرف میکند پس فرمود که پدرم امام موسی چون ماه محرم داخل میشد کسی آنحضرت را خندان نمیدید و اثر حزن و اندوه بر آنحضرت ظاهر میشد در مجموع دههٔ اول ماه و چون روز دهم میشد روز مصیبت و گریه و اندوه او بود و میگفت امروز روز شهادت امام حسین ع است و در حدیث دیگر فرمود که چون جدم حسین شهید شد آسمان خون و خاک سرخ بارید اگر بر آنحضرت انقدر گریه کنی که آب دیده بر روی تو جاری گردد حق تعالی جمیع گناهان کوچک و بزرگ ترا بیامرزد پس فرمود که اگر خواهی که چون بمیری هیچ گناه بر تو نباشد زیارت کن حضرت امام حسین ع را و اگر خواهی که در غرفه‌های بهشت با حضرت رسول ص و آله باشی لعنت کن قاتلان حسین ع را و اگر خواهی که ثواب شهیدان کربلا داشته باشی هر وقت که مصیبت آنحضرت بیاد آوری بگو یا لیتنی کنت معهم فافوز فوزا عظیما یعنی کاشکی میبودم با ایشان پس رستکاری مییافتم رستکاری بزرگ و اگر خواهی که در درجات عالیهٔ بهشت با ما باشی از برای اندوه ما اندوهناک باش و از برای شادی ما شاد باش و بس بدانکه روزه روز اول محرم سنت است و از حضرت امام رضا ع منقولست که در روز اول محرم حضرت زکریا دعا کرد و از خدا فرزند طلبید و حق تعالی دعای او را مستجاب گردانید و حضرت یحیی را باو عطا کرد پس هر که این روز را روزه

دارد و دعا کند خدا دعای او را مستجاب گرداند چنانکه دعای زکریا را مستجاب کرد و شیخ مفید گفته که روز
سیم محرم روز مبارکیست و در این روز حضرت یوسف از چاه بیرون آمد هر که این روز را روزه دارد حق تعالی کار
صعب بر او آسان گرداند و غمهای او را زایل گرداند و بهتر آنست که روز نهم و دهم را روزه ندارد زیرا که
بنی امیه این دو روز را برای برکت و شماتت بر قتل آنحضرت روزه میداشته‌اند و احادیث بسیار در فضیلت
این دو روز و روزه آنها بر حضرت رسول ص بسته‌اند و از طریق اهل بیت ع احادیث بسیار در مذمت روزه
این دو روز خصوصا روز عاشورا وارد شده است و ایضا بنی امیه علیهم اللعنه از برای برکت آذوقه سال
را در روز عاشورا در خانه ذخیره میکرده‌اند لهذا از حضرت امام رضا ع منقولست که هر که ترک کند
سعی در حوائج خود را در روز عاشورا و پی کاری نرود حق تعالی حوائج دنیا و آخرت او را برآورد و هر که روز عاشورا
روز مصیبت و اندوه و گریه او باشد حق تعالی روز قیامت را روز فرح و سرور و شادی او گرداند و دیدهای
اش در بهشت بما روشن گردد و هر که روز عاشورا را روز برکت نامد و از برای منزل خود در آن روز چیزی را
ذخیره کند خدا آن ذخیره را بر او مبارک نگرداند و در روز قیامت با یزید و عبید الله بن زیاد و عمر بن سعد
علیهم اللعنه محشور گردانند پس باید که آدمی در روز عاشورا مشغول کاری از کارهای دنیا نگردد و مشغول گریه
و نوحه و مصیبت باشد و امر کند اهل خانه خود را که تعزیه آنحضرت بدارند و مشغول ماتم باشند چنانکه
در ماتم عزیزترین اولاد و اقارب خود میباشند و در آن روز امساک از خوردن و آشامیدن کند بی آنکه قصد
روزه کند و در آخر روز بعد از عصر افطار کند اگر چه بشربت آبی باشد و روزه تمام ندارد مگر آنکه در خصوص
آن روز روزه واجبی داشته باشد که بنذر یا مثل آن بر او واجب شده باشد که آن روز را روزه باید بگیرد و در آن روز
آذوقه در خانه ذخیره نکند و نخندد و مشغول لهو و لعب نگردد و هزار مرتبه بر قاتلان آنحضرت لعنت کند
و بگوید اللهم العن قتلة الحسین و در روایتی وارد شده است از حضرت صادق ع که هر که در روز عاشورا
هزار مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند خداوند رحمن نظر رحمت بسوی او کند و هرگز او را عذاب نکند و
شب عاشورا را نیز باید که احیا کند بگریه و اندوه و حزن برای تاسی بحضرت امام حسین ع و اصحاب او که در
آن شب در صحرای کربلا در میان سی هزار نفر از کافران بیحیا تا صبح احیا کردند و عبادت و تهیه سعادت شهادت
میکردند **فصل دویم** در زیارت مشهوره آنحضرتست در روز عاشورا و فضیلت زیارت آنحضرت
در شب و روز عاشورا بسند معتبر از حضرت صادق ع منقولست که هر که در شب عاشورا نزد قبر شریف
آنحضرت باشد و آنحضرت را زیارت کند در روز قیامت محشور گردد بخون خود آلوده و بهیئت شهدای کربلا
در میان ایشان محشور گردد و هر که در شب و روز عاشورا زیارت کند آنحضرت را چنان باشد که در پیش روی
آنحضرت شهید شده باشد و بسند صحیح از آنحضرت منقولست که هر که حضرت امام حسین ع را در روز
عاشورا زیارت کند بهشت او را واجب گردد و تمام زیارت مشهوره که حضرت شیخ طوسی و ابن قولویه و غیر ایشان
روایت کرده‌اند از سیف بن عمیره و صالح بن عقبه و هر دو از محمد بن اسمعیل و علقمة بن محمد حضرمی و هر دو از مالک
جهنی که حضرت امام محمد باقر ع فرمود که هر که زیارت کند حضرت امام حسین ع را در روز دهم محرم یا نزد قبر آن
حضرت گریان شود ملاقات کند خدا را در روز قیامت با ثواب دو هزار هزار حج که همه را با رسول خدا و ائمه طاهرین

علیهم

علیهم السلام کرده باشد مالک گفت فدای تو شوم چه ثواب است برای کسیکه در شهرهای دور باشد و ممکن نباشد
او را رفتن بسوی قبر آنحضرت فرمود که چون روز عاشورا در آید بیرون رود بسوی صحرا یا بالا رود بر بام بلند
در خانه خود و اشاره کند بسوی قبر آنحضرت بسلام و جهد کند در نفرین بر قاتلان آنحضرت و بعد از آن
دو رکعت نماز بکند و بکند این کار را در اول روز پیش از پیشین پس ندبه و گریه و نوحه کند بر حسین ع و امر
کند هر که را که در خانه او است و از او تقیه نکند بگریه کردن بر آنحضرت و در خانه خود مصیبتی برپا
دارد باظهار جزع بر آنحضرت و ملاقات کنند بعضی از ایشان بعضی را در خانهای خود بگریه کردن
و تعزیت گویند بعضی از ایشان بعضی را بمصیبت آنحضرت پس من ضامنم بر خدا که هرگاه این کارها را بکنند
حق تعالی جمیع این ثوابها را با ایشان عطا فرماید مالک گفت تو ضامنی و کفیلی از برای ایشان باین ثواب فرمود بلی
پرسید که چگونه بکدیگر را تعزیت بگویند فرمود که میگویند عَظَّمَ اللّٰهُ اُجُورَنَا وَاُجُورَکُمْ بِمُصَابِنَا بِالْحُسَیْنِ ع
وَجَعَلَنَا وَاِیَّاکُمْ مِنَ الطَّالِبِینَ بِثَارِهِ مَعَ وَلِیِّهِ الْاِمَامِ الْمَهْدِیِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَیْهِمُ السَّلَامُ و اگر توانی در این روز از
برای هیچ کار از خانه بیرون مرو که این روز نحسی است که حاجت هیچ مؤمنی در این روز برآورده نمیشود و اگر برآورده شود
برای او مبارک نیست و در آن خیری و رشدی نیست و ذخیره مکن از برای منزل خود چیزی که هر که ذخیره کند
از برای او مبارک نیست آنچه ذخیره کرده است و اهلش که از برای ایشان ذخیره کرده است مبارک نخواهد بود
از برای او پس کسیکه چنین کند از برای او نوشته شود ثواب هزار هزار حج و هزار هزار عمره و هزار هزار جهاد که همه را
با رسول خدا کرده باشد و از برای او خواهد بود ثواب مصیبت هر پیغمبری و رسولی و صدیقی و شهیدی که مرده
باشد یا کشته شده باشد از وقتیکه خدا دنیا را خلق کرده است تا روز قیامت علقمه بن محمد گفت که من گفتم
بحضرت امام محمد باقر ع که تعلیم نما بمن دعائی که بخوانم در این روز هرگاه خواهم آنحضرت را زیارت کنم از نزدیک و دعائی
که هرگاه در شهرهای دور باشم خواهم که اشاره کنم بخوانم فرمود که ای علقمه هرگاه بکنی آن دو رکعت را بعد از آنکه اشاره
کرده باشی بجانب آنحضرت بسلام و گفته باشی بعد از اشاره و نماز این قول را که مذکور خواهد شد پس دعا کرده خواهی
بود بدعائیکه ملائکه میخوانند در وقتیکه زیارت آنحضرت میکنند و مینویسد خدا برای تو بآن زیارت هزار هزار
حسنه و محو میکند از تو هزار هزار گناه و بلند میکند از برای تو در بهشت هزار هزار درجه و خواهی بود از آنها
که شهید شده باشند با حسین بن علی علیهما السلام تا آنکه شریک شوی با ایشان در درجات ایشان و نشناسند
ترا مگر از آنها که با آنحضرت شهید شده باشند و نوشته شود برای تو ثواب هر پیغمبری و
رسولی و ثواب زیارت هر که زیارت کرده است آنحضرت را از روزیکه شهید شده است میگوئی اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ

یَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا بْنَ رَسُولِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا بْنَ اَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ وَابْنَ
درود بر تو ای ابا عبد الله درود بر تو ای پسر رسول خدا درود بر تو ای پسر پادشاه گروندگان و پسر

سَیِّدِ الْوَصِیِّینَ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا بْنَ فَاطِمَةَ سَیِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِینَ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا
بزرگ اوصیا درود بر تو ای پسر فاطمه بزرگ زنان جهانیان درود بر تو ای

ثَارَ اللّٰهِ وَابْنَ ثَارِهِ وَالْوِتْرَ الْمَوْتُورَ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ وَعَلَی الْاَرْوَاحِ الَّتِی حَلَّتْ بِفِنَائِکَ عَلَیْکُمْ
شهید راه خدا و پسر شهید راه خدا و خونخواه او درود بر تو و بر روحهای که فرود آمدند بگرداگرد بر شما

مني جميعا سلام الله ابدا ما بقيت وبقي الليل والنهار يا ابا عبد الله لقد عظمت
الرزية وجلت المصيبة بك علينا وعلى جميع اهل الاسلام وجلت وعظمت
مصيبتك في السموات على جميع اهل السموات فلعن الله امة اسست اساس الظلم والجور
عليكم اهل البيت ولعن الله امة دفعتكم عن مقامكم وازالتكم عن مراتبكم التي رتبكم
الله فيها ولعن الله امة قتلتكم ولعن الله الممهدين لهم بالتمكين من قتالكم برئت الى الله
واليكم منهم ومن اشياعهم واتباعهم واوليائهم يا ابا عبد الله اني سلم لمن سالمكم و
حرب لمن حاربكم الى يوم القيمة ولعن الله آل زياد وآل مروان ولعن الله بني امية قاطبة
ولعن الله ابن مرجانة ولعن الله عمر بن سعد ولعن الله شمرا ولعن الله امة اسرجت والجمت
وتنقبت وتهيأت لقتالك بابي انت وامي لقد عظم مصابي بك فاسئل الله الذي اكرم
مقامك واكرمني بك ان يرزقني طلب ثارك مع امام منصور من اهل بيت محمد صلى
الله عليه وآله اللهم اجعلني عندك وجيها بالحسين في الدنيا والآخرة يا ابا عبد الله
اني اتقرب الى الله والى رسوله والى امير المؤمنين والى فاطمة والى الحسن واليك بموالاتك
وبالبراءة ممن قاتلك ونصب لك الحرب وبالبراءة ممن اسس اساس الظلم والجور عليكم
وابرأ الى الله والى رسوله ممن اسس اساس ذلك وبنى عليه بنيانه وجرى في ظلمه وجوره
عليكم وعلى اشياعكم برئت الى الله واليكم منهم واتقرب الى الله ثم اليكم بموالاتكم
وموالاة وليكم وبالبراءة من اعدائكم والناصبين لكم الحرب وبالبراءة من اشياعهم

واتباعهم

واتباعهم انی سلم لمن سالمکم وحرب لمن حاربکم وولی لمن والاکم وعدو لمن عاداکم

فاسئل الله الذی اکرمنی بمعرفتکم ومعرفة اولیائکم ورزقنی البراءة من اعدائکم ان

یجعلنی معکم فی الدنیا والآخرة وان یثبت لی عندکم قدم صدق فی الآخرة واسئله

ان یبلغنی المقام المحمود لکم عند الله وان یرزقنی طلب ثاری مع امام مهدی ظاهر ناطق

منکم واسئل الله بحقکم وبالشأن الذی لکم عنده ان یعطینی بمصابی بکم افضل ما یعطی

مصابا بمصیبته مصیبة ما اعظمها واعظم رزیتها فی الاسلام وفی جمیع اهل السموات

والارض اللهم اجعلنی فی مقامی هذا ممن تناله منک صلوات ورحمة ومغفرة اللهم اجعل

محیای محیا محمد وآل محمد ومماتی ممات محمد وآل محمد اللهم ان هذا یوم تبرکت به بنو امیة

وابن آکلة الاکباد اللعین ابن اللعین علی لسان نبیک صلی الله علیه واله فی کل موطن

وموقف وقف فیه نبیک صلواتک علیه واله اللهم العن اباسفیان ومعویة بن ابی سفیان

ویزید بن معویة علیهم منک اللعنة ابد الابدین وهذا یوم فرحت به آل زیاد وآل مروان

بقتلهم الحسین صلوات الله علیه اللهم فضاعف علیهم اللعن منک والعذاب اللهم انی

اتقرب الیک فی هذا الیوم وفی موقفی هذا وایام حیوتی بالبراءة منهم واللعنة علیهم

وبالموالاة لنبیک وآل نبیک علیهم السلام پس صد مرتبه بگوئی اللهم العن اول ظالم ظلم حق

محمد وآل محمد وآخر تابع له علی ذلک اللهم العن العصابة التی جاهدت الحسین علیه السلام

وشایعت وبایعت وتابعت علی قتله اللهم العنهم جمیعا پس صد مرتبه بگوئی السلام علیک یا اباعبدالله

فعلی

وعلى الأرواح التي حلّت بفنائك عليك منّي سلام الله أبداً ما بقيت وبقي الليل

و بر روانهائیکه فرود آمدند بدرگاه سرای تو از من درود خدا همیشه همان بمانم من و باقی باشد

والنهار ولا جعله الله آخر العهد منّي لزيارتك السلام على الحسين وعلى علي بن الحسين

روز و نگرداند او را خدا آخر پیمان از من مر زیارت ترا درود بر حسین و بر علی پسر حسین

وعلى أولاد الحسين وعلى أصحاب الحسين پس میگوئی اللهمّ خصّ أنت أوّل ظالمٍ باللعن منّي وابدأ

و بر فرزندان حسین و بر یاران حسین ع خداوندا مخصوص کن اول ظلم کننده را بلعنت از من و آغاز کن

به أوّلاً ثمّ الثاني ثمّ الثالث ثمّ الرابع اللهمّ العن يزيد بن معوية خامساً والعن عبيد الله

اول پس دویم را پس سیم پس چهارم را خدایا لعنت کن یزید پسر معویه را پنجم و لعنت کن عبیدالله

ابن زياد وابن مرجانة وعمر بن سعدٍ وشمراً وآل زياد وآل مروان إلى يوم القيمة

پسر زیاد را و پسر مرجانه را و عمر پسر سعد را و شمر را و آل زیاد و آل مروان تا روز رستخیز

پس بسجده میروی و میگوئی اللهمّ لك الحمد حمد الشاكرين لك على مصابهم الحمد لله على عظيم رزيّتي اللهمّ

خداوندا مر تراست حمد حمد سپاس گذاران مر ترا بر گروه ایشان سپاس مر خدا را بر بزرگ مصیبتم خداوندا

ارزقني شفاعة الحسين عليه السلام يوم الورود وثبّت لي قدم صدقٍ عندك مع

روزی کن مرا شفاعت حسین براو سلام روز وارد شدن و ثابت دار برایم قدم راست نزد خود با

الحسين وأصحاب الحسين الذين بذلوا مهجهم دون الحسين عليه السلام علقمه گفت که حضرت

حسین و یاران حسین آنانکه بخشیدند خون خود را غیر از حسین براو درود امام محمد باقر ع فرمود

که اگر توانی هر روز انحضرت را باین کیفیت زیارت کنی بکن که جمیع این ثوابها برای تو خواهد بود و روایت کرد محمد بن خالد طیالسی از سیف بن عمیره که گفت من با صفوان جمال و جماعتی از اصحاب خود رفتیم بسوی نجف بعد از انکه حضرت صادق ع بیرون رفته بودند از حیره بمدینه پیش از ما پس چون از زیارت حضرت امیر المؤمنین فارغ شدیم صفوان روی خود را گردانید بسوی قبر حضرت امام حسین ع و گفت که زیارت کنید حضرت امام حسین را از اینمکان از بالای سر حضرت امیر المؤمنین ع که حضرت امام جعفر صادق ع چنین کردند و تنها من در خدمت انحضرت در اینمکان شریف آمده بودم پس خواند صفوان زیارتی را که علقمه از حضرت امام محمد باقر ع برای روز عاشورا روایت کرده است پس دو رکعت نماز زیارت کرد نزد سر امیر المؤمنین ع و وداع کرد بعد از نماز امیر المؤمنین را و رو بجانب قبر امام حسین ع کرد و انحضرت را نیز وداع کرد و از جمله دعاها که بعد از ان دو رکعت خواند این بود

يا الله يا الله يا الله يا مجيب دعوة المضطرّين يا كاشف كرب المكروبين يا غياث

ای خدا ای خدا ای خدا ای اجابت کننده خواندن بیچارگان ای زایل کننده اندوه اندوهناکان ای فریادرس

المستغيثين ويا صريخ المستصرخين ويا من هو أقرب إليّ من حبل الوريد ويا من

فریاد خواهان و ای دادرس داد خواهان و ای آنکه او نزدیکتر است بسوی من از رگ گردن و ای آنکه

يحول بين المرء وقلبه ويا من هو بالمنظر الأعلى وبالأفق المبين ويا من هو الرحمن الرحيم

حایل شود میان مرد و دل او و ای آنکه او بدیدنگاه بلند و بافق روشن و ای آنکه او بخشنده مهربان

على العرش استوى ويا من يعلم خائنة الأعين وما تخفي الصدور ويا من لا يخفى عليه خافية

بر عرش مستولی و ای آنکه میداند اشاره دیدها و آنچه پنهان است در سینها و ای آنکه پنهان نیست براو چیزی

ويا من لا تشتبه عليه الأصوات ويا من لا تغلطه الحاجات ويا من لا يبرمه إلحاح الملحين
يا مدرك كل فوت ويا جامع كل شمل ويا بارئ النفوس بعد الموت ويا من هو كل يوم في
شأن يا قاضي الحاجات يا منفس الكربات يا معطي السؤلات يا ولي الرغبات يا كافي المهمات
يا من يكفي من كل شيء ولا يكفي منه شيء في السموات والأرض أسألك بحق محمد وعلي وبحق
فاطمة بنت نبيك وبحق الحسن والحسين فإني بهم أتوجه إليك في مقامي هذا وبهم أتوسل
وبهم أتشفع إليك وبحقهم أسألك وأقسم وأعزم عليك وبالشأن الذي لهم عندك
وبالقدر الذي لهم عندك وبالذي فضلتهم على العالمين وباسمك الذي جعلته عندهم
وبه خصصتهم دون العالمين وبه أبنتهم وأبنت فضلهم من فضل العالمين حتى فاق
فضلهم فضل العالمين أن تصلي على محمد وآل محمد وأن تكشف عني غمي وهمي وكربي و
تكفيني المهم من أموري وتقضي عني ديني وتجيرني من الفقر وتجيرني من الفاقة وتغنيني عن
المسألة إلى المخلوقين وتكفيني هم من أخاف همه وعسر من أخاف عسره وحزونة
من أخاف حزونته وشر من أخاف شره ومكر من أخاف مكره وبغي من أخاف بغيه وجور من
أخاف جوره وسلطان من أخاف سلطانه وكيد من أخاف كيده ومقدرة من أخاف بلاء مقدرته
علي وترد عني كيد الكيدة ومكر المكرة اللهم من أرادني بسوء فأرده ومن كادني فكده
واصرف عني كيده ومكره وبأسه وأمانيه وامنعه عني كيف شئت وأنى شئت اللهم
اشغله عني بفقر لا تجبره وببلاء لا تستره وبفاقة لا تسدها وبسقم لا تعافيه وذل

لا تعزّه و بمسكنة لا تجبرها اللّهمّ اضرب بالذّلّ نصب عينيه وادخل عليه الفقر
في منزله والعلّة والسّقم في بدنه حتّى تشغله عنّي بشغل شاغل لا فراغ له وانسه ذكري
كما انسيته ذكرك وخذ عنّي بسمعه وبصره ولسانه ويده ورجله وقلبه وجميع جوارحه
وادخل عليه في جميع ذلك السّقم ولا تشفه حتّى تجعل ذلك له شغلاً شاغلاً به عنّي
وعن ذكري واكفني يا كافي ما لا يكفي سواك فانّك الكافي لا كافي سواك ومفرّج لا مفرّج
سواك ومغيث لا مغيث سواك وجار لا جار سواك خاب من كان جاره سواك ومغيثه سواك
ومفزعه الى سواك ومهربه وملجاؤه الى غيرك ومنجاه من مخلوق غيرك فانت ثقتي ورجائي
ومفزعي ومهربي وملجاي ومنجاي فبك استفتح وبك استنجح وبمحمّد وآل محمّد اتوجّه اليك
واتوسّل واتشفّع فاسألك يا الله يا الله يا الله فلك الحمد ولك الشّكر واليك المشتكى
وانت المستعان فاسألك يا الله بحقّ محمّد وآل محمّد ان تصلّي على محمّد وآل محمّد وان تكشف
عنّي غمّي وهمّي وكربي في مقامي هذا كما كشفت عن نبيّك همّه وغمّه وكربه وكفيته هول
عدوّه فاكشف عنّي كما كشفت عنه وفرّج عنّي كما فرّجت عنه واكفني كما كفيته واصرف
عنّي هول ما اخاف هوله ومؤنة ما اخاف مؤنته وهمّ ما اخاف همّه بلا مؤنة على نفسي من
ذلك واصرفني بقضاء حوائجي وكفاية ما اهمّني همّه من امر آخرتي ودنياي يا امير المؤمنين و
يا ابا عبد الله عليكما منّي سلام الله ابداً ما بقيت وبقي اللّيل والنّهار ولا جعله الله آخر
العهد من زيارتكما ولا فرّق الله بيني وبينكما اللّهمّ احيني حيوة محمّد وذرّيّته وامتني

مماتهم وتوفني على ملتهم واحشرني في زمرتهم ولا تفرق بيني وبينهم طرفة عين ابدا في الدنيا
والآخرة يا امير المؤمنين ويا ابا عبد الله اتيتكما واگر از دور خوانند وتوجهت الى ضريحكما بگو زائرا
ومتوسلا الى الله ربي وربكما ومتوجها اليه بكما ومستشفعا بكما الى الله في حاجتي هذه
فاشفعا لي فان لكما عند الله المقام المحمود والجاه الوجيه والمنزل الرفيع والوسيلة اني
انقلب عنكما منتظرا لتنجز الحاجة وقضائها ونجاحها من الله بشفاعتكما لي الى الله في
ذلك فلا اخيب ولا يكون منقلبي منقلبا خائبا خاسرا بل يكون منقلبي منقلبا راجحا مفلحا
منجحا مستجابا بقضاء جميع حوائجي وتشفعا لي الى الله انقلب على ما شاء الله ولا حول ولا
قوة الا بالله مفوضا امري الى الله ملجئا ظهري الى الله متوكلا على الله واقول حسبي الله
وكفى سمع الله لمن دعا ليس لي وراء الله ووراءكم يا سادتي منتهى ما شاء ربي كان وما لم يشا
لم يكن ولا حول ولا قوة الا بالله استودعكما الله ولا جعله الله آخر العهد مني اليكما انصرفت
يا سيدي يا امير المؤمنين ومولاي وانت يا ابا عبد الله يا سيدي وسلامي عليكما متصل
ما اتصل الليل والنهار واصل ذلك اليكما غير محجوب عنكما سلامي ان شاء الله واسئله
بحقكما ان يشاء ذلك ويفعل فانه حميد مجيد انقلبت يا سيدي عنكما تائبا حامدا لله
شاكرا راجيا للاجابة غير آيس ولا قانط آئبا عائدا راجعا الى زيارتكما غير راغب عنكما ولا من
زيارتكما بل راجع عائد ان شاء الله ولا حول ولا قوة الا بالله يا سادتي رغبت اليكما والى زيارتكما
بعد ان زهد فيكما وفي زيارتكما اهل الدنيا فلا خيبني الله مما رجوت وما املت في زيارتكما

این قربت مجیب سیف بن عمیره گفت که من بصفوان گفتم که علقمة بن محمد این زیارترا از امام محمد باقر ع از برای ما
بدرستیکه او رورا جابت روایت کرد و این دعا را نقل نکرد صفوان گفت که من وارد شدم با سید خود حضرت
امام جعفر صادق ع باین مکان پس کرد آنچه ما کردیم مثل در زیارت و این دعا را خواند در هنگام وداع بعد از آنکه ادا
دو رکعت نماز را کرد و وداع را بجا آورد بعد از آن صفوان گفت که حضرت صادق ع بمن گفت که تعاهد
این زیارترا و بخوان این دعا را و باین نحو زیارت بکن که من ضامنم بر خدا که هر که این زیارترا بکند و این دعا را بخواند
از نزدیک یا دور اینکه زیارتش مقبول باشد و سعیش مزد داده شود و سلامش بآنحضرت برسد و محجوب
نکردد و هر حاجت که از خدا بطلبد بر آورده شود هر چند حاجتش بزرگ باشد ای صفوان این زیارت را
با همین ضامنی از پدرم شنیدم و پدرم از علی بن الحسین با همین ضامنی و او از امام حسین ع با همین ضامنی
و او از برادرش امیر المؤمنین ع با همین ضامنی و امیر المؤمنین از رسول خدا ص با همین ضامنی و رسول خدا از
جبرئیل با همین ضامنی و جبرئیل از خداوند عالمیان با همین ضامنی و بتحقیق که حق تع قسم بذات مقدس خود
خورده است که هر که حضرت امام حسین ع را باین روش زیارت کند از نزدیک یا دور و این دعا را بخواند زیارت
او را قبول کنم و هر حاجت که بطلبد بر آورم هر چند بزرگ باشد و هر سؤال که بکند عطا کنم و از درگاه
من نا امید بر نگردد و او را بر گردانم شاد و خوشحال بهره مند بحاجتش و فایز شدن ببهشت و آزاد شدن
از جهنم و از برای هر که شفاعت کند شفاعتش را قبول کنم مگر کسیکه دشمن ما اهل بیت باشد و گواه گرفت خدا
ما را برآنچه گواه گرفته بود بر آن ملائکه ملکوت خود را پس جبرئیل گفت یا رسول الله خدا مرا بسوی تو فرستاده
است برای بشارت و سرور و خوشحالی تو و بشارت و شادی علی بن ابی طالب و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام
و امامان از فرزندان تو تا روز قیامت پس حضرت صادق ع فرمود که ای صفوان هر گاه ترا حاجتی بسوی خدا
بهم رسد این زیارترا بکن هر جا که باشی و این دعا را بخوان و از پروردگار خود حاجت خود را بطلب که البته بر آورده
است و حق تع خلف وعده خود نمیفرماید مؤلف گوید که چون عبارت حدیث تشویش عظیمی دارد و قابل
احتمالات بسیار هست اگر اول زیارت السلام علیک یا ابا عبد الله را تا و آل نبیک علیهم السلام بخوانند و زیارترا بکند
و باز همان زیارترا اعاده کند بهتر است و اگر بعد از صد مرتبه لعنت بار دیگر نماز بکنند و بعد از صد مرتبه سلام
بار دیگر نماز کند و متصل بسجده رود و بعد از سجده نیز نماز بکند شاید بجمیع احتمالات عمل کرده باشد و اگر اول یکی از
این زیارات بعید را بعمل آورد و نماز بکند و بعد از آن این اعمال را بعمل آورد ظاهرا کافی باشد و اگر زیارت
امیر المؤمنین ع را با این زیارت ضم کند بهتر است خصوصا هر گاه این زیارترا در نزد ضریح امیر المؤمنین ع بعمل
آورد و چون در حدیث تجویز کرده تا این زیارت در هر وقت وارد شده است اگر در غیر روز عاشورا کند بجای اللهم ان هذا
یوم تبرکت به بگوید اللهم ان یوم قتل الحسین صلواتک علیه یوم تبرکت به بنو امیة **فصل سیم** در بیان سایر
زیارات این روز است و از جمله آنها زیارتیست که بسند صحیح عبد الله بن سنان روایت کرده است که رفتم بخدمت
حضرت صادق ع در روز عاشورا و آنحضرت را شکسته رنگ و اندوهناک یافتم و آب دیده های مبارک آنحضرت
مانند مروارید میریخت گفتم یا بن رسول الله سبب گریه شما چیست خدا هرگز دیده های شما را نگریاند حضرت فرمود
مگر غافلی و نمیدانی که در مثل این روز حضرت امام حسین ع شهید شد گفتم ای سید من چه میفرمائید در روزه اش فرمود که روزه

بدار بجهت آنکه شب عید بنی امیه است روزه بگیری و افطار بکن نه از روی شماتت و یکروز تمام روزه مگیر و باید که افطار تو بعد
از نماز عصر باشد بیکساعت بشربتی از آب زیرا که در اینوقت جنگ برطرف شد از آل رسول و در زمین سی نفر
از اهل بیت و موالیان ایشان افتاده بود که صاحب مصیبت در آنها حضرت رسالت بود و اگر آنحضرت
در دنیا میبود بایست آنحضرت را برای ایشان تعزیت بگویند پس آنحضرت چندان گریست که ریش مبارکش
از آب دیده اش تر شد پس حضرت فرمود که بهترین کاری که در این روز بکنی آنستکه جامه‌های پاکیزه بپوشی و بندها را
بگشائی و آستینها را تا مرفق بالا کنی بر روش مصیبت زدگان پس بیرون روی بسوی بیابان یا بجائی که کسی ترا
نه بیند یا خانه خالی از برای تقیه از منافقان در وقت چاشت پس چهار رکعت نماز بجا آوری با خشوع و
خضوع و رکوع نیکو و بعد از هر دو رکعت سلام بگوئی و در رکعت اول بعد از حمد سوره قل یا ایها الکافرون بر
خوانی و در رکعت دویم سوره قل هو الله احد و در دو رکعت دیگر در رکعت اول بعد از حمد سوره احزاب
بخوانی و در رکعت دویم سوره اذا جاءک المنافقون و اگر اینها را ندانی هر سوره که توانی بخوان پس بگردانی
روی خود را بجانب روضه مقدسه آنحضرت و بخاطر آوری شهادت آن امام مظلوم و اولاد و اقارب و اصحاب
آنجناب را و سلام کنی بر او و صلوات فرستی بر او و لعنت کنی بر قاتلان ایشان و بروایت دیگر هزار مرتبه لعنت
کنی بر قاتلان آنحضرت که هر لعنی برای تو هزار حسنه نوشته میشود و هزار گناه از تو محو میشود و هزار درجه
در بهشت از برای تو بلند میشود و بهتر آنستکه هزار مرتبه بگوید اَللّٰهُمَّ الْعَنْ قَتَلَةَ الْحُسَيْنِ وَاَصْحابَهُ پس
فرمود که بعد از آن از موضعی که ایستاده چند گام پیش رود و بگوید اِنّا لِلّٰهِ وَاِنّا اِلَيْهِ راجِعُونَ رِضاً بِقَضائِهِ
وَتَسْلِيماً لِاَمْرِهِ و اگر هفت مرتبه چنین کند بهتر است و فرمود که در جمیع این احوال باید که محزون و غمناک باشی
پس بجای خود برگردی و بگوئی اَللّٰهُمَّ عَذِّبِ الْفَجَرَةَ الَّذِينَ شاقُّوا رَسُولَكَ وَحارَبُوا اَوْلِياءَكَ وَعَبَدُوا غَيْرَكَ
خداوندا عذاب کن بدکاران را آنچنان مخالفت کردند پیغمبر ترا و جنگ کردند با دوستان تو و پرستیدند غیر ترا
وَاسْتَحَلُّوا مَحارِمَكَ وَالْعَنِ الْقادَةَ وَالْاَتْباعَ وَمَنْ كانَ مِنْهُمْ فَخَبَّ وَاَوْضَعَ مَعَهُمْ اَوْ رَضِيَ
و حلال کردند حرام ترا و لعنت کن پیشروان و پیروان را و هر که باشد از ایشان پس محبت کند و شتاب کند با ایشان یا خوشنود شود
بِفِعْلِهِمْ لَعْناً كَثِيراً اَللّٰهُمَّ وَعَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ صَلَواتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَاسْتَنْقِذْهُمْ
بکردار ایشان لعنت بسیار خداوندا شتاب کن گشایش آل محمد و بگردان رحمتهای خود را بر او و بر ایشان و برهان ایشان را
مِنْ اَيْدِي الْمُنافِقِينَ الْمُضِلِّينَ وَالْكَفَرَةِ الْجاحِدِينَ وَافْتَحْ لَهُمْ فَتْحاً يَسِيراً وَاَتِحْ لَهُمْ رَوْحاً وَفَرَجاً
از دستهای دورویان گمراهان و ناگروندگان و انکارکننده و بگشا برای ایشان گشایشی آسان و مهیا کن از برای ایشان راحتی و گشایش
قَرِيباً وَاجْعَلْ لَهُمْ مِنْ لَدُنْكَ عَلى عَدُوِّكَ وَعَدُوِّهِمْ سُلْطاناً نَصِيراً پس بدعا بردار دستها را و قصد کن
نزدیک و بگردان برای ایشان از نزد خود بر دشمن خود و دشمن ایشان استیلائی یاری کننده نفرین دشمنان آل محمد را و بگو
اَللّٰهُمَّ اِنَّ كَثِيراً مِنَ الْاُمَّةِ ناصَبَتِ الْمُسْتَحْفِظِينَ مِنَ الْاَئِمَّةِ وَكَفَرَتْ بِالْكَلِمَةِ وَعَكَفَتْ عَلَى
خداوندا بسیاری از امت دشمنی کردند با نگاهبانان از امامان و کافر شدند بکلمه حق و اقامت نمودند بر
الْقادَةِ الظَّلَمَةِ وَهَجَرَتِ الْكِتابَ وَالسُّنَّةَ وَعَدَلَتْ عَنِ الْحَبْلَيْنِ اللَّذَيْنِ اَمَرْتَ بِطاعَتِهِما وَالتَّمَسُّكِ
پیشوایان ستمکاران و ترک کردند کتاب را و سنت را و برگشتند از دو ریسمان که فرمودی بفرمانبرداری ایشان و چنگ زدن
بِهِما فَاَماتَتِ الْحَقَّ وَحادَتْ عَنِ الْقَصْدِ وَمالَأَتِ الْاَحْزابَ وَحَرَّفَتِ الْكِتابَ وَكَفَرَتْ بِالْحَقِّ لَمّا جاءَها
بآنها پس میرانیدند حق را و عدول کردند از راه راست و یاری کردند بر محاربه و تغییر دادند کتاب و کافر شدند بحق چون آمد

وتمسكت بالباطل لما اعرضها وضيعت حقك واضلت خلقك وقتلت اولاد نبيك

وخيرة عبادك وحملة علمك وورثة حكمتك ووحيك اللهم فزلزل اقدام اعدائك

واعداء رسولك واهل بيت رسولك اللهم واخرب ديارهم وافلل سلاحهم وخالف بين

كلمتهم وفت في اعضادهم واوهن كيدهم واضربهم بسيفك القاطع وارمهم بحجرك الدامغ

وطمهم بالبلاء طما وعمهم بالعذاب عما وعذبهم عذابا نكرا وخذهم بالسنين والمثلات

التي اهلكت بها اعداءك انك ذو نقمة من المجرمين اللهم ان سنتك ضائعة واحكامك

معطلة وعترة نبيك في الارض هائمة اللهم فاعن الحق واهله واقمع الباطل

واهله ومن علينا بالنجاة واهدنا الى الايمان وعجل فرجنا وانظمه بفرج اوليائك

واجعلهم لنا ودا واجعلنا لهم وفدا اللهم واهلك من جعل يوم قتل ابن نبيك

وخيرتك عيدا واستهل به فرحا ومرحا وخذ آخرهم كما اخذت اولهم وضاعف

اللهم العذاب والتنكيل على ظالمي اهل بيت نبيك واهلك اشياعهم وقادتهم واباد حماتهم

وجماعتهم اللهم وضاعف صلواتك ورحمتك وبركاتك على عترة نبيك العترة الضائعة

الخائفة المستذلة بقية من الشجرة الطيبة الزاكية المباركة واعل اللهم كلمتهم و

افلج حجتهم واكشف البلاء واللأواء وحنادس الاباطيل والعمى عنهم وثبت قلوب شيعتهم و

حزبك على طاعتك وولايتهم ونصرتهم وموالاتهم واعنهم وامنحهم الصبر على الاذى

فيك واجعل لهم اياما مشهودة واوقاتا محمودة مسعودة توشك فيها فرجهم وتوجب

وقف ... حضرت ... علی بن موسی الرضا علیهما السلام
واقف: المرحوم آیة الله العظمی حاج سید [illegible] شیرازی

فيها تمكينهم ونصرهم كما ضمنت لأوليائك في كتابك المنزل فإنك قلت وقولك الحق
وعد الله الذين آمنوا منكم وعملوا الصالحات ليستخلفنهم في الأرض كما استخلف الذين
من قبلهم وليمكنن لهم دينهم الذي ارتضى لهم وليبدلنهم من بعد خوفهم أمنا يعبدونني
لا يشركون بي شيئا اللهم فاكشف غمتهم يا من لا يملك كشف الضر إلا هو يا واحد يا أحد
يا حي يا قيوم وأنا يا إلهي عبدك الخائف منك والراجع إليك السائل لك المقبل عليك
اللاجئ إلى فنائك العالم بأنه لا ملجأ منك إلا إليك اللهم فتقبل دعائي واسمع
يا إلهي علانيتي ونجواي واجعلني ممن رضيت عمله وقبلت نسكه ونجيته برحمتك
إنك أنت العزيز الكريم اللهم وصل أولا وآخرا على محمد وآل محمد وبارك على محمد وآل
محمد وارحم محمدا وآل محمد بأكمل وأفضل ما صليت وباركت وترحمت على أنبيائك و
رسلك وملائكتك وحملة عرشك بلا إله إلا أنت اللهم ولا تفرق بيني وبين محمد
وآل محمد صلواتك عليه وعليهم واجعلني يا مولاي من شيعة محمد وعلي وفاطمة و
الحسن والحسين وذريتهم الطاهرة المنتجبة وهب لي التمسك بحبلهم والرضا بسبيلهم
والأخذ بطريقتهم إنك جواد كريم (پس سجده برود وطرف روی راست را بخاک بگذارد و بگو) يا من يحكم ما يشاء ويفعل ما يريد
أنت حكمت فلك الحمد محمودا مشكورا فعجل يا مولاي فرجهم وفرجنا بهم فإنك ضمنت إعزازهم
بعد الذلة وتكثيرهم بعد القلة وإظهارهم بعد الخمول يا أصدق الصادقين ويا أرحم الراحمين
فأسألك يا إلهي وسيدي متضرعا إليك بجودك وكرمك بسط أملي والتجاوز عني وقبول

قليل

قلیل عملی وکثیره والزیادة فی ایامی وتبلیغی ذلک المشهد وان تجعلنی ممن یدعی فیجیب
اندک از کردارم را و بسیارش و زیاده در کارهایم و برسانی مرا بآن حضور و اینکه گردانی مرا از آنکه خوانده شود پس
الی طاعتهم وموالاتهم ونصرهم وترینی ذلک قریبا سریعا فی عافیة انک علی کل شیء قدیر
اجابت کنندگان بسوی طاعتشان و یاریشان و بنمائی آنرا بمن نزدیک زود در عافیت بدرستیکه تو بر همه چیز توانائی
پس سر خود را بسوی اعوذ بک ان اکون من الذین لا یرجون ایامک فاعذنی یا الهی برحمتک
اسمان بلند کن و بگو پناه میبرم بتو اینکه بوده باشم از آنانکه امید ندارند روزگار تو پس پناه ده مرا ای خدای من برحمت خود
من ذلک چون چنین کنی این عمل بهتر است از برای تو از حجهای بسیار و عمرهای بسیار که مال بسیار در آن
از آن
صرف نمائی و بدن خود را در آنها بتعب افکنی و از اهل و عیال و فرزندان خود جدا شوی و بدانکه
کسیکه این نماز را در این روز بکند باید عارا از روی اخلاص بخواند و این عمل را با یقین و تصدیق بجا
آورد حق تعالی ده خصلت با او عطا کند که از جمله آنها است نگاه داشتن او را از مردنهای بد حفظ کند مانند غرق
شدن و سوختن و در زیر عمارت ماندن و امثال آنها و تا مردن دشمنی بر او مسلط نگردد و نگاه
دارد او را از دیوانگی و خوره و پیسی در خودش و فرزندانش تا چهار پشت و شیطان و دوستان
و یاوران شیطان را مسلط نگرداند بر او و بر نسل او تا چهار پشت زیارت دیگر زیارتیست که
مشتمل است بر زیارت شهداء و متضمن تعزیت حضرت رسول خدا و ائمه هدی صلوات الله علیهم است
و مناسب است که در این روز خوانده شود و اگر در آخر روز خوانده شود شاید انسب باشد و زیارت اینست

اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ آدَمَ صَفْوَةِ اللّهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ نُوحٍ نَبِیِّ اللّهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ
درود بر تو ای میراث برنده آدم برگزیده خدا درود بر تو ای میراث برنده نوح پیغمبر خدا درود بر تو
یا وارِثَ اِبْرٰهیمَ خَلیلِ اللّهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ مُوسٰی کَلیمِ اللّهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا
ای وارث ابراهیم دوست خدا درود بر تو ای میراث برنده موسی هم کلام خدا درود بر تو ای
وارِثَ عیسٰی رُوحِ اللّهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ مُحَمَّدٍ حَبیبِ اللّهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ
وارث عیسی روح خدا درود بر تو ای وارث محمد دوست خدا درود بر تو ای وارث
عَلِیٍّ اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ الْحَسَنِ الشَّهیدِ سِبْطِ رَسُولِ اللّهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ
علی امیر المؤمنین درود بر تو ای وارث حسن شهید فرزندزاده رسول خدا درود بر تو
یَا بْنَ رَسُولِ اللّهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَا بْنَ الْبَشیرِ النَّذیرِ وَابْنَ سَیِّدِ الْوَصِیّینَ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ
ای فرزند رسول خدا درود بر تو ای پسر مژده دهنده و بیم کننده و پسر بزرگ اوصیا درود بر تو
یَا بْنَ فاطِمَةَ سَیِّدَةِ نِساءِ الْعالَمینَ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا اَبا عَبْدِ اللّهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا خِیَرَةَ
ای پسر فاطمه بهترین زنان جهانیان درود بر تو ای اباعبدالله درود بر تو ای بهترین برگزیده
اللّهِ وَابْنَ خِیَرَتِهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا ثارَ اللّهِ وَابْنَ ثارِهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ اَیُّهَا الْوِتْرُ الْمَوْتُورُ اَلسَّلامُ
خدا و پسر برگزیده او درود بر تو ای خونخواه خدا و پسر خونخواه او درود بر تو ای آنکه خون بر تو وا رسیده درود
عَلَیْکَ اَیُّهَا الْاِمامُ الْهادِی الزَّکِیُّ وَعَلٰی اَرْواحٍ حَلَّتْ بِفِنائِکَ وَاَقامَتْ فی جِوارِکَ وَوَفَدَتْ
بر تو ای پیشوا و راهنمای پاک و بر جانهاکه فرود آمدند بدرگاه تو و درنگ نمودند در پناه تو و آمدند

مع زوارك السلام عليك مني ما بقيت وبقي الليل والنهار فلقد عظمت بك الرزية وجل
المصاب في المؤمنين والمسلمين وفي اهل السموات اجمعين وفي سكان الارضين فانا
لله وانا اليه راجعون وصلوات الله وبركاته وتحياته عليك وعلى ابائك الطيبين المنتجبين
وعلى ذراريهم الهداة المهديين السلام عليك يا مولاي وعليهم وعلى روحك وعلى
ارواحهم وعلى تربتك وعلى تربتهم اللهم لقهم رحمة ورضوانا وروحا وريحانا السلام
عليك يا مولاي يا ابا عبد الله يا ابن خاتم النبيين ويا ابن سيد الوصيين ويا ابن سيدة نساء
العالمين السلام عليك يا شهيد يا ابن الشهيد يا اخا الشهيد يا ابا الشهداء اللهم بلغه
عني في هذه الساعة وفي هذا اليوم وفي هذا الوقت وفي كل وقت تحية كثيرة وسلاما
سلام الله عليك ورحمة الله وبركاته يا ابن سيد العالمين وعلى المستشهدين معك
سلاما متصلا ما اتصل الليل والنهار السلام على الحسين بن علي الشهيد السلام
على علي بن الحسين الشهيد السلام على العباس بن امير المؤمنين الشهيد السلام على الشهداء من
ولد امير المؤمنين السلام على الشهداء من ولد الحسن السلام على الشهداء من ولد الحسين
السلام على الشهداء من ولد جعفر وعقيل السلام على كل مستشهد معهم من المؤمنين
اللهم صل على محمد وال محمد وبلغهم عني تحية كثيرة وسلاما السلام عليك يا رسول الله
احسن الله لك العزاء في ولدك الحسين السلام عليك يا فاطمة احسن الله لك العزاء في ولدك
الحسين السلام عليك يا امير المؤمنين احسن الله لك العزاء في ولدك الحسين السلام عليك يا ابا محمد

اَلْحُسَيْنِ اَحْسَنَ اللّٰهُ لَنَا الْعَزَآءَ فِي اَخِيكَ الْحُسَيْنِ يَا مَوْلَايَ يَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ اَنَا ضَيْفُ اللّٰهِ وَضَيْفُكَ

وَجَارُ اللّٰهِ وَجَارُكَ وَلِكُلِّ ضَيْفٍ وَجَارٍ قِرًى وَقِرَايَ فِي هٰذَا الْوَقْتِ اَنْ تَسْئَلَ اللّٰهَ سُبْحَانَهُ وَتَعَالٰى

اَنْ يَرْزُقَنِي فَكَاكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ اِنَّهُ سَمِيعُ الدُّعَاءِ قَرِيبٌ مُجِيبٌ و شیخ مفید ره گفته است که در بیست و یکم ماه محرم زفاف

حضرت فاطمه و امیر المؤمنین ع واقع شد باید که این روز برای شکر این نعمت عظمی شیعیان روزه بدارند

و شیخ طوسی گفته است که در روز هفدهم ماه محرم اصحاب فیل که بجهت خراب کردن کعبه آمده بودند

برگشتند و عذاب بر ایشان نازل شد و در روز بیست و پنجم این ماه حضرت امام زین العابدین ع بعالم

اعلا ارتحال نمود باب هفتم در اعمال ماه صفر است و این ماه مشهور است بنحوست و دو وجه میتوان

داشت اول آنکه موافق قول علمای شیعه وفات حضرت رسالت پناه ص در این ماه واقع شده و دوم

آنکه در سه ماه متوالی که اشهر حرم اند چون عرب قتال نمیکرده اند و در این ماه شروع بقتال میکرده اند

لهذا نحس شمرده اند و در احادیث شیعه ندیدم چیزیکه دلالت بر نحوست کند و در روایات غیر معتبره

عامه وارد شده است و سید بن طاوس از بعضی کتب معتبره روایت کرده است که در روز سیم این ماه

مستحب است که دو رکعت نماز بجا آورند و در رکعت اول بعد از حمد سورهٔ انا فتحنا بخوانند و در رکعت دویم

سورهٔ توحید و بعد از سلام صد مرتبه بگویند اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ و صد مرتبه اَللّٰهُمَّ الْعَنْ

آلَ اَبِي سُفْيَانَ و صد مرتبه اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ وَاَتُوبُ اِلَيْهِ و روز بیستم این ماه مشهور است بروز اربعین

یعنی چهلم شهادت حضرت امام حسین ع و در کتب معتبره از حضرت امام حسن عسکری ع روایت

کرده اند که علامات مؤمن پنج چیز است نماز پنجاه و یک رکعت از فریضه و نافله در شب و روز و زیارت

اربعین و انگشتر در دست راست کردن و جبین را در سجدهٔ شکر بر خاک گذاشتن و بسم اللّٰه الرحمن الرحیم را

بلند گفتن و کیفیت زیارت اربعین بسند معتبر منقول است از صفوان جمال که گفت مولای من حضرت

صادق ع بمن گفت که در زیارت اربعین که زیارت میکنی در هنگامیکه روز بلند شده باشد و میگوئی

اَلسَّلَامُ عَلٰى وَلِيِّ اللّٰهِ وَحَبِيبِهِ اَلسَّلَامُ عَلٰى خَلِيلِ اللّٰهِ وَنَجِيبِهِ اَلسَّلَامُ عَلٰى صَفِيِّ اللّٰهِ وَابْنِ

صَفِيِّهِ اَلسَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ الْمَظْلُومِ الشَّهِيدِ اَلسَّلَامُ عَلٰى اَسِيرِ الْكُرُبَاتِ وَقَتِيلِ الْعَبَرَاتِ

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَشْهَدُ اَنَّهُ وَلِيُّكَ وَابْنُ وَلِيِّكَ وَصَفِيُّكَ وَابْنُ صَفِيِّكَ الْفَائِزُ بِكَرَامَتِكَ

اَكْرَمْتَهُ بِالشَّهَادَةِ وَحَبَوْتَهُ بِالسَّعَادَةِ وَاجْتَبَيْتَهُ بِطِيبِ الْوِلَادَةِ وَجَعَلْتَهُ سَيِّدًا مِنَ

السَّادَةِ وَقَائِدًا مِنَ الْقَادَةِ وَذَائِدًا مِنَ الذَّادَةِ وَاَعْطَيْتَهُ مَوَارِيثَ الْاَنْبِيَاءِ وَجَعَلْتَهُ حُجَّةً

على خلقك من الأوصياء فأعذر في الدعاء ومنح النصح وبذل مهجته فيك ليستنقذ
عبادك من الجهالة وحيرة الضلالة وقد توازر عليه من غرته الدنيا وباع حظه
بالأرذل الأدنى وشرى آخرته بالثمن الأوكس وتغطرس وتردى في هواه وأسخطك وأسخط
نبيك وأطاع من عبادك أهل الشقاق والنفاق وحملة الأوزار المستوجبين النار فجاهدهم
فيك صابراً محتسباً حتى سفك في طاعتك دمه واستبيح حريمه اللهم فالعنهم لعناً وبيلاً
وعذبهم عذاباً أليماً السلام عليك يا ابن رسول الله السلام عليك يا ابن سيد الأوصياء
أشهد أنك أمين الله وابن أمينه عشت سعيداً ومضيت حميداً ومت فقيداً مظلوماً
شهيداً وأشهد أن الله منجز لك ما وعدك ومهلك من خذلك ومعذب من قتلك و
أشهد أنك وفيت بعهد الله وجاهدت في سبيل الله حتى أتاك اليقين فلعن الله من قتلك
ولعن الله من ظلمك ولعن الله أمة سمعت بذلك فرضيت به اللهم إني أشهدك أني ولي لمن والاه
وعدو لمن عاداه بأبي أنت وأمي يا ابن رسول الله أشهد أنك كنت نوراً في الأصلاب الشامخة و
الأرحام الطاهرة لم تنجسك الجاهلية بأنجاسها ولم تلبسك المدلهمات من ثيابها وأشهد
أنك من دعائم الدين وأركان المسلمين ومعقل المؤمنين وأشهد أنك الإمام البر التقي
الرضي الزكي الهادي المهدي وأشهد أن الأئمة من ولدك كلمة التقوى وأعلام الهدى و
العروة الوثقى والحجة على أهل الدنيا وأشهد أني بكم مؤمن وبإيابكم موقن بشرائع ديني و
خواتيم عملي وقلبي لقلبكم سلم وأمري لأمركم متبع ونصرتي لكم معدة حتى يأذن الله لكم فمعكم

معکم لا مع عدوکم صلوات الله علیکم و علی ارواحکم و اجسادکم و شاهدکم و غائبکم
و ظاهرکم و باطنکم آمین رب العالمین و دو رکعت نماز میکنی و هر دعا که خواهی میکنی و برمیگردی و
سید بن طاوس گفته است که من برای این زیارت وداعی یافته‌ام که
مخصوص است باین زیارت باید که بایستی پیش روی ضریح و بگوید السلام علیک یا بن رسول الله السلام علیک یا بن علی المرتضی
وصی رسول الله السلام علیک یا بن فاطمة الزهراء سیدة نساء العالمین السلام علیک
یا وارث الحسن الزکی السلام علیک یا حجة الله فی ارضه و شاهده علی خلقه السلام
علیک یا ابا عبد الله الشهید السلام علیک یا مولای و ابن مولای اشهد انک قد اقمت
الصلوة و آتیت الزکوة و امرت بالمعروف و نهیت عن المنکر و جاهدت فی سبیل الله
حتی اتیک الیقین و اشهد انک علی بینة من ربک اتیتک و اگر از دور زیارت کند بگوید توجهت الیک یا
مولای زائرا و افدا راغبا مقرا لک بالذنوب هاربا الیک من الخطایا لتشفع لی عند ربک
یا بن رسول الله صلی الله علیک حیا و میتا فان لک عند الله مقاما معلوما و شفاعة
مقبولة لعن الله من ظلمک و لعن الله من حرمک و غصب حقک و لعن الله من قتلک و لعن الله
من خذلک و لعن الله من دعوته فلم یجبک و لم یعنک و لعن الله من منعک من حرم الله
و حرم رسوله و حرم ابیک و اخیک و لعن الله من منعک من شرب ماء الفرات لعنا کثیرا یتبع
بعضها بعضا اللهم فاطر السموات و الارض عالم الغیب و الشهادة انت تحکم بین عبادک فیما
کانوا فیه یختلفون و سیعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون اللهم لا تجعله آخر العهد
من زیارتی ایاه و ارزقنیه ابدا ما بقیت و حییت یا رب و ان مت فاحشرنی فی زمرته یا ارحم الراحمین

و اگر زیارت آخر روز عاشورا را نیز در این روز بخواند مناسب است و بدانکه مشهور آنست که سبب تأکید زیارت
آنحضرت در این روز آنست که حضرت امام زین العابدین با سایر اهل بیت علیهم السلام در این روز بعد از مراجعت
از شام بکربلای معلی وارد شده اند و سرهای مقدس شهدا را با بدنهای مطهر ایشان ملحق کرده اند و این بسیار
بعید است از جهات بسیار که ذکر آنها موجب تطویل است و بعضی گفته اند که در این روز اهل بیت علیهم السلام
وارد مدینه طیبه شدند و این نیز بسیار بعید است و بعضی گفته اند که شاید حضرت امام زین العابدین
باعجاز و طی الارض مخفی بکربلا رفته باشند از شام و سرها را با بدنها ملحق کرده باشند و این ممکن است
اما روایتی در این باب بنظر نرسیده است بلکه بعضی از روایات منافی فی الجمله با این دارد و وجهی که از
احادیث ظاهر میشود آنست که اول کسیکه از صحابه حضرت رسالت بزیارت آنحضرت مشرف شد جابر بن عبد الله
انصاری بود و او در این روز بکربلا رسید و آنحضرت را با شهدا زیارت کرد و چون جابر از اکابر صحابه بود و اساس
این امر عظیم را گذاشت میتواند بود که سبب مزید فضل زیارت آنحضرت در این روز شده باشد و شاید
وجوه دیگر داشته باشد که بر ما مخفی باشد و چون فرموده اند که در این روز زیارت کنیم باید کرد و تفحص
سببش ضرور نیست و مشهور میان علمای امامیه آنست که وفات حضرت سید انبیاء صلعم در روز بیست و هشتم ماه
صفر واقع شد و شیخ طوسی و جمعی دیگر گفته اند که شهادت امام حسن مجتبی ع نیز در این روز واقع شد پس قیام بمراسم
تعزیت این دو بزرگوار و زیارت ایشان از نزدیک و دور مناسب است و بدانکه در میان عوام بلکه خواص نحوست
چهارشنبه آخر ماه صفر شهرت دارد و در کتب معتبره عامه و خاصه چیزی که دلالت بر این کند بنظر نرسیده است
و احادیث در نحوست مطلق چهارشنبه خصوصا چهارشنبه آخر هر ماه وارد شده است و چون این ماه بنا
بر اسبابیکه مذکور شد فی الجمله نحوستی دارد ممکن است که چهارشنبه آخر آن نحوستش از چهارشنبه های دیگر
بیشتر باشد اگر در آن روز از قبیل احتراز از طیره استدفاع بلایا بتصدقات و ادعیه و استعاذات که از ائمه
علیهم السلام وارد شده است بکنند و توکل نمایند بر جناب مقدس الهی که کفاره طیره است مناسبت و اگر
بلائی متوجه باشد بآنها رفع میشود نه آنکه بروش جهال عجم متابعت مجوسان کنند بلهو و لعب و سور و سرور
و شادی و ساز و اعمال قبیحه مشغول شوند که موجب مزید استحکام قضاهای آسمانی و تقدیرات ربانی
گردد **باب هشتم** در فضائل ایام و اعمال ماه ربیع الاول است و در آن دو فصل است **فصل اول** در فضیلت
و اعمال روز اول تا روز شانزدهم است شیخ مفید و شیخ طوسی و دیگران گفته اند که حضرت رسالت پناه
در شب اول ماه ربیع الاول اراده هجرت نمود از مکه معظمه بسوی مدینه مشرفه و در آن شب بغار رفت و حضرت
امیرالمؤمنین جان شریف خود را فدای مقدس حضرت رسول کرد و در جای آنحضرت خوابید و از شمشیرهای کین
قبایل مشرکین پروا نکرد و فضل او بر جمیع امت بلکه بر جمیع عالمیان بر همگنان ظاهر گردید و حق تعالی با ملائکه
سموات با آنحضرت مباهات نمود و این آیه کریمه وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ در شان او
نازل شد چنانکه تفصیلش در حیوة القلوب مذکور است و چون حق تعالی آن دو جان مقدس را نجات داد از کید
کافران حفظ کرد گفته اند که روزش را که روز اول ماه ربیع الاول است مستحب است که برای شکر این نعمت عظیمه روزه
بدارند و هرچند علما در این روز زیارت ذکر نکرده اند اما زیارت حضرت رسول صلعم و زیارت حضرت امیرالمؤمنین ع

در این روز مناسبست بجا آوردن آنچه مذکور شد و شیخ طوسی ره در مصباح گفته است که در اول روز اینماه حضرت امام حسن عسکری ع بعالم بقا رحلت نمود و حضرت صاحب الامر ع بمنصب جلیل امامت فایز گردید پس بشارت این دو امام عالیمقدار در این روز نیز مناسبست و اما شیخ ره در تهذیب و کلینی و محمد بن جریر الطبری و ابن الخشاب و شیخ مفید و غیر ایشان گفته اند که وفات حضرت امام حسن عسکری ع در روز هشتم اینماه بود پس روز نهم روز بشارت آن دو بزرگوار است و اما روز نهم اینماه بدانکه میان علمای خاصه و عامه در تاریخ قتل عمر بن الخطاب خلافست و مشهور میان فریقین آنستکه قتل آن ملعون در روز بیست و ششم ماه ذی الحجه واقع شده چنانچه سابقا اشاره بآن شد و بعضی بیست و هفتم نیز گفته اند و مستند این دو قول نقل مورخانست و از کتب معتبره چنان معلوم که چنانچه الحال میان عوام شیعه مشهور است قتل او در روز نهم ماه ربیع الاول واقع شده و سابقا میان جمعی از محدثین شیعه نیز چنین مشهور بوده است و سید بزرگوار علی بن طاوس ره در کتاب اقبال اشاره نموده است بآنکه ابن بابویه ره روایتی از حضرت امام جعفر صادق ع روایت کرده است که آن ملعون در روز نهم ماه ربیع الاول بدرک الاسفل جحیم متوجه شده است و از نقل او چنین مفهوم میشود که شیخ صدوق چنین اعتقاد داشته است هر چند سید خود این حدیث را تاویلات نموده است و ایضا سید ذکر کرده است که جماعتی از شیعیان عجم بیست و ششم را بهمین سبب تعظیم و تکریم نموده اند و خلف بزرگوار سید علی بن طاوس در کتاب زواید الفواید این مذهب را تقویت کرده است و روایت معتبری در این باب ایراد نموده است چنانچه گفته است که روایت کرده اند که محمد بن ابی العلاء همدانی و یحیی بن محمد بن جریح بغدادی که روزی ما منازعه کردیم در باب قتل عمر بن الخطاب پس رفتیم بشهر قم بنزد احمد بن اسحق قمی که از خواص اصحاب حضرت امام علی النقی و امام حسن عسکری علیهما السلم بود و بخدمت حضرت صاحب الامر نیز رسیده بود و چون در را کوبیدیم دختر عراقیه بیرون آمد و احوال احمد را از او پرسیدیم گفت امروز مشغول اعمال عید است و آن روز نهم ماه ربیع الاول بود گفتیم سبحان الله عیدهای مؤمنان چهار است عید فطر و عید اضحی و عید غدیر و روز جمعه آن دختر گفت که احمد بن اسحق از حضرت امام علی النقی ع روایت میکند که امروز روز عید است و بهترین عیدهاست نزد اهل بیت رسالت و شیعیان ایشان ما گفتیم که رخصت بطلب تا بنزد او آییم چون آن دختر او را خبر کرد بیرون آمد بسوی ما و لنگی بسته بود و عبائی بر خود پیچیده بود و بوی مشک از او ساطع بود ما گفتیم این چه حالتست که در تو مشاهده میکنیم گفت الحال از غسل عید فارغ شده ام گفتیم مگر امروز عید است گفت بلی و ما را بخانه خود در آورد و بر دو کرسی نشاند گفت روزی با جمعی از برادران خود بنزد مولای خود امام حسن عسکری ع رفتیم در سر من رای در مثل این روز که شما بنزد من آمده اید چون رخصت یافتیم و بخدمت آنحضرت رسیدیم دیدیم که آنحضرت مجلس خود را آراسته و مجمره در پیش خود گذاشته است و بدست مبارک خود عود در آن مجمره می اندازد و مجلس خود را مزین کرده است و بر غلامان و خدمتکاران خود جامهای فاخر پوشانیده است گفتیم یا ابن رسول الله پدران و مادران ما فدای تو باد آیا از برای اهل بیت امروز فرحی تازه روی داده است حضرت فرمود که کدام روز حرمتش از این روز نزد اهل بیت عظیم تر است

بدرستیکه مرا خبر داد پدرم که حذیفه بن یمان در روز نهم ماه ربیع الاول داخل شد بر جدم حضرت
رسول صلعم حذیفه گفت که دیدم حضرت امیر المؤمنین و حضرت امام حسن و امام حسین ع را که با حضرت
رسالت پناه صلعم طعام تناول میفرمودند و آنحضرت بروی ایشان تبسم مینمود و بحضرت امام حسن و امام
حسین میگفت بخورید گوارا باد از برای شما برکت و سعادت این روز بدرستیکه این روزیست که خدای
تعالی هلاک میکند در این روز دشمن خود و دشمن جد شما را و مستجاب میگرداند در این روز دعای مادر شما را
بخورید که این روزیست که حق تعالی در این روز قبول میکند اعمال محبان و شیعیان شما را بخورید که این روز روزیست
که ظاهر میشود در آن راستی گفته خدا که میفرماید فَتِلْكَ بُيُوتُهُمْ خَاوِيَةً بِمَا ظَلَمُوا یعنی این است خانهای ایشان
که خالی گردیده بسبب ستمهای ایشان بخورید که این روزیست که شکسته میشود در این روز شوکت دشمنان جد
شما و یاری کننده دشمن شما بخورید که این روزیست که در این روز هلاک میشود فرعون اهل بیت من
و ستم کننده بر ایشان و غصب کننده حق ایشان بخورید که این روزیست که حق تعالی عملهای دشمنان شما را
باطل و هبا میگرداند حذیفه گفت که من گفتم یا رسول الله آیا در میان امت تو کسی خواهد بود که هتک
این حرمتها نماید حضرت فرمود که ای حذیفه بتی از منافقان بر ایشان سرکرده خواهد شد و دعوی ریاست
در میان ایشان خواهد کرد و مردم را بسوی خود دعوت خواهد کرد و تازیانه ظلم و ستم را بر دوش خود خواهد
کشید و مردم را از راه خدا منع خواهد کرد و کتاب خدا را تحریف خواهد نمود و سنت مرا تغییر خواهد داد و میراث
فرزند مرا متصرف خواهد شد و خود را پیشوای مردم خواهد خواند و زیادتی بر وصی من علی بن ابی طالب خواهد
کرد و مالهای خدا را بناحق بر خود حلال خواهد کرد و در غیر طاعت خدا صرف خواهد کرد و مرا و برادر
و وزیر من علی را بدروغ نسبت خواهد داد و دختر مرا از حق خود محروم خواهد کرد تا آنکه پس دختر من او را
نفرین خواهد کرد و حق تعالی نفرین او را در این روز مستجاب خواهد کرد حذیفه گفت یا رسول الله چرا دعا
نمیکنی که خدا او را در حیات تو هلاک گرداند حضرت فرمود که ای حذیفه دوست نمیدارم که جرأت کنم بر قضای
خدا و از او طلب کنم تغییر امری را که در علم او گذشته است ولیکن از حق تعالی سؤال کردم که فضیلت دهد آن
روزی را که در آن روز او بجهنم میرود بر سایر روزها تا آنکه احترام آن روز سنتی گردد در میان دوستان من و شیعیان
اهل بیت من پس حق تعالی وحی کرد بسوی من که ای محمد در علم سابق من گذشته است که در یابد ترا و اهل بیت ترا
محنتهای دنیا و بلاها و ستمهای منافقان و غصب کنندگان از بندگان من آن منافقانیکه تو خیرخواهی ایشان
کردی و با تو خیانت کردند و تو با ایشان راستی کردی و ایشان با تو مکر کردند و تو با ایشان صاف
بودی و ایشان دشمنی تو را بدل گرفتند و تو ایشان را خوشنود گردانیدی و ایشان تو را تکذیب کردند
و تو ایشان را برگزیدی و ایشان تو را در بلیه گذاشتند و سوگند یاد میکنم بحول و قوه و پادشاهی خود که
البته بگشایم بر روح کسیکه غصب کند حق علی را که وصی تو است بعد از تو هزار در از پست ترین طبقهای
جهنم که آن را فیلوق میگویند و او را و اصحاب او را در قعر جهنم جا دهم که شیطان از مرتبه خود بر او مشرف شود
و او را لعنت کند و آن منافق را در قیامت عبرتی گردانم برای فرعونها که در زمان پیغمبران دیگر بوده اند و برای
سایر دشمنان دین و ایشان را و دوستان ایشان را بسوی جهنم برم با دیدهای کبود و رویهای ترش با نهایت مذلت

و خواری و پشیمانی و ایشان را ابدالاباد در عذاب خود بدارم ای محمد هرچند علی بمنزلت تو شکر با پنجه هرسند
با و از بلاها از فرعون او و غصب کننده حق او که جرات میکند بر من و کلام مرا بدل میکند و شرک بمن می آورد
و مردم را منع میکند از راه رضای من و گوساله از برای امت تو برپا میکند که آن ابوبکر است و کافر میشود بمن
در عرش و عظمت و جلال من بدرستیکه امر کرده ام ملئکه هفت آسمان خود را که برای شیعیان
و محبان دین شما عید کنند آن روز را که آن ملعون کشته میشود و امر کرده ام ایشان را که کرسی کرامت مرا
نصب کنند در برابر بیت المعمور و ثنا کنند بر من و طلب آمرزش نمایند برای شیعیان و محبان شما از فرزندان
آدم و امر کرده ام ملئکه نویسنده کان اعمال را که از این روز تا سه روز قلم از مردم بردارند و ننویسند گناهان
ایشان را برای کرامت تو و وصی تو ای محمد این روز را عید کردانیدم برای تو و اهل بیت تو و برای هر که تابع ایشان
باشد از مؤمنان و شیعیان ایشان و سوگند یاد میکنم بعزت خود و جلال خود و علو منزلت و مکان خود که عطا
کنم کسی را که عید کند این روز را از برای من ثواب آنها که بدور عرش احاطه کرده اند و قبول کنم شفاعت او را
در خویشان او و زیاد کنم مال او را اگر گشادگی دهد بر خود و عیال خود در این روز و هر سال در این روز هزار
هزار کس از موالیان و شیعیان شما را از آتش جهنم آزاد کردانم و اعمال ایشان را قبول کنم و گناهان ایشان را بیامرزم
حذیفه گفت که پس برخاست رسول خدا ص و بخانه ام سلمه رفت و من برگشتم و صاحب یقین بودم در کفر
عمر تا آنکه بعد از وفات رسول خدا ص دیدم که او چه فتنها برانگیخت و کفر اصلی خود را اظهار نمود و از دین برگشت
و دامان بیحیائی و وقاحت برای غصب امامت و خلافت برزد و قرآن تحریف کرد و آتش در خانه وحی و رسالت
زد و بدعتها در دین خدا پیدا کرد و ملت پیغمبر را تغییر داد و سنتهای آنحضرت را بدل کرد و شهادت حضرت
امیرالمؤمنین ع را رد کرد و فاطمه دختر رسول خدا را بدروغ نسبت داد و فدک را غصب کرد و یهود و نصاری
و مجوس را از خود راضی کرد و نور دیده مصطفی را بخشم آورد و رضا جوئی اهل بیت رسالت نکرد و جمیع سنتهای حضرت
رسول را برطرف کرد و تدبیر کشتن امیرالمؤمنین ع کرد و جور و ستم را در میان مردم علانیه کرد و هرچه خدا حلال کرده
بود حرام کرد و هرچه خدا حرام کرده بود حلال کرد بود حلال کرد و حکم کرد که از پوست شتر درهم و دینار بسازند
و خرج کنند و بر پهلوی شکم فاطمه زهرا زد و بر منبر حضرت رسالت بغصب و جور بالا رفت و بر حضرت امیرالمؤمنین ع
افترا بست و با آنحضرت معارضه کرد و رای آنحضرت را بسفاهت نسبت داد حذیفه گفت که پس حق تعالی
دعای برگزیده خود و دختر پیغمبر خود را در حق آن منافق مستجاب کردانید و قتل او را بر دست کشنده او جاری ساخت
پس رفتم بخدمت حضرت امیرالمؤمنین ع که آنحضرت را تهنیت و مبارکباد بگویم بانکه آن منافق کشته شد و بعذاب
حق تع واصل کردید چون حضرت مرا دید گفت ای حذیفه آیا در خاطر داری آن روز را که آمدی بنزد سید من
رسول خدا ص و من و دو سبط او حسن و حسین نزد او و حسن و حسین نزد او نشسته بودیم و با او طعام میخوردیم
پس تو را دلالت کرد بر فضیلت این روز گفتم بلی ای برادر رسول خدا حضرت فرمود که بخدا سوگند که این روز
حق تع در آن دیده آل رسول را روشن کردانید و من برای این روز هفتاد و دو نام میدانم حذیفه گفت یا امیر
المؤمنین میخواهم که این نامها را از تو بشنوم حضرت فرمود که این روز استراحت است که مؤمنان از شر آن منافق امان
یافتند و روز زایل شدن کرب و غمست و روز غدیر دویم است و روز تخفیف گناهان شیعیان است و روز

اختیار نیکوئی برای مؤمنانست و روز برداشتن قلم از شیعیانست و روز برهم شکستن بنای کفر و عدوانست
و روز عافیتست و روز برکتست و روز طلب خونهای مؤمنانست و روز عید بزرگ خداست و روز مستجاب
شدن دعاست و روز موقف اعظم است و روز وفای بعهد است و روز شرطست و روز کندن جامهٔ سیاه است
و روز ندامت ظالم است و روز شکسته شدن شوکت مخالفانست و روز نفی هموم است و روز فتح است
و روز عرض اعمال کافرانست و روز ظهور قدرت خداست و روز عفو از گناه شیعیانست و روز فرح
ایشانست و روز توبه است و روز انابت بسوی حق تع و روز زکوة بزرگست و روز فطر دویم است و روز
اندوه باغیانست و روز گره شدن آب دهان در گلوی مخالفانست و روز خوشنودی مؤمنانست و روز
عید اهل بیتست و روز ظفر یافتن بنی اسرائیل بر فرعونست و روز مقبول شدن اعمال شیعیانست و روز
پیش فرستادن تصدقاتست و روز زیادتی مثوباتست و روز قتل منافقانست و روز وقت معلوم است
و روز سرور اهل بیتست و روز مشهود است و روز قهر بر دشمن است و روز خراب شدن بنیان ضلالتست
و روزیست که ظالم انگشت ندامت بدندان میگیرد و روز تنبیه است و روز شرفست و روز خنک شدن
دلهای مؤمنانست و روز شهادتست و روز درگذشتن از گناهان مؤمنانست و روز تازگی بوستان
اهل ایمانست و روز شیرینی کام ایشانست و روز خوشی دلهای مؤمنانست و روز برطرف شدن پادشاهی
منافقانست و روز توفیق اهل ایمانست و روز رهائی مؤمنان از شر کافرانست و روز مظاهره است و روز
مفاخره است و روز قبول اعمالست و روز تبجیل و تعظیم است و روز بخشش و عطا است و روز شکر حق تعالی
و روز یاوری مظلومانست و روز زیارت کردن مؤمنانست و روز محبت کردن با ایشانست و روز رسیدن
برحمتهای الهیست و روز پاک کردانیدن اعمالست و روز فاش کردانیدن رازهاست و روز برطرف شدن
بدعتهاست و روز ترک گناهان کبیره است و روز ندا کردن بحق است و روز عبادتست و روز موعظه
و نصیحت است و روز انقیاد پیشوایان دین است حذیفه گفت که پس از خدمت حضرت امیرالمؤمنین ع
برخواستم و گفتم اگر در دنیا بغیر از افعال خیر و آنچه امید ثواب از آن دارم مگر محبت این روز و دانستن فضیلت
این روز را هر آینه منتهای آرزوی من خواهد بود پس محمد و یحیی راویان این حدیث گفتند که چون این حدیث
را از احمد بن اسحق شنیدیم پس هر یک برخواستیم سر و روی او را بوسیدیم و گفتیم حمد و شکر میکنیم خداوندی را
که برانگیخت تو را از برای ما تا آنکه فضیلت این روز را بما رسانیدی پس بخانهای خود برگشتیم و این روز را عید
کردیم و صاحب کتاب زواید الفواید گفته است که این حدیث را از خط علی بن محمد طی ره نوشتم و در کتب دیگر
که تتبع کردم چندین روایت دیگر موافق این یافتم پس اعتماد بر این روایات نمودم و سزاوار است که شیعیان
این روز را تعظیم نمایند و اظهار سرور و شادی در این روز بکنند و شیخ ابرهیم بن علی کفعمی در کتاب مصباح
گفته است که صاحب کتاب مسار الشیعه روایت کرده است که هر که در روز نهم ماه ربیع الاول چیزی انفاق
کند حق تع گناهان او را بیامرزد و مستحبست در این روز اطعام برادران مؤمن و خوشبو کردانیدن ایشان
و توسعه دادن بر عیال خود و دیگران و پوشیدن جامهای نو و شکر و عبادت حق تع و این روز برطرف شدن
غمهاست و روز روزه داشتن نیست مؤلف گوید که از نقل این بزرگواران معلوم شد که بر فضیلت

این روز و وقوع این قضیه مبارک را در احادیث بسیار وارد شده است و در اعصار سابقه میان شیعه
مشهور بوده است و برخلافش روایتی بنظر قاصر نرسیده و اتفاق مورخان عامه با احادیث معتبره معارضه
نمیکند و اگر کسی استبعاد کند که چنین واقعه عظیمی که سبب حزن جمعی و سرور جمعی گردد چون میتواند بود
که مضبوط نماند جوابش آنست که این واقعه از واقعه وفات حضرت رسالت و شهادت حضرت امیرالمؤمنین ع
عظیم‌تر نیست و در هر یک از اینها خلاف میان خاصه و عامه است و در واقعه اول اتفاق دارند عامه
برخلاف آنچه مختار شیعه است و اگر گویند که باعث بر افزای ایشان در اینجا نیست جواب میگوئیم که
شبهه در هر دو جا نیست و باعث قوی در اینجا هست زیرا که ممکن است که برای دفع شماتت شیعیان از
اخفای آن نموده باشند و علی ای حال چون مدار علمای خاصه و عامه بر آنست که در مستحبات باحادیث
ضعیفه متمسک میشوند بنابر احادیث صحیحه که از ائمه طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین وارد شده
است که هر که ثوابی از خدا باو برسد بر عملی و او آن را بجا آورد آن ثواب باو داده میشود هرچند چنان نباشد که
باو رسیده است پس اگر اعمال این روز را که نوعش از شارع وارد شده باشد و مخالفتی با آیات و اخبار
نداشته باشد کسی بعمل آورد خوب خواهد بود و مستحق ثواب خواهد گردید و بعضی میگویند که عمر بن
سعد علیه اللعنه در این روز بجهنم واصل شده است و اگر چنین باشد این شرافت نیز برای او کافیست
و شیخ مفید ره گفته است که در روز دهم این ماه حضرت رسول ص خدیجه کبری رضی الله عنها را تزویج نمود
و مستحب است برای شکر این مواصلت عظیم البرکه شیعیان روزه بدارند و گفته است که در روز دوازدهم این ماه
حضرت رسول ص داخل مدینه طیبه شد و از شر دشمنان ایمن گردید و باین جهت روز مبارکیست و ایضا
دولت بنی مروان که از بقیه بنی امیه و از جمله دشمنان اهل بیت بودند در این روز دولت ایشان بنهایت رسید
و زایل گردید و این نیز فضیلت دیگر است برای این روز و اکثر سنیان ولادت با سعادت حضرت رسول ص را
در این روز میدانند و محمد بن یعقوب کلینی ره از علمای امامیه نیز در کتاب کافی چنین قایل شده است و بعضی از
ارباب حساب موافق نجوم بعضی از روایات این را اظهر میدانند و اگرچه خلاف مشهور میان علمای امامیه
است اما اگر روزه و غسل و زیارت و سایر اعمال که در هفدهم مذکور خواهد شد در این روز نیز بعمل آورند
باحتیاط اقربست و سید ابن طاوس ره از بعضی علمای عجم روایت کرده است که سنت است که در روز دوازده
هم این ماه دو رکعت نماز بجا آورند و در رکعت اول بعد از حمد سه مرتبه قل یا ایها الکافرون و در
رکعت دوم سه بار قل هو الله احد بخوانند و ایضا شیخ مفید و شیخ طوسی ره روایت کرده‌اند که یزید
پلید علیه اللعنة والعذاب الشدید در روز چهاردهم این ماه باسفل درک جهنم منتقل شده باید که
شیعیان این روز را بر خود مبارک دانند و شکر حق تعالی بر این نعمت عظمی ادا کنند و بعضی روزه این روز
را سنت دانسته‌اند **فصل دوم** در فضائل و اعمال روز هفدهم این ماه است و مشهور میان
علمای شیعه آنست که ولادت کثیر السعادت حضرت رسالت پناه ص در روز جمعه هفدهم ماه
ربیع الاول واقع شد و در بعضی از روایات وارد شده است که عروج آنحضرت باسمانها نیز در شب
هفدهم واقع شده است و شب و روزش هر دو مبارکست و در هر دو زیارت حضرت رسالت ص

وحضرت امیرالمؤمنین ع مناسبتست وعلما ذکر کرده اند روزهٔ این روز فضیلت بسیار دارد وشیخ مفید ره گفته است که این روز شریفیست که پیوسته فرقهٔ محقهٔ شیعه از قدیم الایام الی الآن تعظیم آن می کرده اند وحق آنرا میشناخته اند وروزه میداشته اند واز ائمهٔ هدی علیهم السلم روایت کرده اند که هر که این روز را روزه دارد ثواب روزهٔ یکساله برای او نوشته شود ومستحبست که تصدقات بارباب حاجات بدهند ومؤمنان ومؤمنات را شاد کنند وبزیارت مشاهد مشرفه بروند خصوصا مرقد مطهر حضرت رسالت پناه وضریح منور حضرت امیرالمؤمنین ع وشیخ مفید وشیخ شهید وسید بن طاوس رحمهم الله گفته اند که چون در غیر مدینهٔ طیبه خواهی که حضرت رسول ص را زیارت کنی غسل بکن وشبیه بقبری پیش روی خود بنه واسم مبارک آنحضرت را بر آن بنویس وبایست ودل خود را متوجه آن حضرت گردان وبگو

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَأَنَّهُ سَيِّدُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَأَنَّهُ سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الْأَئِمَّةِ الطَّيِّبِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيلَ اللهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ اللهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفِيَّ اللهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَحْمَةَ اللهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خِيَرَةَ اللهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَجِيبَ اللهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَاتَمَ النَّبِيِّينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْمُرْسَلِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَائِماً بِالْقِسْطِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاتِحَ الْخَيْرِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَعْدِنَ الْوَحْيِ وَالتَّنْزِيلِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُبَلِّغاً عَنِ اللهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا السِّرَاجُ الْمُنِيرُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُبَشِّرُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَذِيرُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُنْذِرُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللهِ الَّذِي يُسْتَضَاءُ بِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْهَادِينَ الْمَهْدِيِّينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى جَدِّكَ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ وَعَلَى أَبِيكَ عَبْدِ اللهِ السَّلَامُ عَلَى أُمِّكَ آمِنَةَ بِنْتِ وَهْبٍ السَّلَامُ عَلَى عَمِّكَ

حمزة سيد الشهداء السلام على عمك وكفيلك ابي طالب السلام على ابن عمك
جعفر الطيار في جنان الخلد السلام عليك يا محمد السلام عليك يا احمد السلام
عليك يا حجة الله على الاولين والآخرين والسابق في طاعة رب العالمين و
المهيمن على رسله والخاتم لانبيائه والشاهد على خلقه والشفيع اليه و
المكين لديه والمطاع في ملكوته الاحمد من الاوصاف السائر الاشراف الكريم
عند الرب والمكلم من وراء الحجب الفائز بالسباق والفائت عن اللحاق تسليم
عارف بحقك معترف بالتقصير في قيامه بواجبك غير منكر ما انتهى اليه من
فضلك موقن بالمزيدات من ربك مؤمن بالكتاب المنزل عليك محلل حلالك محرم
حرامك اشهد يا رسول الله مع كل شاهد واتحملها عن كل جاحد انك قد بلغت
رسالات ربك ونصحت لامتك وجاهدت في سبيل ربك وصدعت بامره واحتملت
الاذى في جنبه ودعوت الى سبيله بالحكمة والموعظة الحسنة الجميلة وأديت
الحق الذي كان عليك وانك قد رؤفت بالمؤمنين وغلظت على الكافرين وعبدت الله
مخلصا حتى اتيك اليقين فبلغ الله بك اشرف محل المكرمين واعلى منازل المقربين وارفع
درجات المرسلين حيث لا يلحقك لاحق ولا يفوقك فائق ولا يسبقك سابق ولا يطمع
في ادراكك طامع الحمد لله الذي استنقذنا بك من الهلكة وهدانا بك من الضلالة
ونورنا بك من الظلمة فجزاك الله يا رسول الله من مبعوث افضل ما جازى نبيا عن امته

وَرَسُولاً عَمَّنْ أَرْسَلَ إِلَيْهِ بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي يَا رَسُولَ اللّٰهِ زُرْتُكَ عَارِفاً بِحَقِّكَ مُقِرّاً بِفَضْلِكَ

و فرستاده از آنکه فرستاده بسوی او پدر و مادرم فدای تو باد ای فرستاده خدا زیارت کردم ترا شناسا بحق تو اقرار کننده بفضل تو

مُسْتَبْصِراً بِضَلاَلَةِ مَنْ خَالَفَكَ وَخَالَفَ أَهْلَ بَيْتِكَ عَارِفاً بِالْهُدَى الَّذِي أَنْتَ عَلَيْهِ

بینا بگمراهی آنکه مخالفت نمود ترا و مخالفت ورزید خانواده ترا شناسا براه یافتگی تو بر آن

بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي وَنَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَوَلَدِي أَنَا أُصَلِّي عَلَيْكَ كَمَا صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْكَ وَصَلَّى

پدر و مادرم فدای تو باد و جانم و اهلم و مالم و فرزندم من رحمت میفرستم بر تو چنانکه رحمت فرستاد خدا بر تو و رحمت فرستند

عَلَيْكَ مَلاَئِكَتُهُ وَأَنْبِيَاؤُهُ وَرُسُلُهُ صَلاَةً مُتَتَابِعَةً وَافِرَةً مُتَوَاصِلَةً لاَ انْقِطَاعَ

بر تو فرشتگان او و پیغمبران او و فرستادگان او درود پی در پی بسیار پیوسته که نباشد بریده

لَهَا وَلاَ أَمَدَ وَلاَ أَجَلَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْكَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ كَمَا أَنْتُمْ

مر آنرا و نه آخری و نه مدت رحمت خدا بر تو و بر اهل بیت تو پاک پاکیزه چنانکه تو

أَهْلُهُ پس دو رکعت نماز زیارت بگزار و بگو اللّٰهُمَّ اجْعَلْ جَوَامِعَ صَلَوَاتِكَ وَنَوَامِيَ بَرَكَاتِكَ وَفَوَاضِلَ خَيْرَاتِكَ وَ

سزاوار آنی بکشا و بگو خدایا بگردان جمیعهای فراهم آورده خود و زیادتیهای برکتهای تو و بخشیهای تو و

شَرَائِفَ تَحِيَّاتِكَ وَتَسْلِيمَاتِكَ وَكَرَامَاتِكَ وَرَحَمَاتِكَ وَصَلَوَاتِ مَلاَئِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ

درودهای با رفعت تو و سلامهای خود و کرامتهای خود بخششها و رحمتهای فرشتگان خود نزدیکان

وَأَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ وَأَئِمَّتِكَ الْمُنْتَجَبِينَ وَعِبَادِكَ الصَّالِحِينَ وَأَهْلِ السَّمَاوَاتِ

و پیغمبران خود فرستادگان و پیشوایان خود برگزیدگان و بندگان خود شایستگان و اهل آسمانها

وَالْأَرَضِينَ وَمَنْ سَبَّحَ لَكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ

و زمینها و هر که تسبیح کرد ترا ای پروردگار جهانیان از پیشینیان و پسینیان بر محمد بنده تو

وَرَسُولِكَ وَشَاهِدِكَ وَنَبِيِّكَ وَنَذِيرِكَ وَأَمِينِكَ وَمَكِينِكَ وَنَجِيِّكَ وَحَبِيبِكَ وَخَلِيلِكَ

و فرستاده تو و حاضر تو و پیغمبر تو و بیم کننده و امین تو و صاحب منزلت تو و همراز تو و دوست تو و خلیل تو

وَصَفِيِّكَ وَصَفْوَتِكَ وَخَاصَّتِكَ وَخَالِصَتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَخَيْرِ خِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ

و برگزیده تو و برگزیده تو و خاص تو و مخلص تو و رحمت تو و بهتر اختیار کرده تو از خلق تو

نَبِيِّ الرَّحْمَةِ وَخَازِنِ الْمَغْفِرَةِ وَقَائِدِ الْخَيْرِ وَالْبَرَكَةِ وَمُنْقِذِ الْعِبَادِ مِنَ الْهَلَكَةِ بِإِذْنِكَ وَ

پیغمبر رحمت و خزینه دار آمرزش و کشاننده نیکی و برکت و رهاننده بندگان از هلاکت بدستوری تو و

دَاعِيهِمْ إِلَى دِينِكَ الْقَيِّمِ بِأَمْرِكَ أَوَّلِ النَّبِيِّينَ مِيثَاقاً وَآخِرِهِمْ مَبْعَثاً الَّذِي غَمَسْتَهُ فِي

خواننده ایشان بسوی دین تو قیام کننده بفرمان تو اول پیغمبران پیمان بستن و آخر ایشان بر انگیختن که فرو بردی در

بَحْرِ الْفَضِيلَةِ وَالْمَنْزِلَةِ الْجَلِيلَةِ وَالدَّرَجَةِ الرَّفِيعَةِ وَالْمَرْتَبَةِ الْخَطِيرَةِ وَأَوْدَعْتَهُ الْأَصْلاَبَ

دریای فضیلت و منزلت بزرگ و درجه بلندتر و مرتبه عظیم و بامانت گذاشته در صلبها

الطَّاهِرَةَ وَنَقَلْتَهُ مِنْهَا إِلَى الْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ لُطْفاً مِنْكَ لَهُ وَتَحَنُّناً مِنْكَ عَلَيْهِ

پاکیزه و نقل فرمودی او را بسوی رحمهای پاکیزه بجهت مهربانی از تو برای او و شفقت از تو بر او

إِذْ وَكَّلْتَ لِصَوْنِهِ وَحِرَاسَتِهِ وَحِفْظِهِ وَحِيَاطَتِهِ مِنْ قُدْرَتِكَ عَيْناً عَاصِمَةً

هنگامیکه موکل کردی بجهت نگاهداری او و نگهبانی او و رعایت او از توانائی تو چشم را نگاهدارنده

حجبت

حجبت بها عنه مدانس العهر ومعائب السفاح حتى رفعت به نواظر العباد واحييت
به ميت البلاد بان كشفت عن نور ولادته ظلم الاستار والبست حرمك به حلل
الانوار اللهم فكما خصصته بشرف هذه المرتبة الكريمة وذخر هذه المنقبة العظيمة
صل عليه كما وفى بعهدك وبلغ رسالاتك وقاتل اهل الجحود على توحيدك وقطع
رحم الكفر في اعزاز دينك ولبس ثوب البلوى في مجاهدة اعدائك واوجبت له بكل
اذى مسه او كيد احس به من الفئة التي حاولت قتله فضيلة تفوق الفضائل
ويملك بها الجزيل من نوالك وقد اسر الحسرة واخفى الزفرة وتجرع الغصة ولم يتخط
ما مثل له وحيك اللهم صل عليه وعلى اهل بيته صلوة ترضيها لهم وبلغهم عنا
تحية كثيرة وسلاما واتنا من لدنك في موالاتهم فضلا واحسانا ورحمة وغفرانا
انك ذو الفضل العظيم
پس چهار رکعت نماز زیارت بکن بدو سلام با هر سوره که خواهی
چون فارغ شوی تسبیح حضرت فاطمه زهرا را بخوان پس بگو
اللهم انك قلت لنبيك محمد صلى الله عليه وآله ولو انهم اذ ظلموا انفسهم جاؤك
فاستغفروا الله واستغفر لهم الرسول لوجدوا الله توابا رحيما ولم احضر زمان رسولك
عليه واله السلام اللهم وقد زرته راغبا تائبا من سيئ عملي ومستغفرا لك من ذنوبي
ومقرا لك بها وانت اعلم بها مني ومتوجها اليك بنبيك نبي الرحمة صلواتك عليه
واله فاجعلني اللهم بمحمد واهل بيته عندك وجيها في الدنيا والاخرة ومن المقربين
يا محمد يا رسول الله بابي انت وامي يا نبي الله يا سيد خلق الله اني اتوجه بك الى الله ربك

وربي ليغفر لي ذنوبي ويتقبل مني عملي ويقضي لي حوائجي فكن لي شفيعا عند ربك

وربي فنعم المسئول المولى ربي ونعم الشفيع انت يا محمد عليك وعلى اهل بيتك السلام

اللهم واوجب لي منك المغفرة والرحمة والرزق الواسع الطيب النافع كما اوجبت لمن

اتى نبيك محمدا صلواتك عليه واله وهو حي فاقر له بذنوبه واستغفر له رسولك عليه

واله السلام فغفرت له برحمتك يا ارحم الراحمين اللهم وقد املتك ورجوتك وقمت بين

يديك ورغبت اليك عمن سواك وقد املت جزيل ثوابك واني مقر غير منكر وتائب

اليك مما اقترفت وعائذ بك في هذا المقام مما قدمت من الاعمال التي تقدمت الي

فيها ونهيتني عنها واوعدت عليها العقاب واعوذ بكرم وجهك ان تقيمني مقام

الخزي والذل يوم تهتك فيه الاستار وتبدو فيه الاسرار والفضائح وترعد

فيه الفرائص يوم الحسرة والندامة يوم الافكة يوم الازفة يوم التغابن يوم الفصل

يوم الجزاء يوما كان مقداره خمسين الف سنة يوم النفخة يوم ترجف الراجفة تتبعها

الرادفة يوم النشر يوم العرض يوم يقوم الناس لرب العالمين يوم يفر المرء من اخيه

وامه وابيه وصاحبته وبنيه يوم تشقق الارض واكناف السماء يوم تاتي كل

نفس تجادل عن نفسها يوم يردون الى الله فينبئهم بما عملوا يوم لا يغني مولى عن مولى

شيئا ولا هم ينصرون الا من رحم الله انه هو العزيز الرحيم يوم يردون الى عالم الغيب والشهادة

يوم يردون الى الله مولاهم الحق يوم يخرجون من الاجداث سراعا كانهم الى نصب

يوفضون كانهم جراد منتشر مهطعين الى الداع الى الله يوم الواقعة يوم ترج الارض رجا
و يوم تكون السماء كالمهل و تكون الجبال كالعهن و لا يسئل حميم حميما يوم الشاهد و
المشهود يوم تكون الملائكة صفا صفا اللهم ارحم موقفي في ذلك اليوم بموقفي في هذا اليوم
و لا تخزني في ذلك الموقف بما جنيت على نفسي و اجعل يا رب في ذلك اليوم مع اوليائك
منطلقي و في زمرة محمد و اهل بيته عليهم السلام محشري و اجعل حوضه موردي
و في الغر الكرام مصدري و اعطني كتابي بيميني حتى افوز بحسناتي و تبيض به وجهي و
تيسر به حسابي و ترجح به ميزاني و امضي مع الفائزين من عبادك الصالحين الى رضوانك
و جنانك اله العالمين اللهم اني اعوذ بك من ان تفضحني في ذلك اليوم بين يدي الخلائق
بجريرتي او ان القى الخزي و الندامة بخطيئتي او ان تظهر فيه سيئاتي على حسناتي او ان
تنوه بين الخلائق باسمي يا كريم يا كريم العفو العفو الستر الستر اللهم و اعوذ بك
من ان يكون في ذلك اليوم في مواقف الاشرار موقفي او في مقام الاشقياء مقامي و اذا
ميزت بين خلقك فسقت كلا باعمالهم زمرا الى منازلهم فسقني برحمتك في عبادك
الصالحين و في زمرة اوليائك المتقين الى جنانك يا رب العالمين ثم ودع و قل السلام
عليك يا رسول الله السلام عليك ايها البشير النذير السلام عليك ايها السراج
المنير السلام عليك ايها السفير بين الله و بين خلقه اشهد يا رسول الله انك كنت
نورا في الاصلاب الشامخة و الارحام المطهرة لم تنجسك الجاهلية بانجاسها و لم

تلبسك من مظلمات ثيابها واشهد يا رسول الله اني مؤمن بك وبالائمة من اهل بيتك
بپوشاند ترا از تیرگیهای جامه‌های خود و گواهی میدهم ای فرستاده خدا بدرستیکه من گرونده ام بتو و به پیشوایان از خانواده تو

موقن بجميع ما اتيت به راض مؤمن واشهد ان الائمة من اهل بيتك اعلام الهدى
گرونده ام بانچه آورده تو بان خوشنودم گرونده ام و گواهی میدهم اینکه امامان از خانواده تو نشانهای هدایت اند

والعروة الوثقى والحجة على اهل الدنيا اللهم لا تجعله آخر العهد من زيارة
و دستاویز محکم و حجت بر اهل دنیا خدایا مگردان او را آخر عهد از زیارت

نبيك عليه وآله السلام وان توفيتني فاني اشهد في مماتي على ما اشهد عليه
پیغمبر تو بر او و آل او باد سلام و اینکه بمیرانی مرا پس گواهی میدهم در مردن من بر آنچه گواهی میدهم بر او

في حيوتي انك انت الله لا اله الا انت وحدك لا شريك لك وان محمدا عبدك
در زندگی من بدرستیکه تو خدائی نیست خدائی مگر تو یگانه نیست شریکی مر ترا و اینکه محمد بنده تو

ورسولك وان الائمة من اهل بيته اولياؤك وانصارك وحججك على خلقك و
و رسول تو و اینکه پیشوایان از اهل بیت او دوستان تو و یاران تو و حجتهای تو بر آفریدگان تو

خلفاؤك في عبادك واعلامك في بلادك وخزان علمك وحفظة سرك وتراجمة وحيك
و جانشینان تو در بندگان تو و نشانهای تو در شهرهای تو و خازنان علم تو و نگهبانان راز تو و بیان کنندگان وحی تو

اللهم صل على محمد وآل محمد وبلغ روح نبيك محمد وآله في ساعتي هذه وفي كل
خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و برسان روح پیغمبر تو محمد و آل او در ساعت من این و در هر

ساعة تحية مني وسلاما والسلام عليك يا رسول الله ورحمة الله وبركاته لا جعله
ساعتی درود بسیار از من و سلام و درود باد بر تو ای فرستاده خدا و رحمت خدا و برکت او مگردان او را

الله آخر تسليمي عليك مؤلف گوید که این زیارت اگرچه سندش بنظر فقیر نرسیده و لهذا در
خدا آخر سلام من بر تو

تحفة الزائر ایراد نکرده ام اما زیارت جامع کاملیست و در همه

اوقات میتوان بجا آورد و اگر کسی نتواند زیارت مختصری که بعد از این انشاء الله مذکور خواهد شد بعمل آورد و علما ذکر کرده اند که زیارت حضرت امیر المؤمنین ع سنت است و خصوص این زیارت را در این روز ذکر کرده اند و از بعضی روایات خصوص این روز معلوم نمیشود و بهترین زیارات است از جهت لفظ و معنی و بسند بسیار معتبر منقول است و در همه ایام و اوقات از نزدیک و دور میتوان کرد خصوص در این روز چنانکه شیخ مفید و شیخ شهید و سید ابن طاوس رحمهم الله روایت کرده اند که حضرت امام جعفر صادق ع زیارت کرد حضرت امیر المؤمنین ع را در هفدهم ماه ربیع الاول باین زیارت و تعلیم فرمود زیارت را برای ثقه عظیم الشان محمد بن مسلم ثقفی و فرمود که چون بیائی بمشهد حضرت امیر المؤمنین غسل زیارت بکن و پاکیزه ترین جامهای خود را بپوش و بقدری بوی خوش خود را خوشبو کن و برو با آرام دل و آرام تن پس چون برسی بباب السلام بایست رو بروضه مقدسه السلام على رسول الله السلام على خيرة الله السلام
درود بر فرستاده خدا درود بر برگزیده خدا درود

نمایان میشود پس رو بقبله بایست سی مرتبه الله اکبر بگو پس بگو

عَلَى الْبَشِيرِ النَّذِيرِ السِّرَاجِ الْمُنِيرِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللهِ الْمُرْسَلِينَ وَ
بر مژده دهنده بیم کننده گان چراغ روشن و رحمت خدا و برکتهای او درود بر پیغمبران خدا فرستادگان و
عِبَادِ اللهِ الصَّالِحِينَ السَّلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللهِ الْحَافِّينَ بِهَذَا الْحَرَمِ وَبِهَذَا الضَّرِيحِ
بندگان خدا شایستگان درود بر فرشتگان خدا احاطه کردگان باین حرم و باین ضریح پناه
اللَّائِذِينَ بِهِ يمن بزدر قبر السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَصِيَّ الْأَوْصِيَاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عِمَادَ الْأَتْقِيَاءِ
گرفتگان بان برو و بگو درود بر تو ای وصی اوصیا درود بر تو ای معتمد پرهیزکاران
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ الْأَوْلِيَاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الشُّهَدَاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
درود بر تو ای ولی دوستان درود بر تو ای بهترین شهیدان درود بر تو ای
آيَةَ اللهِ الْعُظْمَى السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَامِسَ أَهْلِ الْعَبَاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَائِدَ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ
نشانهای بزرگ خدا درود بر تو ای پنجم یاران اهل عبا درود بر تو ای پیشرو پیشانی سفیدان
الْأَتْقِيَاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عِصْمَةَ الْأَوْلِيَاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا زَيْنَ الْمُوَحِّدِينَ
پرهیزکاران درود بر تو ای نگاهدارنده دوستان درود بر تو ای آرایش یکتاگویان
النُّجَبَاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَالِصَ الْأَخِلَّاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَالِدَ الْأَئِمَّةِ الْأُمَنَاءِ السَّلَامُ
برگزیدگان درود بر تو ای خالص دوستان درود بر تو ای پدر پیشوایان امانت‌داران درود
عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الْحَوْضِ وَحَامِلَ اللِّوَاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَسِيمَ الْجَنَّةِ وَلَظَى السَّلَامُ عَلَيْكَ
بر تو ای صاحب حوض و بردارنده علم درود بر تو ای قسمت کننده بهشت و دوزخ درود بر تو
يَا مَنْ شُرِّفَتْ بِهِ مَكَّةُ وَمِنًى السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَحْرَ الْعُلُومِ وَكَهْفَ الْفُقَرَاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ
ای شرف یافته از او مکه و منی درود بر تو ای دریای علم و پناه محتاجان درود بر تو
يَا مَنْ وُلِدَ فِي الْكَعْبَةِ وَزُوِّجَ فِي السَّمَاءِ بِسَيِّدَةِ النِّسَاءِ وَكَانَ شُهُودُهَا الْمَلَائِكَةَ السَّفَرَةَ
ای آنکه زاییده شده در کعبه و زن داده شد در آسمان به بزرگ زنان و بودند حاضران و فرشتگان برگزیدگان
الْأَصْفِيَاءَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِصْبَاحَ الضِّيَاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ خَصَّهُ النَّبِيُّ بِجَزِيلِ
درود بر تو ای روشنی هدایت درود بر تو ای آنکه مخصوص کرده پیغمبر بعطای
الْحِبَاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ بَاتَ عَلَى فِرَاشِ خَاتَمِ الْأَنْبِيَاءِ وَوَقَاهُ بِنَفْسِهِ شَرَّ الْأَعْدَاءِ
بسیار درود بر تو ای آنکه شب بروز آورده در بستر خاتم پیغمبران و نگهبانی کرد او را بنفس خود از شر دشمنان
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ رُدَّتْ لَهُ الشَّمْسُ فَسَامَى شَمْعُونَ الصَّفَا السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ أَنْجَى اللهُ
درود بر تو ای آنکه رد کرده شد برای او آفتاب پس مقاومت کرد شمعون را صفا درود بر تو ای آنکه رهانید خدا
سَفِينَةَ نُوحٍ بِاسْمِهِ وَاسْمِ أَخِيهِ حَيْثُ الْتَطَمَ الْمَاءُ حَوْلَهَا وَطَمَى السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ تَابَ
کشتی نوح بنام او و نام برادر او آنجا که طلاطم کرد آب بگرداگرد آن درود بر تو ای آنکه توبه
اللهُ بِهِ وَبِأَخِيهِ عَلَى آدَمَ إِذْ غَوَى السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فُلْكَ النَّجَاةِ الَّذِي مَنْ رَكِبَهُ نَجَا
خدا باو و برادرش بر آدم چون بازگشت از راه صلاح درود بر تو ای کشتی رستگاری که آنکه تمسک شد با آن رستگار شد
وَمَنْ تَأَخَّرَ عَنْهُ هَوَى السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ خَاطَبَ الثُّعْبَانَ وَذِئْبَ الْفَلَا السَّلَامُ
و هر که پس ماند از آن غرق شد درود بر تو ای آنکه گفتگو نمود با اژدها و گرگ بیابان درود

عَلَيْكَ يَا اَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللّٰهِ عَلٰى مَنْ
بر تو ای امیر مؤمنان و رحمتهای خدا و برکتهای او درود بر تو ای حجت خدا بر آنکه

كَفَرَ وَاَنَابَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اِمَامَ ذَوِي الْاَلْبَابِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَعْدِنَ الْحِكْمَةِ
کفر ورزید و بازگشت نمود درود بر تو ای پیشوای صاحبان عقل درود بر تو ای معدن حکمت

وَفَصْلِ الْخِطَابِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِيزَانَ
و جدا کننده حق از باطل درود بر تو ای آنکه نزد او است دانش کتاب درود بر تو ای ترازوی

يَوْمِ الْحِسَابِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاصِلَ الْحُكْمِ النَّاطِقَ بِالصَّوَابِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا
روز حساب درود بر تو ای جدا کننده حکم سخن گوینده براستی درود بر تو ای

الْمُتَصَدِّقُ بِالْخَاتَمِ فِي الْمِحْرَابِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ كَفَى اللّٰهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ بِهِ يَوْمَ
صدقه دهنده با انگشتر در محراب درود بر تو ای آنکه کفایت کرد خدا مؤمنان را در کارزار با او در روز

الْاَحْزَابِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ اَخْلَصَ لِلّٰهِ الْوَحْدَانِيَّةَ وَاَنَابَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَاتِلَ
جنگ احزاب درود بر تو ای آنکه خالص کرد برای خدا یگانگی را و بازگشت درود بر تو ای کشنده

خَيْبَرَ وَقَالِعَ الْبَابِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ دَعَاهُ خَيْرُ الْاَنَامِ لِلْمَبِيتِ عَلٰى فِرَاشِهِ فَاَسْلَمَ
خیبر و کننده در آن درود بر تو ای آنکه خواند او را بهترین مردمان در خوابیدن بستر او پس تسلیم کرد

نَفْسَهُ لِلْمَنِيَّةِ وَاَجَابَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ لَهُ طُوبٰى وَحُسْنُ مَآبٍ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ
نفس خود را برای هلاکت و اجابت نمود درود بر تو ای آنکه برای او است درخت طوبی و نیکی بازگشت و رحمت خدا و برکتهای او

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ عِصْمَةِ الدِّينِ وَيَا سَيِّدَ السَّادَاتِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ
درود بر تو ای نگاهدارنده دین و ای بزرگ بزرگان درود بر تو ای صاحب

الْمُعْجِزَاتِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ نَزَلَتْ فِي فَضْلِهِ سُورَةُ الْعَادِيَاتِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ
معجزها درود بر تو ای آنکه فرود آمده در فضل او سوره عادیات درود بر تو ای آنکه

كُتِبَ اسْمُهُ فِي السَّمَاءِ عَلَى السُّرَادِقَاتِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُظْهِرَ الْعَجَائِبِ وَالْآيَاتِ اَلسَّلَامُ
نوشته شد نام او در آسمان بر سراپردهها درود بر تو ای ظاهر کننده عجایب و نشانها درود

عَلَيْكَ يَا اَمِيرَ الْغَزَوَاتِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُخْبِرًا بِمَا غَبَرَ وَبِمَا هُوَ آتٍ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
بر تو ای پادشاه غزوات درود بر تو ای خبر دهنده بآنچه گذشته و بآنچه آینده است درود بر تو ای

مُخَاطِبَ ذِئْبِ الْفَلَوَاتِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَاتِمَ الْحَصٰى وَمُبَيِّنَ الْمُشْكِلَاتِ اَلسَّلَامُ
خطاب کننده گرگ بیابانها درود بر تو ای مهر کننده ریگ و بیان کننده مشکلات درود

عَلَيْكَ يَا مَنْ عَجِبَتْ مِنْ حَمَلَاتِهِ فِي الْوَغَا مَلَائِكَةُ السَّمٰوَاتِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ نَاجَى
بر تو ای آنکه تعجب کرد از حملههای او در جنگ فرشتگان آسمانها درود بر تو ای آنکه راز گفت

الرَّسُولَ فَقَدَّمَ بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاهُ الصَّدَقَاتِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَالِدَ الْاَئِمَّةِ الْبَرَرَةِ السَّادَاتِ
با پیغمبر پس پیش فرستاد پیش از راز گفتن خود صدقهها درود بر تو ای پدر پیشوایان نیکوکار بزرگان

وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا تَالِيَ الْمَبْعُوثِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِلْمِ
و رحمت خدا و برکتهای او درود بر تو ای جانشین فرستاده شده درود بر تو ای وارث علم

خَيرِ مَوروثٍ وَرَحمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ اَلسَّلامُ عَلَيكَ يا اِمامَ المُتَّقِينَ اَلسَّلامُ عَلَيكَ يا

به میراث برده شده ورحمت خدا وبرکتهای او درود برتو ای پیشوای پرهیزکاران درود برتو ای

غِياثَ المَكرُوبِينَ اَلسَّلامُ عَلَيكَ يا عِصمَةَ المُؤمِنِينَ اَلسَّلامُ عَلَيكَ يا مُظهِرَ البَراهِينِ

فریادرس اندوهناکان درود برتو ای نگاهدارنده گروندگان درود برتو ای ظاهر کننده دلایل

اَلسَّلامُ عَلَيكَ يا طٰهٰ وَيٰسٓ اَلسَّلامُ عَلَيكَ يا حَبلَ اللهِ المَتِينَ اَلسَّلامُ عَلَيكَ يا مَن

درود برتو ای طه ویس درود برتو ای ریسمان محکم خدا درود برتو ای آنکه

تَصَدَّقَ فِي صَلوٰتِهِ بِخاتَمِهِ عَلَى المِسكِينِ اَلسَّلامُ عَلَيكَ يا قالِعَ الصَّخرَةِ عَن فَمِ

صدقه نمود در نماز او بانگشتر خود بر درویش درود برتو ای کننده سنگ از دهن

القَلِيبِ وَمُظهِرَ الماءِ المَعِينِ اَلسَّلامُ عَلَيكَ يا عَينَ اللهِ النّاظِرَةَ وَيَدَهُ الباسِطَةَ وَ

چاه و ظاهر کننده آب روان درود برتو ای دیده نگرنده خدا و دست گشاده او

لِسانَهُ المُعَبِّرَ عَنهُ فِي بَرِيَّتِهِ اَجمَعِينَ اَلسَّلامُ عَلَيكَ يا وارِثَ عِلمِ النَّبِيِّينَ وَمُستَودَعَ

و زبان او بیان کننده از او در خلق او همه درود برتو ای میراث برنده علم پیغمبران و قرارگاه

عِلمِ الأَوَّلِينَ وَالآخِرِينَ وَصاحِبَ لِواءِ الحَمدِ وَساقِيَ اَولِيائِهِ مِن حَوضِ خاتَمِ النَّبِيِّينَ

علم پیشینیان و پسینیان و صاحب رایت حمد و آب دهنده دوستان از حوض آخر پیغمبران

اَلسَّلامُ عَلَيكَ يا يَعسُوبَ الدِّينِ وَقائِدَ الغُرِّ المُحَجَّلِينَ وَوالِدَ الأَئِمَّةِ المَرضِيِّينَ وَرَحمَةُ اللهِ

درود برتو ای بزرگ دین و پیشوای پیشانی سفیدان و پدر پیشوایان پسندیده و رحمت خدا

وَبَرَكاتُهُ اَلسَّلامُ عَلَى اسمِ اللهِ الرَّضِيِّ وَوَجهِهِ المُضِيءِ وَجَنبِهِ القَوِيِّ وَصِراطِهِ السَّوِيِّ

و برکتهای او درود بر نام خدا خوشنود و روشنی روی او و جانب توانای و راه راست او

اَلسَّلامُ عَلَى الإِمامِ التَّقِيِّ المُخلِصِ الصَّفِيِّ اَلسَّلامُ عَلَى الكَوكَبِ الدُّرِّيِّ اَلسَّلامُ عَلَى الإِمامِ

درود بر پیشوایان بزرگوار خالص برگزیده و درود بر ستاره درخشنده درود بر پیشوای خلایق

اَبِي الحَسَنِ عَلِيٍّ وَرَحمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ اَلسَّلامُ عَلَى اَئِمَّةِ الهُدىٰ وَمَصابِيحِ الدُّجىٰ وَاَعلامِ التُّقىٰ وَمَنارِ

ابی حسن علی و رحمتهای خدا و برکتهای او درود بر پیشوای رهها و چراغ تاریکیها و نشانه پرهیزکاری و

الهُدىٰ وَذَوِي النُّهىٰ وَكَهفِ الوَرىٰ وَالعُروَةِ الوُثقىٰ وَالحُجَّةِ عَلىٰ اَهلِ الدُّنيا وَرَحمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ

روشنی هدایت خداوند عقل و پناه خلایق و دست آویز محکم و حجت بر اهل دنیا و رحمت خدا و برکت او

اَلسَّلامُ عَلىٰ نُورِ الأَنوارِ وَحُجَّةِ الجَبّارِ وَوالِدِ الأَئِمَّةِ الأَطهارِ وَقَسِيمِ الجَنَّةِ وَالنّارِ

درود بر روشنی روشنیها و حجت خداوند قهر و غلبه و پدر پیشوایان پاکیزه و قسمت کننده بهشت و دوزخ

المُخبِرِ عَنِ الآثارِ المُدَمِّرِ عَلَى الكُفّارِ مُستَنقِذِ الشِّيعَةِ المُخلِصِينَ مِن عَظِيمِ الأَوزارِ

خبر دهنده از آثار هلاک کننده بر کفار رهاننده پیروان خالص از گناه بزرگ

اَلسَّلامُ عَلَى المَخصُوصِ بِالطّاهِرَةِ السَّيِّدَةِ التَّقِيَّةِ النَّقِيَّةِ ابنَةِ المُختارِ المَولُودِ فِي

درود بر ذات مخصوص بپاکیزه بزرگ پرهیزکار پاک دختر پیغمبر برگزیده زائیده شده در

البَيتِ ذِي الأَستارِ المُزَوَّجِ فِي السَّماءِ بِالبَرَّةِ الطّاهِرَةِ الرَّضِيَّةِ المَرضِيَّةِ ابنَةِ الأَطهارِ

خانه خداوند پردها زن داده شده در آسمان به نیکو پاکیزه خوشنود پسندیده دختر پاک

ورحمة الله وبركاته السلام على النبأ العظيم الذي هم فيه مختلفون وعليه يعرضون

ورحمت خدا وبركتهای او درود بر خبر بزرگ که ایشان دراو اختلاف کرده شد وبراو عرض کرده میشوند

وعنه يسئلون السلام على نور الله الانور وضيائه الازهر ورحمة الله وبركا

واز او پرسیده شوند درود بر نور خدا نورها وروشنی که روشن است ورحمت خدا وبرکتهای او

السلام عليك يا ولي الله وحجته وخالصة الله وخاصته اشهد يا ولي الله لقد جاهدت

درود بر تو ای دوست خدا وحجت او وخالص خدا وخاصه او گواهی میدهم ای دوست خدا بتحقیق که کارزار

في سبيل الله حق جهاده واتبعت منهاج رسول الله صلى الله عليه واله وحللت

کرده در راه خدا سزاوار کارزار او وپیروی نمودن طریقه فرستاده خدا رحمت خدا بر او وآل او وحلال کرد

حلال الله وحرمت حرامه وشرعت احكامه واقمت الصلوة واتيت الزكوة و

حلال خدا را وحرام کرده حرام او را وجاری ساخته حکم او را وبپاداشتی نماز را ودادی زکوة را و

امرت بالمعروف ونهيت عن المنكر وجاهدت في سبيل الله صابرا ناصحا مجتهدا محتسبا

امر کردی بنیکی وبازداشتی از زشتی وکارزار کردی در راه خدا شکیبا پند دهنده کوشش کننده

عند الله عظيم الاجر حتى اتيك اليقين فلعن الله من دفعك عن حقك وازالك عن مقامك

نزد خدا بزرگ مزد تا آنکه آمد ترا مرگ پس لعنت کند خدا آنرا که دور کرد ترا از حق تو ودفع کرد ترا از جایگاه خود

ولعن الله من بلغه ذلك فرضي به اشهد الله وملئكته وانبيائه ورسله اني وال

ولعنت کند خدا آنرا که رسید آنرا پس خوشنود گردید بآن گواهی میدهم خدا وفرشتگان او وپیغمبران او وفرستادگان او که دوست

لمن والاك وعاد لمن عاداك السلام عليك ورحمة الله وبركاته پس خود را بقبر بچسبان وقبر را ببوس وبگو اشهد

دوستم مرآنکه دوست دارد ترا ودشمنم مرآنکه دشمنست ترا درود بر تو ورحمت خدا وبرکتهای او گواهی میدهم

انك تسمع كلامي وتشهد مقامي واشهد لك يا ولي الله بالبلاغ والاداء يا مولاي

که تو میشنوی سخن مرا وحاضری جایگاه من وگواهم مر ترا ای دوست خدا برسانیدن واداء احکام ای آقای من

يا حجة الله يا امين الله يا ولي الله ان بيني وبين الله عز وجل ذنوبا قد اثقلت ظهري

ای حجت خدا ای امین خدا ای دوست خدا بتحقیق که میان من ومیان خدای بزرگوار گناهانرا بتحقیق که سنگین پشت مرا

ومنعتني من الرقاد وذكرها يقلقل احشائي وقد هربت الى الله عز وجل واليك

وبازداشت مرا از خواب ویاد کردن آنها بلرزه درآورد امعای مرا وبتحقیق که گریخته ام بسوی خدای بزرگوار وبسوی تو

فبحق من ائتمنك على سره واسترعاك امر خلقه وقرن طاعتك بطاعته وموالاتك

پس بحق آنکه امین کرد ترا بر راز خود وخواسته از تو کار خلق خود را وپیوسته فرمان تو را بفرمان برداری او وبدوستی

بموالاته كن لي الى الله شفيعا ومن النار مجيرا وعلى الدهر ظهيرا پس باز خود را بقبر بچسبان وقبر را ببوس وبگو يا ولي

دوستی او باش برای من بسوی خدا شفیع واز آتش زنهار دهنده وبر روزگار پناه ای دوست

الله يا حجة الله يا باب حطة الله وليك وزائرك واللائذ بقبرك والنازل بفنائك والمنيخ

خدا ای حجت خدا ای درگاه خدا دوست تو وزیارت کننده وپناه برنده بقبر تو وفرود آینده برای تو وخواباننده

رحله في جوارك يسئلك ان تشفع له الى الله في قضاء حاجته ونجح طلبته في الدنيا

شتر خود در پناه تو میخواهم ترا اینکه درخواست کنی بسوی خدا در روا شدن حاجت او وروا شدن مطلب او در دنیا

وَالْآخِرَةِ فَاِنَّ لَكَ عِنْدَ اللّٰهِ الْجاهَ الْعَظيمَ وَالشَّفاعَةَ الْمَقْبُولَةَ فَاجْعَلْني يا مَوْلايَ مِنْ
وآخرت زيرا كه مر تراست نزد خدا جايگاه بزرگ وشفاعت پذيرفته پس بگردان مرا اى آقاى من از
هَمِّكَ وَاَدْخِلْني في حِزْبِكَ وَالسَّلامُ عَلَيْكَ وَعَلى ضَجيعَيْكَ آدَمَ وَنُوحٍ وَالسَّلامُ عَلَيْكَ
اهل حزن خود ودرآور مرا در زمره خود وسلام بر تو وبر دو همخوابه تو آدم ونوح وسلام بر تو
وَعَلى وَلَدَيْكَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَعَلَى الْاَئِمَّةِ الطّاهِرينَ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ
وبر فرزند تو حسن وحسين وبر پيشواى پاكيزه از فرزندان تو ورحمت خدا وبركتهاى او

پس از روى تضرع وخشوع هر حاجت كه دارى از حق تعالى بطلب مؤلف گويد كه چون از دو زيارت
كند بهذا الحرم وبهذا الضريح قصد وضريح حضرت امير المؤمنين ع ميكنند وزيارت تنها
ودعاها را متصل بيكديگر ميخوانند نزديك رفتن وبوسيدن نميباشد يعنى بعوض آنها دركار نيست
كه بعمل آورد وسيد بن طاوس گفته است كه مستحب است در اينجا دو ركعت نماز بكند ودر هر ركعت
بعد از حمد ده مرتبه سوره انا انزلناه وده مرتبه قل هو الله اَنْتَ حَيٌّ لا تَمُوتُ وَخالِقٌ لا تُغْلَبُ وَ
احد بخواند وچون سلام بگويد در جاى خود بنشيند وبگويد — تو زنده كه نميرى وآفريننده كه غلبه كرده نشوى
بَدِيٌّ لا تَنْفَدُ وَقَريبٌ لا تَبْعُدُ وَقادِرٌ لا تُضادُّ وَغافِرٌ لا تَظْلِمُ وَصَمَدٌ لا تُطْعَمُ
وبه پديد آورنده كه فانى نگردى ونزديكى كه دور نگردى وتوانائيكه دشمنى كرده نشوى وآمرزنده كه ستم نكنى وبى نيازى كه محتاج نباشى بخوراك
وَقَيُّومٌ لا تَنامُ وَعالِمٌ لا تُعَلَّمُ وَقَوِيٌّ لا تَضْعُفُ وَعَظيمٌ لا تُوصَفُ وَوَفِيٌّ لا تُخْلِفُ
طعام وداننده كه نميخوابى ودانائيكه ناتوان نگردى وبزرگى كه ستايش نشوى ووفا كننده كه خلف نكنى
غَنِيٌّ لا تَفْتَقِرُ وَحَكيمٌ لا تَجُورُ وَمَنيعٌ لا تُقْهَرُ وَمَعْرُوفٌ لا تُنْكَرُ وَوَكيلٌ لا تَخْفى وَغالِبٌ لا
وبى نيازيكه محتاج نباشى وحكيميكه ستم نكنى ومنيعيكه مقهور نگردى وشناخته كه انكار كرده نشوى وكفايت كننده كه پنهان نگردى
تُغْلَبُ وَوِتْرٌ لا تَسْتَشيرُ وَوَهّابٌ لا تَمَلُّ وَسَريعٌ لا تَذْهَلُ وَجَوادٌ لا تَبْخَلُ وَعَزيزٌ
وغالبى كه مغلوب نشوى ويگانه كه مشورت كرده نشوى وبخشنده كه ملال نيابى وشتابنده كه غافل نگردى وبخشنده كه بخل نورزى وارجمندى كه
لا تَذِلُّ وَحافِظٌ لا تَغْفُلُ وَقائِمٌ لا تَزُولُ وَمُحْتَجِبٌ لا تُرى وَدائِمٌ لا تَفْنى وَباقٍ لا
خوار نگردى ونگاهبانى كه غافل نگردى وپاينده كه زايل نگردى وپنهانيكه ديده نشوى وهميشه موجود كه فانى نگردى وپاينده
تَبْلى وَواحِدٌ لا تَشْتَبِهُ وَمُقْتَدِرٌ لا تُنازَعُ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْاَلُكَ بِعِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ
كه كهنه نگردى ويگانه كه مشتبه نشوى وصاحب اقتدارى كه خصومت نشوى خداوندا بدرستيكه من ميخواهم ترا بعلم پنهانى كه نزد تست
وَقُدْرَتِكَ عَلَى الْخَلْقِ اَجْمَعينَ اَنْ تُحْيِيَني ما عَلِمْتَ الْحَيوةَ خَيْراً لي وَاَنْ تَتَوَفّاني اِذا كانَتِ
وبقدرت تو بر خلق همگى اينكه زنده بدارى مرا مادام كه دانستى زندگانى بهتر از براى من واينكه بميرانى مرا هرگاه باشد
الْوَفاةُ خَيْراً لي اَسْاَلُكَ الْخَشْيَةَ فِي الْغَيْبِ وَالشَّهادَةِ وَاَسْاَلُكَ اللّٰهُمَّ كَلِمَةَ الْحَقِّ فِي
مردن بهتر براى من وسؤال ميكنم از تو ترسيدن را در پنهان وآشكار وسؤال ميكنم ترا خداوندا كلمه حق را در
الْغَضَبِ وَالرِّضا وَاَسْاَلُكَ نَعيماً لا يَنْفَدُ وَاَسْاَلُكَ الرِّضا بَعْدَ الْقَضاءِ وَاَسْاَلُكَ
حال خشم وخوشنودى وسؤال ميكنم ترا نعمتى كه بپايان نرسد وسؤال ميكنم ترا خوشنودى بعد از حكم وميخواهم ترا
بَرْدَ الْعَيْشِ بَعْدَ الْمَوْتِ وَاَسْاَلُكَ لَذَّةَ النَّظَرِ اِلى وَجْهِكَ الْكَريمِ آمينَ رَبَّ الْعالَمينَ
خوشى عيش را پس از مردن وميخواهم ترا لذت نگريستن بسوى ذات بزرگوارت بپذير اى پروردگار جهانيان

اللّٰهُمَّ

اللهم انی اسئلک بمنک الکریم و فضلک العظیم ان تغفرلی و ترحمنی یا لطیف الطف بی

فی کل ما تحب و ترضی اللهم انی اسئلک فعل الخیرات و ترک المنکرات و حب المساکین

و مخالطة الصالحین و ان تغفرلی و ترحمنی و اذا اردت بقوم فتنة فنجنی غیر مفتون

و اسئلک حبک و حب من یحبک و حب کل عمل یقربنی الی حبک اللهم بحق محمد صلی

الله علیه و اله حبیبک و بحق ابرهیم خلیلک و صفیک و بحق موسی کلیمک و بحق

عیسی روحک و اسئلک بصحف ابرهیم و توریة موسی و انجیل عیسی و زبور داود

و فرقان محمد صلی الله علیه و اله و اسئلک بکل وحی اوحیته و بحق کل قضاء قضیته

و بکل سائل اعطیته و اسئلک بکل اسم انزلته فی کتابک و اسئلک باسمائک التی

استقل بها عرشک و اسئلک باسمائک التی وضعتها علی النار فاستنارت و اسئلک

باسمائک التی وضعتها علی اللیل فاظلم و اسئلک باسمائک التی وضعتها علی النهار

فاضاء و اسئلک باسمائک التی وضعتها علی الارض فاستقرت و اسئلک باسمک الاحد الصمد

ملأ ارکان کل شیء و اسئلک باسمک الطهر الطاهر المبارک الحی القیوم لا اله الا هو الرحمن الرحیم

و اسئلک بمعاقد العز من عرشک و مبلغ الرحمة من کتابک و باسمائک العظام و جدک الاعلی

و کلماتک التامات ان ترزقنا حفظ القرآن و العمل به و الطاعة لک و العمل الصالح و ان

تثبت ذلک فی اسماعنا و ابصارنا و ان تخلط ذلک بلحمی و دمی و مخی و شحمی و ان تستعمل

بذلک بدنی و قوتی فانه لا یقوی علی ذلک الا انت وحدک لا شریک لک یا الله

الْوَاحِدُ الرَّبُّ الْقَدِيرُ يَا اللّٰهُ الْبَارِئُ الْخَالِقُ الْمُصَوِّرُ يَا اللّٰهُ الْبَاعِثُ الْوَارِثُ يَا اللّٰهُ

یکانه پروردگار توانا الهی بدید آورنده آفریننده نگارنده الهی برانگیزاننده میراث برنده الهی

الْفَتَّاحُ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ يَا اللّٰهُ الْمَلِكُ الْقَادِرُ الْمُقْتَدِرُ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي إِنَّكَ أَنْتَ أَرْحَمُ

گشاینده غالب دانا الهی پادشاه توانای با اقتدار بیامرز مرا ورحم کن مرا بدرستی که تو بخشنده‌ترین

الرَّاحِمِينَ اللّٰهُمَّ أَنْتَ قُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ فَأَسْأَلُكَ يَا اللّٰهُ

بخشندگانی خدایا تو گفته وگفتار تو راست است بخوانید مرا اجابت میکنم مرشمارا پس میخوانم ترا الهی

بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ آدَمُ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ فَأَوْجَبْتَ لَهُ الْجَنَّةَ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ

بنام تو که خواند ترا بآن آدم رحمت خدا براو پس واجب کرد مراو را بهشت ومیخوانم ترا بنام تو

الَّذِي دَعَاكَ بِهِ شِيثُ بْنُ آدَمَ فَجَعَلْتَهُ وَصِيَّ أَبِيهِ بَعْدَهُ أَنْ تَسْتَجِيبَ دُعَاءَنَا وَأَنْ تَرْزُقَنَا

که خواند ترا بآن شیث پسر آدم پس گردانیدی اورا وصی پدرش بعد از او اینکه بپذیری دعای ما را واینکه روزی کنی

إِنْفَاذَ كُلِّ وَصِيَّةٍ لِأَحَدٍ عِنْدَنَا وَأَنْ تُقَدِّمَ وَصِيَّتَنَا أَمَامَنَا وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ

مارا جاری ساختن وصیتی برای کسی نزد ما واینکه پیش داری وصیت مارا پیش ما ومیخوانم ترا بنام تو

الَّذِي دَعَاكَ بِهِ إِدْرِيسُ فَرَفَعْتَهُ مَكَاناً عَلِيّاً أَنْ تَرْفَعَنَا إِلَى أَحَبِّ الْبِقَاعِ إِلَيْكَ

که خواند ترا بآن ادریس پس بلند کردی اورا بمقام بلند اینکه بلند کنی مارا تا دوست داشته بقعها را بسوی تو

وَتَمُنَّ عَلَيْنَا بِرِضَائِكَ وَتُدْخِلَنَا الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ

وانعام کنی بر ما بخوشنودی خود ودرآوری مارا بهشت برحمت خود ومیخوانم ترا بنام تو که خواند ترا بآن

نُوحٌ فَنَجَّيْتَهُ مِنَ الْغَرَقِ وَأَهْلَكْتَ الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ أَنْ تُنَجِّيَنَا مِمَّا نَحْنُ فِيهِ مِنَ الْبَلَاءِ

نوح پس رهانیدی اورا از غرق وهلاک کردی گروه ستمکاران را از آنچه ما در آنیم از بلا

وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ هُودٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَنَجَّيْتَهُ مِنَ الرِّيحِ الْعَقِيمِ أَنْ تُنَجِّيَنَا

ومیخوانم ترا بنام تو که خواند ترا بآن هود براو درود پس رهانیدی اورا از باد بی نفع اینکه برهانی

مِنْ بَلَاءِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَعَذَابِهِمَا وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ صَالِحٌ

از بلای دنیا وآخرت وعذاب هردو ومیخوانم ترا بنام تو که خواند ترا بآن صالح

فَنَجَّيْتَهُ مِنْ خِزْيِ يَوْمَئِذٍ أَنْ تُنَجِّيَنَا مِنْ خِزْيِ الدُّنْيَا وَعَذَابِهِمَا وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي والآخرة

پس رهانیدی اورا از خواری آن روز اینکه خلاصی دهی مارا از خواری دنیا وآخرت وعذاب هردو ومیخوانم ترا بنام تو که

دَعَاكَ بِهِ لُوطٌ فَنَجَّيْتَهُ مِنَ الْمُؤْتَفِكَةِ وَالْمَطَرِ السَّوْءِ أَنْ تُنَجِّيَنَا مِنْ مَخَازِي الدُّنْيَا وَ

خواند ترا بآن لوط پس رهانیدی اورا از شهر دروغ وباران بد اینکه برهانی مارا از خواری دنیا و

الْآخِرَةِ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ شُعَيْبٌ فَنَجَّيْتَهُ مِنْ عَذَابِ يَوْمِ الظُّلَّةِ أَنْ

آخرت ومیخوانم ترا بنام تو که خواند ترا بآن شعیب پس رهانیدی اورا از عذاب روز خواری اینکه

تُنَجِّيَنَا مِنَ الْعَذَابِ إِلَى رَوْحِكَ وَرَحْمَتِكَ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ إِبْرَاهِيمُ

برهانی مارا از عذاب بسوی روح تو ورحمت تو ومیخوانم ترا بنام تو که خواند ترا بآن ابراهیم

فَجَعَلْتَ النَّارَ عَلَيْهِ بَرْداً وَسَلَاماً أَنْ تُخَلِّصَنَا كَمَا خَلَّصْتَهُ وَأَنْ تَجْعَلَ مَا نَحْنُ فِيهِ بَرْداً

پس گردانیدی آتش را براو سرد وسالم اینکه خلاصی کنی مارا چنانکه خلاصی دادی اورا واینکه بگردانی آنچه ما در آنیم سرد

وَسَلاماً كَما جَعَلْتَها عَلَيْهِ وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذى دَعاكَ بِهِ اِسْماعيلُ عِنْدَ

و سلامتی چنانکه گردانیدی آن را براو و میخوانم ترا بنام تو که خواند ترا بآن اسماعیل نزد

الْعَطَشِ وَاَخْرَجْتَ مِنْ زَمْزَمَ الْماءَ الرَّوِىَّ اَنْ تَجْعَلَ مَخْرَجَنا اِلى خَيْرٍ وَاَنْ تَرْزُقَنَا الْمالَ

تشنگی و بیرون آوردی از چاه زمزم آب را سیراب کننده که بگردانی بیرون شدن ما را بسوی نیکی و اینکه روزی کنی ما را مال

الْواسِعَ بِرَحْمَتِكَ وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذى دَعاكَ بِهِ يَعْقُوبُ فَرَدَدْتَ عَلَيْهِ بَصَرَهُ

واسع برحمت تو و میخوانم ترا بنام تو که خواند ترا بآن یعقوب پس رد کردی براو دیده او را

وَوَلَدَهُ وَقُرَّةَ عَيْنِهِ اَنْ تُخَلِّصَنا وَتَجْمَعَ بَيْنَنا وَبَيْنَ اَوْلادِنا وَاَهالينا وَاَسْئَلُكَ

و فرزند او را و روشنی دیده او را اینکه خلاصی دهی ما را و جمع کنی میان ما و میان فرزندان ما و کسان ما و میخوانم ترا

بِاسْمِكَ الَّذى دَعاكَ بِهِ يُوسُفُ فَاَخْرَجْتَهُ مِنَ السِّجْنِ اَنْ تُخْرِجَنا مِنَ السِّجْنِ وَتُمَلِّكَنا الْعِزَّ

بنام تو که خواند ترا بآن یوسف پس بیرون کردی او را از زندان اینکه بیرون کنی ما را از زندان و مالک کنی ما را عزت

الَّتى اَنْعَمْتَ بِها عَلَيْنا وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذى دَعاكَ بِهِ الْاَسْباطُ فَتُبْتَ عَلَيْهِمْ

که انعام کردی بآن بر ما و میخوانم ترا بنام تو که خواند ترا بآن اسباط پس برگردانیدی بر ایشان

وَجَعَلْتَهُمْ اَنْبِياءَ اَنْ تَتُوبَ عَلَيْنا وَتَرْزُقَنا طاعَتَكَ وَعِبادَتَكَ وَالْاِخْلاصَ مِمّا

و گردانیدی ایشان را پیغمبران که بپذیری بر ما و روزی کنی ما را فرمانبرداری تو و عبادت تو و خلاصی از آنچه

نَحْرَبُنا وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذى دَعاكَ بِهِ اَيُّوبُ اِذْ حَلَّ بِهِ الْبَلاءُ فَقالَ رَبِّ اِنّى

ما در آنیم و میخوانم ترا بنام تو که خواند ترا بآن ایوب چون نازل شد باو بلا پس گفت پروردگارا بدرستیکه

مَسَّنِىَ الضُّرُّ وَاَنْتَ اَرْحَمُ الرّاحِمينَ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَكَشَفْتَ عَنْهُ ضُرَّهُ وَرَدَدْتَ عَلَيْهِ

رسید مرا سختی و تو بخشنده ترین بخشندگانی پس پذیرفتی از او و زایل کردی از او بدی او را و برگردانیدی بر او

اَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْكَ وَذِكْرى لِلْعابِدينَ اَللّٰهُمَّ اِنّى اَقُولُ كَما قالَ رَبِّ

اهل او را و مانند ایشان با ایشان رحمتی از تو و پند برای پرستندگان خدایا بدرستیکه من میگویم چون گفت پروردگارا

اِنّى مَسَّنِىَ الضُّرُّ وَاَنْتَ اَرْحَمُ الرّاحِمينَ فَاسْتَجِبْ لَنا وَارْحَمْنا وَخَلِّصْنا وَرُدَّ عَلَيْنا اَهْلَنا

رسید مرا سختی و تو بخشنده ترین بخشندگانی پس بپذیر برای ما و رحم کن ما را و خلاص کن ما را و باز گردان بر ما اهل ما را

وَمالَنا وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْكَ وَاجْعَلْنا مِنَ الْعابِدينَ لَكَ وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذى

و مال ما را و مانند ایشان را با ایشان رحمت از تو و بگردان ما را از پرستندگان برای تو و میخوانم ترا بنام تو که

دَعاكَ بِهِ مُوسى وَهرُونُ فَقُلْتَ عَزَّتْ مِنْ قائِلٍ قَدْ اُجيبَتْ دَعْوَتُكُما اَنْ تَسْتَجيبَ

خواند ترا بآن موسی و هرون و گفته تو غالبی تو از گوینده بتحقیق مستجاب شد دعای شما اینکه بپذیری

دُعائَنا وَتُنَجِّيَنا كَما نَجَّيْتَهُما وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذى دَعاكَ بِهِ داوُدُ فَغَفَرْتَ ذَنْبَهُ

دعای ما را و برهانی ما را چنانکه رهانیدی ایشان را و میخوانم ترا بنام تو که خواندی ترا بآن داود پس آمرزیدی گناه او را

وَتُبْتَ عَلَيْهِ اَنْ تَغْفِرَ ذُنُوبَنا وَتَتُوبَ عَلَيْنا اِنَّكَ اَنْتَ التَّوّابُ الرَّحيمُ وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ

و قبول کردی توبه او را اینکه بیامرزی گناهان ما را و بپذیری بر ما بدرستیکه تو توبه پذیر مهربانی و میخوانم ترا بنام تو

الَّذى دَعاكَ بِهِ سُلَيْمانُ فَرَدَدْتَ عَلَيْهِ مُلْكَهُ وَاَمْكَنْتَهُ مِنْ عَدُوِّهِ وَسَخَّرْتَ لَهُ

که خواندی ترا بآن سلیمان پس برگردانیدی براو ملک او را و دست دادی او را بر دشمن و رام کردی برای او

الجن والانس والطير ان تخلصنا من عدونا وترد علينا نعمتك وتستخرج لنا من
پری و آدمیان و مرغان اینکه نجات دهی ما را از دشمن ما و برگردانی بر ما نعمت خود را و بیرون کنی برای ما از

ايديهم حقنا وتخلصنا منهم انك على كل شیء قدير واسئلك باسمك الذي دعاك
دستهای ایشان حق ما را از ایشان بدرستیکه تو بر هر چیزی توانائی و میخوانم ترا بنام تو که خواند ترا

به الذي عنده علم من الكتاب على عرش ملكة سبا ان يحمل اليه فاذا هو مستقر
بآن که نزد او بود دانستن از کتاب بر سریر پادشاهی شهر سبا اینکه بار کرده شود بسوی او و قرار گرفت

عنده ان تحملنا من عامنا هذا الى بيتك الحرام حجاجا وزوار القبر نبيك عليه
نزد او که بار کنی ما را از امسال ما امسال بسوی خانه محترم خود حج گذار و زیارت کننده مر قبر پیغمبر تو برا او

واله السلم واسئلك باسمك الذي دعاك به يونس بن متى في الظلمات ان لا
و آل او درود و میخوانم ترا بنام تو که خواند ترا بآن یونس پسر متی در تاریکیها که نیست

اله الا انت سبحانك اني كنت من الظالمين فاستجبت له ونجيته من بطن الحوت
خدائی مگر تو پاکی تو بدرستی که بودم من از ستمکاران پس پذیرفت برای او و برگردیدی او را از شکم ماهی

ومن الغم وقلت عززت من قائل وكذلك ننجي المؤمنين فلتشهد انا مؤمنون ونقول
و از اندوه و گفتی تو عزیز از گوینده و همچنین نجات میدهیم گروندگان را پس گواهی میدهیم ما که گروندگانیم میگوئیم

كما قال لا اله الا انت سبحانك اني كنت من الظالمين فاستجب لي ونجني من غم
چنانکه گفت نیست خدائی مگر تو پاکی تو بدرستی که هستم من از ستمکاران پس بپذیر برای من و برهان مرا از غم

الدنيا والاخرة كما ضمنت ان تنجي المؤمنين واسئلك باسمك الذي دعاك به زكريا
دنیا و آخرت چنانکه ضامن شده برهانی گروندگان را و میخوانم ترا بنام تو که خواند ترا بآن زکریا

وقال رب لا تذرني فردا وانت خير الوارثين فاستجبت له ووهبت له يحيى واصلحت له
و گفت پروردگارا مگذار مرا تنها و توئی بهتر ارث برندگان پس بپذیر برای او و بخشش مر او را یحیی و شایسته ساختی او را

زوجه وجعلتهم يسارعون في الخيرات ويدعونك رغبا ورهبا وكانوا لك خاشعين
برایش زن و گردانیدی ایشان را شتاب کننده در نیکیها و میخواندند ترا بخواهش و ترس و بودند مر ترا فروتنی کننده

فاني اقول كما قال رب لا تذرني فردا وانت خير الوارثين فاستجب لي واصلح لي شاني
پس من میگویم چنانکه گفت پروردگارا مگذار مرا تنها و تو بهتر وارثانی پس بپذیر و شایسته گردان مرا کار مرا

وجميع ما انعمت به علي وخلصني مما انا فيه وهب لي كرامة الدنيا والاخرة واولادا صالحين
و همه آنچه انعام کردی بمن و نجات ده مرا از آنچه در آنم و ببخش مرا کرامت دنیا و آخرت و فرزندان شایسته

يرثوني واجعلنا ممن يدعوك رغبا ورهبا ومن الخاشعين المطيعين لك واسئلك
ارث برنده مرا و بگردان ما را از آنکه میخوانند ترا بخواهش و ترس و از فروتنی کنندگان فرمان برداران مر ترا و میخوانم ترا

باسمك الذي دعاك به يحيى فجعلته برد القيمة ولم يعمل معصية ولم يهم بها ان تعصمني
بنام تو که خواند ترا بآن یحیی پس گردانیدی او را وارد بعرصه رستخیز و نکرده نافرمانی را و قصد نکرده بآن آنکه نگاه دار مرا

من اقتراف المعاصي حتى نلقاك طاهرين ليس لك قبلنا معصية واسئلك باسمك
از کسب نمودن معصیتها تا ملاقات کنیم ترا پاکان که نیست مر ترا نزد ما نافرمانی و میخوانم ترا بنام تو

الذی دعاک به مریم فنطق ولدها بحجتها ان توفقنا و تخلصنا بحجتنا عندک و عند
خواند ترا بآن مریم پس گویا شد فرزندش بحجت آن اینکه سازگی ما را و خلاص کنی ما را بحجت ما نزد تو و نزد

کل ملمة حتی تظهر حجتنا علی ظالمینا و اسئلک باسمک الذی دعاک به عیسی بن مریم
هر حادثه که ظاهر سازد حجت را بر ستمکاران ما و میخواهم ترا بنام تو که خواند ترا بآن عیسی پسر مریم

فاحیی به الموتی و ابرء الاکمه و الابرص ان تخلصنا و تبرئنا من کل سوء و آفة و الم
پس زنده کرد باو مردها را و شفا داد کور را و پیس را اینکه خلاص کنی ما را و بخشی ما را از هر بدی و آفتی و درد

و تحیینا حیوة طیبة فی الدنیا و الآخرة و ان ترزقنا العافیة فی ابداننا و اسئلک
و زنده داری ما را زندگی پاکیزه در دنیا و آخرت و اینکه روزی کنی ما را عافیت در بدنهای ما و میخواهم ترا

باسمک الذی دعاک به الحواریون فاغثتهم حتی بلغوا عن عیسی ما امرهم به و صرفت
بنام تو که خواند ترا بآن حواریان عیسی پس مدد دادی ایشان را تا آنکه رسانیدند از جانب عیسی آنچه امر کرد ایشان را و گردانیدی

عنهم کید الجبارین و تولیتهم ان تخلصنا و تجعلنا من الدعاة الی طاعتک و اسئلک
از ایشان مکر ستمکاران را و دوستی ایشان اینکه خلاص کنی ما را و گردانی ما را از خوانندگان بسوی فرمان تو و میخواهم ترا

باسمک الذی دعاک به جرجیس فرفعت عنه الم العذاب ان ترفع عنا الم العذاب
بنام تو که خواند ترا بآن جرجیس پس رفع کردی از او الم عذاب را اینکه رفع کنی از ما الم عذاب را

فی الدنیا و الآخرة و ان لا تبتلینا و ان ابتلیتنا فصبرنا و العافیة احب الینا
در دنیا و آخرت و اینکه مبتلا نکنی ما را و اگر مبتلا کنی ما را پس شکیبائی ده ما را و عافیت دوست تر بسوی ما

و اسئلک باسمک الذی دعاک به الخضر حتی ابقیته ان تفرج عنا و تنصرنا
و میخواهم ترا بنام تو که خواند ترا بآن خضر تا آنکه باز داشتی او را اینکه گشایش دهی از ما و یاری کنی ما را

علی من ظلمنا و تردنا الی مامنک و اسئلک باسمک الذی دعاک به حبیبک
بر آنکه ستم کرد ما را و برگردانی ما را بسوی پناه تو و میخواهم ترا بنام تو که خواند ترا بآن دوست تو

محمد صلی الله علیه و آله فجعلته سید المرسلین و ایدته بعلی سید الوصیین
محمد رحمت خدا بر او و آل او پس گردانیدی او را بزرگ فرستادگان و قوت دادی او را بعلی بزرگ اوصیا

ان تصلی علیهما و علی ذریتهما الطاهرین و ان تقیلنی فی هذا الیوم عثرتی و تغفر لی ما
اینکه رحمت فرستی بر ایشان و بر فرزندان ایشان که پاکیزه‌اند و اینکه درگذری در این روز لغزش مرا و بیامرزی مرا آنچه

سلف من ذنوبی و خطایای و لا تصرفنی من مقامی هذا الا بسعی مشکور و ذنب مغفور
گذشته از گناهانم و خطاهای من و دگرگردان مرا از جایگاه من اینجا مگر بسعی جزا داده شده و گناه آمرزیده شده

و عمل مقبول و رحمة و مغفرة و نعیم موصول بنعیم الآخرة برحمتک یا حنان یا منان یا ذا الجلال
و عمل پذیرفته و رحمتی و آمرزش و نعمت پیوسته بنعمت آخرت برحمت خود ای مهربان ای بخشنده ای خداوند

و الاکرام انک علی کل شیء قدیر و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم باب هفدهم در بیان اعمال
بزرگواری و گرامی بدرستیکه تو بر هر چیزی توانائی و نیست قدرتی و نه توانائی مگر بخدای بلند مرتبه بزرگ

ماه ربیع الثانی و جمادی الاولی و جمادی الثانیه است و در آن سه فصل است فصل اول

در اعمال ماه ربیع الثانی است سید طاوس روایت کرده اللهم انت له کل شیء و خالق کل
است که در روز اول اینماه مستحب است که این دعا بخواند خداوندا تو ئی معبود هر چیزی و آفریننده هر
حی و رب کل شیء اسئلک بالعروة الوثقى والغاية المنتهى وبما خالفت به
زنده و پروردگار هر چیزی میخواهم ترا بدست آویز استوار و نهایت دانستها و بآنچه مخالفت کرد
بين الانوار والظلمات والجنة والنار والدنيا والآخرة وباعظم اسمائك في اللوح
میان روشنائیها و تاریکیها و بهشت و دوزخ و دنیا و آخرت و بزرگترین نامهای تو در لوح
المحفوظ واتم اسمائك في التورية نبلا وازهر اسمائك في الزبور عزا واجل
محفوظ نگاهداشته و تمامترین نامهای تو در توریه از روی فضیلت و نیکوترین نامهای تو در زبور از روی عزت و بزرگتر
اسمائك في الانجيل قدرا وارفع اسمائك في القرآن ذكرا واعظم اسمائك في الكتب
نامهای تو در انجیل از روی و بلندترین نامهای تو در قرآن بذکر و بزرگترین نامهای تو در کتابهای
المنزلة وافضلها واستر اسمائك في نفسك الذي ليس كمثله شيء واسئلك بعزتك
فرستاده شده و بلندترین آنها و پنهانترین نامهای تو در نفس تو که نیست مانند او چیزی و میخواهم ترا بعزت تو
وقدرتك وبالعرش العظيم وما حمل وبالكرسي الكريم وما وسع ان تصلي على محمد
و قدرت تو و بعرش بزرگ و آنچه فرا گرفته و بکرسی بزرگوار و آنچه فرا گرفته اینکه رحمت فرستی بر محمد
وال محمد وتتيح لي من عندك فرجك القريب العظيم الاعظم اللهم اتمم على احسانك
و آل محمد و تقدیر کنی برای من از نزد خود گشایش نزدیک بزرگ بزرگتر خداوندا تمام کن بر من احسان خود
القديم الاقدم وتابع الى معروفك الدائم الادوم وانعشني بعز جلالك الكريم
دیرینه دیرینه و پیاپی فرست بسوی من احسان خود را که پیوسته است و بلند کن قدر مرا بعزت بزرگواری خود بزرگوار
الاكرم والهكم اله واحد لا اله الا هو الرحمن الرحيم الله لا اله الا هو الحي القيوم لا
و خدای شما خدائیست یگانه نیست خدائی مگر او بخشاینده مهربان خدائیست خدائی مگر او زنده پاینده
تاخذه سنة ولا نوم الم الله لا اله الا هو الحي القيوم هو الذي يصوركم في الارحام
وا نمیگیرد او را پینکی و نه خواب نیست خدائی مگر او زنده پاینده اوست که صورت میکند شما را در رحمها
كيف يشاء لا اله الا هو العزيز الحكيم شهد الله انه لا اله الا هو والملائكة واولوا
بهر روش که خواهد نیست خدائی مگر او غالب درست کردار گواهی میدهم خدا را که نیست خدائی مگر او و فرشتگان و خداوندان
العلم قائما بالقسط لا اله الا هو العزيز الحكيم الله لا اله الا هو ليجمعنكم الى يوم القيمة
دانش ایستاده بعدالت نیست خدائی مگر او غالب درست کردار خدائیست خدائی مگر او هر آینه فراهم دارد شما را تا روز رستخیز
لا ريب فيه ذلكم الله ربكم لا اله الا هو خالق كل شيء فاعبدوه وهو على كل شيء وكيل
نیست شکی در آن اینست خدا پروردگار شما نیست خدائی مگر او آفریننده هر چیزی پس پرستید او را و او بر هر چیزی نگهبان
اتبع ما اوحي اليك من ربك لا اله الا هو واعرض عن المشركين قل يا ايها الناس اني
پیروی کن آنچه وحی شده بتو از پروردگار تو نیست خدائی مگر او و روی بگردان از مشرکان بگو ای مردمان بدرستیکه من
رسول الله اليكم جميعا الذي له ملك السموات والارض لا اله الا هو يحيي ويميت فآمنوا
فرستاده خدایم بسوی شما همه آنکه مر او راست پادشاهی آسمانها و زمین نیست خدائی مگر او زنده میکند و میمیراند پس

وقف بر امام ثامن حضرت ثامن الحجج ابی الحسن علی بن موسی الرضا علیهما السلام
واقف مرحوم آیة الله العظمی حاج سید عبدالباقی آیت اللهی شیرازی

ربع

بِاللّٰهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللّٰهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ وَمَا
بخدا و فرستاده او پیغمبر امی که میگرود بخدا و کلمات او و پیروی کنید او را شاید شما راه حق بیابید و
أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلٰهًا وَاحِدًا لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ
مأمور نشدند مگر آنکه بپرستند خدای یگانه را نیست خدائی مگر او پاکست او از آنچه شرک آورند پس اگر روگردانند پس بگو
حَسْبِيَ اللّٰهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ حَتَّىٰ إِذَا أَدْرَكَهُ الْغَرَقُ
بس است مرا خدا نیست خدائی مگر او بر او توکل کردم و او است پروردگار عرش بزرگ تا چون دریافت او را غرق
قَالَ آمَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا الَّذِي آمَنَتْ بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ قُلْ هُوَ رَبِّي
گفت ایمان آوردم که نیست خدائی مگر آنکه گرویدند باو فرزندان یعقوب و من از گردن نهندگانم بگو اوست پروردگار من
لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ مَتَابِ يُنَزِّلُ الْمَلَائِكَةَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلَىٰ مَنْ
نیست خدائی مگر او بر او توکل کردم و بسوی او بازگردیدنم فرو فرستد فرشتگان را بروح از امر او بر هر که
يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ أَنْ أَنْذِرُوا أَنَّهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنَا فَاتَّقُونِ وَإِنْ تَجْهَرْ بِالْقَوْلِ فَإِنَّهُ يَعْلَمُ السِّرَّ
خواهد از بندگان خود که بیم دهید که نیست خدائی مگر من پس بپرهیزید مرا و اگر آشکارا کنی گفتار را پس بدرستیکه او میداند آشکارا
وَأَخْفَى اللّٰهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ وَأَنَا اخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَىٰ إِنَّنِي
و پنهان و پنهانتر خدا نیست خدائی مگر او مر او راست نامهای نیکو و من برگزیدم ترا پس بشنو مر آنچه وحی شده که من
أَنَا اللّٰهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي إِنَّمَا إِلٰهُكُمُ اللّٰهُ الَّذِي لَا إِلٰهَ
منم خدا نیست خدائی مگر من پس پرستید مرا و بپا دار نماز را برای یاد من جز این نیست که خدای شما خدا است که خدائی
إِلَّا هُوَ وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا
مگر او فرا گرفته هر چیز را بدانش و نفرستادیم ما پیش از تو هیچ فرستاده مگر آنکه وحی کنیم بسوی او که
إِلٰهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَىٰ
نیست خدائی مگر من پس پرستید مرا و خداوند ماهی چون رفت خشمناک پس گمان کرد که هرگز تنگ نگیریم بر او پس ندا داد
فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَتَعَالَى اللّٰهُ الْمَلِكُ
در تاریکیها که نیست خدائی مگر تو پاکا تو بدرستیکه من هم از ستمکاران پس برتر است خدا پادشاه
الْحَقُّ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ اللّٰهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَهُوَ اللّٰهُ لَا
بحق نیست خدائی مگر او پروردگار عرش بزرگوار خدا نیست خدائی مگر او پروردگار عرش بزرگ و او است خدا
إِلٰهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْحَمْدُ فِي الْأُولَىٰ وَالْآخِرَةِ وَلَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ وَلَا تَدْعُ مَعَ اللّٰهِ
نیست خدائی مگر او و مر او راست حمد در اینجهان و آنجهان و مر او راست حکم و بسوی او بازگردیده میشوید و مخوان با خدا
إِلٰهًا آخَرَ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ يَا
خدای دیگر نیست خدائی مگر او هر چیزی در معرض فناست مگر ذات او مر او راست حکم و بسوی او بازگردیده میشوید ای
أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرُ اللّٰهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ
مردمان یاد کنید نعمت خدا را بر خود آیا هست هیچ آفریننده غیر خدا روزی دهد شما را از آسمان و زمین
لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّىٰ تُؤْفَكُونَ ذَٰلِكُمُ اللّٰهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّىٰ تُصْرَفُونَ
نیست خدائی مگر او پس از کجا رد کرده شوید اینست خدا پروردگار شما مر او راست پادشاهی نیست خدائی مگر او پس از کجا رد کرده شوید

غَافِرِ الذَّنْبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ شَدِيدِ الْعِقَابِ ذِي الطَّوْلِ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ ذٰلِكُمُ

که آمرزنده گناه و پذیرنده توبه سخت عقوبت صاحب انعام نیست خدائی مگر او بسوی اوست بازگشت

اللهُ رَبُّكُمْ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ فَأَنّٰى تُؤْفَكُونَ ذٰلِكُمُ اللهُ رَبُّكُمْ فَتَبَارَكَ اللهُ رَبُّ

پروردگار شما آفریننده هر چیز نیست خدائی مگر او پس از کجا روگردانیده اید این است خدا پروردگار شما پس بزرگوار است خدا پروردگار

الْعَالَمِينَ هُوَ الْحَيُّ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ فَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ رَبُّ

جهانیان اوست زنده نیست خدائی مگر او پس بخوانید او را خالص کنندگان مر او را دین ستایش مر خدا را که پروردگار جهانیان

السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنْ كُنْتُمْ مُوقِنِينَ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ رَبُّكُمْ وَرَبُّ

پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میانه آنهاست اگر هستید یقین کنندگان نیست خدائی مگر او زنده و میمیراند پروردگار شما و پروردگار

آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ فَإِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ

پدران شما پیشینیان پس از کجاست هرگاه آید ایشان را پند ایشان پس بدان که نیست خدائی مگر خدا و آمرزش خواه گناه خود

وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ هُوَ اللهُ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمٰنُ

و مر مردان گرونده و زنان گرونده اوست خدا که نیست خدائی مگر او دانای نهان و آشکار اوست بخشاینده

الرَّحِيمُ هُوَ اللهُ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ

مهربان اوست خدا که نیست خدائی مگر او پادشاه پاکیزه سالم بخشنده امن دانا غالب

الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ اللهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ وَعَلَى اللهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ

بزرگوار بزرگی کننده پاکست خدا از آنچه شریک آورند خدا نیست خدائی مگر او و بر خدا پس باید توکل کنند گروندگان

اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ عَفْوًا لَيْسَ بَعْدَهُ عُقُوبَةٌ وَرِضًا لَيْسَ بَعْدَهُ سَخَطٌ وَعَافِيَةً لَيْسَ

خداوندا بدرستیکه من میخواهم ترا درگذشتنی که نباشد بعد از او عقوبتی و خوشنودی که نیست بعد از او خشمی و عافیتی که نیست

بَعْدَهَا بَلَاءٌ وَسَعَادَةً لَيْسَ بَعْدَهَا شَقَاءٌ وَهُدًى لَا يَكُونُ بَعْدَهُ ضَلَالَةٌ وَإِيمَانًا لَا

بعد از او بلائی و نیکبختی که نیست بعد از او بدبختی و راه نمائی که نباشد بعد از او گمراهی و ایمانی که

يُدَاخِلُهُ كُفْرٌ قَلْبًا لَا يُدَاخِلُهُ فِتْنَةٌ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ السَّعَةَ فِي الْقَبْرِ وَالْحُجَّةَ الْبَالِغَةَ وَ

داخل نشود او را کفر و دلی که نیامیزد او را فتنه خداوندا بدرستیکه من میخواهم ترا گشادگی در قبر و حجت رسیده که

الْقَوْلَ الثَّابِتَ وَأَنْ تُنْزِلَ عَلَيَّ الْأَمَانَ وَالْفَرَجَ وَالسُّرُورَ وَنَضْرَةَ النَّعِيمِ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى

گفتار ثابت و اینکه فرود فرستی بر من ایمنی و فرج و خرمی و تازگی نعمت خداوندا رحمت فرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَرِّفْنِي بَرَكَةَ هٰذَا الشَّهْرِ وَيُمْنَهُ وَارْزُقْنِي خَيْرَهُ وَاصْرِفْ عَنِّي شَرَّهُ وَاجْعَلْنِي

محمد و آل محمد و بشناسان مرا برکت این ماه و میمنت آن و روزی ده مرا خیر او و بگردان از من بدی او و بگردان مرا

فِيهِ مِنَ الْفَائِزِينَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللّٰهُمَّ أَنْتَ وَهَّابُ الْخَيْرِ فَهَبْ لِي شَوْقًا إِلٰى

در آن از رستگاران به رحمت تو ای بخشنده ترین بخشندگان خداوندا توئی بخشنده نیکی پس بخش مرا آرزومندی

لِقَائِكَ وَإِشْفَاقًا مِنْ عَذَابِكَ وَحَيَاءً مِنْكَ وَتَوْقِيرًا وَإِجْلَالًا لَا حَتّٰى يُوجَلَ مِنْ ذٰلِكَ قَلْبِي وَ

ملاقات تو و ترسانیدن از عذاب تو و شرم داشتن از تو و بزرگ داشتن و بزرگوار تا آنکه زرسد از این دل من

يَقْشَعِرَّ مِنْهُ جِلْدِي وَيَتَجَافٰى لَهُ جَنْبِي وَتَدْمَعَ مِنْهُ عَيْنِي وَلَا أَخْلُوَ مِنْ ذِكْرِكَ فِي لَيْلِي وَ

و بلرزد از آن پوست من و دور شود مر او را پهلوی من و اشک ریزد از او دیده من و خالی نشود از یاد تو در شب

نهاری یا ارحم الراحمین اللهم انی اثنی علیک وما عسی ان یبلغ مدحی وثنائی مع قلة

ای بخشنده ترین بخشندگان خدایا بدرستیکه من ستایش کنم بر تو و چه شاید اگر برسد ستایش من با کمی کردار و کوتاهی

عملی وقصر رأیی وانت الخالق وانا المخلوق وانت الملیک وانا المملوک وانت الرب وانا

و کوتاهی عقلم و توئی آفریننده و منم آفریده شده و توئی پادشاه و منم بنده و توئی پروردگار و منم

العبد وانت العزیز وانا الذلیل وانت القوی وانا الضعیف وانت الغنی وانا الفقیر و

بنده و توئی عزیز و منم ذلیل و توئی توانا و منم ناتوان و توئی بی‌نیاز و منم محتاج

انت المعطی وانا السائل وانت الحی الذی لا تموت وانا خلق اموت فاغفر لی وارحمنی

و توئی بخشنده و منم سؤال کننده و توئی زنده که نمیرد و منم آفریده که بمیرم پس بیامرز مرا و رحم کن مرا

واعطنی سؤلی فی دنیای وآخرتی وتجاوز عنی وعن جمیع المؤمنین والمؤمنات والمسلمین

و عطا کن سؤال مرا در دنیای و آخرتم و درگذر از من و از همه مردان گرونده و زنان گرونده و مردان

والمسلمات الاحیاء منهم والاموات اللهم صل علی محمد عبدک ورسولک ونبیک

مسلم و زنان مسلمه زندگان از ایشان و مردگان خداوندا رحمت فرست بر محمد بنده تو و فرستاده تو و پیغمبر تو

وصفیک وخیرتک من خلقک اللهم ارفع درجته وکرم مقامه واجزل ثوابه و

و برگزیده تو و اختیار کرده تو از خلق تو خداوندا بلند کن مرتبه او را و گرامی دار اقامت او را و وافر کن ثواب

افلج حجته واظهر عذره وعظم نوره وادم کرامته والحق به امته وذریته واقرر بذلک

او را و غالب کن حجت او را و ظاهر کن عذر او را و دایم دار نور او را و دایم دار کرامت او را و برسان او را امت او

عینه اللهم اجعل محمدا اکرم النبیین تبعا واعظمهم منزلة واشرفهم کرامة واعلا

و فرزندان او و روشن کن باین دیده او را خداوندا بگردان محمد را گرامی ترین پیغمبران پیرو و بزرگ ایشان بمنزلت و گرامی تر ایشان

هم درجة وافسحهم فی الجنة منزلا اللهم بلغ محمدا درجة الوسیلة وشرف بنیانه وعظم

بکرامت و بلندتر ایشان بمرتبه و روا شده تر ایشان در بهشت از روی منزلت خداوندا برسان محمد را بدرجه وسیله و بلند کن اساس او را

نوره وبرهانه وتقبل شفاعته فی امته وتقبل صلوة امته علیه اللهم صل علی

و بزرگ کن نور او را و حجت او را و بپذیر شفاعت او را در امت او و بپذیر نماز امت او را بر او خداوندا رحمت فرست بر

محمد کما بلغ رسالاتک وتلا آیاتک ونصح لعبادک وجاهد فی سبیلک حتی اتاه الیقین

محمد چنانکه رسانید پیامهای ترا و خواند آیات ترا و پند داد مر بندگان ترا و کارزار نمود در راه تو تا آمد او را مرگ

اللهم زد محمدا مع کل شرف شرفا ومع کل فضل فضلا ومع کل کرامة کرامة ومع کل

خداوندا زیاد کن با محمد هر شرافتی را و با هر فضیلتی فضیلتی و با هر نوازش نوازشی و با هر

سعادة سعادة حتی تجعل محمدا فی الشرف الاعلی من الدرجات العلی اللهم صل علی محمد وآل

سعادت سعادتی تا بگردانی محمد را در شرف بلندتر از مرتبه‌های بلند خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل

محمد وسهل لی محبتی وبلغنی امنیتی ووسع علی فی رزقی واقض عنی دینی وفرج عنی

محمد و آسان کن برای من محبت را و برسان مرا بآرزوی خود و وسعت ده بر من در روزی من و ادا کن از من دین مرا و بگشا از من

غمی وهمی وکربی ویسر لی ارادتی واوصلنی الی بغیتی سریعا عاجلا یا ارحم الراحمین وشیخ

غم مرا و هم مرا و اندوه مرا و آسان کن ارادت مرا و برسان مرا بمطلب من رسانیدن ای بخشنده ترین بخشندگان

مفید

گفته است که در روز دهم ماه ربیع الثانی سال دویست و سی و دو از هجرت نبوی حضرت امام حسن
عسکری متولد شده است و روز شریف بسیار مبارکیست و مستحبست که بشکر این نعمت عظمی
روزه بدارند مؤلف گوید که زیارت آنحضرت و سایر اعمال دارند و بنابرکت مناسبست فصل دویم
در اعمال ماه جمادی الاولیست سید بن طاوس ره از بعضی کتب معتبره نقل کرده است که در روز اول
اینماه مستحبست اللهم انت الله وانت الرحمن الرحیم وانت الملک القدوس وانت السلم
که این دعا را بخوانند خداوندا توئی خدا و توئی بخشنده مهربان و توئی پادشاه پاک از نقص و توئی سلامت
المؤمن وانت المهیمن وانت العزیز وانت الجبار وانت المتکبر وانت الخالق وانت البارئ
بخش امان و توئی کار فرمای قهر و غلبه و توئی غالب و توئی بزرگی کننده و توئی متکبر و توئی آفریننده و توئی بدید آرنده
وانت المصور وانت العزیز الحکیم وانت الاول والاخر والظاهر والباطن لک الاسماء
و توئی نگارنده و توئی غالب درست کردار و توئی اول و آخر و ظاهر و باطن مر تراست نامهای
الحسنی اسئلک یا رب بحق هذه الاسماء وبحق اسمائک کلها ان تصلی علی محمد و
نیکو میخوانم ترا ای پروردگار بحق این نامها و بحق نامهای تو همه آن که رحمت فرستی بر محمد و
آل محمد وآتنا اللهم فی الدنیا حسنة وفی الاخرة حسنة واختم لنا بالسعادة والشهادة
آل محمد و بده مارا خداوندا در دنیا نیکی و در آخرت نیکی و ختم کن از برای ما به نیکبختی و شهید شدن
فی سبیلک وعرفنا برکة شهرنا هذا ویمنه وارزقنا خیره واصرف عنا شره واجعلنا
در راه تو و بشناسان مارا برکت ماه ما اینماه و میمنت آن و روزی کن مارا خیر او و بگردان از ما بدی او و بگردان مارا
فیه من الفائزین وقنا برحمتک عذاب النار یا ارحم الراحمین انک علی کل شیء قدیر
در آن از رستگاران و نگاهدار مارا برحمت خود از عذاب آتش ای بخشنده‌ترین بخشندگان بدرستیکه تو بر هر چیزی توانائی
پس این آیات الحمد لله رب العالمین الحمد لله الذی خلق السموات والارض وجعل الظلمات
را بخوانند سپاس مر خدا را که پروردگار جهانیانست سپاس مر خدا را که آفرید آسمانها و زمین را و گردانید تاریکیها
والنور ثم الذین کفروا بربهم یعدلون هو الذی خلقکم من طین ثم قضی
و روشنائی پس آنانکه کافر شدند به پروردگار خود میل میکنند اوست که آفرید شمارا از گل پس مقرر نمود
اجلا واجل مسمی عنده ثم انتم تمترون وهو الله فی السموات وفی الارض یعلم
اجلی و اجلی نام برده شده نزد او پس شما در شک کنید و اوست خدا در آسمانها و در زمین میداند
سرکم وجهرکم ویعلم ما تکسبون الحمد لله الذی انزل علی عبده الکتاب
نهان شما و آشکار شمارا و میداند آنچه کسب کردید سپاس مر خدا را که فرو فرستاد بر بنده کتاب را
ولم یجعل له عوجا قیما لینذر باسا شدیدا من لدنه الحمد لله الذی له ما فی
و نگردانید مر او را کجی راست تا بیم کنند از بدی سخت از نزد او سپاس مر خدا را که مر او راست آنچه در
السموات وما فی الارض وله الحمد فی الاخرة وهو الحکیم الخبیر الحمد لله فاطر السموات والارض
آسمانها و آنچه در زمین است و مر او راست حمد در آخرت و اوست درستکردار آگاه سپاس مر خدا را آفریننده آسمانها و زمین
جاعل الملئکة رسلا اولی اجنحة مثنی وثلاث ورباع یزید فی الخلق ما یشاء ان الله
گردانندهٔ فرشتگان را رسولان خداوند بالهای دو و سه و چهار می افزاید در آفرینش آنچه خواهد بدرستیکه خدا

عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ مَا يَفْتَحِ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا وَمَا يُمْسِكْ فَلَا مُرْسِلَ
لَهُ مِنْ بَعْدِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ
هَدَانَا اللَّهُ لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ
إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
نَجَّانَا مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ
سَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ فَتَعْرِفُونَهَا وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا
الْحَزَنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقَنَا وَعْدَهُ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَبَوَّأُ مِنَ
الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ وَتَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِّينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ
رَبِّهِمْ وَقُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْحَقِّ وَقِيلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ فَلِلَّهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَرَبِّ
الْأَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَلَهُ الْكِبْرِيَاءُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ الْحَمْدُ لِلَّهِ
الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيرًا
اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا سَلَفَ مِنْ ذُنُوبِي وَتَدَارَكْنِي فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِي وَقَوِّ ضَعْفِي لِلَّذِي خَلَقْتَنِي
لَهُ وَحَبِّبْ إِلَيَّ الْإِيمَانَ وَزَيِّنْهُ فِي قَلْبِي وَقَدْ دَعَوْتُكَ كَمَا أَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي
اللَّهُمَّ أَصْبَحْتُ لَكَ عَبْدًا لَا أَسْتَطِيعُ دَفْعَ مَا أَكْرَهُ وَلَا أَمْلِكُ مَا أَرْجُو وَأَصْبَحْتُ مُرْتَهَنًا
بِعَمَلِي فَلَا فَقِيرَ أَفْقَرُ مِنِّي إِلَيْكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ أَسْأَلُكَ أَنْ تَسْتَعْمِلَنِي عَمَلَ مَنِ اسْتَيْقَنَ
حُضُورَ أَجَلِهِ لَا بَلْ عَمَلَ مَنْ قَدْ مَاتَ فَرَأَى عَمَلَهُ وَنَظَرَ إِلَى ثَوَابِ عَمَلِهِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

اللّٰهُمَّ هٰذا مَكانُ العائِذِ بِرَحْمَتِكَ مِنْ عَذابِكَ وَهٰذا مَكانُ العائِذِ بِمُعافاتِكَ مِنْ
خداوندا اینست جایگاه پناه گرفتن برحمت تو از عذاب تو واین جایگاه پناه گرفتن بدرگذشتن تو از
غَضَبِكَ اللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ دَعاكَ فَأَجَبْتَهُ وَسَأَلَكَ فَأَعْطَيْتَهُ وَأَمَّرَ بِكَ فَهَدَيْتَهُ
خشم تو خدایا بگردان مرا از انکه خواند ترا پس اجابت کردی اورا وخواند ترا پس عطا کردی اورا وایمان آورد بتو پس راه نمودی
وَتَوَكَّلَ عَلَيْكَ فَكَفَيْتَهُ وَتَقَرَّبَ إِلَيْكَ فَأَدْنَيْتَهُ وَافْتَقَرَ إِلَيْكَ فَأَغْنَيْتَهُ وَاسْتَغْفَرَكَ
وتوکل کرد بر تو پس کفایت کردی اورا ونزدیک شد بسوی تو پس نزدیک کرده اورا ومحتاج شد بسوی تو پس بی نیاز کرده اورا وامرزش طلبید
فَغَفَرْتَ لَهُ وَرَضِيتَ عَنْهُ وَأَرْضَيْتَهُ وَهَدَيْتَهُ إِلَى مَرْضاتِكَ وَاسْتَعْمَلْتَهُ بِطاعَتِكَ
پس امرزیدی اورا وخوشنود شدی ازاو وخوشنود کرده اورا وره نمودی اورا بسوی خوشنودی خود وبکار داری اورا بطاعت خود
وَلِذٰلِكَ فَرَّغْتَهُ أَبَداً ما أَحْيَيْتَهُ فَتُبْ عَلَيَّ يا رَبِّ وَأَعْطِنِي سُؤْلِي وَلا تَحْرِمْنِي شَيْئاً مِمّا
وبرای این فارغ کردی اورا مادام که زنده داشتی اورا پس بپذیر برمن ای پروردگار وعطا کن مرا مراد خود ونا امید مکن مرا از چیزی از انچه
سَأَلْتُكَ وَاكْفِنِي شَرَّ ما يَعْمَلُ الظّالِمُونَ فِي الْأَرْضِ وَأَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ الَّذِي لا إِلٰهَ إِلّا هُوَ الَّذِي
سؤال کردم ترا ودفع کن از من بدی انچه میکنند ستمکاران در زمین وامرزش میطلبم از خدا که نیست خدائی مگر او که
لا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلّا هُوَ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَعِنِّي عَلَى الدُّنْيا وَارْزُقْنِي
نیامرزد گناهان را مگر او خداوندا رحمت فرست بر محمد وآل محمد ویاری کن مرا بر دنیا وروزی کن مرا
خَيْرَها وَكَرِّهْ إِلَيَّ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيانَ وَاجْعَلْنِي مِنَ الرّاشِدِينَ اللّٰهُمَّ قَوِّنِي لِعِبادَتِكَ
خیر او وناخوش ساز بسوی من کفر ونافرمانی وعصیان وبگردان مرا از راه یافتگان خدایا قوت ده مرا بعبادت خود
وَاسْتَعْمِلْنِي فِي طاعَتِكَ وَبَلِّغْنِي الَّذِي أَرْجُو مِنْ رَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
وبکار دار مرا در فرمانبرداری خود ورسان مرا بانکه امید دارم از رحمت تو ای رحیمترین رحیمان خدایا بدرستیکه میخواهم ترا
الرِّيَّ يَوْمَ الظَّماءِ وَالنَّجاةَ يَوْمَ الْفَزَعِ الْأَكْبَرِ وَالْفَوْزَ يَوْمَ الْحِسابِ وَالْأَمْنَ يَوْمَ الْخَوْفِ وَ
سیرابی در روز تشنگی ورستگاری در روز ترس بزرگتر وفیروزی در روز حساب وایمنی در روز ترس و
أَسْأَلُكَ النَّظَرَ إِلَى وَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَالْخُلُودَ فِي جَنَّتِكَ فِي دارِ الْمُقامَةِ مِنْ فَضْلِكَ وَالسُّجُودَ
میخواهم ترا نگریستن بذات بزرگوار تو وجاوید بودن در بهشت تو در سرای اقامت از فضل تو وسجود
يَوْمَ يُكْشَفُ عَنْ ساقٍ وَالظِّلَّ يَوْمَ لا ظِلَّ إِلّا ظِلُّكَ وَمُرافَقَةَ أَنْبِيائِكَ وَرُسُلِكَ وَأَوْلِيائِكَ
روزیکه جامه بالا زده شود از ساق وسایه که نیست سایه مگر سایه تو ورفاقت پیغمبران تو وفرستادگان تو ودوستان تو
اللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي ما قَدَّمْتُ مِنْ ذُنُوبِي وَما أَخَّرْتُ وَما أَسْرَرْتُ وَما أَعْلَنْتُ وَما أَسْرَفْتُ عَلَى
خداوندا بیامرز مرا انچه پیش داشتم از گناه خود وانچه پس داشتم وانچه پنهان کردم وانچه اشکارا کردم وانچه اسراف کردم بر
نَفْسِي وَما أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي وَارْزُقْنِي التُّقَى وَالْهُدَى وَالْعَفافَ وَالْغِنَى وَوَفِّقْنِي لِلْعَمَلِ بِما
نفس خود وانچه تو داناتری باو از من وروزی ده مرا پرهیزکاری وره نمائی وبی نیازی وتوفیق ده مرا برکردار بانچه
تُحِبُّ وَتَرْضَى اللّٰهُمَّ أَصْلِحْ لِي دِينِيَ الَّذِي هُوَ عِصْمَةُ أَمْرِي وَأَصْلِحْ لِي دُنْيايَ الَّتِي فِيها مَعاشِي
دوست داری خداوندا بسامان آور دین مرا که او نگاهدارنده کار منست وبسامان آور دنیای مرا که در اوست زندگانی
وَأَصْلِحْ لِي آخِرَتِيَ الَّتِي إِلَيْها مُنْقَلَبِي وَاجْعَلِ الْحَيٰوةَ زِيادَةً لِي فِي كُلِّ خَيْرٍ وَاجْعَلِ الْمَوْتَ
وبسامان آور آخرت مرا که بسوی اوست بازگشت من وبگردان زندگانی را زیادتی در هر نیکی وبگردان مرگ را

راحة لي من كل سوء اللهم اني اسألك يا رب الارباب وسيد السادات ويا مالك الملوك

ان ترحمني وتستجيب لي وتصلحني فانه لا يصلح من صلح من عبادك الا انت فانك انت

ربي وثقتي ورجائي ومولاي وملجأي ولا راحم لي غيرك ولا مغيث لي سواك ولا مالك

سواك ولا مجيب الا انت انا عبدك وابن عبدك وابن امتك الخاطي الذي وسعته

رحمتك وانت العالم بحالي وحاجتي وكثرة ذنوبي والمطلع على اموري كلها اسألك

يا لا اله الا انت ان تغفر لي ما تقدم من ذنبي وما تاخر اللهم لا تدع لي ذنبا الا غفرته

ولا هما الا فرجته ولا حاجة هي لك رضا الا قضيتها ولا عيبا الا اصلحته اللهم

وآتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار اللهم اعني على اهوال

الدنيا وبوائق الدهور ومصيبات الليالي والايام اللهم واحرسني من شر ما يعمل

الظالمون في الارض فانه لا حول ولا قوة الا بك اللهم اني اسألك ايمانا ثابتا وعملا

متقبلا ودعاء مستجابا ويقينا صادقا وقولا طيبا وقلبا شاكرا وبدنا صابرا

ولسانا ذاكرا اللهم انزع حب الدنيا ومعاصيها وذكرها وشهوتها من قلبي اللهم

انك بكرمك تشكر اليسير من عملي فاعف لي الكثير من ذنوبي وكن لي وليا ونصيرا ومنيعا

وحافظا اللهم هب لي قلبا اشد رهبة لك من قلبي ولسانا ادوم لك ذكرا من لساني وجسما

اقوى على طاعتك وعبادتك من جسمي اللهم اني اعوذ بك من زوال نعمتك ومن فجاءة نقمتك ومن

تحول عافيتك ومن حلول غضبك واعوذ بك من جهد البلاء ودرك الشقاء ومن شماتة

الاعداء وسوء القضاء فی الدنیا والآخرة اللهم انی اسئلک باسمک الکریم وعرشک
دشمنان و بدی حکم در دنیا و آخرت خداوندا بدرستیکه من میخوانم ترا بنام تو بزرگوار و عرش
العظیم وملکک القدیم یا وهاب العطایا ویا مطلق الاساری ویا فکاک الرقاب ویا کاشف
بزرگ تو و پادشاهی دیرینه تو ای بخشنده عطاها و ای رها کننده اسیران و ای خلاص کننده گردنها و ای برطرف کننده
العذاب اسئلک ان تخرجنی من الدنیا سالما غانما وان تدخلنی الجنة برحمتک آمنا
عذاب میخوانم ترا اینکه بیرون کنی مرا از دنیا سالم بهره‌ور و اینکه درآوری مرا در بهشت برحمت تو ایمن
وان تجعل اول شهری هذا صلاحا واوسطه فلاحا وآخره نجاحا انک انت علام
و اینکه بگردانی اول ماه مرا اینماه شایستگی و میانش را رستگاری و آخرش را رستگاری بدرستیکه تو داننده
الغیوب
غیبهائی

مؤلف گوید که کلینی بسند صحیح از حضرت صادق ع روایت کرده است که حضرت فاطمه هفتاد و پنج روز بعد از حضرت رسالت ص زنده بود پس بنا بر مشهور که وفات حضرت رسول ص در بیست و هشتم ماه صفر بود باید که وفات حضرت فاطمه در سیزدهم یا چهاردهم ماه جمادی الاولی باشد پس زیارت آنحضرت در این ایام مناسبست خصوصا در چهاردهم که ظاهرتر است و شیخ مفید ره گفته است که در شب پانزدهم اینماه حضرت امام زین العابدین ع متولد شده است و روز شریفیست و مستحبست که روزه بدارند و اعمال خیر از عبادات و تصدقات بجا آورند و شیخ طوسی ره گفته است که فتح بصره برای امیرالمؤمنین ع نیز در این روز میسر شد مؤلف گوید که زیارت هر دو امام در این روز مناسبست و اگر زیارت جامعه در این شب و ایام بخوانند چنانچه مذکور خواهد شد انشاء الله تعالی بهتر است فصل سیم در اعمال ماه جمادی الثانیه است سید بن طاوس ره روایت کرده است که در اینماه در هر روز که خواهد سنت است چهار رکعت نماز بکند یعنی بدو سلام و در رکعت اول بعد از حمد یکمرتبه آیة الکرسی بخواند و بیست و پنج مرتبه انا انزلناه و در رکعت دوم الهیکم التکاثر یکمرتبه و بیست و پنج مرتبه قل هو الله احد و در رکعت سیم یکمرتبه قل یا ایها الکافرون و بیست و پنج مرتبه قل اعوذ برب الفلق و در رکعت چهارم یکمرتبه اذا جاء نصر الله و بیست و پنج مرتبه قل اعوذ برب الناس و بعد از سلام رکعت چهارم هفتاد مرتبه بگوید سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر و هفتاد مرتبه اللهم صل علی محمد وآل محمد پس سه مرتبه بگوید اللهم اغفر للمؤمنین والمؤمنات پس سر بسجده بگذارد و سه بار بگوید یا حی یا قیوم یا ذا الجلال والاکرام یا الله یا رحمن یا رحیم پس هر حاجت که دارد از حق تعالی طلب نماید هر که چنین کند خدای تعالی خودش را و مالش را و زنان و فرزندان او را و دین و دنیای او را حفظ کند و اگر در این سال بمیرد بر شهادت بمیرد یعنی ثواب شهیدان داشته باشد و شیخ بزرگوار محمد بن جریر طبری در کتاب دلائل الامامة بسند معتبر از حضرت صادق ع روایت کرده است که ولادت باسعادت حضرت فاطمه ع در بیستم ماه جمادی الثانیه واقع شده است و شهادت آنحضرت نیز در سیم اینماه واقع شده و شیخ طوسی و سید بن طاوس و دیگران چنین ذکر کرده اند و اگرچه وفات منافی روایتیست که سابقا ذکر کردیم اما چون مشهور است و روایت معتبر دارد که در روز سیم اینماه بمراسم تعزیت آنحضرت قیام نمایند و زیارت آنحضرت بکنند و لعن بسیار بر قاتلان

انحضرت وغاصبان حق او بکنند خصوصاً ابوبکر وعمر وقنفذ غلام عمر ودر روز بیستم انحضرت را بازیارت
کنند وچنانچه شیخ مفید گفته است اظهار سرور وخوشحالی نکنند وروزه بدارند و تصدقات واعمال
خیر بکنند وزیارت انحضرت بدو طریق وارد شده است اول انکه سید ابن طاوس روایت کرده است
که هر که انحضرت را زیارت کند باین زیارت که بگوید
اَلسَّلامُ عَلَیْکِ یا سَیِّدَةَ نِساءِ الْعالَمینَ اَلسَّلامُ عَلَیْکِ یا والِدَةَ الْحُجَجِ عَلَی
النّاسِ اَجْمَعینَ اَلسَّلامُ عَلَیْکِ اَیَّتُهَا الْمَظْلُومَةُ الْمَمْنُوعَةُ حَقَّها پس بگوید اَللّٰهُمَّ صَلِّ
عَلی اَمَتِکَ وَابْنَةِ نَبِیِّکَ وَزَوْجَةِ وَصِیِّ نَبِیِّکَ صَلوٰةً تُزْلِفُها فَوْقَ زُلْفی عِبادِکَ
الْمُکْرَمینَ مِنْ اَهْلِ السَّمٰواتِ وَاَهْلِ الْاَرَضینَ پس طلب امرزش کند از خدا تعالی وحق تعالی
گناهان او را بیامرزد و او را داخل بهشت گرداند واین زیارت مختصر معتبر نیست وهمه وقت میتوان
کرد دویم زیارت مبسوطیست که علما ذکر کرده اند در کتب زیارات وسندش بنظر فقیر نرسیده وان زیارت
اینست اَلسَّلامُ عَلَیْکِ یا بِنْتَ رَسُولِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکِ یا بِنْتَ نَبِیِّ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکِ
یا بِنْتَ حَبیبِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکِ یا بِنْتَ خَلیلِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکِ یا بِنْتَ صَفِیِّ اللهِ
اَلسَّلامُ عَلَیْکِ یا بِنْتَ اَمینِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکِ یا بِنْتَ خَیْرِ خَلْقِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکِ
یا بِنْتَ اَفْضَلِ اَنْبِیاءِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکِ یا بِنْتَ خَیْرِ الْبَرِیَّةِ اَلسَّلامُ عَلَیْکِ یا سَیِّدَةَ
نِساءِ الْعالَمینَ مِنَ الْاَوَّلینَ وَالْاٰخِرینَ اَلسَّلامُ عَلَیْکِ یا زَوْجَةَ وَلِیِّ اللهِ وَخَیْرِ خَلْقِهِ
بَعْدَ رَسُولِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکِ یا اُمَّ الْحَسَنِ وَالْحُسَیْنِ سَیِّدَیْ شَبابِ اَهْلِ الْجَنَّةِ اَلسَّلامُ
عَلَیْکِ یا اُمَّ الْمُؤْمِنینَ اَلسَّلامُ عَلَیْکِ اَیَّتُهَا الصِّدّیقَةُ الشَّهیدَةُ اَلسَّلامُ عَلَیْکِ اَیَّتُهَا
الرَّضِیَّةُ الْمَرْضِیَّةُ اَلسَّلامُ عَلَیْکِ اَیَّتُهَا الصّادِقَةُ الرَّشیدَةُ اَلسَّلامُ عَلَیْکِ اَیَّتُهَا
الْفاضِلَةُ الزَّکِیَّةُ اَلسَّلامُ عَلَیْکِ اَیَّتُهَا الْحَوْراءُ الْاِنْسِیَّةُ اَلسَّلامُ عَلَیْکِ اَیَّتُها

التقية النقية السلام عليك ايتها المحدثة العليمة السلام عليك ايتها المعصومة
المظلومة السلام عليك ايتها الطاهرة المطهرة السلام عليك ايتها المضطهدة
المغصوبة السلام عليك ايتها الغراء الزهراء السلام عليك يا فاطمة بنت محمد
رسول الله ورحمة الله وبركاته صلى الله عليك يا مولاتي وابنة مولاي وعلى
روحك وبدنك اشهد انك مضيت على بينة من ربك وان من سرك فقد سر
رسول الله ومن جفاك فقد جفا رسول الله صلى الله عليه واله ومن اذاك فقد
اذى رسول الله ومن وصلك فقد وصل رسول الله ومن قطعك فقد قطع رسول
الله لانك بضعة منه وروحه التي بين جنبيه كما قال عليه افضل الصلوة و
اكمل السلام اشهد الله وملئكته اني ولي لمن والاك وعدو لمن عاداك وحرب لمن حاربك
انا يا مولاتي بك وبابيك وبعلك والائمة من ولدك موقن وبولايتهم مؤمن و
لطاعتهم ملتزم اشهد ان الدين دينهم والحكم حكمهم وهم قد بلغوا عن الله عز وجل
ودعوا الى سبيل الله بالحكمة والموعظة الحسنة لا تاخذهم في الله لومة لائم وصلوات
الله عليك وعلى ابيك وبعلك وذريتك الائمة الطاهرين اللهم صل على محمد واهل بيته
وصل على البتول الطاهرة الصديقة المعصومة التقية النقية الرضية الزكية
الرشيدة المظلومة المقهورة المغصوب حقها الممنوع ارثها المكسور ضلعها
المظلوم بعلها المقتول ولدها فاطمة بنت رسولك وبضعة لحمه وصميم قلبه

وفلذة كبده والنخبة منك له والتحفة خصصت بها وصيه وحبيبه المصطفى و
قرينه المرتضى سيدة النساء ومبشرة الاولياء وخليفة الورع والزهد و
تفاحة الفردوس والخلد التي شرفت مولدها بنساء الجنة وسللت منها انوار الائمة
وارخيت دونها حجاب النبوة اللهم صل عليها صلوة تزيد في محلها عندك وشرفها
لديك ومنزلتها من رضاك وبلغها منا تحية وسلاما واتنا من لدنك في حبها
فضلا واحسانا ورحمة وغفرانا انك ذو العفو الكريم وسيد طاوس گفته است پس نماز
زیارت بکن و اگر توانی نماز آنحضرت را
بجا آورد و آن دو رکعت است و در هر رکعت بعد از حمد شصت مرتبه سورهٔ قل هو الله احد بخوان و اگر
نتوانی دو رکعت بکن و در رکعت اول بعد از فاتحه یکمرتبه سورهٔ قل هو الله احد بخوان و در رکعت
دویم یکمرتبه سورهٔ قل یا ایها الکافرون اللهم اني اتوجه اليك بنبينا محمد واهل بيته
و بعد از نماز تسبیح آنحضرت را بگو و این دعا را بخوان
صلواتك عليهم واسئلك بحقك العظيم عليهم الذي لا يعلم كنهه سواك واسئلك
بحق من حقه عندك عظيم وباسمائك الحسنى التي امرتني ان ادعوك بها واسئلك
باسمك الاعظم الذي امرت به ابرهيم ان يدعو به الطير فاجابته وباسمك العظيم
الذي قلت للنار به كوني بردا وسلاما على ابرهيم فكانت وباحب الاسماء اليك
واشرفها واعظمها لديك واسرعها اجابة وانجحها طلبة وبما انت اهله ومستحقه
ومستوجبه واتوسل اليك وارغب اليك واتضرع والح عليك واسئلك بكتبك
التي انزلتها على انبيائك ورسلك صلواتك عليهم من التورية والانجيل و
الزبور والقرآن العظيم فان فيها اسمك الاعظم وبما فيها من اسمائك العظمى

أن تصلّي على محمّد وآل محمّد وأن تفرّج عن آل محمّد وشيعتهم ومحبّيهم وعنّي وتفتح
أبواب السماء لدعائي وترفعه في علّيين وتأذن في هذا اليوم وفي هذه
الساعة بفرجي وإعطائي أملي وسؤلي في الدنيا والآخرة يا من لا يعلم أحد كيف
هو وقدرته إلّا هو يا من سدّ الهواء بالسماء وكبس الأرض على الماء واختار لنفسه
أحسن الأسماء يا من سمّى نفسه بالاسم الذي يقضى به حاجة من يدعوه أسألك بحقّ
ذلك الاسم فلا شفيع أقوى لي منه أن تصلّي على محمّد وآل محمّد وتقضي لي حوائجي
وتسمع بمحمّد وعليّ وفاطمة والحسن والحسين وعليّ بن الحسين ومحمّد بن عليّ وجعفر بن
محمّد وموسى بن جعفر وعليّ بن موسى ومحمّد بن عليّ وعليّ بن محمّد والحسن بن عليّ والحجّة
المنتظر لإذنك صلواتك وسلامك ورحمتك وبركاتك عليهم صوتي ليشفعوا
إليك وتشفّعهم فيّ ولا تردّني خائباً بحقّ لا إله إلّا أنت پس حاجتهای خود را بطلب که
برآورده است باب دهم در

اعمال هر ماه مطلقست بدانکه در وقت دیدن ماه نو خواه در شب اول و خواه در دوم و خواه در سیم مستحبست که دعاهای منقوله را بخوانند و بهترین آنها دعای هلال صحیفهٔ کامله است که دعای چهل و سیم است و هفت مرتبه سورهٔ حمد خوانند برای دفع درد چشم منقولست و اندک پنیر خوردن گفته‌اند مستحبست و از حضرت صادق ع نقل است که نیکو لقمه ایست پنیر دهانرا شیرین و خوشبو میکند و اشتهای طعام میاورد و باعث هضم طعام میشود و هر که در اول ماه بخورد حاجتش رد نمیشود و از حضرت صادق ع منقولست که هر که در شب اول ماه دو رکعت نماز بکند و در هر رکعت بعد از فاتحه سورهٔ انعام بخواند و از حق تع سؤال کند که او را از هر ترسی و دردی ایمن گرداند و نترسد در آن ماه امری که مکروه او باشد و از حضرت امام محمد تقی ع منقول است که چون ماه تازه در اید در روز اول ماه دو رکعت نماز بکن و در رکعت اول بعد از حمد سی مرتبه سورهٔ قل هو الله احد بخوان و در رکعت دوم بعد از حمد سی مرتبه سورهٔ انا انزلناه بخوان و بعد از نماز تصدق بکن چون چنین کنی سلامتی آنماه را از حق تع خریده و در روایت دیگر وارد شده است که مستحب است بعد از این دو رکعت نماز این دعا بخوانند

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشنده مهربان

وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ
و نیست هیچ جنبنده در زمین مگر اینکه بر خداست روزی او و میداند قرارگاه او و ودیعتگاه او هر یک در کتابی
مُبِينٍ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَإِنْ يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يُرِدْكَ بِخَيْرٍ
آشکار بنام خدای بخشاینده مهربان و اگر برساند ترا خدا گزندی پس نیست زایل کننده مر او و اگر بخواهد ترا به نیکی
فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ يُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
پس نیست بازگردانی او را برساند آنرا بهر که خواهد از بندگان خود و اوست آمرزنده مهربان بنام خدای بخشاینده مهربان
سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ
زود باشد که خدا بگرداند بعد از دشواری آسانی آنچه خواهد خدا نیست توانائی مگر بخدا بس است ما را خدا و نیکو وکیلیست
وَأُفَوِّضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ
و باز میگذارم کار خود را بسوی خدا بدرستیکه خدا بیناست به بندگان نیست خدائی مگر تو منزه تو بدرستیکه من بودم
مِنَ الظَّالِمِينَ رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ
از ستمکاران پروردگارا بدرستیکه آنچه فرستاده شد از نیکی محتاجم پروردگارا وامگذار مرا تنها و تو بهترین وارثانی

و بدانکه از جملهٔ سنتهای مؤکده که حضرت رسول صلی الله علیه و آله بر آن مواظبت نمود تا از دنیا رفت روزهٔ سه روز در هر ماهست و آن موافق مشهور پنجشنبهٔ اول ماه و پنجشنبهٔ آخر ماه و چهارشنبهٔ اول از دههٔ میان ماه و بعضی از روایات عکس این نیز وارد شده است یعنی چهارشنبهٔ اول و چهارشنبهٔ آخر و پنجشنبهٔ اول از دههٔ میان و اول اشهر و بهتر است و سنن آنحضرت تالی واجبات است در فضیلت و تاکید و آنحضرت نماز سنت در هر شب و روز دو برابر نماز واجب مقرر فرمود هشت رکعت نافلهٔ پیش از نماز ظهر و هشت رکعت پیش از نماز عصر و چهار رکعت بعد از نماز شام و دو رکعت وتیره بعد از نماز خفتن و چون نشسته کرده میشود برابر یک رکعت است و یازده رکعت نماز شب و دو رکعت پیش از نماز صبح و اینها متمم فریضه اند و در ثواب و تاکید مثل آنند و مانند فریضه اگر ترک کنند سنت است که قضا کنند و از برای ترک آن کفارهٔ یک مد از گندم یا جو برای نافلهٔ روز و یک مد از برای نافلهٔ شب مقرر کرده اند و همچنین روزهٔ سنت دو برابر واجبست که تمام ماه شعبانست و در ده ماه دیگر هر ماه سه روز و اگر فوت شود سنت است که قضا کند و اگر در تابستان دشوار باشد سنت است که در زمستان قضا کنند و اگر بسیار دشوار باشد بدل هر روز یک مد بدهند که بحساب از ده دانگی سه بیستی و سه نار و بحساب وزنهای ناقص نیم من تا چهارده قازبکی است یا یک مد گندم که بحساب وسط صد درم بوزن قدیم اصفهان باشد و اگر صد درم شاه بدهند احوط است و دو درم دادن بهتر است و بسند صحیح از حضرت صادق ع منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله مدتی روزهٔ سنت آنقدر گرفت که مردم گمان کردند که هرگز افطار نخواهد کرد و مدتی افطار کرد که گمان کردند که دیگر روزهٔ سنت نخواهد گرفت پس مدتی روزهٔ حضرت داود ع را میگرفت که یک روز روزه میداشت و یک روز افطار میفرمود پس در آخر عمر اکتفا نمود بروزهٔ سه روز در هر ماه بنحوی که گذشت تا آنکه برامتان آسان باشد متابعت آنحضرت و فرمود که این روزه ثوابش برابر است با روزهٔ تمام سال و وسواس شیطان را از سینه برطرف میکند راوی پرسید که کدام روزها است فرمود

که پنجشنبهٔ اول و چهارشنبهٔ اول دههٔ دویم و پنجشنبهٔ آخر رسید که چرا این روزها را روزه میداریم فرمود
برای آنکه عذاب بر امتهای سابق در این روزها نازل میشده است پس امر کرد که در این روزها روزه بدارند
برای دفع عذاب و در روایت دیگر فرمود که پنجشنبه برای آن روزه میدارند که اعمال بندگان را در این روز
بر خدا عرض میکنند و چهارشنبهٔ میان را برای این روزه میدارند که آتش جهنم در روز چهارشنبه
خلق شده است و روزه سپر آتش جهنم است و بروایت دیگر هر عذابی که بر امتهای گذشته نازل
شده است در چهارشنبهٔ میان ماه نازل شده و اگر در دههٔ اول دو پنجشنبه بوده باشد پنجشنبهٔ اول را
گرفتن بهتر است و اگر میسر نشود پنجشنبهٔ دویم را بگیرد و اگر در دههٔ آخر دو پنجشنبه بوده باشد
موافق مشهور پنجشنبهٔ دویم افضل است چنانچه در حدیث صحیح وارد شده است و در روایت دیگر وارد شده
است که پنجشنبهٔ اول بهتر است و بعضی حمل کرده اند بر صورتیکه محتمل باشد که پنجشنبهٔ دویم اول ماه دیگر
باشد و بسند صحیح از حضرت صادق ع منقولست که کسیکه در هر ماه این سه روز را روزه دارد باید
که با هیچکس مجادله نکند و سفاهت و تندخوئی و بیمزدی نکند و مبادرت نکند بسوگند خوردن بخدا و اگر
کسی با او سفاهت و بیمزدی کند درگذرد و معارضه نکند و اگر در این ایام روزه باشد و بخانهٔ برادر
مؤمن خود وارد شود و او را تکلیف کند افطار کردن افضل است از روزه داشتن بهفتاد برابر یا نود
برابر چنانکه در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست و در حدیث صحیح دیگر فرمود که هرکه داخل
شود بخانهٔ برادر مؤمن خود و روزه باشد و افطار کند و اظهار نکند که من روزه ام که بر او منت گذارد حق تعالی
ثواب روزهٔ یکسال برای او بنویسد و اگر این سه روز را در اول ماه یا میان ماه یا آخر ماه بعمل آورد خوبست و فی
الجمله متابعت سنت کرده است و ثواب روزه سال مییابد چنانکه حق تعالی فرموده است که من جاء بالحسنة
فله عشر امثالها یعنی هر که حسنهٔ بدرگاه خدا بیاورد از برای او هست ده برابر آن و این مضمون
در احادیث بسیار وارد شده است اما بهتر آنستکه بنحوی باشد که اول مذکور شد و از جملهٔ روزهای
سنت هر ماه روزهٔ ایام البیض است یعنی سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم ماه و احادیث این سه روز از
طرق عامه و خاصه منقولست و در بعضی از روایات وارد شده است که چون حضرت آدم ع مرتکب آن امر
مکروه شد در بهشت و از زمین فرستادند بدنش سیاه بود یا بعد از قبول توبه خط سیاهی از سر تا پای
او مانده بود چون ملائکه اینحال از او دیدند در او خروش بر آوردند و گریستند و استغاثه کردند بدرگاه حق تعالی
پس منادی از آسمان ندا کرد که امروز را روزه بدار و آن روز سیزدهم ماه بود چون روزه داشت ثلثی از سیاهی
برطرف شد پس در روز چهاردهم ندا رسید که امروز را نیز روزه بدار چون روزه داشت یک ثلث دیگر بر
طرف شد پس در روز پانزدهم باز باو ندا رسید چون روزه داشت تمام سیاهی برطرف شد پس باو ندا رسید
از آسمان که ای آدم روزه این سه روز را برای تو و فرزندان تو مقرر کردم که هرکه در هر ماه این سه روز را
روزه بدارد چنان باشد که در تمام عمر خود روزه باشد و ابن بابویه گفته است که روزهٔ دو پنجشنبه
و چهارشنبه بدل ایام البیض مقرر شده است و منافات ندارد که هر دو سنت باشد و دو پنجشنبه
اول و آخر و چهارشنبه میان بهتر باشد اما اکثر احادیث ایام البیض از طرق عامه است و ابن طاوس

در فضیلت

و از حضرت رسول ص روایتکرده است که جبرئیل ع بر من نازل شد و گفت بگو بعلی که بگیر روزهٔ
هر ماه سه روز تا نوشته شود برای تو بسبب روزهٔ روز اوّل روزهٔ ده هزار سال و بروزهٔ روز دوم
سی هزار سال و بروزهٔ روز سیم صد هزار سال حضرت امیر المؤمنین ع گفت یا رسول الله این مخصوص
منست یا برای همه کس است حضرت فرمود که هر که از شیعیان تو این روزها را روزه بدارد این
ثواب برای او خواهد بود گفت کدام روزها است از ماه فرمود که سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم است
و از جملهٔ روزهای مرغوب روزه روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه است برای کسیکه حاجت داشته باشد
چنانکه در ربیع الاسابیع در ضمن نمازهای حاجت ذکر کرده ام و مشهور میان علما آنست که هر پنجشنبه
و جمعه را روزه گرفتن سنت است مگر آنکه موافق یکی از ایام محرمه یا مکروهه واقع شود و بسند صحیح
از حضرت صادق ع منقولست که کسیکه اراده عمل خیری داشته باشد مانند تصدق کردن و روزه
داشتن و مثل اینها باید که در روز جمعه بعمل آورد زیرا که ثواب عمل در روز جمعه مضاعف است و ابن
جنید گفته است که مستحب نیست روز جمعه را تنها روزه گرفتن و اگر ملحق سازد بان یکروز پیش
یا یکروز بعد را جایز است و گفته است که استحباب روزهٔ روز دوشنبه و پنجشنبه منسوخ و روزه
شنبه نهی از آن وارد شده است مؤلف گوید که اکثر آنچه ابن جنید گفته است خلاف مشهور است میان
علمای ما و شیخ طوسی ره در مصباح گفته است که ترغیب در روزه روز جمعه وارد شده است و بهتر
آنستکه از تنها روزه ندارد مگر آنکه یکروز پیشتر روزه بدارد و گمان فقیر آنستکه نهی از تنها
گرفتن روزهٔ روز جمعه محمول بر تقیه است زیرا که سنیان این حدیث را از ابو هریره نقل کرده اند و بعضی
از علما نهی از روزهٔ روز جمعه را حمل کرده اند بر آنکه کراهت آن در صورتیست که او را ضعیف گرداند
از فرایض و نوافل و دعاهای روز جمعه و این حمل بد نیست و امّا روز دوشنبه احادیث بر نهی از روزه آن واقع
شده است و بهتر ترکست خصوصا هرگاه بقصد برکت روز دوشنبه باشد مگر آنکه با روز متبرکی از
روزهای ماه موافق شود مثل غدیر و مبعث و مولد و امثال اینها و نهی از روزهٔ روز شنبه بنظر فقیر نرسیده
امّا فضیلتی هم در روزهٔ آن بخاطر ندارم مگر آنچه شیخ مفید ره روایتکرده است که هر که در یکی از ماههای
حرام یعنی رجب و ذی القعده و ذی الحجه و محرّم پنجشنبه و جمعه و شنبه را روزه بدارد حق تعالی برای او
ثواب عبادت نهصد سال بنویسد **باب یازدهم** در بیان زیارات حضرت رسول خدا ص و ائمه هدی
صلوات الله علیهم است بغیر آنچه سابقا مذکور شد بدانکه زیارت رسول خدا ص و ائمه هدی علیهم السلام
در همه اوقات از نزدیک و دور مستحبست و اگر بعد از غسل باشد افضل است خصوصا در شب و روز جمعه و
سایر ایام و لیالی متبرکه و در کتاب تحفة الزائر بتفصیل ذکر کرده ام و در این مقام بذکر چند زیارت بعید
و زیارت جامعه و دعای ندبه و صلوات فرستادن بر ایشان اکتفا مینمایم امّا زیارت حضرت رسالت ص از حضرت
رسول ص منقولست که خدا را ملکی چند هست که میگردند در زمین و هر که از امت من بر من سلام میفرستد بمن میرسانند و بسند
معتبر از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که ملکی از ملائکه از خدا سؤال نمود که هر چه بندگان خدا گویند او بشنود و حق
تعالی او را عطا کرد پس آن ملک ایستاده است تا روز قیامت و هر که از مؤمنان بگوید صلی الله علی محمد و آله و سلم البته آن

ملك ميگويد عليك يعنى بر تو باد نيز سلام پس بملك ميگويد يا رسول الله فلان شخص سلام رسانيده است
بر شما پس حضرت ميفرمايد وعليه السلم يعنى بر او باد نيز سلام و بسند معتبر از حضرت امير المؤمنين ع منقول
است كه حضرت رسول ص فرمود كه هر كه در هر جا از زمين بر من سلام كند بمن ميرسد و هر كه نزد قبر من بر من سلام
كند ميشنوم و در حديث حسن از حضرت منقولست كه حضرت صادق ع مرا امر فرمود كه در مسجد رسول خدا بسيار
نماز كنم تا توانم و فرمود كه هميشه ترا ميسر نميشود كه باين مكان شريف بيائى و فرمود كه نزد قبر حضرت رسول ص ميروى
گفتم بلى فرمود بدرستيكه سلامى كه از نزديك ميگوئى آنحضرت ميشنود و اگر دور باشى سلامت بآنحضرت
ميرسد و در حديث معتبر ديگر از آنحضرت منقولست كه برويد بمدينه و سلام كنيد بر رسول خدا ع هر چند صلوات مؤمنان
در هر جا كه بفرستند بآنحضرت ميرسد و در حديث صحيح از آنحضرت منقولست كه صلوات فرستيد بر حضرت رسول ص
در پهلوى قبر آنحضرت هر چند صلوات مؤمنان هر جا كه باشند بآنحضرت ميرسد و اين حديث احتمال نماز هديه
دارد كه در نزديك و دور كنند و ثوابش را هديه روح مقدس آنحضرت كنند و احاديث صلوات و سلم
بر آنحضرت و زيارت آنحضرت در شهرهاى دور بسيار است و بسند صحيح منقولست كه ابن ابى نصر بخدمت
حضرت امام رضا ع عرض كرد كه بعد از نماز چگونه صلوات و سلم بر حضرت رسول ص بايد فرستاد فرمود
كه ميگوئى اَلسَّلمُ عَلَيْكَ يا رَسُولَ اللهِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللهِ
درود بر تو اى فرستاده خدا و رحمت خدا و بركتهاى او درود بر تو اى محمد پسر عبد الله
اَلسَّلمُ عَلَيْكَ يا خِيَرَةَ اللهِ اَلسَّلمُ عَلَيْكَ يا صِفْوَةَ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا اَمينَ اللهِ اَشْهَدُ
درود بر تو اى برگزيده خدا درود بر تو اى برگزيده خدا درود بر تو اى امين خدا گواهى ميدهم
اَنَّكَ رَسُولُ اللهِ وَاَشْهَدُ اَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللهِ وَاَشْهَدُ اَنَّكَ قَدْ نَصَحْتَ لِاُمَّتِكَ وَجاهَدْتَ
كه تو فرستاده خدائى و گواهى ميدهم كه توئى محمد پسر عبد الله و گواهى ميدهم كه تو پند دادى امت خود را و كارزار كردى
فى سَبيلِ رَبِّكَ وَعَبَدْتَهُ حَتّى اَتيكَ الْيَقينُ فَجَزاكَ اللهُ يا رَسُولَ اللهِ اَفْضَلَ ما جَزى نَبِيّاً
در راه پروردگار خود و پرستيدى او را تا آمد ترا مرگ پس جزا دهد ترا خدا اى فرستاده خدا بهتر از آنچه جزا داد پيغمبرى را
عَنْ اُمَّتِهِ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ اَفْضَلَ ما صَلَّيْتَ عَلى اِبْرهيمَ وَآلِ اِبْرهيمَ اِنَّكَ حَميدٌ مَجيدٌ و در روايت
از امت خود خداوندا رحمت فرست بر محمد بهتر از آنچه رحمت فرستادى بر ابراهيم و آل ابراهيم بدرستيكه توئى ستوده بزرگوار معتبر ديگر
از حضرت صادق ع منقولست كه هر كه خواهد زيارت كند قبر حضرت رسول صلى الله عليه و آله
و قبر امير المؤمنين عليه السلم و فاطمه و حسن و حسين عليهم السلم و قبرهاى حجتهاى خدا را و در
شهرهاى خود باشد پس غسل زيارت كند در روز جمعه و دو جامه پاكيزه بپوشد و بيرون رود بصحرا يا
بصحرائى پس چهار ركعت نماز بگذارد با هر سوره كه ميسر اَلسَّلامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا النَّبِىُّ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ
شود پس بايستد رو بقبله و اين زيارت را بخواند
درود بر تو اى پيغمبر و رحمت خدا و بركتهاى او
اَلسَّلمُ عَلَيْكَ اَيُّهَا النَّبِىُّ الْمُرْسَلُ وَالْوَصِىُّ الْمُرْتَضى وَالسَّيِّدَةُ الزَّهْراءُ وَالسِّبْطانِ الْمُنْتَجَبانِ وَالْاَوْلادُ
درود بر تو اى پيغمبر فرستاده و وصى پسنديده و بانوى درخشنده و آن دو فرزندزاده پيغمبر و فرزندان
الْاَعْلامُ وَالْاُمَناءُ الْمُنْتَجَبُونَ جِئْتُ انْقِطاعاً اِلَيْكُمْ وَاِلى آبائِكُمْ وَوَلَدِكُمُ الْخَلَفِ عَلى
نشانها و امينان برگزيدگان آمدم بريده از خلق بسوى شما و بسوى پدران شما و فرزندان شما جانشين

السلام علينا حبيبنا [illegible]

عَلَى بَرَكَةِ الْحَقِّ فَقَلْبِي لَكُمْ مُسَلِّمٌ وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتَّى يَحْكُمَ اللّٰهُ لِدِينِهِ فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ
برکت حق پس دل من مر شما را تصدیق و یاری من مر شما را آماده تا حکم کند خدا مر دین خود پس با شمایم با شما

لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ إِنِّي لَمِنَ الْقَائِلِينَ بِفَضْلِكُمْ مُقِرٌّ بِرَجْعَتِكُمْ لَا أُنْكِرُ لِلّٰهِ قُدْرَةً وَلَا أَزْعُمُ إِلَّا
نه با دشمنان شما که من از گویندگانم بفضل شما اقرار دارنده برجعت شما انکار نمیکنم مر خدا را قدرت او و اعتقاد ندارم مگر

مَا شَاءَ اللّٰهُ سُبْحَانَ اللّٰهِ ذِي الْمُلْكِ وَالْمَلَكُوتِ يُسَبِّحُ اللّٰهَ بِأَسْمَائِهِ جَمِيعُ خَلْقِهِ وَالسَّلَامُ
آنچه خواسته خدا پاکا خداوند پادشاه و پادشاهی تسبیح میکنند خدا را بنامهای همه خلق او و درود

عَلَى أَرْوَاحِكُمْ وَأَجْسَادِكُمْ وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ و در روایت دیگر وارد است
بر روحهای شما و جسدهای شما و درود بر شما و رحمت خدا و برکتهای او

که این زیارت را در بام خانه خود بکن و زیارت حضرت فاطمه ع سابقا مذکور شد و اما زیارت حضرت امام حسین ع بسندهای معتبر از سدیر صیرفی منقولست که گفت که حضرت صادق ع بمن فرمود که چه مانع است ترا از اینکه زیارت کنی قبر امام حسین ع را در هر هفته پنج مرتبه یا در هر روز یکمرتبه گفتم فدای تو شوم میان من و آن حضرت فرسخهای بسیار هست فرمود که بالا میروی ببام خانه خود پس ملتفت میشوی بجانب راست و چپ خود پس سر خود را بسوی آسمان بلند میکنی و بجانب قبر آنحضرت میکنی و میگوئی السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللّٰهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللّٰهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ تا نوشته شود برای تو حجی و عمره و سدیر گفت بسیار است که من زیاده از بیست مرتبه چنین زیارت میکنم
درود بر تو ای ابا عبدالله درود بر تو ای پسر رسول خدا درود بر تو و رحمت خدا و برکتهای او

و بسند صحیح از آنحضرت منقولست که کسیکه ناحیه اش بعید و خانه اش دور باشد از ما پس بالا رود ببام خانه خود و دو رکعت نماز بگذارد و اشاره کند بسلام بسوی قبرهای ما که السلام بما میرسد و در حدیث معتبر منقولست از سلیمان بن عیسی که گفت پدرم عرض کرد بخدمت حضرت صادق ع که چگونه ترا زیارت کنم هرگاه قادر بر آمدن بخدمت تو نباشم فرمود که ای عیسی هرگاه قادر بر آمدن نباشی چون روز جمعه شود غسل کن یا وضو بساز و بالا رو بر بام خانه خود و دو رکعت نماز بکن و متوجه شو بسوی من بدرستیکه هر که مرا زیارت کند در حیات من چنانست که مرا زیارت کرده است بعد از موت من و کسیکه زیارت کند مرا بعد از موت من چنانست که مرا زیارت کرده است در حیات من مؤلف گوید که این حدیث دلالت میکند بر اینکه در این زمانها حضرت صاحب الامر ع را در همه موضع زیارت توان کرد و اگر رو بسامره کند در وقت زیارت بهتر است و بعضی از زیارات مخصوصه آنحضرت مذکور خواهد شد انشاء الله و در حدیث معتبر دیگر مرویست که حضرت صادق ع بسدیر گفت که بسیار زیارت میکنی قبر حسین بن علی علیهما السلم گفتم از بسیاری شغل مرا مقدور نمیشود فرمود که میخواهی ترا چیزی تعلیم نمایم که هرگاه بکنی از برای تو ثواب زیارت آنحضرت نوشته شود گفتم بلی فدای تو شوم فرمود که غسل بکن در خانه خود و اشاره کن بجانب آنحضرت بسلام کردن تا نوشته شود از برای تو ثواب زیارت و در حدیث معتبر دیگر منقولست که حنان بن سدیر رفت بخدمت حضرت صادق ع و نزد آنحضرت جماعتی از اصحاب حاضر بودند پس فرمود که ای حنان زیارت حضرت امام حسین ع میکنی هر ماه یکمرتبه گفت نه فرمود که هر دو ماه یکمرتبه گفت نه فرمود که هر سال یکمرتبه گفت نه فرمود که چه بسیار جفاکارید نسبت بآقای خود گفت یا ابن رسول الله مانع

در روز جمعه

من یکی کمی توشه و دوری مسافتست فرمود که میخواهی شما را دلالت کنم بر زیارتی که مقبول باشد هر
چند زیارت کننده دور باشد گفت چگونه زیارت کنم یابن رسول الله فرمود که غسل کن در روز
جمعه یا هر روز که خواهی و بپوش پاکیزه ترین جامهای خود را و بالا رو بر بلندترین بامهای خانه خود یا
برو بصحرائی و رو بجانب قبر آنحضرت کن و بگو السَّلامُ عَلَیْکَ یا مَوْلایَ وَابْنَ مَوْلایَ وَسَیِّدی وَابْنَ سَیِّدی

درود بر تو ای آقای من و پسر آقای من و سید من و پسر سید من

اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا مَوْلایَ یا قَتیلُ بْنَ الْقَتیلِ الشَّهیدُ بْنَ الشَّهیدِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ وَرَحْمَةُ اللهِ

درود بر تو ای آقای من ای کشته پسر کشته شهید پسر شهید درود بر تو و رحمت خدا

وَبَرَکاتُهُ اَنَا زائِرُکَ یَابْنَ رَسُولِ اللهِ بِقَلْبی وَلِسانی وَجَوارِحی وَاِنْ لَمْ اَزُرْکَ بِنَفْسی وَالْمُشاهَدَةِ

و برکتهای او منم زیارت کننده تو ای پسر رسول خدا بدل من و زبان من و جوارح من و اگر زیارت نکردم ترا بتن خویش نزدیک شوم

لِقُبَّتِکَ فَعَلَیْکَ السَّلامُ یا وارِثَ آدَمَ صِفْوَةِ اللهِ وَوارِثَ نُوحٍ نَبِیِّ اللهِ وَوارِثَ اِبْراهیمَ

و به بینم گنبد بارگاه ترا پس بر تو باد سلام ای میراث برنده آدم برگزیده خدا و میراث برنده نوح پیغمبر خدا و میراث برنده ابراهیم

خَلیلِ اللهِ وَوارِثَ مُوسی کَلیمِ اللهِ وَوارِثَ عیسی رُوحِ اللهِ وَکَلِمَتِهِ وَوارِثَ مُحَمَّدٍ حَبیبِ اللهِ

دوست خدا و میراث برنده موسی هم سخن خدا و میراث برنده عیسی روح خدا و کلمه او و میراث برنده محمد دوست خدا

وَنَبِیِّهِ وَرَسُولِهِ وَوارِثَ عَلِیٍّ اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ وَوَصِیِّ رَسُولِ اللهِ وَخَلیفَتِهِ وَوارِثَ

و پیغمبر او و فرستاده او و میراث برنده علی پادشاه گروندگان و وصی فرستاده خدا و خلیفه او و وارث

الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ وَصِیِّ اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ لَعَنَ اللهُ قاتِلیکَ وَجَدَّدَ عَلَیْهِمُ الْعَذابَ فی هذِهِ

حسن پسر علی وصی پادشاه گروندگان لعنت کند خدا کشندگان ترا و تازه کن بر ایشان عذاب در این

السّاعَةِ وَفی کُلِّ ساعَةٍ اَنَا یا سَیِّدی مُتَقَرِّبٌ اِلَی اللهِ جَلَّ وَعَزَّ وَاِلی جَدِّکَ رَسُولِ اللهِ

ساعت و در هر ساعت من ای سید من نزدیکی میجویم بسوی خدای عز و جل و بسوی جد تو فرستاده خدا

وَاِلی اَبیکَ اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ وَاِلی اَخیکَ الْحَسَنِ وَاِلَیْکَ یا مَوْلایَ عَلَیْکَ سَلامُ اللهِ وَ

و بسوی پدر تو پادشاه گروندگان و برادر تو حسن و بسوی تو ای آقای من بر تو باد درود خدا و

رَحْمَتُهُ وَبَرَکاتُهُ بِزِیارَتی لَکَ بِقَلْبی وَلِسانی وَجَمیعِ جَوارِحی فَکُنْ یا سَیِّدی شَفیعی لِقَبُولِ

رحمت او و برکتهای او بزیارت من مر ترا بدل من و زبانم و همه جوارح من پس باش ای سید من شفیع من بر قبول

ذلِکَ مِنّی وَاَنَا بِالْبَرائَةِ مِنْ اَعْدائِکَ وَاللَّعْنَةِ لَهُمْ وَعَلَیْهِمْ اَتَقَرَّبُ اِلَی اللهِ وَاِلَیْکُمْ اَجْمَعینَ

این از من و من به بیزاری از دشمنان تو و لعنت بر ایشان و بر ایشان نزدیکی میجویم بسوی خدا و بسوی شما همه

فَعَلَیْکَ صَلَواتُ اللهِ وَرِضْوانُهُ وَرَحْمَتُهُ پس اندکی میگردی بجانب چپ خود و رو میگردانی بسوی

رحمتهای خدا بر تو و خوشنودی او و رحمت او قبر علی بن الحسین که او نزد پای پدر خود مدفونست و سلام

میکنی بر او مثل این سلام پس دعا میکنی و میطلبی حاجتهای دنیا و آخرت خود را پس چهار رکعت نماز می
گذاری که نماز زیارت هشت رکعت است یا شش رکعت یا چهار رکعت یا دو رکعت و بهترش هشت رکعت
است پس رو میکنی بجانب قبر حضرت امام حسین ع و میگوئی اَنَا مُوَدِّعُکَ یا مَوْلایَ وَابْنَ مَوْلایَ وَسَیِّدی وَابْنَ سَیِّدی وَمُوَدِّعُکَ

ای وداع کننده تو ای آقای من و پسر آقای من ای سید من و پسر سید من و وداع کننده

يَا سَيِّدِي وَابْنَ سَيِّدِي يَا عَلِيَّ الْحُسَيْنِ مُوَدِّعُكُمْ يَا سَادَاتِي يَا مَعْشَرَ الشُّهَدَاءِ فَعَلَيْكُمْ سَلَامُ اللّٰهِ

ای آقای من و پسر آقای من ای علی بن حسین وداع کننده شماام ای آقایان من ای گروه شهیدان پس بر شما باد

وَرَحْمَتُهُ وَبَرَكَاتُهُ وَرِضْوَانُهُ مؤلف گوید که چون عبارت حدیث تشویش و اضطرابی دارد و چند احتمال دارد

رحمت او و برکتهای او و خوشنودی او

بهتر آنستکه همین زیارت را با وداع چنانچه رو بقبر شریف میخوانند رو بقبله نیز بکنند و بخوانند تا آنکه بهمه احتمالات عمل کرده باشد و در زیارت علی بن الحسین بجای یا وارث در همه جا یا ابن الوارث بگوید یا از وارث قصد وراثت امامت و خلافت نکنند زیرا که آنحضرت امام نبوده است و بدانکه احادیث دلالت میکنند بر اینکه از دور که زیارت کنند نماز زیارت را بعد از زیارت باید بکنند و احادیث پیش دلالت کرد بر اینکه پیش باید بکنند و دور نیست که مخیر باشد و اگر این زیارت را بکنند همین نحو که وارد شده است بکنند و از این احادیث معلوم شد که غسل از برای زیارت بعیده مستحبست و از بعضی هم مفهوم شد که بی غسل نیز میتوان کرد و از بعضی عموما مستفاد میشود که بر سر خالی میتوان کرد چنانکه اکثر علما گفته اند و اگر در بام خانه یا صحرائی واقع سازد احوط و اولیست و در حدیث معتبر از حسین بن ثویر منقولستکه بخدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که من بسیار حضرت امام حسین علیه السلام را یاد میکنم در آنوقت چه بگویم فرمود که سه مرتبه بگو صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْكَ يَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ که سلام بآنحضرت میرسد از دور و نزدیک و شیخ طوسی ره ذکر کرده است که زیارت میتوان کرد ائمه را از دور چنانکه از نزدیک ایشان را زیارت میکنند اما در جائیکه اَتَيْتُكَ زَائِرًا قَصَدْتُكَ بِقَلْبِي زَائِرًا اِذْ عَجَزْتُ عَنْ حُضُورِ مَشْهَدِكَ و باشد نگوید بلکه بگوید

قصد کردم ترا بدل خود زیارت کننده زیرا که عاجز بودم از حضور مشهد تو

وَجَّهْتُ اِلَيْكَ سَلَامِي لِعِلْمِي اَنَّهُ يُبَلِّغُكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْكَ فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ جَلَّ

رو آوردم بسوی تو سلام خود را بدانش خود که او میرساند ترا رحمت فرستد خدا بر تو پس شفیع شو مرا نزد پروردگار عز و جل

وَعَزَّ و دعا کن آنچه خواهی و بعضی از اکابر علما روایت کرده اند از ابو الحسن قادسی که گفت من بسیار بزیارت امام حسین علیه السلام میرفتم پس چندی بسبب پیری و کمی مال توفیق زیارت آنحضرت نیافتم پس شبی من حضرت رسول را در خواب دیدم که حضرت امام حسن و امام حسین در خدمت آنحضرت بودند چون من بنزدیک ایشان رسیدم امام حسین گفت یا رسول اللّٰه این مرد مرا بسیار زیارت میکرد و اکنون ترک کرده است حضرت رسول متوجه من گردید و فرمود که چرا ترک زیارت مثل حسین میتوان کرد گفتم یا رسول اللّٰه قلت حال و پیری مرا مانع ادراک این سعادت گردیده است حضرت فرمود که هر شب بر بام خانه خود برو و با انگشت شهادت بسوی قبر آنحضرت صلوات اللّٰه علیه اشاره کن و بگو اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى جَدِّكَ وَاَبِيكَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى اُمِّكَ وَاَخِيكَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْاَئِمَّةِ مِنْ بَنِيكَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الدَّمْعَةِ السَّاكِبَةِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الْمُصِيبَةِ الرَّاتِبَةِ لَقَدْ اَصْبَحَ كِتَابُ اللّٰهِ فِيكَ مَهْجُورًا وَرَسُولُ اللّٰهِ فِيكَ

موتوراً السلام عليك ورحمة الله وبركاته السلام على انصار الله وخلفائه

السلام على امناء الله واحبّائه السلام على محالّ معرفة الله ومعادن حكمة الله

وحفظة سرّ الله وحملة كتاب الله واوصياء نبيّ الله وذرّيّة رسول الله صلّى الله

عليه واله ورحمة الله وبركاته پس هر حاجت كه خواهى از خدا سؤال كن پس اگر چنين كنى زيارت

توا از دور و نزديك هر دو مقبولست واما زيارت ساير ائمه از نزديك

ودور بهترين آنها زيارت جامعه است كه ابن بابويه وديگران بسند معتبر روايت كرده اند كه شخصى از حضرت

امام على النقى ع سؤال نمود كه اى فرزند رسول خدا مرا تعليم نما سخنى بليغ كاملى كه از آن بخوانم هرگاه زيارت كنم

يكى از شما را فرمود چون بدرگاه برسى بايست وبگو أشهد أن لا إله إلّا الله وحده لا شريك له وأنّ محمّداً عبده و

رسوله وبايد كه با غسل باشى پس چون داخل قبه شوى وقبر را ببينى بايست وسى مرتبه الله اكبر

بگو پس راه برو با آرام دل وآرام تن وگامها را نزديك يكديگر بگذار پس بايست وسى مرتبه الله اكبر

بگو پس نزديك قبر برو وچهل مرتبه الله اكبر بگو كه صد مرتبه تكبير تمام شود پس بگو السّلام عليكم يا اهل بيت النّبوّة وموضع

الرّسالة ومختلف الملئكة ومهبط الوحي ومعدن الرّحمة وخزّان العلم ومنتهى

الحلم واصول الكرم وقادة الامم واولياء النّعم وعناصر الابرار ودعائم

الاخيار وساسة العباد واركان البلاد وابواب الايمان وامناء الرّحمن و

سلالة النّبيّين وصفوة المرسلين وعترة خيرة ربّ العالمين ورحمة الله و

بركاته السّلام على ائمّة الهدى ومصابيح الدّجى واعلام التّقى وذوي النّهى

واولي الحجى وكهف الورى وورثة الانبياء والمثل الاعلى والدّعوة

الحسنى وحجج الله على اهل الدّنيا والآخرة والاولى ورحمة الله وبركاته السّلام

على محالّ معرفة الله ومساكن بركة الله ومعادن حكمة الله وحفظة سرّ الله

وَحَمَلَةِ كِتابِ اللهِ وَاَوْصِياءِ نَبِيِّ اللهِ وَذُرِّيَّةِ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَرَحْمَةُ

اللهِ وَبَرَكاتُهُ اَلسَّلامُ عَلَى الدُّعاةِ اِلَى اللهِ وَالْاَدِلّاءِ عَلى مَرْضاتِ اللهِ وَالْمُسْتَقِرّينَ فى

اَمْرِ اللهِ وَالتّامّينَ فى مَحَبَّةِ اللهِ وَالْمُخْلِصينَ فى تَوْحيدِ اللهِ وَالْمُظْهِرينَ لِاَمْرِ اللهِ وَنَهْيِهِ

وَعِبادِهِ الْمُكْرَمينَ الَّذينَ لا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِاَمْرِهِ يَعْمَلُونَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ

اَلسَّلامُ عَلَى الْاَئِمَّةِ الدُّعاةِ وَالْقادَةِ الْهُداةِ وَالسّادَةِ الْوُلاةِ وَالذّادَةِ الْحُماةِ وَاَهْلِ

الذِّكْرِ وَاُولِى الْاَمْرِ وَبَقِيَّةِ اللهِ وَخِيَرَتِهِ وَحِزْبِهِ وَعَيْبَةِ عِلْمِهِ وَحُجَّتِهِ وَصِراطِهِ وَنُورِهِ

وَبُرْهانِهِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ اَشْهَدُ اَنْ لا اِلهَ اِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لا شَريكَ لَهُ كَما شَهِدَ

اللهُ لِنَفْسِهِ وَشَهِدَتْ لَهُ مَلائِكَتُهُ وَاُولُوا الْعِلْمِ مِنْ خَلْقِهِ لا اِلهَ اِلّا هُوَ الْعَزيزُ الْحَكيمُ

وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ الْمُنْتَجَبُ وَرَسُولُهُ الْمُرْتَضى اَرْسَلَهُ بِالْهُدى وَدينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ

عَلَى الدّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ وَاَشْهَدُ اَنَّكُمُ الْاَئِمَّةُ الرّاشِدُونَ الْمَهْدِيُّونَ

الْمَعْصُومُونَ الْمُكَرَّمُونَ الْمُقَرَّبُونَ الْمُتَّقُونَ الصّادِقُونَ الْمُصْطَفَوْنَ الْمُطيعُونَ لِلّهِ الْقَوّامُونَ

بِاَمْرِهِ الْعامِلُونَ بِاِرادَتِهِ الْفائِزُونَ بِكَرامَتِهِ اصْطَفاكُمْ بِعِلْمِهِ وَارْتَضاكُمْ لِغَيْبِهِ وَاخْتارَكُمْ

لِسِرِّهِ وَاجْتَباكُمْ بِقُدْرَتِهِ وَاَعَزَّكُمْ بِهُداهُ وَخَصَّكُمْ بِبُرْهانِهِ وَانْتَجَبَكُمْ لِنُورِهِ وَاَيَّدَكُمْ

بِرُوحِهِ وَرَضِيَكُمْ خُلَفاءَ فى اَرْضِهِ وَحُجَجاً عَلى بَرِيَّتِهِ وَاَنْصاراً لِدينِهِ وَحَفَظَةً لِسِرِّهِ

وَخَزَنَةً لِعِلْمِهِ وَمُسْتَوْدَعاً لِحِكْمَتِهِ وَتَراجِمَةً لِوَحْيِهِ وَاَرْكاناً لِتَوْحيدِهِ وَشُهَداءَ

عَلى خَلْقِهِ وَاَعْلاماً لِعِبادِهِ وَمَناراً فى بِلادِهِ وَاَدِلّاءَ عَلى صِراطِهِ عَصَمَكُمُ اللهُ مِنَ الزَّلَلِ

وَآمَنَكُمْ مِنَ الْفِتَنِ وَطَهَّرَكُمْ مِنَ الدَّنَسِ وَاَذْهَبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ وَطَهَّرَكُمْ تَطْهِيراً فَعَظَّمْتُمْ

و ایمن داشت شما را از آشوب و پاک کرد شما را از چرک و برد از شما پلیدی را و پاک کرد شما را پاک کردنی پس بزرگ داشتید

جَلالَهُ وَاَكْبَرْتُمْ شَانَهُ وَمَجَّدْتُمْ كَرَمَهُ وَاَدَمْتُمْ ذِكْرَهُ وَوَكَّدْتُمْ مِيثاقَهُ وَاَحْكَمْتُمْ عَقْدَ

جلال او و بزرگ نمودید کار او و عظیم نمودید کرم او و دایم کردید ذکر او را و تاکید کردید پیمان او و محکم کردید عقد

طاعَتِهِ وَنَصَحْتُمْ لَهُ فِي السِّرِّ وَالْعَلانِيَةِ وَدَعَوْتُمْ اِلى سَبِيلِهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ

فرمانبرداری او و پند دادید برای او در نهان و آشکار و خواندید بسوی راه او بحکمت و پند نیکو

وَبَذَلْتُمْ اَنْفُسَكُمْ فِي مَرْضاتِهِ وَصَبَرْتُمْ عَلى ما اَصابَكُمْ فِي جَنْبِهِ وَاَقَمْتُمُ الصَّلوةَ وَآتَيْتُمُ

و بخشیدید خود را در خوشنودی او و صبر کردید بر آنچه رسید شما را در پهلوی او و برپای داشتید نماز را و دادید

الزَّكوةَ وَاَمَرْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَجاهَدْتُمْ فِي اللهِ حَقَّ جِهادِهِ حَتّى اَعْلَنْتُمْ

زکوة را و امر کردید بنیکی و نهی کردید از ناشایسته و کارزار نمودید در راه خدا سزاوار جهاد تا آشکار کردید

دَعْوَتَهُ وَبَيَّنْتُمْ فَرائِضَهُ وَاَقَمْتُمْ حُدُودَهُ وَنَشَرْتُمْ شَرايِعَ اَحْكامِهِ وَسَنَنْتُمْ سُنَّتَهُ وَصِرْتُمْ

خواندن او و بیان کردید واجبات او و برپای داشتید حدود او و پهن کردید مسایل احکام او و ظاهر کردید راه او

فِي ذلِكَ مِنْهُ اِلَى الرِّضا وَسَلَّمْتُمْ لَهُ الْقَضاءَ وَصَدَّقْتُمْ مِنْ رُسُلِهِ مَنْ مَضى فَالرّاغِبُ عَنْكُمْ

در این از او بخوشنودی و گردید برای او قضا را و باور داشتید پیغمبران او آنکه گذشته پس رغبت کرده

مارِقٌ وَاللّازِمُ لَكُمْ لاحِقٌ وَالْمُقَصِّرُ فِي حَقِّكُمْ زاهِقٌ وَالْحَقُّ مَعَكُمْ وَفِيكُمْ وَمِنْكُمْ وَاِلَيْكُمْ

از دین بدر رفته و لازم بر شما رسنده و کوتاهی در حق شما هلاک و حق با شما و در شما و از شما و بسوی شما

وَاَنْتُمْ اَهْلُهُ وَمَعْدِنُهُ وَمِيراثُ النُّبُوَّةِ عِنْدَكُمْ وَاِيابُ الْخَلْقِ اِلَيْكُمْ وَحِسابُهُمْ عَلَيْكُمْ وَفَصْلُ

و شما سزاوار او و معدن او و میراث پیغمبری نزد شماست و بازگشت خلق بسوی شما و حساب ایشان بر شما و جدا کننده

الْخِطابِ عِنْدَكُمْ وَآياتُ اللهِ لَدَيْكُمْ وَعَزائِمُهُ فِيكُمْ وَنُورُهُ وَبُرْهانُهُ عِنْدَكُمْ وَاَمْرُهُ اِلَيْكُمْ

حق از باطل نزد شماست و آیتهای خدا نزد شماست و امور لازمه در شما و نور او و حجت او نزد شما و امر او بسوی شما

مَنْ والاكُمْ فَقَدْ والَى اللهَ وَمَنْ عاداكُمْ فَقَدْ عادَ اللهَ وَمَنْ اَحَبَّكُمْ فَقَدْ اَحَبَّ اللهَ وَمَنْ اَبْغَضَكُمْ

هر که دوست دارد شما را پس دوست دارد خدا را و هر که دشمن دارد شما را پس دشمن دارد خدا را و هر که دوست دارد شما را دوست دارد خدا را و هر که خشم گرد شما را

فَقَدْ اَبْغَضَ اللهَ وَمَنِ اعْتَصَمَ بِكُمْ فَقَدِ اعْتَصَمَ بِاللهِ اَنْتُمُ السَّبِيلُ الْاَعْظَمُ وَالصِّراطُ

پس خشم کرده خدا را و هر که چنگ زد بشما پس چنگ زده بخدا شمائید راه بزرگ و راه

الْاَقْوَمُ وَشُهَداءُ دارِ الْفَناءِ وَشُفَعاءُ دارِ الْبَقاءِ وَالرَّحْمَةُ الْمَوْصُولَةُ وَالْآيَةُ الْمَخْزُونَةُ

راست و گواهان سرای نیستی شفیعان سرای باقی و رحمت پیوسته و نشانه پنهان داشته

وَالْاَمانَةُ الْمَحْفُوظَةُ وَالْبابُ الْمُبْتَلى بِهِ النّاسُ مَنْ اَتاكُمْ فَقَدْ نَجى وَمَنْ لَمْ يَاْتِكُمْ فَقَدْ هَلَكَ

و امانت نگاه داشته و درگاه آزموده با و مردمان هر که نزد شما آمد پس نجات یافته و هر که نیامد شما را پس هلاک شد

اِلَى اللهِ تَدْعُونَ وَعَلَيْهِ تَدُلُّونَ وَبِهِ تُؤْمِنُونَ وَلَهُ تُسَلِّمُونَ وَبِاَمْرِهِ تَعْمَلُونَ وَاِلى سَبِيلِهِ

بسوی خدا میخوانید و بر او راه مینمائید و باو میگروید و مر او را گردن نهید و بامر او کار کنید و بسوی راه او

تُرْشِدُونَ وَبِقَوْلِهِ تَحْكُمُونَ سَعِدَ وَاللهِ مَنْ والاكُمْ وَهَلَكَ مَنْ عاداكُمْ وَخابَ مَنْ جَحَدَكُمْ

راه نمائید و بگفتار او حکم کنید نیکبخت است بخدا هر که دوست شما را و هلاک شد هر که دشمنی کرد شما

وَضَلَّ مَنْ فَارَقَكُمْ وَفَازَ مَنْ تَمَسَّكَ بِكُمْ وَأَمِنَ مَنْ لَجَأَ إِلَيْكُمْ وَسَلِمَ مَنْ صَدَّقَكُمْ وَهُدِيَ

و گمراه شد هر که جدا نمود از شما و فیروزی یافت هر که چنگ زد بشما و ایمن شد هر که پناه برد بسوی شما و سلامت ماند هر که تصدیق نمود شما را و راه

مَنِ اعْتَصَمَ بِكُمْ مَنِ اتَّبَعَكُمْ فَالْجَنَّةُ مَأْوَاهُ وَمَنْ خَالَفَكُمْ فَالنَّارُ مَثْوَاهُ وَمَنْ جَحَدَكُمْ كَافِرٌ

یافته شد هر که چنگ زد بشما هر که پیروی کرد شما را پس بهشت جای اوست و هر که مخالفت کرد شما را پس آتش جای او و هر که انکار کرد شما را کافر

وَمَنْ حَارَبَكُمْ مُشْرِكٌ وَمَنْ رَدَّ عَلَيْكُمْ فِي أَسْفَلِ دَرْكٍ مِنَ الْجَحِيمِ أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا سَابِقٌ

و هر که جنگ نمود با شما مشرک است و هر که رد نمود بر شما در پائین درکات دوزخ است گواهی میدهم که این سبقت گرفته

لَكُمْ فِيمَا مَضَى وَجَارٍ لَكُمْ فِيمَا بَقِيَ وَأَنَّ أَرْوَاحَكُمْ وَنُورَكُمْ وَطِينَتَكُمْ وَاحِدَةٌ طَابَتْ وَطَهُرَتْ بَعْضُهَا

مر شما را در آنچه گذشته و جاری است مر شما را در آنچه باقی مانده و آنکه ارواح شما و نور شما و طینت شما یکیست پاک و پاکیزه است بعضی

مِنْ بَعْضٍ خَلَقَكُمُ اللَّهُ أَنْوَاراً فَجَعَلَكُمْ بِعَرْشِهِ مُحْدِقِينَ حَتَّى مَنَّ عَلَيْنَا بِكُمْ فَجَعَلَكُمْ فِي بُيُوتٍ

از بعضی بیافرید شما را خدا انوار پس گردانید شما را بعرش خود احاطه کننده تا منت نهد بر ما بشما پس گردانید شما را در خانها

أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَجَعَلَ صَلَوَاتِنَا عَلَيْكُمْ وَمَا خَصَّنَا بِهِ مِنْ وِلايَتِكُمْ

که دستوری داد که برافراشته شود و یاد کرده شود در او نام او و گردانید نماز ما را بر شما و آنچه مخصوص کرد ما را باو از دوستی شما

طِيباً لِخَلْقِنَا وَطَهَارَةً لِأَنْفُسِنَا وَتَزْكِيَةً لَنَا وَكَفَّارَةً لِذُنُوبِنَا فَكُنَّا عِنْدَهُ مُسَلِّمِينَ

پاک مر آفرینش ما و پاک مر نفسهای ما و پاکیزگی برای ما و کفاره مر گناه ما پس بودیم ما نزد او گردن نهادگان

بِفَضْلِكُمْ وَمَعْرُوفِينَ بِتَصْدِيقِنَا إِيَّاكُمْ فَبَلَغَ اللَّهُ بِكُمْ أَشْرَفَ مَحَلِّ الْمُكَرَّمِينَ وَأَعْلَى مَنَازِلِ

بکرم شما و شناسندگان بباور داشتن ما شما را پس رسانید خدا شما را بلندترین محلهای گرامیان و بلندترین منزلهای

الْمُقَرَّبِينَ وَأَرْفَعَ دَرَجَاتِ الْمُرْسَلِينَ حَيْثُ لا يَلْحَقُهُ لاحِقٌ وَلا يَفُوقُهُ فَائِقٌ وَلا يَسْبِقُهُ سَابِقٌ

نزدیکان و بلندترین مرتبهای فرستادگان در جائی که نرسد او را ملحق شونده و زیادتی نکند او را جوینده و پیشی نگیرد او را پیشی گیرنده

وَلا يَطْمَعُ فِي إِدْرَاكِهِ طَامِعٌ حَتَّى لا يَبْقَى مَلَكٌ وَلا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ وَلا صِدِّيقٌ وَلا شَهِيدٌ وَلا

و طمع نکند در دریافت او طمع کننده تا باقی نماند فرشته مقرب و نه پیغمبر فرستاده و نه راستگو و نه گواه و نه

عَالِمٌ وَلا جَاهِلٌ وَلا دَنِيٌّ وَلا فَاضِلٌ وَلا مُؤْمِنٌ صَالِحٌ وَلا فَاجِرٌ طَالِحٌ وَلا جَبَّارٌ عَنِيدٌ

دانا و نه نادان و نه دنی و نه فاضل و نه گرونده شایسته و نه گناه کننده بد و نه ستیزه

وَلا شَيْطَانٌ مَرِيدٌ وَلا خَلْقٌ فِيمَا بَيْنَ ذَلِكَ شَهِيدٌ إِلا عَرَّفَهُمْ جَلالَةَ أَمْرِكُمْ وَعِظَمَ خَطَرِكُمْ

و نه دیو رانده شده و نه آفریده در آنچه میان این گواه مگر شناسانید ایشان را بزرگی امر شما و بزرگی کار

وَكِبَرَ شَأْنِكُمْ وَتَمَامَ نُورِكُمْ وَصِدْقَ مَقَاعِدِكُمْ وَثَبَاتَ مَقَامِكُمْ وَشَرَفَ مَحَلِّكُمْ وَمَنْزِلَتِكُمْ

و بزرگی کار شما و تمامی نور شما و راستی نشستن شما و ثابت بودن مقام شما و بزرگی محل شما و منزلت شما

عِنْدَهُ وَكَرَامَتَكُمْ عَلَيْهِ وَخَاصَّتَكُمْ لَدَيْهِ وَقُرْبَ مَنْزِلَتِكُمْ مِنْهُ بِأَبِي أَنْتُمْ وَأُمِّي وَنَفْسِي وَ

نزد او و کرامت شما بر او و مخصوص بودن شما نزد او و نزدیکی منزلت شما از او پدرم فدای شما باد و مادرم و نفسم

أَهْلِي وَمَالِي وَأُسْرَتِي أُشْهِدُ اللَّهَ وَأُشْهِدُكُمْ أَنِّي مُؤْمِنٌ بِكُمْ وَبِمَا آمَنْتُمْ بِهِ كَافِرٌ بِعَدُوِّكُمْ

و اهلم و مالم و خویشانم و گواه میگیرم خدا را و گواه میگیرم شما را که من گرونده ام بشما و بآنچه گرویده اید کافرم بدشمن شما

وَبِمَا كَفَرْتُمْ بِهِ مُسْتَبْصِرٌ بِشَأْنِكُمْ وَبِضَلالَةِ مَنْ خَالَفَكُمْ مُوَالٍ لَكُمْ وَلِأَوْلِيَائِكُمْ مُبْغِضٌ

و بآنچه کافر شده اید بینایم بکار شما و بگمراهی هر که مخالفت کرد شما را دوستم مر شما را و مر دوستان شما را دشمنم

لاعدائكم ومعاد لهم سلم لمن سالمكم وحرب لمن حاربكم محقق لما حققتم مبطل لما

مر دشمنان شما را دشمنم و ... را صلحم با آنکه صلح است با شما و جنگم با آنکه جنگست با شما درکرده ام هر کرا تحقیق کرده اید هر چه

ابطلتم مطيع لكم عارف بحقكم مقر بفضلكم محتمل لعلمكم محتجب بذمتكم معترف

باطل کرده اید فرمان بردارم مر شما را شناسا بحق شما اقرار کننده بفضل شما بردبار تا بعلم شما پناه آورنده ام بامان شما شناسا

بكم مؤمن بايابكم مصدق برجعتكم منتظر لامركم مرتقب لدولتكم آخذ بقولكم

بشما گرونده ام برجعت شما باور دارنده رجعت شما انتظار برنده مر امر شما منتظرم دولت شما را فرا گیرنده ام گفتار شما

عامل بامركم مستجير بكم زائر لكم عائذ بكم لائذ بقبوركم مستشفع الى الله عز وجل

کننده ام بامر شما زنهار جوینده ام مر شما را زیارت کننده ام مر شما پناه برنده ام بقبور شما شفیع کرده ام بسوی خدا

بكم ومتقرب بكم اليه ومقدمكم امام طلبتي وحوائجي وارادتي في كل احوالي واموري

بشما و نزدیک جوینده ام بشما بسوی او و مقدم میدارم شما را در پیش مطلب خود و حوائج خود و ارادت خود در همه احوالم و امورم

مؤمن بسركم وعلانيتكم وشاهدكم وغائبكم واولكم وآخركم ومفوض في ذلك

گرونده ام بنهان و آشکار شما و حاضر شما و غایب شما و اول شما و آخر شما و واگذارم در این

كله اليكم ومسلم فيه معكم وقلبي لكم مسلم ورأيي لكم تبع ونصرتي لكم معدة حتى

همه بسوی شما و گردن نهنده ام با شما و دل من مر شما راست صلح است و رای من مر شما را پیرو و یاری من مر شما را آماده تا

يحيي الله تعالى دينه بكم ويردكم في ايامه ويظهركم لعدله ويمكنكم في ارضه فمعكم

زنده کند خدا تعالی دین او را بشما و بر گرداند شما را در روزگار او و ظاهر کند شما را مر عدل خود و تمکین دهد شما را در زمین خود پس با شما

معكم لا مع عدوكم آمنت بكم وتوليت آخركم بما توليت به اولكم وبرئت الى الله عز

با شما نه با دشمنان شما ایمان آوردم بشما و امامت قبول کردم آخر شما را بآنچه امامت قبول کردم اول شما را و بیزاری میجویم بسوی خدای عز

وجل من اعدائكم ومن الجبت والطاغوت والشياطين وحزبهم الظالمين لكم والجاحدين

و جل از دشمنان شما و از جبت و طاغوت و دیوان و گروه ایشان ستمکاران مر شما را و انکار کنندگان

لحقكم والمارقين من ولايتكم والغاصبين لارثكم والشاكين فيكم والمنحرفين عنكم

مر حق شما و بیرون روندگان از دوستی شما و غصب کنندگان میراث شما و شک کنندگان در شما و منحرف بودگان از شما

ومن كل وليجة دونكم وكل مطاع سواكم ومن الائمة الذين يدعون الى النار فثبتني

و از هر دوستی غیر شما و هر فرمان برده غیر شما و از پیشوایان که میخوانند بسوی آتش پس ثابت دارد

الله ابدا ما حييت على موالاتكم ومحبتكم ودينكم ووفقني لطاعتكم ورزقني شفاعتكم

مرا خدا همیشه تا مادام زنده ام بر دوستی شما و محبت شما و دین شما و توفیق دهد مرا بر طاعت شما و روزی دهد مرا شفاعت شما

وجعلني من خيار مواليكم التابعين لما دعوتم اليه وجعلني ممن يقتص آثاركم ويسلك

و بگرداند مرا از برگزیدگان دوستان شما که تابعند مر آنچه خواندید بسوی او و بگرداند مرا از آنکه پیروی کند آثار شما را و برود

سبيلكم ويهتدي بهداكم ويحشر في زمرتكم ويكر في رجعتكم ويملك في دولتكم ويشرف

براه شما و هدایت یابد براه شما و محشور شود در گروه شما و برگردد در بازگشت شما و تمکین یابد در روزگار شما

في عافيتكم ويمكن في ايامكم وتقر عينه غدا برؤيتكم بابي انتم وامي ونفسي واهلي

در عافیت شما و تمکین یابد در روزگار شما و روشن شود دیده او فردا بدیدار شما پدرم و مادرم فدای شما باد و نفسم و اهلم

وَمالی مَنْ اَرادَ اللهَ بَدَءَ بِکُمْ وَمَنْ وَحَّدَهُ قَبِلَ عَنْکُمْ وَمَنْ قَصَدَهُ تَوَجَّهَ بِکُمْ مَوالِیَّ لا اُحْصی

ثَناءَکُمْ وَلا اَبْلُغُ مِنَ الْمَدْحِ کُنْهَکُمْ وَمِنَ الْوَصْفِ قَدْرَکُمْ وَاَنْتُمْ نُورُ الْاَخْیارِ وَهُداةُ الْاَبْرارِ

وَحُجَجُ الْجَبّارِ بِکُمْ فَتَحَ اللهُ وَبِکُمْ یَخْتِمُ وَبِکُمْ یُنَزِّلُ الْغَیْثَ وَبِکُمْ یُمْسِکُ السَّماءَ اَنْ تَقَعَ عَلَی

الْاَرْضِ اِلّا بِاِذْنِهِ وَبِکُمْ یُنَفِّسُ الْهَمَّ وَبِکُمْ یَکْشِفُ الضُّرَّ وَعِنْدَکُمْ ما نَزَلَتْ بِهِ رُسُلُهُ وَ

هَبَطَتْ بِهِ مَلائِکَتُهُ وَاِلی جَدِّکُمْ بُعِثَ الرُّوحُ الْاَمینُ واگر زیارت حضرت امیر باشد بجای وَاِلی جَدِّکُمْ

بُعِثَ الرُّوحُ الْاَمینُ بگو وَاِلی اَخیکَ بُعِثَ الرُّوحُ الْاَمینُ پس آتاکُمُ اللهُ ما لَمْ یُؤْتِ

اَحَداً مِنَ الْعالَمینَ طَأْطَأَ کُلُّ شَریفٍ لِشَرَفِکُمْ وَبَخَعَ کُلُّ مُتَکَبِّرٍ لِطاعَتِکُمْ وَخَضَعَ کُلُّ

جَبّارٍ لِفَضْلِکُمْ وَذَلَّ کُلُّ شَیْءٍ لَکُمْ وَاَشْرَقَتِ الْاَرْضُ بِنُورِکُمْ وَفازَ الْفائِزُونَ بِوِلایَتِکُمْ

بِکُمْ یُسْلَکُ اِلَی الرِّضْوانِ وَعَلی مَنْ جَحَدَ وِلایَتَکُمْ غَضَبُ الرَّحْمنِ بِاَبی اَنْتُمْ وَاُمّی وَنَفْسی

وَاَهْلی وَمالی ذِکْرُکُمْ فِی الذّاکِرینَ وَاَسْماؤُکُمْ فِی الْاَسْماءِ وَاَجْسادُکُمْ فِی الْاَجْسادِ وَاَرْواحُکُمْ

فِی الْاَرْواحِ وَاَنْفُسُکُمْ فِی النُّفُوسِ وَآثارُکُمْ فِی الْآثارِ وَقُبُورُکُمْ فِی الْقُبُورِ فَما اَحْلی اَسْماءَکُمْ

وَاَکْرَمَ اَنْفُسَکُمْ وَاَعْظَمَ شَأْنَکُمْ وَاَجَلَّ خَطَرَکُمْ وَاَوْفی عَهْدَکُمْ وَاَصْدَقَ وَعْدَکُمْ کَلامُکُمْ

نُورٌ وَاَمْرُکُمْ رُشْدٌ وَوَصِیَّتُکُمُ التَّقْوی وَفِعْلُکُمُ الْخَیْرُ وَعادَتُکُمُ الْاِحْسانُ وَسَجِیَّتُکُمُ

الْکَرَمُ وَشَأْنُکُمُ الْحَقُّ وَالصِّدْقُ وَالرِّفْقُ وَقَوْلُکُمْ حُکْمٌ وَحَتْمٌ وَرَأْیُکُمْ عِلْمٌ وَحِلْمٌ وَحَزْمٌ

اِنْ ذُکِرَ الْخَیْرُ کُنْتُمْ اَوَّلَهُ وَاَصْلَهُ وَفَرْعَهُ وَمَعْدِنَهُ وَمَأْواهُ وَمُنْتَهاهُ بِاَبی اَنْتُمْ وَاُمّی وَنَفْسی

کَیْفَ اَصِفُ حُسْنَ ثَنائِکُمْ وَاُحْصی جَمیلَ بَلائِکُمْ وَبِکُمْ اَخْرَجَنَا اللهُ مِنَ الذُّلِّ وَفَرَّجَ عَنّا غَمَراتِ

الکروب وانقذنا بکم من شفا جرف الهلکات ومن النار بابی انتم وامی ونفسی
بموالاتکم علّمنا الله معالم دیننا واصلح ما کان فسد من دنیانا وبموالاتکم تمّت
الکلمة وعظمت النعمة وائتلفت الفرقة وبموالاتکم تقبل الطاعة المفترضة ولکم
المودّة الواجبة والدرجات الرفیعة والمقام المحمود والمکان المعلوم عند الله عزّ
وجلّ والجاه العظیم والشأن الکبیر والشفاعة المقبولة ربّنا آمنّا بما انزلت واتّبعنا
الرسول فاکتبنا مع الشاهدین ربّنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا وهب لنا من لدنک
رحمة انّک انت الوهّاب سبحان ربّنا ان کان وعد ربّنا لمفعولا یا ولیّ الله انّ بینی
وبین الله عزّ وجلّ ذنوبا لا یأتی علیها الّا رضاکم فبحقّ من ائتمنکم علی سرّه واسترعاکم
امر خلقه وقرن طاعتکم بطاعته لمّا استوهبتم ذنوبی وکنتم شفعائی فانّی لکم
مطیع من اطاعکم فقد اطاع الله ومن عصاکم فقد عصی الله ومن احبّکم فقد
احبّ الله ومن ابغضکم فقد ابغض الله اللّهمّ انّی لو وجدت شفعاء اقرب الیک
من محمّد واهل بیته الاخیار الائمّة الابرار لجعلتهم شفعائی فبحقّهم الّذی اوجبت لهم
علیک اسئلک ان تدخلنی فی جملة العارفین بهم وبحقّهم وفی زمرة المرحومین بشفاعتهم
انّک ارحم الراحمین وصلّی الله علی محمّد وآله الطاهرین وسلّم تسلیما کثیرا وحسبنا الله
ونعم الوکیل مؤلّف گوید که این زیارت کاملترین زیارات است از برای نزدیک و دور وچون منظور
عمده در این رساله زیارت بعیده است زیارت وداع را ذکر نکردیم وچون این زیارت
مشتمل بر مجملی از جمیع احادیثی که در مناقب ائمّه وارد شده است اگر در هر هفته بلکه در هر روز
این زیارت را بخوانند وتدبّر وتفکّر در معانی آن بکنند موافق آنچه فقیر ترجمه کرده ام و والد

مجلسی

مرحوم

مرحوم مفصلا شرح نموده برای کمال معرفت ایشان بسیار نافع خواهد بود و عمده ارکان ایمان
معرفت ایشانست و زیارت حضرت صاحب الامر ع بطرق بسیار منقول شده و در کتاب تحفة الزائر
ذکر کرده ام و در اینمقام زیارت مختصری با تجدید عهد امامت و ولایت آنحضرت ایراد مینمایم که امام
خود را پیوسته یاد نمایند و از برکات هدایات آنحضرت بهره‌مند گردند سید بن طاوس ره ذکر
کرده است که مستحبست که هر روز بعد از نماز اللّٰهُمَّ بَلِّغْ مَوْلایَ صاحِبَ الزَّمانِ صَلَواتُ
صبح حضرت صاحب الامر را چنین زیارت کنند
خدایا برسان آقای مرا صاحب روزگار رحمتهای
اللّٰهِ عَلَيْهِ عَنْ جَميعِ الْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِناتِ في مَشارِقِ الْأَرْضِ وَمَغارِبِها وَبَرِّها
خدا براو باد از همه مردان گرونده وزنان گرونده در مشرقهای زمین ومغربها او وبیابان او
وَبَحْرِها وَسَهْلِها وَجَبَلِها حَيِّهِمْ وَمَيِّتِهِمْ وَعَنْ والِدَيَّ وَوُلْدي وَعَنّي مِنَ الصَّلَواتِ
ودریای او وهموار او وکوه او زنده ایشان ومرده ایشان واز پدر ومادر من وفرزند من واز من از رحمت
وَالتَّحِيّاتِ زِنَةَ عَرْشِ اللّٰهِ وَمِدادَ كَلِماتِهِ وَمُنْتَهىٰ رِضاهُ وَعَدَدَ ما أَحْصاهُ
ودرودها همسنگ عرش خدا وشماره سخنان او ومنتهای خشنودی او وشماره آنچه شمرده اورا
كِتابُهُ وَأَحاطَ بِهِ عِلْمُهُ اللّٰهُمَّ أُجَدِّدُ لَهُ في هٰذَا الْيَوْمِ وَفي كُلِّ يَوْمٍ عَهْداً
کتاب او وفرا گرفته باو دانش او خداوندا تازه میکنم برای او در این روز و در هر روز عهد
وَعَقْداً وَبَيْعَةً لَهُ في رَقَبَتي اللّٰهُمَّ كَما شَرَّفْتَني بِهٰذَا التَّشْريفِ وَفَضَّلْتَني
وعقدی وبیعتی مراورا در ازاد گردن من خداوندا چنانچه مشرف کردی مرا باین تشریف وزیادتی دادی مرا
بِهٰذِهِ الْفَضيلَةِ وَخَصَصْتَني بِهٰذِهِ النِّعْمَةِ فَصَلِّ عَلىٰ مَوْلايَ وَسَيِّدي صاحِبِ
باین فضیلت ومخصوص کردی مرا باین نعمت پس رحمت فرست بر آقای من وسید من صاحب
الزَّمانِ وَاجْعَلْني مِنْ أَنْصارِهِ وَأَشْياعِهِ وَالذّابّينَ عَنْهُ وَاجْعَلْني مِنَ الْمُسْتَشْهَدينَ
زمانه وبگردان مرا از یاوران او وپیروان او ودفع کننده از او وبگردان مرا از آنانکه حاضر شده
بَيْنَ يَدَيْهِ طائِعاً غَيْرَ مُكْرَهٍ فِي الصَّفِّ الَّذي نَعَتَّ أَهْلَهُ في كِتابِكَ فَقُلْتَ صَفّاً
در پیش او فرمانبردار نه کرده در صف که وصف کرده اهل اورا در کتاب تو پس گفته صف
كَأَنَّهُمْ بُنْيانٌ مَرْصُوصٌ عَلىٰ طاعَتِكَ وَطاعَةِ رَسُولِكَ وَآلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلامُ اللّٰهُمَّ
همانا ایشان بنیانی اند استوار بر فرمانبرداری تو وفرمانبرداری رسول تو وآل او برایشان باد درود خداوندا
هٰذِهِ بَيْعَةٌ لَهُ في عُنُقي إِلىٰ يَوْمِ الْقِيامَةِ و بسند معتبر از حضرت صادق ع منقولست
این پیمانیست مراورا در گردنم تا روز رستخیز که هر که چهل صباح این عهد نامه را بخواند از یاوران
قائم ما باشد و اگر پیش از ظهور آنحضرت بمیرد خدا او را از قبر بیرون آورد که در خدمت آنحضرت
باشد و حق تعالی بهر کلمه هزار حسنه او را کرامت فرماید و هزار گناه از او محو کند و آن عهد اینست
اللّٰهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظيمِ وَرَبَّ الْكُرْسِيِّ الرَّفيعِ وَرَبَّ الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ وَمُنْزِلَ التَّوْراةِ
خداوندا پروردگار نور بزرگ وپروردگار کرسی بارفعت وپروردگار دریاهای مملو وفرستنده توریت
وَالْإِنْجيلِ وَالزَّبُورِ وَرَبَّ الظِّلِّ وَالْحَرُورِ وَمُنْزِلَ الْقُرْآنِ الْعَظيمِ وَرَبَّ
وانجیل وزبور وپروردگار سایه وباد گرم وفرستنده قرآن بزرگ وپروردگار

الْمَلٰئِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَالْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَبِنُورِ
فرشتگان نزدیکان و پیغمبران و فرستادگان خداوندا بدرستیکه میخوانم ترا بذات بزرگوار تو و بروشنائی
وَجْهِكَ الْمُنِيرِ وَمُلْكِكَ الْقَدِيمِ يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ بِهِ
ذات تو روشن و بپادشاهی دیرینه تو ای زنده ای پاینده میخوانم ترا بنام تو که شکافته اند
السَّمٰوَاتُ وَالْأَرَضُونَ وَبِاسْمِكَ الَّذِي يَصْلُحُ بِهِ الْأَوَّلُونَ وَالْآخِرُونَ يَا حَيُّ قَبْلَ
آسمانها و زمینها و بنام تو که صالح شده اند باو پیشینیان و پسینیان ای زنده پیش
كُلِّ حَيٍّ وَيَا حَيُّ بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ وَيَا حَيُّ حِينَ لَا حَيَّ يَا مُحْيِيَ الْمَوْتٰى وَمُمِيتَ الْأَحْيَاءِ يَا حَيُّ
از هر زنده و ای زنده بعد از هر زنده و ای زنده هنگامیکه نیست زنده ای زنده کننده مردها و ای میراننده زندها ای زنده
لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ اللّٰهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا الْإِمَامَ الْهَادِيَ الْمَهْدِيَّ الْقَائِمَ بِأَمْرِكَ صَلَوَاتُ اللّٰهِ
که نیست خدائی مگر تو خداوندا برسان آقای ما را پیشوای هدایت راه یافته ایستاده بامر تو رحمتهای خدا
عَلَيْهِ وَعَلٰى آبَائِهِ الطَّاهِرِينَ عَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا
براو و بر پدران او که پاکانند از همه مردان گروندگان و زنان گروندگان در مشرقهای زمین و مغربهای او
سَهْلِهَا وَجَبَلِهَا وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا وَعَنِّي وَعَنْ وَالِدَيَّ وَوَلَدِي وَإِخْوَانِي مِنَ الصَّلَوَاتِ
هموار او و کوه او و بیابان او و دریای او و از من و از پدر و مادر من و فرزندم و برادرانم از نماز
زِنَةَ عَرْشِ اللّٰهِ وَمِدَادَ كَلِمَاتِهِ وَمَا أَحْصَاهُ عِلْمُهُ وَأَحَاطَ بِهِ كِتَابُهُ اللّٰهُمَّ إِنِّي أُجَدِّدُ لَهُ
همسنگ عرش خدا و شماره سخنان او و آنچه شمرده او را علم او و فرا گرفته او را کتاب او خداوندا بدرستیکه من
فِي صَبِيحَةِ يَوْمِي هٰذَا وَمَا عِشْتُ مِنْ أَيَّامِي عَهْداً وَعَقْداً وَبَيْعَةً لَهُ فِي عُنُقِي لَا أَحُولُ
تازه میکنم براو در صبح روز خود امروز و آنچه زندگی کنم از روزهای خود عهدی و عقدی و بیعتی مر او را در گردنم برنگردم
عَنْهَا وَلَا أَزُولُ أَبَداً اللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَالذَّابِّينَ عَنْهُ وَالْمُسَارِعِينَ
از آن و زایل نشوم هرگز خداوندا بگردان مرا از یاوران او و یاوران او و دفع کنندگان از او و شتابندگان
إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ وَالْمُمْتَثِلِينَ لِأَوَامِرِهِ وَالْمُحَامِينَ عَنْهُ وَالسَّابِقِينَ إِلٰى إِرَادَتِهِ
بسوی او در برآوردن حاجت او و گردن نهادگان مر فرمان او و منع کنندگان از او و پیشی گیرندگان بسوی اراده او
وَالْمُسْتَشْهَدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ اللّٰهُمَّ إِنْ حَالَ بَيْنِي وَبَيْنَهُ الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلٰى عِبَادِكَ
و حاضر گردانیده شدگان پیش از او خداوندا اگر حایل شود میان من و میان او مرگ که گردانیدی او را بر بندگان تو
حَتْماً فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِي مُؤْتَزِراً كَفَنِي شَاهِراً سَيْفِي مُجَرِّداً قَنَاتِي مُلَبِّياً دَعْوَةَ الدَّاعِي
لازم پس بیرون آور مرا از قبر من ازار کرده کفن خود غلاف کشیده شمشیر خود برهنه نیزه خود دعای خواننده
فِي الْحَاضِرِ وَالْبَادِي اللّٰهُمَّ أَرِنِي الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ وَالْغُرَّةَ الْحَمِيدَةَ وَاكْحُلْ نَاظِرِي بِنَظْرَةٍ
در شهر و بادیه نشین خداوندا بنما مرا دیدار شایسته و روشنائی ستوده و سرمه کش دیده مرا بنگریستن
مِنِّي إِلَيْهِ وَعَجِّلْ فَرَجَهُ وَسَهِّلْ مَخْرَجَهُ وَأَوْسِعْ مَنْهَجَهُ وَاسْلُكْ بِي مَحَجَّتَهُ وَأَنْفِذْ
از من بسوی او بشتابان گشایش او و آسان کن بیرون آمدن او و گشاده کن بخشش او را و در آن کن راه راست او و روان کن
أَمْرَهُ وَاشْدُدْ أَزْرَهُ وَاعْمُرِ اللّٰهُمَّ بِهِ بِلَادَكَ وَأَحْيِ بِهِ عِبَادَكَ فَإِنَّكَ قُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ
فرمان او و سخت کن یار او و آباد کن خداوندا باو شهر خود و زنده دار باو بندگان خود را پس بدرستیکه تو گفته و گفتار تو

ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ اَيْدِي النَّاسِ فَاَظْهِرِ اللّٰهُمَّ لَنَا وَلِيَّكَ وَابْنَ بِنْتِ

آشکار شد تباهی در خشکی و دریا بآنچه کسب کرده دستهای مردمان پس ظاهر ساز خداوندا برای ما ولی خود و پسر دختر

نَبِيِّكَ الْمُسَمّٰى بِاسْمِ رَسُولِكَ حَتّٰى لَا يَظْفَرَ بِشَيْءٍ مِنَ الْبَاطِلِ اِلَّا مَزَّقَهُ وَيُحِقَّ الْحَقَّ وَيُحَقِّقَهُ

پیغمبر خود نامیده بنام پیغمبر تو تا اینکه نرسد بچیزی از باطل مگر زایل نماید او را و ثابت دارد حق را و محکم کند او را

وَاجْعَلْهُ اللّٰهُمَّ مَفْزَعًا لِلْمَظْلُومِ عِبَادِكَ وَنَاصِرًا لِمَنْ لَا يَجِدُ لَهُ نَاصِرًا غَيْرَكَ وَمُجَدِّدًا لِمَا

و بگردان او را خداوندا پناه ستمرسیده بندگان تو و مددکار مر آنکه نیابد مر او را مددکار غیر تو و تازه کننده آنچه

عُطِّلَ مِنْ اَحْكَامِ كِتَابِكَ وَمُشَيِّدًا لِمَا وَرَدَ مِنْ اَعْلَامِ دِينِكَ وَسُنَنِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللّٰهُ

وا گذاشته از احکام کتاب تو و بلند گرداننده مر آنچه وارد شده از نشانهای دین تو و طریقه پیغمبر تو رحمت فرستد

عَلَيْهِ وَاٰلِهِ وَاجْعَلْهُ اللّٰهُمَّ مِمَّنْ حَصَّنْتَهُ مِنْ بَاْسِ الْمُعْتَدِينَ اللّٰهُمَّ وَسُرَّ نَبِيَّكَ مُحَمَّدًا

براو و آل او و بگردان او را خداوندا از آنکه مخصوص کرده از شدت سرکشان خداوندا و شاد کن پیغمبر خود محمد

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ بِرُؤْيَتِهِ وَمَنْ تَبِعَهُ عَلٰى دَعْوَتِهِ وَارْحَمِ اسْتِكَانَتَنَا بَعْدَهُ اللّٰهُمَّ

رحمت فرستد خدا براو و آل او و بدیدار او و هر که پیروی کند او را بر خواندن او و رحم کن زاری ما را پس از او خداوندا

اكْشِفْ هٰذِهِ الْغُمَّةَ عَنِ الْاُمَّةِ بِحُضُورِهِ وَعَجِّلْ لَنَا ظُهُورَهُ اِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا وَنَرٰيهُ قَرِيبًا

زایل کن این غم را از امت بحضور او و شتاب کن برای ما ظهور او را بدرستیکه ایشان می‌بینند او را دور و ما می‌بینیم او را نزدیک

بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ پس سه مرتبه دست بر ران راست می‌زنی و در هر مرتبه میگوئی الْعَجَلَ الْعَجَلَ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ

برحمت خود ای رحم‌کننده‌ترین رحم‌کنندگان شتاب کن ای صاحب اختیار من ای صاحب زمان

و اما دعای ندبه که مشتملست بر عقاید حقه و تأسف بر غیبت آنحضرت قائم بسند معتبر از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که سنتست این دعا را در چهار عید بخوانند یعنی در روز جمعه و روز عید فطر و روز عید قربان و روز عید غدیر

الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ وَلَهُ الْحَمْدُ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى

سپاس مر خدایرا که نیست خدائی مگر او و مر او راست حمد پروردگار جهانیان و رحمت فرستد

اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلٰى مَا جَرٰى بِهِ قَضَاؤُكَ فِي

خدا بر محمد پیغمبر او و آل او و درود فرستد درود فرستادنی خداوندا مر تراست حمد بر آنچه جاری شد با او حکم تو در

اَوْلِيَائِكَ الَّذِينَ اسْتَخْلَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ وَدِينِكَ اِذِ اخْتَرْتَ لَهُمْ جَزِيلَ مَا عِنْدَكَ مِنَ النَّعِيمِ

دوستان تو که برگزیدی ایشان را برای تو و دین خود چون برگزیدی مر ایشان را بسیاری آنچه نزد تست از نعمت

الْمُقِيمِ الَّذِي لَا زَوَالَ لَهُ وَلَا اضْمِحْلَالَ بَعْدَ اَنْ شَرَطْتَ عَلَيْهِمُ الزُّهْدَ فِي دَرَجَاتِ هٰذِهِ

پاینده که نیست زوال مر او را و نه فنا بعد از آنکه شرط کردی برایشان زهد در مرتبهای این

الدُّنْيَا الدَّنِيَّةِ وَزُخْرُفِهَا وَزِبْرِجِهَا فَشَرَطُوا لَكَ ذٰلِكَ وَعَلِمْتَ مِنْهُمُ الْوَفَاءَ بِهِ فَقَبِلْتَهُمْ

دنیای پست و زینت و آرایش آن پس شرط کردند برای تو آنرا و دانستی از ایشان وفا پس پذیرفتی

وَقَرَّبْتَهُمْ وَقَدَّمْتَ لَهُمُ الذِّكْرَ الْعَلِيَّ وَالثَّنَاءَ الْجَلِيَّ وَاَهْبَطْتَ عَلَيْهِمْ مَلَائِكَتَكَ

و نزدیک کردی ایشان را و پیش داشتی ایشان را ذکر بلند و ستودن نیکو و فرود آوردی برایشان فرشتگان تو

وَكَرَّمْتَهُمْ بِوَحْيِكَ وَرَفَدْتَهُمْ بِعِلْمِكَ وَجَعَلْتَهُمُ الذَّرَائِعَ اِلَيْكَ وَالْوَسِيلَةَ اِلٰى

گرامی داشتی ایشان را بوحی تو و بخشش نمودی ایشان را بدانش خود و گردانیدی ایشان را وسیلها بسوی او و وسیله بسوی

رِضْوانِكَ فَبَعْضٌ اَسْكَنْتَهُ جَنَّتَكَ اِلىٰ اَنْ اَخْرَجْتَهُ مِنْها وَبَعْضٌ حَمَلْتَهُ فى فُلْكِكَ وَنَجَّيْتَهُ
خوشنودی تو پس بعضی را ساکن کردی اورا در بهشت خود تا اینکه بیرون آوری اورا از آن و برخی را بار کرده اورا در کشتی خود و رهانیدی اورا

وَمَنْ اٰمَنَ مَعَهُ مِنَ الْهَلَكَةِ بِرَحْمَتِكَ وَبَعْضٌ اتَّخَذْتَهُ لِنَفْسِكَ خَليلاً وَسَئَلَكَ لِسانَ
و هر که گروید با او از هلاکت برحمت تو و برخی را فراگرفتی اورا برای خود دوست و سؤال کرد ترا زبان

صِدْقٍ فِى الْاٰخِرينَ فَاَجَبْتَهُ وَجَعَلْتَ ذٰلِكَ عَلِيّاً وَبَعْضٌ كَلَّمْتَهُ مِنْ شَجَرَةٍ تَكْليماً وَ
راستی در پسینیان پس زنده داشتی اورا و گردانیدی اینرا بلند و برخی را سخن کردی اورا از درخت سخن کردنی و

جَعَلْتَ لَهُ مِنْ اَخيهِ رِدْءاً وَوَزيراً وَبَعْضٌ اَوْلَدْتَهُ مِنْ غَيْرِ اَبٍ وَاٰتَيْتَهُ الْبَيِّناتِ وَاَيَّدْتَهُ
و گردانیدی مراورا از برادر او رفیق و وزیر و برخیرا زائیدادی اورا از غیر پدر و دادی اورا معجزها و قوت دادی اورا

بِرُوحِ الْقُدُسِ وَكُلٌّ شَرَعْتَ لَهُ شَريعَةً وَنَهَجْتَ لَهُ مِنْهاجاً وَتَخَيَّرْتَ لَهُ اَوْلِياءَ مُسْتَحْفِظاً
بروح القدس و هر یکرا ظاهر ساختی مراورا شریعتی و آشکار نمودی مراورا طریقه و برگزیدی اورا وصیها محافظت کننده

بَعْدَ مُسْتَحْفِظٍ مِنْ مُدَّةٍ اِلىٰ مُدَّةٍ اِقامَةً لِدينِكَ وَحُجَّةً عَلىٰ عِبادِكَ وَلِئَلّا يَزُولَ الْحَقُّ عَنْ مَقَرِّهِ
بعد از محافظت کننده از مدتی تا مدتی بجهت برپا داشتن دین خود و حجت بر بندگان تو و تا زایل نشود حق از قرارگاه

وَيَغْلِبَ الْباطِلُ عَلىٰ اَهْلِهِ وَلا يَقُولَ اَحَدٌ لَوْلا اَرْسَلْتَ اِلَيْنا رَسُولاً مُنْذِراً وَاَقَمْتَ
و غالب گردد باطل بر اهل او و نگوید احدی چرا نفرستادی بسوی ما پیغمبری ترساننده و برپا داشتی

لَنا عَلَماً هادِياً فَنَتَّبِعَ اٰياتِكَ مِنْ قَبْلِ اَنْ نَذِلَّ وَنَخْزىٰ اِلىٰ اَنِ انْتَهَيْتَ بِالْاَمْرِ اِلىٰ حَبيبِكَ
برای ما رهنمایی تا پیروی کنیم آیتهای ترا پیش از آنکه ذلیل و خوار گردیم تا اینکه رسانیدی کار را بسوی دوست خود

وَنَجيبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ فَكانَ كَمَا انْتَجَبْتَهُ سَيِّدَ مَنْ خَلَقْتَهُ وَصَفْوَةَ مَنِ
و برگزیده تو محمد رحمت فرستد خدا براو و آل او پس بود چنانچه برگزیدی اورا بزرگ آنکه پدید آوردی اورا آنکه

اصْطَفَيْتَهُ وَاَفْضَلَ مَنِ اجْتَبَيْتَهُ وَاَكْرَمَ مَنِ اعْتَمَدْتَهُ قَدَّمْتَهُ عَلىٰ اَنْبِيائِكَ وَبَعَثْتَهُ
برگزیدی اورا و بهتر آنکه برگزیدی اورا و گرامی تر آنکه اعتماد کرده اورا پیش داشتی اورا بر پیغمبران خود و برگزیدی اورا

اِلَى الثَّقَلَيْنِ مِنْ عِبادِكَ وَاَوْطَأْتَهُ مَشارِقَكَ وَمَغارِبَكَ وَسَخَّرْتَ لَهُ الْبُراقَ وَ
بسوی جن و انس از بندگان تو و سیر فرمودی اورا در مشرقهای خود و مغربهای خود و رام کردی مراورا براق و

عَرَجْتَ بِرُوحِهِ اِلىٰ سَمائِكَ وَاَوْدَعْتَهُ عِلْمَ ما كانَ وَما يَكُونُ اِلَى انْقِضاءِ خَلْقِكَ ثُمَّ
بالا بردی روح اورا باسمان تو و سپردی اورا دانش آنچه بود و آنچه میشود تا منقضی شدن خلق تو

نَصَرْتَهُ بِالرُّعْبِ وَحَفَفْتَهُ بِجَبْرَئيلَ وَميكائيلَ وَالْمُسَوِّمينَ مِنْ مَلائِكَتِكَ وَوَعَدْتَهُ
یاری دادی اورا بترس و فرو گرفتی اورا بجبرئیل و میکائیل و علامت داران از فرشتگان تو و وعده کرده اورا

اَنْ تُظْهِرَ دينَهُ عَلَى الدّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ وَذٰلِكَ بَعْدَ اَنْ بَوَّأْتَهُ مُبَوَّأَ صِدْقٍ
که ظاهر سازی اورا بر دین همه او و اگر کراهت دارند مشرکان و این پس از آنکه جا دادی جای راستی

مِنْ اَهْلِهِ وَجَعَلْتَ لَهُ وَلَهُمْ اَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنّاسِ لَلَّذى بِبَكَّةَ مُبارَكاً وَهُدىً لِلْعالَمينَ
از اهل او و گردانیدی مراورا و مر ایشانرا اول خانه که بنا نهاده شد بر مردمان هر آینه در مکه است بابرکت و راهنما مر جهانیان

فيهِ اٰياتٌ بَيِّناتٌ مَقامُ اِبْراهيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كانَ اٰمِناً وَقُلْتَ اِنَّما يُريدُ اللّٰهُ لِيُذْهِبَ
در آن آیات روشن است محل ایستادن ابراهیم و هر که در آید اورا هست ایمن و گفته جز این نیست که میخواهد خدا که ببرد

عنكم الرجس اهل البيت و يطهركم تطهيرا و جعلت اجر محمد صلواتك عليه و اله
از شما پلیدی را اینجا نواده و پاک کند شما را پاک کردنی و کردانیدی مزد محمد را رحمتهای تو بر او و آل او

مودتهم في كتابك فقلت ما سئلتكم من اجر فهو لكم و قلت ما اسئلكم عليه من اجر
دوستی ایشان در کتاب تو پس گفته آنچه میخواهم از شما از مزد پس او مر شما را و گفته نمیخواهم از شما بر او هیچ مزد

الا من شاء ان يتخذ الى ربه سبيلا فكانوا هم السبيل اليك و المسلك الى رضوانك
مگر آنکه خواهد که فراگیرد بسوی پروردگار خود راهی پس بودند ایشان راه بسوی تو و طریق سلوک بسوی خوشنودی تو

فلما انقضت ايامه اقام وليه علي بن ابيطالب صلواتك عليهما و على الهما هاديا
پس چون رسید روزگار او نصب کرد دوست خود علی پسر ابیطالب رحمتهای تو بر ایشان و بر آل ایشان راهنما

اذ كان هو المنذر و لكل قوم هاد فقال و الملاء امامه من كنت مولاه فعلي مولاه
چه او بود او بیم نماینده و مر هر گروهی راهنما پس گفت و حال آنکه بزرگان عرب در پیش او بودند هر که هستم آقای او

اللهم وال من والاه و عاد من عاداه و انصر من نصره و اخذل من خذله و قال من كنت
دوست خداوندا هر که دوست دارد و دشمن دار هر که دشمن دارد او را و یاری ده هر که یاری کند او را و خار کن هر که خار کند او را و گفت هر که هستم

انا نبيه فعلي اميره و قال انا و علي من شجرة واحدة و سائر الناس من شجر شتى و احله محل
من پیغمبر او پس علی پادشاه اوست و گفت من و علی از یک درختیم و سایر مردمان از درخت پراکنده اند و فرود آورد او را

هرون من موسى فقال له انت مني بمنزلة هرون من موسى الا انه لا نبي بعدي و زوجه
بجای هرون از موسی پس گفت مر او را تو از منی بمنزله هرون از موسی مگر آنکه نیست پیغمبری بعد از من و زن داد

ابنته سيدة نساء العالمين و احل له من مسجده ما حل له و سد الابواب الا بابه ثم
دختر او بزرگ زنان جهانیان و فرود آورد مر او را از مسجد او را آنچه حلال بود مر او را و بست درها را مگر در خانه او پس

اودعه علمه و حكمته فقال انا مدينة العلم و علي بابها فمن اراد الحكمة فلياتها من بابها
سپرد او را علم خود و حکمت خود پس گفت من شهر علمم و علی در اوست پس هر که خواهد حکمت را پس آید او را از در او

ثم قال له انت اخي و وصيي و وارثي لحمك من لحمي و دمك من دمي و سلمك سلمي و حربك
پس گفت مر او را تو برادر منی و وصی منی و وارث منی گوشت تو از گوشت منست و خون تو خون من و صلح تو صلح من و جنگ تو

حربي و الايمان مخالط لحمك و دمك كما خالط لحمي و دمي و انت غدا على الحوض خليفتي و انت
جنگ من و ایمان آمیخته است گوشت تو و خون تو چنانچه آمیخته گوشت من و خونم و تو فردا بر حوض خلیفه منی و تو

تقضي ديني و تنجز عداتي و شيعتك على منابر من نور مبيضة وجوههم حولي في الجنة
ادا کنی دین مرا و روا سازی وعده مرا و شیعه تو بر منبرها از نور روشنند روهای ایشان گرد من در بهشت

و هم جيراني و لولا انت يا علي لم يعرف المؤمنون بعدي و كان بعده هدى من الضلال و نورا
و ایشان همسایه من و اگر نبودی تو ای علی شناخته نمیشدند مومنان بعد از من و بود بعد از او راهنما از گمراهی و نور

من العمى و حبل الله المتين و صراطه المستقيم لا يسبق بقرابة في رحم و لا بسابقة في دين
از کوری و ریسمان محکم خدا و راه راست پیشی گرفته او را در رحم و نه پیشی گیرنده در دین

و لا يلحق في منقبة من مناقبه يحذو حذو الرسول صلى الله عليهما و الهما و يقاتل على
و ملحق نسازد در فضیلتی از فضایل او قایمست در مقام رسول رحمت فرستد خدا بر ایشان و آل ایشان و مقاتله کند

قل لا اسئلكم عليه اجرا الا المودة في القربى و قلت ما سئلتكم

التأويل ولا تأخذه في الله لومة لائم قد وتر فيه صناديد العرب وقتل أبطالهم وناوش
ذؤبانهم فأودع قلوبهم أحقاداً بدرية وخيبرية وحنينية وغيرهن فأضبت على عداوته
وأكبت على منابذته حتى قتل الناكثين والقاسطين والمارقين ولما قضى نحبه وقتله
أشقى الأشقياء من الأولين والآخرين يتبع أشقى الأولين لم يمتثل أمر الرسول صلى
الله عليه وآله في الهادين بعد الهادين والأمة مصرة على مقته مجتمعة على قطيعة رحمه
وإقصاء ولده إلا القليل ممن وفى لرعاية الحق فيهم فقتل من قتل وسبي من سبي
وأقصي من أقصي وجرى القضاء لهم بما يرجى له حسن المثوبة إذ كانت الأرض لله
يورثها من يشاء من عباده والعاقبة للمتقين سبحان ربنا إن كان وعد ربنا لمفعولا
ولن يخلف الله وعده وهو العزيز الحكيم فعلى الأطائب من أهل بيت محمد وعلي صلى
الله عليهما وآلهما فليبك الباكون وإياهم فليندب النادبون ولمثلهم فلتذرف الدموع
وليصرخ الصارخون ويضج الضاجون ويعج العاجون أين الحسن وأين الحسين وأين أبناء
الحسين صالح بعد صالح وصادق بعد صادق أين السبيل بعد السبيل وأين الخيرة
بعد الخيرة وأين الشموس الطالعة أين الأقمار المنيرة أين الأنجم الزاهرة أين أعلام الدين
وقواعد العلم أين بقية الله التي لا تخلو من العترة الطاهرة وأين المعد لقطع دابر الظلمة
أين المنتظر لإقامة الأمت والعوج أين المرتجى لإزالة الجور والعدوان أين المدخر لتجديد
الفرائض والسنن أين المتخير لإعادة الملة والشريعة أين المؤمل لإحياء الكتاب وحدوده

أين محيي معالم الدين وأهله أين قاصم شوكة المعتدين أين هادم أبنية الشرك والنفاق
کجاست زنده کننده نشانهای دین واهل او کجاست شکننده شوکت از حد درگذرنده کجا خراب کننده بناهای شرک و دوروی

أين مبيد أهل الفسوق والعصيان أين حاصد فروع الغي والشقاق أين طامس آثار الزيغ
کجاست هلاک سازنده اهل بدکاران و نافرمانان کجاست قطع کننده شاخهای گمراهی و بدبختی کجاست محو کننده آثار

والأهواء أين قاطع حبائل الكذب والافتراء أين مبيد العتاة والمردة أين مستأصل
خواهشهای نفسانی کجاست برنده ریسمان دروغ و افترا کجاست ازحد درگذرندگان و درگذشته کجاست ریشه کن کننده

أهل العناد والتضليل والإلحاد أين معز الأولياء ومذل الأعداء أين جامع
ستیزه گران و گمراه نماینده کان و بیدینان کجاست عزیزکننده دوستان و خوارکننده دشمنان کجاست فراهم آورنده

الكلم على التقوى أين باب الله الذي منه يؤتى أين وجه الله الذي يتوجه إليه الأولياء
گفتار بر پرهیزکاری کجاست مقربین خدا که از آن اتیان کرد کجاست وجه خدا که بسوی او توجه میکنند دوستان

أين السبب المتصل بين أهل الأرض والسماء أين صاحب يوم الفتح وناشر راية الهدى
کجاست دست آویز پیوسته میان اهل زمین و آسمان کجاست صاحب اختیار روز فتح و برآرنده علم هدایت

أين مؤلف شمل الصلاح والرضا أين الطالب بذحول الأنبياء وأبناء الأنبياء
کجاست الفت دهنده پراکندگی شایسته و خوشنودی کجاست طلب کننده بخونهای پیغمبران و پسران پیغمبران

أين الطالب بدم المقتول بكربلا أين المنصور على من اعتدى عليه وافترى أين المضطر
کجاست طلب کننده بخون کشته شده کربلا کجاست یاری کرده شده بر آنکه زیادتی کند بر او و ببافد دروغ درمانده که اجابت کرد

الذي يجاب إذا دعى أين صدر الخلائق ذو البر والتقوى أين ابن النبي المصطفى وابن علي
شود چون بخواند خدا را کجاست پیشوای آفریدگان صاحب نیکی و پرهیزکاری کجاست پسر پیغمبر برگزیده و پسر علی

المرتضى وابن خديجة الغراء وابن فاطمة الزهراء الكبرى بأبي أنت وأمي ونفسي لك الوقاء
پسندیده و پسر خدیجه پیشانی سفید و فرزند فاطمه بزرگوار فدای تو باد پدر و مادرم و خودم مر ترا نگاهدارنده

والحمى يا ابن السادة المقربين يا ابن النجباء الأكرمين يا ابن الهداة المهتدين يا ابن الخيرة
و حمایت کننده ای فرزند بزرگ نزدیکان ای فرزند برگزیده بزرگواران ای فرزند راه نمایان راه یافتگان ای پسر برگزیده

المهذبين يا ابن الغطارفة الأنجبين يا ابن الخضارمة المنتجبين يا ابن القماقمة الأكرمين يا ابن
پاک گردیده ای پسر بزرگ بخشندگان ای پسر برگزیده ای پسر بهتر بزرگواران ای پسر

الأطائب المعظمين المطهرين يا ابن البدور المنيرة يا ابن السرج المضيئة يا ابن الشهب
پاکیزگان بزرگان پاکان ای پسر ماههای تمام روشن ای فرزند چراغهای روشن ای پسر کوکبان

الثاقبة يا ابن الأنجم الزاهرة يا ابن السبل الواضحة يا ابن الأعلام اللائحة يا ابن العلوم
رخشان ای پسر ستارهای درخشنده ای پسر راههای ظاهر ای پسر نشانهای مذکور ای پسر علوم

الكاملة يا ابن السنن المشهورة يا ابن المعالم المأثورة يا ابن المعجزات الموجودة يا ابن
کامل ای پسر طریقهای مشهور ای پسر نشانهای مذکور ای پسر معجزهای ثابت ای پسر

الدلائل المشهودة يا ابن الصراط المستقيم يا ابن النبأ العظيم يا ابن من هو في أم
دلیلهای گواهی ای پسر راه راست ای فرزند خبر بزرگ ای فرزند که او در ام

الكتاب لدى الله علي حكيم يابن الآيات والبينات يابن الدلائل الظاهرات يابن البراهين

الواضحات الباهرات يابن الحجج البالغات يابن النعم السابغات يابن طه والمحكمات يابن

يس والذاريات يابن الطور والعاديات يابن من دنى فتدلى فكان قاب قوسين او ادنى

دنوا واقترابا من العلي الاعلى ليت شعري اين استقرت بك النوى بل اي ارض

تقلك او ثرى أبرضوى او غيرها ام ذي طوى عزيز علي ان ارى الخلق ولا ترى ولا اسمع

لك حسيسا ولا نجوى عزيز علي ان لا تحيط بي دونك البلوى ولا ينالك مني ضجيج ولا

شكوى بنفسي انت من مغيب لم يخل منا بنفسي انت من نازح ما نزح عنا بنفسي انت امنية

شائق يتمنى من مؤمن ومؤمنة ذكرا فحنا بنفسي انت من عقيد عز لا يسامى بنفسي انت

من اثيل مجد لا يجارى بنفسي انت من تلاد نعم لا تضاهى بنفسي انت من نصيف شرف لا يساوى

الى متى احار فيك يا مولاي والى متى واي خطاب اصف فيك واي نجوى عزيز علي ان اجاب

دونك واناغى عزيز علي ان ابكيك ويخذلك الورى عزيز علي ان يجري عليك دونهم ما جرى

هل من معين فاطيل معه العويل والبكاء هل من جزوع فاساعد جزعه اذا خلا هل

قذيت عين فساعدتها عيني على القذى هل اليك يابن احمد سبيل فتلقى هل يتصل

يومنا منك بغده فنحظى متى نرد مناهلك الروية فنروى متى ننتقع من عذب مائك

فقد طال الصدى متى نغاديك ونراوحك فنقر عيونا متى ترانا ونريك وقد نشرت

لواء النصر ترى اترانا نحف بك وانت تام الملأ وقد ملأت الارض عدلا واذقت

اَعْداءَكَ هَواناً وَعِقاباً وَاَبِرِ العُتاةَ وَجَحَدَةَ الحَقِّ وَاقْطَعْ دابِرَ المُتَكَبِّرِينَ وَاجْتَثِثْ

دشمنان خود را خواری و عقوبت و هلاک کرده از حد درگذرندگان و منکران حق را و قطع کرده بنیاد گردن کشان را و برکن بیخ

اُصُولَ الظّالِمِينَ وَنَحْنُ نَقُولُ الحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ العالَمِينَ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ كَشّافُ الكُرَبِ وَالبَلْوىٰ

ریشه‌های ستمکاران را و ما میگوئیم درود پروردگار جهانیان را خداوندا توئی زایل کننده اندوه و بلیه

وَاِلَيْكَ اَسْتَعْدِي فَعِنْدَكَ العَدْوىٰ وَاَنْتَ رَبُّ الآخِرَةِ وَالاُولىٰ فَاَغِثْ يا غِياثَ المُسْتَغِيثِينَ

و بسوی تو یاری میجوئیم پس نزد تست یاری و توئی پروردگار آنجهان و اینجهان پس بفریاد رس ای فریاد رس فریاد طلبان

عُبَيْدَكَ المُبْتَلىٰ وَاَرِهِ سَيِّدَهُ يا شَدِيدَ القُوىٰ وَاَزِلْ عَنْهُ بِهِ الاَسىٰ وَالجَوىٰ وَبَرِّدْ غَلِيلَهُ يا مَنْ

بنده حقیر خود را که افتاده و بنما او را آقای او را ای سخت توانائی و از و برکت او حزن و اندوه را و سرد کن سوزش سینه او را

عَلَى العَرْشِ اسْتَوىٰ وَيا مَنْ اِلَيْهِ الرُّجْعىٰ وَالمُنْتَهىٰ اَللّٰهُمَّ وَنَحْنُ عَبِيدُكَ التّائِقُونَ اِلىٰ وَلِيِّكَ

ای آنکه بر عرش مستولی و آنکه بسوی اوست بازگشت و منتهی شدن خدایا و مائیم بندگان تو مشتاقان بسوی دوست تو

المُذَكِّرِ بِكَ وَبِنَبِيِّكَ خَلَقْتَهُ لَنا عِصْمَةً وَمَلاذاً وَاَقَمْتَهُ لَنا قِواماً وَمَعاذاً وَجَعَلْتَهُ

یاد آورنده بتو و پیغمبر تو آفریدی او را نگاهدارنده و ملجاء و برپا داشتی او را برای ما بسبب بقا و پناه و گردانیدی او را

لِلْمُؤْمِنِينَ مِنّا اِماماً فَبَلِّغْهُ مِنّا تَحِيَّةً وَسَلاماً وَزِدْنا بِذٰلِكَ يا رَبِّ اِكْراماً وَاجْعَلْ مُسْتَقَرَّهُ

گروندگان از ما پیشوا پس برسان او را از ما درود و سلام و افزون کن ما را بسبب آن ای پروردگار بخشش و بگردان آرامگاه او را

لَنا مُسْتَقَرّاً وَمُقاماً وَاَتْمِمْ نِعْمَتَكَ بِتَقْدِيمِكَ اِيّاهُ اَمامَنا حَتّىٰ تُورِدَنا جِنانَكَ وَ

برای ما آرامگاهی و اقامتگاهی و تمام کن نعمت خود را به پیش داشتن تو او را پیش پیش ما تا فرود آوری ما را در بهشتهای تو و

مُرافَقَةَ الشُّهَداءِ مِنْ خُلَصائِكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ حُجَّتِكَ وَوَلِيِّ اَمْرِكَ وَصَلِّ عَلىٰ جَدِّهِ

و برفاقت شهیدان از بندگان خالص تو خداوندا رحمت فرست بر حجت خود و ولی امر خود و رحمت فرست بر جد او

مُحَمَّدٍ رَسُولِكَ السَّيِّدِ الاَكْبَرِ وَصَلِّ عَلىٰ عَلِيٍّ اَبِيهِ السَّيِّدِ القَسْوَرِ وَحامِلِ اللِّواءِ فِي المَحْشَرِ

محمد رسول تو بزرگتر و مهتر و رحمت فرست بر علی پدر او بزرگ شیر مثال و بردارنده علم حمد در روز حشر

وَساقِي اَوْلِيائِهِ مِنْ نَهْرِ الكَوْثَرِ وَالاَمِيرِ عَلىٰ سائِرِ البَشَرِ الَّذِي مَنْ آمَنَ بِهِ فَقَدْ ظَفَرَ وَمَنْ لَمْ

و آب دهنده دوستان خود از نهر کوثر و پادشاه فرمان فرما بر سایر آدمیان و هر که گروید باو پس بتحقیق مشرف شد و هر که نگروید

يُؤْمِنْ بِهِ فَقَدْ خَطَرَ وَكَفَرَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَعَلىٰ اَخِيهِ وَعَلىٰ نَجْلِهِما المَيامِينِ الغُرَرِ

باو پس بتحقیق هلاکت رسید و کافر شد رحمت خدا بر او و بر برادرش و بر فرزندان ایشان برکت داده شده‌های سفید

ما طَلَعَتْ شَمْسٌ وَما اَضاءَ قَمَرٌ وَعَلىٰ جَدَّتِهِ الصِّدِّيقَةِ الكُبْرىٰ فاطِمَةَ الزَّهْراءِ بِنْتِ مُحَمَّدٍ

مادام که برآید آفتاب و روشنی ماه و بر جده او راستگوی بزرگتر فاطمه زهراء دختر محمد

المُصْطَفىٰ وَعَلىٰ مَنِ اصْطَفَيْتَ مِنْ آبائِهِ البَرَرَةِ وَعَلَيْهِ اَفْضَلَ وَاَكْمَلَ وَاَتَمَّ وَاَدْوَمَ وَاَكْثَرَ

برگزیده و برآنکه برگزیدی از پدران او نیکوان و بر او بهتر و کاملتر و تمامتر و پیوسته تر و بیشتر

وَاَوْفَرَ ما صَلَّيْتَ عَلىٰ اَحَدٍ مِنْ اَصْفِيائِكَ وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَصَلِّ عَلَيْهِ صَلاةً لا

و فراوان تر آنچه رحمت فرستاده تو بر یکی از برگزیدگان خود و اختیار کرده خود از خلق خود و رحمت فرست بر او رحمتها که

غايَةَ لِعَدَدِها وَلا نِهايَةَ لِمَدَدِها وَلا نَفادَ لِاَمَدِها اَللّٰهُمَّ وَاَقِمْ بِهِ الحَقَّ وَاَدْحِضْ بِهِ الباطِلَ وَاَدِلْ بِهِ

نباشد پایانی مر شمار او را و نه مدد او را و نه زایل شدنی مر مدد او را خدایا و بپای دار باو حق را و نابود کن بسبب او باطل را و غالب کن باو دوستان

وَاَذْلِلْ بِهِ اَعْدَاءَكَ وَصَلِّ اللّٰهُمَّ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ وُصْلَةً تُؤَدِّي اِلَى مُرَافَقَةِ سَلَفِهِ وَاجْعَلْنَا
و خوار کن بسبب او دشمنان خود را و رحمت فرست اخدایا میان ما و میان او پیوستگی که برساند ما را بسوی رفاقت پدران او و بگردان ما را
مِمَّنْ يَأْخُذُ بِحُجْزَتِهِمْ وَيَمْكُثُ فِي ظِلِّهِمْ وَاَعِنَّا عَلَى تَأْدِيَةِ حُقُوقِهِ اِلَيْهِ وَالْاِجْتِهَادِ فِي طَاعَتِهِ
از آنکه فرا گیرند دامان ایشان را و درنگ کند در سایه ایشان و مدد کن ما را بر رسانیدن حقوق او بسوی او و کوشش در فرمانبرداری
وَالْاِجْتِنَابِ عَنْ مَعْصِيَتِهِ وَامْنُنْ عَلَيْنَا بِرِضَاهُ وَهَبْ لَنَا رَأْفَتَهُ وَرَحْمَتَهُ وَدُعَاءَهُ
و دوری از نافرمانی او و منت گذار بر ما به خوشنودی او و ببخش ما را مهربانی او و رحمت او و دعای او
وَخَيْرَهُ مَا نَنَالُ بِهِ سَعَةً مِنْ رَحْمَتِكَ وَفَوْزًا عِنْدَكَ وَاجْعَلْ صَلٰوتَنَا بِهِ مَقْبُولَةً وَذُنُوبَنَا
و خیر او آنچه برسیم بآن گشادگی از رحمت تو و رستگاری نزد تو و بگردان نمازهای ما را برکت او پذیرفته و گناهان
بِهِ مَغْفُورَةً وَدُعَاءَنَا بِهِ مُسْتَجَابًا وَاجْعَلْ اَرْزَاقَنَا بِهِ مَبْسُوطَةً وَهُمُومَنَا بِهِ مَكْفِيَّةً
او آمرزیده شده و دعاهای ما باو مستجاب و بگردان روزیهای ما را باو پهن کرده شده و غمهای ما را باو رفع شده
وَحَوَائِجَنَا بِهِ مَقْضِيَّةً وَاَقْبِلْ اِلَيْنَا بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَاقْبَلْ تَقَرُّبَنَا اِلَيْكَ وَانْظُرْ
و حاجتهای ما باو برآورده شده و رو کن بسوی ما بذات بزرگوار تو و بپذیر نزدیکی ما را بنزد خود و بنگر
اِلَيْنَا نَظْرَةً رَحِيمَةً نَسْتَكْمِلُ بِهَا الْكَرَامَةَ عِنْدَكَ ثُمَّ لَا تَصْرِفْهَا عَنَّا بِجُودِكَ وَاسْقِنَا
بسوی ما نگریستن مهربانی که کامل کنیم بآن نوازش را نزد تو پس بر مگردان آن نظر را از ما ببخشش خود و آب ده ما را
مِنْ حَوْضِ جَدِّهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِكَأْسِهِ وَبِيَدِهِ رَيًّا رَوِيًّا هَنِيئًا سَائِغًا لَا ظَمَأَ
از حوض جد او رحمت خدا بر او و آل او بکاس جام او و بدست او سیرابی کامل دلگوارا خوش آینده نه تشنگی
بَعْدَهُ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ واما طریق صلوات فرستادن بر ایشان شیخ طوسی ره بسند معتبر روایت کرده است
بعد او ای بخشنده ترین بخشندگان
که عبد الله بن محمد گفت من سؤال کردم از حضرت امام حسن عسکری ع که املا
نماید بر من کیفیت صلوات فرستادن بر حضرت رسول و اوصیا آنحضرت را و با خود حاضر کرده بودم کاغذ
بزرگی پس بر من املا فرمود بی آنکه از کتابی املا کند باین نحو اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ
آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا حَمَلَ وَحْيَكَ وَبَلَّغَ رِسَالَاتِكَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا اَحَلَّ حَلَالَكَ وَ
و آل محمد چنانکه برداشت وحی ترا و رسانید پیغام ترا و رحمت فرست بر محمد و آل محمد چنانکه حلال کرد حلال ترا و
حَرَّمَ حَرَامَكَ وَعَلَّمَ كِتَابَكَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا اَقَامَ الصَّلٰوةَ وَآتَى الزَّكٰوةَ وَدَعَا
حرام کرد حرام ترا و آموزانید کتاب ترا و رحمت فرست بر محمد و آل محمد چنانکه بپا داشت نماز را و داد زکواة را و خواند
اِلَى دِينِكَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَدَّقَ بِوَعْدِكَ وَاَشْفَقَ مِنْ وَعِيدِكَ وَصَلِّ عَلَى
بسوی دین تو و رحمت فرست بر محمد و آل محمد چنانکه باور کرد وعده ترا و ترسید از وعید تو و رحمت فرست بر
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا غَفَرْتَ بِهِ الذُّنُوبَ وَسَتَرْتَ بِهِ الْعُيُوبَ وَفَرَّجْتَ بِهِ الْكُرُوبَ
محمد و آل محمد چنانکه آمرزیدی باو گناهان را و پوشانیدی بسبب او ناپسندها را و زایل کردی باو اندوهها را
وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا دَفَعْتَ بِهِ الشَّقَاءَ وَكَشَفْتَ بِهِ الْغَمَّاءَ وَاَجَبْتَ بِهِ الدُّعَاءَ
و رحمت فرست بر محمد و آل محمد چنانکه دفع کردی برکت او بدبختی را و زایل کردی باو اندوه را و اجابت کردی باو بوسیله دعا
وَنَجَّيْتَ بِهِ مِنَ الْبَلَاءِ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا رَحِمْتَ بِهِ الْعِبَادَ وَاَحْيَيْتَ بِهِ الْبِلَادَ وَقَصَمْتَ
و رهانیدی برکت او از بلا و رحمت فرست بر محمد و آل محمد چنانکه بخشیدی باو بندگان را و زنده کردی باو شهرها را و شکستی

بِهِ الجَبابِرَةَ وَاَهْلَكْتَ بِهِ الفَراعِنَةَ وَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَما اَضْعَفْتَ بِهِ الاَمْوالَ
بدو گردنکشان را و نیست کردی بدو از همه درکنندگان را و رحمت فرست بر محمد و آل محمد چنانکه فزون کردی بدو مالها را

وَحَذَّرْتَ بِهِ مِنَ الاَهْوالِ وَكَسَرْتَ بِهِ الاَصْنامَ وَرَحِمْتَ بِهِ الاَنامَ وَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ
و ترسانیدی بدو از شدائد و شکستی بدو بتهارا و بخشش نمودی بدو آدمیان را و رحمت فرست بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ كَما بَعَثْتَهُ بِخَيْرِ الاَدْيانِ وَاَعْزَزْتَ بِهِ الاِيمانَ وَتَبَّرْتَ بِهِ الاَوْثانَ وَعَظَّمْتَ
محمد چنانکه برانگیختی اورا به بهترین ملتها و غالب کردی بدو ملتها و برهم شکستی بدو بتهارا و بزرگ کردی

بِهِ البَيْتَ الحَرامَ وَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ الطّاهِرينَ الاَخْيارِ وَسَلِّمْ تَسْليماً اَللّهُمَّ
بدو خانه محترم را و رحمت فرست بر محمد و اهل خانواده او پاکیزگان نیکوان و درود فرست درود فرستادنی خدایا

صَلِّ عَلى اَميرِ المُؤْمِنينَ عَلِيِّ بْنِ اَبي طالِبٍ اَخي نَبِيِّكَ وَوَلِيِّهِ وَوَصِيِّهِ وَوَزيرِهِ
رحمت بر امیر المؤمنین علی پسر ابیطالب برادر پیغمبر و دوست و وصی او و وزیر او

وَمُسْتَوْدَعِ عِلْمِهِ وَمَوْضِعِ سِرِّهِ وَبابِ حِكْمَتِهِ وَالنّاطِقِ بِحُجَّتِهِ وَالدّاعي اِلى شَريعَتِهِ وَخَليفَتِهِ
و قرارگاه علم او و جایگاه راز او و در حکمت او و گویا بحجت او و خواننده بسوی شریعت او و جانشین او

فى اُمَّتِهِ وَمُفَرِّجِ الكَرْبِ عَنْ وَجْهِهِ قاصِمِ الكَفَرَةِ وَمُرْغِمِ الفَجَرَةِ وَالَّذى جَعَلْتَهُ مِنْ
در امت او و زداینده اندوهها از پیش روی او برکافران و خوارکننده نابکاران و آنکه گردانیدی او را

نَبِيِّكَ بِمَنْزِلَةِ هرُونَ مِنْ مُوسى اَللّهُمَّ والِ مَنْ والاهُ وَعادِ مَنْ عاداهُ وَانْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ
پیغمبر خود بمنزله هرون از موسی خداوندا دوست دار آنکه دوست دارد او را و دشمن دار آنکه دشمن دارد او را و یاری کن

وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ وَالْعَنْ مَنْ نَصَبَ لَهُ مِنَ الاَوَّلينَ وَالآخِرينَ وَصَلِّ عَلَيْهِ اَفْضَلَ
و خوار کن آنکه خوار کرد او را و لعنت کن آنکه دشمنی کرد او را از پیشینیان و پسینیان و رحمت فرست بر او بهتر

ما صَلَّيْتَ عَلى اَحَدٍ مِنْ اَوْصِياءِ اَنْبِيائِكَ يا رَبَّ العالَمينَ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَى الصِّدّيقَةِ فاطِمَةَ
آنچه رحمت فرستادی بر یکی از اوصیاء پیغمبران خود ای پروردگار جهانیان خداوندا رحمت فرست بر راستگوی فاطمه

الزَّكِيَّةِ حَبيبَةِ حَبيبِكَ وَنَبِيِّكَ وَاُمِّ اَحِبّائِكَ وَاَصْفِيائِكَ الَّتِى انْتَجَبْتَها وَفَضَّلْتَها
پاک دوست داشته شده دوست تو و پیغمبر تو و مادر دوستان تو و برگزیدگان تو که برگزیدی او را و زیادتی دادی او را

وَاخْتَرْتَها عَلى نِساءِ العالَمينَ اَللّهُمَّ كُنِ الطّالِبَ لَها مِمَّنْ ظَلَمَها وَاسْتَخَفَّ بِحَقِّها وَكُنِ الثّائِرَ
و اختیار کردی او را بر زنان جهانیان خداوندا باش طلب کننده برای او از آنکه ستم کرد او را و سبک شمرد حق او را و باش طلب کننده

اَللّهُمَّ بِدَمِ اَوْلادِها اَللّهُمَّ وَكَما جَعَلْتَها اُمَّ اَئِمَّةِ الهُدى وَحَليلَةَ صاحِبِ اللِّواءِ وَالكَرَمِ
خدایا بخون فرزندان او خداوندا و چنانکه گردانیدی او را مادر پیشوایان راه راست و زن صاحب علم و بزرگواری

عِنْدَ المَلَاءِ الاَعْلى فَصَلِّ عَلَيْها وَعَلى اُمِّها صَلوةً تُكْرِمُ بِها وَجْهَ اَبيها مُحَمَّدٍ صَلَّى
نزد بزرگان برتر پس رحمت فرست بر آن و بر مادر او رحمتی که گرامی داشتی آن روی پدر او را محمد رحمت

اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَتُقِرُّ بِها اَعْيُنَ ذُرِّيَّتِها وَاَبْلِغْهُمْ عَنّى فى هذِهِ السّاعَةِ اَفْضَلَ التَّحِيَّةِ وَ
خدا بر او و آل او و روشن کن بآن دیدهای فرزندان او را و برسان ایشان را از من در این ساعت بهترین درود

السَّلامِ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَى الحَسَنِ وَالحُسَيْنِ عَبْدَيْكَ وَوَلِيَّيْكَ وَابْنَيْ رَسُولِكَ وَسِبْطَيِ الرَّحْمَةِ وَ
و سلام خداوندا رحمت فرست بر حسن و حسین دو بنده تو و دو دوست تو و دو پسر رسول تو و دو بزرگ جوانان و

سَيِّدَيْ شَبابِ اَهْلِ الْجَنَّةِ اَفْضَلَ ما صَلَّيْتَ عَلى اَحَدٍ مِنْ اَوْلادِ النَّبِيّينَ وَالْمُرْسَلينَ
و آقای من و جوانان اهل بهشت بهتر آنچه رحمت فرستادی بر یکی از فرزندان پیغمبران و فرستادگان

اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ سَيِّدِ النَّبِيّينَ وَوَصِيِّ اَميرِ الْمُؤْمِنينَ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ
خداوندا رحمت فرست بر حسن پسر بزرگ پیغمبران و وصی پادشاه گروندگان درود بر تو ای پسر

رَسُولِ اللّهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ سَيِّدِ الْوَصِيّينَ اَشْهَدُ اَنَّكَ يَا بْنَ اَميرِ الْمُؤْمِنينَ اَمينُ اللّهِ
رسول خدا درود بر تو ای پسر بزرگ اوصیا گواهی میدهم که تو پسر پادشاه گروندگانی امین خدا

وَابْنُ اَمينِهِ عِشْتَ مَظْلُوماً وَمَضَيْتَ شَهيداً وَاَشْهَدُ اَنَّكَ الْاِمامُ الزَّكِيُّ الْهادِي الْمَهْدِيُّ
و پسر امین او زندگی ستم رسیده شده و گذشتی گواه و گواهی میدهم اینکه تو پیشوای پاک راه نما راه یافته

اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَبَلِّغْ رُوحَهُ وَجَسَدَهُ عَنّي في هذِهِ السّاعَةِ اَفْضَلَ التَّحِيَّةِ وَالسَّلامِ
خداوندا رحمت فرست براو و برسان روح او را و بدن او را از من در این ساعت بهتر درودی و سلام

اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ الْمَظْلُومِ الشَّهيدِ قَتيلِ الْكَفَرَةِ وَطَريحِ الْفَجَرَةِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ
خداوندا رحمت فرست بر حسین پسر علی ستم رسیده گواه شهید مقتول ناگروندگان و افکنده بدکاران و سلام بر تو

يا اَبا عَبْدِ اللّهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللّهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ اَميرِ الْمُؤْمِنينَ اَشْهَدُ
ای ابا عبدالله سلام بر تو ای پسر فرستاده خدا سلام بر تو ای پسر پادشاه گروندگان

مُوقِناً اَنَّكَ اَمينُ اللّهِ وَابْنُ اَمينِهِ قُتِلْتَ مَظْلُوماً وَمَضَيْتَ شَهيداً وَاَشْهَدُ اَنَّ اللّهَ تَعالى
گواهم یقین دارنده که تو معتمد خدا و فرزند معتمد اوئی کشته شده ستم رسیده و گذشتی شهادت یافته و گواهی میدهم اینکه خدای تعالی

اَلطّالِبُ بِثارِكَ وَمُنْجِزٌ ما وَعَدَكَ مِنَ النَّصْرِ وَالتَّاْييدِ في هَلاكِ عَدُوِّكَ وَاِظْهارِ دَعْوَتِكَ
طلب کننده خون تو است و رواکننده آنچه وعده کرده ترا از یاری و قوت در هلاک نمودن دشمن تو و ظاهر ساختن دعوت تو

وَاَشْهَدُ اَنَّكَ وَفَيْتَ بِعَهْدِ اللّهِ وَجاهَدْتَ في سَبيلِ اللّهِ وَعَبَدْتَ اللّهَ مُخْلِصاً حَتّى اَتيكَ الْيَقينُ
و گواهی میدهم که تو وفا کردی به پیمان خدا و کارزار در راه خدا و پرستیدی خدارا خالص تا آنکه آمد ترا مرگ

لَعَنَ اللّهُ اُمَّةً قَتَلَتْكَ وَلَعَنَ اللّهُ اُمَّةً خَذَلَتْكَ وَلَعَنَ اللّهُ اُمَّةً اَلَّبَتْ عَلَيْكَ وَاَبْرَاُ اِلَى اللّهِ
لعنت کند خدا گروهی را که کشتند ترا و لعنت کند خدا گروهی را که خوار گردانیدند ترا و لعنت کند خدا گروهی را که جمع گشتند بر تو و بیزاری جویم بسوی

تَعالى مِمَّنْ اَكْذَبَكَ وَاسْتَخَفَّ بِحَقِّكَ وَاسْتَحَلَّ دَمَكَ بِاَبي اَنْتَ وَاُمّي يا اَبا عَبْدِ اللّهِ لَعَنَ اللّهُ
تعالی از آنکه بدروغ نسبت داد ترا و سبک شمرد حق ترا و حلال دانست خون ترا پدر و مادرم فدای تو ای ابا عبدالله لعنت کند خدا

قاتِلَكَ وَلَعَنَ اللّهُ خاذِلَكَ وَلَعَنَ اللّهُ مَنْ سَمِعَ واعِيَتَكَ فَلَمْ يُجِبْكَ وَلَمْ يَنْصُرْكَ وَلَعَنَ اللّهُ
کشنده ترا و لعنت کند خدا واگذارنده ترا و لعنت کند خدا آنرا که شنید فریاد ترا پس اجابت نکرد ترا و یاری نکرد ترا و لعنت کند خدا

مَنْ سَبى نِساءَكَ اَنَا اِلَى اللّهِ مِنْهُمْ بَريءٌ وَمِمَّنْ والاهُمْ وَمالاهُمْ وَاَعانَهُمْ عَلَيْهِ اَشْهَدُ اَنَّكَ وَ
آنکه اسیر کرد زنان ترا من بسوی خدا از ایشان بیزارم و از آنکه دوست داشته ایشان را و مدد کرده ایشان را براو گواهی میدهم که تو

الْاَئِمَّةَ مِنْ وُلْدِكَ كَلِمَةُ التَّقْوى وَبابُ الْهُدى وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقى وَالْحُجَّةُ عَلى اَهْلِ الدُّنْيا وَاَشْهَدُ
پیشوایان از فرزندان تو سخن پرهیزکاری و در راه یافتن و دست آویز محکم و حجت بر اهل دنیا و گواهی

اَنّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَبِمَنْزِلَتِكُمْ مُوقِنٌ وَلَكُمْ تابِعٌ بِذاتِ نَفْسي وَشَرايِعِ ديني وَخَواتيمِ عَمَلي وَمُنْقَلَبي
میدهم که من بشما گرونده ام و بمنزلت شما گرونده و مر شما را پیرو بذات نفس خود و طریقهای دین خود و عاقبتهای کردار خود و بازگشتم

فِي دُنْيَايَ وَآخِرَتِي اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ سَيِّدِ الْعَابِدِينَ الَّذِي اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ
در دنیای خود و آخرت خود خدایا رحمت فرست بر علی بن حسین بزرگ پرستندگان که خالص گردانیدی او را برای خود

وَجَعَلْتَ مِنْهُ أَئِمَّةَ الْهُدَى الَّذِينَ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ اخْتَرْتَهُ لِنَفْسِكَ وَطَهَّرْتَهُ
و گردانیدی از او پیشوایان هدایت آنانکه رهنمایند براه راست و بدو میل کنند اختیار کردی او را برای نفس خود و پاک گردانیدی او را

مِنَ الرِّجْسِ وَاصْطَفَيْتَهُ وَجَعَلْتَهُ هَادِياً مَهْدِيّاً اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيْهِ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ
از پلیدی و برگزیدی او را و گردانیدی او را راهنمای راه یافته خداوندا پس رحمت فرست بر او بهتر آنچه درود فرستادی

عَلَى أَحَدٍ مِنْ ذُرِّيَّةِ أَنْبِيَائِكَ حَتَّى تَبْلُغَ بِهِ مَا تَقَرُّ بِهِ عَيْنُهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِنَّكَ عَزِيزٌ
بر یکی از فرزندان پیغمبران خود تا آنکه برسد باو آنچه روشن شود باو دیده او در دنیا و آخرت بدرستیکه تو ارجمند

حَكِيمٌ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بَاقِرِ الْعِلْمِ وَإِمَامِ الْهُدَى وَقَائِدِ أَهْلِ التَّقْوَى وَالْمُنْتَجَبِ
درستکرداری خدایا رحمت فرست بر محمد پسر علی باقر دانا و پیشوای راهنما و پیشوای پرهیزکاران و برگزیده

مِنْ عِبَادِكَ اللَّهُمَّ وَكَمَا جَعَلْتَهُ عَلَماً لِعِبَادِكَ وَمَنَاراً لِبِلَادِكَ وَمُسْتَوْدَعاً لِحِكْمَتِكَ
شده از بندگان خداوندا و چنانکه گردانیدی او را نشان برای بندگانت و روشنی مر شهرهای خود و قرارگاه مر حکمت خود

وَمُتَرْجِماً لِوَحْيِكَ وَأَمَرْتَ بِطَاعَتِهِ وَحَذَّرْتَ مِنْ مَعْصِيَتِهِ فَصَلِّ عَلَيْهِ يَا رَبِّ أَفْضَلَ
و مترجم مر وحی تو و بفرمانبرداری او و ترسانیدی از نافرمانی او پس رحمت براو ای پروردگار بهتر

مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ ذُرِّيَّةِ أَنْبِيَائِكَ وَأَصْفِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَأُمَنَائِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ
آنچه رحمت فرستادی بر یکی از فرزندان پیغمبر تو و برگزیدگان تو و فرستادگان تو و امینان تو ای پروردگار جهانیان

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ خَازِنِ الْعِلْمِ الدَّاعِي إِلَيْكَ بِالْحَقِّ النُّورِ الْمُبِينِ
خداوندا رحمت فرست برجعفر بن محمد راستگو خزینه دار علم خواننده بسوی تو بدلیل روشن هویدا

اللَّهُمَّ وَكَمَا جَعَلْتَهُ مَعْدِنَ كَلَامِكَ وَوَحْيِكَ وَخَازِنَ عِلْمِكَ وَلِسَانَ تَوْحِيدِكَ وَوَلِيَّ أَمْرِكَ
خداوندا و چنانکه گردانیده او را قرارگاه کلام خود و وحی خود و خزینه دار علم خود و زبان توحید خود و حجت خود و امر خود

وَمُسْتَحْفِظَ دِينِكَ فَصَلِّ عَلَيْهِ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَصْفِيَائِكَ وَحُجَجِكَ
و نگاهدارنده دین خود پس رحمت فرست براو بهتر آنچه رحمت فرستادی بر یکی از برگزیدگان خود و حجت خود

إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْأَمِينِ الْمُؤْتَمَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ الْبَرِّ الْوَفِيِّ الطَّاهِرِ الزَّكِيِّ
بدرستیکه ستوده بزرگواری خدایا رحمت فرست بر امین امانت دار موسی پسر جعفر نیکوکار با وفا پاک پاکیزه

النُّورِ الْمُبِينِ الْمُجْتَهِدِ الْمُحْتَسِبِ الصَّابِرِ عَلَى الْأَذَى فِيكَ اللَّهُمَّ وَكَمَا بَلَّغَ عَنْ آبَائِهِ مَا اسْتُودِعَ
روشن هویدا کوشش کننده باخلاص شکیبا بر آزار در راه تو خدایا و چنانکه رسانید از پدران خود آنچه سپرده شد

مِنْ أَمْرِكَ وَنَهْيِكَ وَحَمَلَ عَلَى الْمَحَجَّةِ وَكَابَدَ أَهْلَ الْعِزَّةِ وَالشِّدَّةِ فِيمَا كَانَ يَلْقَى مِنْ جُهَّالِ
از امر خود و نهی خود و برداشت براه راست و تعب کشید اهل غلبه و شدت در آنچه بود میدید از نادانان

قَوْمِهِ رَبِّ فَصَلِّ عَلَيْهِ أَفْضَلَ وَأَكْمَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِمَّنْ أَطَاعَكَ وَنَصَحَ لِعِبَادِكَ إِنَّكَ
قوم خود پروردگارا پس رحمت فرست براو بهتر و کاملتر آنچه رحمت فرستادی بر یکی که فرمان برد ترا و پند داد مر بندگان ترا بدرستیکه

غَفُورٌ رَحِيمٌ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الَّذِي ارْتَضَيْتَهُ وَرَضِيتَ بِهِ مَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ
تو آمرزنده مهربانی خدایا رحمت فرست بر علی پسر موسی که پسندیدی او را و خوشنودی باو آنرا که خواستی از خلق خود

اللّهمّ وكما جعلته حجّة على خلقك وقائماً بامرك وناصراً لدينك وشاهداً على عبادك
وكما نصح لهم في السّرّ والعلانية ودعا الى سبيلك بالحكمة والموعظة الحسنة فصلّ
عليه افضل ما صلّيت على احد من اوليائك وخيرتك من خلقك انّك جواد كريم اللّهمّ
صلّ على محمّد بن علىّ بن موسى علم التّقى ونور الهدى ومعدن الوفاء وفرع الازكياء و
خليفة الاوصياء وامينك على وحيك اللّهمّ وكما هديت به من الضّلالة واستنقذت
به من الحيرة وارشدت به من اهتدى وزكّيت به من تزكّى فصلّ عليه افضل ما صلّيت
على احد من اوليائك وبقيّة اوصيائك انّك عزيز حكيم اللّهمّ صلّ على علىّ بن محمّد
وصىّ الاوصياء وامام الاتقياء وخلف ائمّة الدّين والحجّة على الخلائق اجمعين اللّهمّ
كما جعلته نوراً يستضىء به المؤمنون فبشّر بالجزيل من ثوابك وانذر بالاليم من عقابك
وحذّر بأسك وذكّر باياتك واحلّ حلالك وحرّم حرامك وبيّن شرائعك و
فرائضك وحضّ على عبادتك وامر بطاعتك ونهى عن معصيتك فصلّ عليه افضل
ما صلّيت على من اوليائك وذرّيّة انبيائك يا اله العالمين اللّهمّ صلّ على احد
الحسن بن علىّ البرّ التّقىّ الصّادق الوفىّ النّور المضىء خازن علمك والمذكّر بتوحيدك
وولىّ امرك وخلف ائمّة الدّين الهداة الرّاشدين والحجّة على اهل الدّنيا وصلّ عليه
يا ربّ افضل ما صلّيت على احد من اصفيائك وحججك واولاد رسلك يا اله العالمين
اللّهمّ صلّ على وليّك وابن اوليائك فرضت طاعتهم واوجبت حقّهم واذهبت عنهم الّذين

الرّجس

الرجس وطهرهم تطهيرا اللهم انصره وانتصر به لدينك وانصر به اولياءك و
گناهان و پاک کن ایشان را پاک کردنی خداوندا یاری کن او را و انتقام بکش باو برای دین خود و یاری کن باو دوستان خود را
اولياءه وشيعته وانصاره واجعلنا منهم اللهم اعذه من شر كل باغ وطاغ
و دوستان او را و پیروان او و یاوران او و بگردان ما را از ایشان خداوندا پناه ده او را از شر هر ستمکار و گردنکش
ومن شر جميع خلقك واحفظه من بين يديه ومن خلفه وعن يمينه وعن شماله واحرسه
و از شر همه خلق تو و نگاهدار او را از پیش روی او و از عقب او و از راست او و از چپ او و حراست کن او را
وامنعه من ان يوصل اليه بسوء واحفظ فيه رسولك وآل رسولك واظهر به العدل
و باز دار او را از اینکه رسانیده شود بسوی او بدی و نگاهدار از برای او حرمت پیغمبر خود و آل پیغمبر خود و ظاهر کن بسبب او عدل را
وايده بالنصر وانصر ناصريه واخذل خاذليه واقصم به جبابرة الكفرة واقتل به الكفار
و قوی کن او را بیاری و یاری کن یاوران او را و فرو گذار فروگذارندگان او را و درهم شکن باو ستمکاران کافران را و بکش باو کافران را
والمنافقين وجميع الملحدين حيث كانوا من مشارق الارض ومغاربها وبرها وبحرها واملأ
و دورویان را و همه بیدینان را هر جا که بوده باشند از بیرون آمدن آفتاب زمین و فرو رفتن آن و خشکی آن و دریای آن و پر کن
به الارض عدلا واظهر به دين نبيك عليه وآله السلام واجعلني اللهم من انصاره واعوانه و
باو زمین را از عدالت و ظاهر کن باو دین پیغمبر خود را بر او و آل او سلام و بگردان مرا خداوندا از یاران او و مددکاران او
اتباعه وشيعته وارني في آل محمد ما يأملون وفي عدوهم ما يحذرون اله الحق آمين
و تابعان او و پیروان او و بنما مرا در آل محمد آنچه امید میکنند و درباره دشمنان ایشان آنچه بیم میکنند ای خدای حق بپذیر دعا را

باب دوازدهم

در بیان نمازهای واجبست که مخصوص روزی و ماهی نیست و نمازهای سنت که اختصاص بوقتی ندارد و اعمالی که بغیر ماههای عربی تعلق دارند و در آن هشت فصل است که

فصل اول

در بیان نماز آیاتست بدانکه این نماز واجبست نزد کسوف آفتاب و خسوف ماه خواه کل بگیرد و خواه بعض و در زلزله که زمین بلرزد و مشهور آنست که هر آیتی که از جانب آسمان حادث شود که موجب خوف غالب خلق گردد نماز واجب میشود مانند بادهای بسیار شدید که برخلاف عادت باشد خواه رنگین باشد و خواه نباشد و صاعقهای عظیم و رعدهای بسیار شدید و تاریک شدن هوا و امثال اینها و این قول اقوی است و کیفیت این نماز آنست که قصد کند که نماز آفتاب گرفتن یا زلزله یا آیات میکنم ادا از جهت آنکه واجبست برای رضای خدا یا قربة الی الله پس تکبیر احرام بگوید و حمد و یک سوره بخواند پس رکوع کند پس سر بردارد و سنت آنست که در هر سر برداشتن الله اکبر بگوید پس حمد و سوره بخواند پس رکوع کند تا آنکه پنج رکوع بعمل آورد و از رکوع پنجم که سر بردارد سمع الله لمن حمده بگوید و بعد از آن بسجود رود و دو سجده بجا آورد پس برخیزد و یک رکعت دیگر بجا آورد بدستور رکعت اولی و در سر برداشتن از رکوع دهم بجای تکبیر سمع الله لمن حمده بگوید اگر در رکوع اول بعد از حمد بعضی از سوره را بخواند و برکوع رود و بعد از سر برداشتن باقی سوره را بخواند اعاده حمد نمیکند و اگر سوره که پنج آیه باشد تفریق کند بر رکوعها بیک حمد که در رکوع اول خوانده اکتفا میکند و همچنین در رکعت دویم بیک حمد و سوره که تفریق کند اکتفا میتوان کرد و بهتر آنست که بطریق اول بکند و بعد حمد و بعد سوره بجا آورد مگر آنکه وقت تنگ باشد و اول وقت نماز کسوف و خسوف ابتدای گرفتن است

واخر وقتش بقول مشهور ابتدای منجلی شدنست واظهر دفعه وجمعی از محققین انستکه تا تمام منجلی نشود
وقتش باقیست ونماز زلزله وایات دیگر وقتش وفا بنماز نکند موافق مشهور در تمام عمر اداست واگر کسی ترک
کند نماز مذکور را با حدوث یکی از اسباب مذکوره مشهور میان علما انستکه قضا میکند ان نماز را
مطلقا وجمعی گفته اند که هرگاه کسی فراموش کرده باشد قضا نیست مادام که تمام انگرفته باشد وعمل بمشهور احوط قرص
است واگر مطلع نشود تا وقت بدر رود مشهور میان اصحاب انستکه قضای کسوفین واجب نیست مگر انکه تمام
قرص گرفته باشد وجمعی گفته اند واجبست قضا مطلقا وقول اول اقوی وثانی احوطست ومستحبست
که این نماز را بجماعت بجا اورند وطول بدهند بقدر کسوف وخسوف وهرگاه از نماز فارغ شود وانجلا نشده باشد اشهر زمان
واقوی انستکه اعادهٔ نماز مستحب است وبعضی واجب دانسته اند ومستحبست خواندن سورهای طولانی در با
وسعت وقت وبرابر ساختن رکوع وسجود با قرائت ومستحبست قنوت خواندن پیش از رکوع دویم وچهارم
وششم وهشتم ودهم واگر در ایام زلزله اِنَّ اللّٰهَ يُمْسِكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ اَنْ تَزُوْلَا وَلَئِنْ زَالَتَا

هر آینه خدا نگاه میدارد آسمانها را و زمین از اینکه زایل شوند و هر آینه اگر زایل شوند

این ایه را مکرر بخواند مناسب است اِنْ اَمْسَكَهُمَا مِنْ اَحَدٍ مِنْ بَعْدِهٖ اِنَّهٗ كَانَ حَلِيْمًا غَفُوْرًا واز حضرت امام رضا منقولستکه هر که در

نگاه ندارد آنها را هیچیک از بعد او بدرستیکه خدا باشد بردبار آمرزنده

وقت خواب این ایه را بخواند خانه بر سرش خراب
نشود **فصل سیم** در نماز استسقا است یعنی نماز طلب باران در وقتیکه باران کم اید واب چشمها وچاهها
کم شود وکیفیت این نماز مثل نماز عید است که سابقا مذکور شد وبجماعت باید کرد ودر قنوتها بیش
طلب رحمت واستغفار از گناهان وطلب باران باید کرد وبهترین دعاها دعای نوزدهم صحیفهٔ کامله است
واکثر گفته اند وقتش میان طلوع افتابست تا زوال وباید که امام امر کند مردم را که سه روز روزه بدارند
ودر روز سیم ایشان را بیرون برد وبهتر انستکه روز سیم جمعه باشد یا دوشنبه وبصحرا بیرون روند پا برهنه
وبا سکینه ووقار ومؤذنان عصاها بدست گرفته پیش روی امام بروند وچون امام از نماز فارغ شود بر منبر
بالا رود ورد را بگرداند بانکه جانب راست بجانب چپ وجانب چپ را بجانب راست پس رو بقبله کند باواز
بلند صد مرتبه الله اکبر بگوید وبجانب راست بگردد وصد مرتبه سبحان الله بگوید پس بجانب چپ بگردد
وصد مرتبه لا اله الا الله بگوید پس رو بمردم کند وصد مرتبه الحمد لله بگوید وگفته اند مردم در ذکرها موافقت
کنند با او نه در گشتن پس دو خطبه بخواند ومبالغه کند در استغفار ودعا وطلب رحمت کند وخطبهای
منقوله بهتر است ودور نیست که اگر ان ذکرها بعد از خطبه بخواند باز خوب باشد **فصل چهارم** در بیان
نماز حضرت رسول سید بن طاوس بسند معتبر از حضرت امام رضا روایت کرده است که از انحضرت
سؤال کردند از نماز جعفر طیار حضرت فرمود که چرا غافلید از نماز حضرت رسول شاید حضرت رسول
نماز جعفر را نکرده باشد وشاید جعفر نماز انحضرت را کرده باشد راوی گفت پس ان نماز را تعلیم کن بمن حضرت
فرمود که دو رکعت نماز میکنی ودر هر رکعت یکمرتبه فاتحه وپانزده مرتبه سورهٔ انا انزلناه میخوانی پس در
رکوع میروی وبعد از سر برداشتن ودر سجدهٔ اول ودویم وسر برداشتن هر یک پانزده مرتبه سورهٔ قدر را
میخوانی پس تشهد میخوانی وسلام میگوئی وچون فارغ شوی میان تو وخدا گناهی نمیماند مگر انکه

امرزیده

امر بد شده است و هر حاجت که بطلبی روا شود لا اله الا الله ربنا و رب آبائنا الاولین لا اله الا الله
نیست خدائی مگر خدا پروردگار ما و پروردگار پدران پیشینان نیست خدائی مگر خدا
و بعد از آن این دعا را می خوانی
الهاً واحداً و نحن له مسلمون لا اله الا الله لا نعبد الا ایاه مخلصین له الدین و لو
خدای یگانه و ما او را گردن نهندگانیم نیست خدائی مگر خدا نمی پرستیم مگر او را خالص گردانندگانیم برای او دین را و اگرچه
کره الکافرون لا اله الا الله وحده وحده وحده انجز وعده و نصر عبده و اعز جنده
ناخوش دارند ناگروندگان نیست خدائی مگر خدای یگانه یگانه یگانه روا کرد وعده خود را و یاری کرد بنده و
و هزم الاحزاب وحده فله الملک و له الحمد و هو علی کل شیء قدیر اللهم انت
شکست داد گروهها را تنها پس مر او راست پادشاهی و مر او راست حمد و او بر همه چیزی تواناست خداوندا توئی
نور السموات و الارض و من فیهن فلک الحمد و انت قیام السموات و الارض و من فیهن
روشنی آسمانها و زمین و آنکه در آنهاست پس مر تراست ستایش و توئی بردارنده آسمانها و زمین و آنکه در آنهاست
فلک الحمد و انت الحق و وعدک الحق و قولک الحق و انجازک حق و الجنة حق و النار
پس مر تراست حمد و توئی حق و وعده تو حق است و گفتار تو راست و روا کردن تو حق و بهشت حق و دوزخ
حق اللهم لک اسلمت و بک آمنت و علیک توکلت و بک خاصمت و الیک حاکمت
حق خدایا مر ترا گردن نهادم و بتو گرویدم و بر تو توکل کردم و بتو با یکدیگر خصمی کردم و بسوی تو آوردم محاکمه خود را
یا رب یا رب اغفر لی ما قدمت و ما اخرت و اسررت و اعلنت انت الهی لا اله الا انت
ای پروردگار ای پروردگار بیامرز مرا آنچه پیش داشته ام و آنچه پس داشته ام و پنهان و آشکار نمودم توئی معبود من نیست خدائی مگر تو
صل علی محمد و آل محمد و اغفر لی و ارحمنی و تب علی انک انت التواب الرحیم مؤلف گوید
رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بیامرز مرا و رحم کن مرا و بپذیر توبه مرا بدرستیکه توئی توبه پذیرنده مهربان

اگر این نماز از نمازهای مشهور است و عامه و خاصه در کتب خود روایت کرده اند و بعضی این را از نمازهای روز جمعه شمرده اند و از روایت اختصاصی معلوم نمیشود و ظاهر آن در سایر ایام میتوان کرد فصل چهارم در بیان نماز حضرت امیر المؤمنین ع است ابن بابویه و عیاشی و کلینی و دیگران بسندهای صحیح و حسن و معتبر بسیار از حضرت صادق ع روایت کرده اند که هر که چهار رکعت نماز بگذارد یعنی بدو سلام و در هر رکعت بعد از سوره فاتحه پنجاه مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند چون فارغ گردد میان او و حق تعالی گناهی نماند مگر آنکه آمرزیده شده باشد و سید و شیخ از حضرت صادق ع روایت کرده اند که هر که چهار رکعت نماز حضرت امیر المؤمنین را بجا آورد از گناهان بیرون آید مانند روزی که از مادر متولد شده است و حاجتهای او برآورده شود و در هر رکعت بعد از حمد پنجاه مرتبه سوره توحید بخواند و چون فارغ شود این دعا را بخواند که تسبیح حضرت است
سبحان من لا تبید معالمه سبحان من لا تنقص خزائنه سبحان
پاک است آنکه پایان نمیرسد نشانهای او پاک است آنکه کم نمیگردد خزینه‌های او پاک است
من لا اضمحلال لفخره سبحان من لا ینفد ما عنده سبحان من لا انقطاع
آنکه پایان نمیرسد آنچه نزد اوست پاک است آنکه نیست
لمدته سبحان من لا یشارک احداً فی امره سبحان من لا اله غیره پس این دعا را بخواند
مدت او پاکا آنکه شریک نگیرد کسی را در کار خود پاکا آنکه نیست خدائی غیر او

يا من عفى عن السيئات ولم يجازها ارحم عبدك يا الله يا الله نفسي نفسي انا عبدك

يا سيّداه انا عبدك بين يديك يا ربّاه بك الهي بكينونيتك يا املاه يا رحماناه

يا غياثاه عبدك عبدك لا حيلة له يا منتهى رغبتاه يا مجري الدم في عروق عبدك

يا سيّداه يا مالكاه ايا هو ايا هو يا هو يا ربّاه عبدك لا حيلة لي ولا غنى بي

عن نفسي ولا استطيع لها ضرًّا ولا نفعًا ولا اجد من اصانعه تقطّعت اسباب

الخدائع عني واضمحلّ كل مظنون عني افردني الدهر اليك فقمت بين يديك

هذا المقام يا الهي بعلمك هذا كان كلّه فكيف انت صانع بي وليت شعري

كيف تقول لدعائي أتقول نعم ام تقول لا فان قلت لا فيا ويلي يا ويلي يا ويلي يا

عولي يا عولي يا عولي يا شقوتي يا شقوتي يا شقوتي يا ذلّي يا ذلّي يا ذلّي الى من وممّن

او عند من او كيف او ماذا او الى ايّ شيء الجأ ومن ارجو ومن يجود عليّ بفضله حين

ترفضني يا واسع المغفرة وان قلت نعم كما هو الظن بك والرجاء لك فطوبى لي انا السعيد

وانا المسعود فطوبى لي وانا المرحوم يا مترحّم يا مترئّف يا متعطّف يا متجبّر يا متملّك يا

مقسط لا عمل لي مع نجاح حاجتي اسألك باسمك الذي جعلته في مكنون غيبك فاستقرّ

عندك فلا يخرج منك الى شيء سواك اللهم به وبك وفيه فانه اجلّ واشرف اسمائك

لا شيء لي غير هذا ولا احد اعود عليّ منك يا كينون يا مكوّن يا من عرّفني نفسه يا من

امرني بطاعته يا من نهاني عن معصيته يا مدعوّ يا مسئول يا مطلوبًا اليه رفضت

وَصِیَّتَكَ الَّتِی اَوْصَیْتَنِی بِهَا وَلَمْ اُطِعْكَ وَلَوْ اَطَعْتُكَ فِیمَا اَمَرْتَنِی لَكَفَیْتَنِی مَا قُمْتُ اِلَیْكَ

وصیت تو که وصیت کردی مرا بآن و ما فرمان برداری تو و اگر فرمان برداری کردم ترا در آنچه امر کردی مرا هر آینه کفایت میکردی مرا آنچه

فِیهِ وَاَنَا مَعَ مَعْصِیَتِی لَكَ رَاجٍ فَلَا تَحُلْ بَیْنِی وَبَیْنَ مَا رَجَوْتُ یَا مُتَرَحِّماً لِی اَعِذْنِی مِنْ بَیْنِ یَدَیَّ

ایستاده ام بسوی تو در آن و من با نافرمانی بودم ترا امیدوارم پس حایل مشو میان من و میان آنچه امید دارم ای رحم کننده بر من پناه ده مرا از پیش رویم

وَمِنْ خَلْفِی وَمِنْ فَوْقِی وَمِنْ تَحْتِی وَمِنْ كُلِّ جِهَاتِ الْاِحَاطَةِ بِی اَللّٰهُمَّ بِمُحَمَّدٍ سَیِّدِی وَبِعَلِیٍّ وَلِیِّی وَ

و از پس سرم و از بالایم و از زیرم و از همه طرفها که فرا گرفته مرا خداوندا بمحمد بزرگ من و بعلی دوست من

بِالْاَئِمَّةِ الرَّاشِدِینَ عَلَیْهِمُ السَّلَامُ اِجْعَلْ عَلَیْنَا صَلَوَاتِكَ وَرَاْفَتَكَ وَرَحْمَتَكَ وَاَوْسِعْ عَلَیْنَا

و به پیشوایان راه یافتگان بر ایشان درود بگردان بر ما رحمتهای خود و مهربانی خود و رحمت خود و گشاده کن بر ما

مِنْ رِزْقِكَ وَاقْضِ عَنَّا الدَّیْنَ وَجَمِیعَ حَوَائِجِنَا یَا اَللّٰهُ یَا اَللّٰهُ یَا اَللّٰهُ اِنَّكَ عَلٰی كُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ

از روزی خود و ادا کن از ما قرض را و همه حوائج ما را ای خدا ای خدا ای خدا بدرستیکه تو بر همه چیز توانائی

پس حضرت فرمود که هر که این نماز را بکند و این دعا را بخواند هیچ گناهی میان او و خدا نماند مگر آنکه آمرزیده شود

فصل بیست و دویم در بیان فضیلت و کیفیت نماز حضرت فاطمه ع است سید ابن طاوس بسند معتبر از حضرت صادق ع

روایت کرده است که فرمود که مادرم فاطمه ع دو رکعت نماز میکرد که جبرئیل تعلیم او کرده بود و در رکعت اول

بعد از حمد صد مرتبه سوره قدر و در رکعت دویم بعد از حمد صد مرتبه سوره توحید میخواند و چون سلام میگفت

این دعا را میخواند سُبْحَانَ ذِی الْعِزِّ الشَّامِخِ الْمُنِیفِ سُبْحَانَ ذِی الْجَلَالِ الْبَاذِخِ الْعَظِیمِ سُبْحَانَ ذِی

پاکست خداوند با عزت ارجمند بلند پایه پاکست خداوند بزرگوار بلند قدر بزرگ مرتبه پاکست خداوند

الْمُلْكِ الْفَاخِرِ الْقَدِیمِ سُبْحَانَ مَنْ لَبِسَ الْبَهْجَةَ وَالْجَمَالَ سُبْحَانَ مَنْ تَرَدّٰی بِالنُّورِ وَالْوَقَارِ

پادشاهی بزرگ دیرینه پاکست آنکه پوشیده جامه نیکی و نیکوئی را پاکست آنکه پوشیده ردای روشنی و بردباری را

سُبْحَانَ مَنْ یَرٰی اَثَرَ النَّمْلِ فِی الصَّفَا سُبْحَانَ مَنْ یَرٰی وَقْعَ الطَّیْرِ فِی الْهَوَاءِ سُبْحَانَ مَنْ هُوَ هٰكَذَا

پاکا آنکه می بیند نشان مورچه را در سنگ هموار پاکا آنکه می بیند فرود آمدن مرغ را در هوا پاکست آنکه او چنین

وَلَا هٰكَذَا غَیْرُهُ و سید گفته است که در روایت دیگر وارد شده است که بعد از این نماز تسبیح مشهور

و نه چنین غیر او

حضرت فاطمه را که بعد از هر نماز خوانده میشود بخواند و بعد از آن صد مرتبه صلوات

بر محمد و آل محمد بفرستد و شیخ ره در مصباح این نماز را مرسل روایت کرده و گفته است که چون سلام

بگوئی تسبیح فاطمه را بخوان و این دعا را بخوان یعنی دعائیکه پیشتر مذکور شد پس گفته است که سزاوار

است برای کسیکه این نماز را بکند از این دعا فارغ شود زانوها و ذراعهای خود را برهنه کند و بسجده رود

و جمیع مساجد سبعه را بخاک برساند که جامه در میانه مانع نشود و دعا کند و حاجات خود را از خدای

تعالی طلب نماید و در سجده این دعا را بخواند یَا مَنْ لَیْسَ غَیْرُهُ رَبٌّ یُدْعٰی یَا مَنْ لَیْسَ فَوْقَهُ اِلٰهٌ یُخْشٰی یَا مَنْ لَیْسَ دُونَهُ

ای آنکه نیست غیر او پروردگاری که خوانده شود ای آنکه نیست بالاتر از او خدائی که ترسیده شود ای آنکه نیست غیر او

مَلِكٌ یُتَّقٰی یَا مَنْ لَیْسَ لَهُ وَزِیرٌ یُؤْتٰی یَا مَنْ لَیْسَ لَهُ حَاجِبٌ یُرْشٰی یَا مَنْ لَیْسَ لَهُ بَوَّابٌ یُغْشٰی یَا مَنْ

پادشاهی که پرهیز کرده شود ای آنکه نیست مر او را وزیری ای آنکه نیست مر او را دربانی که رشوه داده شود ای آنکه نیست مر او را دربانی که ایستاده شود ای آنکه

لَا یَزْدَادُ عَلٰی كَثْرَةِ السُّؤَالِ اِلَّا كَرَماً وَجُوداً وَعَلٰی كَثْرَةِ الذُّنُوبِ اِلَّا عَفْواً وَصَفْحاً صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ

زیاد کرده نشود بر بسیاری سؤال مگر بخشش و بخشندگی و بر بسیاری گناهان مگر در گذشتن رحمت فرست بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِی کَذَا وَکَذَا پس بجای وافعل بی کذا وکذا حاجتهای خود را یاد کند فصل ششم در
و آل محمد وبکن بمن چنین وچنان بیان کیفیت وفضیلت واحکام نماز حضرت جعفر طیار است بدانکه این
نماز از جملهٔ متواترات است وعامه وخاصه بسندهای بسیار روایت کرده اند ومخالفان نیز این نماز را
مستحب میدانند مکر نادری از ایشان اما اکثر ایشان باعتبار عداوت باطنی که با حضرت امیر المؤمنین ع واولاد
آنحضرت دارند این نماز را بعباس عم پیغمبر نسبت داده اند وبعد از نوافل شبانه روزی نمازی بحسب صحت سند
وکثرت ثواب باین نماز نمیرسد وبسند معتبر از امام زین العابدین ع منقولست که چون جعفر طیار برادر
حضرت امیر المؤمنین ع از هجرت حبشه مراجعت نمود در روزی آمد که فتح خیبر بدست امیر المؤمنین شاه
بود حضرت رسول ص بقدر مسافت یک تیر پرتاب باستقبال او شتافت چون جعفر نظرش بر جمال عدیم المثال
آنحضرت افتاد مشتاقانه بجانب آنحضرت دوید حضرت او را در بر گرفت ودست در گردن او در آورد
وساعتی با او سخن گفت پس بر ناقهٔ عضبا سوار شد وجعفر را ردیف خود ساخت وچون ناقه براه
افتاد حضرت فرمود که یا جعفر ای برادر میخواهی بخشش بزرگی کنم بتو نسبت میخواهی ترا عطیهٔ گران بهائی
بدهم میخواهی ترا بر گزینم گمان کردند که مال جزیلی از غنایم خیبر باو عطا خواهد فرمود جعفر گفت بلی
پدر ومادرم فدای تو باد پس حضرت نماز تسبیح را باو تعلیم نمود وحضرت صادق ع فرمود که صفتش
اینست که چهار رکعتست بدو تشهد ودو سلام ودر رکعت اول بعد از حمد سورهٔ اذا زلزلت میخوانند ودر
رکعت دوم بعد از حمد سورهٔ والعادیات ودر رکعت سیم بعد از حمد سورهٔ اذا جاء نصر الله ودر رکعت
چهارم بعد از حمد سورهٔ قل هو الله احد ودر هر رکعت بعد از فراغ از قرائت پانزده مرتبه میگوید سُبْحَانَ
اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّهُ وَاللّهُ اَکْبَرُ ودر رکوع همین تسبیحات را ده مرتبه میگوید وچون سر
از رکوع بر میدارد ده مرتبه میگوید ودر سجدهٔ اولی ده مرتبه وبعد از سر برداشتن ده مرتبه ودر
سجدهٔ دوم ده مرتبه ودر سر برداشتن پیش از آنکه برخیزد ده مرتبه در هر چهار رکعت چنین کند که
مجموع سیصد مرتبه شود وهزار ودویست تسبیح بوده باشد وبروایت معتبر دیگر حضرت رسول ص فرمود
که اگر هر روز بکنی بهتر است از برای تو از دنیا وآنچه در آن هست واگر در هر دو روز یکبار بکنی گناهی
که در میان دو نماز کردهٔ آمرزیده شود واگر در هر جمعه بکنی یا در هر ماهی یا در سالی یکمرتبه بکنی هر گناهی
که در میان دو نماز کردهٔ آمرزیده شود وبروایت معتبر دیگر اگر بقدر کف دریاها وریگ بیابانها گناه
بر تو باشد خدا بیامرزد واگر از جنگ گریخته باشی که بدترین گناهانست خدا ترا بیامرزد وبروایت دیگر
اگر توانی هر روز بکن واگر نتوانی هفتهٔ یکبار واگر نتوانی ماهی یکبار واگر نتوانی سالی یکبار واگر
نتوانی در عمر خود یکبار بکن تا خداوند عالم گناهان کبیره وصغیره وتازه وکهنه وعمد وخطای ترا
بیامرزد واما دعاهائیکه در این نماز مستحبست کلینی بسند معتبر از حضرت صادق ع روایت
کرده است که در سجدهٔ آخر نماز جعفر چون از تسبیحات فارغ شوی بگو سُبْحَانَ
مَنْ لَبِسَ الْعِزَّ وَالْوَقَارَ سُبْحَانَ مَنْ تَعَطَّفَ بِالْمَجْدِ وَتَكَرَّمَ بِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْبَغِي
آنکه پوشیده جامهٔ عزت را وبردباری را پاکست آنکه بخود گرفته بزرگی وبزرگواری را باو پاکست آنکه سزاوار نیست

التسبيح الا له سبحان من احصى كل شيء علمه سبحان ذي المن والنعم سبحان ذي القدرة

والامر اللهم اني اسئلك بمعاقد العز من عرشك ومنتهى الرحمة من كتابك

واسمك الاعظم وكلماتك التامة التي تمت صدقا وعدلا صل على محمد واهل بيته

پس حاجات خود را ذکر کند و شیخ در مصباح سبحان ذي القدرة والكرم سبحان ذي

این دعا را روایت کرده با این زیادتی

العزة والفضل سبحان ذي القوة والطول اللهم اني اسألك تا آخر دعا و ایضا

شیخ و سید از مفضل بن عمر روایت کرده اند که گفت دیدم روزی حضرت امام جعفر صادق ع نماز جعفر را بجا آورد و دست

بلند کرد و این دعا خواند یا رب یا رب بقدر یک نفس وفا کند یا رباه یا رباه بقدر یکنفس رب رب بقدر

بقدر یکنفس یا الله یا الله باز بقدر یکنفس یا رحیم یا رحیم بقدر یکنفس یا رحمن یا رحمن هفت مرتبه یا

ارحم الراحمین هفت مرتبه اللهم اني افتتح القول بحمدك وانطق بالثناء عليك وامجدك

پس این دعا خواندند

ولا غاية لمدحك واثني عليك ومن يبلغ غاية ثنائك وامد مجدك واني لخليقتك

كنه معرفة مجدك واي زمن لم تكن ممدوحا بفضلك موصوفا بمجدك عوادا

على المذنبين بحلمك تخلف سكان ارضك عن طاعتك فكنت عليهم عطوفا

بجودك جوادا بفضلك عوادا بكرمك يا لا اله الا انت المنان ذو الجلال والاكرام

پس حضرت فرمود یا مفضل هرگاه ترا حاجت ضروری بوده باشد نماز جعفر را بکن و این دعا بخوان

و حوائج خود را از خدا طلب کن که برآورده میشود انشاء الله تعالی دعای دیگر بعد از نماز بروایت ابنه

شیخ و سید سبحان من لبس العز وتردى به سبحان من تعطف بالمجد وتكرم

به سبحان من لا ينبغي التسبيح الا له جل جلاله سبحان من احصى كل

شيء بعلمه وخلقه بقدرته سبحان ذي المن والنعم سبحان ذي القدرة

والكرم اللهم اني اسألك بمعاقد العز من عرشك ومنتهى الرحمة من كتابك

وباسمك الاعظم وكلماتك التامات التي تمت صدقا وعدلا ان تصلي على محمد وآل محمد
الطيبين الطاهرين وان تجمع لي خير الدنيا والآخرة بعد عمر طويل اللهم انت الحي
القيوم العلي العظيم الخالق الرازق المحيي المميت المبدئ البديع لك الكرم ولك المجد
ولك المن ولك الجود ولك الامر وحدك لا شريك لك يا واحد يا احد يا صمد
يا من لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد يا اهل التقوى ويا اهل المغفرة يا ارحم الراحمين
يا غفور يا ودود يا شكور انت ابر بي من ابي وامي وارحم بي من نفسي ومن الناس اجمعين
يا كريم يا جواد اللهم اني صليت هذه الصلوة ابتغاء مرضاتك وطلب نائلك ومعروفك
ورجاء رفدك وجائزتك وعظيم عفوك وقديم غفرانك اللهم فصل على محمد
وآل محمد وارفعها في عليين وتقبلها مني واجعل نائلك ومعروفك ورجاء
ما ارجو منك فكاك رقبتي من النار والفوز بالجنة وما جمعت من انواع النعيم ومن حسن
الحور العين واجعل جائزتي منك العتق من النار وغفران ذنوبي وذنوب والدي وما
ولدا وجميع اخواني واخواتي المؤمنين والمؤمنات والمسلمين والمسلمات الاحياء منهم
والاموات وان تستجيب دعائي وترحم صرختي وندائي ولا تردني خائبا خاسرا واقلبني
منجحا مفلحا مرحوما مستجابا دعائي مغفورا لي يا ارحم الراحمين يا عظيم يا عظيم يا عظيم قد
عظم الذنب من عبدك فليحسن العفو منك يا حسن التجاوز يا واسع المغفرة يا باسط اليدين
بالرحمة يا نفاحا بالخير يا معطي المسئولات يا فكاك الرقاب من النار صل على محمد وآل محمد

رقبتي

رقبتي من النار واعطني سؤلي واستجب دعائي وارحم صرختي وتضرعي ونداي واقض لي
و آزادی کن از آتش و عطا کن بمن درخواست مرا و بپذیر دعایم را و رحم کن فغان مرا و زاری مرا و آواز مرا و ادا کن برای من

حوائجي كلها لدنياي وآخرتي وديني ما ذكرت منها وما لم اذكر واجعل لي في ذلك الخيرة
حاجتهای مرا همه آنها دنیا را و آخرت مرا و دین من آنچه ذکر کردم از آنها و آنچه ذکر نکردم و بگردان برای من در آنچه

ولا تردني خائبا خاسرا واقلبني مفلحا منجحا مستجابا لي دعائي مغفورا لي مرحوما يا ارحم
و باز نگردان مرا ناامید زیانکار و بازگردان مرا کامیاب رستگار پذیرفته برای من دعایم را آمرزیده شده برای من رحم کرده شده

الراحمين يا محمد يا ابا القاسم يا رسول الله يا امير المؤمنين انا عبدكما ومولاكما غير
ای رحم‌ترین رحیمان ای محمد ای ابوالقاسم ای رسول خدا ای امیر مومنین منم بنده شما و آزاد کرده شما

مستنكف ولا مستكبر بل خاضع ذليل عبد مقر متمسك بحبلكما معتصم من ذنوبي بولايتكما
اباکننده و نه گردنکش بلکه فروتنی کننده خوار بنده اقرار کننده چسبیده‌ام بریسمان شما چنگ درزننده از گناهانم

اتقرب الى الله تعالى بكما واتوسل الى الله بكما واقدمكما بين يدي حوائجي الى الله عز
نزدیکی جویم بسوی خدا تعالی بشما و وسیله میجویم بسوی خدا بشما و پیش میدارم شما را پیش حاجتهای خود بسوی خدای عز

وجل فاشفعا لي في فكاك رقبتي من النار وغفران ذنوبي واجابة دعائي اللهم فصل
و جل پس شفاعت کنید مرا در آزاد کردن از آتش و آمرزش گناهان من و پذیرفتن دعایم را خدایا پس رحمت فرست

على محمد واله وتقبل دعائي واغفر لي يا ارحم الراحمين اما احكام این نماز را در چند مقصد
بر محمد و آل او و بپذیر دعایم را و بیامرز مرا ای رحیم‌ترین رحیمان

ایراد مینمائیم اول بدانکه مشهور میان علما اقوی آنستکه نماز جعفر را بجای نوافل شبانه روزی میتوان کرد که هر دو حساب شود و هم چنین بر نیت قضای نافله میتوان کرد و احادیث بر اینمضامین وارد شده است و بعضی تجویز کرده اند که نماز فریضه را ادا و قضا بکیفیت نماز جعفر بکنند و خالی از قوتی نیست ولیکن احوط ترکست دویم روایات وارد شده و اکثر علما گفته اند که کسیکه ضرورتی و تعجیلی داشته باشد میتواند نماز جعفر را بدون تسبیحات بجا آورد و تسبیحات را در راه خدا بخواند سیم حدیث صحیح وارد شده است که کسیکه دو رکعت از نماز جعفر را بکند و او را امر ضروری رو دهد میتواند از پی آن کار برود و دو رکعت دیگر را در وقت دیگر بکند و اگر بدون علت چنین نکند و همه را باهم بکند بهتر است چهارم روایت معتبر از حضرت قائم وارد شده است که کسیکه تسبیحات نماز جعفر را در موضعی فراموش کند هر وقت که بخاطرش آید بخواند و از علما کسی متعرض این حکم نشده اگر باین روایت عمل کند ظاهرا بد نباشد پنجم خلافست در تعیین سورها که مستحبست که در این نماز خوانده شود و مشهور آنستکه در رکعت اول اذا زلزلت و در دویم و العادیات و در سیم اذا جاء نصر الله و در چهارم قل هو الله احد میخوانند و ابن بابویه پدرش در رکعت اول و العادیات و در رکعت دویم اذا زلزلت گفته اند و در روایتی در اول اذا زلزلت و در دویم اذا جاء نصر الله و در سیم انا انزلناه و در چهارم توحید وارد شده است و در روایت صحیحی وارد شده است که در هر رکعت قل یا ایها الکافرون و قل هو الله احد هر دو را بخواند و در روایتی وارد شده است که هر سوره که خواهد بخواند و ابن بابویه گفته است که همه را با سوره توحید میتوان کرد و ظاهرا همه خوبست و اگر چه اول و سیم افضل است ششم مشهور آنستکه تسبیحات بعد از سجده دویم رکعت اول و سیم را نشسته میخوانند و بعضی

اول

گفته‌اند که بعد از برخاستن هر رکعت دیگر پیش از قرائت میخوانند و عمل بمشهور اولیست هفتم بعضی گفته‌اند که چهار رکعت را بیک سلام میکنند و مشهور و اقوی دو سلام است چنانچه گذشت هشتم مشهور میان علما آنست که تسبیحات این نماز را پیش از رکوع میخوانند بعد از قرائت میباید خواند و ابن بابویه موافق بعضی از روایات قایل شده است که مخیر است میان آنکه پیش از قرائت بخوانند یا بعد از قرائت و عمل بمشهور اقوی و اولیست فصل هفتم

در بیان فضیلت و اعمال روز نوروز است بدانکه میان علما در تعیین روز نوروز اختلاف بسیار هست بعضی گفته‌اند دهم ایار است از ماههای رومی و بعضی گفته‌اند نهم شباط است و مشهور آنست که اول انتقال شمس است ببرج حمل چنانچه در این ازمنه معمول است و این مطلب را در کتاب بحار الانوار ببسط عظیمی داده‌ام و این رساله گنجایش ذکر آنها ندارد و بگمان فقیر همین نوروز که در این ازمنه مشهور است اقربست بصواب و اضبط است در حساب اگر بنای اعمال را بر این گذارند ظاهر بد نیست و اما فضایل و اعمال این روز باسانید معتبره از معلی بن خنیس که از خواص حضرت صادق ع بوده است منقولست که گفت در روز نوروز بخدمت حضرت امام جعفر صادق ع رفتم فرمود آیا میشناسی این روز را گفتم فدای تو شوم این روزیست که اهل عجم آنرا تعظیم میکنند و در این روز هدیه‌ها و تحفه‌ها برای یکدیگر میفرستند حضرت فرمود که سوگند یاد میکنم بحق خانه کعبه که در مکه معظمه است که این تعظیم کردن نیست مگر برای امر قدیمی که تفسیر میکنم از برای تو تا بفهمی گفتم ای سید و آقای من دانستن این را ببرکت شما محبوبتر است نزد من از آنکه مردگان من زنده شوند و دشمنان من بمیرند حضرت فرمود که ای معلی بدرستیکه روز نوروز روزیست که حق تعالی در این روز پیمان بندگان را گرفت از ارواح ایشان در روز الست که او را بیگانگی بپرستند و برای او شریکی قرار ندهند و در بندگی و پرستیدن هیچ چیز را شریک او نگردانند و ایمان بیاورند بپیغمبران و رسولان و حجتهای او بر خلق و امامان و پیشوایان دین و ائمه معصومین و این اول روزیست که در آن آفتاب طلوع کرده است و بادها ابستن کننده درختان وزیده است و گلها و شکوفهای زمین آفریده شده و در این روز کشتی حضرت نوح ع بعد از طوفان بر کوه جودی قرار گرفته است و این روزیست که خدا حیات بخشید چندین هزار کس را که از مرگ گریختند یعنی از طاعون و بیکدفعه خداوند همه را میرانید پس بعد از مدتها که استخوان شده بودند پیغمبری از پیغمبران خدا بر آن استخوانها گذشت و از پروردگار خود سؤال کرد که باو بنماید که چگونه این استخوانهای پوسیده را زنده میگرداند پس خدا وحی فرستاد بسوی او که آب بریز بر استخوانهای ایشان در همان جاها که هستند پس چنین کرد و همه بقدرت الهی زنده شدند و این اول سال فرس عجم است و باین سبب سنت شد که آب بر یکدیگر بریزند یا آب بر خود بریزند و غسل کنند و حق تعالی در قرآن مجید اشاره باین قصه نموده است در آنجا که فرموده است اَلَمْ تَرَ اِلَی الَّذِینَ خَرَجُوا مِنْ دِیَارِهِمْ وَهُمْ اُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللهُ مُوتُوا ثُمَّ اَحْیَاهُمْ و معتبرین گفته‌اند که آن پیغمبر حضرت خرقیل بود و حضرت فرمود که ایشان سی هزار کس بودند و فرمود که در این روز جبرئیل ع بر حضرت رسول ص وحی نازل شد یعنی روز نوروز موافق مبعث بوده که بیست و هفتم ماه مبارک رجب است و فرمود که این روزیست که حضرت رسالت پناه بتهای کفار قریش را در مکه شکست و حضرت ابراهیم ع نیز در این روز بتها را شکست و قول اشاره است باینکه سنی و شیعه روایت کرده‌اند بطرق بسیار که شبی که حضرت رسالت حضرت امیرالمؤمنین ع را با خود

بمسجد الحرام او زد و حضرت امیر را امر کرد که بر دوش آنحضرت بالا رفت و بتهای کافران را بزیر آورد و شکست
پس امیر را نیست که در شب این روز بود و فرمود که در این روز حضرت رسول صلعم امر کرد اصحاب خود را که بیعت کنند
با امیر المؤمنین و اقرار کنند که او پادشاه مؤمنانست یعنی روز غدیر این روز بوده یا آن روز که سر کردهای
صحابه را کفت بروید و بر علی سلام کنید و بگوئید السلام علیك یا امیر المؤمنین این روز بود فرمود که در این روز
حضرت رسول صلعم حضرت امیر را فرستاد بوادی جنیان که از ایشان بیعت از برای او بگیرد و فرمود که در این روز خلافت
با امیر المؤمنین ع برگشت و بار دیگر بعد از کشته شدن عثمان با آنحضرت بیعت کردند و در این روز حضرت امیر المؤمنین
با خارجیان نهروان جنگ کرد و بر ایشان ظفر یافت و سر کردهٔ ایشان را که ذو الثدیه میگفتند کشت و در این
روز قائم آل محمد ظاهر خواهد شد و در این روز امامان دیگر بدنیا رجعت خواهند کرد و در این روز قائم ما ظفر
خواهد یافت بر دجال و در کناسه که محله ایست از محلات کوفه او را بردار خواهند کشید و در هیچ روز نوروز نیست
مگر آنکه ما انتظار فرج میکشیم زیرا که آن روز از روزهای ما و روزهای شیعیان ماست و نوروز را عجمان حفظ کردند و
حرمت او را رعایت کردند و شما عربان او را ضایع کردید پس حضرت فرمود بمعلی که چون روز نوروز شود غسل
بکن و پاکیزه ترین جامههای خود را بپوش و بهترین بوهای خوش خود را خوشبو کن و در آن روز روزه بدار پس
چون از نماز پیشین و پسین و نافلههای آن فارغ شوی چهار رکعت نماز بگذار بدو سلام و در رکعت اول
بعد از حمد ده مرتبه سورهٔ انا انزلناه بخوان و در رکعت دوم بعد ده مرتبه سوره قل یا ایها الکافرون و در
رکعت سیم بعد از حمد ده مرتبه سورهٔ قل هو الله احد و در رکعت چهارم بعد از حمد ده مرتبه سورهٔ قل
اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس بخوان و بعد از نماز بسجدهٔ شکر برو و این دعا را بخوان

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْاَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ وَعَلٰى جَمِيعِ اَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ
خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد اوصیاء پسندیدگان و بر همه پیغمبران تو و فرستادهای تو
بِاَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ وَبَارِكْ عَلَيْهِمْ بِاَفْضَلِ بَرَكَاتِكَ وَصَلِّ عَلٰى اَرْوَاحِهِمْ وَاَجْسَادِهِمْ
بهترین رحمتهایت و برکت ده بر ایشان بهترین برکتهای تو و رحمت فرست بر روحها و بدنهای ایشان
اَللّٰهُمَّ بَارِكْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ لَنَا فِي يَوْمِنَا هٰذَا الَّذِي فَضَّلْتَهُ وَكَرَّمْتَهُ وَشَرَّفْتَهُ
خداوندا برکت ده بر محمد و آل محمد و برکت بر ما در روز ما این روز که فضیلت دادی او را و گرامی داشتی او را
وَعَظَّمْتَ خَطَرَهُ اَللّٰهُمَّ بَارِكْ لِي فِيمَا اَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ حَتّٰى لَا اَشْكُرَ اَحَدًا غَيْرَكَ وَوَسِّعْ عَلَيَّ
و بزرگ کردی او را خدایا برکت ده برای من در آنچه انعام کردی بآن بر من تا آنکه شکر نکنم هیچکس را غیر تو و فراخی بخش بر من
فِي رِزْقِي يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ اَللّٰهُمَّ مَا غَابَ عَنِّي فَلَا يَغِيبَنَّ عَنِّي عَوْنُكَ وَحِفْظُكَ
در روزی من ای خداوند بزرگوار و کریم خداوندا آنچه غایب شده از من پس غایب نشود از من یاری تو و حراست تو
وَمَا فَقَدْتُ مِنْ شَيْءٍ فَلَا تُفْقِدْنِي عَوْنَكَ عَلَيْهِ حَتّٰى لَا اَتَكَلَّفَ مَا لَا اَحْتَاجُ اِلَيْهِ يَا ذَا الْجَلَالِ
و آنچه نیابم از چیزی پس نایاب مکن برای من مدد خود را براو تا آنکه رنج نکشم آنچه محتاج نباشم بسوی او ای خداوند
وَالْاِكْرَامِ چون چنین کنی گناهان پنجاه ساله تو آمرزیده شود و بسیار بگو یا ذا الجلال والاکرام و در غیر
و بزرگوار کتب مشهوره روایت کرده اند که در وقت تحویل این دعا را بسیار بخوانند و بعضی سیصد

شصت دو شش یا محول الحول و الاحوال حول حالنا الی احسن الحال و بروایتی یا مقلب القلوب
مرتبه گفته اند ای گرداننده سالها و حالها بگردان حال ما را بسوی نیکوترین حالها دیگر ای گرداننده دلها
و الابصار یا مدبر اللیل و النهار یا محول الحول و الاحوال حول حالنا الی احسن
و دیدها ای تدبیر کننده شب و روز ای گرداننده سالها و حالها بگردان حال ما را بسوی نیکوترین
الحال و ایضا بعضی روایت کرده اند که این دعا را اللهم ان هذه سنة جدیدة و انت
حال در روز نوروز بعدد ایام سال بخوانند خداوندا این سالیست تازه و تو
ملک قدیم اسئلک خیرها و خیر ما فیها و اعوذ بک من شرها و شر ما فیها و
پادشاه دیرینه سؤال میکنم ترا خیر آن و خیر آنچه در آنست و پناه میبرم بتو از شر آن و شر آنچه در آنست و
استکفیک مؤنتها و شغلها یا ذا الجلال و الاکرام اگر چه منعی در دعا نیست اما ان دعای
میطلبم از تو کفایت آن و شغل آن ای صاحب بزرگواری و کرامت اول را خواندن هر چند بنمازش کرده

فصل هشتم

شود چون سند معتبر دارد بهتر است **فصل هشتم** در اعمال ماههای رومیست و سید جلیل
علی بن طاوس روایت کرده است که روزی جمعی از اصحاب نشسته بودند حضرت رسالت پناه داخل
شد و بر ایشان سلام فرمود و ایشان جواب سلام گفتند پس حضرت فرمود که میخواهید تعلیم نمایم شما را
دعائی که جبرئیل مرا تعلیم کرده است که محتاج بدوای اطبا نبوده باشد پس حضرت امیر المؤمنین ع و سلمان
و دیگران سؤال نمودند که آن دوا چیست حضرت رسول ص بحضرت امیر المؤمنین ع خطاب نمود و فرمود
که در ماه نیسان رومی آب باران میگیری و سوره فاتحة الکتاب و آیة الکرسی و قل هو الله احد و قل اعوذ برب
الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل یا ایها الکافرون هر یک را هفتاد مرتبه میخوانی و بروایتی دیگر سوره انا
انزلناه فی لیلة القدر را نیز هفتاد مرتبه میخوانی و هفتاد مرتبه الله اکبر و هفتاد مرتبه لا اله الا الله
میگوئی و هفتاد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد میفرستی و هفت روز در بامداد و پسین از آن آب میآشامی
بحق آن خداوندی که مرا براستی بر خلق مبعوث کرده است سوگند یاد میکنم که جبرئیل ع گفت که حق تع بر
میدارد از کسیکه این آب را بیاشامد هر دردی که در بدنش باشد عافیت میبخشد او را و بیرون کند دردهای آن را از
بدن او و استخوانهای او و اگر در لوح درد کار برای او مقدر شده باشد محو نماید بحق پروردگاری که مرا بحق فرستاده
اگر فرزند نداشته باشد و فرزند خواهد آب نیسان را باین نیت بیاشامد او را فرزند روزی کرد و اگر
زن عقیم باشد و فرزند نیاورد از این آب باین نیت بیاشامد فرزند او بوجود آید و اگر مرد و زن پسر
خواهند یا دختر از آن آب بیاشامند مقصود ایشان بعمل آید چنانچه حق تع میفرماید یهب لمن یشاء
اناثا و یهب لمن یشاء الذکور او یزوجهم ذکرانا و اناثا و یجعل من یشاء عقیما یعنی حق تع میبخشد
هر که را خواهد دختر و هر که را خواهد پسر یا جفت میگرداند برای ایشان پسران و دختران یعنی هر دو را باشان
عطا میکند و هر که را خواهد عقیم و بی فرزند میگرداند پس حضرت فرمود که اگر درد سر داشته باشد و
از این آب بیاشامد صداع او ساکن گردد بقدرت الهی و اگر درد چشم داشته باشد و در چشمهای خود قطره
از آن آب بچکاند و بیاشامد و چشمهای خود را از آن آب بشوید باذن خدای تعالی شفا یابد و اشامیدن

بن ناب بن دندانها را محکم کرداند و دهان را خوشبو کند و لعاب بن دندانها را کم کند و بلغم را کم کند و تجوا مبتلا بسبب خوردن طعام و آشامیدن آب بهم نرساند و زیادتی قولنج و عزاب مبتلا نی نکردد و درد پشت و درد شکم بهم نرساند و از زکام آزار نکشد و درد دندان بهم نرساند و درد معده و کرم معده را پاک کرداند و محتاج بحجامت نکردد و از مرض بواسیر و خارش بدن و آبله و دیوانگی و خوره و پیسی و رعاف و قی نجات یابد و کور و لال و کر و زمینگیر نشود و آب سیاه در دیده اش نزول نکند و درد بکه موجب افطار روزه و نقصان نماز او باشد او را عارض نکردد و از وسوسهای جنیان و شیاطین مبتلا نکردد پس حضرت رسالت فرمود که جبرئیل گفت هر که از این آب بیاشامد و بجمیع دردهائیکه در مردم باشد مبتلا باشد موجب شفاء از جمیع آنها کردد پس جبرئیل گفت بحق خداوندیکه ترا براستی فرستاده هر که این آیات را بر این آب بخواند و بیاشامد حق تعالی دلش را مملو کرداند از نور و روشنی و الهام خود را در دل او وارد ساند و حکمت بر زبان او جاری کرداند و پر کند دل او را از فهم و بینائی و باو عطا کند از کرامتها انچه باحدی از عالمیان عطا نکرده باشد و هزار مغفرت و هزار رحمت براو بفرستد و غش و خیانت و غیبت و حسد و بغی و کبر و بخل و حرص و غضب از دل او برطرف شود و از عداوت و دشمنی مردم و بدگوئی ایشان نجات یابد و موجب شفای جمیع امراض و کردد مؤلف گوید که این روایت مشهور بعبد الله بن عمر منتهی میشود و با سبب سندش ضعیفست و فقیر بخط شیخ شهید دیدم که این روایت از حضرت امام جعفر صادق روایت کرده بود با همین خواص و سورهها اما آیات و اذکار را باین روش روایت کرده است میخوانی بر آب نیسان فاتحة الکتاب و آیة الکرسی و قل یا ایها الکافرون و سبح اسم ربک الاعلی و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله احد هر یک را هفتاد مرتبه و هفتاد مرتبه لا اله الا الله بگو و هفتاد مرتبه الله اکبر و هفتاد مرتبه اللهم صل علی محمد و آل محمد و هفتاد مرتبه سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر و در خواص این مذکور است که اگر در زندان باشد و از آن آب بیاشامد از حبس نجات یابد و سردی بر طبع او غالب نکردد و اکثر از خواصی که مذکور شد در این روایت نیز مذکور است و آب باران نیز مطلقا بسیار نافع است و منفعت دارد خواه در نیسان و خواه در غیر آن چنانچه در حدیث معتبر از حضرت امیرالمؤمنین ع منقولست که بیاشامید آب آسمان را که پاک کننده بدن شماست و دردها را دفع میکند چنانچه حق تعالی میفرماید وَیُنَزِّلُ عَلَیْکُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِیُطَهِّرَکُمْ بِهِ وَیُذْهِبَ عَنْکُمْ رِجْزَ الشَّیْطَانِ وَلِیَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِکُمْ وَیُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ یعنی میفرستد حق تعالی بر شما از آسمان آبی برای آنکه پاک کرداند شما را بآن و ببرد از شما وسوسه شیطان را و دلهای شما را محکم کرداند و ثابت کرداند بآن قدمهای شما را و در عمل نیسان هیچ است که جمعی خوانند هر یک مجموع السورها و اذکار را هفتاد مرتبه بخوانند و از برای آنها که میخوانند فایده عظیم تر و ثوابش بیشتر است و در این سالها بعد از بیست و سه روز که از نوروز بگذرد تقریبا داخل نیسان ماه رومی میشود و ماه نیسان سی روز است و از حضرت صادق ع منقولست که در هفتم حزیران البته حجامت بکن و اگر میسر نشود در چهاردهم بکن و اول حزیران تقریبا هشتاد و چهارم نوروز است و آن نیز سی روز است و حزیران ماه نحسیست چنانچه در حدیث معتبر منقولست که در حدیث

حضرت صادق ع ماه حزیران مذکور شد حضرت فرمود که این ماهیست که حضرت موسی ع در این ماه نفرین
کرد بر بنی اسرائیل و در یک شب و یک روز سیصد هزار کس ایشان مردند و باز بسند معتبر از آنحضرت
منقولست که حق تع اجلها را در ماه حزیران نزدیک میکرداند یعنی موت در آن بسیار میباشد و
بدانکه ماههای رومی بنابر حرکت آفتابست و عدد آنها دوازده است باین ترتیب تشرین الاول تشرین
الآخر کانون الاول کانون الآخر شباط آذار نیسان ایار حزیران تموز آب ایلول و چهار ماه را سی میگیرند
که آنها تشرین الآخر و نیسان و حزیران و ایلول اند و هفت دیگر را سی و یکروز میگیرند و شباط را
در سه سال متوالی بیست و هشت میگیرند و در سال چهارم که سال کبیسه ایشانست بیست و نه میگیرند
و سال ایشان سیصد و شصت و پنج روز و ربعی است و تشرین الاول که اول سال ایشانست در این سالها
موافق نوزده درجه میزانست و تفصیلش در کتاب بحار الانوار مذکور است و چون این ماهها در
احادیث مذکور شده است مجملی در اینجا ایراد نمودیم **باب سیزدهم** در بیان احکام اموات و در آن
پنج فصل است **فصل اول** در بیان آداب و احکام حال احتضار است و بر داشتن میت است باید که چون در بیمار
آثار موت ظاهر شود متوجه احوال خود گردد و از گناهان خود توبه کند و بر گذشتها نادم و پشیمان گردد و عازم
گردد که اگر زنده بماند مرتکب معصیت الهی نگردد پس وصیت کند بحقوق خدا و خلق آنچه در ذمه او باشد ادا
کند و بدیگران نکذارد پس بقدر ثلث مال خود وصیت کند که بخویشان پریشان و فقرا و مساکین
و سایر وجوه بر صرف نمایند پس برای خود از برادران مؤمن بطلبد هر که را غیبت کرده باشد یا اذیتی
رسانیده باشد اگر حاضر باشند از ایشان التماس نماید که از او عفو کنند و اگر غایب باشند از حاضران
التماس نماید که از او نیز عفو کنند ایشان را از او راضی گردانند و از برای ایشان استغفار نماید پس اموال و اطفال
و عیال خود را بعد از توکل بر جناب اقدس الهی بامینی بگذارد و وصیتی برای اولاد صغیر خود تعیین نماید پس کفن
خود را حاضر سازد و شهادتین و اقرار بائمه و ادعیه که وارد شده است که سنتست که بر کفن نوشته شود
بفرماید که بتربت حضرت امام حسین ع بر آن بنویسند و اگر پیشتر کفن مهیا نکرده باشند اما مؤمن را سنتست
که کفن پیوسته با او باشد چنانچه از حضرت صادق ع منقولست که هر که کفنش با او باشد در خانه اش او را
از غافلان ننویسند و هرگاه نظرش بر آن کفن افتد برای او حسنه نوشته میشود و باید که در آنوقت امیدوار
رحمت حق تعالی و شفاعت رسول خدا و ائمه هدی علیهم السلام بوده باشد و بسند معتبر از حضرت رسالت
پناه ص منقولست که هر که در وقت مرگ وصیت نیکو نکند علامت کمی عقل و نقص مروت و مردی اوست
گفتند یا رسول الله چگونه وصیت کند فرمود که چون اَللّٰهُمَّ فَاطِرَ السَّمٰوَاتِ وَ الْأَرْضِ عَالِمَ
وفات او شود و مردم نزد او جمع شوند بگوید

خداوندا آفریننده آسمانها و زمین داننده

اَلْغَیْبِ وَ الشَّهَادَةِ الرَّحْمٰنَ الرَّحِیمَ اِنِّی اَعْهَدُ اِلَیْکَ اَنِّی اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا

نهان و آشکار بخشنده مهربان بدرستیکه من عهد کردم بسوی تو بدرستیکه من گواهی میدهم اینکه نیست خدائی مگر

اَنْتَ وَحْدَکَ لَا شَرِیکَ لَکَ وَ اَنَّ مُحَمَّداً صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ اٰلِهِ عَبْدُکَ وَ رَسُولُکَ

خدای یگانه نیست شریکی مر ترا و اینکه محمد رحمت خدا بر او و آل او بنده تو و فرستاده تو

باب سیزدهم در احکام اموات

نزدیک

وَاَنَّ السّاعَةَ آتِيَةٌ لا رَيْبَ فيها وَاَنَّكَ تَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ وَاَنَّ الْحِسابَ حَقٌّ وَ
و اینکه قیامت خواهد آمد نیست شکی در آن و اینکه تو برانگیزانی مردگان را در قبرها و اینکه حساب حق
اَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَما وَعَدَ اللّٰهُ فيها مِنَ النَّعيمِ مِنَ الْمَاْكَلِ وَالْمَشْرَبِ وَالنِّكاحِ حَقٌّ وَاَنَّ
و اینکه بهشت حق و آنچه وعده کرده خدا در آن از نعمت از خوردنی و آشامیدنی و نکاح حق و اینکه
النّارَ حَقٌّ وَاَنَّ الْايمانَ حَقٌّ وَاَنَّ الدّينَ كَما وَصَفْتَ وَاَنَّ الْاِسْلامَ كَما شَرَعْتَ وَاَنَّ
آتش حق و اینکه ایمان حق و اینکه دین آنچه وصف کرده و اینکه اسلام چنانکه بیان کرده و اینکه
الْقَوْلَ كَما قُلْتَ وَاَنَّ الْقُرْآنَ كَما اَنْزَلْتَ وَاَنَّكَ اَنْتَ اللّٰهُ الْحَقُّ الْمُبينُ وَاِنّي اَعْهَدُ اِلَيْكَ
گفتار چنانکه گفته و اینکه قران چنانکه فرستاده و اینکه توئی خدای حق و هویدا و بدرستیکه من عهد کردم بسوی تو
في دارِ الدُّنْيا اَنّي رَضيتُ بِكَ رَبّاً وَبِالْاِسْلامِ ديناً وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
در دار دنیا بدرستیکه پسندیدم بتو پروردگاری و باسلام دینی و بمحمد رحمت خدا براو و آل او
نَبِيّاً وَبِعَلِيٍّ اِماماً وَبِالْقُرْآنِ كِتاباً وَاَنَّ اَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلامُ
پیغمبری و بعلی پیشوائی و بقران کتابی و اینکه خانواده پیغمبر تو براو و بر ایشان سلام باد
اَئِمَّتي اَللّٰهُمَّ اَنْتَ ثِقَتي عِنْدَ شِدَّتي وَرَجائي عِنْدَ كُرْبَتي وَعُدَّتي عِنْدَ الْاُمُورِ الَّتي
پیشوایان منند خدایا تو اعتماد منی نزد سختی من و امید منی نزد اندوه من و ذخیره منی نزد کارها
تَنْزِلُ بي وَاَنْتَ وَلِيّي في نِعْمَتي وَاِلٰهي وَاِلٰهُ آبائي صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَلا تَكِلْني اِلى نَفْسي طَرْفَةَ
که فرود آید بمن و تو دوست منی در نعمت من و خدای من و خدای پدران من رحمت بر محمد و آل او و مگذار مرا بسوی نفس من بر هم زدن
عَيْنٍ اَبَداً وَآنِسْ في قَبْري وَحْشَتي وَاجْعَلْ لي عِنْدَكَ عَهْداً يَوْمَ اَلْقاكَ مَنْشُوراً پس حضرت رسول
دیده هرگز و انس ده در قبر من ورمیدن مرا و بگردان نزد خود عهدی که باشد در روز ملاقات تو نشر کرده شده

فرمود که این عهد و پیمان میتست با خدا در روزیکه میخواهد وصیت کند و وصیت واجب و لازم
بر هر مسلمانی و صحیفه اعتقادات را چنانکه در کتاب حلیة المتقین ذکر کرده‌ام درست کند و بمهر
گواهان برسانند تا در میان کفن او بگذارند و چون آثار احتضار ظاهر شود باید دعای عدیله را مکرر بخواند
اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيَ الْكَثيرَ مِنْ مَعاصيكَ وَاقْبَلْ مِنِّي الْيَسيرَ مِنْ طاعَتِكَ تا جان کندن بر او آسان گردد و باید که اولاد
خداوندا بیامرز برای من بسیاری از نافرمانی تو و بپذیر از من اندکی از طاعت خود
و برادران مؤمن در اینحالت او را تنها نگذارند و نزد او قرآن و دعا بخوانند و سوره یس و والصافات
را نزد او بخوانند و اعتقاد بوحدانیت خدا و صفات کمالیه الهی و رسالت حضرت رسالت و امامت ائمه هدی
بتفصیل و اعتقاد بمعاد و بهشت و دوزخ و سؤال قبر و سایر اعتقادات حقه را مکرر تلقین او کنند که بگوید
و بیاد او آورند و اگر نتواند خواند نزد او بخوانند و دعای عدیله را برای او بخوانند و اگر عربی نداند مضمونش را
برای او القا کنند که در این وقت شیطان بر او دست می‌یابد که او را از دین بر گرداند و باید که کلمه طیبه لا
اله الا الله بسیار بگوید و مکرر تلقین او کنند زیرا که در حدیث معتبر وارد است که هر که سخن آخر او لا اله
الا الله باشد داخل بهشت شود و در حدیث معتبر وارد است از حضرت امام محمد باقر که تلقین کنید مردگان را

خود را لا اله الا الله بدرستیکه گناهان را در هم میشکند و مونس مؤمنست در حال حیوة و نزد مردن و نزد مبعوث گردیدن و هر که در هنگام مرگ این کلمهٔ طیبه را بگوید داخل بهشت گردد و احوط آنستکه در اینحال پای او را بجانب قبله بگردانند تا ملائکهٔ رحمت با و رو آورند و در اینوقت حایض و جنب نزد او نباشند که ملئکه از ایشان نفرت میکنند و اگر بغیر ایشان کسی نباشد جایز است که برای ضرورت پرستاری او نمایند و چون نزدیک شود که جانش بدر رود همه بیرون روند و در احادیث معتبره وارد شده است که اگر جان کندن بر او دشوار باشد او را ببرند در جائیکه همیشه نماز میکرده است یا بخوابند او را بر روی جانمازیکه بر او نماز میکرده است زیرا که اگر امید شفا هست شفا مییابد و الا جانش باسانی بر میاید و از حضرت امام رضا ع منقولستکه زنهار در حال احتضار دست بر او مگذارید و اگر دست و پا حرکت دهد مانعش مشوید چنانچه جاهلان میکنند و نزد او قران بخوانید یاد خدا بکنید صلوات بر رسول و آل او بفرستید و در حدیث دیگر منقول است که فرزندی از حضرت صادق ع در احتضار بود و حضرت امام محمد باقر ع در کنار خانه نشسته بود هر که نزدیک او میرفت منع میکرد و میفرمود که دست بر او مگذارید که او در اینحال در نهایت ناتوانیست و هر که دست بر او میگذارد چنانست که او را کشته است و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر ع منقولستکه هرگاه کسی را وقت جان کندن بیابید کلمات لا اله الا الله الحلیم الکریم لا اله الا الله العلی

فرج را تلقین او کنید و کلمات فرج اینست

نیست خدائی مگر خدای بردبار بزرگ نیست خدائی مگر خدای بلند مرتبه

العظیم سبحان الله رب السموات السبع و رب الارضین السبع و ما فیهن و ما بینهن

بزرگ پاکست خدا پروردگار آسمانهای هفتگانه و پروردگار زمینهای هفتگانه و آنچه در آنهاست و آنچه میان آنهاست

و رب العرش العظیم و الحمد لله رب العالمین و در حدیث دیگر منقولستکه چون این کلمات را تلقین

و پروردگار عرش بزرگ و حمد مر خدا پروردگار جهانیان

کسی میکردند حضرت امیر المؤمنین ع میفرمود که بره که دیگر بر تو باکی نیست و حضرت رسول ص این کلمات را تلقین شخصی کرد و چون او خواند حضرت فرمود که الحمد لله خدا او را از آتش جهنم نجات داد و از حضرت صادق ع منقولستکه هیچکس نیست مگر آنکه شیطان در وقت مردن جمعی از شیاطین را موکل میگرداند بر او که او را بشک اندازند در دین خود تا جانش مفارقت کند و اگر مؤمن کامل باشد نمیتوانند بر او دست یافت پس در اینحال تلقین ایشان بکنید کلمات فرج و شهادت بوحدانیت خدا و اقرار بحضرت رسالت و ائمهٔ طاهرین علیهم السلم یک یک بخصوص تا از سخن گفتن باز مانند و ایضا سنتست که برای یا من یقبل الیسیر و یعفوا عن الکثیر اقبل منی اسانی جان کندن باید دعا را تلقین او کنند

ای آنکه میپذیرد اندکرا و در میگذرد از بسیار بپذیر از من

الیسیر و اعف عنی الکثیر انک انت العفو الرحیم و بروایت انک انت العفو الغفور

اندکرا و درگذر از من بسیار را بدرستیکه توئی آمرزنده مهربان دیگر بدرستیکه توئی درگذرنده آمرزنده

و چون روح او مفارقت کند سنتست که دهانش را بر هم گذارند و چانه اش را ببندند و چشمهایش را بهم آورند و دستهایش را بر پهلوهایش بکشند و او را بجای درستی یا جامه بپوشانند و قران نزد او بخوانند و زود دفنش بردارند مگر بقدر جمع شدن مؤمنان اگر اشتباهی در موت او نباشد و اگر مشتبه باشد

تا یقین نشود موتش بر ندارند و از حضرت صادق ع منقولست که سزاوار است که برادران مؤمن را خبر کنند
بمردن او تا بجنازهٔ او حاضر گردند و بر او نماز کنند و از برای او استغفار کنند و میت و ایشان همه ثواب ببرند
و در حدیث حسن از حضرت صادق ع منقولست که چون مؤمن را بقبر میگذارند ندا میکنند که اول عطائی که
ترا دادیم بهشت است و اول عطائی که بداریم آنها را که با جنازهٔ تو آمده اند آمرزش گناهانست و در حدیث
دیگر فرمود که اول تحفهٔ که بمؤمن میدهند در قبر آنست که بیامرزند هر کس را که همراه جنازهٔ او بوده است
و در حدیث دیگر فرمود که هر که همراهی جنازهٔ مؤمنی بکند تا او را دفن کنند حق تعالی در قیامت هفتاد
ملک بر او بگمارد که همراهی او نمایند و استغفار برای او کنند از قبر تا موقف حساب و فرمود که هر که بیک طرف
جنازه را بگیرد بیست و پنج گناه کبیره اش آمرزیده شود و اگر چهار طرفرا بگیرد از گناهان بیرون آید و باید جنازه
را چهار کس بردارند و بهتر آنست که از برای کسیکه تشییع جنازه کند اول دست راست میت را که جانب
چپ جنازه است بدوش راست خود بردارد پس پای راست میت را بدوش راست بردارد پس از پشت
جنازه برود و پای چپ میت را بدوش چپ خود بردارد پس دست چپ میت که در جانب راست جنازه است
بدوش چپ بردارد و چون خواهد که بار دیگر تربیع کند از پیش جنازه نرود بلکه از جانب پشت جنازه
برگردد و باز بهمان روش تربیع کند و اکثر علما بر عکس گفته اند که اول ابتدا بدست راست جنازه
میکند پس بپای راست پس بپای چپ پس بدست چپ و اول موافق احادیث معتبره اولیست و اگر
هر دو را بعمل آورند بهتر است و افضل آنستکه عقب جنازه یا پهلوی آن راه رود و پیش جنازه راه نرود
و ظاهر اکثر احادیث آنستکه اگر جنازهٔ مؤمن باشد پیش آن راه رفتن خوب است و در جنازهٔ خلاف
مذهب خوب نیست زیرا که ملائکه او را استقبال بعذاب میکنند و با جنازه سواره رفتن مکروه است
و از حضرت رسول ص منقولست که هر که اَللّٰهُ اَکْبَرُ هٰذَا مَا وَعَدَنَا اللّٰهُ وَ رَسُولُهُ وَ صَدَقَ اللّٰهُ
خدا بزرگتر است اینست آنچه وعده داد ما را خدا و فرستاده او و راست گفت خدا
جنازه را ببیند این دعا را بخواند
وَ رَسُولُهُ اَللّٰهُمَّ زِدْنَا اِیمَاناً وَ تَسْلِیماً اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی تَعَزَّزَ بِالْقُدْرَةِ وَ قَهَرَ الْعِبَادَ بِالْمَوْتِ
و فرستاده او خدایا بیفزا ما را ایمان و انقیاد حمد مر خدا را که عزیز است بتوانائی و غلبه کرد بندگان را بمرگ هیچ
ملکی در آسمان نماند مگر آنکه گریه کنند از برای ترحم با او و از حضرت بِسْمِ اللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ
بنام خدا و بخدا خدایا رحمت فرست
صادق ع منقولست که در وقت برداشتن جنازه این دعا را بخوانند
مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِینَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ و منقولست که حضرت امام زین العابدین اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ
بر محمد و آل محمد و بیامرز مر مؤمنین و مؤمنات را سپاس مر خدا را
علیه السلام هر گاه جنازه را میدید میگفت
الَّذِی لَمْ یَجْعَلْنِی مِنَ السَّوَادِ الْمُخْتَرَمِ و زنان را تشییع جنازه سنت نیست و بعضی گفته اند که
که نگردانید مرا از سیاهی
جنازه را دنبال نکند بردن مکروه است و مجمره بردن با جنازه
کراهت دارد و در روز چراغ بردن خوب نیست و اسراف است و در شب خوب است و مکروه است کسیرا که بجنازه
حاضر شود خندیدن و حرف باطل گفتن فصل دویم در غسل دادن میت بدانکه احکام میت غسل
دادن و کفن کردن و نماز کردن و دفن کردن و احکام پیش همه واجب کفائیست یعنی بر همه واجبست

واگر یکی بکند از همه ساقط میشود واگر همه ترک کنند همه معاقب میشوند مشهور میان علما اینستکه ولایت
این معنی تعلق بوارث میت دارد و بی تخصیص او دیگری متوجه اینها نمیتواند شد و مردان و در شرا و لایت
از زنان و شوهر اولیست از دیگران واحوط اینستکه بی ضرورت خود غسل ندهد و غسل و نماز و سایر
احکام میت واجبست برامیت شیعه اثنا عشری و در سنی و سایر فرق مخالفان خلافست وظاهر
واجب نباشد مگر در حال تقیه و شهید یکه در جهاد با امام زمان کشته شده باشد در معرکه مرده
باشد او را غسل نمیدهند و کفن نمیکنند بلکه نماز میکنند و با جامها که پوشیده است دفن میکنند
و بعضی گفته اند در هر جهاد حقی که کشته شود چنین است و خالی از قوتی نیست و مشهور میان اصحاب
اینستکه هرگاه از میت عضوی یافت شود که در ان استخوان باشد میشویند و کفن میکنند و دفن میکنند
و بعضی سه کفن را در اینجا واجب دانسته اند واگر بعضی باشد که دل در ان باشد نماز هم میباید کرد واحوط
اینستکه اگر سینه را تنها بیابند باز چنین کنند و همچنین اگر جمیع استخوانهای میت را بیابند و عضویکه بی
استخوان باشد مشهور اینستکه در لته میپیچند و دفن میکنند و بعضی لته پیچیدن را واجب ندانسته اند و بچه
که از شکم ساقط شود هرگاه که چهار ماه زیاد داشته باشد غسل میدهند و کفن میکنند و دفن میکنند
و نماز نیست و بعضی گفته اند سه جامه کفن میکنند و حنوط میکنند و هرگاه چهار ماه نداشته باشد مشهور
اینستکه در لته میپیچند و دفن میکنند و در روایتی در لته پیچیدن مذکور نیست و بعضی تمام شدن
خلقت طفل را اعتبار کرده اند در غسل و کفن نه چهار ماه و این احوط است واگر عضو استخوان داری از زنده برید
باشند احوط اینستکه غسل و کفن و دفن بکنند اگر چه ظاهر عدم وجوبست واگر طفل در شکم مادر مرده باشد
و مادر زنده باشد اگر توانند درست بیرون آورند و الا پاره پاره میکنند و بیرون میاورند واگر مادر بمیرد
و طفل زنده باشد شکم مادر را میشکافند از جانب چپ طفل را بیرون میاورند و بهتر اینستکه شکمش را
بدوزند و واجبست که مرد را مرد غسل دهد و زن را زن الا چند موضع اول زن و شوهر که بقول اشهر
واقوی که هر یک دیگری را غسل میتوانند داد واحوط اینستکه از زیر جامه غسل دهند و نظر بعورت نکنند
و بهتر اینستکه بدون ضرورت غسل ندهند خصوصا مرد زن را دویم جایز است که آقا کنیز خود را غسل
دهد هرگاه زن کسی یا در عده کسی نبوده باشد و در غسل کنیز آقا را خلافست سیم جایز است که مرد
اجنبی غسل دهد دختر سه ساله را برهنه و زن اجنبیه پسر سه ساله را برهنه و بعضی در پنج ساله نیز
تجویز کرده اند چهارم هرگاه مردی فوت شود و مردی نباشد که او را غسل دهد زن محرم او را غسل
میتواند داد از زیر جامه و همچنین است هرگاه زن فوت شده باشد و ظاهرا در حال اختیار نیز محارم یک
دیگر را غسل میتوانند داد و اما احوط اینستکه تا ممکن باشد زن را زن و مرد را مرد غسل دهد و اما
کیفیت غسل بهتر اینستکه پیش از غسل کفن را مهیا کنند و اول حبره را و بعد از ان سرتاسری و بعد از ان
پیراهن را برکه دانند و لنگ را و بعد از ان زان پیچ را بجای خود پهن کنند پس متوجه غسل شود واگر میسر باشد
که میت را در وقت غسل بر روی تختی یا تخته بخوابانند بهتر است و مستحب است که در وقت غسل دادن پای
میت بسوی قبله باشد بطریق حال احتضار و بعضی واجب دانسته اند و در سایر احوال نباید چنین باشد مگر در

خم کنند و نصف بالای پیراهن را

لحاف از وجال دفن و باید ختنه‌هایش را بکنند و اگر خواهند با پیراهن غسل دهند و اگر خواهند لنگ ببندند و پیراهن را بکنند و بر هر تقدیر واجب است که در وقت غسل دادن عورتین میت را بپوشانند و مشهور آنست که واجب است که اول ازالهٔ نجاست از بدن میت بکنند و سنت است که برای حرمت میت پیراهن را از طرف پا بیرون آورد و اگر تنگ باشد بازو و ریشهٔ بشکافند و سنت است که در زیر سقفی یا خیمه غسل دهند که برابر آسمان نباشد و سنت است که دو نفر باشند غسل دهنده یکی آب بریزد و دیگری بگرداند و بهتر است و مستحب است که انگشتان میت را با ملایمت بعد از آن نرم کنند و اگر دشوار باشد و خوف شکستن باشد دست بردارند و واجبست که میت را سه غسل بدهند اول باب سدر و بعد از آن باب کافور و بعد از آن باب خالص و سنت است که اول دستهای میت را تا نصف ذراع سه مرتبه بشوید بنا بر بعضی از روایات پس عورت میت را بشوید و احوط آنست که چون خواهد عورت را بشوید البته بر دست ببندد که بر عورت نرسد و اگر بدست چپ بشوید بهتر است و سنت است که اول عورت میت را بکف سدر و اشنان سه مرتبه بشوید و آب بسیار بریزد تا خوب پاک شود پس دست بر بالای شکمش بگذارد و بنرمی و همواری پایین کشد که اگر فضله باشد بیرون آید و اگر چیزی بیرون آید مخرج را بشوید و اگر زن حامله باشد و خوف افتادن فرزند باشد دست بر شکمش نکشد و علما گفته‌اند سنت است که سر و ریش را پیش از غسل بکف سدر بشوید پس سنت است که دستها خود را تا مرفق بشوید یعنی آنکسیکه دست بر میت میگذارد پس وضو دهد میت را بروش وضوی زندگان باب خالص و بعضی واجب دانسته‌اند و نیت کند که وضو میدهم این میت را قربة الی الله پس رو و دستهایش را بشوید و سر و پاهایش را مسح کند پس ابتدا کند بغسل و احوط آنست که آب ریزنده و گرداننده اگر دو کس باشند هر دو نیت کنند و بهتر آنست که نیت هر سه را اول بکنند و از برای غسل کافور و قراح نیز نیت جدا کنند پس اول نیت میکنند که این میت را غسل میدهم باب سدر و کافور و قراح از جهة آنکه واجب است از برای رضای خدا یا قربة الی الله پس سر میت را باب سدر میشوید و احوط آنست که اول بجانب راست سر آب بریزد و بعد از آن بجانب چپ و سنت است که سر را و هر جانب را سه مرتبه بشوید پس میت را بر پهلوی چپ بخوابانند و جانب راست را بشوید و سنت است که سه مرتبه بشوید و هر سبوئی را که میریزد قطع نکند تا بپایان رساند و آنکه میت را می‌گرداند در هنگام آب ریختن دست بر پشت و شکم بمالد بهمواری که آب خوب برسد بهتر است و دست میت را از پهلو جدا کند تا آنکه آب بزیر آن برسد و چنان کند که آب بزیر لنگ و عورت و ران و سایر اعضا خوب برسد پس میت را بگردانند بر پهلوی راست بخوابانند و پهلوی چپ را بهمان طریق که مذکور شد سه مرتبه بشوید و در آب سدر رسمی کافیست و مشهور آنست که حدی ندارد و بعضی گفته‌اند که باید هفت برگ سدر باشد و بعضی یکرطل و بعضی یکرطل و نیم گفته‌اند که نزدیک به بیست و پنج درم و زیاده بوده باشد و گویا این زیادتیها برای شستن فرج و سایر اعضا پیش از غسل بوده باشد و احوط آنست که در آب غسل انگشت داخل نکند که مضاف شود و آبش نگویند و بعضی روایات در شستن هر دو جانب شستن نصف سر نیز وارد شده است و شاید بد نباشد اگرچه خلاف مشهور است پس میت را بر پشت میخوابانند

و تا زنها

وظرفها را میشویند که اثر سدر از آنها برطرف شود و اندک کافور را ریزه ریزه میکنند و داخل میکنند
و غسل دهنده دستهای خود را تا مرفق میشوید بهتر آنست که دست میت را نیز تا نصف ذراع سه
مرتبه بآب کافور بشوید و فرجش را سه مرتبه بشوید بهمان نحو که گذشت یا دستمالی بر دست بپیچد و
دست بر شکم میت بکشد بهمواری و بهتر آنست که آنکه دست بشکم میکشد سر میت را بلند کند که فضلات
از آن طرف بیرون نرود پس احتیاطا آب بریزند و گردانند هر دو نیت کنند که این میت را غسل میدهیم
بآب کافور از برای آنکه واجبست از برای رضای خدا پس سرش را بشویند و سنت است که سه مرتبه بشوید
و در هر مرتبه ابتدا بجانب راست سر کنند و گردانند بهمواری دستی بمالد پس جانب راست را سه مرتبه و
جانب چپ را سه مرتبه بنحوی که در غسل سدر مذکور شد بشوید پس میت را بر پشت بخواباند و باز دست
خود را تا مرفقین بشوید و ظرفها را خوب بشوید که اثر سدر و کافور در آنها نماند و اگر سبوی دیگر برای
آب قراح مهیا کند بهتر است و احوط آنست که آب غسل قراح را از حوضی که آب سدر و کافور در آن ریخته
شده است بر ندارند و از آبی بردارند که اینها مطلقا در آن داخل نشده باشد پس دستهای میت را تا نصف
ذراع سه مرتبه بآب خالص بشوید استحبابا و فرج میت را نیز بآب خالص سه مرتبه بشویند و اگر در آن وقت
نیز باز دیگر میت را وضو دهند شاید بهتر باشد پس احتیاطا نیت کنند که غسل میدهیم این میت را بآب
قراح از جهت آنکه واجبست قربة الی الله پس سر را سه مرتبه و جانب راست سه مرتبه و جانب چپ را سه مرتبه
بشوید که یک مرتبه واجبست و دو مرتبه سنت و بهتر آنست که گردانند بهمواری در وقت ریختن دستی بکشد
بر بدنش و پیش از این غسل و در اثنای این غسل دست بر شکم این میت نمیکشد و چون از این هر سه
غسل فارغ شود اگر خوف خروج نجاستی بوده باشد قدری پنبه در دبرش داخل کند و همچنین در دهان
و بینی قدری از پنبه داخل کند اگر خوف بیرون آمدن خون یا نجاستی بوده باشد پس سنت است که بدنش را
با جامه خشک کنند و بعد از آن او را بر روی جامهای کفن بگذارند و سنت است که هر مرتبه که میت را از جانبی بجانبی
گردانند ابتدا بگویند اللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذا بَدَنُ عَبْدِكَ الْمُؤْمِنِ وَقَدْ اَخْرَجْتَ رُوحَهُ مِنْهُ وَفَرَّقْتَ بَيْنَهُما
خداوندا بدرستیکه این تن بنده تو گرویده و بتحقیق که بیرون کردی جان او را از بدن او و جدائی انداختی میان
فَعَفْوَكَ عَفْوَكَ پس اگر زن باشد بگوید اللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذا بَدَنُ اَمَتِكَ الْمُؤْمِنَةِ و اگر رو بها بگوید بهتر است و در
پس در گذر در گذر — خداوندا بدرستیکه این تن کنیز تو گرویده
سایر احوال غسل مکرر بگوید رب
عَفْوَكَ عَفْوَكَ تا خدا او را بیامرزد و سنت است که هر چه از عیب میت بر او ظاهر شود بکسی نقل نکند تا حق
تعالی گناهان او را بیامرزد چنانچه از مادر متولد شده و مستحبست که غسل دهنده از جانب راست بایستد
و گودالی در برابر قبله بکنند و تخته سرازیر باشد که آب غسل در آن گودال رود و مکروهست که آب غسل را
بچاله که در آن بول و غایط کنند بریزند و اگر چاله باشد که کثافات خانه در آن بریزند قصوری ندارد و مکروهست
میت را بآب گرم غسل دادن مگر در حال ضرورت و مکروهست که میت را در میان پاها خود بگیرد و
ایضا مکروهست که ناخن میت را یا موی او را بگیرند یا شانه بکنند و اگر بگیرند ناخن و مو را یا موئی در اثنای

غسل جدا شود باید که در میان کفن گذارد و با میت دفن کنند حتی منقولست که دندانی از حضرت امام محمد باقر علیه السلام کنده شد و بحضرت صادق علیه السلام داد و فرمود که با من دفن کن در قبر و اگر سدر و کافور بهم نرسد یکمرتبه بآب قراح غسل دهند و احوط آنستکه سه مرتبه غسل دهند و اگر پیش از دفن بهم رسد احوط آنستکه مرتبهٔ دیگر او را غسل دهند و اگر آب بهم نرسد یا میت را غسل نتوان داد که خوف آن باشد که بدن میت از هم بپاشد تیمم دهند او را و ظاهر اینست که یک تیمم کافیست و سه تیمم احوطست و بهتر آنستکه تیمم را چنین بدهد که نیت کند که تیمم میدهم این میت را بدل از غسلهای سدر و کافور و قراح از جهة آنکه واجبست برای رضای خدا و تیمم دیگر را قصد کند که تیمم میدهم این میت را بدل از غسل کافور احتیاطا قربة الی الله و هم چنین قراح را و چون نیت کند دست خود را بر خاک زند و بر پیشانی میت بکشد و دیگر بر پشت دست راست میت بکشد و بعد از آن بر پشت دست چپ میت بکشد و اگر بدو ضرب تیمم دهد یکبار برای رو و یکبار برای دستها خوبست و اگر میت محرم باشد او را غسل کافور ندهند و حنوط نکنند فصل سیم در کفن کردن میت است واجبست که میت را سه کفن کنند و اکثر علما گفته اند که اول لنگست که از ناف تا بعضی از ساق را بپوشد و بعضی گفته اند سنت است که سینهٔ او را بپوشد و تا پاها برسد و دویم پیراهن است و سیم سرتاسری که جمیع بدن را بپوشد و بعضی از علما گفته اند که پیراهن سنت و دو سرتاسری جایز است که بجای پیراهن یک سرتاسری دیگر بکنند که مجموع سه سرتاسری بوده باشد و این قول اظهر است و احادیث معتبره بر این دلالت دارد و احوط آنستکه با اینها لنگ بکنند و با ضرورت یک سرتاسری کافیست و باید که کفن حریر محض نباشد و احوط آنستکه کفن زنان نیز حریر محض نباشد و احوط آنستکه کفن از پوست نبوده باشد و بهتر آنستکه از پشم و مو نیز نبوده باشد و مستحبست که از پنبهٔ سفید بوده باشد و گفته اند که سرتاسری بالا از جملهٔ دو سرتاسری حبره باشد و آن جامه بود که از یمن میآورده اند و الحال معلوم نیست و دور نیست که اگر بجای آن قطنی سفید بکنند بد نباشد و علما گفته اند سنت است که اول جانب چپ لفافه را بر جانب راست میت اندازند و بعد از آن جانب راست لفافه را بجانب چپ میت و بهتر آنستکه چنین کند اگر چه مستندش بنظر نرسیده و سنت است که خرقهٔ طویلی که عرضش یک شبر و نیم و طولش اقلا سه ذرع هم باشد بذراع دست زیاد نکنند بر آن پیچ با آنکه سر آنرا بشکافند و بر کمر میت ببندند و پنبهٔ بسیار بر دو فرج میت بگذارند و اگر زن باشد پنبه بیشتر بگذارند و اگر بر پنبه قدری کافور بپاشند شاید بد نباشد و سر دیگر خرقه را از میان پاها بگذرانند و از زیر آنچه بر کمرش بسته اند بیرون آورند و محکم بکشند که فرج را و پنبه که گذاشته اند فرا گیرد و پاها را بهم آورند و آنها را بسر دیگر آن خرقه سخت ببندند و بپیچند تا زانوها هر جا که منتهی شود سرش را در آنچه پیچیده اند فرو برند و سنت است که عمامه از برای مرد زیاد کنند که بدور سرش بگردانند و موافق مشهور نیز بر حنک بگردانند و سرهای عمامه را از هر طرف بدر آورند و بر سینهٔ میت بیندازند چپ را بجانب راست و راست را بر جانب چپ و بدل عمامهٔ مرد از برای زن مقنعه زیاد کنند و پارچه بر سینهٔ زن ببندند که پستانهای او را بگیرد و بر پشتش گره زنند و مکروهست که کفن از کتان باشد یا پیراهنی تازه کنند که آستین داشته باشد اما اگر میت را در پیراهن خودش کفن کنند ضرری نیست بریدن آستین و با آستین باکی نیست

اما آنکه او بندهای آن را ببرند و سنتست که میت را کفن کنند در پیراهنی که در آن نماز میکرده است و اگر در پیراهن بعضی از علما و صلحا نیز کفن کنند و مستحبست که کفن خوش قماش و صاحب قیمت باشد چنانچه در حدیث وارد شده که نیکو کنید کفنهای مردگان خود را که زینت ایشانست و بان کفنها در قیامت مبعوث میشوند و سنتست که در قیمت کفن مضایقه و مبصری نکنند و کفن از مال بسیار حلال بی شبهه باشد و موافق مشهور سنت است که بر کفن اقرار بر شهادتین و اقرار بائمه ع بنویسند و دعای جوشن و عیلان در بعضی روایات وارد شده است و سنت است که بتربت حضرت امام حسین ع بنویسند و علما گفته اند سنت است که کفن را بر بیمانی که از ان کفن بیرون میاورند بدوزند و مکروهست که باب دهن ترکنند و سنت است در وقتیکه غسل دهنده خواهد که میت را کفن کند و دستهای خود را تا دوش یا تا مرفق بشوید و بعد از ان شروع کند در کفن کردن و واجبست حنوط کردن میت را و واجب است انکه هفت موضع سجده یعنی پیشانی و کف دستها و زانوها و انگشت مهین پاها را کافور بمالند اگرچه اندک باشد و احوط انستکه سر بینی را نیز بمالند و بر سینه اش بریزند و اگر کوزال پائین کردن و بندهای پا و بندهای دست و مرفقها و زیر بغلها و بیخ ران و بند انگشتان و سایر بندها را بمالند احوطست و بهتر انستکه کافور حنوط کافور خام جوزا نر باشد و مقدارش بقدر یک مشرفی باشد که چهار دانک و نیم مثقالست و بهتر از این انستکه سه مثقال بوده باشد و بهتر از این انستکه سیزده درهم و ثلثی بوده باشد موافق حنوط حضرت رسول ص که تقریبا هفت مثقال صیرفی بوده باشد و بهتر انست که کافور غسل از این مقدارها نباشد و سنت مؤکد است که دو جریده تازه با میت بگذارند و در اخبار بسیار وارد شده است که تا این چوبها تر است میت را عذاب نمیکنند و بهتر انستکه از چوب درخت خرما باشد و اگر یافت نشود چوب سدر کنند و اگر یافت نشود چوب بید و اگر یافت نشود چوب درخت انار و اگر هم نرسد هر چوب تری خوبست و باید تر باشد و تازه از درخت بریده باشند و چوب خشک هر چند از درخت خرمای اماکن مشرفه باشد فایده نمیکنند و باید هر یک بقدر شبر بوده باشد یا یک ذراع دست و بعضی گفته اند که بقدر استخوان ذراع که از یک شبر بیشتر است و ظاهر اهمه خوبست و بعضی گفته اند که پنبه بر انها بپیچید تا رطوبتشان بیشتر بماند و یکی را از جانب راست گذارند و سرش را بچنبره گردن گذارند و ملصق ببدن سازند و دیگری را از جانب چپ بمیان پیراهن و سرتاسر گذارند و بعضی گفته اند که سنت است که بر جریدتین شهادتین بنویسند بتربت شریف و اگر تقیه باشد و جریدتین نتوان در کفن گذاشت در میان قبر بیندازند و اگر بعد از پر کردن قبر بخاطرشان آید در میان قبر فرو برند و بدانکه کفن واجب میت از اصل مال او بیرون میشود مقدم بر دین و وصیت و میراث و اگر چیزی نداشته باشد خرجها او را تطهیر کنند و یا تنها کفن کنند و اگر انهم نباشد برهنه دفن کنند و بعضی گفته اند از زکوة واجب کفن میت را میتوان کرد و خالی از قوتی نیست و سنت مؤکد است که مسلمانان او را کفن کنند چنانچه در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که هر که کفن کند مؤمنی را چنانستکه ضامن جامه او شده باشد تا روز قیامت و هر که بکند از برای مؤمنی قبری چنانستکه او را در خانه موافق جا داده باشد تا روز قیامت و کفن زن بر شوهر واجبست هر چند زن مالدار باشد و همچنین کفن بنده بر صاحبش

[illegible]

واجبست و اگر از میت نجاستی بیرون آید بدن او را بشویند و اگر کفن آلوده شده باشد تا در قبر نگذاشته اند آنرا میشویند و اگر بقبر برده باشند مشهور آنستکه آن موضع را مقراض کنند و کفن را از یکدیگر میکشانند تا بدن میت پوشیده شود و بعضی گفته اند که اگر ممکن بوده باشد شستن در اندرون قبر بآنکه طشت و آفتابه ببرند و بشویند بهتر است خصوصاً هرگاه بدن میت نجس شده باشد و تطهیر آن لازم باشد و کفن را نیز بآن عنوان بشویند و این احوط است و جمعی گفته اند مکروهست کفن را باهن بریدن و گفته اند از مشایخ چنین شنیده ایم و در حال کفن نیز سنتست که پاهایش بجانب قبله باشد و کسیکه در غیر جهاد با امام کشته شده باشد جراحتهای بدنش را ازاله میکنند و غسل میدهند و اگر سر جدا باشد در هر غسلی اوّل سر را میشویند و آخر بدن او و بعضی گفته اند که اگر خون بند نشود گل ارمنی میزنند تا بند شود و از حضرت صادق منقولست که در حکم چنین کسی اوّل خون را میشویند و آب بر او میریزند در غسل و دست بر بدنش نمیمالند و بر جراحتهایش پنبه و کافور میگذارند و محکم می بندند و هم چنین اگر گردنش بریده باشد و جدا نشده باشد کافور میپاشند بر موضع جراحت و پنبه بر آن میگذارند و بحریر میبندند که خون بیرون نیاید و اگر سر از بدن جدا شده باشد در غسل اوّل سر را میشویند و بعد از آن بدن را و پنبه بر بالای گردن میگذارند و در میان کفن میپیچند و در هنگام دفن سر را با بدن میگیرند و بر لحد می گذارند و رویش را بجانب قبله میگردانند **فصل چهارم** در نماز میتست و این نماز واجبست بر همه مسلمانان که علم بفوت شخصی بهم رسانند و اگر یکی از ایشان بجا آورد از دیگران ساقط میشود و واجبست نماز بر شیعهٔ اثنی عشری که بالغ باشد بخلاف و اشهر و اقوی آنستکه بر طفلی که شش سالش تمام شده باشد نماز واجبست و ظاهر اینست که کمتر از شش ساله را اگر زنده متولد شده باشد بعضی سنت دانسته اند و بعضی بدعت بقصد قربت کفا میتوانکرد و احوط نماز نکردنست و جایز نیست نماز کردن بر کفار و خوارج و ناصبیان که عداوت اهل بیت علیهم السلام داشته باشند و غالیان که ائمه را خدا میدانند یا گویند که خدا در ایشان حلول کرده است و بر مرتدان و آنها که خدا را جسم میدانند و غیر ایشان از مخالفان خلافست و ظاهر مجوز باشد میان آنکه نماز نکنند یا بکنند و چهار تکبیر بگویند و در تکبیر چهارم نفرین و لعنت کنند بر او و در موضع تقیه ترک نباید کرد و سزاوارترین مردم بنماز میت وارث او است بنابر مشهور و بعضی گفته اند بیرخصت ایشان نماز جماعت نمیتوانکرد و با نفراد میتوانکرد و احوط آنستکه تا توان از ایشان رخصت گرفتن بیرخصت نکنند و شوهر از همهٔ خویشان اولیست نسبت بزن و مردان اولی اند از زنان و وارث اگر خود قابلیت پیشنمازی نداشته باشد هر که را اعتقاد داشته باشد و بهتر داند مقدم دارد و جایز است که زن پیشنمازی زنان بکند و با مؤمنان در یک صف بایستد و مرد باید که پیش بایستد اگرچه ماموم یک نفر باشد و اگر زنان با مردان جمع شوند زنان در عقب مردان بایستند و اگر حایض باشد سنتست که در صف جدائی بایستد و واجبست که نماز گذارنده رو بقبله بایستد و سر جنازه بجانب راست او باشد اگر امام باشد و در ماموم در کار نیست و احوط در منفرد آنست که از برابر جنازه بیرون نباشد و واجبست که میت را بر پشت بخوابانند و در این نماز طهارت از حدث شرط نیست و جنب و حایض

وبیوضو این نماز را میتوانند کرد واحوط انستکه سایر شروط نماز بو میت را در این نماز رعایت کنند
از پوشانیدن عورت و نجس نبودن جامه و بدن و حریر نبودن جامه و غیر اینها اگرچه اظهر انستکه هیچ یک در
کار نیست مگر چیزی چند که حرام باشد و ازاله انها منافی نماز باشد مانند طلا و حریر برای مردان
و جامه غصبی و سنتست که با وضو باشد و اگر آب بهم نرسد یا مانعی داشته باشد یا وقت تنگ
باشد سنت است که تیمم کند و ظاهر بعضی انستکه بدون عذر نیز تیمم مستحبست و میباید
که از جنازه بسیار دور نباشد مگر انکه در نماز جماعت باشد و صفها در میان باشد و نماز بر میت
نمیتوان کرد تا او را غسل و کفن نکنند اگر ممکن باشد و اگر کفن نداشته باشد او را بقبر گذارند و عورتش را
بپوشانند و نماز کنند و سنت است که پیشنماز برابر میان مرد بایستد و سینه زن بنابر مشهور و سنت
است که کفش را بکنند و اگر موزه در پا داشته باشد در کار نیست کندن و اگر پا برهنه باشد بهتر است
و واجبست که نیت کند و بهتر انستکه چنین نیت کند که نماز بر این میت حاضر میکنم از برای انکه واجبست
قربة الی الله و پنج تکبیر بگوید و سنت است که در هر تکبیر دستها را بردارد تا محاذی گوشها و بعضی در غیر
تکبیر اول سنت نمیدانند دست برداشتن را و اقوا انست و در وجوب دعا در میان تکبیرها خلافست
واحوط وجوبست و ظاهر اهر دعائی مجزی باشد اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان
ومشهور انستکه بعد از تکبیر اول بگوید گواهی میدهم بگانه نیست خدائی مگر خدا و گواهی میدهم اینکه
محمدا رسول الله و بعد از تکبیر اللهم صل علی محمد و آل محمد و بعد از تکبیر اللهم اغفر
محمد فرستاده خدا است دوم بگوید خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد سیم بگوید خداوندا بیامرز
للمؤمنین و المؤمنات و بعد از تکبیر اللهم اغفر لهذا المیت و تکبیر پنجم را بگوید و فارغ شود
مردان گرونده و زنان گرونده چهارم بگوید خداوندا بیامرز این میت را مجزیست و موافق مشهور بهتر
انستکه چنین کند الله اکبر اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد
بعد از نیت بگوید خدا بزرگترست گواهی میدهم اینکه نیست خدائی مگر خدا یگانه نیست شریکی مر او را و گواهی میدهم
ان محمدا عبده و رسوله ارسله بالحق بشیرا و نذیرا بین یدی الساعة
بدرستیکه محمد بنده او و رسول اوست فرستاد او را براستی مژده دهنده و بیم کننده میان پیش قیامت الله
اکبر اللهم صل علی محمد و آل محمد و بارک علی محمد و آل محمد و ارحم محمدا و آل محمد
بگوید خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و برکت ده بر محمد و آل محمد و رحم کن محمد و آل محمد را
کافضل ما صلیت و بارکت و ترحمت علی ابرهیم و آل ابرهیم انک حمید مجید
بهتر از انچه رحمت فرستادی و برکت دادی و رحم کردی بر ابراهیم و آل ابراهیم بدرستیکه تو ستوده و بزرگواری
و صل علی جمیع الانبیاء و المرسلین الله اکبر اللهم اغفر للمؤمنین و المؤمنات و
و رحمت فرست بر همه پیغمبران و فرستادگان بگوید خدا بزرگترست خدایا بیامرز مردان گرونده و زنان گرونده و
المسلمین و المسلمات الاحیاء منهم و الاموات تابع بیننا و بینهم بالخیرات انک
و مردان مسلم و زنان مسلم زندگان ازیشان و مردگان پی در پی ده میان ما و میان ایشان نیکیها بدرستیکه

مجیب

مجیب الدعوات انک علی کل شیء قدیر پس بگوید الله اکبر اللهم ان هذا عبدک وابن عبدک

پذیرنده دعاهای بدرستیکه تو بر همه چیز توانای خداوندا بدرستیکه این بنده تو و پسر بنده تو

وابن امتک نزل بک وانت خیر منزول به اللهم انا لا نعلم منه الا خیرا وانت اعلم به

و پسر کنیز تو فرود آمده بتو و تو بهترین فرود آمده شده بخداوند خداوندا بدرستیکه ما نمیدانیم از او مگر نیکی و تو داناتری باو

منا اللهم ان کان محسنا فزد فی احسانه وان کان مسیئا فتجاوز عنه واغفر له اللهم

از ما خداوندا اگر باشد نیکوکار پس زیاد کن در نیکی او و اگر باشد بدکردار پس درگذر از او و بیامرز مر او را خدایا

اجعله عندک فی اعلی علیین واخلف علی اهله فی الغابرین وارحمه برحمتک

بگردان او را نزد خود در بلندترین جاهای بهشت و خلیفه باش بر اهل او در بازماندگان و رحم کن بر او برحمت خود

یا ارحم الراحمین پس بگوید الله اکبر و فارغ میشود اللهم ان هذه امتک وابنة عبدک

و اگر میت زن باشد میگوید

ای رحم کننده ترین رحم کنندگان خداوندا این کنیز تو و دختر بنده تو

وابنة امتک نزلت بک وانت خیر منزول به اللهم انا لا نعلم منها الا خیرا

و دختر کنیز تو فرود آمده بتو و تو بهترین فرود آورنده باو خداوندا بدرستیکه ما نمیدانیم از او مگر نیکی

وانت اعلم بها منا اللهم ان کانت محسنة فزد فی احسانها وان کانت مسیئة

و تو داناتری باو از ما خداوندا اگر باشد نیکوکار پس زیاد کن در احسان او و اگر باشد بدکار

فتجاوز عنها واغفر لها اللهم اجعلها عندک فی اعلی علیین واخلف علی اهلها

پس درگذر از او و بیامرز مر او را خداوندا بگردان او را نزد خود در بلندترین جاهای بهشت و جانشین کن بر اهل او

فی الغابرین وارحمها برحمتک یا ارحم الراحمین واگر بعد از هر چهار تکبیر اشهد ان لا

این دعا بخواند خوبست

در بازماندگان و رحم کن او را برحمت خود ای بهترین از رحیمان شهادت میدهم که نیست

اله الا الله وحده لا شریک له واشهد ان محمدا عبده ورسوله اللهم صل علی

خدائی مگر خدا یگانه نیست شریکی مر او را و گواهی میدهم بدرستیکه محمد بنده او و رسول اوست خدایا رحمت فرست بر

محمد وآل محمد واغفر للمؤمنین والمؤمنات اللهم ان هذا المسجی قدامنا عبدک وابن

محمد و آل محمد و بیامرز مر مومنین و مومنات را خدایا بدرستیکه این کفن پوشیده پیش روی ما بنده تو و پسر

عبدک وقد قبضت روحه الیک وقد احتاج الی رحمتک وانت غنی عن عذابه

بنده تو و بتحقیق که گرفتی روح او را بسوی خود و بتحقیق که محتاجست بسوی رحمت و تو بی نیازی از عذاب کردن او

اللهم انا لا نعلم من ظاهره الا خیرا وانت اعلم بسریرته اللهم ان کان محسنا فزد فی

خداوندا که ما نمیدانیم از حال او مگر نیکی و تو دانائی بنهانی او خداوندا اگر هست نیکوکار پس زیاد کن در

احسانه وان کان مسیئا فتجاوز عن سیئاته واگر میت زن باشد بگوید اللهم ان هذه المسجاة قدامنا

نیکی او و اگر باشد بدکار پس درگذر از بدیهای او خداوندا بدرستیکه این کفن پوشیده پیش روی

امتک وابنة عبدک وقد قبضت روحها الیک وقد احتاجت الی رحمتک وانت

کنیز تو و دختر بنده تو و بتحقیق گرفتی روح او را بسوی خود و بتحقیق محتاجست بسوی رحمت خود و تو

غنی عن عذابها اللهم انا لا نعلم من ظاهرها الا خیرا وانت اعلم بسریرتها اللهم

بی نیازی از عذاب او خدایا بدرستیکه ما نمیدانیم از ظاهر او مگر نیکی و تو داناتری بنهان او خداوندا

إِنْ كانَتْ مُحْسِنَةً فَزِدْ فی إِحْسانِها وَإِنْ كانَتْ مُسیئَةً فَتَجاوَزْ عَنْ سَیِّئاتِها إِنَّكَ مُوَفِّق

جمع بین الاحادیث بسیار است و اگر بعد از هر تکبیر این دعا بخواند خوبست أَشْهَدُ أَنْ لا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لا شَریكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ

مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى الْأَئِمَّةِ الْهُداةِ وَاغْفِرْ لَنا

وَلِإِخْوانِنَا الَّذینَ سَبَقُونا بِالْإیمانِ وَلا تَجْعَلْ فی قُلُوبِنا غِلّاً لِلَّذینَ آمَنُوا رَبَّنا

إِنَّكَ غَفُورٌ رَحیمٌ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِأَحْیائِنا وَأَمْواتِنا مِنَ الْمُؤْمِنینَ وَالْمُؤْمِناتِ وَأَلِّفْ

بَیْنَ قُلُوبِنا عَلىٰ قُلُوبِ أَخْیارِنا وَاهْدِنا لِمَا اخْتُلِفَ فیهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِكَ إِنَّكَ تَهْدی

مَنْ تَشاءُ إِلىٰ صِراطٍ مُسْتَقیمٍ اَللّٰهُمَّ عَبْدُكَ ابْنُ عَبْدِكَ ابْنُ أَمَتِكَ أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ افْتَقَرَ

إِلىٰ رَحْمَتِكَ وَاسْتَغْنَیْتَ عَنْهُ اَللّٰهُمَّ فَتَجاوَزْ عَنْ سَیِّئاتِهِ وَزِدْ فی حَسَناتِهِ وَاغْفِرْ لَهُ

وَارْحَمْهُ وَنَوِّرْ لَهُ فی قَبْرِهِ وَلَقِّنْهُ حُجَّتَهُ وَأَلْحِقْهُ بِنَبِیِّهِ صَلَّى اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَلا

تَحْرِمْنا أَجْرَهُ وَلا تَفْتِنّا بَعْدَهُ و اگر زن باشد بخواند از اول دعا تا آنجا که الی صراط مستقیم است پس میگوید اَللّٰهُمَّ أَمَتُكَ ابْنَةُ عَبْدِكَ

ابْنَةُ أَمَتِكَ أَنْتَ أَعْلَمُ بِها افْتَقَرَتْ إِلىٰ رَحْمَتِكَ وَاسْتَغْنَیْتَ عَنْها اَللّٰهُمَّ فَتَجاوَزْ

عَنْ سَیِّئاتِها وَزِدْ فی حَسَناتِها وَاغْفِرْ لَها وَارْحَمْها وَنَوِّرْ لَها فی قَبْرِها وَلَقِّنْها حُجَّتَها

وَأَلْحِقْها بِنَبِیِّها صَلَّى اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَلا تَحْرِمْنا وَلا تَفْتِنّا بَعْدَها و در روایت وارد شده است

که بعد از فارغ شدن از نماز بگوید رَبَّنا آتِنا فِی الدُّنْیا حَسَنَةً وَفِی الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنا عَذابَ النّارِ

و اگر بر سنّی و خلاف مذهب نماز کند بضرورت بعد از تکبیر چهارم بلکه بعد از هر تکبیرها و نفرین و لعن کند و بهتر اینست که چنین بگوید اَللّٰهُمَّ اخْزِ عَبْدَكَ فی عِبادِكَ

وَبِلادِكَ اَللّٰهُمَّ أَصْلِهِ حَرَّ نارِكَ اَللّٰهُمَّ أَذِقْهُ أَشَدَّ عَذابِكَ فَإِنَّهُ كانَ یُوالی

أعداءك ويعادي أولياءك ويبغض أهل بيت نبيك صلى الله عليه وآله واگر ميت مستضعف

از دشمنان تو و دوست دشمن ميدارد دوستان ترا و خشمگين بود خانواده پيغمبر تو رحمت خدا براو و آل او

باشد كه ضعيف العقل باشد و تميز ميان مذاهب نكند و باين سبب سنى يا مخالف حق باشد و عناد با شيعيان
نداشته باشد يا اعتقاد باهل بيت عليهم السلام داشته باشد و با دشمنان ايشان بد نباشد
در نماز براو اللهم اغفر للذين تابوا واتبعوا سبيلك وقهم عذاب الجحيم واگر مذهب ميت

خداوندا بيامرز آنانكه بازگشت نمودند و پيروى كردند راه ترا و باز دار ايشانرا از عذاب آتش

معلوم نباشد بگويد
اللهم ان هذه النفس انت احييتها وانت امتها اللهم ولها ما تولت واحشرها

خداوندا بدرستيكه اين نفس تو زنده كرده او را و تو ميرانده او را خداوندا متوجه كن او را آنچه متوجه بود و برانگيز او را

مع من احببت واگر ميت طفل نابالغ باشد بگويد اللهم اجعله لابويه ولنا سلفا وفرطا واجرا و مشهور در همه

با كسيكه دوست ميداشت خداوندا بگردان او را براى پدر و مادرش و براى ما پيش و پاداش

اينستكه دعاهاى سه تكبير اول را بخواند بنحويكه گذشت و اين دعا را بعد از تكبير چهارم ميخواند و بر سنى اگر
نماز كند تكبير پنجم را نميگويد و سنت است كه بر جاى خود بايستد تا جنازه را بردارند خصوصا پيشنماز و
نماز جنازه را در مسجد ميتوان كرد و مشهور اينستكه اگر در مسجد نكنند بهتر است و بر يك جنازه دو مرتبه نماز
كردن خلافست در جواز آن و دور نيست كه كسيكه نماز نكرده باشد تواند كرد و كسيكه در اثناى نماز
برسد بقصد وجوب ملحق ميشود و دعاها كه خود بايد بخواند ميخواند و چون پيش نماز فارغ شود بقيه را
با دعاهاى مخصوص بخواند اگر چه جنازه را بردارند و اگر دور شود يا بگردد تكبيرها را بيدعا پياپى بگويد و اگر
ميتى را بى نماز دفن كرده باشند احوط اينستكه بر قبر او نماز كنند هر چند مدتى گذشته باشد و هر وقت
نماز جنازه ميتوان كرد مگر آنكه وقت حاضره تنگ شود كه حاضره را مقدم بدارد و بهتر اينست كه با وسعت وقت
نيز اول حاضره را مقدم دارد مگر آنكه خوف فوت نماز جنازه بوده باشد يا خوف ضايع شدن ميت فصل پنجم در آداب
دفن ميت است و آداب بعد از آن سنتست كه تا ميت را در قبر نگذارند ننشينند و واجبست كفايه دفن كردن ميت
و قدر واجب اينستكه ميت را در گودى پنهان كنند بحيثيتى كه بوى بد او از مردم مستور گردد و جسد او از درندگان
ايمن ماند و خوابانيدن او بر جانب راست رو بقبله واجبست بقول مشهور و بعضى مستحب دانسته‌اند و مستحب است
كندن قبر بقدر قامتى يا تا چنبر گردن و سنت است كندن لحد از طرف قبله و مستحب است كه آنقدر فراخ باشد كه كسى در آن
تواند نشست و اگر زمين سست باشد لحد نتوان كند بعضى گفته‌اند كه مانند لحد بسازند و اگر نتوانند قبر را شق كنند
كنند باينكه از ميان قبر بقدر جسد ميت فرو برند آنقدر كه توان نشست و دو طرف داشته باشد كه خشت بر روى آن توان
كرد خاك بر ميت ريخته نشود و احوط اينستكه مانند سر تابوت و صندوق نگذارند و شخصى كه در دريا بميرد اگر ممكن
باشد بخشكى برسانند والا در ميان خم گذارند و سرش را ببندند و در دريا اندازند اگر ممكن شود والا او را سنگين
كنند و رو بقبله بآب اندازند و چون جنازه نزديك قبر برسد سنت است كه او را از پاى قبر بگذارند اگر مرد باشد و اگر
زن باشد برابر قبله قبر بگذارند و مشهور اينستكه زمانى ميگذارند سه مرتبه او را نقل ميكنند و مرتبه چهارم او را بقبر بگذارند
و آنچه در روايات معتبره وارد شده اينستكه چون ميت را نزديك قبر رسانى او را بگذار تا آگاه قبر مهر كاردها و سنگين مكن

ویا بیش تر از قبر بود و ذراع باشد زراع بگذارد و ساعتی صبر کن تا میت تهیهٔ خود را بکند برای سؤال قبر زیرا که قبر را هولهای
عظیم است و دعا کن که خدا او را پناه دهد از اهوال قبر و سنت است که مرد میت را پیش کنند از پیش پای قبر
سرا شیب بقبر برند و جمعی از علما گفته اند که زن را از پیش قبله میگیرند و بعرض قبر میبرند و سرا شیب نمیکنند چنانچه در
بعضی روایات وارد شده است و سنت است که شخصیکه بقبر میرود که میت را بقبر گذارد بند تحت الحنک را بگشاید و
بالاپوش و ردا را بیندازد و سر و پایش برهنه باشد و جایز است یک کس برود یا زیاده خواه طاق باشد و
خواه جفت و اکثر علما گفته اند که مکروهست که اگر میت مرد باشد خویش او او را بقبر برد و آنچه از احادیث
ظاهر میشود آنستکه پدر را مکروهست که در قبر فرزند داخل شود و فرزند و سایر اقارب باکی نیست و
اگر میت زن بوده باشد احوط آنستکه محرم او را بقبر برد و اگر محرم نبوده باشد زن صالحه و اگر زن نبوده باشد
مرد صالح پیر و در رفتن و بیرون آمدن سنت است که از پیش پای قبر باشد و سنت است که چون میت را نزد لب
قبر بگذارد اَللّٰهُمَّ عَبْدُكَ ابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ اَمَتِكَ نَزَلَ بِكَ وَاَنْتَ خَيْرُ مَنْزُولٍ بِهِ و چون
بگوید خداوندا بنده تو پسر بنده تو و پسر کنیز تو فرود آمده بتو و تو بهتر فرود آمده باو میت را
بردارد که بقبر بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَعَلٰى مِلَّةِ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ اَللّٰهُمَّ اِلٰى
گذارد بگوید بنام خدا و بخدا و بر ملت رسولخدا رحمت خدا براو و آل او خدایا بسوی
رَحْمَتِكَ لَا اِلٰى عَذَابِكَ اَللّٰهُمَّ اَفْسِحْ لَهُ فِي قَبْرِهِ وَلَقِّنْهُ حُجَّتَهُ وَثَبِّتْهُ بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ
رحمت تو ام نه بسوی عذاب تو خدایا گشایش ده در قبرش و برسان او را به پیغمبرش و ثابت دار بگفتار ثابت
وَقِنَا وَاِيَّاهُ عَذَابَ الْقَبْرِ و چون میت را در قبر بگذارد سنت است که بندهای کفن را بگشاید
و نگاهدار ما را و او را از عذاب آتش و روی میت را باز کنند و طرف راست روی او را بر زمین برساند و اگر زیر
سر او از خاک بلندی کنند بد نیست و خشتی بر پشتش بگذارد که بر پشت نیفتد و سنت است که قدری
از تربت حضرت امام حسین ع در برابر روی او بگذارند و اگر تربت آنحضرت را نیز در کفن بگذارند بهتر است و بگوید
اعوذ بالله من الشیطان الرجیم پس سورهٔ فاتحه و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله احد
و آیة الکرسی بخواند و اگر حاضران هم بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَفِي سَبِيلِ اللّٰهِ وَعَلٰى مِلَّةِ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى
بخوانند بهتر است پس بگوید بنام خدا و بخدا و در راه خدا و بر ملت رسولخدا رحمت
اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ اَللّٰهُمَّ افْسِحْ لَهُ فِي قَبْرِهِ وَاَلْحِقْهُ بِنَبِيِّهِ صَلَّى اللّٰهُ
خدا براو و آل او خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد خدایا گشایش ده در قبرش و برسان او را به پیغمبرش رحمت خدا
عَلَيْهِ وَاٰلِهِ اَللّٰهُمَّ اِنْ كَانَ مُحْسِنًا فَزِدْ فِي اِحْسَانِهِ وَاِنْ كَانَ مُسِيئًا فَاغْفِرْ لَهُ وَارْحَمْهُ
براو و آل او خداوندا اگر باشد نیکوکار پس زیاد کن در نیکی او و اگر باشد بدکار پس بیامرز مر او را و رحمت کن او را
وَتَجَاوَزْ عَنْهُ پس اَللّٰهُمَّ جَافِ الْاَرْضَ عَنْ جَنْبَيْهِ وَصَاعِدْ عَمَلَهُ وَلَقِّهِ مِنْكَ رِضْوَانًا
و درگذر از او بگوید خدایا دور کن زمین را از طرفین او و بالا بر کردار او را و فرا رسان او را از خود خوشنودی
پس اَللّٰهُمَّ عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ اَمَتِكَ نَزَلَ بِكَ وَاَنْتَ خَيْرُ مَنْزُولٍ بِهِ اَللّٰهُمَّ افْسِحْ
بگوید خداوندا بنده تو و پسر بنده تو و پسر کنیز تو فرود آمده بتو و تو بهتر فرود آورنده باو خداوندا گشایش

له في قبره ولقنه حجته والحقه بنبيه وقه شر منكر ونكير وايضا بگوید بسم الله وبالله
مر او را در قبر او و بفهمان او را حجت او و برسان او را به پیغمبر خود و نگاه دار او را از شر نکیر و منکر بنام خدا و بخدا

وفي سبيل الله وعلى ملة رسول الله صلى الله عليه وآله اللهم عبدك ابن عبدك
و در راه خدا و بر ملت رسول خدا رحمت خدا بر او و آل او خداوندا بنده تو پسر بنده تو

نزل بك وانت خير منزول به اللهم افسح له في قبره والحقه بنبيه اللهم انا لا نعلم
فرود آمده بتو و تو بهترین فرود آورده شده خداوندا گشاده کن مر او را در قبر او و برسان او را به پیغمبر او خداوندا بدرستیکه ما نمیدانیم

منه الا خيرا وانت اعلم به وبروایت معتبر دیگر بگوید اللهم يا رب عبدك ابن عبدك نزل بك و
از او مگر نیکی و تو داناتری باو خداوندا ای پروردگار من بنده تو پسر بنده تو فرود آمده بتو

انت خير منزول به اللهم ان كان محسنا فزد في احسانه وان كان مسيئا فتجاوز عنه
و تو بهترین فرود آورده شده بان خدایا اگر باشد نیکوکار پس زیاد کن در نیکی او و اگر باشد بدکار پس درگذر از بدیهای او

والحقه بنبيه محمد صلى الله عليه وآله وصالح شيعته واهدنا واياه الى
و برسان او را به پیغمبر او محمد رحمت خدا بر او و آل او و شایسته پیروان او و راه نمائی کن ما را و او را بسوی

صراط مستقيم اللهم عفوك عفوك وبروایت معتبر دیگر این دعا را بخواند اللهم ان هذا عبدك فلان
راه راست خدایا درگذر درگذر خداوندا بدرستیکه این بنده تو فلان

وبجای فلان نام او را بگوید وابن عبدك قد نزل بك وانت خير منزول به قد احتاج الى رحمتك اللهم
و پسر بنده تو بتحقیق فرود آمد بتو و تو بهترین فرود آورده شده باو هر آینه محتاجست بسوی رحمت تو خداوندا

ولا نعلم منه الا خيرا وانت اعلم بسريرته ونحن الشهداء بعلانيته اللهم فجاف
و ما نمیدانیم از او مگر نیکی و تو داناتری به پنهان آن و ما گواهانیم باشکار او خدایا پس دور کن

الارض عن جنبيه ولقنه حجته واجعل هذا اليوم خير يوم اتى عليه واجعل
زمین را از طرفین او و بفهمان او را حجت او و بگردان امروز را بهترین روزیکه وارد شود براو و بگردان

هذا القبر خير بيت نزل فيه وصيره الى خير مما كان فيه ووسع له في مدخله و
این قبر را بهتر خانهای که فرود آمد در او و بگردان او را بسوی بهتر از آنچه بود در او و فراخ بخش مر او را در جای داخل شدن او

آنس وحشته واغفر ذنبه ولا تحرمنا اجره ولا تضلنا بعده وسنّت است که در اینحال عقاید حق را تلقین او کنند خصوصا
انس ده رمیده او را و بیامرز گناه او را و محروم مگردان ما را از اجر او و گمراه مکن ما را بعد از او

ولایت ائمه معصومین علیهم السلام و طاهرین است که بدست راست دوش راست میت را بگیرد و بدست چپ دوش اسمع افهم اسمع
بشنو بفهم بشنو
چپ او را بگیرد و او را حرکت دهد و تلقین کند و اگر با نحو بگوید جامعتر است

افهم
افهم اسمع يا فلان بن فلان و نام میت و پدرش را بگوید هل انت على العهد الذي فارقتنا عليه من
بفهم بشنو ای فلان پسر فلان آیا هستی تو بر عهدی که مفارقت کردی ما را بر او از

شهادة ان لا اله الا الله وحده لا شريك له وان محمدا صلى الله عليه وآله عبده
گواهی باینکه نیست خدائی مگر خدا یگانه نیست شریکی مر او را و بدرستیکه محمد رحمت خدا بر او و آل او بنده او است

ورسوله وسيد النبيين وخاتم المرسلين وان عليا امير المؤمنين وسيد الاو
و فرستاده او و بهتر پیغمبران و آخر فرستادگان و بدرستیکه علی پادشاه مومنان و بهترین اوصیا

وإمام افترض الله طاعته على العالمين وأن الحسن والحسين وعلي بن الحسين ومحمد
و پیشوا که لازم کرد خدا اطاعت او را بر جهانیان و بدرستیکه حسن و حسین و علی پسر حسین و محمد
ابن علي وجعفر بن محمد وموسى بن جعفر وعلي بن موسى ومحمد بن علي والحسن بن علي
پسر علی و جعفر پسر محمد و موسی پسر جعفر و علی پسر موسی و محمد پسر علی و حسن پسر علی
والقائم الحجة المهدي صلوات الله عليهم أئمة المؤمنين وحجج الله على الخلق أجمعين
وان پاینده که حجت است راه یافته رحمتهای خدا بر ایشان پیشوای مومنان و حجتهای خدا بر خلق همه
وأئمتك أئمة هدى أبرار يا فلان بن فلان إذا أتاك الملكان المقربان رسولين
و پیشوایان تو پیشوایان راه رهنیکوکاران ای فلان پسر فلان هرگاه بیایند ترا دو فرشته مقرب دو فرستاده
من عند الله تبارك وتعالى وسألاك عن ربك وعن نبيك وعن دينك و
از نزد خدا برکت و برتر است و سؤال کنند از پروردگار تو و از پیغمبر تو و از دین تو و
عن كتابك وعن قبلتك وعن أئمتك فلا تخف وقل في جوابهما الله جل جلاله
از کتاب تو و از قبله تو و از امامان تو پس مترس و بگو در جواب ایشان خدا بزرگ است بزرگی او
ربي ومحمد صلى الله عليه وآله نبيي والإسلام ديني والقرآن كتابي والكعبة
پروردگار من و محمد رحمت خدا بر او و آل او پیغمبر منست و اسلام دین من و قرآن کتاب من و کعبه
قبلتي وأمير المؤمنين علي بن أبي طالب إمامي والحسن بن علي المجتبى إمامي والحسين بن
قبله من و پادشاه مومنان علی پسر ابو طالب امام و حسن پسر علی برگزیده امام و حسین پسر
علي الشهيد بكربلا إمامي وعلي زين العابدين إمامي ومحمد باقر علم النبيين إمامي و
علی شهید کربلا امام و علی آرایش پرستندگان امام و محمد شکافنده علم پیغمبران امام
جعفر الصادق إمامي وموسى الكاظم إمامي وعلي الرضا إمامي ومحمد الجواد إمامي وعلي
جعفر صادق پیشوای من و موسی کاظم پیشوای من و علی رضا پیشوای من و محمد جواد پیشوای من و علی
الهادي إمامي والحسن العسكري إمامي والحجة المنتظر إمامي هؤلاء صلوات الله عليهم
هادی پیشوای من و حسن عسکری پیشوای من و حجت انتظار کرده شده پیشوای من ایشان رحمتهای خدا بر ایشان
أجمعين أئمتي وسادتي وقادتي وشفعائي بهم أتولى ومن أعدائهم أتبرأ في الدنيا والآخرة
همه پیشوایان و بزرگان من و پیشوایان من و شفیعان من بایشان دوستی میکنم و از دشمنان ایشان بیزارم در دنیا و آخرت
ثم اعلم يا فلان بن فلان أن الله تبارك وتعالى نعم الرب وأن محمداً صلى الله عليه وآله
پس بدان ای فلان پسر فلان بدرستیکه خدا برکت و برتر است خوب پروردگاریست و آنکه محمد رحمت خدا بر او و آل او
نعم الرسول وأن أمير المؤمنين علي بن أبي طالب وأولاده الأئمة الأحد عشر نعم
خوب پیغمبریست و بدرستیکه امیر مومنین علی پسر ابو طالب و اولاد او پیشوایان یازده تن نیکو
الأئمة وأن ما جاء به محمد صلى الله عليه وآله حق وأن الموت حق وسؤال منكر و
پیشوایانند و آنچه آورد محمد رحمت خدا بر او و آل او حق و بدرستیکه مرگ حقست و سؤال نکیر و
نكير في القبر حق والبعث حق والنشور حق والصراط حق والميزان حق وتطاير الكتب حق
منکر در قبر حقست و برانگیختن حق و نشور حق و صراط حق و میزان حق و گشوده شدن نامها حق

وَالْجَنَّةَ حَقٌّ وَالنَّارَ حَقٌّ وَاَنَّ السَّاعَةَ اٰتِیَةٌ لَا رَیْبَ فِیْهَا وَاَنَّ اللّٰهَ یَبْعَثُ مَنْ فِی الْقُبُوْرِ
پس اَفَهِمْتَ یَا فُلَانُ درحدیثست که میت درجواب ثَبَّتَكَ اللّٰهُ بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ هَدَاكَ اللّٰهُ
بگوید میگوید بلی فهمیدم پس بگوید
اِلٰی صِرَاطٍ مُسْتَقِیْمٍ عَرَّفَ اللّٰهُ بَیْنَكَ وَبَیْنَ اَوْلِیَائِكَ فِیْ مُسْتَقَرٍّ مِنْ رَحْمَتِهِ پس به
بگوید
اَللّٰهُمَّ جَافِ الْاَرْضَ عَنْ جَنْبَیْهِ وَاَصْعِدْ بِرُوْحِهِ اِلَیْكَ وَلَقِّهِ مِنْكَ بُرْهَانًا
اَللّٰهُمَّ عَفْوَكَ عَفْوَكَ پس خشت بر لحد بگذارد و آجر پخته نیز خوبست و خشت خام بهتر است اگر
خشت بزرگ باشد آنست بگذارد و بر رخنه خشتها خشت دیگر بگذارد
یا بگل رخنه را بگیرد و اگر خشتهای کوچك باشد هره کند و بهر تقدیر اَللّٰهُمَّ صِلْ وَحْدَتَهُ
رخنها را محکم کند که خاك بر میت نریزد و در وقت چیدن خشتها این دعا بخوانند
وَاٰنِسْ وَحْشَتَهُ وَاٰمِنْ رَوْعَتَهُ وَاَسْكِنْ اِلَیْهِ مِنْ رَحْمَتِكَ رَحْمَةً تُغْنِیْهِ بِهَا عَنْ رَحْمَةِ
مَنْ سِوَاكَ فَاِنَّمَا رَحْمَتُكَ لِلظَّالِمِیْنَ و بروایت رحمة یستغنی بها عن رحمة من سواك
دیگر
وَاحْشُرْهُ مَعَ مَنْ کَانَ یَتَوَلَّاهُ و مکروه است فرش قبر بچوب و تخته کردن یا میت را با تابوت گذاشتن مگر
آنکه زمین آب بردارد یا نم بسیار داشته باشد و چون از پیش پای قبر
بیرون آید این اِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَیْهِ رَاجِعُوْنَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ اَللّٰهُمَّ ارْفَعْ دَرَجَتَهُ
دعا را بخوانند
فِیْ اَعْلٰی عِلِّیِّیْنَ وَاخْلُفْ عَلٰی عَقِبِهِ فِی الْغَابِرِیْنَ وَعِنْدَكَ نَحْتَسِبُهُ یَا رَبَّ الْعَالَمِیْنَ
پس سنت است که حاضران به پشت کف دست خاك در قبر بریزند و اگر بشکم دست کفها را پر کنند
و بریزند نیز خوبست و سنت است که سه مرتبه بریزند و در وقت ریختن بگویند اَللّٰهُمَّ
اِیْمَانًا بِكَ وَتَصْدِیْقًا بِکِتَابِكَ هٰذَا مَا وَعَدَنَا اللّٰهُ وَرَسُوْلُهُ وَصَدَقَ اللّٰهُ وَرَسُوْلُهُ
اَللّٰهُمَّ زِدْنَا اِیْمَانًا وَتَسْلِیْمًا و در حدیثست که هر که چنین کند و این دعا بخواند حق تعالی بعدد
هر ذره از خاك حسنه برای او بنویسد و مکروهست که خویشان میت
خاك بر قبر بریزند که مورث قساوت قلب و دوری از رحمت الهیست و سنت است که از غیر خاك قبر هم بر میت
نریزند که بار است بر میت و سنتست که قبر را بقدر چهار انگشت بلند کنند بعضی چهار انگشت گشاده
و بعضی هم آورده گفته‌اند و ظاهرا هر دو خوبست و دور نیست که یکشبر نیز مجوز باشد و مستحب است
که قبر را چهار گوشه کنند و روی آن را پهن کنند و خرپشته نکنند بنحوی که سنیان میکنند و بعد از آن آب بر قبر

بریزند

بر قبر بریزند و در خبر است که تا تری در قبر هست میت را عذاب نمیکنند و سنت است که آب بریزند رو بقبله
را بایستد و ابتدا از پیش سر کنند و بر یکجانب قبر بریزند تا پیش پا و بگردانند بجانب دیگر و بریزد تا پیش سر و بعد
از آن بمیان قبر بریزد و سنت است که آبرا قطع نکنند و متصل بریزد تا تمام شود و مستحب است که بعد از آب
ریختن دست بر قبر بگذارند رها اینکه انگشتان ایشان گشاده باشد و قوت کنند تا اثر انگشتان ایشان بر
گل بماند و رو بقبله باشند و از بعضی روایات مفهوم اَللّٰهُمَّ جَافِ الْأَرْضَ عَنْ جَنْبَيْهِ وَاَصْعِدْ
میشود که نزدیک سر او بنشینند و این دعا بخوانند
خدایا دورکن زمین از دو طرف او و بالا بر
اِلَيْكَ رُوحَهُ وَلَقِّهِ مِنْكَ رِضْوَانًا وَاَسْكِنْ قَبْرَهُ مِنْ رَحْمَتِكَ مَا تُغْنِيهِ بِهَا عَنْ
بسوی خود روح او را و فرا پیش او در از خود خوشنودی و ساکن در قبر او از رحمت خود
آنچه بی نیاز کنی او را از
رَحْمَةِ مَنْ سِوَاكَ و هفت مرتبه سوره انا انزلناه بخوانند و اگر میت زن باشد در جمیع دعاها که گذشت
رحمت آنکه غیر تست
ضمیر مونث بیاورند و سنت است که ولی میت یعنی اقرب خویشان او بعد از آنکه
مردم برگردند نزد سر میت بنشینند و باواز بلند آن تلقین که گذشت باز دیگر بخوانند و اگر دیگری را
نایب کند نیز خوبست و در اخبار وارد شده است که چون این تلقین را بکنند منکر بنکیر میگوید
بیا برویم تلقین حجتش کردند احتیاج بپرسیدن نیست پس بر میگردند و سؤال نمیکنند و مکروهست
عمارت بر سر قبر کردن و بر سر قبر بسیار ماندن و گچ مالیدن بر قبور مگر قبور انبیا و ائمه صلوات الله علیهم
و بعضی گفته اند که قبور علما و صلحا نیز این حکم دارد و مکروهست تازه کردن قبر بعد از مندرس
شدن و در خبر است که حق تعالی دوست میدارد دلهای شکسته و قبرهای مندرس شده را و مکروهست در
حال اختیار دو میت را در یک قبر گذاشتن و میت را از بلدی که در آنجا مرده است بشهرهای دیگر بردن مگر
بر مشاهد مشرفه ائمه و بعضی استثنا کرده اند نقل بمقبره علما و صلحا و شهدا را نیز و مکروهست بر روی
قبر نشستن و راه رفتن مگر بواسطه زیارت قبور که ضرور شود و مشهور آنست که جایز نیست شکافتن
قبور مگر در چند صورت یکی آنکه در قبر مال صاحب قیمتی افتاده باشد دیگر آنکه در زمین غصبی دفن کرده
باشند یا در کفن غصبی کفن کرده باشند و دیگر آنکه او را بی غسل و کفن در خاک کرده باشند و از هم
نپاشیده باشد و مشهور آنست که جایز نیست نقل مردگان بعد از دفن و بعضی استثنا کرده اند نقل
بمشاهد مشرفه حضرات ائمه ع و مشهور آنست که جایز نیست گریبان چاک کردن و جامه دریدن برای
غیر پدر و برادر و برای ایشان جایز است بلکه بعضی از اخبار ظاهر میشود که مستحب باشد خصوصا بر پدر
و بعضی تجویز کرده اند زنان را مطلقا و احوط ترکست و جایز نیست خراشیدن رو و کندن و بریدن مو
و احوط آنستکه طپانچه بر رو و زانو و غیر آن نزنند و بعضی از علما موافق روایتی قایل شده اند که زنیکه
موی سر خود را در مصیبتی ببرد واجبست کفاره بدهد چنانچه در خاتمه مذکور خواهد شد
انشاء الله تعالی و بعضی گفته اند گناه دارد و کفاره بر او نیست و دور نیست که سنت باشد و احوط
دادن کفاره است و بعضی تراشیدن مو را نیز الحاق کرده اند ببریدن و در وجوب کفاره و هم چنین
اکثر علما قایل شده اند که واجبست کفاره قسم بر زنیکه موی سر را بکند در مصیبت یا روی خود را بخراشد

که خون برآید و بر مردی که در مرگ فرزند خود یا زن خود جامه چاک کند و کفاره یمین انشاء الله
خواهد شد و بعضی واجب میدانند و احوط عمل بمشهور است و لازم است اصحاب مصیبت را که
صبر کنند بقضای الهی و راضی باشند و بدانند که حق تعالی صابران را اجر بیحساب کرامت میفرماید و باید
که صاحب مصیبت بسیار بگوید انا لله و انا الیه راجعون تا گناهان گذشته او آمرزیده شود و هرگاه
آن مصیبت بخاطرش آید این کلمه را بگوید تا گناهان ما بین این دو کلمه آمرزیده شود و بسند معتبر
منقولست که هر که مصیبت بخاطرش آید و بگوید اِنّا لِلّهِ وَاِنّا اِلَیهِ راجِعونَ اَللّهُمَّ اْجُرنی علی مُصیبَتی

همه ما از خدائیم و بسوی او بازگشت ما — خدایا — مزد ده مرا بر مصیبتی

اگرچه بعد از مدتی باشد بگوید
وَاخْلُفْ وَالْحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ الْعالَمینَ عَلی اَفْضَلَ مِنْها ثواب همان مصیبت بار دیگر باو داده شود و سنت است

و عوض ده — بزرگ بهتر از — آن

که دیگران تعزیت ایشان بکنند و ایشان را بصبر و
شکیبائی امر کنند پیش از دفن و بعد از دفن و مبالغه بعد از دفن بیشتر است و اقل تعزیت آنست که بروند تا صاحب
عزا ایشان را ببیند و منقولست از حضرت رسول که هر که صبر نماید اندوهناکی را در صحرای محشر که همه برهنه اند خدا
او را از حله‌های بهشت بپوشاند که موجب سرور او گردد و هر که مصیبت زده را صبر فرماید حق تعالی او را
ثواب صاحب مصیبت کرامت فرماید بی آنکه از اجر او چیزی کم شود فرمود که ثواب تعزیت و صبر فرمودن بهشت است
و مستحب است که صاحب مصیبت تغییر وضع خود کند تا او را بشناسند و جایز است گریه و ندبه کردن
که نیکیهای میت را بشمارند و نوحه کردن نیز جایز است که دروغ نگویند و چیزهای بد از برای میت
اظهار نکنند و بهتر آنست که نوحه گر نیاورند و مستحب است که تا سه روز دیگران خصوصا همسایگان
برای صاحبان مصیبت طعام بفرستند و زیاده از سه روز ماتم نگیرند مگر زن که چهار ماه و ده روز
برای شوهر ماتم میگیرد بآنکه جامه‌های رنگین نمیپوشند و زینت نمیکنند و سنت مؤکد است زیارت قبر
مؤمنان خصوصا خویشان و چون داخل قبرستان شود بگوید اَلسَّلامُ عَلی اَهْلِ الدِّیارِ مِنَ الْمُؤْمِنینَ وَالْمُسْلِمینَ اَنْتُمْ

درود بر اهل خانها از مومنین و مسلمان شما

لَنا فَرَطٌ وَنَحْنُ اِنْ شاءَ اللّهُ بِکُمْ لاحِقُونَ و بروایت دیگر اَلسَّلامُ عَلی اَهْلِ الدِّیارِ مِنَ الْمُسْلِمینَ

برای ما پیش رو و ما اگر خواهد خدا بشما ملحق شونده ایم — درود بر اهل خانها از مسلمان

وَالْمُؤْمِنینَ رَحِمَ اللّهُ الْمُسْتَقْدِمینَ مِنّا وَالْمُسْتَأْخِرینَ وَاِنّا اِنْ شاءَ اللّهُ بِکُمْ لاحِقُونَ

و مومنان رحمت کند خدا پیشینیان از ما و پسینیان و ما اگر خواهد خدا بشما ملحق شونده ایم

و بروایت دیگر اَلسَّلامُ عَلَیْکُمْ یا اَهْلَ الدِّیارِ مِنْ قَوْمٍ مُؤْمِنینَ وَرَحْمَةُ اللّهِ وَبَرَکاتُهُ اَنْتُمْ لَنا

درود بر شما ای اهل خانها از گروه مومنان و رحمت خدا و برکتهای او شما برای ما

سَلَفٌ وَنَحْنُ لَکُمْ تَبَعٌ رَحِمَ اللّهُ الْمُسْتَقْدِمینَ مِنْکُمْ وَالْمُسْتَأْخِرینَ وَاِنّا لِلّهِ وَاِنّا اِلَیْهِ راجِعُونَ

پیش رو و ما مر شما را پیرویم رحمت خدا بر پیشینیان از شما و پسینیان و ما از آن خدائیم و بسوی او بازگشت کننده ایم

و در احادیث بسیار وارد شده که هر که نزد قبر برادر مؤمن خود هفت مرتبه سوره انا انزلناه بخواند از فزع
بزرگ روز قیامت ایمن گردد و بروایت دیگر خدا او را و صاحب قبر را بیامرزد و سنت است که در وقت خواند

دست بر قبر گذارد و رو بقبله اَللّٰهُمَّ جافِ الْاَرْضَ عَنْ جُنُوبِهِمْ وَ صاعِدْ اِلَیْکَ اَرْواحَهُمْ وَ لَقِّهِمْ مِنْکَ
باشد و این دعا بخوانند خدایا دور کن زمین را از اطراف ایشان و بلند کن بسوی خود روحهای ایشان را و فرست از نزد
رِضْواناً وَ اَسْکِنْ اِلَیْهِمْ مِنْ رَحْمَتِکَ ما تَصِلُ بِهِ وَحْدَتَهُمْ وَ تُونِسُ بِهِ وَحْشَتَهُمْ اِنَّکَ عَلیٰ کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ
خوشنودی را بسوی ایشان از رحمت خود آنچه برسد بآن تنهائی ایشان و انس دهد با آن ترس ایشان را بدرستیکه تو بر همه چیز توانائی
و در روایت معتبر دیگر است که این دعا بخوانند اَللّٰهُمَّ ارْحَمْ غُرْبَتَهُ وَ صِلْ وَحْدَتَهُ وَ آنِسْ وَحْشَتَهُ وَ آمِنْ رَوْعَتَهُ وَ اَسْکِنْ
اِلَیْهِ مِنْ رَحْمَتِکَ خدایا رحم کن بیکسی او را و برسان تنهائی او را و انس ده وحشت او را و ایمن ساز ترس او را و ساکن کن
بسوی او از رحمت خود ما یَسْتَغْنِی بِها عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِواکَ وَ اَلْحِقْهُ بِمَنْ کانَ یَتَوَلّاهُ و در روایت دیگر
آنچه بی نیاز شود بآن از رحمت آنکه غیر تست و برسان او را بآنکه دوست میداشت او را مستحبست که
نزد قبر سوره حمد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله احد و آیة الکرسی
هر یک را سه مرتبه بخواند و سوره انا انزلناه را هفت مرتبه بخواند و از حضرت رسول منقولست که
هر که در قبرستان مؤمنان بگذرد و سوره قل هو الله احد را یازده مرتبه بخواند و ثوابش را
بمردگان آن قبرستان ببخشد بعدد مردگان اجر و ثواب یابد و بروایت دیگر هر که آیة الکرسی بخواند
و ثوابش را هدیه اهل قبور کند حق تعالی بعدد هر حرفی ملکی خلق کند که تسبیح گویند برای او
تا روز قیامت و در عصر روز پنجشنبه و جمعه زیارت قبور مستحبست و در احادیث معتبره وارد شده است که
هر که را مصیبتی وارد شود مصیبت حضرت رسالت را بیاد آورد و ذکر صعب ترین مصیبتها است و در اخبار
بسیار وارد شده است که هر که در وقت مصیبت دست بر ران خود زند ثوابش حبط میشود و نباید پریشان
و فریاد کند و واویلاه و وامصیبتاه و واثکلاه بگوید در حدیث معتبر منقولست که هر که یک فرزند از او برود
و صبر کند بهتر است از برای او از آنکه هفتاد فرزند از برای او بماند که همه سوار شوند و در راه خدا جهاد
کنند و منقولست که هر که خدا دوست میدارد بهترین فرزندان او را میگیرد و منقولست که ثواب مؤمن
از مردن فرزندش بهشتست خواه صبر بکند و خواه نکند و بسند معتبر منقولست که حضرت صادق
در وقت مصیبت اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی لَمْ یَجْعَلْ مُصِیبَتِی فِی دِینِی وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی لَوْ شاءَ جَعَلَ
این دعا را میخواندند حمد مر خدا را که نگردانید مصیبت مرا در دین من و حمد مر خدا را که اگر خواهد بگرداند
مُصِیبَتِی اَعْظَمَ مِمّا کانَتْ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلَی الْاَمْرِ الَّذِی شاءَ اَنْ یَکُونَ فَکانَ و باید که مردگان
مصیبت مرا بزرگتر از آنچه بوده و حمد مر خدا را بر کاریکه خواست آنکه باشد پس شد را فراموش نکند
زیرا که دست ایشان از اعمال خیر کوتاه گردیده و از جانب فرزندان و خویشان و برادران مؤمن امید دارند
و احسان ایشان را چشم براهند خصوصا دعا کردن در نماز شب و بعد از نمازهای فریضه و در مشاهد
مشرفه پدر و مادر را زیاده از دیگران دعا باید کرد و اعمال خیر برای ایشان بعمل آورد و در خبر است بسا فرزندی
که در حال حیوة پدر و مادر عاق ایشان باشد و بعد از فوت ایشان نیکوکار گردد بسبب اعمال خیری که از برای
ایشان بعمل آورد و بسا فرزند یکه در حال حیوة پدر و مادر نیکوکار باشد و بعد از فوت ایشان عاق
گردد بسبب آنکه اعمال خیری که از برای ایشان باید بعمل آورد و عمده خیرات برای پدر و مادر و سایر خویشان الستکه

قروض ایشان را از حقوق خدا و خلق بری گرداند و حج و سایر عبادتیکه از ایشان فوت شده باشد
سعی کنند باستیجار یا تبرع بجا آورد و در حدیث صحیح منقولست که حضرت صادق علیه السلم در هر شب از
فرزندان خود و هر روز برای پدر و مادر خود دو رکعت نماز میکردند و در رکعت اول انا انزلناه و در رکعت
دوم انا اعطیناه میخواندند و بسند صحیح از حضرت صادق ع منقولست که بسا باشد که میت در تنگی
و شدتی بوده باشد و حق تعالی باو وسعت دهد و تنگی را از او بردارند پس باو بگویند که این فرج ترا
دادند بسبب نمازیستکه فلان برادر مؤمن برای تو کرد و راوی پرسید که میت را در دو رکعت نماز شریک میتواند
کرد فرمود بلی فرمود که میت شاد میشود و فرح میباید بدعا و استغفاریکه برای او کنند چنانچه زنده شاد
میشود بهدیه که برای او برند و فرمود که بمیت داخل میشود در قبرش نماز و روزه و حج و تصدق و سایر
عملهای خیر و دعا و ثواب این اعمال برای کسیکه کرده و برای مرده هر دو نوشته میشود و در حدیث دیگر
فرمود که هر که از مسلمانان برای میتی عمل صالحی بکند خدا ثواب او را مضاعف میگرداند و میت باین عمل منتفع
میگردد و در روایتی وارد شده است که هرگاه شخصی بجهت میتی تصدقی بکند خدا جبرئیل را امر مینماید
که با هفتاد هزار ملک بنزد قبر او میروند و هر یکی طبقی در دست دارند از نعمتهای الهی و هر یک باو میگویند السلم
علیک ای دوست خدا این هدیه فلان مؤمن است برای تو پس قبر او روشن میشود و خدا هزار شهر در
بهشت باو کرامت میفرماید و هزار حوری باو تزویج میفرماید و هزار حله باو میپوشاند و هزار حاجت او را
روا میکند و در حدیث معتبر منقولست که شش چیز بمؤمن میرسد بعد از وفات اول فرزندیکه از جهت او استغفار
کند دوم مصحفی یا کتابی از کتاب علمی که از او بماند و مردم بعد از او بخوانند سیم درختی که بکارد و مردم از
ان نفع یابند چهارم ابیکه جاری سازد پنجم چاهیکه حفر نماید که خلق خدا منتفع گردند ششم سنتی که مردم
بان عمل نمایند از ارشاد و هدایت خلق یا تصنیف کتاب مانند این **باب چهارم** در مجملی از احکام
زکوة و خمس و اعتکاف است و در ان سه فصل است **فصل اول** در زکوة است آیات و احادیث بر وجوب
ان و عقاب ترک کننده ان بسیار است و از انجمله حق تعالی میفرماید که وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ
وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ يَوْمَ يُحْمَىٰ عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَىٰ بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ
وَظُهُورُهُمْ هَٰذَا مَا كَنَزْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ یعنی و انکسانیکه جمع میکنند طلا و نقره را و
حقوق الهی را نمیدهند و در راه خدا صرف نمینمایند پس بشارت ده ایشان را بعذابی دردناک در ان روزیکه
سرخ کنند طلا و نقره را در آتش جهنم و داغ کنند بان پیشانیها و پهلوها و پشتهای ایشان را و بایشان گویند اینست
مالهائی که از برای خود جمع کرده بودید الحال بچشید عذاب انها را و از حضرت صادق ع منقولست که هر که یک
قیراط از زکوة که بایست بدهد نه مؤمنست و نه مسلمان و در وقت مردن استغاثه میکند
که مرا برگردانید بدنیا تا زکوة را بدهم چنانچه حق تع فرموده است حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ
لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ یعنی تا وقتیکه بیاید باحدی ایشان مرگ میگوید پروردگارا برگردانید مرا بدنیا
شاید عمل شایسته بکنم در ان مالی که بعد از خود گذاشته ام و از حضرت سید المرسلین ص و ائمه طاهرین
علیهم السلم بطریق صحیح منقولست که کسیکه طلا و نقره داشته باشد و زکوة انرا ندهد حق تع او را در روز

قیامت حشر خواهد بود در زمین لغزنده که پا بند نشود بران و مسلط سازد بر او ما رپیسه را که زهرش از مارهای دیگر عظیم تر است و در عقب او دود و او از وی بگریزد تا چون با و رسد و داند که از او خلاصی نیابد دست خود را بدهان او دهد پس بدندان بگیرد او را مانند شتر نری که بر چیزی دندان فرو برد پس طوقی گردد در گردن او و اینست معنی قول خدا سَیُطَوَّقُونَ مَا بَخِلُوا بِهِ یَوْمَ الْقِیٰمَةِ یعنی بزودی طوق کنند در گردن ایشان آنچیزی را که بخل ورزیدند در دنیا بان و در راه خدا ندادند در روز قیامت و هر کس شتر یا گاو یا گوسفند داشته باشد و زکوة از اندهد خدا حبس کند او را در صحرای لغزنده و پامال کنند او را هر حیوان شکافته سمی بسم خود و گزند او را بدندان و نیش هر صاحب نیشی بنیش خود و هر که زراعت داشته باشد یا باغ خرما و انگور داشته باشد و زکوة انها را ندهد خدا ان قطعه از مین را تا طبقه هفتم طوق کرده در گردن او اندازند و ان همه آتش گردد تا روز قیامت و بروایت معتبر دیگر هر که زکوة مالش را ندهد خدا ان مال را اژدهائی گرداند در گردن او که دماغش را خورد و گوشتش را بدندان کند تا از حساب خلایق فارغ شود و در حدیث دیگر حضرت صادق فرمود که هیچ مالی در صحرا و دریا تلف نمیشود مگر بنداندن زکوة و خدا میفرماید مَثَلُ الَّذِیْنَ یُنْفِقُوْنَ اَمْوَالَهُمْ فِیْ سَبِیْلِ اللّٰهِ کَمَثَلِ حَبَّةٍ اَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِیْ کُلِّ سُنْبُلَةٍ مِّاَةُ حَبَّةٍ وَاللّٰهُ یُضٰعِفُ لِمَنْ یَّشَاءُ یعنی مثل جماعتیکه صرف مینمایند مالهای خود را در راه خدا از زکوة و خمس و حوایج و غیر انها مانند دانه ایست که برویاند هفت خوشه که در هر خوشه صد دانه بوده باشد که مجموع هفتصد برابر میشود و خدا مضاعف میگرداند بلکه ابن از برای هر که خواهد و ایات و اخبار در این باب بسیار است و انچه مذکور شد برای کسیکه ایمان بفرموده خدا و رسول داشته باشد کافیست و اما اجناسیکه در انها زکوة واجب شود پس نه جنس است اول طلا هر گاه مقدار بیست اشرفی باشد و سکه داشته باشد و یکسال بماند که بدل نکند و تغیر ندهند مقدار چهل یک از زکوة میباید داد و بعد از ان هر چهار اشرفی که زیاد شود بعد از سال چهل یک باید داد دویم نقره است هر گاه بدویست درهم برسد که تخمینا دوازده هزار و ششصد دینار عجمی باشد موافق زر ده دانگی و سکه داشته و یکسال بحال خود بماند بعد از سال چهل یک از میباید داد و هم چنین هر چند چهل درهم زیاد شود که دو هزار و پانصد و بیست دینار باشد چهل یک از میباید داد سیم شتر است و نصاب ان دوازده است اول پنج شتر است و در ان یک گوسفند است دوم ده شتر است و در ان دو گوسفند است سیم پانزده شتر است و در ان سه گوسفند است چهارم بیست شتر است و در ان چهار گوسفند است پنجم بیست و پنج شتر است و در ان پنج گوسفند است و گوسفندی که دهند بهتر انستکه هفت ماهه یا هشت باشد و کمتر نباشد اگر گوسفند دهند و اگر بز دهند یک ساله یا در دو باشد ششم بیست و شش شتر است و در ان یک شتر است و باید که شتر ماده یکساله یا در دوم بدهند و اگر نداشته باشد شتر نر دو ساله یا در سه بدهد هفتم سی و شش است باید شتر ماده دو ساله یا در سه بدهد هشتم چهل و شش است و باید شتر ماده سه ساله یا در چهار بدهد نهم شصت و یکست و باید شتر ماده چهار ساله یا در پنج بدهد دهم هفتاد و شش است باید دو شتر ماده دو ساله یا در سه بدهد یازدهم نود و یکست و باید دو شتر ماده سه ساله بدهد دوازدهم در هر چهل شتر یک شتر ماده دو ساله میدهد چهارم گاو است و در هر سی گاو یک گوساله ماده یا نر یکساله یا در دوم میدهد و در هر چهل گاو یک گاو ماده دو ساله یا در سه میدهند

یا در چهار ... صد و بیست و یکست ... دهم ... هر پنجاه ... یک شتر ماده سه ساله

پنجم گوسفند است و در چهل گوسفند یک گوسفند واجبست و در صد و بیست و یک گوسفند دو
گوسفند واجبست و در دویست و یک گوسفند سه گوسفند واجبست و در سیصد و یک گوسفند
احوط آنستکه چهار گوسفند بدهند و چون بچهار صد برسد هر چه زیاد شود از هر صد گوسفند یک
گوسفند میدهند و در زکوة هر یک از شتر و گاو و گوسفند شرطست که در علف مباح چریده باشند در تمام
سال پس اگر علف مملوک خورده باشد زکوة واجب نیست و اگر بعضی از سال چریده باشد و بعضی علف
ملک خورده باشد احوط آنستکه اگر چه بیشتر چریده باشد زکوة بدهند و بچهها را تا شیر میخورند حساب
نمیباید کرد بنا بر مشهور و احتیاط در آنستکه از روزیکه متولد میشوند حساب کنند و در طلا و نقره و
حیوانات همه شرطست که سال بر ایشان بگذرد و سال زکوة یازده ماهست چون ماه دوازدهم داخل
شود زکوة واجب میشود و در گاو و شتر شرطست که کارکن نباشند پس اگر بار کشند یا خویش کنند واجب
نیست و گوسفند و بز را بر هم حساب کنند و گاو و گاومیش را بر هم حساب کنند و شتر نر و ماده
و لوک را بر هم حساب میکنند ششم و هفتم و هشتم و نهم گندم و جو و خرما و مویز است و شرطست که هر یک
بنصاب برسد و نصاب سیصد و هفتاد من و پنجاه درم است بسنگ تبریز و انگور هرگاه نه صد و بیست و
یک من باشد احوط آنستکه زکوة بدهند و شرطست که این غلات در ملک او بحد نصاب رسیده یا نمو رسیده
باشد پس اگر گندم و جو را بعد از درو کردن بخرند زکوة بر فروشنده واجبست و اگر زمین را باجاره گرفته
باشد زکوة بر مستاجر واجبست و اگر مزارعه بگیرد بنصف یا ثلث یا ربع یا ده چهار ده مثلا زکوة حصه
مالک بر مالک واجب میشود و زکوة حصه عامل بر عامل اگر حصه هر یک بتنهائی بنصاب رسیده باشد
پس اگر زراعت و باغ آب باران یا آب روان یا آب قنات یا آب ریشه خورده باشد بیست و یک میدهند
و اگر از هر دو خورده باشد ده یک میدهند و اگر از هر دو خورده باشد ده یک میدهند و اگر از دست یا گاو
یا شتر یا چرخ آب خورده باشد بیست یک میدهند و اگر از هر دو خورده باشد بیشتر اعتبار دارد و اگر هر دو مساوی
باشند پانزده یک میدهند و احوط و اقوی آنستکه بغیر از خراج پادشاهی چیزی از خرج زراعت را بدر نکنند در
دادن زکوة و چون اکثر علما بر آنند که تعلق زکوة بانگور در وقت غوره شدنست پس احوط آنستکه اول
ارباب خبرت را بیاورند که تخمین کنند میوه باغ را که چه مقدار است و یا خود مقرر سازد که یا نسبت زکوة
خواهم داد تا آنچه خورد از انگور و غوره حلال باشد یا آنکه آنچه بر دارد بکشد و حساب نگاه دارد یا آنچه بر دارد
عشر غوره را بدهد و همچنین گندم و جو وقتی که دانه ببندد و بعضی از علما گفته اند که زکوة واجبست
در حبوب مانند برنج و نخود و ماش و عدس و امثال اینها هر گاه بنصاب جو و گندم برسد بهمان شرایط و مقدار
که گذشت و مشهور آنستکه زکوة اینها سنتست و در مادیان که در علف مباح چرا کنند و سال بر او بگذرد
زکوة سنت است پس اگر پدر و مادرش عربی باشد در سالی دو اشرفی چهار دانگ و نیمی میدهند و اگر یابو
باشد که یکی از پدر و مادرش عربی نباشد یک اشرفی میدهند و در زکوة تجارت جمعی بوجوب قائل شده اند
و مشهور آنستکه سنتست و آن مالیست که مالک شود از بعنوان معاوضه و در وقت مالک شدن
قصد اکتساب و تجارت داشته باشد و میباید که قیمت آن بیکی از نصاب طلا و نقره برسد و در تمام

سال بر نصاب باقی بماند و در تمام سال نصاب کم نشود یا مایه بیشتر بخرند و اگر چند سال بگذرد که مایه
در کمی باشد سنت است که زکوة یک سال او را بدهند و اگر مایه باقی باشد هر سال چهل یک را میدهند و اگر معاوضه
کنند در اثناء سال بقصد تجارت خلافست و احوط آنست که باز بدهند و سنت است که در وقت درو کردن
اگر فقرا حاضر باشند هر فقیری را یک دسته گندم بدهند هر قدر در دستش درآید و در وقت چیدن خرما و انگور
یکمشت بدهند و بزکوة حساب نکنند و بعضی واجب دانسته اند و احوط آنست که ترک نکنند اما مستحق زکوة پس
هشت طایفه اند اول و دویم فقرا و مساکین و ایشان کسانی اند که قوت سالیانه خود و عیال خود نداشته
باشند و قادر بر کسبی نباشند که معاش خود و عیال خود را بآن توانند کرد اینها و احوط آنست که صالح باشند
و گدا و سائل بکف نباشند سیم کسیست که امام ع نصب میکند برای گرفتن زکوة و حصه باو میدهند
و در این زمان این نمیباشد غالبا و همچنین چهارم که مؤلفة قلوبهم اند و در این زمان نمیباشند غالبا پنجم صرف
کردن در آزادی بندگانست مثل آنکه آقائی غلام خود را مکاتب کرده است که مالی بدهد و آزاد شود و او عاجز
باشد از دادن آن اگر بر آقا زکوة واجب شده باشد باید که قدری از زکوة را بمال الکتابت او حساب کنند و الا دیگران
از زکوة را بمال الکتابت او حساب کنند اهلی دیگران از زکوة حصه باو بدهند که بآقا بدهد و آزاد شود یا
غلامی که از دست آقا در تعب و شدت باشد از مال زکوة بخرند و آزاد کنند ششم قرض داران اند که قرض کرده
باشند و در معصیت صرف نکرده باشند و اداء قرض ایشان میتوان داد هفتم فی سبیل است یعنی
صرف راه خدا مانند جهاد فی سبیل الله و یاری حاجیان و زائرین ائمه معصومین و بنای مساجد و پلها
و امثال اینها و بعضی گفته اند که مخصوص جهاد است در زمانیکه جهاد حق باشد و این احوط است هشتم
ابن السبیل است و آن کسیست که بغربت افتاده باشد و خرج رفتن بخانه خود نداشته باشد و آن مقدار
باو میدهند که بخانه خود برسد اگر سفرش معصیت نباشد و باید کسیکه باو زکوة میدهند غیر مؤلفة
شیعه اثنی عشری باشد احوط آنست که اجتناب از گناهان کبیره کند خصوصا شراب خوردن دیگر شرطست
که واجب النفقه مالک نباشد مثل پدر و مادر و جد و جده هر چند بالا روند و فرزند زادگان هر چند پائین روند
و زن و بنده و بهتر آنست که زکوة را بخویشان پریشان بدهند غیر اینها که مذکور شد اگر شرایط داشته
باشند و غیر سید زکوة بسید نمیتوانند داد اما سید زکوة خود را بسید و غیر سید میتواند داد و غیر سید
زکوة خود را بسید و غیر سید میتواند داد و غیر سید احوط آنست که بشریف نهد و بهتر آنست که زکوة را به
مجتهد عالمی که مصارف زکوة را داند ببرند که او بمصرف برساند فصل دویم در خمس است بدانکه خمس در هفت
چیز واجب میشود اول غنیمتی که از کافران در جنگ بگیرند خواه در جنگگاه باشد و خواه در بیرون دویم معادن
است مانند طلا و نقره و مس و سرب و یاقوت و زبرجد و سرمه و عنبر و قیر و نفط و کبریت بعد از آنکه خرج
بیرون آوردن بدر رود پنج یک آنرا باید داد و مشهور آنست که نصاب ندارد و بعضی گفته اند نصابش یک
دینار است تا یک دینار نرسد خمس واجب نمیشود و بعضی بیست دینار گفته اند یعنی بیست مثقال شرعی که نصاب اول
طلا است و اکثر متأخرین باین قایل شده اند و خالی از قوتی نیست و اگر چند کس شریک باشند باید که حصه
هر یک جدا بنصاب برسد سیم گنجست یعنی طلائیکه در زمین پنهان کرده باشند پس اگر گنج را در بلاد کفار بیابند

کرده انجا مسلمانی نباشد هرچند سکهٔ اسلام داشته باشد یا در دار اسلام بیابند و سکهٔ اسلام نداشته
باشد و به بیست دینار یعنی بیست اشرفی برسد اگر طلا باشد خمس از آن بدهند و باقی از او است و اگر نقره باشد
و به دویست درهم برسد که موافق زر ده دانگی دوازده هزار و شش صد دینار است و اگر غیر طلا و نقره باشد
قیمتش به یکی از این دو مقدار برسد و اگر سکهٔ اسلام داشته باشد یا علامتی که دلالت کند بر آنکه از مسلمانی
بوده است مشهور میان علما آنست که حکم لقطه دارد و میباید یک سال تعریف کند اگر صاحبش پیدا شود بصاحبش
بدهد و الا مخیر است میان مالک شدن و تصدق کردن و بامانت نگاه داشتن و اگر در دو صورت اول صاحبش پیدا
شود و راضی نباشد عوض بدهد و ظاهر اخبار آنستکه اگر از روی زمین یافته است لقطه است و اگر در زیر زمین یافته باشد
گنج است خواه اثر اسلام داشته باشد و خواه نداشته باشد و جمعی باین قایل شده‌اند و خالی از قوتی نیست و اگر
گنج را در زمین خود بیابد که از پدران باو رسیده باشد از او است و اگر خمس او را بدهد احوط است و اگر زمین را
خریده باشد تعریف بکند بایع نزدیک و دور اگر نشانی بدهند که ظن صدق ایشان حاصل شود بایشان
بدهد علی المشهور و الا از او است و بنا بر احوط آنستکه خمس از آن بدهد و همچنین اگر حیوانی بخرد چون شتر و گاو
در شکم آن چیزی بیابد تعریف میکند بایع و اگر نشان ندهد از او است و احوط اخراج خمس است و اگر در شکم
ماهی بیابد خمس میدهد احتیاطا و باقی از او است و باین ملحق کرده‌اند حیوانات شکاری را مانند آهو و اگر محتمل
باشد که در خانهٔ مالک سابق خورده باشد احوط آنستکه باو تعریف بکند چهارم چیزیستکه بغوص از دریا
بیرون آورند مانند مروارید و مرجان و نصاب در آن معتبر است و مشهور آنستکه نصابش یک دینار باشد یعنی
یک اشرفی تمام وزن و بعضی بیست دینار گفته‌اند و اگر چند مرتبه در آورد و همه را باهم در نصاب حساب میکند
هرچند در ما بین ترک غوص کرده باشد علی الاحوط و اگر چند کس شریک باشند حصهٔ هریک میباید بنصاب
برسد و اگر عنبر را از دریا بغوص در آورند حکم مروارید دارد و اگر از روی آب یا ساحل بردارند مشهور آنستکه
حکم معدن دارد و احوط آنستکه بهرحال خمس از آن بدهند و رعایت نصاب در آن نکند پنجم فاضل مؤنهٔ سالیانه است
از ارباح تجارتها و زراعتها و جمیع کسبها و مشهور آنستکه در میراث و بخشش و هدیه خمس نمیباشد و خرج سالیانه
را که بیرون میکنند قدر وسط مناسب حال الشخص را اعتبار کرده‌اند پس اگر اسراف کرده باشد خمس آنچه اسراف کرده
است بیرون میکنند و اگر برخود تنگ گرفته باشد آنرا هم بیرون میکنند علی المشهور و احوط آنستکه آنچه زیاده
آمده باشد بدهد بلکه نهایت احتیاط آنستکه هرچه حاصل شود خرج بکند زیادتی را روز بروز خمس بدهد
و اگر در اثنای سال اخراجات ضروریه واقع شود مثل خرج کدخدائی و حج بیت الله و زیارت رسول و ائمه و امثال
اینها همه را بقدر وسط بیرون میکنند و همچنین تصدقها و زیادتیها اگر ظلمه کنند جمیعا بیرون میکنند و خمس بقیه را
میدهند و ابو الصلاح قایل شده است که در میراث و هبه و هدیه نیز خمس واجبست و در حدیث صحیح وارد شده است
که اگر از شخصی جایزهٔ عظیمه باو برسد یا میراث از جائی که گمان نداشته باشد باو برسد یا مالی از دشمنان دین باو
برسد خمس از آنها میباید داد و عمل باین روایت احوط است ششم زمینی است که یهودیان و نصرانیان و مجوسیان از
مسلمانی بخرند خمس زمین را یا خمس قیمت آنرا بارباب خمس میدهند و اگر خانه یا باغ را بخرند مشهور میان علما آنستکه
خمس زمین آنها را میگیرند و اکثر علمای قدما متعرض این نوع خمس نشده‌اند هفتم مال حلالیست که مخلوط شده

باشد

باشد بحرام و صاحبش را نداند و مقدار حرام داند خمس را میدهد بفقرای سادات و غیر ایشان و بعضی
از مخصوص سادات میدانند و بعضی گفته‌اند بسادات نمیتوان داد و ظاهر اینست که بهر دو توان داد و اگر
بشریف بدهند بهتر است و اگر مقدار حرام داند و صاحبش را نیز داند آن مقدار واجبست که بصاحبش
بدهد و اگر صاحبش را داند و مقدار را نداند با صاحبش باید صلح کند احتیاطاً و بعضی گفته‌اند در این صورت
خمس را بصاحبش میدهد و بعضی گفته‌اند آن مقدار که علم دارد بصاحبش میدهد و ما بقی را بصاحبش صلح
میکند احتیاطاً و این احوط است و اگر مقدار را داند و صاحبش را نداند سعی میکند تا صاحبش را بهم رساند و اگر بهم
نرسد از برای او تصدق میکند این صورت و صورت اول مستثنی است برد مظالم و اگر خمس را بدهد یا تصدق کند
کل را یا بعض را و بعد از آن صاحبش پیدا شود خلافست که آیا باید بصاحبش باز بدهد یا نه و احوط آنستکه بدهد
و اما مستحق خمس مشهور میان علما آنستکه شش حصه میشود چنانچه ظاهر آیه کریمه است و حصه خدا و رسول
و ذوی القربی که نصف خمس است بعد از حضرت رسول صلی الله علیه و آله از امام زمان است و نصف دیگر سه حصه میشود
که بیتیمان سادات و مسکینان سادات و ابناء السبیل سادات میدهند و مراد از سید موافق مشهور کسی است که
منسوب باشد از جانب پدر بعبد المطلب و تفسیر مسکین و ابن السبیل در زکوة گذشت و در یتیم احوط آنستکه
پریشان باشد و ابن السبیل را بقدر نفقه میدهند که بشهر خود رود و از احادیث معتبره ظاهر میشود که در
زمان حضور امام علیه السلام جمیع خمس را بخدمت آنحضرت میبرده‌اند و حضرت نصف خود را برمیداشت و نصف دیگر را بآن
فرقه سادات میداده‌اند که مذکور شد و بهریک بقدر کفایت ایشان در یکسال میداده‌اند و آنچه زیاد
می‌آمده خود را برمیداشته‌اند و اگر وفا نمیکرده از حصه خود تتمه را میداده‌اند و ایشان بمنزله امام بوده‌اند
و در زمان غیبت احوط آنستکه حصه سادات را بعالم عادل اثنی عشری بدهند که بسادات برساند
بقدر احتیاج ایشان اما نصف دیگر خمس را که حصه آنحضرتست در زمان غیبت خلافست و مشهور
آنستکه بعالم عادل باید داد که بر سبیل تتمه بنیابت آنحضرت بسادات بدهد و اگر چیزی زیاد آید حفظ
کند و بعد از خود بعالم دیگر بدهد که اگر سید پریشانی بیاید بدهد و الا از برای آنحضرت ضبط کند
و در این فرض در این زمانها بسیار نادر است زیرا که سادات پریشان بسیارند و خمس دهندگان کمند
و جمعی گفته‌اند که در زمان غیبت ائمه این حصه را بر شیعیان امت حلال کرده‌اند و این سخن بی وجه است زیرا
که از حضرت صاحب الامر علیه السلام روایت صریحی نرسیده است که بر شیعیان حلال کرده باشد بلکه خلافش ظاهر است
زیرا که در زمان غیبت صغری که هفتاد سال و کسری بود نایبان آنحضرت اعنی عثمان بن عمری و پسرش محمد و
حسین بن روح و علی بن محمد سمری حصه آنحضرت را بلکه جمیع خمس را از شیعیان میگرفتند و بفرموده آنحضرت بمردم میدادند
و ظاهر آنستکه در این زمان نیز نایب عام آنحضرت که علمای ربانی و محدثان و حاملان علوم ایشانند باید
بگیرند و بسادات که عیال آنحضرتند برسانند و الا باید که سادات که اشرف خلقند یا از گرسنگی بمیرند
یا سائل بکف شوند و از همه کس ذلیل‌تر باشند زیرا که زکوة و صدقات واجبه بر ایشان حرام است و خمس را بعوض
آن بایشان داده‌اند و بسبب اختلافی که میان علما بهم رسیده است و بعضی از علمای عصر اغنیا را جرات داده‌اند
بر منع خمس باعث شده است که اکثر سادات بفقر و فاقه میگذرانند و حق ایشان را و اجداد ایشان برده

اغنیا

غنیا میماند و بر تقدیری که امام بر ایشان رحم کرده باشد در زمانهای تقیه و خوف و تعدیات که از مخالفان خود
بر ایشان واقع میشد حلال کرده باشند ایشان چگونه بر خود هموار میکنند که عیال و خویشان و اقارب امام
خود را در فقر و اضطراب ببینند و بر ایشان رحم نکنند و باز در قیامت امید شفاعت از ایشان داشته
باشند و حال آنکه فرموده اند که بدترین احوال مردم در روز قیامت وقتی خواهد بود که صاحبان خمس برخیزند
و بگویند پروردگارا خمس خود را میخواهیم و حضرت صادق ع فرمود که من یکدرهم خمس را نمیگیرم از شما و حال آنکه
مال من از اهل مدینه بیشتر است و نمیگیرم مگر از برای اینکه شما پاک شوید از گناه و از حقوق ما و حضرت رسول ص
فرمود که هر که احسانی با احدی از اهل بیت من بکند من مکافات میدهم او را در قیامت و اکثر علما بر آنند که اگر
صاحب مال خود بحصه امام برساند بذمه بری الذمه نمیشود مگر آنکه بدست مجتهد عادل بدهد و بکار
فقرا بدهد این خمس اینحکم دارد فصل ششم در بیان فضیلت و کیفیت اعتکاف است و اعتکاف یکی است در
مسجد جامع جهت عبادت و آن سنت موکد است بمقتضای آیات و اخبار بسیار خصوصا در دهه آخر ماه
رمضان چنانچه حضرت سید المرسلین همیشه در دهه آخر ماه مبارک رمضان اعتکاف مینمودند
مگر یکسال که در آن جنگ بدر واقع شد و در سال بعد از آن بیست روز اعتکاف داشتند ده روز
قضای سال گذشته و ده روز ادا و از آنحضرت منقولست که اعتکاف دهه آخر ماه رمضان برابر است با دو حج
و دو عمره و اعتکاف بنذر و شبه آن مانند عهد و قسم و اجاره دادن خود بغیر واجب میشود و اگر بر نذر واجب
شده باشد و نکرده باشد احوط آنستکه کسیکه پیر شده قضا کند و بعضی گفته اند بعد از نیت و شروع کردن
واجب میشود و بعضی گفته اند روز سیم واجب میشود و همچنین ششم و نهم و دوازدهم و پانزدهم و هر چه بالا
رود و این نیست و بعضی گفته اند مطلقا واجب نمیشود تا آن سبب وجوب عمل نیاید و این قول قویست
و احوط آنستکه در اول شبهای مذکور تجدید نیت بکند بقصد قربت و مستحبست که معتکف شرط کند بر
پروردگار خود که اگر او را مانعی عارض شود بیرون تواند رفت از اعتکاف و ظاهر جمعی آنستکه جایز است
اشتراط رجوع باختیار بی تقیید بعارض و مانع و بعضی در این مقام تصریح کرده اند و ظاهرا عارض و مانع
اعم از عذر ضروری است و محل این شرط و اعتکاف سنت نزد نیت اعتکاف است و دخول در آن و جماعتی از اصحاب
ذکر کرده اند که محل آن در اعتکاف واجب بنذر نزد گفتن صیغه نذر است و خالی از اشکال نیست و فایده
شرط آنستکه نزد عارض یا مطلقا اگر خواهد رجوع تواند کرد اگر چه در روز سیم باشد و فایده دیگر آنکه
اگر با شرط رجوع کند قضا بر او واجب نیست و اما مکان اعتکاف جمعی از اصحاب گفته اند که در غیر مسجد
مکه و مدینه و مسجد کوفه و مسجد بصره اعتکاف صحیح نباشد و بعضی بجای مسجد بصره مسجد مداین گفته اند
و بعضی گفته اند هر یک را و خلاف در این باب بسیار است و مسجد مداین در این زمانها گویا معلوم نیست
و مسجد بصره در این اوقات در بیابان واقع است و اعتکاف در آن مشکلست و گفته اند مراد بمسجد مکه
و مدینه آن قدریستکه در زمان حضرت رسول ص مسجد بوده نه آنچه بعد الحاق کرده اند و ظاهرا در
هر مسجد جامعی اعتکاف توان کرد و مراد بمسجد جامع مسجد بزرگیست در بلد که در آنجا نماز جماعت کنند
و مخصوص محله نبوده باشد و اکثر محلات شهر بآنجا برای اقامه جمعه یا جماعت حاضر شوند گو متعدد

باشد مثل مسجد جامع عباسی و مسجد جامع قدیم در اصفهان و سایر اینها مثل مسجد آقا نور
و مسجد عباس آباد محل تامل است و احوط آنستکه اگر در مکه و مدینه و کوفه نباشد در غیر این مساجد
مخصوصه واقع نسازند و در بلاد دیگر احوط آنستکه در مسجد کبیر بلد که مشهور بجامع باشد بجا آورند
و اگر مسجد بزرگ شهر باشد احوط است و غایت احتیاط آنستکه قصد کنند که اعتکاف میکنم در این مسجد
اگر مطلوب شارع باشد بعنوان اعتکاف مقربیت و الا در مسجد عبادت میکنم از برای رضای خدا قربة
الی الله و شرط است در اعتکاف لبث سه روز یا بیشتر و مشهور آنستکه دو شب میان داخلند و بعضی
گفته‌اند که شب اول نیز داخل است و احوط آنستکه نزدیک بغروب آفتاب نیت اعتکاف بکند تا تمام
روز نیت و اگر تا صبح روز چهارم قصد کنند نهایت احتیاط است و شرط است در اعتکاف که معتکف روزه دار
باشد خواه روزه واجب و خواه سنت و در روزه سنت باید برخصت کسانی باشد که رخصت ایشان
در روزه سنت شرط است مانند شوهر زن و مالک بنده را و احوط آنستکه فرزند بی رخصت پدر
و مادر اعتکاف سنت نکند و مهمان بی رخصت مهمان دار و بر عکس واقع نسازند و نیت در اعتکاف شرط است
و ظاهر قصد قربت کافیست و واجبست که بیرون نرود از مسجدی که در آن اعتکاف میکند بدون ضرورتی
مانند نماز جمعه اگر در غیر آن مسجد کنند یا عیادت بیمار مؤمن یا حاضر شدن در جنازه مؤمن یا قضای
حاجت مؤمن یا برای حاجات ضروری خود مانند بیت الخلاء رفتن و غسل جنابت اگر محتلم شده باشد
و در غسل جمعه بنا بر قول باستحباب آن و سایر غسلهای مستحبه اگر در مسجد نتوان کردن اشکالی هست و
مشهور آنستکه میتوان کرد و همچنین جایز است بیرون رفتن از برای تحصیل آب و نان و سایر ضروریات اگر
کسی نداشته باشد که برای او تحصیل نماید و همچنین جایز است بیرون رفتن از جهت گواهی دادن و گواه شدن
اگر دیگری نباشد و نتوان در مسجد بجا آوردن و چون بدر رود نباید بنشیند تا برگردد بمسجد و بهتر آنستکه
در زیر سقف راه نرود تا ممکن باشد و از راههای نزدیکتر برود پی مطلب و به بیت الخلاء نزدیکتر برود اگر ممکن باشد
و توقف بسیار زیاده از ضرورت واقع نسازد و چون وقت نماز شود نماز را در جای دیگر غیر آن مسجد که محل اعتکاف
اوست نکند مگر در مکه معظمه که در همه جا میتواند کرد و اگر وقت تنگ شود در جای دیگر میتواند کرد و اگر سهواً
از مسجد بیرون رود اعتکاف باطل نمیشود مگر آنکه زمان بسیار بکشد که او را معتکف نگویند و همچنین اگر جبراً
او را بیرون برند و احوط آنستکه جزو بدن را از مسجد بیرون نکنند و بعضی منع کرده‌اند از رفتن ببام مسجد
و ظاهر اگر داخل مسجد باشد قصوری ندارد و بدانکه حرامست بر معتکف جماع کردن با زنان در روز و شب و هم
چنین حرام است بوسیدن بشهوت و دست بر بدن مالیدن بشهوت و احوط اجتناب است از هر دو اگرچه بشهوت
نباشد و حرامست طلب منی کردن اگرچه بگفتگو باشد هرگاه عادتش آن باشد که از او منی آید بسبب آن و احوط آنستکه
عبث دست بر ذکر نمالد و حرامست بوی خوش و گل بوئیدن هر گلی که باشد علی المشهور و جدل و نزاع با کسی نکند
و احوط آنستکه مباحثه علمی نیز نکند مگر بقصد اظهار حق و خرید و فروش نکند مگر برای ضرورت خود و عیال خود
و احوط آنستکه وکیل از برای خود قرار دهد که آنها را بکند و احوط آنستکه مطلقا معاملات خود را واقع نسازد
و حتی عقد نکاح را و جمیع اینها که در اعتکاف حرامست در روزها و شبها همه حرامست مگر خوردن و آشامیدن

که در شب جایز است نزد بعضی و هرچه روزه را باطل میسازد اعتکاف را نیز باطل میکند اگر در روز بفعل
آورد و در شب افطار میتوان کرد و بعضی از آنها غیر جماع و استمنا را واقع میتوان ساخت و از آن جمله جنابت
از غیر اکل و شرب و اگر جماع کند اعتکاف او باطل میشود و کفاره میدهد بلکه اگر اعتکاف واجب باشد و در روز او را
روزه و در غیر اعتکاف سنت خلاف است و احوط کفاره است اگرچه جماع در شب واقع شود و احوط آنست که هرچه
را باطل میکند اگر افطار در روز واقع سازد کفاره بدهد احتیاطا و کفاره آن بنده آزاد کردن است اگر تواند
والا دو ماه پی در پی روزه گرفتن است والا شصت مسکین طعام دادن و بعضی گفته اند مخیر است میان
اینها و اولی احوط است بلکه اظهر پس اگر جماع در شب واقع شود یک کفاره میدهد و اگر در روز ماه رمضان
واقع شود دو کفاره میدهد یکی مرتبه و دیگری مخیره و بعضی گفته اند که اگر در غیر روز ماه رمضان واقع شود
باز دو کفاره میدهد و آن بی وجه است و بیع و شری و سایر محرمات غیر از جماع سبب بطلان اعتکاف میشود
شود و کفاره با آنها واجب نمیشود و در بطلان باستمنا و کفاره بسبب آن خلاف است و احوط تمام است و کفاره
اگر در شب واقع شود استمنا باطل میکند اعتکاف را البته و کفاره میدهد احتیاطا و احکام اعتکاف بسیار
است و با چه مختصر و ربود اکتفا کردیم خاتمه در بیان کفارات بدانکه کفاره بر دو نوع است اول کفارات
احرام حج و عمره و آنها را در رساله حج بیان کرده ام دوم سایر کفارات است و آنها بسیار است بعضی متفق علیه
و بعضی مختلف فیه و بعضی واجب و بعضی سنت و بعضی بترتیب و بعضی بتخییر و همه را یک یک بر سبیل اجمال
برای طالبان ادراک سعادات ابدی و محصلان نجات عقوبات اخروی بیان مینمایم اول کفاره افطار روزه
ماه مبارک رمضان است و آن واجب میشود بخوردن و آشامیدن چیزی که خوردن و آشامیدن آن معتاد و غیر معتاد باشد
اتفاقا و در غیر معتاد خلاف است و اشهر و اقوی وجوب است و بجماع کردن در قبل زن اتفاقا و در دبر زن علی
الاقوی بباقی ماندن بر جنابت عمدا تا طلوع صبح علی الاقوی و بخوابیدن با جنابت بی نیت غسل تا صبح
علی الاحوط و بخوابیدن بعد از بیدار شدن یکمرتبه یا زیاده تا صبح علی الاحوط و رسانیدن غبار غلیظ
بحلق بنا بر قول جمعی و بطلب منی کردن و دست بازی کردن یا مکرر نظر کردن بزنی تا منی بیاید علی الاحوط و بقی
کردن عمدا بنا بر قول بعضی و حقنه کردن و شیاف عمل کردن بنا بر قول بعضی و بدروغ نسبت بر خدا و رسول
و ائمه هدی علیهم السلام و در زیر آب بردن سر عمدا در آب بنا بر قول بعضی هرگاه یکی از این امور را بعمل آورد عمدا و مسئله را
داند کفاره باید داد در بعضی اجماعا و در بعضی احتیاطا و اگر از روی سهو باشد کفاره ندارد و اگر مسئله نداند
در کفاره خلاف است و احوط کفاره است و اگر افطار بحلال باشد کفاره یک بنده آزاد کردن یا دو ماه پی در
پی روزه گرفتن یا شصت مسکین را طعام دادن است و بعضی بترتیب قایل شده اند یعنی اگر قادر باشد بر بنده
آزاد کردن آن مقدم است والا دو ماه روزه و اگر از این نیز عاجز باشد شصت مسکین را طعام بدهد
و قول اول اقوی و ثانی احوط و اگر افطار بحرام کرده باشد مانند شراب و لحم خنزیر و مال مغصوب و استمنا و زنا
و لواطه بعضی از علما قایل شده اند که هر سه کفاره بر او واجب میشود و بعضی مانند افطار بحلال میدانند
و اول احوط است دوم هرگاه در قضای روزه ماه رمضان بعد از زوال افطار کند مشهور آنست که کفاره
واجب است و بعضی سنت میدانند و اشهر و اقوی آنست که کفاره طعام دادن ده مسکین است و اگر عاجز

شود سه روز روزه میگیرد و بعضی مخیّر میان این دو میدانند و بعضی کفارهٔ قسم و بعضی کفارهٔ نذر و بعضی
کفارهٔ افطار ماه رمضان لازم میدانند سیم کفارهٔ ظهار است یعنی بگوید کسی با زن خود انت علیّ
کظهر امّی یعنی تو بر من مانند پشت مادر منی یا خواهر یا سایر محارم علی الاشهر اگر این را بگوید در وقتیکه
زن حایض نباشد و در ان طهر با او جماع نکرده و در حضور دو عادل بگوید پس اگر خواهد که جماع کند
باید که کفاره بدهد و اگر بدون کفاره جماع کند دو کفاره بر او واجب میشود بنابر مشهور و کفاره یك
بنده ازاد کردنست و اگر عاجز شود دو ماه پی در پی روزه داشتن و با عجز شصت مسکین را طعام کردن
چهارم کفارهٔ ایلا است یعنی قسم بخورد که زوجهٔ دائمهٔ خود را چهار ماه یا زیاده وطی نکند و زن او را
نزد حاکم شرع برد و حاکم حکم کند که او را طلاق بگوید یا وطی کند اگر اختیار وطی نماید که کفاره بدهد
و کفاره اش کفارهٔ قسم است که بعد از این مذکور میشود ان شاء الله تعالی پنجم کفارهٔ مخالفت قسم است یا نکه
قسم بخورد باسماء مقدسهٔ خدا بر کردن فعلی که ترکش رجحان نداشته باشد یا نکردن فعلی که فعلش رجحان
نداشته باشد و مخالفت ان قسم نماید و کفاره اش انستکه یك بنده ازاد کند یا ده مسکین را جامه بپوشاند
یا ده مسکین را طعام دهد و اگر از همه عاجز شود سه روز پی در پی روزه بدارد ششم کفارهٔ مخالفت نذر است
یا نکه نذر کند فعل امری اگر راجح باشد یا ترك امریکه مرجوح باشد و مخالفت نماید و کفاره اش بعضی گفته
اند مانند کفارهٔ قسم است و بعضی گفته اند مانند کفارهٔ افطار ماه رمضانست یك بنده ازاد کردن
یا دو ماه روزه گرفتن یا شصت مسکین طعام دادن و بعضی گفته اند که اگر نذر تعلق بروزه داشته باشد
کفاره اش کفارهٔ افطار ماه رمضانست و اگر تعلق بغیر روزه داشته باشد کفاره اش کفارهٔ قسم است
و این قول خالی از قوتی نیست و احوط کفارهٔ ماه رمضانست مطلقا هفتم کفارهٔ مخالفت عهد است
که با خدا عهد کرده باشد که امر راجحی یا غیر مرجوحی بعمل اورد یا ترك کند مرجوحی را یا مرجوحی را و مخالفت
ان عهد نماید در کفاره اش مانند کفارهٔ نذر خلافست و احوط انستکه در نذر و عهد کفاره کفارهٔ رمضان دهند هشتم قسم
خوردن بعنوان بیزاری از خدا و رسول و ائمه علیهم السّلم است و در حرام بودن چنین قسمی خلافی نیست
ولیکن در وجوب کفاره بچنین قسمی یاد کردن خلافست بعضی گفته اند کفاره اش کفارهٔ ظهار است
اوّل بنده ازاد کردن و با عجز از ان دو ماه پی در پی روزه داشتن و با عجز از ان شصت مسکین را طعام کردن
و اگر عاجز شود سه روز متوالی روزه بدارد و بعضی گفته اند کفاره اش کفارهٔ نذر است و ابن بابویه
گفته است که سه روز روزه بدارد و ده مسکین را طعام دهد و بعضی گفته اند گناه کرده است و کفاره
ندارد و در حدیث صحیح وارد شده است که صفار بحضرت امام حسن عسکری نوشت که مردی سوگند یاد
کرده به بیزاری از خدا و رسول و مخالفت کرده توبه و کفارهٔ او چیست حضرت فرمود که ده مسکین را
اطعام دهد هر مسکینی را یك مد و طلب امرزش میکند از خدا و بعضی از علما باین مضمون قایل شده اند
و خالی از قوتی نیست و ایضا خلاف کرده اند که این کفاره برای اصل سوگند خوردنست یا برای
مخالفت سوگند کردن و باید که چنین سوگند یاد نکند و اگر بکند بمحض سوگند عمل بقول اوّل
بکند اگرچه ظاهر انستکه عمل بروایت بمحض نیست نهم بعضی از علما قایل شده اند که زنیکه در مصیبت

ده مسکین را [illegible]

موی سر خود را ببرد کفاره افطار ماه رمضان میدهد بترتیب بقول بعضی و هم چنین بر تخییر بقول بعضی
و بعضی گفته‌اند گناه دارد و کفاره ندارد و در روایتی وارد شده است که کفارهٔ افطار ماه رمضان
لازم است و احوط عمل بروایاتست و بعضی تراشیدن مو را نیز الحاق کرده‌اند ببریدن در وجوب
کفاره دهم هرگاه زنی در مصیبت موی سر خود را بکند یا روی خود را بخراشد یا مردی جامهٔ خود را در مردن
فرزند یا زوجهٔ خود چاک کند کفارهٔ قسم لازم میشود بنا بر قول بعضی و روایتی بر این مضمون وارد شده
است و احوط است هرچند وجوب ثابت نیست یازدهم مردی که با زن دائمی یا متعه یا کنیز خود در ایام حیض جماع
کند بر قول بعضی کفاره واجب دانسته‌اند و بعضی سنت و مشهور میان علما آنست که اگر در اول حیض باشد
یک اشرفی تصدق میکند و اگر در وسط حیض باشد نیم اشرفی و در آخر حیض اگر واقع شود ثلث اشرفی و احوط عدم
ترک کفاره است دوازدهم کسیکه بخواب رود و نماز خفتن نکرده باشد تا نصف شب بگذرد و بعضی گفته
اند واجبست که آن روز را روزه بدارد و اشهر استحبابست و بعضی عامد و ناسی را نیز ملحق کرده‌اند و مشهور
آنست که بر تقدیر وجوب اگر روزه ندارد گناه کرده است و کفاره ندارد و بعضی لازم دانسته‌اند کفارهٔ
افطار ماه رمضان را و این قول ضعیف است و احوط آنست که بگیرد و قضا بگیرد سیزدهم کفارهٔ قتل عمد است آنکه
دانسته کسی را بکشد یا کاری بکند که غالبا کشنده باشد نسبت بکسی واقع سازد و او کشته شود که قصد کشتن نداشته
باشد کفاره اش آنست که یک بنده آزاد کند و دو ماه متوالی روزه بدارد و شصت مسکین را طعام بدهد
چهاردهم کفاره قتل خطا است که کسی را بنادانی بکشد بآنکه قصد قتل نداشته باشد و کاری کند
که غالبا کشنده نباشد و او کشته شود مانند آنکه طفلی را برای تادیب بزند و او بمیرد یا تیری بسوی آهوئی
بیندازد و بشخصی بخورد و کشته شود یا در راه بر کسی بخورد و او بیفتد و بمیرد و اگر خود مباشر قتل نباشد
و کاری بکند که آن سبب قتل شود مثل آنکه چاهی در راهی بکند و کسی در آن چاه بیفتد و بمیرد یا سنگی بر سر
راهی بگذارد و باعث قتل کسی شود مشهور آنست که کفاره لازم نمیشود هرچند دیه لازم شود و کفاره بنده
آزاد کردنست و بعد از عاجز شدن از آن دو ماه متوالی روزه داشتن و بعد از عجز از آن شصت مسکین را
طعام دادن پانزدهم اگر کسی زنی را در عدهٔ دیگری تزویج کند میباید که از آن زن مفارقت کند و بقول بعضی
از علما پنج صاع آرد تصدق کند و احوط آنست که اگر زن دیگر را عقد کند نیز این کفاره را بدهد یا پنج درهم
تصدق کند شانزدهم کسی که مملوک خود را زیاده از حد شرعی بزند بعضی از علما گفته‌اند موافق بعضی از
روایات واجبست که آن مملوک را بکفارهٔ این عمل آزاد کند و این احوط است و اگر او را بعمد بکشد کفارهٔ جمع
دهد و اگر بخطا بکشد کفارهٔ قتل خطا میدهد و واجبست که قیمت آن غلام را تصدق کند بنا بر مشهور هفدهم
کسیکه روزهٔ ماه رمضان را افطار کند بسبب بیماری اگر تا ماه رمضان دیگر بیمار باشد اشهر و اقوی آنست که
قضا ساقط میشود برای هر روزی یک مد یا دو مد طعام میدهد علی الخلاف و بعضی گفته‌اند قضا میکند
و ابن جنید ره گفته است که احتیاطا هر دو را میکند و اگر در ما بین دو رمضان از آن مرض برطرف شود و قادر
بر روزه باشد و بدون عذری تاخیر کند تا آنکه ماه رمضان دیگر بیاید اشهر و اقوی آنست که بعد از
ماه رمضان هم قضا میکند و هم برای هر روزی یک مد یا دو مد میدهد و بعضی کفاره را واجب ندانسته‌اند

کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی

و بعضی گفته اند که کفاره در صورتیست که عزم بر قضا نداشته باشد اگر عازم بر قضا باشد و بعد از تنگ
شدن وقت بیماری یا عذر دیگر عارض شود قضا باید کرد و کفاره نیست و قول اول قوی تر است هیجدهم
نوادر کفارات است از حضرت صادق ع منقولست که کفاره عمل سلطان قضای حوائج مؤمنانست و کفاره غیبت
آنستکه برای آنشخص که او را غیبت کرده است استغفار کند و کفاره مجلس آنستکه چون از مجلس برخیزد بگوید
سُبحانَ رَبِّکَ رَبِّ العِزَّةِ عَمّا یَصِفُونَ وَسَلامٌ عَلَی المُرسَلِینَ وَالحَمدُ لِلّهِ رَبِّ العالَمِینَ و کفاره خنده
آنستکه بگوید اللّهُمَّ لا تَمقُتنِی یعنی خداوندا مرا دشمن مدار و بر من غضب مکن و در حدیث معتبر
از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که هر کس که بدیگری بگوید لا أبَ لَکَ وَلا أُمَّ لَکَ یعنی ترا پدر
مباد یا ترا مادر مباد باید که چیزی تصدق کند و کسیکه بگوید بحق پدرم یا بجان پدرم کفاره اش آنستکه
بگوید لا اله الا الله و خلافست در این نوع از قسم مثل بجان خود یا بجان تو یا بحق پدرم بعضی حرام
دانسته اند و اشهر کراهتست و احوط ترکست و اما احکام کفارات مذکوره پس در چند فصل بیان
میشود اول هرگاه بنده باید آزاد کرد در کفاره قتل میباید که آن بنده مؤمن باشد و در باقی کفارات
خلافست و احوط رعایت ایمانست و در کفاره قتل احوط آنستکه بالغ باشد و در غیر آن مرد و زن
و بالغ و نابالغ مجزیست و باید که آن بنده کور و صاحب خوره و زمین گیر نباشد و مولی جراحتی باو نرسانید
باشد که موجب عتق او باشد و بعضی گفته اند که باید خصی و لال و کر و ولد زنا نباشد و مشهور اجزاست و احوط
ترکست و غلام گریخته را مشهور آنستکه آزاد میتوان کرد تا علم بمرگش بهم نرسد و بعضی شرط کرده اند که خبر از
او برسد و بعضی شرط کرده اند که ظن حیاتش باشد دویم کفاره مرتبه تا از بنده آزاد کردن عاجز نشود
بروزه منتقل نمیشود و هر جا که روزه دو ماه باشد میباید که متوالی بگیرد و متوالی یکماه و یکروز که متصل
بگیرد بعمل میآید باین معنی که اگر بعد از آن بدون عذر افطار کند نباید که از سر بگیرد و اما تفریق جایز است
بعد از آن یا حرام است اول اظهر است و ثانی احوط است و اگر پیش از یکماه و یکروز بی عذر افطار کند از سر میگیرد
و اگر بعذری باشد مانند حیض و نفاس و بیهوشی و دیوانگی و بیماری و سفر ضروری بعد از زوال عذر بنا می
گذارد و تمام میکند و همچنین اگر مجبور شود بر افطار روزه بنا بر اقوی و هر جا که کفاره دو ماه متوالی باشد اگر
کفاره دهنده بنده باشد یکماه پی در پی میگیرد علی الاقوی سیم هر جا که اطعام لازم شود مشهور آنستکه هر یک
را آنقدر طعام بخورانند که سیر شوند و بهتر آنستکه نان خورشی با نان ضم کنند مانند خرما یا گوشت یا سرکه و
بعضی گفته اند میباید چاشت و شام هر دو بمسکین بخورانند آنقدر که سیر شوند و احوط اینست اگر چه اظهر
آنستکه بیکوقت اکتفا توان نمود و اگر خواهد طعام را بمسکین میتواند داد و در مقدار آن خلافست بعضی
یک مد گفته اند و بعضی دو مد و احوط دو مد است و بهتر آنستکه با آن نان خورشی نیز بدهند
چنانچه بعضی واجب دانسته اند و در طعام دادن کوچک و بزرگ تفاوت نمیکند و احوط آنستکه
حصه اطفال را بولی شرعی ایشان بدهد و اگر طعام بخورانند ظاهرا صغیر و کبیر را هم میتوانند ضم کرد
و اگر دو طفل را بجای یکی بگیرد حساب کند احوط است و در یک کفاره دو حصه را بیک مسکین نمیتوان داد
مگر آنکه مستحق یافت نشود و احوط آنستکه تا ممکن باشد بغیر مؤمن ندهد و بر ایشان بسیار پریشان

بدهد که مسکین بر او صادق باشد و مد چهار یک صاع است و صاع یکمن تبریز و چهارده مثقال و ربعی است بنابر مشهور و چون در احادیث اختلاف در تحدید صاع و مد هست احوط انستکه بجای دو مد یکمن شاه تقریبا بدهد چهارم در جائیکه کسوه باید داد در زن پیراهن و مقنعه با هم مجزیست و در مرد بعضی بیکجامه مانند پیراهن اکتفا کرده اند و بعضی دو جامه لازم میدانند و بهتر انستکه پیراهن و قبا بدهد یا قبا و بالاپوش و بهتر انستکه ... شد و جامه طفل را بهتر انستکه برخصت ولی براو بپوشانند پنجم هرگاه از عتق رقبه عاجز شود و شروع کند در روزه و بعد از ان قادر شود بر بنده ازاد کردن روزه او را مجزیست و بهتر انستکه ترک کند روزه را و بنده ازاد کند خصوصا هرگاه کمتر از یکماه و یکروز روزه داشته باشد و جمعی از اصحاب قایل شده اند که هرگاه بر کسی دو ماه متوالی روزه واجب شود و عاجز باشد از گرفتن ان هیجده روز روزه میدارد و اگر نتواند بر هر روزی مدی از طعام میدهد و اگر نتواند برای هر روز بدل ان استغفار میکند و اشهر و اقوی انستکه از هر کفاره که عاجز شود استغفار بدل ان میشود مگر کفاره ظهار که بعضی گفته اند که تا کفاره ندهد وطی زن بر او حلال نمیشود هر چند عاجز باشد و اگر بعد از عجز و استغفار بر کفاره قدرت بهم رساند احوط انستکه باز کفاره را بعمل اورد و چون اکثر مردم ناهلند بکفارات و اسباب انها و بر انها لازم میشود و نمیدانند و مشغول الذمه بحق الهی میمانند لهذا انها را در این رساله کثیر الفایده ایراد نمودم ملتمس از برادران ایمانی انستکه هر گاه از این رساله منتفع گردد در حال حیات یا بعد از وفات این شکسته مستحق دعا را بدعای رحمت و مغفرت یاد کنند و ختم بتفضل الله و سبحانه و تاییده فی شهر الله المعظم شهر رمضان من سنه

سبع و مأة و الف من الهجرة المقدسة علی ید مؤلفه الراجی لکرم

المنان فی محروسة اصفهان صینت من طوارق الحدثان

مع وفور الاشتغال و اختلال الاحوال و توزع

البال و الحمد لله اولا و اخرا و الصلوة

علی سید المرسلین محمد و اله الطاهرین

الاقدمین و لعنة الله علی

اعدائهم

اجمعین

بسعی و اهتمام کمترین راقم الحروف اقل الکتاب و الخلایق محمد بن مرحوم مغفور ملا علی و حسب

لطف الحاج و المعتمر حاج ملا باقر صحاف تمام پذیرفت

فی یوم غره شهر شعبان المعظم فی سنه ۱۲۸۲

ی
س
نو
ان
بن
ان
ازد
مباي
بكون
ذاد
ميش
خلا
وبال
باشا
تركن
اوبرس
برون
بكيردر
ببعض
واكربع
كذاردو
كفاره
انقدر
بعضى كف
انسنك
يكسدك
چناچه
حضرا
واكردو
مكرانكر

طلب جناب مستطاب ملاذ الانام حجة الاسلام آقای آقا [illegible]

مبلغ [illegible] دو هزار [illegible] [illegible]

[illegible] مرحمت [illegible]

دارد [illegible] مرحمت [illegible] آقا [illegible]

[illegible] [illegible]

[illegible] [illegible]

بعرض میرساند حضرت مستطاب حجة الاسلام والمسلمین آقا [illegible]

مدظله رحمت [illegible] که عجالتاً مبلغ [illegible]

[illegible] در حواله مرحمت فرمایند [illegible]

[illegible] [illegible]